

ॐ श्री परमात्मने नमः

श्रीरामाद गीता

॥ ॐ श्रीपरमात्मने नमः ॥

6

श्रीमद् भगवद्गीता

सचित्र साधक-संजीवनी
(परिशिष्टसहित) हिन्दी-टीका



स्वामी रामसुखदास



॥ श्री हरिः ॥

شیریماد بهاگواد گیتا

گیاه زندگی بخش برای جویندگان علم

مقدمه کتاب

فلسفه برهم و حقیقت جاودان

فلسفه برهم موضوع بسیار با ارزش و بخش مهم کتب ودا میباشد. این فلسفه باستانی تلاشی عقلانی برای درک ماهیت هستی، شناخت حقیقت، جسم، روح، اخلاق، مسائل بنیادی زندگی، سرنوشت انسان و جایگاه او در جهان میباشد. این دانش با استفاده از استدلال های منطقی بجای شواهد تجربی به سؤالات عمیق وجودی انسان پاسخ میدهد و "مادر علوم" محسوب میشود. این علم باستانی هزاران سال پیش در هندوستان با نوشته های ودا Veda شروع شد.

مذهب هندو یعنی سناتن ودیک آریا درم Sanatan Vedic Arya بر پایه های علم ودا بنا شده است. ودا شامل مباحث گوناگون از قبیل شناخت وظیفه، عمل، علم برهم، ایمان، اصول اخلاقی، خلقت جهان و موضوعات متعددی میباشد.

هدف نهائی کتب ودا درک حقیقت و شناخت خویشتن میباشد. شیوه زندگی مردم هندوستان از این کتب الهام گرفته است. مردان مقدس و علمای کبیر علمی را که در این کتب ذیقیمت نهفته است از طریق روشهای گوناگون بگوش مردم رسانده و آنرا تا به امروز زنده نگاهداشته اند.

علم برهم مهمترین قسمت از کتب ودا میباشد. این قسمت از ودا شامل بیش از دویست کتاب اوپانیشاد Upanishad میباشد و علمی که از تحصیل این کتب حاصل میشود ودانت نام دارد Vedant. اصل یگانگی برهم و وحدت روح انسان با روح متعال موضوع اصلی اوپانیشاد میباشد.

فیلسوفان و عالمان کبیر هندوستان تفاسیر با ارزشی در باره شناخت حقیقت نوشته و چراغ علم ودانت را روشن نگاه داشته اند. در میان آنها عالمان بزرگی از قبیل آدی شنکرآچاریا مهاراج Aadi

Shankaracharya، سوامی رمن ریشی Swami Raman Rishi، شیری مادھوسودن سراسواتی Madhusudan Sarasvati، سنت شیری کرپاتری مهاراج Sant Sri Karpatri Maharaj، سنت شیری آویموکت ایشورآند ساراسواتی مهاراج Sant Sri Avimuktishwaranand Sarasvati، سوامی پارمانند جی مهاراج Swami Parmanand Maharaj و همچنین عالم کبیر سوامی رام سوکداس مهاراج Swami Ramsukhdas Maharaj را میتوان نام برد.

علم ودانت و کتب اوپانیشاد در بین علوم مربوط به روحانیت و معنویات مقام بسیار والائی دارند. اوپانیشاد معتقد است که همه چیز جهان برهم است و بجز برهم چیز دیگری وجود ندارد. برهم یکی است و دوتا نیست!

علم روحانیت و تقدس را مذهب باستانی سناتن هندو دھرما Sanatan Hindu Dharma به تمام جهان عرضه کرده است.

علم ودا

مذهب باستانی سناتن هندو آریا درم

شیریماد بهاگودا گیتا عصاره کتب اوپانیشاد میباشد. اوپانیشاد بخش آخر کتب مقدس ودا میباشد و موضوع بحث آنها فلسفه ودا و علم برهم است. تحصیل کتب اوپانیشاد در سابق مختص مردان طبقه برهمن بود و طبقات دیگر اجتماع اجاره تحصیل این کتب را نداشتند.

بهاگودا گیتا معتقد است که تحصیل علم برهم برای هر کسی اعم از زن و مرد متعلق بهر طبقه اجتماع لازم است. تفاسیر متعددی در باره گیتا بتوسط عالمان سرشناس دنیا نوشته شده است.

بهاگودا گیتا شرح گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون میباشد. علم وسیع و غنی که شیری کریشنا در ضمن گفتگو با ارجون در اختیار او گذاشته بسیار با ارزش و برای مردم هندوستان مقدس میباشد.

شیوه زندگی و فرهنگ مردم هندوستان از ودا و گیتا الهام گرفته است. این کتاب فقط یک کتاب علمی و فلسفه مربوط به شناخت معنویت و یا فقط مربوط به سنن اجتماعی و آئین مذهبی نیست. هدف نهائی کتب ودا و گیتا شناخت خویشتن، شناخت برهم و رسیدن به درک حقیقت و سعادت معنوی و آزادی از قید ماده میباشد. اسرار این علم و راز موفقیت در زندگی و رسیدن به سعادت معنوی را شیری کریشنا در گیتا به ارجون بیان کرده است.

بهاگودا گیتا که عصاره ودا و اوپانیشاد میباشد علم غنی باستانی ودانت را در اختیار عالمان و محققان معنویت میگذارد. بهاگودا گیتا شامل هفتصد بیت بزبان سانسکریت است و هر یک از آنها دارای معنای عمیق و اسرار نهان میباشد.

بهاگودا گیتا یک اثر ادبی نیست و برای فهمیدن آن صرفاً دانستن زبان و معنای لغات کافی نیست. اسم کامل این کتاب شیریماد بهاگودا گیتا میباشد. کلمه "شیریماد" بمعنای فرخنده است و کلمه "بهاگودا" بمعنای سخنانی است که از زبان شیری بغوان شنیده شده اند و کلمه "گیتا" بمعنای سرود خوشی میباشد.

علم برهم انسان را با حقیقت ابدی آشنا میکند حقیقت یگانه ای که بوده، هست و خواهد بود! علم برهم آتش پاکی است که جهالت انسان را میسوزاند و او را تا به اوج خلوص و مقام والای برهم میرساند. علم برهم انسان را با خویشتن آشنا میکند.

قسمت مهم و آباد شبه قاره هند در کنار رودخانه سیند قرار داشته و قبایلی که در کنار این رودخانه زندگی میکردند با نام سیندو یا هندو شناخته شده بودند و بهمین دلیل مذهب آنها نیز در دنیا با نام مذهب هندو شناخته شده است. در واقع نام صحیح مذهب این قوم سناتن ودیک آریا درم میباشد! سناتن بمعنای "باستانی" است و از آنجائیکه این مذهب برپایه کتب ودا استوار است نام کامل آن "سناتن ودیک آریا درم" میباشد.

"آریا" اقوامی بودند که در اصل معتقد به برهم یگانه ای بودند که در همه چیز و همه کس و همه جا هست. سناتن آریا هندو درم و بطور خلاصه "سناتن درم" در اصل معتقد به بت پرستی و درست کردن بت خدایان نیست و ساختن معبد خدایان نیز در اصل معمول نبوده است. مذهب مردم هندوستان در زمان بسیار قدیم ریاضت کشیدن، تمرکز ذهن، پرستش آتش مقدس و انجام وظایف شخصی بوده است و عالمان بزرگ هنوز هم از آن پیروی میکنند. کتب ودا مردم جامعه را بر پایه طبع آنها به چهار طبقه تقسیم بندی کرده و وظایف خاصی برای هر طبقه انتخاب کرده است.

برهمن آن کسی است که علم برهم را بدرستی یاد میگیرد، تعلیمات آنرا در زندگی روزمره اش بکار میبرد و این علم را به دیگران نیز یاد میدهد.

مذهب سناتن ودیک آریا درم معتقد است که این جهان مادی بی ابتدا و بی انتها که مظهر زنده برهم غیرمادی است نیز بمانند او قابل ستایش و قابل پرستش است. سناتن درم معتقد به خدایان بیشمار است و دارای کتب مقدس بی نظیری میباشد. پایه های این مذهب بر روی پنج اصل استوار قرار دارد که عبارتند از: 1 - پیروی از صلح و اجتناب از خشونت. 2 - راستگویی و درستکاری. 3 - تمیزی جسم و پاکی افکار. 4 - دوری از مادیات، مجرد ماندن و یا وفادار ماندن به یک همسر. 5 - قانع بودن و پرهیز از جمعآوری اموال.

موضوع کتاب

بهاگودا گیتا شرح گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون میباشد. پدر ارجون بنام پاندوا که شاه هندوستان بود در حادثه ای جان خود را از دست داد. در پیتراشترا عموی کور ارجون به تخت شاهی نشست و به ارجون و برادرانش که هنوز بسن بلوغ نرسیده بودند اجازه داد که به همراه مادرشان در دربارش زندگی کنند. ارجون و برادرانش بعد از رسیدن بسن بلوغ از عموی خود خواستند که زمین ها و تخت شاهی را که حق پدرشان بود بآنها پس بدهد ولیکن در پیتراشترا که طمع ثروت و علاقه به پسرانش چشمانش را کور کرده بود همه چیز دنیا را فقط برای خود و یکصد پسرانش میخواست و بهمین دلیل از دادن حق پسران برادرش بآنها خودداری کرد و با طرفداری یک جانبه از پسرانش باعث جنگ بین پسران خود و پسران برادرش شد. در پیتراشترا تصور میکرد که با دادن ثروت و تخت شاهی به پسرانش میتواند خوشبختی آنها را تضمین کند ولی نمیدانست که همین اشتباهش باعث از دست دادن فرزندانش خواهد شد.

کریشنا پسر عمه ارجون و چهار برادرانش و همچنین پسر عمه پسران پادشاه در پیتراشترا است و به هر دوی این خانواده بطور یکسان علاقه دارد. کریشنا یک شخصیت خارق العاده و بی نظیر است ولی افراد خانواده او را یک شخص معمولی تصور میکنند. ارجون و برادرانش بدلیل طبع پاک که دارند ذاتاً باو علاقه خاصی دارند ولی پسران در پیتراشترا بدلیل ثروت پدرشان مغرور، طماع و زورگو هستند و به کریشنا و سخنانش اهمیتی نمیدهند.

در این جنگ شیری کریشنا خودش و ثروتش را در اختیار هر دو خانواده قرار داده و از آنها میخواهد که بین او و ثروتش یکی را انتخاب کنند. دوریودنا پسر ارشد در پیتراشترا ثروت او را خواست ولی ارجون خردمند کریشنا را انتخاب کرد و از او خواست که در این جنگ در کنار او باشد و او را هدایت کند و باین ترتیب افسار اسبهای اربابش را بدست شیری کریشنا سپرد!

آتش مقدس

در مذهب سناتن هندو درم برگزاری تمام مراسم جشن و شادمانی از قبیل مراسم عروسی، جشن تولد فرزندان، خرید خانه و یا پایه گذاری ساختمان خانه، آغاز کسب و کار و غیره با پرستش آتش مقدس آغاز میشود. این مراسم فرخنده و بسیار زیبا را یک یا چند پاندیت با روشن کردن آتش در آتشدان و خواندن مانترای مخصوص پرستش آتش بنام پاوامانا برگزار میکنند. این مانترا در یکی از کتب باستانی اوپانیشادا بنام بروهدارانیکا ذکر شده است.

पवमाना मंत्र

ॐ असतो मा सद्गमय ।

तमसो मा ज्योतिर्गमय ।

मृत्योर्मा अमृतं गमय ॥

ॐ शान्तिः शान्तिः शान्तिः

Asato ma sadgamaya |

Tamaso ma jyotirgamaya |

Mrutyorma amrutam gamaya |

Om shanti shanti shantihi

پرستش آتش مقدس

مرا از دروغ به حقیقت هدایت کن،
مرا از تاریکی جهل به روشنائی علم هدایت کن،
مرا از مرگ به زندگی جاودان هدایت کن.
آرامش آرامش آرامش !



॥ ॐ श्री परमात्मने नमः ॥

بخش اول

धृतराष्ट्र उवाच

धर्मक्षेत्रे कुरुक्षेत्रे समवेता युयुत्सवः।

मामकाः पाण्डवाश्चैव किमकुर्वत सञ्जय॥१॥

ترجمه: در پرتراشترا به سانجای گفت: لطفاً جریان جنگی را که بزودی بین پسران من و پسران برادرم آغاز خواهد شد برایم تعریف کن. بنظر تو در این جنگ پیروزی با کدامیک از ایندو لشگر خواهد بود؟

تفسیر: پادشاه در پرتراشترا در زندگی فقط به پیروزی و شکست و سود و زیان فکر میکند. او فقط علاقمند به پیروزی خودش و پسرانش است. او که طمع بسیار به ثروت و شهرت دارد و وابستگی بیش از حد به فرزندانش چشمهایش را کور کرده بدرستی نمیتواند صحیح و غلط را از یکدیگر تشخیص بدهد.

~~~~~

सञ्जय उवाच

दृष्ट्वा तु पाण्डवानीकं व्यूढं दुर्योधनस्तदा ।

आचार्यमुपसङ्गम्य राजा वचनमब्रवीत् ॥२॥

**ترجمه:** وزیر در پرتراشترا بنام سانجای با بصیرت خارق العاده ای که استادش بنام ودا ویاسا باو داده بود میتوانست همه چیز را از راه دور ببیند و بشنود. او منظره میدان جنگ را در حالیکه در دربار نشسته بود میدید.

**تفسیر:** سانجای گفت: من میبینم که دوریودنا، پسر ارشد شما از دیدن لشگر منظم و آراسته پسر عموهایش تحت تأثیر قرار گرفته و با نگرانی منتظر جنگ است.



تعداد سربازان و وسائل جنگی پانداوها (ارجون و چهار برادرانش) کمتر از کوراوها (یکصد پسران درینراشترا) و سربازانشان هستند ولی بدلیل انضباط و اتحادی که این پنج برادر با هم دارند و بدلیل اینکه شیری کریشنا در کنارشان است بر یکصد برادران کوراوها و لشگر و ثروت بیکران آنها برتری دارند.



पश्यैतां पाण्डुपुत्राणामाचार्य महर्तीं चमूम् ।

व्यूढां द्रुपदपुत्रेण तव शिष्येण धीमता ॥३॥

**ترجمه:** دوریودنا تحت تأثیر عظمت لشگر مقابل قرار گرفته و سعی میکند که با سخنانش رهبران لشگر و سربازان و قوای نظامی خود را دلگرمی بدهد.

**تفسیر:** دوریودنا بخوبی میداند که سربازانش باید اعتماد به نفس خود را حفظ کنند. زیرا در هر کاری اعتماد به نفس مهمترین رل را در موفقیت انسان بازی میکنند.



अत्र शूरा महेष्वासा भीमार्जुनसमा युधि ।

युयुधानो विराटश्च द्रुपदश्च महारथः ॥४॥

**ترجمه:** سانجای ادامه داد: در میان لشگر پانداوها قهرمانان و تیراندازان ماهر بسیاری هستند که از نظر مهارتهای جنگی بی نظیر میباشند.

**تفسیر:** ارجون طی سالها ریاضت، پرهیزکاری و پرستش خدایان موفق به جلب خوشنودی خدایان شده و از آنها آلات و اسرار جنگی بسیاری کسب کرده و کسی در دنیا قادر به مقابله با او نبود. برادران ارجون علاوه بر دلاوری و مهارت در فنون جنگی دارای خصوصیات خوب اخلاقی بوده و همین دلیل برتری آنها بر لشگر دوریودنا بود و در پیروزی آنها تأثیر بسیاری داشت.



धृष्टकेतुश्चेकितानः काशिराजश्च वीर्यवान् ।

पुरुजित्कुन्तिभोजश्च शैब्यश्च नरपुङ्गवः ॥५॥

युधामन्युश्च विक्रान्त उत्तमौजाश्च वीर्यवान् ।

सौभद्रो द्रौपदेयाश्च सर्व एव महारथाः ॥६॥

**ترجمه:** پسر ارجون بنام آبیمانیو که مثل خودش فنون جنگی بسیاری را آموخته به همراه سربازان و پادشاهان جنگجوی بسیاری در این لشکر شرکت دارند.

**تفسیر:** همسر ارجون زن پرهیزکار و دارای صفات اخلاقی بسیار عالی بود. او در دوران حاملگی اش داستان زندگی مردان با تقوا و شهامت سربازان دلاور را به فرزند درون شکمش گفته بود و بهمین دلیل پسرش آبیمانیو نیز مثل پدرش در دلاوری و درستیکاری بی نظیر بود.

~~~~~

अस्माकं तु विशिष्टा ये तान्निबोध द्विजोत्तम ।

नायका मम सैन्यस्य सञ्ज्ञार्थं तान्ब्रवीमि ते ॥७॥

भवान्भीष्मश्च कर्णश्च कृपश्च समितिञ्जयः ।

अश्वत्थामा विकर्णश्च सौमदत्तिस्तथैव च ॥८॥

ترجمه: سانجای گفت: در جمع لشکر سربازان شما نیز جنگجویان قدرتمندی حضور دارند که عمر جاودان دارند و دلاورانی هستند که تا بحال در هر جنگی پیروز شده اند.

تفسیر: در لشکر ما استادان ماهری از قبیل کریپاچاریا نیز حضور دارند که با تمرکز افکارشان میتوانند دشمن را شکست بدهند. در بین سربازان ما دلاورانی حضور دارند که عمق شهامت آنها را کسی نمیداند. سربازان لشکر پسر شما علاوه بر مهارت در فنون جنگی مجهز به بهترین وسایل جنگی میباشند و ثروت بیکرانی که پسر شما در اختیار دارد پشتوانه بزرگی برای این لشکر میباشد.

ثروت دوریودنا او را آنچنان مغرور کرده که علیرغم اطلاع از عظمت لشکر پانداوها تصور میکند که پیروزی حتمی با آنها خواهد بود.

~~~~~

अन्ये च बहवः शूरा मदर्थे त्यक्तजीविताः ।

नानाशस्त्रप्रहरणाः सर्वे युद्धविशारदाः ॥९॥

अपर्याप्तं तदस्माकं बलं भीष्माभिरक्षितम् ।

पर्याप्तं त्विदमेतेषां बलं भीमाभिरक्षितम् ॥१०॥

अयनेषु च सर्वेषु यथाभागमवस्थिताः ।

भीष्ममेवाभिरक्षन्तु भवन्तः सर्व एव हि ॥११॥

**ترجمه:** دوریودنا به سربازان دستور داد که همگی از دستورات پدر بزرگش بیشم که در این جنگ مقام سر لشگری را دارد اطاعت کنند.

**تفسیر:** پدر بزرگ دوریودنا سر لشگر سربازان اوست ولیکن قلباً به ارجون و برادرانش علاقه بسیاری دارد! دوریودنا سعی میکند توجه و علاقه پدر بزرگشان را بسوی لشگر خود جلب کند.

اشخاص گناهکار همیشه نگران هستند. آنها که به ثروت خود میبالند در درون مثل طبل تو خالی هستند و برای موفقیت در زندگی همیشه به نیرنگ متوسل میشوند. ارجون و برادرانش مردان با ایمان و پیرو اصول اخلاقی هستند و بهمین دلیل از چیزی و اهمه ندارند و برای پیروزی احتیاج به نیرنگ و زیرکی ندارد.



तस्य सञ्जनयन्हर्ष कुरुवृद्धः पितामहः ।

सिंहनादं विनद्योच्चैः शङ्खं दध्मौ प्रतापवान् ॥१२॥

**ترجمه:** بیشم شیپور خود را بعنوان آغاز جنگ بصدا در آورد و از شنیدن این صدا در دل دوریودنا هیجان عظیمی برپا شد.

**تفسیر:** دوریودنا، ارجون و برادرانشان همگی متعلق به خاندان کور اوها میباشند. پدر بزرگشان بنام بیشم مردی عالم و بسیار متدین بود. او که از جوانی از ازدواج کردن و از نشستن بر تخت شاهی امتناع کرده بود زندگی ساده و پر از ریاضت را در پیش گرفته بود. او فنون جنگی را از خدای شهامت آموخته و تمام افراد خانواده باو احترام خاصی قائل بودند.



ततः शङ्खश्च भेर्यश्च पणवानकगोमुखाः ।

सहसैवाभ्यहन्यन्त स शब्दस्तुमुलोऽभवत् ॥१३॥

**ترجمه:** قهرمانان دیگر نیز شیپورهای جنگی خود را بیکباره صدا در آوردند و صدای بوق و ناقاره و زنگ و طبل ها بر هوا برخاست .  
**تفسیر:** جنگجویان دلاور مثل شیرهای غران بازوان قوی و سینه های فراخشان را با افتخار نگاه میکردند . برهمای خالق و خدایان دیگر در بهشت برای دیدن این جنگ با بی صبری انتظار میکشید .

~~~~~

ततः श्वेतैर्हयैर्युक्ते महति स्यन्दने सिथितौ।

माधवः पाण्डवश्चैव दिव्यौ शङ्खौ प्रदध्मतुः॥१४॥

ترجمه: ارجون و شیری کریشنا سوار بر ارابه سفید درخشانی که از سوی خدای آتش به ارجون هدیه داده شده بود در یکسوی میدان ظاهر شدند. در بالای این ارابه پرچم باشکوه شیری هنومان Hanuman هनुमान ، خدای عقل و شهامت در اهتزاز بود.

تفسیر: شیری کریشنا در حالیکه افسار پنج اسبهای این ارابه را در دست دارد در جلوی ارابه نشسته و در پشت او ارجون قرار دارد. زیبایی این ارابه غیرقابل توصیف است!
 شیری کریشنا بزرگترین عالم و یوگی بی نظیر علاقه بسیاری به ارجون دارد و به درخواست ارجون کار ارابه رانی او را بعهده گرفته تا بتواند در میدان جنگ او را رهنمائی کند.

~~~~~

पाञ्चजन्यं हृषीकेशो देवदत्तं धनञ्जयः।

पौण्ड्रं दध्मौ महाशङ्खं भीमकर्मा वृकोदरः॥१५॥

अनन्तविजयं राजा कुन्तीपुत्रो युधिष्ठिरः।

नकुलः सहदेवश्च घोषमणिपुष्पकौ॥१६॥

**ترجمه:** شیری کریشنا و ارجون شیپورهای جنگی خود را بعنوان اعلان جنگ بصدا در آوردند و سپس برادران ارجون نیز بنوبه خود شیپورهایشان را نواختند و آمادگی خود را برای جنگ اعلان کردند.

**تفسیر:** ارجون و برادرانش که مردم صلحجویی بودند اجازه دادند که آغاز جنگ را دوریودنا اعلان کند و بدنبال او کریشنا، ارجون و افراد لشگرش آمادگی خود را برای آغاز جنگ را اعلان کردند.

~~~~~

काश्यश्च परमेष्वासः शिखण्डी च महारथः।
 धृष्टद्युम्नो विराटश्च सात्याकिश्चापराजितः॥१७॥
 द्रुपदो द्रौपदेयाश्च सर्वशः पृथिवीपते।
 सौभद्रश्च महाबाहुः शङ्खान्दधमुः पृथक् पृथक्॥१८॥
 स घोषो धार्तराष्ट्राणां हृदयानि व्यदारयत्।
 नभश्च पृथिवीं चैव तुमुलो व्यनुनादयन्॥१९॥

ترجمه: سرداران دلیر دیگر نیز بنوبه خود بدنبال آنها را نواختن شیپورهای خود آغاز جنگ را اعلان کردند.

تفسیر: این صدای مهیب در آسمان پیچید و در قلب پسران پادشاه دریتراشترا و افسران و سربازان جنگی آنها ایجاد وحشت کرد.

~~~~~

थ व्यवस्थितान्दृष्ट्वा धार्तराष्ट्रान् कपिध्वजः।  
 प्रवृत्ते शस्त्रसम्पाते धनुरुद्यम्य पाण्डवः॥२०॥

**ترجمه:** ارجون با شنیدن صدای شیپور دشمن بلافاصله تیرو کمانش را برداشت و برای حمله آماده شد.

**تفسیر:** ارجون علاوه بر شهامت صفات نیک و ایمان او به شیری هنومان باعث موفقیت او در تمام کارها بود. در این میدان جنگ نیز پرچم هنومان بر بالای اربابه ارجون بر اهتزاز است و از او حمایت میکند.

~~~~~

अर्जुन उवाच

हृषीकेशं तदा वाक्यमिदमाह महीपते ।

सेनयोरुभयोर्मध्ये रथं स्थापय मेऽच्युत ॥२१॥

यावदेतान्निरिक्षेऽहं योद्धुकामदनवस्थितान् ।

कैर्मया सह योद्धव्यमस्मिन्नणसमुद्यमे ॥२२॥

ترجمه: ارجون به کریشنا گفت: لطفاً اربه مرا بوسط میدان ببر! من میخوام کسانی را که در مقابل ما قرار دارند ببینم. کریشنا بلافاصله اربه را بوسط میدان برد و گفت: نگاه کن ارجون!

تفسیر: ارجون در مقابل خود کسانی را میدید که برایش بسیار عزیز و محترم بودند! کسانی که او هرگز تصور نمیکرد که یکروز وادار به جنگیدن با آنها بشود. ارجون بخاطر وابستگی شدیدی که به اقوام و عزیزانش داشت با دیدن آنها در آن میدان جنگ دچار یأس و نگرانی شد و تمام وجودش بلرزه افتاد و تیر و کمان از دستش بزمین افتاد. ارجون یک سرباز دلاور است و از جنگیدن نمیترسد ولی رشته نازکی که انسان را به اقوام و فامیلش پیوند میدهد میتواند قویترین مرد را نیز از پای در آورد. در اینجا احساسات ارجون بر عقلش غلبه کرده و نمیگذاشت او بدرستی تصمیم بگیرد.

~~~~~

योत्स्यमानानवेक्षेऽहं य एतेऽत्र समागताः ।

धार्तराष्ट्रस्य दुर्बुद्धेर्युद्धे प्रियचिकीर्षवः ॥२३॥

**ترجمه:** ارجون گفت: من میخوام ببینم که چه کسانی برای خوشنود کردن شخص شیطان صفتی مثل دویودنا به اینجا آمده اند. اینها اگر واقعاً خیرخواه دویودنا بودند باید او را از این جنگ منصرف میکردند.

~~~~~

सञ्जय उवाच

एवमुक्तो हृषीकेशो गुडाकेशन भारत ।

सेनयोरुभयोर्मध्ये स्थापयित्वा रथोत्तमम् ॥२४॥

भीष्मद्रोणप्रमुखतः सर्वेषां च महीक्षिताम् ।

उवाच पार्थ पश्यैतान् समवेतान्कुरुनिति ॥२५॥

ترجمه: سانجای گفت: شیری کریشنا بدرخواست ارجون ارايه او را بمیان دو لشکر برد و گفت که فامیل و آشنایانت را ببین که برای جنگیدن با تو باینجا آمده اند.

تفسیر: در حقیقت طبع خود انسان است که او را وادار به انجام دادن کارها میکند و شخص دیگر یا چیز دیگری در آن دخالت ندارد. طبع انسان از اعمال گذشته او درست میشود و نسبت به خوبی یا بدی اعمالش طبع او نیز خوب یا بد میشود. کسانی که در این میدان در مقابل ارجون قرار گرفته اند در واقع نتیجه اعمال خود ارجون میباشند و ارجون باید با آنها مقابله کند. تصمیم گیری درست و بموقع برای ارجون بسیار حائز اهمیت بود و بهمین دلیل او از کریشنا تقاضای کمک و راهنمایی کرد.

~~~~~

तत्रापश्यत्स्थितान् पार्थः पितृनथ पितामहान् ।

आचार्यान्मातुलान्भ्रातृन्पुत्रान्पौत्रान्सखींस्तथा ॥२६॥

श्वशुरान् सुहृदश्चैव सेनयोरुभयोरपि ।

तान्समीक्ष्य स कौन्तेयः सर्वान्बन्धूनवस्थितान् ॥२७॥

**ترجمه:** ارجون در بین لشکر مقابل عده بسیاری از بزرگان و افراد فامیل، آشنایان و همچنین استادان و اقوام دور و نزدیک خود را به همراه پسرعموهایش دید که برای جنگیدن با او و سربازانش بمیدان آمده بودند و دستخوش نگرانی شد.

**تفسیر:** ارجون با خود فکر میکرد که در هر دو طرف میدان افراد فامیل خود من هستند! هر که کشته شود فامیل من است و این جنگ در هر صورت باعث نابودی قوم ما خواهد شد. ارجون بخاطر وابستگی به افراد خانواده اش دستخوش احساسات شد و ضعف شدیدی وجودش را فرا گرفت.

محبت جزئی از ذات پاک انسان و یکی از خصوصیات قابل ستایش او است. هر کسی فامیل و اقوام خود را متعلق بخود میداند و این حس مالکیت باعث احساس وابستگی بآنها میشود. محبت نشانگر سرشت پاک انسان است ولی احساس وابسته بودن بآنها دلیل جهالت است و انسان را در قید خود نگاهمیدارد. احساس وابستگی به کسی یا چیزی باعث ضعف انسان میشود و انسان تصور میکند که بدون آن کس یا آن چیز نمیتواند زندگی کند.

~~~~~

अर्जुन उवाच

कृपया परयाविष्टो विषीदन्निदमब्रवीत् ।

दृष्ट्वेमं स्वजनं कृष्ण युयुत्सुं समुपस्थितम् ॥२८॥

सीदन्ति मम गात्राणि मुखं च परिशुष्यति ।

वेपथुश्च शरीरे मे रोमहर्षश्च जायते ॥२९॥

ترجمه: ارجون گفت: ای کریشنا! من با مشاهده این منظره و دیدن افراد این دو خانواده که در مقابل هم ایستاده و آماده جنگیدن با یکدیگر هستند دچار ترس و نگرانی شده ام و تمام اعضاء بدنم بلرزه افتاده است.

~~~~~

गाण्डीवं स्त्रंसते हस्तात्वक्चैव परिदह्यते ।

न च शक्नोम्यवस्थातुं भ्रमतीव च मे मनः ॥३०॥

**ترجمه:** احساس ترس و نگرانی سراپای وجودم را فراگرفته است. من قادر به حفظ تیر و کمان در دستم نیستم و احساس میکنم که بزودی بیهوش خواهم شد.

**تفسیر:** ارجون که حتی در جنگ با غولهای آدمخوار نیز بر آنها پیروز شده بود حالا گرفتار احساس وابستگی به اقوام و آشنایانش شده و احساس ضعف میکرد. گفته میشود که زنبور سیاه هر نوع چوب محکمی را میتواند سوراخ کند ولیکن گرفتار یک گل خوشبو میشود و با فرار سیدن شب در میان برگهای ظریف آن گل جان میدهد و میمیرد. رهائی از رشته



ظریف وابستگی به اقوام و خویشان نیز حتی برای افراد شجاع هم دشوار میباشد.

~~~~~

निमित्तानि च पश्यामि विपरीतानि केशव ।

न च श्रेयोऽनुपश्यामि हत्वा स्वजनमाहवे ॥३१॥

ترجمه: ای کریشنا! من فکر میکنم که این جنگ خوش یمن نیست و من با کشتن افراد فامیل و خویشانم هرگز به خوشی نخواهم رسید . با کشتن اینها من گناه بزرگی مرتکب خواهم شد! این جنگ نتیجه خوبی نخواهد داشت.

تفسیر: ارجون دچار احساسات شده و نمیتواند حقیقت را ببیند بلکه فقط آنچه را که واقع میشود یعنی واقعیت را میبیند. و سعی میکند کریشنا را متقاعد کرده از میدان جنگ فرار کند.

~~~~~

न काङ्क्षे विजयं कृष्णं न च राज्यं सुखानि च ।

किं नो राज्येन गोविन्द किं भोगैर्जीवितेन वा ॥३२॥

**ترجمه:** ما حتی اگر در این جنگ پیروز شویم و همه خوشی های دنیا نصیب ما شود چطور میتوانیم از آن خوشیها لذت ببریم؟ من پیروزی نمیخواهم، ثروت و تخت و تاج شاهی را هم نمیخواهم . من نمیفهمم ما از این جنگ چه میخواهیم؟

~~~~~

येषामर्थे काङ्क्षितं नो राज्यं भोगाः सुखानि च ।

त इमेऽवस्थिता युद्धे पराणांस्त्यक्त्वा धनानि च ॥३३॥

ترجمه: ما ثروت و خوشیهای دنیا را فقط برای خودمان نمیخواهیم بلکه برای فامیل و خویشان دور و نزدیک خود میخواهیم. بدون آنها پیروزی چه لذتی خواهد داشت؟

تفسیر: ارجون از جنگیدن نمیترسد و به شکست فکر نمیکند. او مطمئن است که در این جنگ پیروزی با اوست ولیکن ترس از دست دادن

عزیزانش او را از این جنگ افسرده و نگران کرده است. این نگرانی برای یک سرباز بوقت انجام وظیفه در میدان جنگ درست نیست!

~~~~~

आचार्याः पितरः पुत्रास्तथैव च पितामहाः ।

मातुलाः श्वशुराः पौत्राः श्यालाः सम्बन्धिनस्तथा ॥३४॥

**ترجمه:** در میان اینها کسانی هستند که من حاضرم حتی جانم را فدایشانم کنم. من چگونه میتوانم با آنها بجنگم؟ زندگی بدون اینها چه ارزشی خواهد داشت.

एतान्न हन्तुमिच्छामि घ्नतोऽपि मधुसूदन ।

अपि त्रैलोक्यराज्यस्य हेतोः किं नु महीकृते ॥३५॥

**ترجمه:** حتی اگر بمن پادشاهی سه دنیا (زمین، بهشت و جهنم) هم داده شود من حاضر به کشتن افراد خانواده ام نخواهم شد. اگر من امروز این خطای عظیم را مرتکب شوم فردا چه کسی مرا محترم خواهد شمرد؟  
**تفسیر:** من زندگی ام را مدیون الطاف بزرگان خانواده مان میدانم و باید بآنها خدمت کنم و حمایت از کوچکترها وظیفه من است.

~~~~~

निहत्य धार्तराष्ट्रान्नः का परीतिः स्याज्जनार्दन ।

पापमेवाश्रयेदस्मान्हत्वैतानाततायिनः ॥३६॥

तस्मान्नार्हा वयं हन्तुं धार्तराष्ट्रान् स्वबान्धवान् ।

स्वजनं हि कथं हत्वा सुखिनः स्याम माधव ॥३७॥

ترجمه: بعد از این جنگ ما چگونه میتوانیم آسایش خاطر داشته باشیم! همانطور که بعد از آتش گرفتن باغ سرسبز چلچله ها آن ویرانه را ترک میکنند تو هم مرا بعد از ارتکاب این گناه بزرگ ترک خواهی کرد. ما نباید فراموش کنیم که بخشش و صلحجویی جزو اصول و پایه های اولیه مرام اجداد ما میباشد. اینگونه اشتباهات در شأن ما نیست.

تفسیر: ارجون بدلیل احساس وابستگی به اقوامش وظیفه خود بعنوان یک سرباز را فراموش کرده است زیرا وقتیکه انسان در قید وابستگی باشد منطق او کار نمیکند و انسان بدون منطق نمیتواند بدرستی تصمیم بگیرد.

~~~~~

यद्यप्येते न पश्यन्ति लोभोपहतचेतसः।  
 कुलक्षयकृतं दोषं मित्रद्रोहे च पातकम्॥३८॥  
 कथं न ज्ञेयमस्माभिः पापादस्मान्निवर्तितुम्।  
 कुलक्षयकृतं दोषं प्रपश्यद्भिर्जनार्दन॥३९॥

**ترجمه:** دوریودنا شخص طمعکاری است که هرگز نمیتواند از آنچه که دارد احساس رضایت کند و برای رسیدن به خواسته هایش هرکاری میکند و به عواقب کار نمیاندیشد ولی من میخواهم از گناه اجتناب کنم.

**تفسیر:** در دنیا مردم بسیاری هستند ولی ما فقط از بودن در جوار اقوام و خویشان خود احساس امنیت و خوشی میکنیم و دوری از آنها باعث احساس غم و ناراحتی برایمان میشود زیرا ما تصور میکنیم که آنها متعلق بما هستند ولیکن حقیقت این است که انسان مالک کسی یا چیزی نیست! همه کس و همه چیز متعلق به پرماست! میباشد.

انسان بدلیل جهالتی که دارد نسبت به اشیاء دنیا احساس مالکیت میکند! این دنیا پر از مسرت ابدی است، مسرتی که در ماوراء خوشی و غمهای دنیا است و فقط کسی میتواند آنرا تجربه کند که از اشیاء فانی دنیا بگذرد.

انسان بخاطر طمعی که دارد برای بدست آوردن بسیاری از اشیاء تلاش میکند بدون اینکه واقعاً بآنها نیازی داشته باشد.

~~~~~

कुलक्षये प्रणश्यन्ति कुलधर्माः सनातनाः।
 धर्मे नष्टे कुलं कृत्स्नमधर्मोऽभिभवत्युत॥४०॥

ترجمه: ارجون در حال ناامیدی ادامه داد: در اثر این جنگ ارزشهای اخلاقی در جامعه ضعیف خواهند شد و آئین و سنت های قدیمی ما از بین خواهند رفت و مردم وظایف خود را فراموش خواهند کرد.

همانطور که از سائیدن دو تکه چوب بیکدیگر آتش تولید میشود و همان آتش هر دو تکه را میسوزاند نزاع بین دو نفر از یک خانواده نیز باعث ایجاد آتش خشونت و نابودی آن قوم میشود.

~~~~~

अधर्माभिभवात्कृष्ण प्रदुष्यन्ति कुलस्त्रियः।  
 स्त्रीषु दुष्टासु वाष्णीय जायते वर्णसङ्करः॥४१॥  
 सङ्करो नरकायैव कुलधनानां कुलस्य च।  
 पतन्ति पितरो ह्येषां लुप्तपिण्डोदकक्रियाः॥४२॥

**ترجمه:** با افزایش فساد اخلاقی در اجتماع زنان خانواده های شریف با مردان پست معاشرت کرده و باعث از بین رفتن اصول پاک اخلاقی خواهند شد. فرزندان این خانواده ها اصول اخلاقی و وظایف خود را فراموش کرده و باعث نابسامانی قوم و رفتن اجداد ما به جهنم خواهند شد.

~~~~~

दोषैरेतैः कुलधनां वर्णसङ्करकारकैः।
 उत्साद्यन्ते जातिधर्माः कुलधर्माश्च शाश्वताः॥४३॥
 उत्सन्नकुलधर्माणां मनुष्याणां जनार्दन।
 नरकेऽनियतं वासो भवतीत्यनुशुश्रुम्॥४४॥

ترجمه: فساد اخلاقی باعث از بین رفتن طبقات اجتماعی خواهد شد و مردم هر طبقه وظایف قوم خود را فراموش خواهند کرد.

~~~~~

अहो बत महत्पापं कर्तुं व्यवसिता वयम्।  
 यद्राज्यसुखलोभेन हन्तुं स्वजनमुद्यताः॥४५॥

**ترجمه:** ای کریشنا! جای تعجب است که ما علیرغم دانستن این حقایق برای ارتکاب این خطای بزرگ آماده شده ایم! و حاضریم که بخاطر بدست آوردن املاک و تخت شاهی افراد فامیل خود را بقتل برسانیم.

**تفسیر:** ارجون که دستخوش احساسات شده عقل و منطق خود را باخته و وظیفه اش را فراموش کرده بود و برای کسانی که بمیدان جنگ آمده و برای کشتن او آماده شده اند دلسوزی میکرد!

~~~~~

यदि मामप्रतीकारमशस्त्रं शस्त्रपाणयः।

धार्तराष्ट्रा रणे हन्युस्तन्मे क्षेमतरं भवेत्॥४६॥

ترجمه: ارجون ادامه داد: حتی اگر در اینجا پسر عموهایم مرا با نامردی بکشند بهتر از این خواهد بود که من بزرگان فامیل و اقوام خود را بکشم. من با این جنگ و ستیز مخالفم و حاضر نیستم بجنگم.

تفسیر: شیری کریشنا اجازه داد که ارجون به سخنانش ادامه بدهد بدون اینکه باو ایرادی بگیرد.

~~~~~

सञ्जय उवाच

एवमुक्तवार्जुनः सङ्खये रथोपस्थ उपाविशत् ।

विसृज्य सशरं चापं शोकसंविग्नमानसः ॥४७॥

**ترجمه:** سانجای گفت: ارجون در حالیکه بسیار نگران بود تیر و کمان از دستش بزمین افتاد و در پشت ارابه بروی زمین نشست.

**تفسیر:** ارجون که از نظر فنون جنگی و هنرهای دیگر بی نظیر بود تمام قوایش را از دست داد و شجاعت و مهارت خود را فراموش کرد.

پایان بخش اول بهاگواد گیتا – علم برهم  
گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون

\*\*\*\*\*

॥ ॐ श्री परमात्मने नमः ॥

## بخش دوم

सञ्जय उवाच

तं तथा कृपयाविष्टमश्रुपूर्णकुलेक्षणम् ।

विषीदन्तमिदं वाक्यमुवाच मधुसूदनः ॥१॥

**ترجمه:** سانجای گفت! ارجون، آن مرد دلیر مثل اشخاص بیعرضه بزانو افتاد و بیحال شد. اشک جلوی چشمانش را گرفته بود و او جایی را نمیتوانست ببیند. در این حال شیری کریشنا با او آغاز به سخن کرد.

~~~~~

श्रीभगवानुवाच

कुतस्त्वा कश्मलमिदं विषमे समुपस्थितम् ।

अनार्यजुष्टमस्वर्ग्यमकीर्तिकरमर्जुन ॥२॥

ترجمه: شیری کریشنا گفت : ارجون! تو این بیعرضگی را در این شرایط دشوار و خطرناک از کجا آورده ای؟ این طرز فکر تو در این موقعیت باعث شکست تو خواهد شد. تو در مقابل احساسات ضعیف شده و قدرت خود را فراموش کرده ای.

تفسیر: در دنیا سه نوع مردم هستند 1- مردم خردمندی که کارها را با در نظر گرفتن فواید معنوی و رسیدن به سعادت و موکشا انجام میدهند. 2- مردم خیرّی که با در نظر گرفتن صواب و رفتن به بهشت کارها را انجام میدهند. 3- مردم معمولی که فقط برای کسب منافع و خوشیهای زودگذر دنیا کارها را انجام میدهند.

~~~~~

कलैब्यं मा स्म गमः पार्थ नैतत्त्वय्युपपद्यते ।

क्षुद्रं हृदयदौर्बल्यं त्यक्त्वोत्तिष्ठ परन्तप ॥३॥

**ترجمه:** ای ارجون! ترک وظیفه و فرار از میدان جنگ کار نامردان است. ای مرد ریاضتمند! تو متعلق به خانواده ای از طبقه سربازان هستی و این رفتار بچگانه در شأن تو نیست! برخیز و برای جنگ آماده باش!  
**تفسیر:** مشکلات بزرگ و کوچک در زندگی بسراغ هر کسی می آیند ولی اشخاص خردمند اراده، کاردانی و قدرت تصمیم گیری خود را بکار میبرند و از این موقعیتهای به بهترین نحو استفاده میکنند. مشکلات زندگی برای اینگونه مردان همانند آتشی است که آنها را مثل طلای ناخالص میسوزاند و تبدیل به طلای خالص میکند. کریشنا میداند که انجام وظیفه از هر نظر بنفع انسان است و بهمین دلیل ارجون را برای انجام وظیفه اش تشویق میکند.

~~~~~

अर्जुन उवाच

कथं भीष्ममहं सङ्खये द्रोणं च मधुसूदन ।

इषुभिः प्रति योत्स्यमि पूजार्हावरिसूदन ॥४॥

ترجمه: ارجون گفت : ای کریشنا، ای آنکه بر شیاطین پیروز شده ای! اینها که امروز در مقابل من ایستاده اند شیطان نیستند. من چگونه میتوانم تیر و کمان بردارم و با پدر بزرگم و استادانم بجنگم؟

تفسیر: ارجون گفت: اینها برای من قابل ستایش هستند. استاد من مرا از پسر خودش هم بیشتر دوست دارد و فنونی را بمن یاد داده که حتی به پسرش هم نیاموخته است. من باید به اینها خدمت کنم نه اینکه با آنها بجنگم!

~~~~~

गुरुनहत्वा हि महानुभावान् श्रेयो भोक्तुं भैक्ष्यमपीह लोके।

हत्वार्थकामांस्तु गुरुनिहैव भुञ्जीय भोगान्

रुधिरप्रदिग्धान्॥५॥

**ترجمه:** من گدائی را بر آن تخت و تاج شاهی ترجیح میدهم که به قیمت کشتن این مردان بزرگوار حاصل شود. من حاضر نیستم که بخاطر خوشی های ناچیز این دنیا این چنین گناه عظیمی را مرتکب شوم.

**تفسیر:** بیشم پدر بزرگ هردو خانواده است و دروناچار یا استاد فرزندان هردو خانواده است ولی بخاطر اینکه نمک دربار را خورده اند خود را مدیون دریتراشترا و پسرش دوریودنا میدانند و بهمین دلیل بالاچار در لشکر دوریودنا باو خدمت میکنند و نمیتوانند از ارجون و چهار برادرانش طرفداری کنند. بهمین دلیل انسان بوقت معاشرت و داد و ستد با دیگران باید مراقب باشد و مدیون کسی نشود!

~~~~~

न चैतद्विद्यः कतरन्नो गरीयो यद्वा जयेम यदि वा नो
जयेयुः।

यानेव हत्वा न जिजीविषामस्तेऽवस्थिताः प्रमुखे
धार्तराष्ट्राः॥६॥

ترجمه: ارجون با نگرانی ادامه داد: من صلاح خود را نمیدانم و نمیدانم که در این شرایط جنگیدن درست است یا ننگیدن؟ هیچ معلوم نیست که نتیجه جنگ چه خواهد شد.

~~~~~

कार्पण्यदोषोपहतस्वभावः पृच्छामि त्वां धर्मसम्मूढचेताः।  
यच्छ्रेयः स्यान्निश्चितं ब्रूहि तन्मे शिष्यस्तेऽहं शाधि मां  
त्वां प्रपन्नम्॥७॥

**ترجمه:** ارجون به ناتوانی خود اقرار کرده و گفت: ای کریشنا! این جنگ مرا هراسناک و سر درگم کرده است. من نمیدانم چکاری در این شرایط بصلاح من خواهد بود. من به راهنمایی تو احتیاج دارم. مرا بشاگردی بپذیر و مرا راهنمایی کن.



**تفسیر:** وقتی که انسان در رفاه و آسایش زندگی میکند و از شرایط زندگی راضی است به پرماتما فکر نمیکند و فقط آنموقع بیدار میشود که شرایط سخت دنیا زندگی را برایش طاقت فرسا میکند. یک استاد قابل تا زمانیکه از او سؤالی پرسیده نشود حرفی نمیگوید و علم خود را در اختیار هر کسی نمیگذارد. یک استاد پخته و کامل اسرار علم خود را فقط در اختیار شاگردی میگذارد که لیاقت و آمادگی درک علم را داشته باشد و علم خود را از کسانی که آمادگی دریافت آنرا ندارند پوشیده نگاه میدارد.



न हिप्रपश्यामि ममापनुद्याद्  
यच्छोकमुच्छोषणमिन्द्रियाणाम्।

अवाप्य भूमावसपत्रमृद्धं राज्यं सुराणामपिचाधिपत्यम्॥८॥

**ترجمه:** ارجون گفت: تمام جسم من از گرمای این اضطراب و نگرانی در حال سوختن است. تمام ثروتهای دنیا و حتی خدائی خدایان بهشت هم نمیتواند تشویش و نگرانی مرا دور کند. فقط توئی که میتوانی مرا از این پریشانی نجات بدهی.



संजय उवाच

एवमुक्त्वा हृषीकेशं गुडाकेशः परन्तप।

न योत्स्य इति गोविन्दमुक्त्वा तूष्णीं बभूव ह॥९॥

**ترجمه:** سانجای ادامه داد: ارجون به شیری کریشنا گفت " من جنگ نخواهم کرد" و سپس خاموش و بیحال شد و در پشت ارابه بر زمین افتاد!

**تفسیر:** یافتن یک استاد عالم (گورو Guru) بسیار دشوار است. افراد بسیاری نادری هستند که بدلیل لیاقت و آمادگی قبلی خود و خانواده شان یک استاد عالم خود بخود بزنگی شان میآید. استاد عالم را با پول نمیتوان خرید. استادی که در ازای علم خود پول دریافت میکند عالم نیست.

ارجون بخاطر پرهیزکاری و ریاضتهائی که کشیده بود و بخاطر اعمال نیکی که در زندگیهای قبلی اش انجام داده بود قابلیت آنرا یافته بود که کریشنا بزندگی اش بیاید و او را راهنمائی کند. در واقع هر چیز خوب یا بدی که ما در زندگی دریافت میکنیم و هر کسی که بزندگی ما میآید نتیجه اعمال گذشته خود ما میباشد.

~~~~~

तमुवाच हृषीकेशः प्रहसन्निव भारत।

सेनयोरुभयोर्मध्ये विषीदन्तमिदं वचः॥१०॥

ترجمه: شیری کریشنا در وسط میدان و بین دو لشکر در حالیکه در جلوی اربه نشسته و لگام پنج اسب آن اربه را در دست دارد با تبسمی پر از محبت پدرانہ با ارجون آغاز به سخن کرد.

تفسیر: پنج اسبی که افسارشان را شیری کریشنا در دست گرفته و تحت تسلط خود دارد در واقع حواس پنجگانه ارجون هستند. کسی که بر حواس خود غلبه یافته و آنها را از رفتن بدنیال هوسها باز میدارد در واقع افسار اسبهای اربه زندگی اش را در دست دارد. در غیر اینصورت هوسها او را هر لحظه بسوئی میکشند و تا آخر عمر او را سرگردان و پریشان میکنند.

~~~~~

श्रीभगवानुवाच

अशोच्यानन्वशोचस्त्वं प्रजावादांश्च भाषसे।

गतासूनगतासूंश्च नानुशोचन्ति पण्डिताः॥११॥

**ترجمه:** شیری بغوان گفت: تو از یکسو حرفهای عالمانه میزنی ولی از سوی دیگر حماقت را هم رها نمیکنی! نگرانی تو نابجا است.

**تفسیر:** انسان چیزها را بدو دسته میبیند! دسته اول آنهایی که مال او هستند و دسته دوم آنهایی که مال او نیستند. طمع بدست آوردن چیزهایی که ندارد انسان را وادار به فعالیت میکند و با حاصل کردنشان احساس خوشی و مالکیت میکند و ترس از دست دادنشان او را نگران میکند.

مردان عالم با حاصل کردن اشیاء دنیا احساس وجد و شادمانی نمیکند و از دست دادن اشیاء دنیا باعث تأسف و نگرانی آنها نمیشود. علاقه و وابستگی پادشاه در پتر اشترا به پسرانش چشمانش را کور کرده و او بهر قیمتی میخواست که پسرانش در این جنگ پیروز شوند و حتی کشته شدن پسران برادرش نیز برایش اهمیتی نداشت! جنگی که در نتیجه آن او تمام یکصد فرزندانش را از دست داد.

در کتب ودا گفته شده: अशोच्यानन्वशोचस्त्वम् | یعنی در دنیا چیزی نیست که نداشتن آن قابل تأسف و سزاوار نگرانی باشد. این جهان از دو چیز تشکیل شده است: حقیقت و دروغ! حقیقت پایدار است و دروغ موقتی است. روح متعال حقیقت ابدی است و اجسام مادی دروغین و موقتی هستند. سوگواری برای هیچیک از ایندو عاقلانه نیست زیرا حقیقت هرگز از بین نمیرود و کسی از از بین رفتن جسم فانی نمیتواند جلوگیری کند. اجسام حتی برای یک لحظه هم پایدار نیستند و دائماً در حال تغیر و دگرگونی میباشند ولی روح ساکن و بیحرکت است و هرگز تغیر نمیکند.

هرچه که انسان حاصل میکند و یا از دست میدهد، هر کس که به زندگی انسان میآید، تولد، مرگ، ضرر، فایده، خوشی و ناخوشی و هر چیز دیگر که در زندگی اتفاق میافتد نتیجه اعمال گذشته خود انسان است و کس دیگری را مسئول این چیزها دانستن دلیل حماقت انسان است.

تمام کارها، اتفاقات، شرایط خوشایند و ناخوشایند یک آغاز و یک پایان دارند. اینها حتی برای یک لحظه هم پایدار نیستند زیرا اگر پایدار بودند تمام نمیشدند. بنابراین ای ارجون! برای چیزی که هرلحظه در حال دگرگونی است و بسوی نابودی و پیدایش مجدد میروود احساس شادمانی و یا ناراحتی نکن.

شیری کریشنا به ارجون گفت: تو متوجه اشتباهات دوریودنا هستی و از سوی دیگر برایش احساس تأسف میکنی. شخص خردمند برای کسی احساس تأسف نمیکند. هر چیز که ساخته شده یکروز خراب میشود و هر کس که آمده یکروز میروود! گریستن برای جسم مرده حماقت است.

~~~~~

न त्वेवाहं जातु नासं न तवं नेमे जनाधिपाः।

न चैव न भविष्यामः सर्वे वयमतः परम्॥१२॥

ترجمه: کریشنا ادامه داد: آن زمانیکه من و تو به دنیا نیامده بودیم از انظار مردم دنیا پنهان بودیم ولیکن در حقیقت زمانی نبود که ما نبودیم و زمانی هم در آینده نخواهد آمد که من و تو نباشیم. این حقیقت را من میدانم ولی تو نمیدانی .

تفسیر: در اینجا شیری کریشنا فرق بین خود و ارجون را بیان میکند ولی در جای دیگر باو میگوید که این فرق بین من و تو فقط مربوط به جسم ما است ولی روح ما با هم یکی هستند .

در اثر وزش باد بر روی سطح دریا امواج کوچک و بزرگ با قوتهای کم و زیاد بشمارای تولید میشوند ولی وقتی که باد از وزش باز می ایستد آن امواج کوچک و بزرگ همگی بدریا میپیوندند و با او یکی میشوند. موجودات این جهان نیز از طبیعت بوجود میآیند و سپس مجدداً به طبیعت میپیوندند و در اصل با طبیعت یکی است. ما در گذشته یعنی قبل از تولدمان نبودیم و در آینده نیز بعد از وفات نخواهیم بود ولی حقیقت وجود ما یعنی روح ما همیشه بوده و خواهد ماند . جسم موجودات گوناگون از یکدیگر جدا هستند و اشکال مختلف دارند ولیکن روح آنها یکی است.

~~~~~

देहिनोऽस्मिन्यथा देहे कौमारं यौवनं जरा।

तथा देहान्तरप्राप्तिर्धीरस्तत्र न मुह्यति॥१३॥

**ترجمه:** جسم انسان همیشه در حال تغییر است و روح او شاهد این تغییرات است. روح انسان شاهد مراحل کودکی ، جوانی و پیری است و یکروز هم شاهد وفات جسم خود خواهد بود بدون اینکه تغییری در او ایجاد شود.

**تفسیر:** روح هر موجود زنده بعد از وفات جسم او را رها میکند و جسم دیگری بخود اختیار میکند و دوباره متولد میشود. پارسایان عالم تردیدی در این ندارند.

~~~~~

मात्रास्पर्शास्तु कौन्तेय शीतोष्णसुखदुःखदाः।

आगमापायिनोऽनित्यास्तांस्तितिक्षस्व भारत॥१४॥

ترجمه: ای ارجون! اشیاء دنیا بخاطر موافق یا مخالف بودن با طبع انسان باعث خوشی و غم برای او میشوند. این خوشیها و غمها ناپایدارند! تو اینها را تحمل کن.

تفسیر: خوشی و غم، سرما و گرما، بیماری و سلامتی، علاقه و انزجار و غیره همگی احساسات انسان هستند و می آیند و میروند و هرگز بیک شکل نمیمانند. نه تنها اشیاء دنیا بلکه احساسات، حواس پنجگانه و عقل انسان هم موقتی و ناپایدار هستند. بهمین دلیل کریشنا به ارجون میگوید اینها را همانطور که هستند قبول کن.

اگر انسان بتواند اتفاقات خوشایند و ناخوشایند زندگی را همانطور که هستند قبول کند و در مقابلشان عکس العملی از خود نشان ندهد میتواند بر هردوی آنها غلبه کند و به آرامش برسد. این حالت "یوگا" Yoga योग نام دارد و رسیدن بآن دشوار است ولی بکت پارسا با تمرینات مکرر و خودداری از هوسها بآن میرسد. شکی در آن نیست. هرچه که دیده میشود یک شیئی است! آنکه میبیند نیز یک شیئی است و آنکه میشناسد نیز یک شیئی است. وجود اصلی انسان روح او است که نه دیده میشود و نه غزوری دارد! او فقط شاهد هر سه اینها است.

~~~~~

यं हि न व्यथयन्त्येते पुरुषं पुरुषर्षभ।

समदुःखसुखं धीरं सोऽमृतत्वाय कल्पते॥१५॥

**ترجمه:** ارجون، ای بهترین! اشیاء دنیا در واقع فقط برای حواس انسان وجود دارند و شخص خردمندی که بر حواس خود مسلط است باین چیزها توجه نمیکند و میتوان گفت که این چیزها برای او وجود ندارند.

**تفسیر:** شخص خردمندی که در مقابل این چیزها بی تفاوت میماند داشتن و نداشتن آنها باعث خوشی و غم او نمیشوند و آرامش افکارش را بهم نمیزنند. این شخص لیاقت و توانائی جاودان شدن را دارد.

انسان معمولاً سعی میکند شرایط نامناسب زندگی را عوض کند در حالیکه شرایط زندگی را نمیتوان عوض کرد. شخص صبور در مقابل حوادث خوب و بد یکسان میماند یعنی خوشیها و غمهای دنیا باعث بهم

خوردن توازن افکارش نمیشوند. کسیکه به آرامش درون رسیده خوشی و غم را میفهمد ولی آنها در او تأثیر نمیگذارند. ارجون با دیدن شرایط وحشتناک جنگ فهمید که او نمیتواند آنرا عوض کند و تصمیم به فرار گرفت. ولی شیری کریشنا به ارجون میآموزد که فرار از انجام وظیفه مشکل او را حل نخواهد کرد. انسان فقط بخاطر تمایلات درونی خودش خوشی و غم را بشکل دو حالت مختلف احساس میکند در حالیکه خوشی و غم در واقع یکی هستند. آن خوشی که با حاصل کردن اجسام دنیا احساس میشود و آن غمی که از کمبود آنها حاصل میشود چیزی بجز آشفتگی فکری نیست. کسیکه نگاهش بسوی آرامش ابدی است چیزی نمیتواند افکارش را مغشوش کنند. انسان در جستجوی خوشیهای کوچک غمهای بزرگی را تجربه میکند و نمیداند که سرچشمه مسرت ابدی در درون خود او است. خوشی و غم از یکدیگر جدا نیستند و در حقیقت اینها یکی هستند و دو تا نیستند. کسی که خوشی را نمیجوید غم بسراغش نمایاند.



नासतो विद्यते भावो नाभावो विद्यते सतः।

उभयोरपि दृष्टोऽन्तस्त्वनयोस्तत्त्वदर्शिभिः॥१६॥

**ترجمه:** عالمانی که حقیقت یگانه را دریافته اند هر دو عنصر حقیقت و دروغ را دیده اند و اینطور سنجیده اند که این جهان و اجسام و اشیاء مادی موجود در آن خود بخود وجود مستقل ندارند و خود بخود هیچ قدرتی ندارند یعنی دروغین و از حقیقت جدا هستند! آنها فهمیده اند که حقیقت یگانه قدرت فناپذیر و مستقل است! او خودبخود هست، در همه جا هست، همیشه هست و در ماوراء ماده است.

**تفسیر:** هر چیزی در این دنیا با آنچنان سرعتی در حال تغیر و دگرگونی است که هر لحظه شکالش عوض میشود و در واقع هیچ چیزی را نمیتوان دو بار دید. این تغیرات بسیار باریک هستند و چشم انسان متوجه آنها نمیشود.

اشیاء دنیا نتیجه کارها هستند و بدون کار هیچ چیزی بجز طبیعت وجود نخواهد داشت. روح ما نه با کاری ارتباط دارد و نه با اشیاء دنیا.

کتاب ودا بمنظور درک حقیقت و شناخت برهم با در نظر گرفتن این نکته که این جهان مادی خودبخود وجود مستقل ندارد آنرا ناقص و "دروغین" تلقی کرده و تمام اجسام مادی را یکی یکی نفی کرده و سادک را با برهم عاری از جسم مادی آشنا میکنند. سادک جدی و با انطباق با درک صحیح علم برهم موکشا را تجربه میکند و برهم را در درون خود می بیند و میفهمد که خودش برهم است. این عالمان کبیر که از طریق علم برهم به درک برهم میرسند و او را در درون خود میبینند فقط به برهم بیجسم معتقدند و با نام مهاتما خطاب میشوند Mahatma महात्मा. این مردان عالم غرور خود و جهالت خود را در آتش علم میسوزانند و به درک برهم میرسند! این عالمان بزرگ بعد از رسیدن به علم برهم و درک برهم یگانه در وجودشان غرور خاصی پدید میآید! آنها بخاطر علمی که حاصل کرده اند خود را برتر از دیگران می بینند! آنها به برهم بودن خود میبالند و همین غرور برهم بودنشان مثل یک دیوار بین آنها و یکی شدن آنها با برهم قرار میگیرد.

این عالمان در ابتداء بکمک علم برهم قادر به شناخت برهم بیجسم (نیرآکار) میشوند و سپس بکمک ایمان و پرستش صادقانه قادر به شناختن برهم جسم دار (ساکار) میشوند و باین ترتیب قادر به شناختن برهم کامل میشوند. این عالمان در این مرحله با نام سنت Sant संत خطاب میشوند، این بالاترین مقامی است که انسان میتواند بآن برسد. این عالمان معتقدند که این جهان مادی و هر شیئی کوچک و بزرگ موجود در آن برهم است! همه چیز برهم است! همه کس برهم است! حقیقت یکی است و هرچیز و هرکس حقیقت یگانه است (gita 9/19) सदसच्चाहम्.



अविनाशि तु तद्विद्धि येन सर्वमिदं ततम्।

विनाशमव्ययस्यास्य न कश्चित्कर्तुमर्हति ॥१७॥

**ترجمه:** تو بدان که آن حقیقت فناپذیر در تمام ذرات این جهان پرشده است. این یگانه ابدی را هیچ کس در هیچ زمان و شرایطی با هیچ وسیله ای نمیتواند نابود کند. این وجود کامل خود بخود "هست" و هرچیزی

که دیده میشود، شنیده میشود، بوئیده میشود، چشیده میشود و لمس میشود از او بوجود آمده و هیچ چیزی بدون او وجود ندارد.

**تفسیر:** همانطور که زیورآلات طلائی از طلا ساخته شده اند و ابزار و آلات جنگی از آهن ساخته شده اند و ظروف گلی از خاک ساخته شده اند این دنیا نیز از برهم ساخته شده یعنی او در هر ذره این جهان موجود است.

ای ارجون! تو تصور میکنی که با ن جنگیدن تو اینها نجات خواهند یافت ولیکن همه اینها هر لحظه بسوی نابودی میروند و ن جنگیدن تو از نابود شدن آنها جلوگیری نخواهد کرد. انسان، حیوانات، گیاهان، سنگ ها و غیره قبلاً نبودند، در آینده ای دور یا نزدیک نخواهند بود و در حال حاضر هم هر لحظه بسوی فنا میروند. بجز برهم یگانه هیچکس و هیچ چیز عمر جاودان ندارد.



अन्तवन्त इमे देहा नित्यस्योक्ताः शरीरिणः।

अनाशिनोऽप्रमेयस्य तस्माद्युध्यस्व भारत॥१८॥

**ترجمه:** گوش کن ارجون! برهم در ماوراء عقل و حواس انسان است و بهمین دلیل انسان وجود او را با عقل خود نمیتواند ثابت کند زیرا هر دلیل و شواهدی که انسان برای وجود او پیدا کند یک شیئی مادی خواهد بود ! یک شیئی مادی چطور میتواند وجود آنرا که در ماوراء ماده است ثابت کند؟

**تفسیر:** دانش بشری در باره اشیاء دنیا تحقیق میکند و واقعیهائی را در باره آنها پیدا میکند و با دلیل و شواهد وجود و چگونگی آنها را ثابت میکند ولی وجود و چگونگی برهم را بکمک دلیل و شواهد نمیتوان ثابت کرد. برهم با چشم دیده نمیشود، با دست لمس نمیشود، با گوش شنیده نمیشود، با زبان چشیده نمیشود و با بینی بوئیده نمیشود و عقل انسان نمیتواند حتی در باره اش تصور کند و یا تخمین بزند که او چطور است! برهم یگانه حقیقت جاودان است و آنرا با دلیل و برهان نمیتوان ثابت کرد!

یک کتاب مقدس ، یک عالم ، یک ریاضتمند با تقوا ، یک مهاتما و یا یک سنت Sant که همه چیز دنیا را بخاطر رسیدن به حقیقت و شناخت



برهم ترک میکند هرگز با زورگوئی و ترساندن و آزار رساندن بدیگران آنها را وادار به پیروی از گفته ها و معتقدات خود نمیکند.  
 بغوان شیرى کریشنا به ارجون میگوید که گریه و شکایت را رها کن! وظیفه ات را انجام بده! شخص خردمند از این جسم فانی استفاده میکند و حقیقت فناناپذیر را درمییابد.  
 عالمان و اندیشمندان بعد از تحصیل و تعمق بسیار حقیقت را دریافته و گفته اند که روح جاودان است و جسم از آن پدید آمده است. عالمانی که به فلسفه دوگانگی dualism द्वैत ایمان دارند معتقدند که همانطور که روح فناناپذیر است جسم هم که از او بوجود آمده فناناپذیر است.

~~~~~

य एनं वेत्ति हन्तारं यश्चैनं मन्यते हतम्।

उभौ तौ न विजानीतो नायं हन्ति न हन्यते॥१९॥

ترجمه: برهم نه کسی را میکشد و نه کشته میشود. برهم مالک جهان و تمام اجسام است و هیچ عملی انجام نمیدهد!

تفسیر: همانطور یک کارگر هر قدر هم که ماهر باشد بدون ابزار کار نمیتواند کاری بکند برهم یگانه هم که در ماوراء اجسام و ابزار است نیز کاری نمیتواند بکند. در بخش سیزدهم بغوان شیرى کریشنا گفته که "تمام کارها بتوسط طبیعت انجام داده میشوند!" کسیکه میتواند این گفته را درک کند غیرفعال بودن برهم را تجربه میکند.

~~~~~

न जायते म्रियते वा कदाचिन्नायं भूत्वा भविता वा न भूयः।

अजो नित्यः शाश्वतोऽयं पुराणो न हन्यते हन्यमाने

शरीरे॥२०॥

**ترجمه:** روح نه متولد میشود و نه میمیرد. وجود او محدود بزمان خاصی نیست! او ابتداء و انتها ندارد، از ازل بوده و تا ابد خواهد بود و حتی بعد از نابود شدن این جهان مادی هم او همانطور که بود میماند.

~~~~~

वेदाविनाशिनं नित्यं य एनमजमव्ययम्।

कथं स पुरुषः पार्थ कं घातयति हन्ति कम्॥२१॥

ترجمه: ای ارجون! کسیکه میداند که این روح ابدی، بدون تولد و مرگ، فناپذیر و تغیرناپذیر است چطور میتواند کسی را بکشد و چطور کسی میتواند او را بکشد؟

تفسیر: کسیکه حقیقت را شناخته همیشه با همه با محبت رفتار میکند و آزارش بکسی نمیرسد. او همه را مثل خودش دوست دارد. او میداند که تمام کارها را طبیعت یعنی جسم او انجام میدهد و او خودش فقط شاهد کارهای طبیعت است.

جسم انسان مثل هر چیز دیگر دنیا یکروز خلق میشود و یکروز از دنیا میرود و مجدداً دنیا میآید ولی روح انسان خلق نمیشود بلکه قسمتی از برهم یکپارچه و یگانه است. روح انسان مثل قطره ای از دریائی بنام پرماتما است! او بهر شکلی که باشد و در هرکجا که باشد از دریا جدا نیست. بخاری که از دریا برمیخیزد اگر بشکل باران، برف، تگرگ، شبنم، مه، یخ و یا به هر شکل دیگری که درآید در آخر به دریا میپیوندد و از او جدا نیست. همانطوریکه شمشیر کشیدن بر روی سایه کسی نمیتواند به او آسیبی برساند و خشکیدن آب دریاچه ای که تصویر آفتاب بر روی آن میافتد نمیتواند صدمه ای به آفتاب بزند مردن جسم انسان هم نمیتواند آسیبی به روح او برساند.

~~~~~

वासांसि जीर्णानि यथा विहाय नवानि गृह्णाति नरोऽपराणि।

तथा शरीराणि विहाय जीर्णान्यन्यानि संयाति नवानि

देही॥२२॥

**ترجمه:** همانطور که انسان لباس کهنه را از تن درآورده و لباس نو میپوشد روح انسان نیز جسم فرسوده و بیجان را رها کرده و جسم تازه ای بخود اختیار میکند. رها کردن جسم بیجان را مرگ و اختیار کردن جسم نو را تولد گفته میشود. روح یکنواخت و بیحرکت است و همیشه در همه جا و همه چیز هست ولی جسم متغیر و ناآرام است!

**تفسیر:** تا زمانی که هوسها در دل پیدا میشوند انسان به کار و فعالیت ادامه میدهد و نتایج آنها را دریافت میکند. نتایج کارهای انسان چه خوب و چه بد باشد یکروز باو داده خواهد شد. اگر قبل از وفات حتی ذره ای هم در دل انسان هوس باقی مانده باشد او دوباره بدنیا خواهد آمد تا آن هوسها را دنبال کند!

در انسان دو تمنای قوی هست یکی "داشتن" و دیگری "زنده ماندن" هست!! اگر تمنای "داشتن" تمام شود و انسان هنوز زنده باشد بعد از وفاتش دوباره بدنیا نخواهد آمد! ولیکن اگر این تمنا هنوز تمام نشده باشد و زندگی تمام شود آنموقع او بعد از وفات دوباره متولد میشود و خواسته های برآورده نشده اش را دنبال میکند.



नैनं छिन्दन्ति शस्त्राणि नैनं दहति पावकः।

न चैनं क्लेदयन्त्यापो न शोषयति मारुतः॥२३॥

**ترجمه:** روح با شمشیر بریده نمیشود، در آتش نمیسوزد، در آب خیس نمیشود و در هوا خشک نمیشود. باد، آتش، خاک، فضا و آب پنج عناصر اصلی سازنده این جهان میباشند. تمام این عناصر از برهم بوجود آمده و نیروی خود را از او دریافت کرده اند و هیچیک از آنها آنچنان توانائی ندارند که بتوانند آسیبی باو برسانند.



अच्छेद्योऽयमदाह्योऽयमक्लेद्योऽशोष्य एव च।

नित्यः सर्वगतः स्थाणुरचलोऽयं सनातनः॥२४॥

**ترجمه:** برهم یا پرماتما paramatma پارمااتما، حافظ و مالک جسم است و در تمام اجسام بشکل کاملش موجود است. او ابدی است، بیحرکت است و آغاز و پایان ندارد.

**تفسیر:** پرماتما بدون اینکه از جائی بجای دیگر حرکت کند در تمام ذرات این جهان و در هر موجود جاندار و بیجان وجود دارد. روح موجودات با جوانی و پیری آنها تغیر نمیکند، به زشتی و زیبایی جسم آنها

ارتباطی ندارد و فقر و ثروت و تحصیلات در او تأثیری نمیگذارند یعنی داشتن یا نداشتن این کیفیات او را بهتر یا بدتر نمیکند.

~~~~~

अव्यक्तोऽयमचिन्त्योऽयमविकार्योऽयमुच्यते ।

तस्मादेवं विदित्वैनं नानुशोचितुमर्हसि ॥२५॥

ترجمه: گفته شده که پرماتما غیر قابل رؤیت و تغیر ناپذیر است. با دانستن این حقایق انسان نباید برای روح اظهار تأسف یا گریه و زاری کند.

تفسیر: پرماتما کم و یا زیاد نمیشود، بهتر یا بدتر نمیشود و قبل از او و بعد از او، بالاتر و پائین تر از او چیزی نیست. روح غیر قابل تصور است و او را بکمک عقل نمیتوان شناخت. هر چیز این جهان ناقص است و بهمین دلیل دائماً در حال حرکت و تغیر و دگرگونی است زیرا بسوی تکامل میرود ولی روح کامل است و نیازی به تکامل ندارد و بهمین دلیل حرکتی نمیکند و هرگز در او تغیری بوجود نمیآید.

در واقع کسی نمیتواند در باره پرماتما توضیحی بدهد زیرا که او در ماوراء سخن است. این زبان ناچیز چطور میتواند حرفی در باره او بیان کند؟ آنکه به عقل انسان نور و نیروی خلاقیت بخشیده است! قدرت درک و تجربه شخصی هر کس میتواند تا اندازه ای حقیقت را باو آشکار کند ولی نکته قابل توجه این است که کسی که آنرا تجربه میکند نمیتواند در باره اش سخنی بگوید. بهمین دلیل نیز حتی کتب ودا نیز از سخن باز مانده و سکوت اختیار کرده اند.

~~~~~

अथ चैनं नित्यजातं नित्यं वा मन्यसे मृतम्।

तथापि त्वं महाबाहो नैवं शोचितुमर्हसि ॥२६॥

**ترجمه:** ای صاحب بازوان قوی: تو حتی اگر روح را یک موجود مادی تصور کنی که بدنیا میآید و از دنیا میرود باز هم نباید در باره اش احساس تأسف و سوگواری کنی!

**تفسیر:** بعبارت دیگر اگر تو روح را قبول نداری و تصور میکنی که همه چیز این جهان اشیاء مادی هستند باز هم باید بدانی که تولد و مرگ

قانون طبیعت است و تمام موجودات زنده تابع این قانون میباشند . یک تخم در درون خاک ابتداء شکل سخت خود را عوض میکند و نرم میشود، سپس تبدیل بیک جوانه شده و بتدریج یک درخت میشود و از آن درخت مجدداً تخم بوجود میآید و آن درخت بتدریج خشک میشود. در اینجا دیده میشود که یک تخم حتی برای یک لحظه هم بیک شکل نمیماند و دائماً در حال تغیر و دگرگونی است. زندگی انسان هم همانطور است و کسی نمیتواند از ادامه این تغیرات جلوگیری کند.



जातस्य हिध्रुवोमृत्युर्ध्रुवं जन्म मृतस्य च ।  
तस्मादपरिहार्येऽर्थे न त्वं शोचितुमर्हसि ॥२७॥

**ترجمه:** ای ارجون! هر موجودی که بدنیا میآید باید از دنیا برود و هر موجودی که از دنیا میرود باید دوباره بدنیا بیآید. این دگرگونی دائمی قانون طبیعت است و شامل حال همه میباشد.

**تفسیر:** طبیعت تابع کسی نیست و کسی نمیتواند آنرا تحت کنترل خود درآورد. تولد و مرگ از ازل بوده و تا ابد ادامه خواهد داشت بنابراین برای چیزیکه اجتناب ناپذیر است احساس نگرانی و تأسف نکن. این تغیر و دگرگونی در دنیا ضروری میباشد. اگر در دنیا چیزی عوض نشود و همه چیز همانطور که هستند بمانند دنیا چطور بجلو خواهد رفت؟ بچه ها چطور جوان خواهند شد؟ نادان ها چطور عالم خواهند شد؟ بیماران چطور شفا خواهند یافت؟ تخم ها چطور تبدیل به درخت خواهند شد؟ بدون تغیر و دگرگونی این دنیا تبدیل بیک تصویر بیحرکت خواهد شد.



अव्यक्तादीनि भूतानि व्यक्तमध्यानि भारत ।  
अव्यक्तनिधनान्येव तत्र का परिदेवना ॥२८॥

**ترجمه:** تمام موجودات زنده قبل از بدنیا آمدن جسم نداشتند و دیده نمیشدند و بعد از مردن مجدداً ناپدید خواهند شد.

**تفسیر:** وجود موجودات زنده فقط در زمان بین تولد و مرگ آنها دیده میشود و آمدن و رفتن آنها نباید باعث خوشی یا تأسف کسی باشد. این

جهان گسترده و چیز هائیکه در آن وجود دارند دروغین هستند و یگانه حقیقت جاودان پرماتما است. پرماتما به دو شکل درک و تجربه شده است:

1 - عالمان کبیر پرماتمای بیجسم (نیراکار) را بشکل "حقیقت جاودان - نور جاودان علم - مسرت جاودان" تجربه کرده اند.

2 - پرماتما خود را بشکل این جهان مادی درمیآورد و دارای جسم و شکل و صفت میشود و انسان میتواند او را بتوسط عقل و حواس خود تجربه کند. این شکل مادی پرماتما ساکار نام دارد! گروهی از عالمان معتقدند که این جهان مادی "دروغ" است ولی عالمان علم ودا باین نتیجه رسیده اند که این جهان مادی هم حقیقت یگانه است و از هر نظر کامل و جاودان است.

عالمان معظم علم ودا پرماتمای ساکار را بشکل "هستی ابدی - علم ابدی و مسرت ابدی" تجربه کرده اند و معتقدند که همه چیز برهم است  
**सच्चिदानन्द** . این عالمان پرماتمای نیرآکار را بشکل "حقیقت ابدی - علم ابدی و مسرت ابدی" تجربه کرده اند و معتقدند که همه چیز برهم است.



आश्चर्यवत्पश्यति कश्चिदेनमाश्चर्यवद्वदति तथैव चान्यः।

आश्चर्यवच्चैनमन्यः शृणोतिश्रुत्वाप्येनं वेद न चैव

कश्चित्॥२९॥

**ترجمه:** بعضی ها پرماتما را بشکل یک چیز شگفت انگیز می بینند، بعضی ها در باره اش با شگفت سخن میگویند و بعضی دیگر از شنیدن در باره او در شگفت میمانند ولی هیچکس نمیتواند او را بشناسد.

**تفسیر:** پرماتما در ماوراء همه چیز و حتی در ماوراء بهشت و جهنم است. بهمین دلیل فقط کسیکه دنیا و بهشت و جهنم را رها کند و به ماوراء همه چیز برود میتواند پرماتما را بشناسد. افراد بسیار نادری قادر به شناختن خویشتن و شناختن پرماتما میشوند.

در واقع درک حقیقت و شناختن خویشتن دشوار نیست و کسی که با قلب پاک علاقمند به شناخت حقیقت باشد میتواند بآن برسد. حقیقت را نمیتوان از کسی یاد گرفت و کسی نمیتواند آنرا به کسی بشناساند بلکه هر کسی باید خودش آنرا بفهمد و از درون خود آنرا درک کند. کسی که عسل خورده

چطور میتواند طعم آنرا بکسی که هرگز عسل نخورده توضیح بدهد! او فقط میتواند بگوید که عسل شیرین است! طعم عسل را با توضیح دادن نمیتوان به کسی فهماند. هرکسی باید خودش آنرا تجربه کند.

در میان عالمان نادری که یکی بودن خود با پرماتما را درک و تجربه کرده اند تعداد بسیار کمیابی هستند که میتوانند در باره آن به روشنی سخن بگویند و دیگران را راهنمایی کنند. با تحصیل کتب ودا و یادگیری علم برهم از منابع گوناگون انسان میتواند این علم را یاد بگیرد، در باره اش سخن بگوید، میتواند در باره اش کتاب بنویسد، میتواند معلومات خود را مثل یک نوار ضبط صوت در اختیار دیگران قرار بدهد ولی نمیتواند آنرا در درون خود تجربه کند. برای شناخت درست و درک حقیقت سادک باید بنزد گورو برود و صادقانه باو خدمت کند و از او بخواهد که او را هدایت و راهنمایی کند. بدون گورو یک شاگرد نمیتواند حقیقت را بشناسد و آنرا بطور کامل درک و تجربه کند!

~~~~~

देही नित्यमवध्योऽयं देहे सर्वस्य भारत ।

तस्मात्सर्वाणि भूतानि न त्वं शोचितुमर्हसि ॥३०॥

ترجمه: ارجون، ای فرزند هند! روح زنده موجودات از ازل بوده و از بین رفتنی نیست! بهمین دلیل تو نباید برای کسی سوگواری کنی.

تفسیر: جسم مادی بطور متداوم در حال تحول و دگرگونی است و کسی از زوال آن نمیتواند جلوگیری کند. مردن جسم حتمی است و هیچ موجود زنده ای برای همیشه زنده نمیمانند. سادک جویای حقیقت با دیدن اجسام به زشتی و زیبایی، کوچکی و بزرگی و ظاهر چیزی توجه نمیکند. انسان جمعآوری اشیاء دنیا را دوست دارد و دنیای خود را با آنها میسازد و تصور میکند که این اشیاء باو تعلق دارند. او با علاقمند شدن باین اشیاء خوشیها و غمهای دنیا را تجربه میکند. ولی اشیاء دنیا در حقیقت متعلق بکسی نیستند. آنکه حقیقتاً متعلق بما است از هر چیز و هر کس بما نزدیکتر است، ارتباط ما با او همیشگی است و ما او را در هر شرایطی بیشتر از هر چیزی دوست داریم.

تا زمانیکه انسان خود را یک جسم تصور میکند به اشیائی که به جسمش لذت و راحتی میدهند علاقمند میشود و آنها را اموال خود تلقی میکند

و نمیتواند حقیقت را بشناسد. با دادن خیرات، رفتن به زیارت و ریاضت کشیدن انسان میتواند به بهشت برود ولی اینکارها او را از درک حقیقت دور نگاه میدارند زیرا با هر یک از این اعمال خیر به غرور انسان افزوده میشود!

~~~~~

स्वधर्ममपि चावेक्ष्य न विकम्पितुमर्हसि ।

धर्म्याद्धि युद्धाच्छ्रेयोऽन्यत्क्षत्रियस्य न विद्यते ॥३१॥

**ترجمه:** با توجه به اینکه تو یک سرباز هستی نباید از جنگیدن و انجام وظیفه ات سرپیچی کنی! یک سرباز بوقت جنگ باید بجنگد! ترحم به دشمن در میدان جنگ جایز نیست.

**تفسیر:** برای انسان هیچ چیزی بالاتر از انجام وظیفه نیست و همین انجام وظیفه بهترین راه رسیدن انسان به درک حقیقت میباشد! شیر گاو بسیار مفید است ولیکن برای کسی که یرقان دارد مثل زهر کشنده است. ترحم و محبت بدیگران کار بسیار پسندیده ای است ولی برای یک سرباز در میدان جنگ ترحم به دشمن از زهر هم میتواند کشنده تر باشد.

برای کسانی که نمیتوانند اشیاء و کارهای دنیا را ترک کنند بهترین روش برای درک حقیقت و رسیدن به پرماتما این است که آنها باید بدون اینکه از کسی توقعی داشته باشند و بدون اینکه برای خود فایده ای بخواهند کارهای مربوط بخود را بعنوان یک وظیفه و خدمت به مردم و جامعه انجام بدهند. این روش یوگای عمل Karmayoga کرمयोग نام دارد.

~~~~~

यदृच्छया चोपपन्नं स्वर्गद्वारमपावृतम् ।

सुखिनः क्षत्रियाः पार्थ लभन्ते युद्धमीदृशम् ॥३२॥

ترجمه: ای ارجون! برای یک سرباز آن جنگی که خود بخود پیش میآید بمنزله دروازه بهشت است. سربازی که برایش موقعیت مبارزه با دشمن پیش میآید بسیار خوش شانس است.

تفسیر: فقط در شرایط دشوار است که انسان میتواند اراده، قدرت تصمیم گیری و صبوری خود را بیازماید. موفقیت انسان بستگی باین سه دارد.

ارجون از طبقهٔ سربازان است و طبع جنگجویانه دارد و بهمین دلیل نیز در اینجا شیری کیشنا وظیفه اش را باو یادآوری کرده است. کسیکه وظیفه اش را نمیشناسد و از مسئولیت خود فرار میکند هرگز در زندگی موفق نمیشود. شخص وظیفه شناس مثل یک سگ ولگرد است.

~~~~~

अथ चेत्वमिमं धर्म्यं सङ्ग्रामं न करिष्यसि।

ततः स्वधर्म कीर्तिं च हित्वा पापमवाप्स्यसि॥३३॥

**ترجمه:** اگرچه که تو میخواهی از این جنگ اجتناب کنی ولیکن طبع دلاور تو ترا وادار بجنگیدن خواهد کرد. تو اگر وظیفه ات را نادیده بگیری و از این جنگ فرار کنی مرتکب گناه شده و شهرت قبلی خود را نیز از دست خواهی داد.

**تفسیر:** کسیکه وظیفه اش را انجام نمیدهد بسوی کارهائی گرایش پیدا میکند که مربوط باو نیستند و یا کارهائی را انجام میدهد که نباید انجام بدهد و ارزش و احترام خود را در اجتماع از دست میدهد.

~~~~~

अकीर्तिं चापि भूतानि कथयिष्यन्ति तेऽव्ययाम्।

सम्भावितस्य चाकीर्तिर्मरणादतिरिच्यते ॥३४॥

ترجمه: تو اگر از این جنگ فرار کنی حتی آنها که با تو نسبتی ندارند از تو بدگویی خواهند کرد. برای مردم با شخصیت بدنامی از مردن هم دردناکتر است.

تفسیر: هر کسی هر روز کارهائیکه باو مربوط نیستند انجام میدهد و آنها را موفقیت تلقی میکند. آنها که وظیفه خود را نمیشناسند و یا از وظایف خود روی برمیگردانند زندگی را با موفقیت‌های ناچیز میگذرانند و هرگز بموفقیت هائیکه سرنوشت برایشان تعیین کرده نمیرسند.

~~~~~

भयाद्रणादुपरतं मंस्यन्ते त्वां महारथाः।

येषां च त्वं बहुमतो भूत्वा यास्यसि लाघवम्॥३५॥

**ترجمه:** فرار تو از میدان جنگ باعث خواهد شد که تو در نظر دلاورانی که قبلاً ترا ستایش میکردند بسیار کوچک و بی ارزش بشوی!

**تفسیر:** کسیکه که جنگیدن را گناه میدانند باید قبل از شروع جنگ از آن اجتناب کند. ولی کسیکه خودش برای جنگ آماده شده و بمیدان جنگ میآید فرارش از میدان جنگ دلیل بر ضعف او خواهد بود.

अवाच्यवादांश्च बहून्वदिष्यन्ति तवाहिताः।

निन्दन्तस्तव सामर्थ्यं ततो दुःखतरं नु किम्॥३६॥

**ترجمه:** دشمنان ترا مسخره خواهند کرد و تهمت هائی بتو خواهند زد که در شأن تو نیست. چه چیزی دردناکتر از این خواهد بود؟

**تفسیر:** کسیکه از مبارزه میترسد و از دشمن روی برمیگرداند دشمن از پشت باو حمله میکند و او را بهلاکت میرساند. بنابراین جنگیدن بهتر از فرار از میدان است.

~~~~~

हतो वा प्राप्स्यसि स्वर्गं जित्वा वा भोक्ष्यसे महीम्।

तस्मादुत्तिष्ठ कौन्तेय युद्धाय कृतनिश्चयः॥३७॥

ترجمه: تو اگر در حال جنگ کشته شوی مردم از تو بعنوان یک قهرمان یاد خواهند کرد و اگر بر دشمن پیروز شوی تخت شاهی را حاصل خواهی کرد. بنابراین جنگ و شرایط آنرا قبول کن و برخیز و برای جنگ آماده شو!

تفسیر: احساسات بیجای ارجون باعث شده بود که فراموش کند که افرادی که او بآنها احساس وابستگی میکند برای جنگیدن با او به میدان آمده اند. او میخواست این جنگ را عوض کند ولی کریشنا باو میگوید که باید آنرا همانطور که هست قبول کند و وظیفه اش را هر چه که هست انجام بدهد.

~~~~~

सुखदुःखे समे कृत्वा लाभालाभौ जयाजयौ।

ततो युद्धाय युज्यस्व नैवं पापमवाप्स्यसि॥३८॥

**ترجمه:** ای ارجون! شکست و پیروزی ، فایده و زیان ، خوشی و غم را یکسان بدان و با دشمن مبارزه کن. باین ترتیب نتیجه جنگ هرچه که باشد صواب و گناهی باعمال تو داده نخواهد شد و تو در قید عمل نخواهی ماند.

**تفسیر:** سادک Sadhak साधक کسی است که جویای حقیقت است. سادک کاری را بخاطر منافع شخصی خود انجام نمیدهد. گیتا هنر موفقیت در زندگی را به انسان میآموزد، هنری که بتوسط آن انسان علاوه بر کسب موفقیت‌های مادی به سعادت معنوی هم که موکشا نام دارد Moksha نیز میرسد.

شیری کریشنا میداند که ارجون دلاور است و از مقابله با دشمن هراسی ندارد ولی مثل اکثر مردم به فامیل و آشنایان خود وابسته است و بهمین دلیل نیز او در ابتدای جنگ به ارجون روش صحیح انجام وظیفه یعنی کارما یوگا را یاد داد Karma yog कर्म योग

موفقیت در کار و احساس رضایت در زندگی نقش مهمی در رسیدن انسان به درک معنویات دارد و بهمین دلیل نیز گیتا داشتن ثروت و املاک و مقام و شهرت را منع نکرده ولی غروری را که از داشتن این چیزها حاصل میشود منع کرده است.

قبلاً شیری کریشنا بارجون گفته بود که اگر میخواهی به ثروت و تخت و تاج شاهی بررسی باید بوظیفه ات عمل کنی و در اینجا باو میگوید که اگر میخواهی به سعادت معنوی بررسی باید بوظیفه ات عمل کنی! یعنی انسان برای رسیدن به اهداف مادی یا معنوی باید وظیفه اش را انجام بدهد. بدون انجام وظیفه انسان به چیزی نمیرسد.



एषा तेऽभिहिता साङ्ख्ये बुद्धिर्योगे त्विमां शृणु ।

बुद्ध्या युक्तो यया पार्थ कर्मबन्धं प्रहास्यसि ॥३९॥

**ترجمه:** گوش کن ای ارجون! من قبلاً بتو روش رسیدن به آرامش افکار را از روش سانکیا یوگا یاد داده بودم Sankhya yog सांख्य योग حالا من بتو خواهم گفت که چطور میتوانی همان آرامش را از طریق روش

کارما یوگا حاصل کنی. با رسیدن باین آرامش تو از قید کارها و اعمال گذشته رها خواهی شد!

**تفسیر:** با پیروی صحیح از روش کارما یوگا سادک میتواند وظایفش را تکمیل کند و از قید اعمال رها شود. تکمیل کردن کار صرفاً بمعنای تمام کردن کار نیست! کاری که با امید دریافت ثمره ای انجام داده شود تمام میشود ولی کامل (تکمیل) نمیشود زیرا از آن کار یک کار دیگری تولید میشود. راه صحیح کامل کردن یک کار این است که سادک در ازای کارش توقعی نداشته باشد و با هرچه که باو داده میشود راضی باشد. نتیجه اینگونه کار کردن این است که ارتباط سادک کارما یوگی با هوسها بتدریج قطع میشود و در نتیجه ارتباطش با اشیاء دنیا نیز یکی یکی قطع میشود و وظایفش بتدریج تمام میشوند و او به آرامش درون یکنواخت رسیده موکشا را تجربه میکند.

همان موکشا را که یک سادک سانکیا یوگی از طریق علم و ایمان کسب میکند یک سادک کارما یوگی از طریق عمل تجربه میکند. وظایف هر کس نسبت به طبع او برایش در نظر گرفته میشوند و در کتب شاسترا در باره آنها توضیح داده شده است. انجام ندادن وظایف خود بی احترامی به ذات خویشتن است و باعث تشویش افکار انسان میشود. رضایت خاطر و آرامش افکار گوهر گرانبهائی است که برای حاصل کردن آن دانشمندان، پادشاهان و عالمان کبیر شهرت، مقام، خانه و خانواده و تمام املاک و دارائی خود را رها میکنند و دور از تجملات به ریاضت میپردازند.



नेहाभिक्रमनाशोऽस्ति प्रत्यवायो न विद्यते।

स्वल्पमप्यस्य धर्मस्य त्रायते महतो भयात्॥४०॥

**ترجمه:** رسیدن باین آرامش برای هر کسی ضروری است. کسیکه ارزش اینرا میداند در صدد یافتن آن برمیآید. حتی ذره ای اشتیاق بر رسیدن باین هدف انسان را از مشکلات بزرگ نجات میدهد.

**تفسیر:** شناختن خویشتن و رسیدن به ذات آرام خود مهمترین و باارزشترین وظیفه انسان نسبت بخود میباشد. از لحظه ایکه این علاقه در

وجود انسان بوجود می‌آید آرامش را به‌مراه خود می‌آورد. در میان تمام موجودات زنده فقط انسان لیاقت درک حقیقت و رسیدن به آرامش درون را دریافت کرده است. حیوانات فقط قابلیت لذت بردن از اجسام و اشیاء مادی دنیا را دریافت کرده اند یعنی بدنیا می‌آیند، می‌خورند و می‌خوابند، بزرگ میشوند، زاد و ولد میکنند و پیر میشوند و یکروز می‌میرند. کسیکه در قلبش علاقه به پرماتما و شوق دیدار او بوجود می‌آید این علاقه و اشتیاق او در هیچ شرایطی از بین نمی‌رود.

کاری که بخاطر ارضاء هوس و با در نظر گرفتن منفعت شخصی انجام داده میشود بعد از رسیدن به کام تمام میشود و هوس دیگر و کار دیگری جای آنرا میگیرد و همین دلیل آشفتگی دائم فکر انسان است ولیکن کاریکه بدون خواستن فایده ای انجام داده شود باعث آشفتگی افکار نمیشود!

با پیروی از این روش سادک در هر شرایطی آرامش افکارش را حفظ میکند. آرامش افکار منشاء و منبع علم جاودان و مسرت ابدی است. ای ارجون! تو این هنر را یاد بگیر و مسرت و علم جاودان را حاصل کن. ریاضت کشیدن، قربانی دادن، خیرات دادن و کمکهای اجتماعی باعث زوده شدن گناهان میشوند و فکر انسان پاک شده و برای رسیدن به درک حقیقت آمادگی پیدا میکند.

در کتب شاسترا سه فایده آرامش درون اینطور بیان شده است: 1 – نجات از کارهای بیهوده و غیرضروری. 2 – نجات از نگرانی. 3 – احساس بی نیازی از تجملات و اشیاء غیرضروری. 4 – رهایی از قید عمل.



व्यवसायात्मिका बुद्धरेकेह कुरुनन्दन।

बहुशाखा ह्यनन्ताश्च बुद्ध्योऽव्यवसायिनाम् ॥४१॥

**ترجمه:** انسان بطور معمول خیالات بیشماری در سر دارد و هر خیالی چندین شاخه دارد ولی کسیکه هدفش رسیدن به افکار آرام است فقط به همین یک موضوع فکر میکند.

**تفسیر:** هدفهای موفقتی و دروغین بسیارند ولی هدف حقیقی فقط میتواند یکی باشد. تا زمانیکه انسان آن هدف حقیقی را نیافته هزاران هدف دروغین را دنبال میکند و هر هدفش دارای هزاران شاخه است! در این

شرایط انسان هوسهای بیشماری دارد و برای برآوردن هریک از هوسهایش نیز راههای متعددی را در پیش میگیرد.

~~~~~

यामिमां पुष्पितां वाचं प्रवदन्त्यविपश्चितः।

वेदवादरताः पार्थ नान्यदस्तीति वादिनः॥४२॥

कामात्मानः स्वर्गपरा जन्मकर्मफलप्रदाम्।

क्रियाविशेषबहुलां भोगैश्वर्यगतिं प्रति॥४३॥

भोगैश्वर्यप्रसक्तानां तयापहृतचेतसाम्।

व्यवसायात्मिका बुद्धिः समाधौ न विधीयते॥४४॥

ترجمه: کسانی که هوسهای بیشمار دارند و در تجملات و خوشگذرانی غوطه ور هستند رسیدن به بهشت بالاترین هدف زندگی شان است. آنها مراسمی را که در ودا برای رسیدن به بهشت نوشته شده انجام میدهند و معتقدند که چیزی برتر از لذات جسمانی وجود ندارد. آنها برای تعریف از بهشت سخنان بسیار فریبده ای بکار میبرند.

تفسیر: این مردم نادان شنیده اند که در بهشت زنان زیبا و لذات جسمانی فراوان در انتظارشان است. آنها نه تنها در این دنیا نمیتوانند بدون جسم زن و لذات جسمانی زنده بمانند بلکه آرزو دارند که بعد از مرگ هم به بهشت بروند و همان لذات را تجربه کنند.

آنها حتی منظورشان از خواندن کتب ودا نیز فقط یادگیری آن بخشهایی است که در رابطه با روشهای مختلف رسیدن به خوشیهای این دنیا و بهشت میباشد و توجهی به مقصد اصلی ودا ندارند. آنها برای حاصل کردن یک لحظه لذت جسمانی حاضرند کارهای مشقت باری را تحمل کنند. این افراد چیز دیگری بجز جسم نمیشناسند.

در این دنیا حتی حیوانات هم از خوشیهای جسمانی لذت میبرند و تولید مثل میکنند و یکروز میمیرند. بنابراین زندگی کسیکه فقط جسم خود را میشناسد و فقط بفکر خوشی و راحتی جسم خود است با زندگی حیوانات فرقی ندارد!

مثل یک ماهی که در تور ماهیگیر افتاده و نمیتواند بجلو یا عقب حرکت کند کسی هم که در چنگال لذات دنیا گرفتار شده نمیتواند به پرماتما فکر کند.



त्रैगुण्यविषया वेदा निस्त्रैगुण्यो भवार्जुन ।

निर्द्वन्द्वो नित्यसत्त्वस्थो निर्योगक्षेम आत्मवान् ॥४५॥

ترجمه: کتب ودا در باره اشیاء و کارها که ساخته سه طبع مختلف طبیعت و انسان است سخن میگویند. ولیکن ای ارجون تو به ماوراء این سه طبع برو! خواستن و نخواستن را رها کن، به فرق ظاهر بین اشیاء توجه نکن و پرماتما را بشناس!

تفسیر: دنیا از چیزهای گوناگون و متضاد درست شده که توجه انسان را بخود جلب میکنند. بنابراین برای رهایی از دام هوسها سادک باید به تضادها و فرق بین اشیاء توجهی نکند. کسی که به فرق ها توجه نمیکند قابلیت دیدن پرماتما را در همه چیز پیدا میکند.



यावानर्थ उदपाने सर्वतः सम्प्लुतोदके ।

तावान्सर्वेषु वेदेषु ब्राह्मणस्य विजानतः ॥४६॥

ترجمه: همانطور که یک چاله فقط همانقدر که نیاز دارد از آب باران برمیدارد یک شخص عالم نیز از دریای علم ودا فقط همانقدر برمیدارد که بآن نیاز دارد.

تفسیر: بهترین قسمت رودخانه سرچشمه آن است! قسمتی که پاک و دست نخورده و قابل نوشیدن است.

ودا قدیمترین کتاب و دریای عظیم و حیرت انگیز علم است. در ودا در باره موضوعات بسیاری از قبیل قربانی ها، پرستش آتش، ستایش خدایان، ریاضت، ستایش و پرستش خدایان، زهد و پرهیزکاری، کارهای خیریه، چگونگی حاصل کردن خوشیهای دنیا و رسیدن به بهشت و همچنین در باره علم برهم بتفصیل شرح داده شده است. عده بسیار نادری از مردم قسمت صاف و زلال ودا را یعنی بخش علم برهم را انتخاب میکنند. حاصل کردن خوشیهای این دنیا و یا خوشیهای بهشتی هدف این مردان خردمند نیست.

هیچیک از اشیاء و اجسام فریبنده دنیا نمیتوانند توجه این مردان را بخود جلب کنند. آنها که در درون خود به رضایت کامل رسیده اند نیازی به اشیاء دنیا ندارند.

مردان خردمند با عبور از جاده هر سه طبع که طبیعت بآنها داده به ماوراء مایا میرسند و حقیقت را درمییابند. آنها به فرق ظاهری اشیاء توجه نمیکنند و نسبت بهمه چیز و همه کس بیطرف میشوند. آنها به کسی و به چیزی علاقه و دلبستگی ندارند و نسبت به کسی یا چیزی احساس نفرت ندارند. آنها در درون خود و در بیرون از خود پرماتما را می بینند و از دیدنش لذت میبرند.

در این جهان بی پایان انسان آرزوهای بی پایان دارد ولی کسی نمیتواند به تمام آرزوهایش برسد. انسان حتی بعد از رسیدن به تمام خواسته هایش هم به رضایت نمیرسد بلکه با ترک آنها است که به رضایت میرسد. خواسته های انسان خود بخود تمام شدنی نیستند و باعث ناآرامی دائم او میشوند! بهمین دلیل شخص خردمند آنها را ترک میکند.



कर्मण्येवाधिकारस्ते मा फलेषु कदाचन।

मा कर्मफलहेतुर्भूर्मा ते सङ्गोऽस्त्वकर्मणि ॥४७॥

ترجمه: ای ارجون! تو فقط حق این انتخاب را داری که کاری را انجام بدهی یا انجام ندهی ولیکن حق انتخاب ثمره آنرا نداری! بنابراین هیچ کاری را بخاطر دریافت ثمره خاصی انجام نده.

تفسیر: انسان برای جمعآوری اشیاء و اموال دنیا و لذت بردن از آنها بدنیا نیامده بلکه آمده که وظایفی را که قبلاً در تولد قبلی نتوانسته انجام بدهد تکمیل کند.

در زندگی هرکس اتفاقات خوشایند و ناخوشایند پیش میآیند ولی کسی که این اتفاقات را با صبوری تحمل میکند و از خود عکس العمل نشان نمیدهد اعمال جدیدی برای خود تولید نمیکند و اعمال گذشته اش بتدریج تمام میشوند. نشان دادن عکس العمل دلیل بر نادانی انسان است.

انسان در واقع بخاطر حاصل کردن خوشیهای دنیا مرتکب گناه میشود و همان گناه یکروز بشکل یک حادثه دردناک در مقابلش ظاهر میشود.

ای ارجون! تو در انتخاب کارها آزادی ولی انتخاب نتیجه آنها در اختیار تو نیست. نتیجه کارها در اختیار من است. تو وظیفه ات را انجام بده و نتیجه آنرا با رضایت قبول کن. سادک کارما یوگی با انجام وظیفه اش به خوشی و رضایت میرسد و از حق دیگران حمایت میکند.



योगस्थः कुरु कर्माणि सङ्गं त्यक्त्वा धनञ्जय।

सिद्ध्यसिद्ध्योः समो भूत्वा समत्वं योग उच्यते॥४८॥

ترجمه: ارجون، ای ثروتمند! وابستگی ها را رها کن. به اشیاء و

اجسام دنیا دل نبند. شکست و موفقیت را یکی بدان و در حالت یوگا योग Yoga یعنی در آرامش کامل درون به انجام وظایف بپرداز!

تفسیر: با رسیدن به حالت یوگا سادک به کسی ایراد نمیگیرد، از چیزی شکایت نمیکند، فرق ها را نمی بیند، شرایط خوب و بد زندگی را قبول میکند و در صدد عوض کردن شرایط زندگی برنمیآید. در این شرایط سادک به موکشا رسیده است.

شنکر آچاریا میگوید: تو موفقیت و شکست را یکسان بدان و وظایف خود را آنطور که در توان تو هست انجام بده. برای شخص کارما یوگی حتی رسیدن یا نرسیدن به موکشا هم باید یکسان باشد. هدف سادک کارما یوگی فقط باید درک علم برهم و یکی شدن با پرماتما باشد. بعد از رسیدن به پرماتما همه کارهای سادک را طبیعت انجام میدهد. بعبارت دیگر او مثل یک کودک خردسال کارها را بدون غرور و تکبر، بدون فکر سود و زیان، و بدون تزویر و دروغگوئی آنطور که طبع او ایجاب میکند انجام میدهد و طبیعت مثل یک مادر مهربان از او حمایت و نگهداری میکند. تعادل افکار و آرامش کامل درون "یوگا" نام دارد و همین مشخصات یک یوگی است. در جائیکه درد و غمی نیست آنجا یوگا هست. یوگا همین است.

شخص خردمند عمر خود را برای جمعآوری اشیاء بی ارزش و خوشیهای دنیا و کسب مقام و تعاریف دروغین مردم تلف نمیکند.



दूरेण ह्यवरं कर्म बुद्धियोगाद्धनञ्जय ।

दुद्धौ शरणमन्विच्छ कृपणाः फलहेतवः ॥४९॥

ترجمه: گوش کن ارجون! بر خلاف افکار آرام و منظم که انسان را از هر چیزی بی نیاز میکند فکر نامنظم و مغشوش باعث هوسهای کوچک و بزرگ میشود و عمر انسان در جستجوی آنها تلف میشود!

تفسیر: فکر آرام و منظم باعث میشود که انسان درست تصمیم بگیرد. کسیکه افکار آغشته دارد باآسانی دستخوش احساسات میشود، از دریافت هر چیزی هیجانزده و خوشحال میشود و کمبود هر چیزی باعث دلسردی او میشود. اینگونه اشخاص دوباره متولد میشوند و همین کارها را تکرار میکنند.

~~~~~

बुद्धियुक्तो जहातीह उभे सुकृतदुष्कृते ।

तस्माद्योगाय युज्यस्व योगः कर्मसु कौशलम् ॥५०॥

**ترجمه:** کسیکه دارای افکار آرام و منظم است گناه و صواب را ترک میکند. بنابراین تو هم سعی کن که به آرامش افکار برسی! این آرامش در موفقیت در کارها بسیار مؤثر است.

**تفسیر:** کسیکه این واقعیت را فهمیده که خوشیها و غمها زائیده افکار خودش بوده و دروغین هستند بآنها توجه بیش از اندازه نمیکند. هر عملی چه خوب و چه بد باشد انسان را در قید خود نگاهمیدارد و باعث اغتشاش افکار و ازدیاد کارها میشود. ولی افکار آرام و یکنواخت از مقدار کارها میکاهد. سادک کارما یوگی کارهایش را از راه صحیح انجام میدهد و از قید عمل رها میشود. انسان حتی برای یک لحظه هم نمیتواند بدون کار و فعالیت بماند و بنابراین هر لحظه برای خود خوشی و غم تولید میکند ولی کسی که به آرامش درون رسیده علیرغم اینکه کار میکند از هر گناه و صواب و خوشی و غم بدور میماند.

~~~~~

कर्मजं बुद्धियुक्ता हि फलं त्यक्तवा मनीषिणः।

जन्मबन्धविनिर्मुक्ताः पदं गच्छन्त्यनामयम् ॥५१॥

ترجمه: سادک خردمندی که به آرامش درون رسیده دنیا را که ثمره کارهایش است ترک میکند و از قید تولد مجدد در این دنیا رها میشود. او موکشا را تجربه کرده و به حالت بی ایراد و ابدی رسیده است.

تفسیر: آن یوگی که حقیقتاً به رضایت رسیده گوئی به تمام آرزوهایش رسیده و کمبود چیزی را احساس نمیکند و بهمین دلیل براحتی اشیاء و کارها را ترک میکند و در آرامش درون عنصر حقیقت یگانه را درک میکند. او در این آرامش شکل حقیقی خود را میشناسد و کامل و بی نقص بودن خود را احساس میکند! هیچگونه شک و بدبینی و خیالات بفرش خطور نمیکند و یکی بودن خود را با پرماتما احساس میکند. این یوگی مثل پرماتما کامل و بی عیب است! هیچ احساسی پاکتر و هیچ مرتبه ای برتر از این نیست! *निर्विकार without defect, the ultimate being*.

هر چیزی که ایراد دارد تغیر میکند، بهتر یا بدتر میشود و یکره از بین میرود و در آخر به ریشه اصلی خود بازمیگردد ولیکن چیزی که کامل است تغیر نمیکند و از بین نمیرود و جاودان میماند.

هر کاری در این دنیا یک نتیجه دارد و آن نتیجه همیشه یک شیئی مادی است. هیچ کاری نمیتواند ثمره معنوی داشته باشد و بهمین دلیل انسان را از پرماتما دور میکند. ترک کار هم نمیتواند ثمره معنوی داشته باشد! ولیکن ترک ثمره کار بمعنای ترک خواسته ها و ترک دنیا است! برای این شخص نادر همه چیز یکسان میشود. کسی که باین مقام میرسد در مقابل اتفاقات خوب خوشحال نمیشود و در مقابل مصائب دنیا نگران و ناراحت نمیشود.

طبیعت همیشه در حال دگرگونی است و جسم و عقل انسان هم که جزئی از طبیعت است همیشه در حال دگرگونی میباشند. روح انسان همیشه آرام و عاری از دگرگونی است. هوسها باعث ایجاد خوشیها و غمها و در نتیجه باعث تشویش افکار انسان میشوند و او اصل وجود خود را فراموش میکند.

طبع انسان افکار و احساسات او را تحت شعاع خود قرار میدهد. خوب و بد، زشت و زیبا، فقیر و غنی، درست و غلط، گناه و صواب، حس مالکیت و وابستگی به دیگران ساخته طبع انسان است و هر کس نسبت به

طبع خود باینها اهمیت میدهد! شخص خردمند از هر سه طبع میگذرد و در ماوراء آنها شخصیت حقیقی خود را میشناسد.

~~~~~

यदा ते मोहकलिलं बुद्धिर्व्यति तरिष्यति ।

तदा गन्तासि निर्वेदं श्रोतव्यस्य श्रुतस्य च ॥५२॥

**ترجمه:** وقتی که عقل تو از چنگال توهمی بنام علاقه و وابستگی به اشیاء دنیا رها شود آموغ تو از تمام لذاتی که قبلاً تجربه کرده ای و یا در باره آنها شنیده ای سیر خواهی شد و از آنها کناره گیری خواهی کرد.

**تفسیر:** سادک با علم باینکه اشیاء دنیا نمیتوانند باو خوشی حقیقی بدهند آنها را ترک میکند. تا زمانی که انسان خود را یک جسم تصور میکند و اشیاء و اشخاصی را که مربوط به جسمش میباشند متعلق بخود میداند بطور ناخودآگاه به آنها وابسته میشود و نمیتواند آنها را ترک کند. بنابراین بهتر از ترک کارها و اشیاء دنیا ترک وابستگی بآنها میباشد. زیرا اگر سادک بعد از ترک اشیاء دنیا قلاباً بآنها وابسته و علاقمند باشد اینکارش فقط یک تظاهر به ترک دنیا خواهد بود و برایش فایده ای نخواهد داشت.

~~~~~

श्रुतिविप्रतिपन्न ते यदा स्थास्यति निश्चला ।

समाधावचला बुद्धिस्तदा योगमवाप्स्यसि ॥५३॥

ترجمه: بعد از بکار بردن تمام روشهایی که در کتب شاسترا برای کسب خوشیهای دنیا توصیه شده انسان خردمند یگروز از خوشیهای دنیا خسته میشود و آموغ است که آنها را ترک میکند و به یوگا علاقمند میشود و بسوی پرماتما متمایل میشود.

تفسیر: تمام روشهای مختلفی که در کتب شاسترا برای کسب مادیات و خوشیهای دنیا ذکر شده اند افکار انسان را مغشوش میکنند و در آخر انسان بیخرد بدون اینکه به رضایت برسد زندگی اش تلف میشود. روشهای گوناگون رسیدن به آرزوهای خود در این دنیا و رسیدن به بهشت موعود از طریق پرستش خدایان در کتب شاسترا نوشته شده است. ولیکن در واقع هرچیزی در این دنیا نسبت به اعمال خوب و بد خود ما بما

داده میشود. آنچه که حق ما است کسی نمیتواند از ما بگیرد و آنچه که حق ما نیست کسی نمیتواند بما بدهد.

~~~~~

अर्जुन उवाच

स्थितप्रज्ञस्य का भाषा समाधिस्थस्य केशव।

स्थितधीः किं प्रभाषेत किमासीत ब्रजेत किम्॥५४॥

**ترجمه:** ارجون پرسید: ای کریشنا! آن کسی که افکارش کاملاً آرام شده و با پرماتما یکی شده است چه مشخصاتی دارد؟ او چطور سخن میگوید؟ چطور با دیگران نشست و برخاست میکند و با دیگران چطور رفتار میکند؟

**تفسیر:** سادک در حالت آرامش درون تصمیم بکاری نمیگیرد، او به فرق بین اشیاء توجهی ندارد ولیکن از تمام اتفاقات آگاه است. سادک از زمانیکه به تحصیل علم برهم میپردازد افکارش بتدریج آرام میشوند و از کارها و فعالیتهای غیرضروری اش کاسته میشود و بتدریج به آرامش کامل (آرامش درون) میرسد.

~~~~~

श्री भगवानुवाच

प्रजहाति यदा कामान्सर्वान्पार्थ मनोगतान्।

आत्मन्येवात्मना तुष्टः स्थितप्रज्ञस्तदोच्यते॥५५॥

ترجمه: شیری بغوان گفت: وقتی که سادک هوسهایش را ترک میکند و در حالت بی نیازی احساس رضایت میکند آنموقع باید گفت که او به آرامش افکار رسیده است Calmness स्थिरबुद्धि.

تفسیر: سادک با بخاطر سپردن این واقعیت که هوسها میآیند و میروند به آنها توجه نمیکند و آنها را از خود دور میکند. مرد خوشگذران نمیتواند هوسها را ترک کند و آنها او را بدنبال خود باینسو و آنسو میکشند. اشیاء دنیا دروغین هستند و انسان هر قدر هم که بآنها علاقمند باشد یکروز باید آنها را ترک کند.

~~~~~

दुःखेष्वनुद्विग्नमनाः सुखेषु विगतस्पृहः ।

वितरागभयक्रोधः स्थितधीर्मुनिरुच्यते ॥५६॥

**ترجمه:** کسیکه در مقابل مصائب و مشکلات زندگی احساس تشویش و نگرانی نمیکند و در مقابل خوشیها هیجانزده نمیشود و در مقابل مشکلات بیباک است شخص سنجیده ای است که به آرامش کامل رسیده است.

**تفسیر:** اعمال انسان با افکار و احساسات او ارتباط مستقیم دارند. برای سادک کارما یوگی انجام وظیفه و کمک بدیگران در درجه اول اهمیت قرار دارد و بهمین دلیل در مقابل مشکلاتی که برسر راهش قرار میگیرند دستخوش اضطراب نمیشود و آرامش خود را حفظ میکند.

کسیکه به اشیاء دنیا وابسته است با حاصل کردن آنها احساس خوشی میکند ، ترس از دست دادنشان او را نگران میکنند و در صورت از دست دادنشان خشمگین میشود. برای شخص کارما یوگی علاقه به اشیاء دنیا خود بخود از بین میرود. نگرانی و ترس را با هیچ روشی، حتی با ریاضت کشیدن، قربانی دادن، به زیارت رفتن و خیرات دادن هم نمیتوان از بین برد و تنها راه نجات از این دشمنان ترک علاقه و وابستگی به اشیاء دنیا است. سادکی که هوسها را ترک کرده همیشه آرام است. او سکوت را بر پرگوئی ترجیح میدهد و در صورتیکه بیان مطلبی ضروری باشد بمقدار کم، با محبت و سنجیده سخن میگوید. این شخصیت مقدس با این مشخصات "مونی" Ascetic مُنی خطاب میشود.

~~~~~

यः सर्वत्रानभिस्त्नेहस्तत्तत्प्राप्य शुभाशुभम्।

नाभिनन्दति न द्वेष्टि तस्य प्रज्ञा प्रतिष्ठिता ॥५७॥

ترجمه: سادکی که به چیزی و بکسی علاقه و وابستگی ندارد در مقابل اتفاقات خوشایند و ناخوشایند احساس شادمانی و یا اضطراب نمیکند. این سادک به آرامش درون رسیده است.

تفسیر: سادک کارما یوگی همیشه متوجه این حقیقت است که او هیچ ارتباطی با اتفاقات و شرایط خوب و بد این دنیا ندارد. او میداند که در این دنیا هیچ چیزی متعلق باو نیست! او زن، بچه، خانه و املاک و حتی جسم

خود را متعلق بخود نمیداند و معتقد است که هر چه که دارد از طرف پرماتما، مالک والای این جهان باو داده شده است و از داشتن آنها احساس غرور و تکبر نمیکند.

انسان هر قدر هم زیرک باشد دارای عقل محدود است ولیکن وقتی که او به پرماتمای نامحدود علاقمند میشود احساس میکند که باو نزدیک شده است.



यदा संहरते चायं कूर्मोऽङ्गनीव सर्वशः।

इन्द्रियाणीन्द्रियार्थेभ्यस्तस्य प्रज्ञा प्रतिष्ठिता॥५८॥

ترجمه: همانطور که یک لاک پشت بوقت احساس خطر چهار دست و پا و دم و سرش را جمع کرده و آرام میشود سادک کارما یوگی هم بر پنج حواس و افکار و احساساتش مسلط میشود.

تفسیر: سادک بر افکار و احساساتش مسلط شده و از رفتن آنها بسوی اشیاء دنیا جلوگیری میکند و فقط در مواقع ضروری از آنها استفاده میکند. حتی ذره ای توجه به اشیاء دنیا باعث بهم خوردن آرامش افکار انسان میشود.

با توجه باینکه تمام احساسات خوب و بد زودگذر هستند سادک بدون اینکه به آنها توجه کند با صبروری منتظر میشود تا آنها همانطور که آمده بودند بروند.



विषया विनिवर्तन्ते निराहारस्य देहिनः ।

रसवर्जं रसोऽप्यस्य परं दृष्ट्वा निवर्तते ॥५९॥

ترجمه: کسیکه اشیاء مادی را ترک میکند و از تمایلات جسمانی پرهیز میکند در ابتداء هوسها در دلش باقی میمانند و مزه ها از خاطرش نمیروند. ولیکن بعد از رسیدن به آرامش فکری در دل شخص کارما یوگی هیچ علاقه ای به لذات دنیا باقی نمیماند.

تفسیر: اگر کسی تحت شرایط خاص و صرفاً بمنظور تظاهر و خودنمایی اشیاء دنیا را ترک کند هوسها و علاقه اش بآن اشیاء از بین نخواهد رفت.

جهالت باعث علاقه انسان به اشیاء دنیا میشود و او از آنها لذت میبرد ولی وقتی که جهالت از بین برود و انسان حقیقت وجود خود را دریابد او مسرت حقیقی را تجربه میکند و به اشیاء و خوشیهای زودگذر بی توجه میشود. انسان از هر چیزی برای مدتی لذت میبرد ولی بتدریج از اهمیت آن چیز کاسته میشود و کم کم بآن چیز بیعلاقه میشود. پرماتما شکل حقیقی انسان است و بهمین دلیل انسان او را بطور آگاه یا ناخودآگاه بیشتر از هر کس و هر چیزی دوست دارد.

انسان در کودکی از بازی کردن با سنگ و تیله لذت میبرد ولی در جوانی بوجود اشیاء و اجسام پی میبرد و بآنها علاقمند میشود و درمییابد که اسباب بازیها دروغین بودند و آنها را ترک میکند. بهمان صورت نیز وقتی که انسان به وجود پرماتما پی میبرد به اشیاء دنیا بیعلاقه میشود و در صدد یافتن پرماتما برمیآید.

برای شناختن پرماتما و درک یکی بودن خود با او کتب و داسه روش اصلی را توصیه کرده اند: 1 - ایمان و خدمت ، 2 - انجام وظیفه ، 3 - کسب علم.

1 - روش ایمان و خدمت योग भक्ति Yoga of Devotion .

2 - روش انجام وظیفه योग कर्म Yoga of Duty .

3 - روش کسب علم योग ज्ञान Yoga of Knowledge .

~~~~~

यततो ह्यपि कौन्तेय पुरुषस्य विपश्चितः।

इन्द्रियाणि प्रमाथीनि हरन्ति प्रसभं मनः॥६०॥

**ترجمه:** ای خردمند! هوسها آنچنان قوی هستند که میتواند حتی افکار یک شخص عالم را نیز تحت اختیار خود درآورند و او را گمراه کنند.

**تفسیر:** حتی گمراه شدن یکی از حواس پنجگانه میتواند باعث بر باد رفتن زندگی انسان بشود. تسلط بر حواس و مقابله با هوسها دشوار است



و حتی بعضی از عالمان هم در مقابل هوسها دچار ضعف شده و نمیتوانند آنها را مهار کنند. بهمین دلیل نیز سادک هرگز نباید از حواس خود غافل باشد و نباید دچار این توهم شود که بر حواس خود تسلط کامل یافته است. سادک با انضباط همیشه هوشیار و آگاه است.



तानि सर्वाणि संयम्य युक्त आसीत मत्परः।

वशे हि यस्येन्द्रियाणि तस्य प्रज्ञा प्रतिष्ठिता॥६१॥

**ترجمه:** سادک کارما یوگی در حالیکه بیاد من است بر حواس خود مسلط شود. زیرا بخاطر سپردن من از رفتن فکر سادک بسوی اشیاء دنیا جلوگیری میکند و در نتیجه او میتواند بر حواسش مسلط شود و به توازن و آرامش افکار برسد.

**تفسیر:** انسان با دست خالی بدنیا آمده و با دست خالی از دنیا میرود. بعبارت دیگر هیچکس در این دنیا مالک چیزی نیست. هر چیزی در این دنیا بطور موقتی بانسان داده شده است و شخص عاقل از آنها بنحو درست استفاده میکند و خیرش بدیگران میرسد. انسان بدلیل غروری که دارد چیزهائیرا که در زندگی عایدش میشود متعلق بخود میداند و همین باعث دوری او از پرماتما میشود. با اعتقاد باینکه همه کارها بدست طبیعت انجام داده میشوند و طبیعت تحت اختیار ایشور است سادک کارمایوگی و سانکیایوگی از کارهائیکه میکنند و ثمراتی که حاصل میکنند احساس غرور نمیکند. فرق بغوان با ایشور این است که بغوان شکل ظهور یافته پرماتما بر روی زمین است ولی ایشور ظهور نیافته و در همه جا بشکل غیر غیرقابل رؤیت موجود است! یوگی ها و عالمان و زاهدان ایشور را بعد از هزاران سال ریاضت و عبادت در قلب خود بشکل نور علم میبینند!



ध्यायतो विषयान्पुंसः सङ्गस्तेषूपजायते।

सङ्गातसञ्जायते कामः कामातक्रोधोऽभिजायते॥६२॥

क्रोधाद्भवति सम्मोहः सम्मोहात्स्मृतिविभ्रमः।

स्मृतिभ्रंशाद् बुद्धिनाशो बुद्धिनाशात्प्रणश्यति॥६३॥

**ترجمه:** کسیکه به اشیاء و لذات جسمانی فکر میکند بآنها علاقمند میشود. در اثر این علاقه در دل انسان هوس حاصل کردن آنها بوجود میآید. ناکامی در هوسها باعث ایجاد خشم میشود و انسان در حال خشم نمیتواند درست فکر کند و درست تصمیم بگیرد و باین ترتیب زندگی شخص هوسران بسوی نابودی میرود.

**تفسیر:** پرماتما پاک و پاک کننده است و انسان را از هوسها رها میکند و بهمین دلیل بخاطر سپردن و تکرار نام او به سادک توصیه شده است.

کسیکه به آرامش درون و سعادت خود علاقمند است به اشیاء دنیا بی تفاوت میشود و پرماتما برایش در درجه اول اهمیت قرار میگیرد ولی کسیکه دنیا و خوشیهای زودگذر را انتخاب میکند به بیراهه میرود. نژاد، قوم، خانواده، هنر و قابلیت، توانائیهای جسمانی و اخلاقی، فنون، تحصیلات، املاک و دارائی باعث احساس تکبر انسان میشوند و این احساس باعث میشود که او از دیگران توقع تعریف و احترام داشته باشد و بی توجهی بآن باعث خشم او میشود. هوس بدترین چیز برای سادک است زیرا بقیه خصوصیات زشت اخلاقی بدنبال هوسها بوجود میآیند.



रागद्वेषवियुक्तैस्तु विषयानिन्द्रियैश्चरन्।

आत्मवश्यैर्विधेयात्मा प्रसादमधिगच्छति ॥६४॥

प्रसादे सर्वदुःखानां हानिरस्योपजायते ।

प्रसन्नचेतसा ह्याशु बुद्धिः पर्यवतिष्ठते ॥६५॥

**ترجمه:** آن سادک کارما یوگی که بر حواس خود تسلط کامل پیدا کرده است حتی اگر جسماً از اشیاء دنیا لذت ببرد در درون خود از آنها دور میماند و بآنها علاقمند و وابسته نمیشود.

**تفسیر:** کسیکه در مقابل خوشیها هیجانزده نمیشود و در مقابل غمها افسرده و نگران نمیشود مثل این است که هیچ خوشی و غمی بزنگی اش نیامده و در نتیجه در حالت رضایت بسر میبرد. در واقع غم و ترس و

نگرانی بخاطر دلبستگی انسان به خوشیهای دنیا بسراغش میآیند و کسیکه بدنبال خوشیها نیست اینها بسراغش نمیآیند.

در زندگی هر کسی مشکلات و مصائب پیش میآیند ولی سادک کارما یوگی قبول میکند که آنها ثمره اعمال گذشته خودش هستند و آنها را با صبوری تحمل میکند و مصائب زندگی بر افکار و احساساتش اثری نمیگذارند.

احساس خوشی یا ناراحتی از چیزی، خواستن و نخواستن، قبول کردن و رد کردن، پسندیدن و ناپسندیدن و غیره عکس العملهایی هستند که انسان بوقت تماس با اشیاء دنیا از خود نشان میدهد. بدون این عکس العملها انسان به همه چیز بی تفاوت میشود. سادک باید از عکس العمل کردن دوری کند.

سیری از اموال دنیا و ترک آنها یکنوع ریاضت است. این ریاضت برتر از ریاضتهای جسمانی میباشد. فقط آن کسی میتواند چیزی را رها کند که آن چیز را داشته باشد! کسانی که اموال دنیا را ترک میکنند در طول زندگی فعلی یا زندگی قبلی آن اموال را داشته، از آنها لذت برده و حالا از آنها سیر شده اند و فهمیده اند که هدف برتری در دنیا هست و بدنبال آن میروند! کسانی که صرفاً بدلیل شکست و ناامیدی در زندگی اشیاء دنیا را ترک میکنند در واقع انسانهای ضعیف هستند و منظورشان انتقام گرفتن از دنیا است و برای آنها درک حقیقت بسیار دشوار است. سادک کارما یوگی نیازی به ترک خانه و خانواده و اموالش ندارد و به زندگی عادی ادامه میدهد. او که هدفش رهایی از کار و اشیاء است با انجام دادن وظایفش به هدف خود میرسد. او از تجملات و اشیاء غیرضروری سیر میشود و کارها خودبخود او را ترک میکنند!



नास्ति बुद्धिरयुक्तस्य न चायुक्तस्य भावना।

न चाभावयतः शान्तिरशान्तस्य कुतः सुखम्॥६६॥

**ترجمه:** کسی که حواس خود را تربیت نکرده نمیتواند از رفتن آنها بسوی هوسها خودداری کند. این شخص بیخرد وظیفه اش را نمیشناسد و نمیتواند خیرخواه کسی باشد. آنها که خیرخواه دیگران نیستند نمیتوانند افکار

آرام داشته باشند. بدون آرامش افکار انسان حتی به خوشیهای مادی دنیا هم نمیرسد چه رسد به مسرت معنوی!

**تفسیر:** در اینجا موضوع بحث مربوط به انجام صحیح وظایف است. در این روش که هدفش رهایی از کارها و اشیاء غیرضروری دنیا میباشد تسلط بر افکار و حواس پنجگانه و پرهیز از هوسها مهمترین اصل میباشد. هوسهای انسان بدون کنترل کردن حواس و فقط از طریق دلیل و منطق از بین نمیروند و بدون از بین رفتن هوسها افکار انسان آرام نمیشوند. کسیکه بر خواسته هایش مسلط نیست بطور دائم بدنبال حاصل کردن خوشیها و اشیاء دنیا میرود. او گاهی خوشی و راحتی میطلبد، گاهی احترام میخواهد، گاهی ثروت میخواهد، گاهی لذت جسمانی میخواهد و باین ترتیب در درونش هوسهای گوناگون مثل امواج ناآرام پدید میآیند و ناپدید میشوند و افکارش را پریشان میکنند!

کسیکه وظایف خود را نمیشناسد و آنها را انجام نمیدهد هرگز نمیتواند بآرامش برسد. کسیکه آرام نیست چطور میتواند خوشی را تجربه کند؟ او هر قدر هم که در ظاهر خوش باشد ولی در باطن خوشی را احساس نخواهد کرد.



इन्द्रियाणां हि चरतां यन्मनोऽनुविधीयते।

तदस्य हरति प्रज्ञां वायुर्नानमिवाम्भसि॥६७॥

**ترجمه:** مثل هوای طوفانی که میتواند یک قایق کوچک را در دریا بهر سو بکشانند حتی یک حواس سرکش میتواند افکار انسان را تحت اختیار خود درآورد و او را بهر سو بکشانند.

**تفسیر:** در حقیقت هدف انسان از هرکاری که میکند رسیدن به پرماتما است. اراده سادک در رسیدن باین هدف باید محکم باشد. در دنیائی که پر از تجملات و اشیاء دلپسند میباشد در سر راه سادکی که اراده اش محکم نیست مشکلات بسیاری پیدا میشوند.

حواس فعال انسان (پوست، بینی، چشم، زبان و گوش) در تماس با چیزهای مورد علاقه خود (لمس، بو، شکل، مزه و صدا) لذت میبرند و آن

چیزها در نظرش با ارزش میشوند. باین ترتیب عقل انسان فریب میخورد و در صدد حاصل کردن آن چیزها برمیآید.

~~~~~

तस्माद्यस्य महाबाहो निगृहीतानि सर्वशः।

इन्द्रियाणीन्द्रियार्थभ्यस्तस्य प्रज्ञा प्रतिष्ठिता॥६८॥

ترجمه: بهمین دلیل ای دلاورترین! شخص پرهیزکاری که فریب اشیاء دنیا را نمیخورد و به حواسش اجازهٔ هرزگی نمیدهد دارای عقل آرام است.

تفسیر: سادک با انضباط در هر حال و هر شرایطی، بوقت کار و بیکاری، در جمع مردم و در تنهایی همیشه متوجه حواس خود است و از رفتن آنها بسوی اشیاء دنیا و هوسها جلوگیری میکند. همانطور که بعد از کشیدن دندان مار او دیگر نمیتواند کسی را نیش بزند با از بین رفتن علاقه به اشیاء دنیا نیز هوسی باقی نمیماند. سادکی که در تصمیم خود به رسیدن به پرماتما جدی است علیرغم اینکه در جمع مردم و در خانه و نزد خانواده اش زندگی میکند و از اشیاء دنیا استفاده میکند بآنها دل نمیبندد و به کسی و چیزی وابسته نمیشود.

~~~~~

या निशा सर्वभूतानां तस्यां जागर्ति संयमी।

यस्यां जाग्रति भूतानि सा निशा पश्यतो मुनेः॥६९॥

**ترجمه:** سادک پرهیزکار در شب جهالت مردمی که از پرماتما غافلند بیدار میماند و علاقه ای به خوشیهای دنیا ندارد.

**تفسیر:** پرماتما کیست؟ علم برهم چیست؟ چرا مشکلات و مصائب بسراغ انسان میآیند؟ کارهای ما چه نتایجی دارند؟ کسی که گرفتار هوسهاست باین سوالات فکر نمیکند و ترجیح میدهد که در تاریکی جهالت بماند. آنها که میخورند و میخوانند و فقط ب فکر خوشی و راحتی جسم خود هستند در ردهٔ حیوانات هستند. در واقع حیوانات از اینگونه افراد بهترند زیرا حیوانات فقط همانقدر که احتیاج دارند میخورند و حق دیگران را برای فردای خود پس انداز نمیکند ولی افراد طمعکار هرچیز را جمع آوری

میکنند. این رفتار مردم دنیا پرست در نظر یک سادک صادق بسیار بچگانه میباشد.

همانطور که کودکان خردسال با سنگ و تیله های شیشه ای بازی میکنند و با جمع آوری آنها خوشحال میشوند و از دست دادنشان باعث ناراحتی آنها میشود مردم نادان هم با جمعآوری اشیاء بی ارزش دنیا عمر خود را تلف میکنند. این مردم برای یافتن خوشیها از هر نوع تلاش و دروغ و جنگ و ستیز دریغ نمیکنند. اشخاص هوسران برای حفظ جوانی جسم خود سختی های بسیاری را متحمل میشوند ولی در نظر یک یوگی و شخص عالم جوانی و زیبایی جسم اهمیتی ندارد.

مرد دنیا پرست تصور میکند هرچه که هست در لذات دنیا است ولی مرد دنیا دیده میداند که دنیا چیست! شخص پول پرست فقط لذت جمعآوری اموال را دیده ولی کسیکه اموال دنیا را ترک کرده نه تنها لذت داشتن اموال را دیده بلکه لذت ترک آنها را نیز تجربه کرده است. این یک اصل ثابت شده است که انسان تا زمانیکه به دنیا علاقه و دلبستگی دارد نمیتواند آنرا بشناسد! مثل هر چیز دیگر دنیا را هم که از اشیاء و تخیلات واهی درست شده فقط بعد از ترک اشیاء و تخیلات میتوان شناخت!

مردم دنیا پرست شب و روزشان را برای جمعآوری اشیاء دنیا میگذرانند و بآنها اهمیت میدهند. آنها کارهای دنیا را با دقت فراوان انجام میدهند و حاصل کردن چیزهای دنیا را موفقیت محسوب میکنند. آنها برای رسیدن به خواسته هایشان مشقات فراوانی را متحمل میشوند، خدایان را میپرستند، مانترهای بسیاری تکرار میکنند، به زیارتگاههای بسیاری میروند و بدرگاه خدایان دعا میکنند. تمام این چیزها در نظر یک سادک و یک عالم آزاده بی ارزش هستند و رفتار این مردم را نشانه جهالت آنها میدانند زیرا در نظر این عالمان تمام این چیزها در زمین و آسمان و حتی در بهشت خدایان هم موقتی میباشند.

کسیکه حقیقت را شناخته آنچه را که حقیقت است و آنچه را که حقیقت نیست هر دو را شناخته است. ولیکن کسیکه حقیقت را نشناخته است دروغ را نمیتواند بشناسد فقط دروغ را باور میکند! کسیکه دروغ را باور میکند چطور میتواند حقیقت را بشناسد؟



आपूर्यमाणमचलप्रतिष्ठं समुद्रमापः प्रविशन्ति यद्वत्।

तद्वत्कामा

यं प्रविशन्ति सर्वे स शान्तिमाप्नोति न कामकामी॥७०॥

**ترجمه:** رودخانه ها از هر چهار طرف بسوی دریا میروند و بآن میپیوندند ولی با افزایش آب دریا آرامش او بهم نمیخورد! بهمان شکل نیز رسیدن به مقام و ثروت باعث هیجان سادک نمیشود و آرامش افکارش بهم نمیخورد.

**تفسیر:** فقط نزدیک بودن به پرماتما است که بانسان احساس رضایت خاطر و آرامش کامل میدهد! این احساس را هیچیک از اشیاء دنیا نمیتوانند بانسان بدهند. خوشی که انسان از اشیاء مادی حاصل میکند یک حالت جهالت است و محدود به زمان و مکان و شرایط خاصی میباشد. خوشیها تحت شرایطی تولید میشوند و بعد از مدتی دگرگون شده و از بین میروند و بنابر این موقتی میباشد.

کسیکه خواهان لذات جسمانی است فقط اشیاء دنیا را حائز اهمیت میداند و حاصل کردن تمام اشیاء دنیا هم او را سیر نمیکند. کسیکه هوسها، طمع، حسادت و رقابت پایان ناپذیرش او را دائماً مثل یک میمون میرقصانند چطور میتواند به رضایت و آرامش برسد.

انسان نادان بدلیل کمبودهای جسمانی خود این دنیا را پر از اجسام دلپذیر میبیند و هوس تصاحب آنها و جبران کمبودهایش او را پیر میکند. ولی وقتی که درک میکند که او کمبودی ندارد و نیازی به چیزهای غیرضروری ندارد این دنیا را آنطور که هست میبیند! نه آنطور که در خیالاتش تصور میکند! این جهان پهناور یک جسم بیجان نیست بلکه خود پرماتما و حقیقت جاودان است!

वासुदेवः सर्वम् everything is Brahm (gita 7/19)

وقتی که هوسهای انسان تمام میشوند تمام اشیاء دنیا از او راضی و با او هماهنگ میشوند و در نتیجه چیزهائیکه او به آنها نیاز دارد خود بخود بنزدش میآیند.



विहाय कामान्यः सर्वान्पुमांश्चरति निःस्पृहः।

निर्ममो निरहङ्कारः स शान्तिमधिगच्छति॥७१॥

**ترجمه:** کسیکه تمام هوسها را ترک میکند و بدون خواسته ای، بدون داشتن حس مالکیت و بدون تکبر با مردم رفتار میکند به آرامش کامل افکار و احساسات میرسد.

**تفسیر:** انسان با بدست آوردن اشیاء دنیا موقتاً خوشحال میشود ولیکن آرامش پیدا نمیکند! انسان برای یافتن آرامش نیازی به چیزهای دنیا ندارد! آرامش در حقیقت در ذات انسان و از ازل در او هست! آرامش نه با بدست آوردن چیزها کسب میشود و نه با ترک آنها! آرامش را نمیتوان خرید و حتی گورو هم نمیتواند آنرا به شاگردش بدهد!! آرامش باید در درون خود یافته و تجربه شود!



एषा ब्राह्मी स्थितिः पार्थ नैनां प्राप्य विमुह्यति।

स्थित्वास्यामन्तकालेऽपि ब्रह्मनिर्वाणमृच्छति॥७२॥

**ترجمه:** ارجون! این حالت براهمی نام دارد Brahmi براهمی. شخص براهمی فریب دنیا و اشیاء آنرا نمیخورد و چیزی را متعلق بخود نمیداند و بچیزی وابسته نمیشود.

**تفسیر:** سادک با ترک غرور و حس مالکیت از دنیای دروغین آزاد میشود و شکل حقیقی خود را در حقیقت یگانه می بیند یعنی با برهم یکی میشود. با رسیدن باین مقام والا شخصیت دروغین سادک از بین میرود یعنی آنکه جسم خود را "من" میگفت و اجسام متعلق به جسم خود را "مال من" تصور میکرد نیماند.

پایان بخش دوم بهاگواد گیتا — علم برهم  
گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون

\*\*\*\*\*



॥ ॐ श्री परमात्मने नमः ॥

## بخش سوّم

अर्जुन उवाच

ज्यायसी चेत्कर्मणस्ते मता बुद्धिर्जनार्दन।

तत्किं कर्मणि घोरे मां नियोजयसि केशव॥१॥

व्यामिश्रेणेव वाक्येन बुद्धिं मोहयसीव मे।

तदेकं वद निश्चित्य येव श्रेयोऽहमाप्नुयाम्॥२॥

**ترجمه:** ارجون گفت: ای کریشنا! اگر تو روش علم را برتر از روش عمل میدانی پس چرا مرا باین جنگ وادار میکنی؟ تو از یکسو بمن میگوئی که انجام وظیفه کن ولی از سوی دیگر از محسنات علم برهم برایم تعریف میکنی! حرفهای تو مرا سر در گم کرده است. من نمیفهمم که چه چیزی بصلاح من است؟ آیا بهتر است که انجام وظیفه کنم و بجنگم یا اینکه میدان جنگ را ترک کنم و به علم پناه ببرم؟

**تفسیر:** یکی از نقاط ضعف انسان این است که به فامیل و اطرافیانش دل می بندد و بآنها وابسته میشود و همین وابستگی باعث ایجاد احساسات موهوم و توخالی میشود. این احساسات روی خرد انسان را میپوشانند و قدرت تصمیم گیری را از او سلب میکنند و او بوقت لازم نمیتواند بدرستی تصمیم بگیرد.

ارجون میداند که با حاصل کردن املاک شاهی به خوشی دنیائی خواهد رسید ولی نمیداند چطور میتواند به سعادت معنوی برسد! او میداند که شیری کریشنا همیشه خیر و صلاح او را میخواهد و بهمین دلیل از او راهنمایی میخواهد و میگوید: ای کریشنا من نمیدانم چه کنم! بمن بگو صلاح من در چیست؟

در واقع جواب صحیح فقط موقعی دریافت میشود که سؤال همراه با احترام و اعتماد به طرف متقابل باشد و هیچگونه دو روئی و ریاکاری در آن نباشد!

ارجون ترجیح میدهد که جنگ را رها کند و به تحصیل علم برهم بپردازد ولی شیرری کریشنا میداند که برای تحصیل علم برهم سادک باید دارای افکار آرام باشد و میداند که افکار ارجون بدون انجام وظیفه اش آرام نخواهند شد. بهمین دلیل شیرری کریشنا در ابتداء روش انجام وظایف را به ارجون یاد داد.



श्रीभगवानुवाच

लोकेऽस्मिन्द्विविधा निष्ठा पुरा प्रोक्ता मयानघ।

ज्ञानयोगेन साङ्ख्यानं कर्मयोगेन योगिनाम्॥३॥

**ترجمه:** شیرری بغوان گفت: ارجون، ای مرد پاک! در این دنیا دو نوع اعتقاد هست و هردوی آنها را من بوجود آورده و بانسان یاد داده ام: مردان عالم معتقد به علم هستند و مردان یوگی به عمل و انجام وظیفه اعتقاد دارند.

**تفسیر:** ارجون از گفته های شیرری کریشنا فهمیده بود که برای رسیدن به سعادت معنوی هر دو روش علم و عمل روشهای درستی میباشند. او که از دیدن منظره میدان جنگ ترسیده بود و تصور عواقب جنگ او را بوحشت انداخته بود تصمیم گرفته بود که از میدان فرار کند و به تحصیل علم برهم بپردازد.

از لحظه ایکه سادک به سعادت معنوی علاقمند میشود خصوصیات عالی در او بوجود میآیند و ناخالصیهای وجودش بتدریج از بین میروند. اجسام مادی موقتی هستند و هر لحظه بسوی نابودی میروند در حالیکه روح ابدی و نامحدود است و هرگز از بین نمیرود. از بین رفتن اجسام نباید باعث اندوه انسان بشود و احساس اندوه برای روح که از بین نمیرود کار بیجائی است! برای رسیدن به سعادت معنوی رسیدن به آرامش درون و حفظ آن بسیار ضروری میباشد.

آرامش درون: آرامش درون بمعنای آرامش افکار و احساسات میباشد. آرامش درون با پیروی از هر یک از دو روش علم و عمل (انجام وظیفه) حاصل میشود.

**کرم یوگ** following the law of Karma در روش عمل سادک با در نظر گرفتن توانائی جسمی و مادی خود بدون هیچگونه توقعی به انجام وظایف خود و خدمت بدیگران میپردازد و از قید کارها رها میشود و هوسها او را ترک میکنند. در این مرحله برای سادک خوشی و غم، داشتن و نداشتن، موفقیت و شکست، کوچک و بزرگ یکسان میشوند! این حالت یوگا نام دارد و به موکشا منتهی میشود.

**ज्ञान योग** understanding the Knowledge of the Self

در روش کسب علم برهم سادک با اتکاء به عقل، منطق و قدرت فراگیری خود علم برهم را کسب میکند و به درک حقیقت یگانه و ابدی و مرحله موکشا میرسد و یکی بودن خود را با برهم یگانه تجربه میکند.

سادک در این روش همه چیز دنیا را دروغین میداند و ارتباطش را با کارها و اشیاء دنیا قطع میکند و حقیقت را درمییابد و میفهمد که خودش برهم است. در روش انجام وظیفه سادک با دنیا قطع رابطه نمیکند.

در روش سوّم بنام "ایمان" **भक्ति योग** Devotion سادک به چیزی برتر از جسم و عقل خودش ایمان دارد. در این روش سادک در ابتداء نمیداند که بآنکه او ایمان دارد چیست و کیست و کجاست بلکه فقط بوجود او ایمان دارد! سادک فقط ایمان دارد که او هست و برتر از خودش و برتر از دنیای مادی و اشیاء آن است.

در روش علم "دانستن" مهم است، در روش عمل "خدمت و از خودگذشتگی" مهم است و در روش ایمان "عشق و اعتقاد" مهم است.

در واقع دانستن و اعتقاد داشتن با هم فرق ندارند. همانطور که "دانستن" عاری از تردید است "اعتقاد" هم عاری از تردید است. سادک عابد تمام وجودش را در راه معبودش قربانی میکند و چیزی بجز "او" نمیخواهد. این ایمان عاشقانه خودش راه است و خودش منزل مقصود است. سادک پرهیزکار مقام و ثروت و شهرت نمیخواهد و شکایتی از دنیا و از کسی ندارد. او عابدی است که از معبودش چیزی نمیخواهد و فقط میخواهد که معبودش از او راضی باشد و قابلیت آنرا بیابد که به معبودش برسد.

در هر دو روش علم و عمل سادک متکی به تلاشهای جسمانی و عقلانی خودش است ولیکن در روش ایمان سادک فقط متکی به بغوان است. هر دو روش علم و عمل روشهای دنیائی هستند زیرا سادک با اتکاء به توانائی و تلاشهای خودش آنها را انجام میدهد! ولی در روش ایمان سادک فقط متکی به بغوان و الطاف او میباشد یعنی این روش دنیائی جسمانی نیست بلکه معنوی است.



न कर्मणामनारम्भान्नैष्कर्म्यं पुरुषोऽश्नुते।

न च सन्न्यसनादेव सिद्धिं समधिगच्छति॥४॥

**ترجمه:** انسان نمیتواند بیکار و غیرفعال بماند و بدون ترک کارها هم نمیتواند به سعادت معنوی برسد.

**تفسیر:** طبع انسان او را وادار به فعالیت میکند و با هر کاری که او انجام میدهد برای خود یک "عمل" تولید میکند و همین اعمال خود انسان هستند که او را در قید خود نگاه میدارند و نمیگذارند که او به موکشا یعنی به رهایی از کار و اشیاء دنیا برسد! همین اعمال انسان هستند که نمیگذارند او آرامش کامل را تجربه کند. طبع انسانها با یکدیگر متفاوت هستند و بهمین دلیل نیز نوع فعالیتها و تمایلات مردم نیز با هم تفاوت دارند. طبیعت همیشه فعال و در حال دگرگونی است و این خاصیت در انسان هم که جزئی از طبیعت است وجود دارد و بهمین دلیل انسان یک لحظه نمیتواند بیکار بماند و هر لحظه دگرگون میشود.

با گوشه عزلت گرفتن و ترک کارها و وظایف و کارهای انسان تمام نمیشوند. اعمال انسان خود بخود تمام نمیشوند بلکه باید آنها را از راه و روش صحیح تکمیل و تمام کرد. کسیکه بیکار می نشیند اعمال دیروز و وظایف امروزش افکارش را پریشان میکنند.

همانطور که دانه تف داده شده گندم جوانه نمیزند از کاری هم که بدون هیچگونه توقعی انجام داده شود کار دیگری تولید نمیشود یعنی عمل دیگری به اعمال گذشته او اضافه نمیشود. فقط با این روش است که نه تنها کارهای امروز بلکه اعمال گذشته هم "تکمیل" میشوند و بتدریج کار و عملی (وظیفه ای) برای سادک باقی نمی ماند.

"عمل" (کارما) همان کاری است که انسان با در نظر گرفتن نفع شخصی خود تولید میکند و تا زمانی که آن عمل کامل نشوند بشکل یک وظیفه در مقابل انسان ظاهر میشود.

بهاگودا گیتا علم شناخت حقیقت و رسیدن به پرمتا را به سادک یاد میدهد. در گیتا اهمیت بسیاری به انجام وظیفه و خدمت بدون توقع داده شده است. گیتا معتقد به ترک وظیفه و یا ترک ظاهری کارها و اشیاء دنیا نیست بلکه معتقد به ترک غرور و حس مالکیت دروغین است.



न हि कश्चित्क्षणमपि जातु तिष्ठत्यकर्मकृत्।

कार्यते ह्यवशः कर्मः सर्वः प्रकृतिजैर्गुणैः॥५॥

**ترجمه:** انسان در هیچ شرایط و در هیچ حالی برای یک لحظه هم نمیتواند بدون کار و فعالیت بماند. دلیل آن این است که جسم انسان و تمام موجودات تحت اختیار طبیعت میباشد و خاصیت فعال طبیعت آنها را نیز وادار به فعالیت میکند.

**تفسیر:** اگرچه که روح موجودات زنده (جیواتما) بیحرکت، یگانه و بدون ثانوی، تغیرناپذیر و نابود نشدنی است معهذا در جوار جسم مادی خود حقیقت وجود خود فراموش میکند و غمها و خوشیها را قبول میکند. انسان نادان با علاقمند شدن به اشیاء دنیا تابع آنها میشود! ریشه اصلی وابستگی انسان به اشیاء دنیا جهالت انسان است.

روح انسان (جیواتما) بتوسط سه طبعی که طبیعت باو داده دائماً با طبیعت و اشیاء دنیا در ارتباط است. تا زمانی که انسان از این سه طبع جدا نشود علاقه اش به اشیاء دنیا باقی خواهد ماند و قادر به درک حقیقت یگانه نخواهد شد و وحدت خود را با روح الهی (پرمتا) تجربه نخواهد کرد. کارهایی که انسان امروز انجام میدهد باعث ایجاد اعمال جدیدی در آینده میشوند و همین اعمال سرنوشت او را میسازند. بهمین دلیل نیز اعمالی که انسان انجام میدهد نقش بسیار مهمی در سرنوشت آینده او دارند! اعمال نیک امروز سرنوشت نیک ببار میآورند و اعمال بد باعث سرنوشت بد برای انسان میشوند.

همانطوریکه یک آدم جاهل نمیتواند بیکار بنشیند یک شخص عالم هم نمیتواند بیکار بنشیند. همانطور که حرکات دائم امواج دریا قایق روی

دریا را با خود بحرکت درمیآورد جنبش های دائم طبیعت هم انسان را بطور دائم وادار به جنبش و فعالیت میکنند. انسان حتی بوقت خواب و بیکاری هم فعال است. تمام اتفاقات و فعالیتها از همین سه طبع شروع میشوند و هر کس نسبت به طبع خود به آنها واکنش نشان میدهد.

فقط جسم است که فعالیت میکند و روح آرام و غیرفعال است. انسان با غلبه بر سه طبع خود از آنها جدا میشود و به ماوراء آنها میرود و مجنوب شکل حقیقی خود میشود. این حالت خلسه طبیعی نام دارد सहज समाधि unforced Samadhi، این آرامش کامل درون و بیرون خودش ذات انسان است. در این حالت که برتر از تمام حالات طبیعت است هیچ حرکت و فعالیتی وجود ندارد و شخص یوگی سرما، گرما، صدا، خوشی، غم، گرسنگی، تشنگی و هیچ چیز دیگری را احساس نمیکند.

~~~~~

कर्मन्द्रियाणि संयम्य य आस्ते मनसा स्मरन्।

इन्द्रियार्थान्विमूढात्मा मिथ्याचारः स उच्यते॥६॥

ترجمه: کسی که حواسش را با بی میلی از انجام دادن کارهایشان منع میکند (دیدن، شنیدن ...) و آنها را از رفتن بسوی چیزهای دلخواهشان باز میدارد ولی در دلش بیاد آن چیزهاست و هوس آن چیزها را در دل دارد یک شخص احمق نیرنگ باز است.

تفسیر: آنها که در ظاهر اشیاء دنیا را ترک میکنند ولی در باطن بآن چیزها فکر میکنند، از داشتن آن چیزها احساس غرور و نسبت بآن چیزها احساس مالکیت میکنند هرگز نمیتوانند چیزی را ترک کنند و نمیتوانند از قید کارها رها شوند. سادک نه تنها در ظاهر بلکه در باطن هم اشیاء و هوسها را ترک میکند و بآنها فکر نمیکند.

برای کسیکه هنوز به اشیاء دنیا علاقمند است و آنها را اموال خود میداند ترک اشیاء و کارهای دنیا دشوار است و بهمین دلیل نیز شیری کریشنا به بارجون پیشنهاد کرده که به انجام وظیفه اش بپردازد زیرا با این روش حس مالکیت و غرور انسان بتدریج از بین میرود و ترک اشیاء و کارها برایش آسان میشود. تظاهر به هر چیزی اشتباه است. تظاهر یکی از بدترین خصوصیات اخلاقی است و شخص متظاهر بیشتر از دیگران خودش

را گول میزند و به جائی نمیرسد. ترک حقیقی یک چیز آن موقعی ممکن است که آن چیز از فکرش بیرون رفته باشد.



यस्त्विन्द्रियाणि मनसा नियम्यारभतेऽर्जुन।

कर्मन्द्रियैः कर्मयोगमसक्तः स विशिष्यते ॥७॥

ترجمه: ای ارجون! کسیکه بر حواس خود تسلط یافته و قلباً هوسها را ترک کرده و بدون وابستگی به چیزی وظایفش را انجام میدهد و برطبق اصول کارما یوگا زندگی میکند بهترین انسان است.

تفسیر: کسیکه از راه درست عقل و منطق بر تمام ده حواس خود مسلط میشود و آنها را از رفتن براه غلط باز میدارد یک یوگی است. علاقه به کار و استفاده از ثمرات کار اشتباه نیست بلکه وابسته شدن بآنها اشتباه است زیرا وابستگی باینها به سادک اجازه نمیدهد که از قیدشان رها شود. با ترک وابستگیها سادک به یوگا میرسد. یعنی سادک لازم نیست کارها یا اشیاء را ترک کند بلکه باید وابستگی بآنها را ترک کند. ترک وابستگی به اشیاء که مهمترین اصل روش کارما یوگا است باعث میشود که سادک با انضباط به آرامش افکار برسد. بغوان شیری کریشنا میگوید که انسان باید در بدترین شرایط زندگی هم بانجام وظایفش ادامه بدهد. انسان با انجام وظایف خود چیزهایی را که دنیا باو داده به دنیا پس میدهد و همین یوگا است. یوگا بمعنای درک اتحاد بین روح انسان و روح متعال میباشد. یوگی آن کسی است که این اتحاد را تجربه کرده است.



नियतं कुरु कर्म त्वं कर्म ज्यायो ह्यकर्मणः।

शरीरयात्रापि च ते न प्रसिद्ध्येदकर्मणः ॥८॥

ترجمه: ارجون! تو وظایفت را مطابق نوشته های کتب شاسترا Shashtra انجام بده زیرا کار کردن بهتر از ترک کارها است. بدون کار کردن تو حتی قادر به حفظ جان خود و ادامه زندگی نیز نخواهی بود.

تفسیر: در کتب مذهبی شاسترا انجام وظایفی از قبیل پرستش آتش مقدس، دعا کردن، پرستش خدایان، رفتن به زیارتگاه، ریاضت کشیدن و

رعایت اعتدال در خوردن و خوابیدن و لذات جسمانی توصیه شده است و همچنین پرهیز از کارهای خلاف اخلاقی از قبیل دزدی، ظلم، دروغ، دستبرد به عفت و عزت دیگران، سلب آسایش و آزادی از دیگران بتفصیل نوشته شده است. پرهیز از کارهای منع شده باعث میشود که انسان خود بخود بسوی کارهای درست توصیه شده متمایل شود.

روش یوگای انجام وظیفه و یوگای علم برهم هردو بیک اندازه بازرش میباشند و هیچیک بر دیگری برتری ندارد.

در روش یوگای علم سادک با یادگیری علم برهم حقیقت را درمییابد و یکی بودن روح خودش با پرماتما را درک میکند و با برهم یکی میشود. باین ترتیب میبینیم که همانطور که یک کارما یوگی در انتها به موکشا میرسد و با برهم یکی میشود یک گیان یوگی هم بهمان نتیجه میرسد.



यज्ञार्थात्कर्मणोऽन्यत्र लोकोऽयं कर्मबन्धनः।

तदर्थं कर्म कौन्तेय मुक्तसङ्गः समाचर॥९॥

ترجمه: اکثر مردم بجای انجام دادن وظیفه شان وقت و نیروی جسمانی خود را صرف کارهایی میکنند که بنفع خودشان باشد و یا کارهایی میکنند که بآنها مربوط نیست و در نتیجه در قید کارها گرفتار میشوند! بهمین دلیل ای ارجون! تو فقط وظیفه ات را که بهترین نوع قربانی است انجام بده.

تفسیر: بهاگواد گیتا معتقد است که انجام وظیفه بهترین نوع قربانی

میباشد Sacrificial act यज्ञ. خیرات دادن، ریاضت کشیدن، پرستش آتش، زهد و پارسائی، خواندن کتب ودا و کمکهای خیریه جزئی از قربانی ها میباشند. هر کاری از قبیل کاسبی و دکان داری، کارهای اداری، خانه داری، تحصیل، تعلیم و غیره نیز اگر بعنوان یک وظیفه انجام داده شوند یک قربانی محسوب میشوند.

سادک باید وظیفه خود را بشناسد و از انجام دادن کارهاییکه باو مربوط نیستند اجتناب کند حتی اگر آن کار بسیار نیک و پسندیده باشد. سادک نباید بخاطر کسب خوشی، راحتی، شهرت، شنیدن تعریف دیگران و یا جمع آوری اموال برای خود کاری بکند زیرا در غیر اینصورت از هدفش دور

شده و به بیراهه کشیده خواهد شد. سادک همیشه باید آگاه باشد! و هیچکاری را حتی بخاطر کسب احترام و بزرگداشت خود نکند.

سادک کارما یوگی هیچکاری را نباید بمنظور لذت و راحتی جسم خود انجام بدهد. موفقیت سادک از کمک ب دیگران و نیت پاکی که دارد حاصل میشود نه از کار کردن برای منافع خود! روش کارما یوگا را فقط کسانی میتوانند در پیش بگیرند که فهمیده باشند که این دنیا و اشیاء آن فناپذیرند! در غیراینصورت پیروی از این روش کار دشواری است زیرا گذشتن از خوشیها و فواید مادی کار هر کسی نیست. این دنیا و تمام چیزهای آن ناقص هستند و وابستگی به اشیاء دنیا باعث ضعف انسان میشود و برای ترک این وابستگی انسان باید از دنیا چیزی نخواهد.

روح انسان مثل پرمتما از هر نظر پاک و کامل است و از هر چیزی بی نیاز است بنابراین انباشتن اموال و دارائی فقط برای جسم انسان است. شخص نادان بخاطر کسب خوشی و برطرف کردن کمبودهای جسم خود عمرش را تلف میکند و به نتیجه ای نمیرسد.



सहयज्ञाः प्रजाः सृष्ट्वा पुरोवाच प्रजापतिः।

अनेन प्रसविष्यध्वमेष वोऽस्त्विष्टकामधुक्॥१०॥

देवान्भावयतानेन ते देवा भावयन्तु वः।

परस्परं भावयन्तः श्रेयः परमवाप्स्यथ॥११॥

ترجمه: در ودا گفته شده که برهمای خالق تمام موجودات را که برترین آنها انسان است آفرید و گفت که شما با انجام وظایف خود دنیا را آباد کنید و برای پیشرفت خود و دیگران بیکدیگر کمک کنید. انجام وظیفه یک نوع قربانی است و همین تمام وسایل لازمه برای زندگی را در اختیار شما قرار خواهد داد و خواسته هایتان را برآورده خواهد کرد. خدایان از قربانیهای شما خوشنود شده و بنوبه خود از شما حمایت خواهند کرد.

تفسیر: روش کارما یوگا از آغاز پیدایش جهان وجود داشته و برهمای خالق در آغاز خلقت اهمیت انجام وظیفه را بانسان گوشزد کرده است و در اینجا نیز شیری کریشنا وظایف ارجون را باو یادآوری کرده است. موضوع مورد بحث این بخش انجام وظیفه بدون درخواست ثمره ای میباشد.

کاریکه بدون داشتن توقعی و فقط بمنظور کمک بدیگران انجام داده شود یکنوع قربانی است. سادک بکمک انجام وظایفش در دنیا موفقیت و پیشرفت مادی حاصل میکند و به سعادت معنوی نیز میرسد. این تنها روشی است که بکمک آن انسان از قید کارهای غیرضروری رها میشود و آرامش افکار را تجربه میکند.

یکی از نقاط ضعف انسان این است که او از فامیل و اقوامش توقع کمک دارد! توقعات انسان در اکثر موارد بی ثمر میمانند و باعث ناامیدی و خشم او میشوند. انسان فقط با تلاشهای خود و با نیت پاک به موفقیت میرسد.

سادک کارما یوگی بدون توجه باینکه دیگران چه میکنند و چه نمیکند بکار خود میپردازد و در کار دیگران دخالت نمیکند. سادک وظیفه دیگران را بآنها یادآوری نمیکند و با دخالت در کار آنها وقت خود را تلف نمیکند. همانطور که یک فرزند با خدمت به پدر و مادرش آنها را محترم میشمارد و از آنها سپاسگزاری میکند سادک کارما یوگی نیز با انجام وظیفه خود از دنیا و مردم دنیا سپاسگزاری میکند.

دلیل اکثر مشکلاتی که در خانواده و در اجتماع دیده میشوند این است که هر کسی حق خود را میداند ولی وظیفه اش را نمیداند. انسان بخاطر خواسته هایش مرتکب گناه میشود و بهمین دلیل ترک هوس و پرداختن به انجام وظیفه بهترین راه رهایی از گناه است. درخت سیب میوه هایش را خودش نميخورد بلکه آنها را برای تغذیه پرندگان و حیوانات و انسان ببار میآورد!

در این جهان هیچ چیزی متعلق به هیچ کسی نیست! نه کسی چیزی با خود باین دنیا میآورد و نه چیزی را میتواند با خود از این دنیا ببرد. انسان با دست خالی بدنیا میآید و با دست خالی از دنیا میرود! ولیکن اشخاص نادان تا آخرین روزهای عمرشان به جمعآوری اشیاء و اموال دنیا ادامه میدهند.



इष्टान्भोगान्हि व देवा दास्यन्ते यज्ञभाविताः।

तैर्दत्तानप्रदायैभ्यो यो भुङ्क्तै स्तेन एव सः॥१२॥

ترجمه: خدایان از قربانیهای شما خوشنود شده و وسایل و مواد لازمه برای انجام وظایفتان را در اختیار شما قرار خواهند داد. کسانی که از چیزهایی که خدایان به آنها میدهند فقط برای خوشی خودشان استفاده میکنند دزد هستند.

تفسیر: تا زمانیکه خواسته ها و علاقه انسان به لذات جسمانی تمام نشده باشند او هرگز به سعادت معنوی نخواهد رسید.

بطور کلی ما هر چه را که داریم بکمک کسی حاصل کرده ایم و مدیون کسی هستیم. بنابراین باید از هر چه که داریم برای خدمت و کمک ب دیگران استفاده کنیم. جسم ما جزئی از جسم کل دنیا است و از هر نظر با آن ارتباط دارد. سادک به تفاوت های ظاهری توجه نمیکند و احساس میکند که با این جهان یکی است.

سادک کارما یوگی همه چیز زندگی اش را مدیون این دنیا میداند. او حتی حیوانات و درختان و سنگها و آب و آتش و همه چیز طبیعت را محترم میشمارد و بدون تظاهر تا حد امکان به همه خدمت میکند. تا زمانیکه انسان برای یافتن لذات دنیا تلاش میکند علاقه به زنده ماندن و ترس از مرگ در وجودش باقی خواهد ماند.

حیوانات، پرندگان، درختان و گیاهان آزارشان بکسی نمیرسد و از کسی انتظار کمک ندارند ولی طبیعت چیزهای مورد نیاز آنها را در اختیارشان میگذارد بهمان شکل هم نیازهای مردم بی آزار را طبیعت برآورده میکند.



यज्ञशिष्टाशिनः सन्तो मुच्यन्ते सर्वकिल्बिषैः।

भुञ्जते ते त्वघं पापा ये पचन्त्यात्मकारणात्॥१३॥

ترجمه: سادک پرهیزکاری که در نتیجه ریاضت و خدماتش یوگا را تجربه میکند از قید تمام گناهان آزاد میشود. ولی کسیکه برای خودش میزد و خودش میخورد یعنی هر کاری را فقط بخاطر خودش انجام میدهد هر روز به گناهانش افزوده میشود.

تفسیر: سادک کارما یوگی بعد از رهایی از کارها و اشیاء دنیا آرامش افکار را احساس میکند و حالت یوگا را تجربه میکند. یوگا با ارزشترین چیزی است که انسان میتواند در دنیا کسب کند. این آرامش را بغوان در بخش چهارم "آب حیات" نامیده است! سادک کارما یوگی به یوگا میرسد و وحدت خود را با برهم یگانه تجربه میکند.

انسان حتی اگر کارهای نیک را هم با در نظر گرفتن منافع شخصی انجام بدهد در قید آنها میماند. هوسها و خواسته های سادک کارما یوگی بتدریج از بین میروند.

باید بخاطر سپرد که هر کاری در یک زمانی شروع میشود و در یک زمانی تمام میشود یعنی موقتی میباشد و چیزهاییکه از کارها حاصل میشوند نیز موقتی هستند. ثروت، شهرت، مقام و غیره همگی موقتی هستند و خوشیهای موقتی زودگذر بانسان میدهند.

برطرف کردن نیازهای طبیعی و حفظ سلامتی و نگهداری از جسم خود اولین وظیفه انسان است ولیکن هر قدر که انسان خودخواه تر باشد و خواهان نفع خود باشد همانقدر بیشتر مرتکب گناه میشود. شخص خودخواه حتی بوقت کمک ب دیگران هم منافع خود را در نظر میگیرد.

هیچ کس دیگری بجز خود انسان مسئول اعمال او نیست! و نتایج خوب و بد اعمال هر کسی بخودش داده میشوند! کسیکه با اراده پاک تصمیم میگیرد که بسوی اعمال نیک برود از او گناهی سر نمیزند.



अन्नाद्भवन्ति भूतानि पर्जन्यादन्नसम्भवः।

यज्ञाद्भवति पर्जन्यो यज्ञः कर्मसमुद्भवः॥१४॥

कर्म ब्रह्मोद्भवं विद्धि ब्रह्माक्षरसमुद्भवम्।

तस्मात्सर्वगतं ब्रह्म नित्यं यज्ञे प्रतिष्ठितम्॥१५॥

ترجمه: موجودات زنده از دانه گیاهان تغذیه و رشد میکنند. گیاهان از آب باران رشد میکنند. باران از پرستش آتش بوجود میآید. پرستش آتش بتوسط انجام وظایف حفظ میشود. وظایف را ودا بما نشان داده اند. ودا از دهان برهم فناناپذیر پدیدار شده اند و برهم فناناپذیر که در همه جا هست در آتش مقدس وظایف دیده میشود.

تفسیر: آتش مقدس با اهداء کردن مواد خوراکی مناسب به درون آتش و خواندن مانترا پرستیده شده و زنده نگاهداشته میشود. ودا معتقد است که انجام دادن وظایف خود نیز نوعی پرستش آتش مقدس است! آتشی که با زنده نگاهداشتن آن انسان به موفقیتهای بسیاری میرسد.

سادک دانه های گیاهی و کره را بدرون آتش اهداء میکند و آتش مقدس را میپرسند و آنرا زنده نگاه میدارند! انجام وظیفه نیز یک نوع قربانی است و باندازه پرستش آتش اهمیت دارد. برای زن خانه دار خدمت به شوهر و فرزندانش یکنوع قربانی است و برای مرد خانواده دار نیز تهیه آذوقه و وسائل زندگی برای زن و فرزندانش یکنوع قربانی و بمنزله پرستش آتش مقدس و قابل ستایش میباشد!

هوسها، منافع شخصی، حس مالکیت، وابستگی به اشیاء و اقوام، طرفداری از این و آن، خشم، خودخواهی، تکبر، تظاهر و غرور برای یک سادک مثل زهر میباشند و او را از انجام دادن صحیح وظایفش باز میدارند. سادک با بیرون آوردن این زهرها از بدنش به آب حیات میرسد و هر کاری که انجام میدهد بمنزله یک قربانی خواهد بود!

علاوه بر چهار کتب ودا بنامهای ریگ ودا - یاجور ودا - ساما ودا - اطاروا ودا خواندن کتب مقدس دیگر بنامهای ایسمروتی - پورانا - رامایان - مهابهاراتا و آثار گرانبهای دیگر استادان بزرگ که بر طبق اصول و موافق با ودا باشند توصیه شده است. کتب ودا را کسی ننوشته است بلکه هزاران سال قبل ریشی ها آنها را در حالت سمادی شنیده اند و سپس این علم سینه به سینه گشته و بعد از گذشت هزاران سال بتوسط عالمان کبیر نوشته شده اند.

برهم فناناپذیر که در ماوراء مایا و از انظار همگان پنهان است خود را بتوسط مایا که قدرت شگفت انگیز برهم است آشکار میکند! شکل آشکار شده برهم فناناپذیر پرماتما نام دارد و او نیز مثل برهم ابدی و فناناپذیر است. پرماتما را بدو شکل میتوان درک کرد: 1 - شکل آشکار که بچشم دیده میشود بنام ساگون - ساکار و 2 - شکل نهان که بچشم دیده نمیشود بلکه آنرا فقط با چشم خرد و بتوسط علم برهم میتوان دید و ساگون - نیرآکار نام دارد.



एवं प्रवर्तितं चक्रं नानुवर्तयतीह यः।

अघायुरिन्द्रियारामो मोघं पार्थ स जीवति॥१६॥

ترجمه: کسی که راه زندگی اش را بر طبق اصول خلقت انتخاب نمیکند یک انسان غیرمسئول وظیفه شناس است که کارها را فقط برای

ارضاء خواسته های جسمانی خود انجام میدهد و زندگی اش بیهوده بهدر می‌رود.

تفسیر: ای ارجون! تو از طبقه سربازان و حامی مردم هستی بهمین دلیل این جنگ وظیفه تو است. چرخ زمان این وظیفه را برای تو انتخاب کرده و سرپیچی از آن به ضرر تو خواهد بود. انسان از این جهان پنهانور جدا نیست. اینها دو چیز جداگانه نیستند بلکه مثل بدن و اعضاء بدن بیکدیگر متصل میباشند. همانطور که اگر قسمت کوچکی از چرخ یک کالسکه درست کار نکند باعث تکانهای شدید کالسکه و افراد سوار بر آن میشود؛ کسی هم که وظیفه خود را بدرستی انجام نمیدهد اثرش بر اطرافیان او و در تمام دنیا احساس میشود. انسان با انجام دادن وظایفش باعث خوشی تمام موجودات دنیا میشود.

کسی که هوس های بی پایان دارد مثل یک سگ ولگرد همیشه بدنبال خواسته هایش میدود و هرگز سیر نمیشود. زندگی اینگونه افراد پر از گناه و عمرشان کوتاه است.



यस्त्वात्मरतिरेव स्यादात्मतृप्तश्च मानवः।

आत्मन्येव च सन्तुष्टस्तस्य कार्यं न विद्यते॥१७॥

ترجمه: کسی که در درون پاک خود به آرامش رسیده خود بخود احساس لذت میکند و خود بخود سیر است و در هر حال و هر شرایطی راضی است. این چنین شخصی در این دنیا هیچ وظیفه ای ندارد!

تفسیر: تا زمانی که انسان اشیاء دنیا را دلیل خوشی خود میداند، در کنار زن و فرزند و اقوام و خویشان خود و با جمعآوری ثروت دنیا احساس خوشی و امنیت میکند. ولیکن این چیزها فقط میتوانند بانسان احساس خوشی و امنیت موقتی بدهند زیرا دنیا خودش موقتی بوده و هر لحظه در حال دگرگونی است.

این واقعیت را همه ما تجربه کرده ایم که احساس علاقه و یا انزجار یکسان نمیانند و عوض میشوند. احساسات ما ساخته تخیلات ما بوده و حقیقی نیستند! زیرا اگر حقیقی بودند عوض نمیشدند. ولیکن علاقه و احساس رضایت ما از خود عوض نمیشود! "خود" یعنی روح انسان حقیقی است!

روح انسان پاک و کامل است و کمبودی ندارد ولی تا زمانی که او خود را نشناخته نمیتواند هوسها را ترک کند و علاقه اش با اشیاء تمام نمیشود. وقتی انسان به خواسته ای میرسد هوسی که در دلش بود تمام میشود و مسرت پاکی را برای مدت کوتاهی در دل احساس میکند. این مسرت بخاطر بی هوس بودن است! مسرت بی هوس بودن با خوشی فرق دارد! مسرت فقط در اثر نداشتن هوس در دل احساس میشود ولی خوشی در اثر رسیدن به هوس احساس میشود. مسرت مثل آب حیات پاک و ذلال و خالص است و باعث طول عمر انسان میشود ولی خوشی حاصل شده از رسیدن به هوس هیچوقت خالص نیست و در اکثر موارد ناخالصیهائی از قبیل طمع و نگرانی ببار میآورد. بعد از رسیدن به هر هوسی در دل انسان هوس جدیدی پیدا میشود و انسان هوسران بزودی کمبود چیزی دیگری را احساس میکند و برای یافتن آن تلاش میکند. بهمین دلیل شخص هوسران همیشه فعال است. انسان ذاتاً علاقمند به شناختن حقیقت و رسیدن به پرماتما است. رسیدن به پرماتما بمعنای رسیدن به کمال انسانیت است و همین بالاترین اوج موفقیت انسان است.

روح انسان شکل حقیقی او میباشد و در حقیقت او هیچ کمبودی ندارد. وقتیکه سادک خود را بدرستی میشناسد آنموقع ارتباطش با خواهشهای جسمانی قطع میشود و کارهای غیرضروری را ترک میکند.



नैव तस्य कृतेनार्थो नाकृतेनेह कश्चन।

न चास्य सर्वभूतेषु कश्चिदर्थव्यपाश्रयः ॥१८॥

ترجمه: سادک کارمایوگی بعد از درک پرماتما نیازی به انجام دادن کاری و یا ترک کاری ندارد. او که منافع خود را فراموش کرده با کسی بخاطر منافع شخصی خودش دوستی نمیکند و ترک کاری برایش دشوار نیست.

تفسیر: هر کسی در این دنیا علاقه به کار و فعالیت دارد! تا زمانی که انسان بخاطر حاصل کردن اشیاء دنیا کار میکند آن کار را مسلماً برای نفع خودش انجام میدهد و همین است که او را در قید کارها نگاهمیدارد. برای تمام کردن اعمال و رهائی از قید کارها سادک باید وظیفه اش را بدون

خواستن منافع خود انجام بدهد و با هر چه که در ازای کارش باو داده میشود راضی باشد و آنرا بهمان شکل که باو داده میشود قبول کند.

کارها بدو منظور انجام داده میشوند: 1 - برای رسیدن به خواسته های خود 2 - برای تمام کردن اعمال و ترک خواسته ها. اکثر مردم برای برآوردن خواسته هایشان کار میکنند ولیکن سادک کارما یوگی برای ترک خواسته هایش کار میکند.

تمام کارها بدست طبیعت و در محدوده طبیعت انجام میگیرند و ارتباطی با روح ندارند. حتی نیرویکالپ سمادی Nirvikalp Samadhi

निर्विकल्प समाधि هم در محدوده جسم و طبیعت مادی بوقوع میپیوندد و بهمین دلیل نیز موقتی است. شخص یوگی حتی در این مرحله از یوگا هم از حالت سمادی بیرون میآید زیرا جسم و فکرش حتی در این مرحله هم زنده و فعال هستند. ولیکن پرماتما هیچ فعالیتی نمیکند و فعالیت هائیکه در طبیعت انجام میگیرند بر او اثری نمیگذارند. طبیعت و هرچه در طبیعت هست حتی در حالت غیرفعال هم فعال هستند حتی اگر فعالیتشان بچشم دیده نشوند! بعضی ها تصور میکنند که کارشان آنها را از پرماتما دور میکند و تصور میکنند که برای رسیدن به پرماتما باید کار و فعالیتها را ترک کرد ولیکن اصول کارما یوگا با آن موافق نیست.



तस्मादसक्तः सततं कार्यं कर्म समाचर।

असक्तो ह्याचरन्कर्म परमाप्नोति पूरुषः॥१९॥

ترجمه: بهمین دلیل ای ارجون! تو همیشه عاری از هر گونه وابستگی و بدون هیچ توقعی وظیفه ات را انجام بده. زیرا کسیکه با پیروی از این روش وظایفش را انجام میدهد از قید عمل رها شده و به موکشا میرسد.

تفسیر: در واقع داشتن اشیاء و اموال و شهرت و مقام انسان را از پرماتما دور نمیکند بلکه احساس وابستگی باین چیزها، احساس مالکیت و غروری که انسان از داشتن این چیزها احساس میکند او را از درک پرماتما دور میکند. وابستگی بمعنای علاقه شدیدی است که باعث ضعف انسان میشود و شخص وابسته تصور میکند که بدون آن چیز یا آن شخص زندگی برایش غیرممکن خواهد بود.

کسیکه این دنیا برایش مثل یک بازار است همیشه نگران سود و زیان خود است. دوستی او با دیگران همیشه مبنی بر محاسبات زیرکانه میباشند. او در واقع فقط بفکر منافع خودش است و بهمین دلیل هرگز احساس آرامش نمیکند. انسان با دست خالی دنیا میآید و چیزهای بسیاری در این دنیا بدست میآورد ولی بوقت رفتن مجدداً با دست خالی از دنیا میرود! همین نشان میدهد که هر چیز این دنیا بطور موقتی بما داده میشود.

سادک کارما یوگی با سادگی و صداقت بدیگران خدمت میکند و هر روز از غرورش کاسته میشود. کسیکه فقط بعنوان کمک بدیگران و خدمت به جامعه کار میکند و در مقابل حتی انتظار ندارد که مردم از او تشکر و قدردانی کنند داشتن و نداشتن اشیاء دنیا برایش بی تفاوت میشود.

طناب تاب بازی با نوسانهایش مرتباً بجلو و عقب میرود ولیکن در یکجا و بیک نقطه بیحرکت متکی است و از آن نقطه جدا نمیشود انسان هم علیرغم اینکه با فعالیتهای کوچک و بزرگش به عقب و جلو میرود با پرماتما در ارتباط است و ارتباطش با او قطع نمیشود. سادک ارتباط خود را با پرماتما درک میکند و در آرامش کامل عاری از هر گونه غروری یکی بودن خود را با پرماتما تجربه میکند و از چیزهاییکه در اختیار دارد برای خدمت بدیگران استفاده میکند.



कर्मणैव हि संसिद्धिमास्थिता जनकादयः।

लोकसङ्ग्रहमेवापि सम्पश्यन्कर्तुमर्हसि॥२०॥

ترجمه: پادشاهان قدرتمند بسیاری از قبیل راجاجانک با پیروی از روش کارما یوگا اعمالشان را تکمیل کرده و موفق به درک پرماتما شده اند. تو هم لیاقت پیروی از این روش را داری و باید آنرا در پیش بگیری.

تفسیر: کاری که با در نظر داشتن منافع شخصی، با غرور و تکبر، با نارضایتی و یا با بیعلاقگی انجام داده شود "تمام" میشود ولی "کامل" نمیشود زیرا از آن یک کار دیگری تولید میشود! فقط آن کاری که بدون توقع، بدون در نظر گرفتن منافع شخصی، بدون تکبر، بدون غرور، بدون خودنمائی و با رضایت و فقط بمنظور کمک بدیگران انجام داده شود کامل میشود. شخص کارما یوگی در قید کاری که انجام داده و در قید ثمره ای که از آن کار تولید شده نمیماند و در کمال آرامش زندگی میکند.

کارما یوگا یک روش بسیار قدیمی است و همیشه برای هر کسی که از این روش پیروی کرده نتایج عالی داشته است. برای رسیدن به پرماتما این روش عالیترین و آسانترین راه است. این روش از هر نظر کامل است و بکمک آن سادک براحتی از قید عمل رها میشود.

پرماتما در حقیقت از ازل با انسان بوده و تا ابد خواهد ماند ولی جهالت انسان روی این حقیقت را پوشانده و او نمیتواند این حقیقت را درک کند. انسان بخاطر ندانستن حقیقت در قید کارها و نتایج آنها میماند و از دیدار چهره حقیقی خود بی نصیب میماند.

انسان عادت به فعالیت دارد و تصور میکند که همانطور که اشیاء دنیا را میتواند با تلاشهای خود بدست آورد پرماتما را هم میتواند با زحمات خود حاصل کند. او فکر میکند که با تحمل کارهایی از قبیل ریاضت کشیدن، رفتن به زیارت، روزه گرفتن و غیره به پرماتما خواهد رسید! در واقع همین بزرگترین اشتباه سادک است. حقیقت این است که پرماتما نتیجه هیچیک از تلاش های خودخواهانه انسان نیست. کسیکه همه چیز را رها میکند و فقط در جستجوی پرماتما است او را بعد از سالیان متمادی پیدا میکند.

هر کاری یک آغاز و یک پایان دارد بعبارت دیگر هر کاری موقتی است. نتیجه کارها اشیاء هستند! پرماتما ابدی است و بکمک کارهای موقتی حاصل نمیشود! حتی رفتن به زیارتگاه و ریاضت کشیدن و استحمام در رودخانه گنگا هم یک تلاش است و آغاز و پایان دارد و بهمین دلیل نتایج تمام این فعالیتهای نیک هم موقتی میباشند. انسان در نتیجه این کارهای نیک میتواند به بهشت برود ولی نمیتواند پرماتما را کسب کند. آن پرماتما که در همه جا، در هر زمان و در هر چیز هست نمیتواند از ما دور باشد. او حتی از جسم ما هم بماند نزدیکتر است و تلاش برای یافتن او با متوسل شدن بکارها و اشیاء دنیا فقط خود را گول زدن است.

اگر مهمترین هدف سادک رسیدن به پرماتما باشد مسلماً به نتیجه خواهد رسید. هوسهای انسان پایان ناپذیر میباشند و خود بخود تمام نمیشوند. سادک با تقوا به هوسها توجهی نمیکند و در ضمن اینکه بوظایفش عمل میکند نگاهش بسوی هدفش است. او با اعمال نیک خود سرمشق دیگران میشود و همین بزرگترین خدمت به جامعه است. او هیچکاری را بمنظور تظاهر و خوندنمائی و جلب توجه دیگران نمیکند.



यद्यदाचरति श्रेष्ठस्तत्तदेवेतरो जनः।

स यत्प्रमाणं कुरुते लोकस्तदनुवर्तते॥२१॥

ترجمه: مردم دنیا از کارهائیکه مردان پارسای والامقام انجام میدهند سرمشق میگیرند، از رفتار آنها پیروی میکنند و مثل آنها عمل میکنند.

تفسیر: شخص خردمند پارسا به اموال و تحصیلات و مقامی که دارد فخر نمیفرشد و داشتن آن چیزها باعث غرورش نمیشوند. او میداند که غرور بزرگترین دشمن انسان است، دشمنی که میتواند از رسیدن او به درک پرماتما جلوگیری کند. دیدار این شخصیت های والامقام و گفتگو با آنها، گوش کردن به سخنان آنها، بودن در حضورشان و حتی اندیشیدن در باره آنها در زندگی انسان نتایج سودمند ببار میآورند. رفتار و سخنان این مردان عاری از تظاهر است و کاری را برای خودنمایی و جلب توجه دیگران و یا شنیدن تعریف آنها از خود نمیکند. رفتار آنها در هر شرایط و هر جایی، در جمع مردم و در تنهایی بر طبق توصیه های کتب شاسترا میباشد. باینگونه مردان لقب آچاریا داده شده است Aacharya आचार्य.

آچاریا یک شخصیت پاک مثل یک گل خودرو است که در دامنه کوه میروید بدون توجه به اینکه کسی او را میبیند یا نمیبیند، کسی از زیبایی او تعریف میکند یا نمیکند و بدون هیچ توقعی بوی خوش خود را باطراف پراکنده میکند و باعث لذت زمین و آسمان و رهگذران میشود.

این عالمان معتقدند که تمام موجودات دنیا علیرغم اینکه در ظاهر از یکدیگر جدا دیده میشوند همگی اعضاء جسم این جهان عظیم میباشند. رفتار و سخنان این مردان بزرگوار نشانگر درون پاک آنهاست و دیگران هم در حضور ایشان خطاهای گذشته خود را ترک میکنند.

اگر کسی تمام کتب مقدس را بخواند و در باره صفات و رفتار و گفتار نیک صحبت کند ولی خودش بآنها عمل نکند سخنانش بر دیگران اثری نخواهد داشت. ولی کسی که کتابی خوانده و علمی نیاموخته اگر صفات و رفتار و گفتارش از هر نظر پسندیده و بر طبق نوشته های شاسترا باشد گفته هایش بر شنونده اثر خواهد کرد و اگر سخنی هم نگوید مردم از بودن در کنارش و دیدن اعمال و رفتارشان از او سرمشق خواهند گرفت.

مردم دنیا پرست قدر اینگونه عالمان و مردان پاک را نمیدانند بلکه به مردم پولداری که شهرت توخالی دارند ارزش و احترام میگذارند و از کارهای آنها تقلید میکنند و آرزو دارند که یکروز مثل آنها بشوند.

~~~~~

न मे पार्थास्ति कर्तव्यं त्रिषु लोकेषु किञ्चन।

नानवाप्तमवाप्तव्यं वर्त एव च कर्मणि॥२२॥

**ترجمه:** ای ارجون! من در هیچیک از سه دنیا وظیفه ای ندارم و چیز قابلی در این دنیا نیست که من در آرزوی حاصل کردنش باشم! با اینحال من به کار کردن ادامه میدهم.

**تفسیر:** پرماتما محدود باین دنیا نیست. او نه تنها در زمین و بهشت بلکه در جهنم هم هست! او در هر سه دنیا کامل و از هر چیز بی نیاز است. انسان بدلیل کارهایی که در تولد قبلی بطور ناقص انجام داده و هوسهایی که در دلش باقی مانده مجدداً به دنیا میآید تا به خواسته هایش برسد و کارهایش را تکمیل کند! ولیکن خواسته ها و کارهای انسان تمام نمیشوند و قبل از اینکه خواسته هایش به پایان برسند عمرش به پایان میرسد.

انسان در دنیا متولد میشود تا که وظایفی را که در تولد قبلی بدرستی انجام نداده تکمیل کند و از قید کارها و اشیاء دنیا رها شود. سادگی که وظایف خود را بدرستی انجام میدهد علم برهم را کسب میکند برهم را میشناسد و با او یکی میشود The knowledge of Supreme spirit تत्त्व ज्ञान . علم

برهم علم مربوط به شناخت حقیقت و شناخت روح انسان است. روح انسان در حقیقت با روح متعال یکی است ولی انسان علاقمند به مایا گرفتار بسیاری از مشکلات میشود و نمیتواند این حقیقت را درک کند. روح متعال در همه جا گسترده شده است و محدود بیک جا نیست! کسی که این علم را بدرستی فهمیده و حقیقت را درک کرده است طبیعت حقیقی تمام اشیاء و موجودات

را میداند و یک فیلسوف است! तत्त्वज्ञानी - तत्त्वज्ञ

انسان همیشه تمایل به کار و فعالیت و حاصل کردن اشیاء دنیا دارد. این تمایلات اگر بیش از حد باشند باعث از بین رفتن آرامش انسان میشوند! تمایلات بیش از حد انسان فقط با انجام دادن صحیح وظایف خود پایان میابند. اشخاص عالم و یوگی هائیکه وظایفشان تمام شده به کار کردن ادامه میدهند

زیرا اگر آنها کار کردن را ترک کنند با دیدن آنها مردم نادان هم وظایفشان را ترک خواهند کرد.

در مهابهارت بغوان شیری کریشنا گفته:

धर्मसंरक्षणार्थाय धर्मसंस्थापनाय च ।

तैस्तैर्वैषैश्च रूपैश्च त्रिषु लोकेषु भार्गव ॥ (मभ. आश्व. 54.13.14)

"من بمنظور حمایت از مذهب انجام وظیفه و پایه گذاری اعمال سرشت در هر سه دنیا بشکل موجودات گوناگون ظاهر میشوم و مثل آنها کار میکنم".

~~~~~

यदि ह्यहं न वर्तेयं जातु कर्मण्यतन्द्रितः।

मम वर्त्मानुवर्तन्ते मनुष्याः पार्थ सर्वशः॥२३॥

उत्सीदेउयुरिमे लोका न कुर्या कर्म चेदहम्।

सङ्करस्य च कर्ता स्यामुपहन्यामिमाः प्रजाः॥२४॥

ترجمه: من با جدیت و پشتکار به کارکردن ادامه میدهم زیرا در غیر اینصورت آنها که از من پیروی میکنند وظایف خود را رها کرده و گمراه خواهند شد.

تفسیر: شیری بغوان برای هدایت مردم بر روی زمین ظاهر میشود و راهی را که در ودا توصیه شده بآنها نشان میدهد. کسانی که ودا را قبول ندارند به بیراهه کشیده میشوند و بدنبال خوشیهای دروغین عمرشان را تلف میکنند.

کتاب ودا به انجام وظیفه اهمیت بسیاری داده و در آن گفته شده که انسان بدون انجام وظیفه اش نه تنها قادر به درک موضوعات معنوی نخواهد بود بلکه در دنیای مادی نیز موفقیتی حاصل نخواهد کرد. کسانی که بوظایف خود عمل نمیکند به تنبلی عادت میکنند و مرتکب اشتباهات بسیاری میشوند. اینگونه افراد در واقع با حیوانات فرقی ندارند زیرا اینها هم مثل حیوانات متولد میشوند، میخورند، میخوابند، رشد میکنند، زاد و ولد میکنند و یکرز از دنیا میروند. انسان در زندگی بطور دانسته و ندانسته مرتکب اشتباهات بسیاری میشود و بسیاری از مردم به اشتباهات خود پی میبرند ولی نمیدانند

که چطور از تکرار آنها اجتناب کنند. شیری بغوان برای هدایت مردم بر روی زمین می‌آید و راه و روش صحیح زندگی را به همه توصیه می‌کند. کسیکه بدون تکبر و با از خود گذشتگی بدیگران کمک می‌کند از خطاها برحذر میماند و راه درست زندگی را پیدا می‌کند.



सक्ताः कर्मण्यविद्वांसो यथा कुर्वन्ति भारत ।

कुर्याद्विद्वांस्तथासक्तश्चिकीर्षुर्लोकसङ्ग्रहम् ॥२५॥

न बुद्धिभेदं जनयेदज्ञानां कर्मसङ्गिनाम् ।

जोषयेत्सर्वकर्माणि विद्वान्युक्तः समाचरन् ॥२६॥

ترجمه: ای ارجون! مثل مردم دنیا پرست که بخاطر علاقه باشیاء دنیا زحمت میکشند یک شخص عالم هم باید بمنظور راهنمایی مردم با همان جدیت کار کند. شخص عالم خردمند نباید با سخنان عالمانه خود مردم نادان را سردر گم نکند! بلکه باید خودش کارهای نیک انجام بدهد و دیگران را نیز به کار کردن تشویق کند.

تفسیر: کسانی که به کتب شاسترا و راه و روش و آداب و رسوم نوشته شده در آنها معتقدند مردم بسیار خوبی هستند ولی تا زمانی که علم برهم را یاد نگیرند بسیار نادان هستند. این اشخاص با اینکه کتب شاسترا را تحصیل کرده اند ولی خواسته های مادی بیشماری دارند و همین دلیل جهالت آنها میباشد. اینها علم شاستر را میدانند ولی "عالم" نیستند. این افراد فقط برای خودشان کار میکنند و برای رسیدن به خواسته هایشان از هیچ تلاشی دریغ نمیکند. بغوان گفته که اشخاص عالم نیز باید با پیروی از شاسترا کار کنند و برای دیگران سرمشق باشند و آنها را براه علم هدایت کنند.

کسی که خواهشهای جسمانی، آرزوی کسب اموال، حس مالکیت و وابستگی به اقوام را ترک کرده یک عالم وارسته است. هر کاری که این شخص عالم میکند بمنزله یک قربانی است و با اعمال و رفتارش باعث حفظ اصول شاسترا میشود. او بکارهای نیکی که میکند بخود نمیبالد بلکه نیکی ها و احسان او بطور طبیعی شامل حال دیگران میشود. او مثل یک کوزه پر از عسل است و از او عسل به بیرون تراوش میکند! او بدون اینکه بدیگران یاد بدهد مردم از او کارهای پسندیده را یاد میگیرند. در حضور

این مردان معظم نه تنها انسان بلکه حیوانات هم احساس آرامش میکنند. شخص خردمند از چیزهای غیرضروری دنیا میگذرد و در آرامش درون به درک حقیقت جاودان میرسد.

کارما یوگا روش ساده ای است ولی پیروی از آن بدلیل علاقه ای که انسان به اشیاء دنیا دارد دشوار بنظر میآید. داشتن اشیاء و ثروت دنیا غلط نیست بلکه احساس غروری که از داشتن آنها بوجود میآید غلط است. کسیکه افکار و احساساتش آرام شده، کسیکه رفتارش در شرایط مختلف تغیر نمیکند، کسیکه بر پنج حواس خود بطور کامل مسلط شده و برایش یک مشت خاک و یک مشت طلا یکسان شده اند یک عالم کامل است **युक्त विद्वान** perfect knower .

این عالمان مسئولیت بزرگی در اجتماع بگردن دارند زیرا دیگران از اعمال و رفتار و سخنان آنها سرمشق میگیرند. شخص عالم باید با در نظر گرفتن خیر و صلاح همگان سخن بگوید و از گفتن سخنان عالمانه در نزد کسانی که به دنیا و اشیاء مادی دلبستگی دارند اجتناب کند و فقط با توجه به علاقه، صداقت و آمادگی یادگیری علم خود را در اختیار آنها بگذارد.



प्रकृतेः क्रियमाणानि गुणैः कर्माणि सर्वशः।

अहङ्कारविमूढात्मा कर्ताहमिति मन्यते॥२७॥

ترجمه: تمام کارهای دنیا بتوسط سه طبع موجود در طبیعت انجام میگیرند ولیکن جهالت باعث سر در گم شدن انسان میشود و او تصور میکند که او کارها را انجام میدهد.

تفسیر: عقل ، احساسات ، غرور ، پنج عنصر ابدی طبیعت (آب، آتش ، باد، خاک و فضا) پنج حواس (چشم، بینی، زبان، گوش، پوست) و پنج اشیاء مربوط به آنها (رنگ - بو - مزه - صوت - لمس) همگی ثروتهای طبیعت میباشند. روح انسان بمحض تولدش جسم خود و دنیای مادی را میبیند و خود را فراموش میکند و تصور میکند که این جسم مادی شکل حقیقی او است و همین باعث جهالت او میشود! انسان جاهل قادر به شناختن شکل حقیقی خود نیست ولی برای زنده ماندن نیاز به جهالت دارد! اگر انسان خود را یک جسم تصور نکند قادر به فعالیت بدنی نخواهد بود!

خوابیدن، بیدار شدن، نشستن، راه رفتن، سمادی و غیره همگی فعالیت‌های جسمانی میباشند. تمام فعالیتها در طبیعت و بتوسط طبیعت انجام میگیرند در حالیکه روح انسان عاری از هر نوع فعالیت میباشد! او غیر فعال است و به همه چیز روشنی میدهد. فعال بودن خاصیت جسم و عقل انسان است و فعال نبودن ذات انسان است. در جائیکه جهالت نباشد فعالیت هم وجود نخواهد داشت.

همانطور که موج دریا جزئی از دریا است و بهمین دلیل با دریا یکی است جسم انسان نیز جزئی از طبیعت مادی و با آن یکی است. همانطور که بدون دریا هیچ موجی وجود ندارد، بدون این طبیعت مادی نیز جسم انسان وجود نخواهد داشت! وقتی کسی کاری میکند بطور ناخودآگاه خود را کننده آن کار میداند و از آن احساس غرور میکند. بهمین دلیل سادک نیز از کاری که برای یافتن پرماتما میکند احساس غرور میکند! کاری که با غرور انجام داده شود نمیتواند باعث سعادت معنوی شود زیرا ریشه تمام مصائب و حتی ریشه تولد و مرگ انسان هم غرورش است. ترک منافع شخصی و خدمت به دیگران و به جامعه بدون هیچگونه توقعی از غرور انسان میکاهد.



तत्त्ववित्तु महाबाहो गुणकर्मविभागयोः।

गुणा गुणेषु वर्तन्त इति मत्वा न सज्जते ॥२८॥

ترجمه: ای دلآور! آنها که معنای صحیح طبع و عمل را فهمیده اند میدانند که تمام کارها و اتفاقات دنیا از ارتباط سه طبع با یکدیگر بوقوع میپیوندند و بهمین دلیل آنها به چیزی وابستگی پیدا نمیکند.

تفسیر: طبیعت دارای سه طبع با نام های ساتوا (عالی)، راجس (فعال) و تامس (جهالت) میباشد. این سه طبع در تمام موجودات جاندار و بیجان باندازه های متفاوت وجود دارند. کارها و اشیاء دنیا دائماً در حال تغیر و دگرگونی میباشند. اشیاء بوجود میآیند و از بین میروند و کارها آغاز میشوند و پایان میپذیرند! دانستن این نکات بمعنای فهمیدن صحیح طبع و کار میباشد.

پرماتما (روح متعال) از ازل بوده و تا ابد خواهد بود! او فناپذیر و ابدی است و غیر فعال است! بعبارت دیگر روح ارتباطی با اشیاء و کارها ندارد.

اشخاص نادان هر کاری را بدون اینکه هدف خود را بدانند انجام میدهند و چیزهائی حاصل میکنند که بآنها نیاز ندارند. کارهای غیرضروری باعث گمراهی انسان بی هدف میشوند. علم ابدی و جهانی است و در همه جا، همه چیز و در هر زمان وجود دارد و در ذات انسان هم هست. یعنی اگر به بچه ای چیزی آموخته نشود او خود بخود خیلی چیزها را میآموزد!

یوگی عالمی که علم مربوط به هر دو شکل آشکار و نهان برهم را آموخته و وجود هر دوی آنها را شناخته است میداند که اشیاء دنیا متعلق باو نیستند و بهمین دلیل به آنها دل نمی بندد و از قید آنها آزاد است ولی سادگی که هنوز باین مرتبه نرسیده باید با پیروی از یک عالم مورد اعتماد علم برهم یعنی ودانت Vedant را یاد بگیرد.



प्रकृतेर्गुणसम्भूताः सज्जन्ते गुणकर्मसु।

तानकृत्स्नविदो मन्दान्कृत्स्नविन्न विचालयेत्॥२९॥

ترجمه: جهالت باعث میشود که انسان به اشیاء و کارهای دنیا دل میبندد و برای همیشه در قید آنها میماند. کسیکه علم برهم (علم مربوط به حقیقت) را میداند نباید افراد جاهل را با سخنان عالمانه خود سر در گم کند.

تفسیر: انسان نسبت به چگونگی طبع خود مجذوب اشیاء و کارهای دنیا میشود و در قید آنها گرفتار میشود. 1 – طبع پاک (ساتویک) باعث علاقه انسان به علم شاسترا و رفتن به بهشت میشود. کسیکه طبع پاک دارد کارهای نیک انجام میدهد و به بهشت میرود و از لذات آن بهره مند میشود. 2 – طبع فعال و پرهیجان (راجسیک) انسان را علاقمند به تلاشهای گوناگون میکند و در نتیجه انسان اشیاء و چیزهای دیگر مادی را حاصل میکند و بآنها دل میبندد. 3 – طبع ناپاک (تامسیک) باعث سستی و جهالت انسان میشود و او را براههای غلط و گناه متمایل میکند.

بنابراین حتی طبع پاک هم انسان را در قید کارها و اشیاء دنیا گرفتار میکند زیرا کسیکه بکارهای خوبی که در شاسترا توصیه شده اند میپردازد هدفش رسیدن به لذات جسمانی در بهشت میباشد یعنی مقصد خودخواهانه دارد. بهشت هم مثل زمین یک دنیای مادی است و در آنجا هم چیزی جز لذات جسمانی نیست.

عالمی کہ بر این سه طبع پیروز شده در ماوراء آنها با پرماتما یکی میشود! این شخص والامقام نباید اشخاصی را که آمادگی فهمیدن علم را ندارند با سخنان عالمانه خود سردرگم کنند زیرا در غیراینصورت آنها به کارهائیکه در کتب شاسترا توصیه شده اند بیعلاقه میشوند و کارهای خیر را ترک میکنند. شخص عالم باید باینگونه افراد روش صحیح انجام وظیفه را که در کارما یوگا گفته شده توضیح بدهد!

سؤال ارجون از کریشنا این بود که چرا مرا وادار به جنگیدن میکنی؟ کریشنا در جواب او میگوید که در حال حاضر برای تو جنگیدن یک وظیفه است و هر کسی در هر شرایطی باید وظیفه اش را انجام بدهد تا بتواند درون خود را از ناخالصی هائی از قبیل غرور و طمع پاک کند. و برای اینکار روش کارما یوگا بهترین روش میباشد.



मयि सर्वाणि कर्माणि सन्नयस्याध्यात्मचेतसा।

निराशीर्निर्ममो भूत्वा युध्यस्व विगतज्वरः॥३०॥

ترجمه: ارجون! تو در فکر خود تمام کارهائیرا که انجام میدهی بمن اهداء کن و بدون توقع و بدون اینکه نگران چیزی باشی به جنگ ادامه بده.

تفسیر: ارجون در ابتداء تصور میکرد که با جنگیدن در قید اعمال گرفتار خواهد شد! در جواب ارجون شیری کریشنا باو میگوید که "تو وظیفه ات را انجام بده و نتیجه آنرا بمن بسپار! تو نکن که پیروز میشوی یا شکست میخوری! فکر نکن که از این جنگ چه چیزی عاید تو خواهد شد!"

سادک خردمند کارمایوگی برای رسیدن به سعادت معنوی از تمام چیزهائیکه در اختیارش هست استفاده میکند و هیچ کاری او را در قید خود گرفتار نمیکند. او از این طریق وظایفش را تمام میکند و سپس یکی از دو روش ایمان و یا علم ودانت را انتخاب میکند و به موکشا میرسد. سادک هرگز وظیفه اش را ترک نمیکند! او اگر یک مادر است وظیفه مادری اش را انجام میدهد و اگر پدر است وظایف خود را نسبت به فرزندان و زنش بخوبی انجام میدهد.

اینرا هر کس یکروز قبول میکند که او مالک چیزی نیست. سادک با قبول این واقعیت حس مالکیت را ترک میکند و به کسی یا چیزی دل نمیبندد.

کسب ثروت، تحصیلات، املاک و دارائی، مقام و شهرت اشتباه نیست ولی برای یک سادک که هدفش درک پرماتما است احساس غرور و مالکیت نسبت باین چیزها درست نیست زیرا اینها سد راهش میشوند. انسان نادان تصور میکند که اشیاء و املاک دنیا متعلق باو هستند و یا سعی میکند آنها را کسب کند ولی یک شخص خردمند میداند با گذشتن از اینها قادر به درک پرماتما خواهد شد.

سپردن دارائی، مشکلات، خوشیها، غمها و کارهای خود به بغوان قدرت شگفت انگیزی به انسان میدهد و برای هر کسی مفید ثابت شده است. اینکار موقعی امکان پذیر میشود که انسان با ایمان به بغوان قبول میکند که اشیاء دنیا متعلق باو نیستند و در غیر اینصورت او نمیتواند چیزی را به بغوان بسپارد! وقتی یک زارع با اعتماد به زمین چند کیسه گندمی را که دارد بر زمین میریزد و آنها را بزمین میسپارد زمین با بزرگواری تمام کشتزار او را پر از گندم میکند و از هر دانه صدها دانه باو میدهد.

کریشنا به ارجون میگوید: تو حسرت حاصل کردن چیزی را که نداری نداشته باش، برای چیزیکه داری احساس مالکیت نکن و برای چیزیکه از دست داده ای احساس تأسف نکن! احساساتی از قبیل علاقه و نفرت، هیجان، ناامیدی، عجله، شهوت، خشم و نگرانی دلیل ضعف عقلانی انسان میباشند و مثل تب و هزیان میآیند و میروند! سادک باید بآنها توجه نکند و بگذارد که آنها همانطور که آمده بودند بروند.



ये मे मतमिदं नित्यमनुतिष्ठन्ति मानवाः।

श्रद्धावन्तोऽनसूयन्तो मुच्यन्ते तेऽपि कर्मभिः॥३१॥

ترجمه: گوش کن ارجون! اگر کسی بدون شک و بدبینی به سخنان من توجه کند و با ایمان بمن گفته های مرا بپذیرد و بآنها عمل کند از قید عمل آزاد خواهد شد.

تفسیر: هر کسی از هر رنگ و نژاد، متعلق به هر قوم و طبقه اجتماعی، متعلق به هر آئین و مسلکی میتواند از قید عمل رها شود. فهمیدن و قبول این واقعیت که هیچ چیزی در این دنیا متعلق بانسان نیست باعث رهایی او از قید اعمال میشود.

سادگی که به گفته های شاسترا ایمان دارد و به منطق و سخن راستگویان گوش میدهد و از آنها پیروی میکند دیر یا زود از قید عمل آزاد میشود.

در حقیقت آن چیزی متعلق بانسان است که با یافتنش احساس رضایت کامل پیدا شود و هوسها تمام شوند. تا زمانی که انسان به رضایت کامل نرسیده است همیشه بدنبال چیز تازه ای میگردد و همین نشان میدهد که او هنوز آن چیزی را که حقیقتاً میخواهد نیافته است و یا نمیداند که چه میخواهد! مادران بسیاری در خیابان پیدا میشوند ولی یک کودک گمشده فقط مادر خودش را میخواهد و فقط او را میجوید. انسان هم در واقع بطور آگاه یا ناخودآگاه در جستجوی پرمتما است و بهمین دلیل از یافتن چیزهای دنیا احساس رضایت کامل نمیکند.

وقتیکه علاقه و اشتیاق شدید برای یافتن پرمتما در دل انسان پیدا میشود خود بخود در وجود او ایمان و صبوری بوجود میآید. خانه، خانواده، لباس، تحصیلات، ثروت، مقام، زمین و املاک و هر چیزی که ما دریافت کرده ایم از این دنیا دریافت کرده ایم و آنها متعلق بما نیستند. سادک نباید خود را مالک چیزی بداند بلکه باید سعی کند که دین خود را باین دنیا و مردم ادا کند.



ये त्वेतदभ्यसूयन्तो नानुतिष्ठन्ति मे मतम्।

सर्वज्ञानविमूढान्विद्धि नष्टानचेतसः॥३२॥

ترجمه: کسی که بگفته های من شک دارد و بدلیل بدبینی به گفته های من عمل نمیکند هرگز قادر به رهائی از چنگال هوسها نخواهد شد. نادانی اینگونه افراد باعث نابودی خودشان میشود.

تفسیر: افراد بیخرد تصور میکنند که زندگی بدون هوس ، بدون احساس مالکیت و بدون وابستگی به اشیاء دنیا ممکن نیست! شخص دنیا پرستی که به خوشگذرانی و جمعآوری اموال دنیا علاقه دارد هرکاری را برای خوشی و آسایش خودش میکند و نمیتواند به پرمتما و گفته های او علاقمند باشد.

کسانیکه از از گفته های شاسترا پیروی نمیکند شیفته اشیاء و روشهای گمراه کننده میشوند. حتی حیوانات هم به فرزندان خود علاقه دارند

و از آنها حمایت و نگهداری میکنند! حیوانات هم هر کاری را بخاطر خوشی و آسایش خود و فرزندان شان انجام میدهند و با هر چه که در سر راه شان و بر خلاف آنها باشد دشمنی میکنند! آنها برای حفظ منافع و خوشی خود و فرزندان شان هر کار درست و غلطی را انجام میدهند. ولی هدف زندگی انسان فقط باین چیزها محدود نیست! کتب ودا برای زندگی انسان چهار هدف اصلی را بیان کرده اند: 1 - خوشی جسمانی 2 - اموال و دارائی 3 - انجام وظایف خانوادگی و اجتماعی 4 - رهایی از تمام اینها و رسیدن به موکشا.

سادگی که به بغوان ایمان دارد و در هر کاری از اصول و گفته های او پیروی میکند به تمام این چهار هدف میرسد و در نهایت مثل بغوان میشود.



सदृशं चेष्टते स्वस्याः प्रकृतेर्ज्ञानवानपि।

प्रकृतिं यान्ति भूतानि निग्रहः किं करिष्यति॥३३॥

ترجمه: جسم تمام موجودات جزئی از طبیعت و تحت اختیار طبع خودشان میباشد. طبع موجودات آنها را وادار به کار و فعالیت میکند. هر کسی چه عالم باشد و چه نادان باشد کارهایش را نسبت به طبع خود انجام میدهد. بنابراین کسی را نمیتوان با زور وادار به انجام دادن کاری کرد!

تفسیر: انسان عاقل کارهایش را با توجه باصول نوشته شده در شاسترا انجام میدهد. شخص عالم چیزی و کسی را متعلق بخود نمیداند و هیچ کاری را بخاطر خودش انجام نمیدهد و هر کاری را که میکند بسادگی و برای هدایت و کمک ب دیگران انجام میدهد. سادگی که میخواهد به پرمتا برسد هر کارش را مطابق اصول شاسترا انجام میدهد زیرا او نمیخواهد از او اشتباهی سر بزند و باین ترتیب طبع این سادک پرهیزکار بزودی پاک و عاری از گناه میشود و در نتیجه از قید هوسها و کارها رها میشود.

شخص عالم میداند که کارها بخواست پرمتا و بدست طبیعت انجام داده میشوند و جسم او فقط یک وسیله است! شخص نادانی که خود را کننده کارها میداند در مقابل هر چیزی از خود عکس العمل نشان میدهد و باین ترتیب افکارش همیشه ناآرام هستند ولی افکار شخص عالم همیشه آرام میماند. شخص عالم کارها را ترک نمیکند ولی کارها و نتایج شان بر او تأثیری نمیگذارند و او حالت "بیعمل بودن" را تجربه میکند. بیعمل بودن

حالت روحانی است و فقط با خواندن کتاب و یاد گرفتن این کلمات کسی نمیتواند بیعمل شود بلکه باید در درون خود تجربه شود.

شخص عالم همانطور که طبع او ایجاب میکند رفتار میکند و ظاهر سازی نمیکند. او دروغ نمیگوید و تظاهر به داشتن و یا دانستن چیزی نمیکند. شخص عالم دارای طبع پاک و بی گناه است و برای سادک بهترین سرمشق است.

اثراتی که از زندگی های قبلی و زندگی فعلی بر روی فکر انسان باقی میماند سانسکار Sanskar संस्कार نام دارد. سانسکار قبلی هر کس، سانسکار پدر و مادرش، تحصیلاتش، دوستانش، محیط زندگی اش، نوع پرستش، فعالیتها و افکارش چگونگی طبع و اخلاق او را درست میکنند. هر قدر طبع انسان پاکتر باشد رفتار و اعمالش نیز پاکتر خواهد بود. هر کس نسبت به طبع خودش بسوی کارها، اشیاء، دوستان، مشغله و خدایان مختلف متمایل میشود. کسیکه هدفش خوشیهای دنیا و جماعوری اموال دنیا است هر قدر هم کتب ودا و شاسترا بخواند و علم یاد بگیرد باز هم بسوی مادیات خواهد رفت ولی کسیکه هدفش رسیدن به پرماثما است حتی بدون خواندن کتب علمی هم بسوی معنویات و سعادت کشیده میشود. کسیکه میخواهد از هوسها دور بماند باید از گفته های شاسترا و شیریری بغوان و یا یک عالم والامقام پیروی کند!



इन्द्रियस्येन्द्रियस्यार्थं रागद्वेषौ व्यवस्थितौ।

तयोर्न वशमागच्छेतौ ह्यस्य परिपन्थिनौ॥३४॥

ترجمه: هر یک از پنج حواس انسان (بینائی، بویائی، چشائی، شنوائی، لامسه) در مقابل اشیاء مربوط بخود (رنگ، بو، مزه، صوت، نرمی - زبری) عکس العمل هائی بشکل احساس تمایل و یا بی میلی از خود نشان میدهد. چگونگی عکس العمل انسان در مقابل اشیاء دنیا ارتباط مستقیم با طبع او دارد.

تفسیر: سادک خردمند با توجه باین واقعیت که هیچ چیز متعلق باو نیست در مقابل اشیاء دنیا چه موافق میلش باشند و چه نباشند عکس العملی نشان نمیدهد و با فکر آرام وظایفش را انجام میدهد. سادک میداند که در غیر

اینصورت عکس العمل های او از رسیدن او به هدفش که پرماتما است جلوگیری خواهند کرد!

این جهان ساخته مایا است. وقتی که سادک کارهایش را بنابر گفته های شاسترا یعنی بدون توجه به منافع شخص خود انجام میدهد در فکرش احساس خوشی یا ناراحتی ایجاد نمیشود. میوه سمی چه ترش و چه شیرین باشد کشنده است. برای یک سادک هم هر دو احساس خواستن و نخواستن، طرفداری و مخالفت، دوستی و دشمنی و غیره بیک اندازه مضر میباشند و سادک باید از این احساسات دوری کند. مهاریشی و داویاس در کتاب پادماپوران گفته:

श्रूयतां धर्मसर्वस्वं श्रुत्वा चैवावधार्यताम् ।

आत्मनः प्रतिकूलानि परेषां न समाचरेत् ॥

(पद्मपुराण, सृष्टि 19। 355. 56)

"ای انسان ! به آنچه که در شاسترا نوشته شده گوش کن و وظیفه ات را بشناس و برای کامل کردن آنها همت کن! آنچه را که برای خود سزاوار نمیدانی با دیگران مکن!" (کتاب پادماپوران- شماره 56/355/19)

مردان با تقوا و عالمان کبیر کتب شاسترا را محترم میشمارند. برای سادکی که علاقمند به رهائی از احساسات دوگانه "علاقه و بیعلاقگی" و "دوستی و دشمنی" و غیره میباشد پیروی از نوشته های شاسترا بسیار ضروری میباشد. عقل و احساس مردان پرهیزکار و عالم آنچنان پاک است که معنای ودا خود بخود بر آنها آشکار میشود! چه آنها کتب شاسترا و پوران را خوانده باشند و چه نخوانده باشند. این عالمان پارسا که به چیزی و کسی علاقه خاص ندارند و از کسی یا چیزی منزجر نیستند آنچنان پاک هستند که هرگز از آنها کار خلاف اخلاق سر نمیزند. اخلاق و رفتار این مردان بطور طبیعی مطابق شاسترا است و بهمین دلیل هم دیگران آنها را دوست دارند و رفتار آنها را سرمشق خود قرار میدهند.

بعضی ها معتقدند که احساس تمایل و انزجار، پسند و ناپسند، ... جزئی از طبع انسان بوده و غیرقابل اجتناب میباشد. ولیکن این نظریه درست نیست زیرا ثابت شده که در اثر تمرین متمدنی انسان میتواند بر آنها پیروز شود. سادک مصمم و با انضباط این را تجربه میکند. احساساتی که

ذکر شدند دائمی نیستند! اینها می‌آیند و می‌روند و توجه بیش از حد بآنها درست نیست.

انسان جاهل معتقدات خود را درست و معتقدات دیگران را غلط می‌پندارد. توجه باین واقعیت که هیچ چیزی در دنیا متعلق به کسی نیست باعث تیزهوشی انسان می‌شود و سادک در مقابل خوشیها هیجانزده نمی‌شود و غمهای دنیا باعث دلسردی و افسردگی او نمی‌شوند. سادکی که در آرزوی رسیدن به درک پرماتما است باید همیشه این واقعیت را بخاطر داشته باشد. کسیکه باین واقعیت توجه نمی‌کند عمرش تمام می‌شود بدون اینکه به هدف اصلی زندگی خود برسند. هدف زندگی فقط خوردن و خوابیدن و ساختن خانه و زاد و ولد نیست! اینکارها را حیوانات هم می‌کنند! کسیکه باین نکته توجه نمی‌کند بشکل یک آدم بد دنیا می‌آید ولی زندگی او در واقع با زندگی یک حیوان فرق زیادی ندارد زیرا حیوانات هم اینکارها را می‌کنند.

سادک کارما یوگی هر چیزی را که در اختیار دارد متعلق به بغوان و این دنیا میداند و معتقد است که باید آنها را به مالکان اصلی خود بازگرداند و برای این منظور با استفاده از تحصیلات، دارائی و هر چیز دیگری که در اختیار دارد به همه کس و حتی به حیوانات هم تا حد امکان خدمت می‌کند.

در نظر یک سادک این دنیا فقط محل "انجام وظیفه" است و برای خوشگذرانی و تجربه خوشیها و غمها نیست. سادک باید با در نظر گرفتن خیر دیگران بآنها خدمت بکند. سادکی که در هر شرایطی خیرخواه دیگران است یک سنت بزرگوار است. سنت یک عالم پاک و بی نیازی است که از همه چیز دنیا گذشته و به درک پرماتما رسیده است!

هدف سادک از خدماتی که به دنیا و مردم دنیا می‌کند رسیدن به پرماتما می‌باشد. سادکی که در ضمن انجام کارها هدفش را بخاطر دارد هرگز احساس غرور و تکبر نمی‌کند و بهمین دلیل روز بروز به فروتنی اش افزوده می‌شود. هر قدر غرور و تکبر کمتر باشد انسان خود را به پرماتما نزدیکتر احساس می‌کند و با از بین رفتن کامل غرورش مثل بغوان پاک و مقدس می‌شود.

وقتی که انسان دیگران را مسئول خوشیها و غمها میداند در فکرش احساس علاقه و یا نفرت نسبت بآنها پیدا می‌شود! او به کسی که باو خوشی میدهد علاقمند می‌شود و نسبت به کسی که تصور می‌کند مسئول درد و غمش است نفرت پیدا می‌کند. یعنی علاقه و نفرت انسان نسبت به دیگران بدلیل

جهالت خودش بوجود می‌آید و بخاطر همین احساسات است که انسان این دنیا را بشکل حقیقی اش نمی‌بیند. اگر انسان به چیزی و کسی علاقه یا انزجار نداشته نباشد این دنیا را که نور ابدی است بهمان شکل حقیقی اش خواهد دید. هر کسی دنیا را آنطوری که خودش تصور میکند میبیند آنطوری که حقیقتاً هست. اگر احساسات متضاد از قبیل "خوب و بد" و "درست و غلط" در انسان نباشد جهل او تمام خواهد شد و همه چیز و همه کس را بشکل حقیقی آن یعنی بشکل پرمتامای نورانی خواهد دید. در کتب ودا نوشته شده: همه چیز برهم است. **वासुदेवः सर्वम्**.



श्रेयान्स्वधर्मो विगुणः परधर्मात्स्वनुष्ठितात्।

स्वधर्मे निधनं श्रेयः परधर्मो भयावहः ॥३५॥

ترجمه: انجام دادن وظایف خود حتی اگر بطور ناقص انجام شوند بهتر از انجام دادن کامل کارهایی است که بما مربوط نبوده و وظیفه ما نیستند. حتی از دست دادن جان خود در راه انجام وظیفه باعث سعادت انسان میشود! انجام دادن کارهای دیگران و دخالت در کار آنها باعث احساس ناراحتی، نارضایتی و ناامنی میشود.

تفسیر: انسان بدلیل اعمال گذشته اش در این دنیا متولد میشود و فقط با پرداختن بوظایف خودش میتواند از آن اعمال رها شود. آنها که حتی در شرایط دشوار هم وظیفه خود را ترک نمیکند در این دنیا خوشیها را تجربه میکنند و به خواسته هایشان میرسند. بغوان، کتب ودا، شاسترا، گورو یا پدر و مادر با کمک و راهنماییهای خود این اشخاص را بههدف نهائی زندگی میرسানند.

در بخش اول این کتاب وقتی که ارجون گفت که با جنگیدن ما مرتکب گناه خواهیم شد آنموقع بغوان باو گفته بود که با ترک این جنگ که وظیفه تو است مرتکب گناه بزرگتری خواهی شد. کسی که وظیفه اش را بدون احساسات متضاد انجام میدهد آرامش کامل را در درون و بیرون از خود تجربه میکند. این آرامش کامل "یوگا" نام دارد در این حالت انسان از هر درد و غم آزاد است و احساس مسرت میکند. این حالت برای رسیدن به پرمتما بسیار ضروری است و بهمین دلیل بغوان بارها به ارجون تأکید میکند

که او باید احساسات گوناگون را ترک کند و بدون توجه به دوست و دشمن و یا شکست و پیروزی فقط وظیفه اش را انجام بدهد.

اکثر درد و غمها و مصائب و نگرانیهای زندگی از پرداختن بکارهای غیرضروری و کارهاییکه بما مربوط نیستند بوجود میآیند! با ترک کارهای غیرضروری بسیاری از مصائب زندگی از بین میروند.

هر کاری که انسان با در نظر گرفتن منافع شخصی خودش انجام

میدهد تبدیل به "عمل" Karma کرم می شود ولی کاری که بدون در نظر گرفتن منافع شخصی خود و فقط بمنظور کمک دیگران انجام داده شود تبدیل به "خیرات" میشود. خیرات اعمال گذشته انسان را تمام میکنند و او را تا رسیدن به پرماتما هدایت میکنند. هر کار خیری چه کوچک و چه بزرگ باشد در راه رسیدن به پرماتما نقش مهمی دارد. بهمین دلیل سادک نه تنها وظیفه اش را در هیچ شرایطی نباید ترک کند بلکه باید آنها را بدون هیچگونه توقعی، با فروتنی و با احترام به حق دیگران انجام بدهد.

عالمان معتقدند که بهترین کاری که انسان برای خودش میتواند بکند یادگیری علم برهم (ودانت) است، علمی که انسان را با شکل حقیقی خود آشنا میکند. یادگیری علم ودانت آسان نیست و قابلیت یادگیری این علم را سادک با تمام کردن وظایفش و رسیدن به آرامش افکار بدست میآورد. علم ودانت را سادک باید از یک گورو یاد بگیرد زیرا در غیراینصورت یادگیری آن صرفاً با خواندن کتب علمی امکان پذیر نیست.

کسیکه هدفش رسیدن به پرماتما است به پولدار شدن و رسیدن بمقام و چیزهای دیگر اهمیت نمیدهد و اگر این چیزها بر حسب اتفاق و سرنوشت او بدستش بیایند او را هیجانزده نمیکند زیرا هدف او حاصل کردن این چیزها نیست. سادک حتی شرایط بد را هم با کمال رضایت میپذیرد و آنرا بشکل یک ریاضت قبول میکند ریاضتی که باعث پیشرفت او میشود. همانطور که یک کاسب برای کسب دارائی هر گونه مشقتی را تحمل میکند کسی هم که در آرزوی رسیدن به پرماتما است هر گونه ریاضت و نامرادی در دنیا را قبول میکند و از آن ناراحت نمیشود.

حتی رفتن به زیارت، ریاضت کشیدن، روزه گرفتن، خیرات دادن و خدمات اجتماعی هم اگر بمنظور کسب صواب و رفتن به بهشت انجام داده شوند یک کار منفعت جویانه است! بهشت هم جزئی از دنیای مادی است و در آنجا هم چیزی بجز خوشی و لذات جسمانی نیست. تمام درد و غمها و

نگرانی و تشویش های انسان از توقعات بیش از حد او سرچشمه میگیرند. شخص عاقلی که سعادت خود را میخواهد کارهایش را بعنوان یک وظیفه انجام میدهد و در ازای آنها از کسی توقعی ندارد!

~~~~~

अर्जुन उवाच

अथ केन प्रयुक्तोऽयं पापं चरति पूरुषः।

अनिच्छन्नपि वाष्णोय बलादिव नियोजितः॥३६॥

**ترجمه:** ارجون گفت: ای کریشنا، ای آنکه از خاندان شریف و ارشنوی هستی! این کدام نیرو است که انسان را برخلاف میلش وادار به انجام دادن کارهای خلاف اخلاقی میکند؟ مسئول این گناهان کیست؟

**تفسیر:** هیچ انسان عاقلی بمیل خود گناه نمیکند زیرا هر کس میداند که نتیجه گناه درد و مصیبت است و هیچکسی درد و مصیبت را نمیخواهد. در واقع ریشه تمام گناهان میل به خوشیهای جسمانی و علاقه به جمعآوری اموال و تجملات دنیا میباشد.

هر کسی میداند که نباید گناه کند و در صورت ارتکاب گناه پشیمان میشود ولیکن بخاطر هوسهایش نمیتواند از گناه کردن اجتناب کند. کسیکه بر حواس خود مسلط نیست وظیفه اش را میداند ولی نمیتواند بآن تمایل پیدا کند و گناه را هم میشناسد ولی نمیتواند از آن اجتناب کند! اینطور بنظر میآید که یک قدرتی در درون انسان غافل هست که او را وادار بانجام کارهای خلاف میکند. این قدرت در واقع همان "هوس" میباشد. تمام خواسته های انسان برآورده نمیشوند و برآورده نشدن خواسته باعث تولید خشم میشود! بنابراین در جائیکه هوس باشد خشم هم هست.

علاقه و بیعلاقگی، تمایل و بی میلی نتیجه هوسهای انسان میباشد. هوس و خشم دو دشمن بزرگ انسان میباشد و باعث گناهان میشوند.

~~~~~

श्री भगवानुवाच

काम एष क्रोध एष रजोगुणसमुद्भवः ।

महाशनो महापाप्मा विद्ध्येनमिह वैरिणम् ॥३७॥

شیری بغوان گفت

ترجمه: طبع فعال انسان باعث پیدا شدن هوس و خواسته های بسیار در دل انسان میشود و همین خواسته ها باعث ارتکاب خطاها و بوجود آمدن گناهان میشود. برآورده نشدن خواسته ها باعث بوجود آمدن خشم میشود. خشم و هوسها زندگی انسان را میخورند و آنرا تمام میکنند. این را بدان که بزرگترین دشمن تو هوس و خواسته های غیرضروری تو هستند.

تفسیر: علاقه و وابستگی انسان به اشیاء دنیا باعث شدت طبع فعال او میشوند. با برآورده شدن یک هوس هوس دیگری در دل پیدا میشود و برآورده نشدن آن باعث ایجاد خشم میشود. تا زمانیکه انسان خوشی را در اشیاء دنیا میجوید آن اشیاء در نظرش مهم و با ارزش جلوه میکنند و بدنیاال حاصل کردن آنها زندگی اش را بسر میکند. تا زمانیکه این سلسله ادامه دارد انسان نمیتواند بطور کامل از گناه کردن رها شود. برآورده شدن خواسته های انسان باعث ازدیاد طمع میشود و برآورده نشدن آنها باعث ایجاد خشم میشود. بنابراین دلیل اصلی هر گناهی هوس میباشد.

هوسها هرگز تمام نمیشوند و بهمین دلیل شخص هوسران هیچوقت راضی نیست و به خوشی نمیرسد. غم بمعنای آن است که چیزی را که میخواهیم حاصل نشود و چیزی را که نمیخواهیم بسر اغان بباید! خواستن اشیاء این دنیا "هوس" نام دارد ولی پرماتما یک شیئی نیست و خواستن او یک هوس نیست! در این دنیا اشیاء بوجود میآیند و از بین میروند و حاصل کردن هیچیک از آنها خوشی کاملی که انسان میخواهد باو نمیدهند و انسان از حاصل کردن آنها احساس رضایت و سیری کامل نمیکند! خوشی و رضایت کامل فقط با شناخت خویشتن و درک پرماتما حاصل میشود. پرماتما حقیقت ابدی – وجدان آگاه (علم) و مسرت ابدی است.

انسان برای پر کردن جای خالی کمبودهایش بدنیاال اشیاء دنیا میرود. یعنی چیزهائیرا میجوید که از او جدا هستند ولیکن پرماتما از انسان جدا نیست. آرزوی حاصل کردن پرماتما یک هوس نیست بلکه یک نیاز انسان است.

ترک هوس دشوار نیست! ولی مشکل این است که انسان علاقه به حس مالکیت دارد و ترک آن بسیار دشوار است و همان باعث میشود که او نتواند هوسها را ترک کند. با ترک هوسها علاقه به جمعآوری اشیاء تمام

خواهند شد و فقط آنموقع است که تشویش و نگرانی ها تمام خواهند شد و آرامش افکار و اتکاء به نفس جای آنها را خواهد گرفت.

آیا تا بحال کسی در دنیا به تمام خواسته هایش رسیده است؟ حتی ثروتمندترین پادشاهان هم به تمام آرزوهایشان نرسیدند! دنیا بخاطر خوشیهای حاصله از اشیاء دنیا لذتبخش بنظر میآید. اشیاء دنیا واقعی هستند ولی حقیقی نیستند! آنها هر لحظه دگرگون میشوند و از بین میروند ولی انسان بدلیل علاقه اش بآنها تصور میکند که بآنها نیاز دارد.

اعمال پایان ناپذیر انسان او را گرفتار مصائب گوناگون، دردها، تشویش و نگرانی دائمی میکنند. روش کارما یوگا سادک را از چنگال هوسها رها میکند و باعمال او پایان می بخشد. هیچیک از اشیاء دنیا نمیتواند بانسان احساس رضایت کامل بدهد و او را بسوی کمال هدایت کنند.

انسان بدلیل جهالت خود به اشیاء دنیا دل میندند و از پرماتما دور میشود. اشخص با تقوا و ریاضتمندی که هوسها را ترک کرده اند بدرستی زندگی میکنند در حالیکه بقیه مردم دنیا در آرزوی زندگی میمیرند.



धूमेनाव्रियते वह्निर्यथादर्शो मलेन च ।

यथोल्बेनावृतो गर्भस्तथा तेनेदमावृतम् ॥३८॥

ترجمه: همانطور که خاکستر روی آتش را میپوشاند و غبار روی آئینه را کدر میکند و همانطور که جنین نوزاد در بطن مادر پوشیده میماند هوسهای انسان روی علم ذاتی او را پوشانده اند.

تفسیر: نور علم جاودان در تمام جهان از ازل هست! این نور بر روی عقل انسان میتابد و باعث زندگی و فعالیتهای او میشود.

عقل سه نوع است: عقل پاک – عقل فعال – عقل سست. عقل پاک درست و غلط را تشخیص میدهد و تصمیماتش درست و بموقع هستند! عقل فعال درست و غلط را تشخیص میدهد ولی نمیتواند بموقع تصمیم درست بگیرد! عقل سست درست و غلط را نمیتواند از یکدیگر تشخیص بدهد و قدرت تصمیم گیری صحیح ندارد.

هر قدر انسان برای چیزی ارزش و اهمیت قائل باشد همانقدر هوس حاصل کردن آن چیز در دلش قویتر میشود. سادکی که این واقعیت را درک کرده که اشیاء دنیا نمیتواند باو خوشی حقیقی بدهند و فرق بین هوس و نیاز

را میفهمد بوقت ظاهر شدن هوسها وظیفه و هدف خود فراموش نمیکند و باین ترتیب میتواند بدرستی تصمیم بگیرد. نکته قابل توجه این است که علم در همه هست ولی هوسها روی آنرا پوشانده اند و اکثر مردم از علم ذاتی خود بیخبرند. هر قدر سادک به بی ارزش بودن اشیاء دنیا پی میبرد همانقدر ارزش پرماتما را بیشتر و روشنتر درک میکند.



आवृतं ज्ञानमेतेन ज्ञानिनो नित्यवैरिणा।

कामरूपेण कौन्तेय दुष्पूरेणानलेन च॥३९॥

ترجمه: ای ارجون! آتش هوس خودبخود خاموش نمیشود و مقابله با آن دشوار است. این آتش خانه برانداز دشمن سرسخت انسان است و حتی عقل عالمان را نیز میتواند از آنها بدزد.

تفسیر: آتش هوس هر چه را که در سر راهش باشد میبلعد و هرگز سیر نمیشود. طمع مردان دنیا پرست برای کسب مال و لذات جسمانی پایان پذیر نیست و روز بروز افزایش مییابد. انسان تصور میکند که رسیدن به خواسته های قلبی اش باعث خوشحالی او خواهد شد ، ولیکن خوشی حقیقی در واقع در ترک آنها مییابد. انسان بوقت لذت بردن از جوانی و ثروت و مقام و اموال و دارائی خود متوجه این واقعیت نمیشود که اینها همگی موقتی و ناپایدار هستند! انسان علاقه ای بدانستن این حقایق ندارد زیرا اگر باین حقایق توجه کند لذتی از آن اشیاء نخواهد برد و متأسفانه انسان همیشه بدنبال خوشی و لذات جسمانی است! عادت به لذات جسمانی سادک را از هدفش دور میکند.

بغوان بخاطر هشدار دادن به سادکهای ریاضت کشی که هدفشان رسیدن به درک پرماتما است گفته که حتی آن خوشی که بر حسب اتفاق حاصل میشود نیز دشمن انسان است. سادک خردمند این دشمنان را میشناسد و برای مقابله با آنها همیشه آماده و بیدار میماند. با پیدا شدن یک هوس در دل سادک او میفهمد که یک مصیبت در راه است. برای مردم دنیا پرست هوس یک دوست است و بدون آن زندگی برایشان بی معنی است.

فرق انسان با حیوان در علم و خرد انسان است. انسان بیعلم و خرد مثل یک حیوان میخورد و میخوابد و تولید مثل میکند و یکرز میمیرد.

انسان بیخرد از بدست آوردن اشیاء دنیا لذت میبرد ولی از لذت ترک آنها بی نصیب میماند. لذتی که در ترک اشیاء دنیا هست در حاصل کردن آنها نیست!



इन्द्रियाणि मनो बुद्धिरस्याधिष्ठानमुच्यते।

एतैर्विमोहयत्येष ज्ञानमावृत्य देहिनम् ॥४०॥

ترجمه: گفته میشود که شیطان هوس در عقل و حواس انسان جایگزین شده و شخص دنیا پرست را فریب میدهد و علمش را از او میرباید.

تفسیر: حواس، عقل، قلب و جهالت انسان مسئول بوجود آمدن هوسها میباشند. اولین و مهمترین مسئول ایجاد هوس جهالت انسان میباشد. بهمین دلیل نیز شخص کارما یوگی بدون غرور و تظاهر و فقط بمنظور پاک کردن درون خود بانجام وظیفه میپردازد.

غرور فقط یک باور است. اینکه گفته میشود من متعلق به فلان قبیله و نژاد و یا فلان مسلک و آئین هستم باور هائی هستند که انسان قبول کرده و هیچ ثبوتی برای آنها نیست. در مهابهارت نوشته شده:

कामबन्धनमेवैकं नान्यदस्तीह बन्धनम्।

कामबन्धनमुक्तो हि ब्रह्मभूयाय कल्पते।

(शान्तिपर्व 251. 7)

معنی: چیزی بدتر از هوس در دنیا نیست. هوس از جهالت بوجود میآید! کسی که از چنگ هوس رها میشود قادر به درک برهم میشود. شخص نادانی که به توانائی خود و متعلقاتش میبالد باسانی بازیچه دست هوسها میشود.



तस्मात्त्वमिन्द्रियाण्यादौ नियम्य भरतर्षभ।

पाप्मानं प्रजहि ह्येनं ज्ञानविज्ञाननाशनम् ॥४१॥

ترجمه: بهمین دلیل ای ارجون، ای برترین مرد خاندان بهارت! تو قبل از هر چیز بر حواس خود تسلط پیدا کن و شیطان هوس را که میتواند علم ترا نابود کند با تمام قوای خود بکش.

تفسیر: برای تسلط یافتن بر حواس سادک باید از رفتن پنج حواس خود بسوی اشیاء غیر ضروری جلوگیری کند. بطور مثال از خوردن اغذیه منع شده و از نگاه کردن به مناظر زشت پرهیز کند. تا زمانیکه انسان بر حواس خود مسلط نشود حواسش او را باین سو و آنسو کشیده و فکرش دائماً در جنب و جوش و هیجان خواهد بود.

حقیقت فنناپذیر و علم ابدی بطور ذاتی در درون هر کسی هست. انسان آگاه هر کاری را بطور خردمندانه انجام میدهد و در غیر اینصورت علیرغم میل خود بسوی کارهای خلاف اخلاق کشیده میشود. تا زمانیکه انسان علم بر هم (علم ودانت) را یاد نگرفته و حقیقت را درک نکرده است به اشیاء دنیا بیش از حد لازم ارزش قائل میشود و هوس حاصل کردن آنها در دلش پیدا میشود.



इन्द्रियाणि पराण्याहुरिन्द्रियेभ्यः परं मनः।

मनसस्तु परा बुद्धिर्यो बुद्धेः परतस्तु सः ॥४२॥

एवं बुद्धेः परं बुद्ध्वा संस्तभ्यात्मानमात्मना ।

जहि शत्रुं महाबाहो कामरूपं दुरासदम् ॥४३॥

ترجمه: حواس پنجگانه انسان قوی هستند ولی احساسات انسان از آنها هم قویترند و خرد انسان از آنها قویتر است! هوسها میتوانند بر عقل شخص بی انطباق غالب شوند. تو این دشمن سرسخت را بشناس و با خردمندی بر آن غلبه کن!

تفسیر: اشیاء دنیا بدون هوسهای انسان بی ارزش هستند. شخص خردمند از هوس دوری میکند. جسم، حواس، احساسات، قلب، عقل و حتی غرور و جهالت انسان هم جزئی از طبیعت مادی میباشند. علم بر هم به همه چیز روشنی می بخشد! علم در همه جا و همه چیز هست، الهام بخش همه چیز و دلیل وجود همه چیز است! علم بر هم خود پر ماتما است. خوشی و غم هر دو احساسات زیان آوری هستند که در فکر بوجود میآیند ولی در روح نه خوشی هست و نه غم!

روح انسان مظهر مسرت یعنی خوشی خالص است و با درک این حقیقت سادک از خوشیهای زودگذر بی نیاز میشود و هوسهایش از بین میروند. جسم انسان از طبیعت مادی ساخته شده و بسوی مادیات تمایل دارد ولی روح انسان جزئی از پرماتما بوده و علاقمند به پرماتما است. انسان در حقیقت قلباً در آرزوی رسیدن به پرماتما است ولی با دیدن اشیاء دنیا بآنها علاقمند میشود و آرزوی حاصل کردن آنها را در فکرش میپروراند. مردم دنیا دوست فقط به دنیا علاقمند هستند، و به پرماتما توجهی ندارند. بعضی از سادک ها بدلیل ضعف اعتقادشان دنیا و پرماتما هردو را میخواهند و بهمین دلیل نیز سر در گم میمانند. اگر تنها هدف زندگی سادک رسیدن به پرماتما باشد این سردرگمی از بین میرود.

انسان ذاتاً پرماتما را دوست دارد. بعضی ها از این علاقه آگاه هستند و بعضی ها آگاه نیستند! با یادگیری علم برهم جهالت انسان از بین میرود و علاقه اش باشیاء مادی دنیا کم میشود و بتدریج هوسهایش تمام میشوند. حتی اگر انسان به مادیات دنیا علاقمند باشد و توجهی به پرماتما نداشته باشد باز هم بطور ناخودآگاه به پرماتما علاقه دارد. پرماتما از کسی دور نیست. پرماتما شکل حقیقی انسان است ولی انسان از آن آگاه نیست. رسیدن باین آگاهی فقط از طریق کسب علم برهم یعنی ودانت Vedant (تاتوا گیان) حاصل میشود!

پرماتما گاهگاهی باشخاص خوب و بالیاقت ناکامیابی میدهد و آنها را از دنیا دلسرد میکند و در نتیجه هوسها را در دلشان کشته از بین میبرد و آنها بسوی سعادت معنوی هدایت میشوند. آن کسانی خوش نصیب هستند که علیرغم داشتن تمام خوشیها و ثروت های دنیا به آنها بی تفاوت شده و بسوی پرماتما روی میآورند و او را میجویند.

پایان بخش سوّم بهاگواد گیتا — علم برهم
گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون

॥ ॐ श्री परमात्मने नमः ॥

بخش چهارم

श्री भगवान उवाच

इमं विवस्वते योगं प्रोक्तवानहमव्ययम्।

विवस्वान्मनवे प्राह मनुरिक्ष्वाकवेऽब्रवीत्॥१॥

شیری بغوان میگوید

ترجمه: روش جاودان کارما یوگا را من هزاران سال پیش به آفتاب یاد دادم. آفتاب این روش به پسرش مانو یاد داد و مانو آنرا به پسرش ایکشوا یاد داد و باین ترتیب این آئین سینه به سینه گشته و تا بامروز ادامه یافته است. **تفسیر:** در کتب پوران و اوپانیشاد در باره کارما یوگا نوشته شده ولیکن توضیحات وسیع و ساده ای که در گیتا در این باره داده شده بی نظیر میباشد.

بغوان شکل مادی ظاهر شده پرماتما است و مثل پرماتما ابدی است! روح انسان هم که جزئی از پرماتما است نیز ابدی میباشد و اینها باهم ارتباط ابدی دارند. سه روش عمل، علم و ایمان که انسان بکمک آنها قادر به درک پرماتما میشود ساخته فکر بشر نیستند بلکه اینها بطور طبیعی در ذات بشر وجود دارند یعنی اگر کسی این روشها را از کتب و یا از یک گورو نیاموزد باز هم خودبخود بیکی از اینها متمایل میشود. بطور مثال هیچکس عشق بفرزند را به مادر یاد نمیدهد ولی این عشق بطور ذاتی در وجود مادر هست. همانطور که یک ذره خاک جزئی از کره زمین است انسان هم جزئی از این جهان شگفت انگیز است.

آفتاب بهترین نمونه کارما یوگی است. او هر روز بموقع میآید و بدون اینکه از کسی چیزی بخواهد نور و گرمای خود را در اختیار همه قرار میدهد و با همین راضی است. سادک با انجام دادن وظیفه اش احساس رضایت میکند و دیگران هم از او الهام میگیرند.

گفته میشود که قبل از هر چیزی در این دنیا آفتاب خلق شد و تمام دنیا از او خلق شدند. بغوان وظیفه آفتاب را باو یاد داد و انجام صحیح وظیفه را همه از آفتاب یاد گرفتند. آنکه آفتاب را خدای خود میدانند و باو ایمان دارد و او را میپرستند معتقد است که آفتاب روح این جهان است و در نتیجه این ایمان آفتاب خودبخود علمی را که در خود بطور نهفته دارد باو میدهد. روش انجام وظایف شخصی (کارما یوگا) را بغوان بخصوص به مردم خانواده دار توصیه کرده است. ارجون و شیرا کریشنا نیز زن و فرزند داشتند و کریشنا به ارجون میگوید که برای رسیدن به پرماتما هیچ احتیاجی به ترک خانه و زن و فرزند و ترک دنیا نیست. آئین خانواده و زندگی زناشویی بهترین آئین است و هر کسی در ضمن انجام وظایف خانوادگی اش میتواند به درک پرماتما برسد و با او یکی بشود. بنابراین میتوان گفت که این روش برای اکثر مردم دنیا بهترین و مناسبترین روش میباشد. آن پرماتما را که یک سنیاسی با ترک دنیا و ترک خانه و خانواده اش حاصل میکند یک سادک معمولی هم در بین فامیل و خانواده اش و در ضمن انجام وظایفش میتواند حاصل کند. این روش متعلق به گروه یا مذهب خاصی نیست! هر کسی از هر ملیت و نژاد و با هر اعتقادی در هر زمان و هر جای دنیا میتواند از این روش استفاده کند.

وظیفه انسان نباید خارج از توانائی او باشد. هدف زندگی انسان نباید جمعآوری اشیاء گوناگون دنیا باشد. کسی که فقط بمنظور کمک بدیگران کار میکند و برای خودش چیزی نمیخواهد کارها برایش آسان میشوند. شخص کارما یوگی سعی نمیکند شرایط زندگی را عوض کند و اتفاقات و شرایط زندگی را آنطور که پیش میآیند قبول میکند. کارما یوگی منتظر شرایط خاصی نمیشود بلکه در هر شرایطی در حد امکان خودش بدیگران کمک میکند.



एवं परम्पराप्राप्तमिमं राजर्षयो विदुः।

स कालेनेह महता योगो नष्टः परन्तप॥२॥

ترجمه: ای ریاضتمند! پادشاهان یکی بعد از دیگری روش کارما یوگا را از پدران خود آموختند و بآن عمل کردند ولی بعد از گذشت هزاران

سال اسرار این روش از اذهان مردم گم شده و فهمیدن آن برای مردم دشوار شده است.

تفسیر: شخص اول خانواده و همچنین مسئولین اجتماعات و دهات باید روش صحیح انجام وظایف را یاد بگیرند و از آن پیروی کنند و با انجام وظایفشان سرمشق دیگران باشند. روش انجام وظیفه یک روش بسیار ساده است و از اصول آن در دو روش علم و ایمان نیز استفاده میشود. اصل مهم روش کارما یوگا انجام وظایف شخصی خود بدون در نظر گرفتن ثمره ای میباشد یعنی سادک باید با هر چه که در ازای کارش باو داده میشود راضی باشد.

کتاب ودا و گیتا مخالفتی با داشتن ثروت، املاک، مقام، شهرت و تحصیلات ندارند بلکه معتقدند که حس مالکیت نسبت به اینها سادک را از هدف خود دور میکند.

سادک تصور میکند که میتواند پرماتما را با کار و تلاش خود بدست آورد در حالیکه پرماتما از ازل در درون خودش هست! انسان طمعکار بجز خود و خانواده اش برای کسی کاری نمیکند! سادک کارما یوگی با فروتنی بدیگران خدمت میکند و قابلیت درک پرماتما را کسب میکند.



स एवायं मया तेऽद्या योगः प्रोक्तः पुरातनः।

भक्तोऽसि मे सखा चेति रहस्यं ह्येतदुत्तमम्॥३॥

ترجمه: تو دوست عزیز و پیرو من هستی و بهمین دلیل من امروز اسرار آن یوگای بسیار قدیمی را برایت بازگو کردم. درک اسرار این یوگا فوق العاده با ارزش است.

تفسیر: ارجون از کودکی دوست کریشنا بود ولی حالا به حرفهای او ایمان آورده است. یک گوروی پخته علم خود را پنهان میکند و فقط به شاگردی بازگو میکند که لیاقت و آمادگی درک آنرا داشته باشد. حرفی را که حتی در جمع افراد خاص هم نمیتوان گفت گورو به شاگردی میگوید که باو پناه آورده و لیاقت شنیدن آنرا دارد. ارجون در شماره 7 از بخش دوم به شیری کریشنا گفته بود که "من بتو ایمان دارم و غرور خود را بتو تسلیم

میکنم! مرا به شاگردی قبول کن" و بهمین دلیل شیری کریشنا او را راهنمایی کرده اسرار نهفته اش را باو بازگو میکند.

تسلیم شدن به بغوان باین معنی است که سادک غرورش را ترک کند و قبول کند که کارها را بغوان انجام میدهد و او فقط یک وسیله کار است و این حقیقت را قبول کند که هر چیز خوب و بد در دنیا متعلق به بغوان است و او مسئول هیچ اتفاق و شرایط خوب و بد زندگی نیست! ارجون با اینگونه اعتقاد و ایمان به بغوان شیری کریشنا افسار اسبهای اربابه زندگی اش را بدست بغوان داده و از او تقاضا میکند که در این جنگ او را رهبری و هدایت کند.

انسان بطور معمول بخاطر رسیدن به خواسته های خود بسوی بغوان میرود و بدرگاهش دعا و نیایش میکنند ولی سادکی مثل ارجون از بغوان اشیاء ناچیز دنیا را نمیخواهد بلکه از او میخواهد که او را در رسیدن به تکامل و سعادت معنوی کمک و راهنمایی کند. اسرار سخنان شیری کریشنا را ارجون و سادکهای مثل او میفهمند. امید سادک باید به بغوان باشد نه به اشیاء دنیا.

سادک باید با علاقه و توجه کامل به دستورات گورو گوش کند. یک شاگرد جدی و با انضباط اسرار علم را با پیروی از گفته های گورو و با دیدن کارهای روزمره و رفتار گورو و با خواندن کتب علمی یاد میگیرد. گورو شاگردش را بارها امتحان میکند و اسرار نهفته علم خود را باسانی در اختیار هر کسی نمیگذارد. دیده شده که یک شاگرد فروتن با خدمت به گورو علم ودانت را در جوار گورو حتی بدون تحصیل کتب ودا یاد میگیرد.

~~~~~

अर्जुन उवाच

अपरं भवतो जन्म परं जन्म विवस्वतः।

कथमेतद्विजानीयां त्वमादौ प्रोक्तवानिति॥४॥

**ترجمه:** ارجون گفت: ای کریشنا تو در حال حاضر زندگی میکنی و آفتاب بسیار قدیمی است! چطور ممکن است که تو روش کارما یوگا را به آفتاب یاد داده باشی؟

~~~~~

श्रीभगवानुवाच

बहूनि मे व्यतीतानि जन्मानि तव चार्जुन।

तान्यहं वेद सर्वणि न त्वं वेत्थ परन्तप॥५॥

کریشنا گفت

ترجمه: ای ارجون! من و تو قبلاً هم چندین بار بشکل موجودات گوناگون بدنیا آمده ایم. تو آنها را بخاطر نداری ولی من همه آنها را بخاطر دارم.

تفسیر: من و تو و همه اینها که امروز در اینجا هستند قبلاً هم بودیم و در آینده نیز خواهیم بود. تو بخاطر اعمال گذشته ات مجدداً متولد شده ای ولیکن من در تولد قبلی ام هیچ کار ناقصی انجام نداده بودم و بهمین دلیل تولد من بخاطر اعمال گذشته ام نیست! کسانی که ریاضت میکشند و از گفته های گورو پیروی میکنند بسیار تیزهوش میشوند و هر موضوعی را بدرستی میفهمند. در حقیقت زمان لاینقطع است و به زمانهای گذشته، حال و آینده تقسیم نشده است! این حقیقت را شخص عالم میداند.

هر چیزیکه در دنیا دیده و یا محسوس میشود یک شیئی مادی است و برای همیشه نمیماند. تمام این چیزها را مایا تولید میکند و مایا باعث میشود که اینها حقیقی بنظر بیایند! رهائی از مایا بسیار دشوار است و فقط علم برهم میتواند پرده مایا را کنار بزند و حقیقت را آنطور که هست به شخص جوینده نشان بدهد. ارجون به فامیلش وابستگی بسیار دارد و بهمین دلیل نمیتواند حقیقت را ببیند و نمیتواند بدرستی تصمیم بگیرد! او میخواست وظیفه اش را ترک کند و از میدان جنگ فرار کند. کریشنا باو یادآوری میکند که انجام وظیفه مهمترین اصل زندگی است و او در هیچ شرایطی نباید وظیفه اش ترک کند. بدون انجام وظیفه زندگی انسان کامل نمیشود.

یک یوگی اشیاء و اموال دنیا را جمعآوری نمیکند و بدون اتکاء به کسی و یا چیزی ریاضتهای بسیاری میکشد و بسیار هوشمند میشود. فلسفه پاتانجلی معتقد است که:

अपरिग्रहस्थैर्ये जन्मकथन्तासं बोधः।

(पातंजलयोगदर्शन 2. 39)

معنی این قسمت از فلسفه پاتانجلی اینطور است: بیعلاقگی به جمعاوری اموال و اشیاء دنیا نشانگر زندگی پاک و ساده قلبی انسان است! کسیکه در وجودش احساس نقص و کمبود میکند سعی میکند کمبودهایش را با جمعاوری اشیاء دنیا تکمیل کند ولی کسیکه در خود نقص و کمبودی نمیبیند علاقه به جمعاوری اشیاء دنیا در او پیدا نمیشود و با هر چه که دارد راضی است! چیزی که کامل است نیازی به تکامل ندارد. دنیا دائماً در حال تغیر و دگرگونی است و بسوی تکامل میرود! همین نشان میدهد که دنیا ناقص است و کمبودهایش باعث تغیرات و دگرگونی هائی در او میشوند و او را بسوی تکامل میبرند.



अजोऽपि सन्नव्ययात्मा भूतानामीश्वरोऽपि सन्।

प्रकृतिं स्वमधिष्ठाय सम्भवाम्यात्ममायया ॥६॥

ترجمه: من فناپذیرم! من متولد نمیشوم. من ایشورم، مالک این جهان Ishwar ईश्वर و طبیعت شگفت انگیز تحت اختیار من همه کارها را میکند. من بمیل و اراده خودم و با نیروی یوگمایا योगमाया Yogmaya که متعلق بمن است بشکل انسان بر روی زمین ظاهر میشوم. من اشکال گوناگون بخود میگیرم ولی همیشه در ماوراء ماده هستم.

تفسیر: ایشور جسم مادی ندارد و در ماوراء اجسام مادی است! ولی وقتی که او جسم مادی بخود میگیرد و بر روی زمین میآید با نام بغوان خطاب میشود.

انسان متولد میشود و میمیرد ولی ایشور نه متولد میشود و نه میمیرد. انسان قبل از تولدش وجود ندارد و بعد از وفاتش نیز وجود نخواهد داشت یعنی موجودیت او فقط محدود به دوران بین تولد و مرگش میباشد. ایشور از انظار غایب است ولی در شرایطی مقابل بعضی ها ظاهر میشود و خود را بآنها نشان میدهد! ظهور و غیبت ایشور بمیل خودش میباشد. ایشور مثل خورشید درخشان است و همیشه میتابد یعنی حتی موقعی که از انظار غایب است نیز موجود است.

ایشور ابدی است! زمانی نیست که ایشور نباشد و جایی نیست که او در آنجا نباشد و هیچ چیزی نیست که ایشور در آن نباشد. این طبیعت

شگفت انگیز را ایشور بکمک "مایا" خلق کرده است. مایا جزئی از یوگامایا است! یوگامایا نیروی خارق العاده ایشور است! این نیرو با ایشور یکی است و از او جدا است! عالمان کبیر و فیلسوفان این نیروی خارق العاده را "شیری" نامیده اند.

در روش علم برهم هدف سادک درک حقیقت و رسیدن به برهم یگانه میباشد! ولی در روش بکتی (عشق و ایمان به پرماتما و خدمت به جامعه) هدف بکت خدمت به بغوان و پرستش و عبادت او میباشد. بکت خود را خادم و عابد بغوان میداند و او را در همه چیز و همه جا میبیند! در واقع خود برهم برای دیدار پیروان عاشق خود بشکل انسان و حیوانات و موجودات دیگر بر روی زمین ظاهر میشود. در اینجا عابد عاشق و معبود معشوق ظاهراً دو تا هستند ولی معلوم نمیشود که کدامیک عاشق و کدام معشوق است؟ هر یک از دیگری شگفت انگیزتر است؟ کدام مهمتر و کدامیک کم اهمیت است؟ هریک از دیگری زیباتر است! هردو بسوی یکدیگر جذب میشوند و شیفته یکدیگر هستند. بغوان (ایشور روی زمین) از دیدن شیری (موجودات دنیا) لذت میبرد و شیری از دیدن بغوان لذت میبرد. هر دو از دیدار یکدیگر سرشار از مسرت بیحد میشوند! مسرتی که در ماوراء لذات جسمانی است. بکت عاشق از دیدن بغوان سیر نمیشوند و گوئی که با چشمانشان زیبایی او را میبینند، با زبانشان او را میچشند، با گوش صدایش را میشنوند و با دستهایشان او را لمس میکنند.

بغوان قدرتهای بیشمار دارد و کسی نمیتواند همه آنها را بدرستی بشناسد. کارهای او شگفت انگیز هستند و فهمیدن کامل حتی یکی از آنها هم برای بزرگترین دانشمندان نیز دشوار است. جذابیت او آنچنان شگفت انگیز است که خود او هم شیفته خود میشود. عشق به بغوان آن مسرت پاکی را بانسان میدهد که پادشاهان، فیلسوفان و عالمان بزرگ بخاطر رسیدن بآن دنیا و همه چیز خود را ترک میکنند. عشقی که در ماوراء جسم است! بغوان خود را به آنها که باو ایمان ندارند نشان نمیدهد و خود را بتوسط مایا از آنها پنهان میکند و آنها او را بشکل یک انسان معمولی دیده می بینند.

کسیکه علم برهم یعنی ودانت را یاد میگیرد حقیقت را درمییابد و جهالتش دور میشود و میتواند خودش و پرماتما را بشناسد ولیکن نمیتواند بغوان را ببیند. دیدار بغوان زمانی امکان پذیر میشود که بغوان خودش پرده

یوگمایا را کنار بزند. یافتن علم و دور کردن جهالت در دست خود انسان است ولی دور کردن یوگمایا در دست انسان نیست.

پناه بردن به بغوان باین معنی است که انسان غرورش را ترک کند و با ایمان باینکه بغوان قادر متعال است همه چیز را به باو بسپارد. در پناه بغوان جهالت انسان دور میشود. بغوان به سادگی که باو ایمان دارد و صادقانه سرسپرده اوست لطف میکند و پرده یوگمایا را از روی خود برمیدارد و چهره زیبای خود را باو نشان میدهد.

عشق انسان به پرماتما باعث ظهور او بر روی زمین میشود. پرماتمای بی جسم و بی نام که در ماوراء طبیعت است برای دیدار مریدان خواهان خود بروی زمین میآید.

تولد پرماتما بر روی زمین آواتار Avatar نام دارد و یک تولد معمولی نیست. دلدادگانش او را بر روی زمین بغوان مینامند. بغوان چهره جذاب و دوست داشتنی خود را به عاشقان خود نشان میدهد. زیبایی بغوان ساختگی نیست یعنی زیبایی او بخاطر لباس و زیورآلات گرانبها نیست بلکه زیبایی حقیقی است. ثروت بیکران بغوان نیز مثل خود بغوان زیبا و فریبنده است و مردم دنیاپرست را مجذوب خود میکند.

بغوان شیری کریشنا آنچنان زیبایی خارق العاده ای دارد که با دیدن او مردم عام و خاص، عالمان و بیخردان، جاهلان و دانشمندان، افراد ترک دنیا کرده، شیاطین و حتی دشمنان بغوان هم شیفته او میشوند. پرماتما در ماوراء دنیای مادی است ولی بخاطر دلدادگانی که در آرزوی دیدارش هستند خود را بشکل جسمانی درمیآورد و بر روی زمین نازل میشود. آن پرماتما که تمام دریاها و کوهها در او هستند بشکل یک انسان و یا حیوان و غیره در میآید و بروی زمین میآید. در مقابل بغوان حتی عالمان بزرگ به ناچیز بودن علم خود اقرار میکنند و باو تعظیم میکنند. اسرار او را حتی عالمان کبیر، مهاتماها، ریشی ها، مونی ها، یوگی ها و ریاضتمندان هم نمیدانند و به نادانی و ناتوانی خود اقرار میکنند.

~~~~~

यदा यदा हि धर्मस्य ग्लानिर्भवति भारत।

अभ्युत्थानमधर्मस्य तदात्मानं सृजाम्यहम्॥७॥

**ترجمه:** ارجون! ای مرد هند! هر وقت که آسیبی به مذهب سناتن ودیک دهرم برسد و ظلم و بیعدالتی در دنیا افزایش پیدا کند آنموقع من بر روی زمین ظاهر میشوم.

**تفسیر:** آسیب رسیدن به مذهب بمعنای آسیب رسیدن به مردم درستکار، عابدان و ناتوانان میباشد. دلیل افزایش ظلم، بیعدالتی، خشم و گناه در دنیا تمایلات جسمانی، طمع و علاقه بیش از حد انسان به اشیاء میباشد. مذهب باستانی سناتن آریا درم "انجام وظیفه" را مذهب اصلی انسان دانسته و بآن اهمیت بسیاری داده است. در این مذهب اعتقاد بر این است که انسان با انجام وظایفش نه تنها به موفقیت و خوشیهای مادی دنیا میرسد بلکه رهایی از مایا و سعادت معنوی را نیز تجربه میکند.

### सनातन वैदिक आर्य धर्म Sanatan Vedic Arya Dharma

در زمانهای بسیار قدیم مردم زندگی ساده ای داشتند و فقط آنقدر که ضرورت زندگی ایجاب میکرد از اشیاء دنیا بهره برداری میکردند و بهمین دلیل زندگی سالم و آرامی داشتند. علاقه به تجملات و جمعآوری اشیاء زندگی انسان را دشوار میکند و زیبایی حقیقی زندگی را از بین میبرد. در این شرایط روز بروز بر طمع انسان افزوده میشود و دروغگوئی و ظلم در اجتماعات افزایش مییابد. محبت جزئی از ذات بشر است ولی هوسهای گوناگون باعث میشود که انسان ذات پاک خود را فراموش کند.



परित्राणाय साधूनां विनाशाय च दुष्कृताम्।

धर्मसंस्थापनार्थाय सम्भवामि युगे युगे॥८॥

**ترجمه:** من برای حمایت از سادوهای پارسا و درستکار، نجات مردم پاک سرشت و همچنین برای نابود کردن افراد شیطان صفت بر روی زمین می آیم. من در هر عصر و زمان برای برقرار داشتن و حمایت از مذهب انسانیت بر روی زمین ظاهر میشوم. من تاریکی جهالت را میبلم، بیعدالتی را نابود میکنم و بدکاران را به سزای اعمالشان میرسانم.

**تفسیر:** کسیکه ذات پاک و ساده دارد یک سادو است. سادو به کارهای خیریه و کمک بدیگران علاقمند است و زیانش به کسی نمیرسد.

سادو Sadhu साधु با عشق و ایمانی که به بغوان دارد دور از تجملات زندگی میکند و گرایی به عیش و عشرت و خوشگذرانی ندارد. سادو بغوان را تنها پناهگاه خود میداند. او با مسرت و شادمانی نام و صفات بغوان را همیشه بر زبان دارد و الهام بخش دیگران است. تنها هدف یک سادو زندگی در آرامش و مسرت است. علاقه به اشیاء فانی باعث بوجود آمدن هوسها میشود و هر قدر این علاقه بیشتر باشد صفات نیک در انسان کمتر میشود. سادو همه را محترم میشمارد و برای همه دعای خیر میکند. سادو به کسی بدبین نیست و خود را برتر از کسی نمیداند. او به معتقدات دیگران احترام میگذارد و کسی را وادار به قبول گفته ها و معتقدات خود نمیکند. آنها که به سادگی و درستکاری علاقمند هستند از روش زندگی سادوها سرمشق میگیرند.



### دعای آرامش و خوشی

باشد که همه رضایتمند و خوشنود باشند |  
 باشد که همه سلامت باشند |  
 باشد که همه پیروز و فرخنده باشند |  
 هیچکس درد و غم نداشته باشد ||  
 آرامش آرامش آرامش

### शान्ति पाठ

सर्वे भवन्तु सुखिनः।  
 सर्वे सन्तु निरामया।  
 सर्वे बदराणि पश्यन्तु।  
 माकश्चिद् दुख भागभवेत्॥  
 ॐ शान्तिः शान्तिः शान्तिः



जन्म कर्म च मे दिव्यमेवं यो वेत्ति तत्त्वतः।

त्यक्त्वा देहं पुनर्जन्म नैति मामेति सोऽर्जुन॥९॥

**ترجمه:** ای ارجون! اگرچه که من بشکل یک انسان متولد می‌شوم ولی تولد و کارهای من مافوق بشری میباشند. کسی که این حقیقت را در باره من درک میکند در همین دنیا موکشا را تجربه میکند و مثل من میشود.

**تفسیر:** بغوان فناناپذیر و عاری از هر گناه و صواب است. کارهای بغوان آنچنان پاک و عاری از ایراد است که شنیدن داستان زندگی او باعث پاکی درون انسان میشود. بغوان مردم را برای رسیدن به خوشی و موفقیت در دنیا راهنمایی میکند ولی بآنها میآموزد که هدف نهائی انسان در زندگی رسیدن به سعادت معنوی میباشد. با گوش کردن به کارهای خارق العاده بغوان و اندیشیدن در باره اخلاق و رفتار و کارهای خارق العاده اش انسان به سعادت معنوی میرسد. بغوان هیچ کمبودی ندارد و بهمین دلیل هیچ کار و وظیفه ای ندارد! ولی باز هم بر روی زمین میآید که مردم معتقد بخود را سرشار از مسرت کند و مردم جاهل را از خواب غفلت بیدار کند.

جهالت باعث میشود که انسان احساس کمبود میکند و تصور میکند که کمبودهایش با بدست آوردن اشیاء دنیا جبران خواهند شد و با کارهایش از پرماتما بیشتر دور میشود.

هیچ کاری برای همیشه نمیمانند و ثمره کارها هم که اشیاء دنیا هستند برای همیشه نمیمانند. جسم انسان از طریق فکر و حواسش با کارها و اشیاء دنیا در ارتباط است ولیکن روح انسان با کارها و اشیاء ارتباطی ندارد و در ماوراء آنها است. کسیکه این حقیقت را تجربه و احساس میکند تمام کارهایش پاک و بی ایراد میشوند.

انسان تصور میکند که پرماتما را هم میتواند با کارها و تلاش های خود بدست آورد. ولیکن این اشتباه است. زیرا کارهای انسان زودگذر و فانی هستند و نتیجه آنها هم فقط اشیاء زودگذر و "فانی" میباشند ولی پرماتما فناناپذیر و "باقی" است و فقط با قطع رابطه با کارها و اشیاء دنیا حاصل میشود.



वीतरागभयक्रोधा मन्मया मामुपाश्रिताः।

## ॥१०॥ बहवो ज्ञानतपसा पूता मद्भावमागताः

**ترجمه:** سادکهای بسیاری با علاقه و اتکاء بمن در حالیکه عاری از هرگونه هوس، ترس و خشم شده اند بتوسط ریاضتی بنام علم برهم ناخالصیهای درون خود را میسوزانند و پاک میشوند. عده بسیاری از این سادک ها این علم را بدرستی دریافته و مثل من شده اند.

**تفسیر:** کسیکه از پرماتما روی برمیگرداند به اشیاء دنیا دل نمبندد. با بدست آمدن چیز دلخواه در دل انسان "حس مالکیت" و "طمع" بوجود میآید و در صورت ناکامی در او احساس "خشم" بوجود میآید. در اثر خشم حس "انتقام" بوجود میآید و احساس ضعف در مقابل دشمن باعث "ترس" در انسان میشود. باین ترتیب علاقه به اشیاء دنیا باعث بوجود آمدن حس مالکیت، هوس، طمع، خشم، انتقام و ترس میشود!

انسان در کودکی با سنگ و تیلہ بازی میکند، بآنها علاقمند میشود، بخاطرشان با همبازیهایش جنگ و جدال میکند و برای جمعاوری بیشتر و بیشتر سنگ و تیلہ تلاشها میکند! هر کسی میگوید این مال من است و دعوا بر سر آنها ادامه پیدا میکند و باین ترتیب سنگ و تیلہ ها با ارزشترین چیزهای زندگی کودک میشوند. ولیکن وقتی که او بزرگتر میشود و به بی ارزش بودن آن سنگ و تیلہ ها پی میبرد دیگر بسویشان جلب نمیشود و بسوی چیزهای دیگر جلب میشود. همانطور هم وقتی که انسان متوجه پرماتما میشود و ارزش او را میفهمد مادیات دنیا در نظرش کم ارزش میشوند و علاقه به اشیاء و اموال و املاک را پشت سر میگذارد. بعضی ها با رسیدن باین مرحله آنچنان مجذوب پرماتما میشوند که همه چیز دنیا برایشان بی تفاوت میشود و مسرت زندگی را در جستجوی او می یابند. سادو همیشه بیاد پرماتما (ایشور) است و هر کارشان را بیاد او انجام میدهد.

انسان همیشه احتیاج بیک نقطه اتکاء دارد. جسم انسان متکی به طبیعت است و روحش متکی به روح متعال میباشد. پی بردن به این واقعیت که اشیاء فانی دنیا متعلق بما نیستند و برای لذت ما ساخته نشده اند یکنوع ریاضت علمی است، ریاضتی که بتوسط آن جسم و فکر انسان پاک میشود. در زمانهای قدیم نیز بسیاری از سادک ها بکمک ریاضت علمی تیرگی جهالت را زدوده و با افکار پاک به درک پرماتما رسیده اند.



ये यथा मां प्रपद्यन्ते तांस्तथैव भजाम्यहम्।

मम वर्त्मानुवर्तन्ते मनुष्याः पार्थ सर्वशः॥११॥

**ترجمه:** ای ارجون! من هر کسی را از هر راهی که بسوی من بیاید و از من کمک بخواهد میپذیرم. هر کسی از راه خود بسوی من میآید.

**تفسیر:** انسان در هر شرایطی با هر نیت و احساس اگر به بغوان پناه ببرد بغوان او را میپذیرد. بغوان سعی نمیکند کسی را عوض کند زیرا بغوان همه را همانطور که هستند دوست دارد.

در کتب ودا اینطور گفته شده است که پرماتما قبل خلقت این جهان تصمیم گرفت که شکل یکپارچهٔ نهان خود تبدیل باشکال متعدد کند و ظاهر شود و باین ترتیب این جهان پدید آمد. هرچه که در این جهان بی انتها دیده میشود، شنیده میشود و احساس میشود، کوچک و بزرگ، جاندار و بیجان، متحرک و بیحرکت همگی پرماتما هستند.

عشق به پرماتما و شوق دیدار او یک احساس عادی نیست و با تمایلات جسمانی و علاقه به اجسام مادی فرق دارد. این عشق بعد از هزاران سال زهد و پارسائی در قلب خواستارانش پدیدار میشود. بغوان میگوید: اگر مرا میجوئی باید از همه چیز دنیا بگذری! غرور و دلبستگی به منافع شخصی مثل دیوار بین انسان و بغوان قرار میگیرند و از رسیدن انسان به بغوان جلوگیری میکنند.

پرماتما به گناهان گذشتهٔ کسیکه باو پناه میآورد توجه نمیکند و او را با محبت میپذیرد. حتی علم برهم هم در مقابل این عشق پاک سر تعظیم فرود میآورد! بغوان توجهی به علم عاشقان خود ندارد. حتی عالمان کبیر هم در مقابل بغوان علم خود را فراموش میکنند. در این عشق پاک که در ماوراء ماده است ثروت، املاک، خاندان، زیبایی، جوانی، تحصیلات، مقام و شهرت کسی دلیل برتری او بر کسی نیست و در نظر بغوان همه یکسان میباشند.

این جهان بی انتها شکل ظاهر شدهٔ پرماتما است ولی همین جهان و اشیاء آن برای هرکسی آنطور که آن شخص تصور میکند دیده میشوند. انسان تصور میکند که اشیاء دنیا میتوانند به جسم او خوشی و آسایش بدهند و بدنبال آنها میروند. اگر انسان دنیا را همانطور که هست قبول کند و در اشیاء خوشیها را جستجو نکند میتواند بغوان را در همان اشیاء ببیند.



काङ्क्षन्तः कर्मणां सिद्धिं यजन्त इह देवताः।

क्षिप्रं हि मानुषे लोके सिद्धिर्भवति कर्मजा॥१२॥

**ترجمه:** انسان با کارها و تلاش خود به موفقیت میرسد. آنها که بدنبال منافع شخصی هستند خدایان را میستایند زیرا آنها معتقدند که با ستایش خدایان آنها زودتر و ثمرات بیشتری دریافت خواهند کرد.

**تفسیر:** پر ماتما مثل یک پدر است. یک پدر خیر و صلاح فرزندش را میخواهد و آن چیزی را که بصلاحش باشد باو میدهد و در مقابل از او چیزی نمیخواهد.

انسان بدون توجه باینکه چه چیزی بصلاحش است یا نیست با دعا و نذر و نیاز آنها را از خدایان میخواهد و با پیروی از روشهای نوشته شده در کتب ودا به خواسته هایش میرسد ولی به هدف اصلی ودا که رسیدن به پر ماتما است توجه نمیکند.

انسان در واقع با فعالیت و زحمات خودش و اعمال خیری که انجام میدهد به خواسته هایش میرسد نه با پرستش خدایان! پرستش خدایان و خوشنود کردن آنها در کتب ودا توصیه شده است زیرا پرستش خدایان بانسان صبر، امید و اتکاء به نفس میدهد.

عالمان و پارسیان رسیدن به اشیاء دنیا را موفقیت مهمی نمیدانند بلکه آنها معتقدند که موفقیت اصلی در زندگی رسیدن به درک پر ماتما میباشد.

~~~~~

चातुर्वर्ण्यं मया सृष्टं गुणकर्मविभागशः।

तस्य कर्तारमपि मां विद्ध्यकर्तामव्ययम्॥१३॥

न मां कर्माणि लिम्पन्ति न मे कर्मफले स्पृहा।

इति मां योऽभिजानाति कर्मभिर्न स बध्यते॥१४॥

ترجمه: چهار طبقه اجتماعی و وظایف آنها را من معین کرده ام. اینرا بدان که علیرغم اینکه من تمام کارهای دنیا را انجام میدهم ثمرات آنها مرا در قید خود نگاه نمیدارند. همه چیز این جهان متعلق بمن است و من از هر چیزی بی نیازم! کسیکه این حقایق را میدانند او هم مثل من در قید کارها و ثمراتشان نمیماند.

تفسیر: انسان با سه طبع آرام، فعال و سست متولد میشود. شدت و ضعف هر یک از این سه طبع در هر کس بستگی به اعمال خوب و بد گذشته او دارد. بر پایه همین سه طبع است که چهار طبقه اجتماعی بنامهای برهمن، کشاتریا، وایشیا و شودرا درست شده اند. طبقه برهمن شامل علمای فلسفی و معلمان میباشد. طبقه کشاتریا شامل سربازان و نگهبانان کشور میباشد. طبقه وایشیا شامل کشاورزان و کاسبان میباشد. طبقه شودرا شامل کارمندان و خدمتکاران میباشد. هر طبقه ای ارزش خاص خود را دارد و مردم هیچ طبقه ای بر طبقه دیگر برتری ندارند و هیچ طبقه ای کم ارزشتر از طبقه دیگر نیست.

یادگیری علم برهم دشوار است زیرا برای فهم و درک صحیح این علم سادک باید دارای افکار آرام باشد. برای یافتن افکار آرام سادک باید زهد و پرهیزکاری و درستکاری را در پیش بگیرد. هر کسی از هر طبقه اجتماعی با درستکاری، راستگویی، زهد و دوری از هوسها میتواند قابلیت یادگیری علم برهم را پیدا کند.

پرماتما این جهان و موجودات جاندار و بیجان را از وجود خودش میسازد ولیکن خودش همانطور که هست در ماوراء آنها میماند. انسان هم که جزئی از پرماتما است اگر جسم خود و چیزهای مادی دیگری را که در این دنیا باو داده شده اند متعلق بخود نداند و بداند که اینها را از این دنیا حاصل کرده و همه چیز متعلق به دنیا میباشد این حقیقت را تجربه میکند که او نیز فناپذیر و در ماوراء ماده است.

در این دنیا هر چیزی ثمره یک "کار" است. هر چیزی یکروز درست میشود و یکروز از بین میرود. بغوان میگوید که تو نباید از کارهاییکه انجام میدهی توقع خاصی داشته باشی بلکه باید هر چه بتو داده میشود با رضایت بپذیری! زیرا فقط در اینصورت است که گرفتار کارهای جدید نخواهی شد. کسی که از کارهایی که میکند توقعی ندارد خوشیها و غمهای حاصله از آن کارها را نیز احساس نمیکند و از قید غمها و خوشیها رها میشود. باید توجه داشت که هیچکس در این دنیا نمیتواند فقط خوشی خالص داشته باشد و هر جا که خوشی هست غم هم هست! بهمین دلیل عالمان و اندیشمندان معتقدند که اگر غم نمیخواهی بدنبال خوشی نباش!

تا زمانی که چشم انسان بدنبال اشیاء دنیا است نمیتواند حقیقت را بفهمد و بغوان را بشناسد بلکه فقط بعد از تمام شدن خواسته ها است که درون انسان

پاک میشود و چشم انسان خود بخود بسوی بغوان منعطف میشود. بغوان به کسیکه صادقانه در راه رسیدن باو قدم میگذارند از همان قدم اول کمک میکند و تا بمقصد او را هدایت میکند.

~~~~~

एवं ज्ञात्वा कृतं कर्म पूर्वैरपि मुमुक्षुभिः।

कुरु कर्मैव तस्मात्त्वं पूर्वैः पूर्वतरं कृतम्॥१५॥

**ترجمه:** در زمانهای گذشته کسانی که علاقمند به تکمیل اعمال گذشته و رهایی از کارها و اشیاء غیرضروری دنیا بودند و هدف اصلی شان در زندگی رسیدن به موکشا بوده با یادگیری اسرار کارما یوگا بوظایف خود عمل کرده و باین هدف رسیده اند. بهمین دلیل تو هم مثل اجداد خود از اصول این روش استفاده کن و یک کارما یوگی باش.

**تفسیر:** عده ای از کسانی که علاقمند به موکشا هستند بدون اینکه آمادگی داشته باشند به تحصیل ودانت (علم برهم) میپردازند. آنها برای اینکار تمام اشیاء و کارهایشان را بطور ظاهری ترک میکنند و به تحصیل علم میپردازند. شیری کریشنا معتقد است که سادک باید در ابتداء با انجام دادن وظایفش از اعمال رها شود تا بتواند حقیقتاً اشیاء و کارها را ترک کند و قادر به یادگیری علم برهم شود. یادگیری علم ودانت بسیار دشوار و مستلزم افکار آرام میباشد.

ارجون به سعادت معنوی علاقمند است ولی تصور میکند که با جنگیدن دچار اشتباه بزرگی شده و از هدفش دور خواهد شد ولی شیری کریشنا باو میگوید که انسان حتی در بدترین شرایط زندگی هم نباید وظیفه اش را ترک کند. کریشنا میگوید که بدون توجه به دوست و دشمن، بدون توجه به سود و زیان و حتی بدون توجه به پیروزی و شکست فقط وظیفه ات را انجام بده. وظیفه انسان هر چه که باشد انجام دادن آن بهترین راه موفقیت در هر دو جهان است.

~~~~~

किं कर्म किमकर्मेति कवयोऽप्यत्र मोहिताः।

तते कर्म प्रवक्ष्यामि यज्ज्ञात्वा मोक्षयसेऽशुभात्॥१६॥

ترجمه: عمل چیست؟ رهائی از عمل یعنی چه؟ فهمیدن این موضوع دشوار است و حتی بعضی از عالمان بزرگ نیز در درک آن سردرگم میشوند. تو با یادگرفتن اصولی که بتو میگویم از قید دنیا رها خواهی شد.

تفسیر: مردم معمولاً کارهائیرا که با جسم و حواس خود انجام میدهند "عمل" مینامند و تصور میکنند که با ترک کارها از عمل رها خواهند شد. اگر انسان کاری را بمنظور بدست آوردن منافع خودش انجام بدهد آن کار تبدیل به "عمل" (Karma कर्म) میشود و آن عمل او را به انجام دادن کار دیگری وادار میکند ولی اگر او فقط وظیفه اش را انجام بدهد و بفکر منافع خود نباشد از آن کار هیچ عمل دیگری برایش بوجود نخواهد آمد و در نتیجه کارها و وظایفش بتدریج تمام میشوند.

چیزیکه انسان را وادار به کار کردن میکند اعمال گذشته او میباشد و تا زمانی که تمام اعمالش تکمیل نشوند او نمیتواند از کار و فعالیت دست بردارد. بنابراین صرفاً با ترک کارها اعمال انسان تمام نمیشوند! در اینجا باید یادآوری کنیم که منظور از "نخواستن ثمره" رد کردن یا دور انداختن ثمرات کار نیست بلکه این است که سادک هرچه را که در ازای کارش باو داده میشود با رضایت قبول کند! همین باعث آرامش افکار سادک میشود.

"عمل" باعث علاقه انسان به دنیا و تمایلات جسمانی میشود و "رهائی از عمل" باعث علاقه انسان به پرماتما و میل به رسیدن باو میشود. هر احساسی جسمانی است! حتی میل به رسیدن به پرماتما هم یک میل جسمانی است زیرا اگر جسمانی نبود انسان آنرا احساس نمیکرد. در حقیقت پرماتما علیرغم اینکه در ماوراء ماده است در هر چیز و هر جا هست! او در درون و در بیرون از انسان هست و تنها چیزیکه انسان را از او دور نگاهمیدارد ارتباط دائم انسان با کارها و اشیاء دنیا میباشد. تا زمانی که در انسان غرور هست و خود را کننده کارها و مالک نتیجه کارها میداند با این دنیا و کارها در ارتباط خواهد بود. سادک کارما یوگی خود را مالک چیزی نمیداند و همین طرز فکر او را از کارها رها کرده و تا رسیدن به موکشا هدایت میکند.



कर्मणो ह्यपि बोद्धव्यं बोद्धव्यं च विकर्मणः।

अकर्मणश्च बोद्धव्यं गहना कर्मणो गतिः॥१७॥

ترجمه: فهمیدن صحیح این سه موضوع عمل، رها از عمل و عمل منع شده دشوار است و آنها را باید بدرستی شناخت.

تفسیر: از هر کار خوب و بدی که انسان میکند چه بخواهد و چه نخواهد باو ثمره ای داده میشود ولیکن اگر کسی کارها را بعنوان یک وظیفه انجام بدهد و توقعی نداشته باشد هر چه را که باو داده میشود با رضایت قبول کند فکرش همیشه آرام خواهد بود.

سادک خردمند خود را مالک چیزی نمیداند و وظیفه اش را تا حد امکان بدرستی انجام میدهد و نتیجه آنرا به پرماثما میسپارد! او خود را مسئول حوادث زندگی نمیداند و به خوشیها و غمهای زندگی اجازه نمیدهد که افکارش را پریشان و ناآرام بسازند و زندگی ساده ای را در آرامش میگذراند.



कर्मण्यकर्म यः पश्येदकर्मणि च कर्म यः।

स बुद्धिमान्मनुष्येषु स युक्तः कृत्स्नकर्मकृत्॥१८॥

ترجمه: کسی که میداند که از کارها اعمال تولید میشوند و وظایفش را با هوشیاری انجام میدهد تا از تولید "عمل" جلوگیری کند خردمندترین انسان است. او یک یوگی است. او در این دنیا به موفقیتهای مادی و در آخرت به سعادت معنوی میرسد.

تفسیر: تا زمانی که انسان به اشیاء دنیا علاقمند است نمیتواند از کار کردن اجتناب کند و بیکار بنشیند! سادک کارما یوگی حتی با داشتن ملک و دارائی و مقام و شهرت نیز بآنها دل نمیبندد و از قید کارها رها میشود.

هدف سادک کارما یوگی از هر کاری کمک بدیگران است و برای خودش چیزی نمیخواهد. کسیکه برای خود چیزی میخواهد مسلماً هنوز هوسهایش تمام نشده اند و نمیتواند یک یوگی باشد. جدا شدن از کار و اشیاء دنیا و دل نبستن بآنها کار آسانی نیست و بهمین دلیل بغوان شیرین کریشنا اینگونه افراد را "خردمند" نامیده است.

برای یک یوگی شکست و پیروزی برابر است و در هر دو حال آرامش خود را حفظ میکند! او فرقی بین خود و دیگران نمی بیند و میداند که شکست او بمعنای پیروزی دیگری است. کسیکه روش کارما یوگی را در پیش میگیرد هوسهای زودگذر را یکی یکی ترک میکند و ارتباط او با اشیاء فانی دنیا قطع میشود و او ارتباط دائم خود با پرماٲما را تجربه میکند. تازمانیکه انسان در آرزوی حاصل کردن اشیاء دنیا است نمیتواند کار کردن را ترک کند.



यस्य सर्वे समारम्भा कामसङ्कल्पवर्जिताः।

ज्ञानाग्निदग्धकर्माणं तमाहुः पण्डितं बुधाः॥१९॥

ترجمه: کسیکه تصمیم به آغاز کاری نمیگیرد، آنکه هیچکاری را بمنظور حاصل کردن منافع شخصی نمیکند و آنکه هوسهایش را در آتش علم برهم سوزانده است به آنچنان درجه ای از علم و ایمان میرسد که حتی عالمان بزرگ هم او را پاندیت خطاب میکنند Pundit पण्डित.

تفسیر: عقل انسان بطور مداوم در حال تصمیم گرفتن است. عقل انسان هر تصمیم کوچک و بزرگ را با در نظر گرفتن منافع خود میگیرد و هر چه که باعث خوشی و آسایش جسم خودش باشد انتخاب میکند و بقیه را رد میکند و هوس حاصل کردن آن چیز در قلب او ایجاد میشود. تخم تمام کارهای دنیا هوس است.

انسان از طریق حواس پنجگانه اش با اشیاء و کارهای دنیای مادی ارتباط حاصل میکند و بآنها علاقمند و وابسته میشود ولی روح انسان در ماوراء همه چیز است و ارتباطی با اشیاء و کارهای دنیا ندارد. با تحصیل علم ودانت سادک این حقیقت را درمییابد که تمام کارها موقتی هستند!

کسی که همه کارها و اشیاء دنیا را ترک کرده و دور از اجتماع مردم برای رسیدن به پرماٲما ریاضت میکشد بآسانی شناخته میشود ولیکن کسی که در بین خانواده زندگی میکند و بدون وابستگی به دنیا، بدون تظاهر و تکبر وظایفش را انجام میدهد و در آرزوی رسیدن به پرماٲما به همه خدمت میکند در ظاهر شناخته نمیشود! فقط اشخاص کمیابی که خودشان هم همین خصوصیات را دارند قادر به شناختن آنها هستند. و قتیکه سادک درک میکند

که او با هیچ چیز و هیچ کار این دنیا ارتباطی ندارد و احساس میکند که از آنها جداست. آنموقع همانطور که در طبیعت همه کارها خود بخود انجام میگیرند کارهای او نیز بآسانی انجام میگیرند! گوئی دست طبیعت از این یوگی نگهداری میکند. هر اتفاقی که مطابق سرنوشت باید پیش بیاید برایش پیش میآید و تمام میشود بدون اینکه بر او تأثیر خوشآیند یا ناخوشایندی داشته باشد.

در زمان حاضر هم مردان پاک بسیاری هستند که در ضمن انجام وظایف خانه و خانواده خود با پیروی از اصول پاک اخلاقی به فامیل و جامعه خدمت میکنند و در مقابل خدماتشان توقعی از کسی ندارند. آنها معتقدند که آنچه که در حق آنها است بآنها داده خواهد شد و چیزی را با اصرار و پافشاری و با نذر و دعا نمیطلبند. این مردان یوگی زندگی را در آرامش و مسرت بسر میبرند و سرمشقهای ذیقیمتی برای دیگران هستند.



त्यक्त्वा करमफलासङ्गं नित्यतृप्तो निराश्रयः।

कर्मण्यभिप्रवृत्तोऽपि नैव किञ्चित्करोति सः॥२०॥

ترجمه: کسی که حس مالکیت را ترک کرده و به اشیاء دنیا بیعلاقه شده ولی با پشتکار فراوان بکار خود ادامه میدهد از قید کار آزاد است.

تفسیر: علیرغم اینکه انسان جسماً و فکرأً با کارها و نتایج آنها که اشیاء دنیا هستند در ارتباط است روحش ربطی به هیچیک از آنها ندارد. کسیکه این حقیقت را دانسته به خوشیها و غمهایی که از اشیاء دنیا حاصل میشوند اجازه نمیدهد که آرامش افکارش را بهم بزنند. آرامش درون که با ارزشترین دارائی انسان است از سوی پرماتما بانسان داده شده و همان روح انسان است. یوگی آرامش درون خود را همیشه احساس میکند و آنرا با هیچیک از خوشی های دنیا عوض نمیکند.

یوگی، این شخصیت با ذکاوت در هر زمان، هر مکان و هر شرایطی راضی است و در مسرت بسر میبرد! او خود را از دنیا و مردم دنیا بی نیاز میداند و بدست آوردن و یا از دست دادن چیزی او را خوشحال یا ناراحت نمیسازد!



निराशीर्यतचित्तात्मा त्यक्तसर्वपरिग्रहः।

शारीरं केवलं कर्म कुर्वन्नाप्नोति किल्बिषम्॥२१॥

ترجمه: کسی که حواس و افکار و احساساتش تحت اختیار خودش میباشند، کسی که جمعآوری اموال و اشیاء را ترک کرده و هوسی ندارد علیرغم اینکه به کارهای خود ادامه میدهد هرگز مرتکب گناه نمیشود.

تفسیر: سادک کارما یوگی وظایفش را بدون هیچ توقعی انجام میدهد و هرچه را که عایدش میشود با رضایت قبول میکند و باین ترتیب کارها و اشیاء دنیا خود بخود او را ترک میکنند و علاقه اش به جمعآوری اموال و اشیاء تمام میشود. شخص کارما یوگی هم مثل دیگران بوقت ضرورت از اشیاء دنیا استفاده میکند ولی به آنها دل نمیبندد و آنها را مال خود نمیداند و اجازه نمیدهد که آن اشیاء افکارش را بخود مشغول کنند. سادک کارما یوگی حتی بعد از رسیدن به مرحله سنیاس نیز که مرحله ترک کار و اشیاء دنیا میباشد از تنبلی و سستی پرهیز میکند. او هر کاری که برای کمک بدیگران از دستش برآید انجام میدهد بدون اینکه به چیزی دلبستگی پیدا کند! مرد سنیاسی از انجام دادن کارهاییکه باو مربوط نیستند اجتناب میکند.



यदृच्छालाभसन्तुष्टो द्वन्द्वातीतो विमत्सरः।

समः सिद्धावसिद्धौ च कृत्वापि न निबध्यते॥२२॥

ترجمه: سادک کارما یوگی با هر چه دارد و هر چه که باو داده شود راضی است. او نسبت بکسی احساس حسادت نمیکند، با کسی بخاطر منفعت خودش دوستی نمیکند، برایش شکست و پیروزی برابر است و برایش خودی و بیگانه یکسان هستند. این سادک در قید هیچ کاری نیمبند و به کسی وابسته نمیشود.

تفسیر: سادک کارما یوگی کارهای خوب خود و خطاهای دیگران را بخاطر نمیسپارد. او به هیچ چیز و هیچ کس و هیچ کاری وابسته نمیشود. اتفاقات خوشایند و ناخوشایند، منفعت و زیان، ستایش و بدگوئی، شکست و

پیروزی همگی برایش یکسان هستند زیرا او هر چیزی را خوب و مفید میداند و در هر شرایطی راضی است.

سادک کارما یوگی همیشه آرام است و راز آرامش او این است که او از کسی توقعی ندارد. او میداند که هر چه دارد مدیون این دنیا و دیگران است و معتقد است که باید دین خود را با خدمت بآنها ادا کند. او همیشه شکرگزار است، همه را محترم میشمارد و با فروتنی به همه خدمت میکند. او نه تنها به انسانها بلکه به حیوانات، درختان، آب، هوا، زمین، خاک، آتش و تمام مخلوقات احترام میگذارد و آنها را قلباً ستایش میکند و از کسی یا چیزی شکایت نمیکند.

سادک در شرایط دشوار زندگی دستخوش نگرانی میشود ولیکن بزودی آرامش خود را باز مییابد. او به کسی بدبین نمیشود و هر کس را همانطور که هست قبول میکند و در صدد تحمیل عقیده خود به دیگران برنمیآید. او معتقد است که "هیچ چیز متعلق باو نیست"، "از کسی توقعی ندارد" و "برای نفع خود کاری نمیکند"! کسی که باین سه اصل اعتقاد دارد و آنرا در زندگی بکار میبرد فواید این اصول را تجربه میکند.

در حقیقت آن پرماتمائی که انسان در جستجویش است در درون خودش نهفته است و همین شکل حقیقی او است ولیکن انسان این شکل حقیقی آرام خود را نمیشناسد.



गतसङ्गस्य मुक्तस्य ज्ञानावस्थितचेतसः।

यज्ञायाचरतः कर्म समग्रं प्रविलीयते ॥२३॥

ترجمه: کسیکه وابستگی به این و آن و وابستگی به هر چیز دنیا را برای همیشه ترک کرده و به موکشا رسیده است، آنکه هر کاری را فقط بعنوان یک قربانی و بدون توقعی انجام میدهد کارهایش کامل میشوند و وظیفه ای برایش باقی نمیماند.

تفسیر: هر کاری فقط آنموقع "کامل" میشود که از آن کار دیگری تولید نشود یعنی از آن یک "عمل" (کارما Karma) تولید نشود. تازمانیکه کارهای انسان کامل نشوند او قادر به ترک کارها نخواهد بود.

سادک بدون تمام کردن اعمالش همیشه گرفتار کارها میماند و یادگیری علم برهم برایش دشوار خواهد بود.

انسان در واقع فقط قادر به کسب اطلاعات در باره جهان و اجسام مادی است! برهم یک جسم مادی نیست و نمیتوان در باره اش علمی کسب کرد! چطور میتوان برهم را شناخت؟ برهم خودش مظهر علم است. دنیا از کارها و اشیاء دنیا ساخته شده است! دنیا جدا و برهم جدا است. کارها و اشیاء دنیا خود بخود وجود ندارند و خود بخود روشن نیستند ولی روح خودش خود بخود هست و خود بخود روشن است و روشنی بخش تمام جهان است. کارها و اشیاء دنیا ساخته طبیعت میباشند! کارها در یک زمان شروع میشوند و در زمان دیگری تمام میشوند. اشیاء هم در یک زمان بوجود میآیند و بعد از مدتی از بین میروند. اینها قبلاً نبودند و بعداً هم نخواهد بود و بنابراین وجود فعلی شان هم موقتی است ولیکن علم برهم فناپذیر است و آغاز و پایان ندارد.

روح انسان شامل نور علم، حقیقت و مسرت جاودان است و برای احساس خوشی نیازی به اشیاء دنیا ندارد! فقط جسم انسان است که خوشی را احساس میکند و بآن وابسته است! خوشی و غم بزندگی همه میآیند و میروند و بزندگی یک سادک هم میآیند ولی سادک به آنها توجه نمیکند و نور علم را که منبع مسرت درون خودش است تجربه میکند.

وقتیکه انسان بچیزی دل میبندد بآن چیز وابسته میشود و تصور میکند که بدون آن قادر بزندگی نخواهد بود! سادک کارمایوگی به چیزی بیشتر از ضرورت توجه نمیکند و وابستگی به املاک و ثروت و اقوام خود را ترک میکند و بمقام "یوگی" میرسد.



ब्रह्मार्पणं ब्रह्म हविर्ब्रह्माग्नौ ब्रह्मणा हुतम्।

ब्रह्मैव तेन गन्तव्यं ब्रह्मकर्मसमाधिना॥२४॥

ترجمه: تمام چیزهائی که در مراسم پرستش آتش بکار میروند از قبیل آتشدان، هیزم و مواد غذائی مناسبی که بدرون آتش ریخته میشود (کره خالص، جو، چوب، برنج، ...)، ملاقه و ظروفی که برای اینکار از آنها استفاده میشود و حتی کسیکه این مراسم را انجام میدهد نیز برهم یگانه است. ثمراتی که بعد از انجام این مراسم حاصل میشوند نیز برهم میباشند.

تفسیر: اکثر مردم معمولاً بمنظور رسیدن به آرزوهایشان خدایان و آتش مقدس را میپرستند ولی در حقیقت هدف نهائی از برگزاری این مراسم باید حفظ آتش مقدس و حفظ آئین آتش پرستی و خاتمه بخشیدن به "اعمال" شخص خود باشد. کسیکه فقط بمنظور حفظ آتش مقدس و حفظ آئین آتش پرستی این مراسم را انجام میدهد و در ازای آن چیزی از بغوان نمیخواهد تمام گناهان گذشته اش از بین میروند و او از قید کارها رها میشود. دنیا از کارها و نتایج آنها که اشیاء مادی هستند ساخته شده است. هیچ چیزی در این دنیا حتی برای یک لحظه هم بیک شکل نمیماند. تمام کارها و اشیاء دنیا دائماً در حال تغیر و دگرگونی میباشند و بسوی تکامل و نابودی و تولد مجدد میروند. برهم یگانه کامل و بیحرکت است و بهمین دلیل در او هیچ تغیر یا دگرگونی اتفاق نمیافتد. او نه بدنیا میآید و نه از دنیا میرود. هر کاری که بدون غرور، با فروتنی و بدون در نظر گرفتن منافع شخص خود انجام داده شود یک قربانی است و یکنوع پرستش آتش مقدس محسوب میشود.

در حقیقت هر شیئی این دنیا توده ای از کار است. تمام کارها بسوی فنا میروند و این دنیا هم که از کارها و اشیاء ساخته شده است نیز فانی است و دائماً بسوی فنا و تولد مجدد میرود. فقط برهم یگانه است که عاری از حرکت است و تغیر نمیکند! وجود او حقیقی، ابدی و فناپذیر است. این دنیا از برهم بوجود آمده و از نور او روشن است یعنی بدون برهم هیچ چیز وجود مستقل ندارد. همه چیز برهم است. (7-19) **वासुदेवः सर्वम्** (गीता)



दैवमेवापरे यज्ञं योगिनः पर्युपासते।

ब्रह्माग्नावपरे यज्ञं यज्ञेनैवोपजुहवति॥२५॥

ترجمه: عده ای از سادک ها روش کارما یوگا را در پیش میگیرند. هر کاری که یک سادک کارما یوگی انجام میدهد بمنزلۀ پرستش آتش مقدس است و همانقدر پاک و پاک کننده میباشد. عده ای دیگر از سادک ها روش کسب علم برهم را در پیش میگیرند و جهالت خود را به آتش مقدس علم اهداء میکنند.

تفسیر: سادک کارما یوگی ناخالصیهای وجودش را یعنی غرور، شهوت، هوس، خشم و غیره را در آتش مقدس انجام وظیفه میسوزاند. او هر کاری را در راه بغوان انجام میدهد بدون اینکه چیزی از کسی بخواهد و در ازای کارش هر چه باو داده شود با رضایت خاطر قبول میکند. سادک از طریق روشی که گفته شد دین خود را به دنیا و مردم دنیا ادا میکند و با تکمیل اعمالش و پایان یافتن وظایفش کاری برایش باقی نمیماند و این حقیقت را درمییابد که همه چیز برهم است و چیزی بجز برهم در جهان وجود ندارد. سادک کارما یوگی از طریق انجام وظایفش به همان نوع موکشا میرسد که یک سادک گیان یوگی از طریق کسب علم برهم میرسد. نتیجه زحمات هردوی این یوگی ها در نهایت یکی میباشد و اهمیت هر دوی این روشها نیز یکی است.



श्रोत्रादीनीन्द्रियाण्यन्ये संयमाग्निषु जुहवति।

शब्दादीन्विषयानन्य इन्द्रियाग्निषु जुहवति॥२६॥

ترجمه: گروه دیگری از یوگی ها پنج حواس دراکه خود را یعنی حس شنوائی، بینائی، بویائی، لامسه و چشائی را در آتش پرهیز میسوزانند و اشیاء مورد پسند این حواس را یعنی صوت، رنگ، بو، لمس و مزه را در آتش بی تفاوتی میسوزانند و از هوسها رها میشوند.

تفسیر: هوس بزرگترین دشمن سادک است و سادک باید از آن دوری کند. خودداری از هوس یکنوع آتش است. پرهیز از هوس باعث میشود که علاقه به اشیاء دنیا بتدریج از بین برود.



सर्वाणीन्द्रियकर्माणि प्राणकर्माणि चापरे।

आत्मसंयमयोगाग्नौ जुहवति ज्ञानदीपिते॥२७॥

ترجمه: گروهی دیگر از یوگی ها پنج حواس فعال خود را یعنی دست، پا، زبان، معقد و آلت تناسلی خود را از هر نوع فعالیت باز میدارند و این فعالیتها را در نور علم و در آتش سمادی میسوزانند.

تفسیر: سمادی نیز یکنوع آتش مقدس است. بعضی از یوگی ها فعالیت همه ده حواس خود را که شامل پنج حس دراکه و پنج حس فعالیت کننده است در آتش سمادی میسوزانند یعنی آنها را از فعالیت باز میدارند. در حالت سمادی مغز، قلب و ده حواس انسان از فعالیت بازمی ایستند و یوگی کاملاً آرام میشود. در این حالت حتی نفسهای یوگی هم خود بخود قطع میشوند و او میتواند ساعتها بدون نفس کشیدن زنده بماند.

اگرچه که حالت سمادی در ظاهر مثل حالت خواب بنظر میآید ولی در حقیقت ایندو با هم تفاوت دارند. در حالت سمادی شخص یوگی وجود ایشور را در همه جا و همه چیز میبیند ولی در حالت خواب انسان هنوز هم با دنیا در ارتباط است و ایشور را نمیبیند. سمادی شباهت بسیاری به خواب عمیق دارد! در حالت سمادی یوگی همه چیز را میبیند و میداند که ایشور از خودش جدا نیست.

یادگیری علم برهم بمعنای دانستن "حقیقت ابدی" است! علم برهم همان نور ابدی است! یوگی این نور را در همه چیز و همه جا میبیند. در حالت سمادی جسم انسان کاملاً از فعالیت باز میایستد یعنی حواس پنجگانه اش هیچ چیزی را احساس نمیکند! بهمین دلیل خوابیدن بمعنای سمادی نیست. در حالت سمادی جسم و فکر و تنفس یوگی از فعالیت باز میایستد و یوگی در نور علم با پرماتما یکی میشود و برای مدت کوتاهی در آن حالت میماند.



द्रव्ययज्ञास्तपोयज्ञा योगयज्ञास्तथापरे।

स्वध्यायज्ञानयज्ञाश्च यतयः संशितव्रताः॥२८॥

ترجمه: بعضی از سادک ها روزه های دشواری میگیرند و بعضی دیگر قربانیهای دشواری را متحمل میشوند. بعضی به ریاضت میپردازند، به زیارتگاه میروند و بعضی دیگر به تمرینات دشوار بدنی یوگا میپردازند و بعضی دیگر از سادک ها به تحصیل علم ودانت میپردازند و در این راه قربانی های بسیاری میدهند.

تفسیر: صلحجویی، راستگوئی، درستکاری، پرهیز از خواسته های جسمانی و رعایت عدالت پنج اصل زهد و پرهیزکاری میباشد. پیروی

از این پنج اصول بهترین ریاضت و بهترین نوع روزه میباشند. اگر کسی هزاران بار روزه بگیرد، به زیارت برود، خدایان را بپرستد و قربانی های بسیاری بدهد ولی از این پنج اصل پیروی نکند تمام آنها بیفایده خواهند بود. در کتب شاسترا این پنج اصول ریاضت ستوده شده اند. سکوت، فروتنی، اجتناب از تظاهر و کمک به مردم بی بضاعت نیز نوع دیگری از ریاضت میباشند. ولیکن بزرگترین ریاضت این است که انسان وظیفه خودش را حتی اگر بسیار دشوار باشد در سخت ترین شرایط هم با رضایت انجام بدهد بدون اینکه شکایتی بکند و بدون اینکه از کاریکه میکند تعریف کند.

صبورری، تحمل مشکلات و پذیرفتن شرایط بد زندگی نیز یک نوع ریاضت است. خواندن شاسترا و تحصیل و تعلیم کتب مقدس از قبیل گیتا، رامایان، مهابهارت و اوپانیشاد ریاضتهای عالمانه میباشند. درک صحیح و کامل علم ودانت صرفاً با خواندن کتب ذکر شده امکان ندارد و هیچیک از ریاضت هایی که در بالا ذکر شدند بدون ایمان و اعتقاد به ایشور و بدون پیروی از یک گورو و خدمت به او به نتیجه نخواهند رسید.

یافتن یک گورو و استاد قابل دشوار است. بعضی از اشخاص زیرک ظاهر خود را بشکل مردان عالم درمیآورند و به کسب مال میپردازند. کسیکه باموال و اشیاء دنیا دلبسته است، کسیکه به زن و زیور و اجسام مادی دنیا علاقه دارد و کسیکه بر هوسهایش غلبه نیافته است نمیتواند یک گورو باشد. یک گوروی عالم قابل از راه تعلیم علم امرار معاش نمیکند و علم خود را در اختیار شاگرد با انضباط و جدی که آمادگی و قابلیت درک این علم را دارد میگذارد!

همانطور که یک دختر جوان برای یافتن شوهر خوب صفات و محسنات خوب را در خود پرورش میدهد سادک هم برای یافتن گوروی قابل صفات نیک را در خود پرورش میدهد. خدمت به پدر و مادر، زن یا شوهر و فرزندان، و انجام وظایف خود باعث پرورش محسنات عالی در انسان میشوند. پدر و مادر خدای روی زمین هستند و خدمت بآنها باعث پیشرفت انسان در هر زمینه مادی و معنوی میشود. قبل از انتخاب گورو باید تا اندازه ای او را بشناسیم و علم، ایمان و اعمال او را معیار انتخاب خود قرار بدهیم. گورو گل خوشبوئی است که پروانه بسویش جلب میشود!



अपाने जुहवति प्राणं प्राणेऽपानं तथापरे।

प्राणापानगती रुद्ध्वा प्राणायामपरायणाः ॥२९॥

अपरे नियताहाराः प्राणान्प्राणेषु जुहवति।

सर्वेऽप्येते यज्ञविदो यज्ञक्षपितकल्मषाः ॥३०॥

ترجمه: سادک برای پاکی درون و سلامتی جسم خود غذائی را میخورد که در شاسترا توصیه شده و با پرهیز از خوردن و نوشیدن اغذیه منع شده گناهان خود را میسوزانند. بعضی از سادک ها با پیروی از اصول صحیح یوگا به تمرینات تنفس بنام پرانایام pranayam میپردازند! فکر انسان با نفسهایش ارتباط مستقیم دارد و هر قدر نفسهای انسان آرام باشند افکارش هم آرامتر میشوند.

تفسیر: اگر تمرینات پرانایام بدرستی و بطور مرتب انجام داده شود بسیاری از بیماریهای جسمانی و ناراحتی های مربوط به اعصاب را معالجه میکند. هر کسی چه پیر و چه جوان، چه سالم و چه بیمار! هر کسی میتواند تمرین پرانایام را انجام بدهد. این تمرینات هیچگونه عوارض جانبی ندارند. کسی که غذای سالم و باندازه مناسب میخورد از فواید پرانایم بیشتر بهره مند میشود. پرخوری یا کم خوری، زیاد خوابیدن یا کم خوابی، دیر خوابیدن و دیر بیدار شدن از خواب برای سلامتی مضر است و سادک باید در هر موردی حد تعادل را حفظ کند. ریاضتها و قربانیهای ذکر شده در کتب شاسترا بمنظور ایجاد تعادل افکار و احساسات و سلامتی جسم انسان توصیه شده اند. تمرینات پرانایام باید بر روی زمین و در حال نشسته انجام داده شوند و در آغاز از تعداد کم شروع شود و در صورت امکان بتدریج به طول مدت آن افزوده شود.

کسیکه برای ظاهر سازی و خودنمایی، کسب شهرت و منافع مادی پرانایام میکند در جهل بسر میبرد و نتیجه دلخواهی از آن حاصل نمیکند. بوقت پرستش آتش مواد مختلفی بدرون آتش ریخته میشوند که اشکال و خواص مختلفی دارند ولیکن بعد از سوختن در آتش همگی تبدیل به خاکستر میشوند. سادک هم برای رسیدن به پرماثما ریاضتهای بسیار میکشد و قربانیها و خدمات گوناگون انجام میدهد و همه را به پرماثما اهداء میکند.

تمام این قربانیها، ریاضت ها و خدمات گوناگون سادک را برای رسیدن به پرماتما یاری میکنند.

مایا Maya माया قدرت شگفت انگیز و فریبنده پرماتما است! قدرتی که این جهان از آن ساخته شده است. پرماتما در ماوراء مایا است و برای رسیدن به او انسان باید مایا را بشناسد و از آن بگذرد! ولی اینکار بسیار دشوار است و حتی بسیاری از عالمان بزرگ هم قادر باینکار نیستند. تا زمانی که نگاه انسان بسوی اشیاء دنیا است قادر به دیدن پرماتما نخواهد بود.



यज्ञशिष्टामृतभुजो यान्ति ब्रह्म सनातनम्।

नायं लोको-स्त्ययज्ञस्य कुतो-न्यः कुरुसत्तम ॥31॥

ترجمه: ای ارجون آنها که زندگی خود را با ریاضت و قربانی میگذرانند از نتایج آنها بهره مند میشوند و به آب حیات میرسند. کسانی که وظایف خود را نادیده میگیرند نه به موفقیت و خوشیهای دنیا میرسند و نه به سعادت معنوی میرسند.

تفسیر: خدمات اجتماعی نوعی قربانی و خیرات هستند و باعث رسیدن شخص خیر به آرامش افکار میشوند! آرامش افکار بمنزله آب حیات است. کسی که این آب حیات را تجربه میکند با راهنمایی گورو به پربرهم (پرماتما) میرسد و با او یکی میشود.

انسان در حقیقت خودش هستی جاودان است ولی بخاطر علاقه اش به اشیاء دنیا تولد و مرگ را تجربه میکند. وقتی که انسان ناپایدار بودن اجسام دنیا را درک میکند کارها خودبخود او را ترک میکنند و او جاودان بودن خود را تجربه میکند.

انجام دادن هر کاری بعنوان یک انجام وظیفه باعث میشود که آن کار تبدیل به یک قربانی شود. مردان خردمند زندگی را با قربانی های کوچک و بزرگ میگذرانند و از قید کار و هوس آزاد میشوند یعنی به سعادت معنوی (موکشا) میرسند. این اشخاص بزرگوار در نهایت به پربرهم میرسند و با او یکی میشوند.

در خانه ای که اهالی آن وظایفشان را انجام نمیدهند همیشه مجادله و دعوا بر پا است و رسیدن به سعادت معنوی در آن خانه دشوار است!

~~~~~

एवं बहुविधा यज्ञा वितता ब्रह्मणो मुखे।

कर्मजान्विद्धि तान्सर्वानेवं ज्ञात्वा विमोक्षयसे॥३२॥

**ترجمه:** شرح تمام قربانیها و روشهای مختلف ریاضتهائی که برای موفقیت انسان در زندگی مفید میباشند در کتب ودا بتفصیل نوشته شده است. نتیجه تمام قربانیهای منفعت جویانه اشیاء و خوشیهای زودگذر دنیا هستند و ترا در قید اعمال گرفتار خواهند کرد. این واقعیت را بدان و از قید کارها رها شو!

**تفسیر:** کسانی که از راهنماییهای ودا استفاده میکنند در این دنیا به آرزوهایشان میرسند و بعد از وفات به بهشت میروند و از لذات بهشتی بهره مند میشوند. ولی باید باین واقعیت توجه شود که لذات بهشتی هم موقتی هستند و آنها که در بهشت هستند بعد از تمام شدن ذخیره صوابهایشان از بهشت به بیرون رانده میشوند و مجدداً به این دنیا باز میگردند.

آئین ودا مخالف خوشیها و لذت بردن از اشیاء دنیا نیست بلکه انسان را به پیشرفت و کسب ثروت و شهرت تشویق میکند ولیکن در ضمن بانسان میآموزد که چطور بچیزی وابسته نشود و از قید اشیاء و کارها رها شود. در کتب ودا نوشته شده که پرماثما در قربانی ها است یعنی سادک از طریق از خودگذشتگی و قربانی دادن میتواند به درک پرماثما برسد. بعضی ها تصور میکنند که از کارها گناه تولید میشود و معتقدند که بطور کلی کار کردن را باید ترک کرد! ارجون هم در میدان جنگ از عواقب جنگ ترسیده و بدون توجه بوظیفه اش میخواست از میدان جنگ فرار کند و بجای آن به تحصیل علم برهم بپردازد. شیری کریشنا ارجون را از این اشتباه نجات میدهد و میگوید که تو بدون انجام وظیفه ات هرگز بجائی نخواهی رسید! نه در این دنیا و نه در آخرت!

~~~~~

श्रेयान्द्रव्यमयाद्यज्ञाज्ज्ञानयज्ञः परन्तप।

सर्वं कर्माखिलं पार्थ ज्ञाने परिसमाप्यते॥३३॥

ترجمه: ای ریاضتمند، یادگیری علم برهم یکنوع ریاضت است. این ریاضت با ارزشتر از برگزاری مراسم قربانیهائی است که با استفاده از وسایل بسیار و کارهای دشوار انجام داده میشوند. برای شخص عالم کارها و اشیاء دنیا تمام میشوند.

تفسیر: انسان از انجام دادن قربانیها صواب کسب میکند و به خواسته هایش در این دنیا و در بهشت میرسد. ولی از تحصیل علم برهم هیچ صواب و یا اشیاء مادی حاصل نمیشود! مردم دنیاپرست به کسب اشیاء دنیا علاقمند هستند ولیکن سادگی که علاقمند به درک پرماتما است باین چیزها اهمیت نمیدهد.

سادک این علم را با راهنمائیهای گورو یاد میگیرد و آنچنان رضایت بیکرانی حاصل میکند که اشیاء دنیا در نظرش ناچیز میشوند.

برای فهمیدن صحیح ودانت علاقه به این علم و داشتن افکار آرام ضروری است. تا زمانیکه انسان کمبود چیزی را احساس میکند ارتباطش با کارها و اشیاء دنیا برقرار خواهد ماند و تا زمانیکه این ارتباط برقرار است ناخالصیهای افکارش از بین نخواهند رفت.

کتاب شاسترا برای حاصل کردن علم ودانت علاقه به یادگیری علم برهم - انضباط - زندگی ساده و بی تجملات و پرهیزکاری را ضروری دانسته اند. مهمترین شرط برای درک مطالب دشوار ودانت ترک غرور، ترک خواسته ها، جدیت، انضباط، صداقت و پیروی از گفته های گورو میباشد.



तद्विद्धि प्रणिपातेन परिप्रशनेन सेवया।

उपदेक्ष्यन्ति ते ज्ञानं ज्ञानिनस्तत्त्वदर्शिनः ॥३४॥

ترجمه: اسرار نهان این علم در نزد عالمانی است که حقیقت را دریافته اند. ای ارجون! با خلوص نیت بنزد آنها برو، با احترام به آنها تعظیم کن و با سادگی و صداقت بآنها خدمت کن و آنها علمی را که دارند در اختیار تو خواهند گذاشت.

تفسیر: بغوان شیری کریشنا معتقد است که برای یافتن علم و شناخت حقیقت نیازی به ترک خانه و خانواده و وظایف خانوادگی نیست و

بارجون میگوید که ترک انجام وظیفه یک گناه است و باعث گمراهی انسان میشود. شیری کریشنا میگوید با انجام وظایف افکار و احساسات تو پاک و آرام خواهند شد و در نتیجه تو علم و دانت را بدرستی درک خواهی کرد

برای یک گورو عالم ثروت، دارائی و املاک، تحصیلات، مقام و مرتبه اجتماعی، زیبایی، جوانی و مرتبه فامیلی شاگردش اهمیتی ندارد. سادک با خدمات صادقانه اش میتواند رضایت گورو را جلب کند. شیری گورو از همه چیز دنیا بی نیاز است و تنها چیزیکه از شاگردش میخواهد همین است که او با علاقه به گفته هایش توجه کند و بآنها عمل کند! اگر گورو از شاگرد سؤالی کند او باید بدون تظاهر و با صداقت جواب بدهد و در غیر اینصورت ساکت بماند! شاگرد نباید به علم خود ببالد و تا موقعیکه از او سؤال نشده نباید نظر خود را در مورد چیزی بیان کند! شاگرد باید باصول ودا، معتقدات و کتابی که گورو بآن معتقد است احترام بگذارد و از اصول و گفته های آن پیروی کند.

گورو عالم علم برهم را بخوبی یاد گرفته و به هر دو شکل آشکار و نهان برهم ایمان دارد. او هر دو شکل برهم را شناخته و با آنها یکی شده است. یک گورو کامل و پخته بیشتر از جسم خود به کتب ودا اهمیت میدهد و برای حفظ اصول آن از جان خود نیز با خوشی میگذرد! شاگردی که مشتاق تحصیل ودا و شاسترا است نیز باید با احترام و جدیت کامل از اصول ودا پیروی کند.

گورو از هر نظر کامل است و نیاز به چیزی ندارد. او از شاگردانش توقعی ندارد و حتی نمیخواهد که کسی باو تعظیم کند ولی یک شاگرد با رفتار محترمانه، خدمات صادقانه و نشان دادن اشتیاق به یادگیری رضایت او را جلب میکند و گورو علمی را که در طول سالیان دراز کسب کرده در اختیار شاگردش میگذارد.

پربرهم در ماوراء جسم و حواس و عقل انسان است و هیچکس نمیتواند بگوید که او چطور است! علمی که با عقل یادگرفته میشود و در باره اش گفتگو و بحث میشود فقط میتواند در محدوده عقل و در باره اجسام و اشیاء دنیا باشد. عقل و حواس انسان محدود هستند و بکمک آنها پربرهم نا محدود را نمیتوان شناخت.

شیری گورو علم خود را در اختیار تمام شاگردانش میگذارد ولی انتظار ندارد که همه آنها این علم را بفهمند و بکسیکه آنرا نمیفهمد ایراد نمیگیرد.

~~~~~

यज्ज्ञात्वा न पुनर्मोहमेवं यास्यसि पाण्डव।

येन भूतान्यशेषेण द्रक्ष्यस्यात्मन्यथो मयि॥३५॥

**ترجمه:** با دانستن این علم و یافتن حقیقتی که در ماوراء دنیای مادی است تو دوباره دستخوش توهم و خیالات نخواهی شد. ای ارجون! شناختن حقیقت بنو کمک خواهد کرد که تو در ابتداء تمام موجودات جاندار و بیجان، ساکن و متحرک را در خود ببینی و سپس همه آنها را در من خواهی دید.

**تفسیر:** شیری بغوان گفت که "عالمان علم خود را در اختیار تو خواهند گذاشت" ولیکن فقط با شنیدن سخنان گورو شاگرد نمیتواند حقیقت را بشناسد. در واقع هیچ استادی نمیتواند در باره حقیقت بصراحت چیزی بگوید! دلیل آن این است که "حقیقت" در ماوراء عقل و سخن است و کسی نمیتواند در باره اش سخنی بگوید. فهم و درک درست این علم و شناخت حقیقت فقط بتوسط خود شخص و در درون خود او امکان دارد. ودانت را کسی نمیتواند به کسی یاد بدهد. هر کسی باید خودش از درون خود آنرا دریابد. این تحول موقعی امکان پذیر میشود که انسان به خرد و علم درون خود توجه کند. خرد بمعنای قدرت تشخیص فرق بین جسم و روح است.

بعد از درک حقیقت سادک میفهمد که او این جسم و این عقل نیست و می فهمد که ارتباطش با اشیاء و اجسام دنیا موقتی است و بهمین دلیل علیرغم اینکه در این دنیا با اشیاء و اجسام و مردم دنیا زندگی و داد و ستد میکند چیزی را متعلق بخود نمیداند و بچیزی وابسته نمیشود.

اصول کتب باستانی ودا اینطور ایجاب میکند که علم برهم را شاگرد از گورو یاد بگیرد، در باره اش اندیشه کند و عملاً در زندگی روزمره خود از آن استفاده کند. این علم وسیع باستانی را صرفاً با خواندن کتاب نمیتوان فهمید!

با درک صحیح علم برهم سادک یکی بودن خود را با برهم نیرآکار تجربه میکند و خود را در همه میبیند.

دریا و امواج آن در ظاهر از یکدیگر جدا دیده میشوند. امواج از دریا برمیخیزند، در دریا ساکن هستند و بتدریج از بین میروند و به دریا میپیوندند! آب دریا در تمام این حالات با دریا یکی است. در واقع نه تنها امواج بلکه دریا هم موقتی است و تنها چیزی که در حقیقت هست "آب" است. در آب نه دریا هست و نه موج دریا هست ولیکن آب در دریا و امواج دریا هست! دریا و امواج آن برای مدت کوتاهی هستند ولیکن آب برای همیشه هست و حقیقی و ابدی است.

اجسام گوناگون در این جهان بوجود میآیند و از بین میروند. ولیکن در واقع این جهان و اجسام آن از یکدیگر جدا نیستند و وجود هردوی آنها دروغین (موقتی) است. تنها چیزی که حقیقتاً هست فقط یک پرماتما است، آنکه همه چیز است و همه چیز در او است. علیرغم اینکه همه چیز از پرماتما بوجود آمده پرماتما در ماوراء همه آنهاست و آغشته به هیچ چیز مادی نیست.

سادک حقیقت را یکبار تجربه میکند و این تجربه برای همیشه با او میماند. دنیا در درون انسان است و انسان در پرماتما است! سادک در ابتداء دنیا را در خود میبیند و سپس خود را در پرماتما میبیند. شناختن روح خود باعث مسرت سادک میشود و با شناختن پرماتما سادک به مسرت ابدی میرسد. شناخت خویشتن (روح خود) بکمک دو روش مادی یعنی روشهای علم و انجام وظیفه و خدمت بدیگران امکان دارد ولیکن شناخت پرماتما فقط بکمک روش معنوی یعنی روش ایمان و عشق پاک (بکتی) امکان پذیر است. در دو روشهای علم و عمل سادک عالم (پیرو روش علم) و سادک خادم (پیرو روش انجام وظیفه) به درک یکی بودن خود با برهم یگانه میرسند ولیکن غرور عالم بودن و احساس برتری بر دیگران در آنها باقی میماند! ولیکن بکت عابد پیرو روش ایمان از ابتداء غرورش را ترک میکند و بسادگی احساس میکند که با بغوان یکی است! بکت بیریا فرقی بین کسی نمیبیند و این حقیقت را احساس میکند که همه چیز و همه کس بغوان است.

~~~~~

अपि चेदसि पापेभ्यः सर्वेभ्यः पापकृतमः।

सर्वं ज्ञानप्लवेनैव वृजिनं सन्तरिष्यसि॥३६॥

ترجمه: تو اگر حتی بدترین انسان باشی و گناهان بیشماری از تو سر زده باشد میتوانی بکمک قایق این علم از دریای گناهان عبور کنی و به ساحل نجات برسی.

تفسیر: علم برهم آتشی است که حتی کوهی از گناهان را هم میتواند بسوزاند و از بین ببرد. اگر اطاقی تا یکصد سال هم در تاریکی بماند و هیچ روزنه ای به بیرون نداشته باشد یک چراغ کوچک میتواند تاریکی یکصد ساله آن اطاق را از بین ببرد.

تمام گناهان انسان در ارتباط با هوسها و علاقه به لذات و خوشیها بوجود میآیند ولی وقتی که این ارتباط قطع شود گناهی باقی نخواهد ماند. علم برهم میتواند این ارتباط را قطع کند. ذکاوت انسان آتش علمی را که در درون او هست روشن میکند و آنرا برای همیشه روشن نگاهمیدارد.

تنها حقیقت یگانه و ابدی این دنیا پر ماتما است! هر چیز در این دنیا ساختگی است یعنی حتی گناه هم ساختگی میباشد. جهالت انسان مثل تاریکی شب است و بمحض طلوع آفتاب علم از بین میرود. علم برهم حقیقت ابدی است یعنی خود پر ماتما است درحالیکه گناه دروغین و جزئی از این دنیای ناپایدار است! هر کسی میتواند این علم را کسب کند ولی شرط آن ترک خوشیهای ناچیز و ناپایدار دنیا میباشد. ترک غرور باعث آسان شدن یادگیری علم برهم میشود.



यथैधांसि समिद्धोऽग्निर्भस्मसात्कुरुतेऽर्जुन।

ज्ञानाग्निः सर्वकर्मणि भस्मसात्कुरुते तथा॥३७॥

ترجمه: ای ارجون! همانطور که هیزم خشک را آتش میسوزاند و تبدیل به خاکستر میکند آتش علم نیز تمام گناهان گذشته را میسوزاند.

تفسیر: علاقه انسان به اشیاء ساختگی دنیا در آتش علم میسوزد و ارتباط انسان با کارها قطع میشود. با قطع شدن ارتباط انسان با کارها و اشیاء دنیا او متوجه میشود که این دنیا وجود مستقل ندارد!

وقتی که انسان خود را کننده کارها تصور میکند نتایج خوب و بد آن کارها را یعنی خوشیها و غمها را تجربه میکند! در غیر اینصورت اگر انسان بفهمد که او کننده کارها نیست نه خوشی را تجربه خواهد کرد و نه غمها را!

با رسیدن به درک علم برهم غرور نمی‌ماند و سادک می‌فهمد که او کننده هیچکاری نیست! انسان تا زمانی که زنده است نمیتواند بیکار بماند و بهمین دلیل همیشه گرفتار خوشیها و غمها است! شخص عالم هم به کار و فعالیت می‌پردازد ولی خود را کننده کار نمیداند و بهمین جهت نتایج کارها یعنی خوشیها و غمها بر او اثری نمی‌گذارند. باین ترتیب بعد از کسب علم برهم ارتباط سادک با کارها قطع میشود و اعمالش تمام میشوند.

~~~~~

न हि ज्ञानेन सदृशं पवित्रमिह विद्यते।

तत्स्वयं योगसंसिद्धः कालेनात्मनि विन्दति॥३८॥

**ترجمه:** در این دنیا چیزی پاک تر و پاک کننده تر از علم ودانت نیست. آن سادک کارما یوگی که موفق به تجربه یوگا شده مسلماً علم ودانت را خودبخود در درون خود پیدا میکند.

**تفسیر:** دانستن معنای درست کارما یوگا و هدف آن ضروری است.

انسان تا زمانی که وظایفش تمام نشده اند باید به کار کردن ادامه بدهد! ولی انسان معمولاً در مقابل هر کاری که انجام میدهد یک چیزی میخواهد و همین "خواستن" باعث میشود که انسان برای خود کارها و وظایف جدیدی تولید کند! تا زمانی که انسان از اشیاء دنیا لذت میبرد نمیتواند یکی بودن روح خود با پرماتما را تجربه کند! دلیل آن این است که لذاتی که از اشیاء دنیا حاصل میشوند لذات جسمانی هستند ولی مسرتی که در تجربه یکی بودن خود با پرماتما هست مسرت روحانی میباشد. ایندو یعنی خوشی جسمانی و مسرت روحانی در دو جهت مخالف یکدیگر هستند و تمایل به یکی از آنها باعث بی میلی به دیگری و فراموش کردن آن میشود!

جهالت باعث ارتکاب خطاهای بسیاری میشود. انسان تصور میکند که با حاصل کردن اشیاء مادی به خوشی و رضایت خواهد رسید و برای رسیدن به چیزهای دلخواهش هرگونه کار درست و غلطی را بدون توجه به عواقب آنها انجام میدهد. با کسب علم برهم انسان حقیقت را درمییابد و دنیا را بوضوح میبیند و فریب اشیاء و خوشیهای ساختگی را نمیخورد! سادک می‌فهمد که این دنیا و هر چیزی که در آن هست ساختگی میباشد و برای حاصل کردن چیزهای ساختگی مرتکب گناه نمیشود و اشتباهات گذشته اش

را تکرار نمیکند و در نتیجه زندگی اش هر روز پاکتر میشود. بهمین دلیل میتوان گفت که در این دنیا چیزی پاکتر و پاک کننده تر از علم برهم نیست. پرماتما پاکترین است و علم برهم نیز که او را بانسان نشان میدهد پاک است.

سادک کارما یوگی خانه و خانواده و املاکش را ترک نمیکند! او زن و فرزند و خانواده اش را ترک نمیکند بلکه به آنها خدمت میکند. او در حالیکه وظایفش را انجام میدهد تمایل و وابستگی اش به خوشیها و مقام و ثروت خود بخود او را ترک میکنند.

خود را مالک چیزی دانستن و هوس دریافت چیزی را داشتن بزرگترین اشتباه و دلیل جهالت انسان است. سادک کارما یوگی برای کسب علم برهم نیازی به گورو، کتاب و یا ریاضت کشیدن، زیارت رفتن و یا قربانی دادن و غیره ندارد. او علم ودانت را با انجام دادن وظایفش درمییابد و در نهایت به موکشا میرسد! برای رسیدن به موکشا هر کسی باید خودش راهش را را طی کند و کسی نمیتواند به کسی موکشا عطا کند!

اگر کسی ادعا کند که میتواند به کسی موکشا بدهد باید دانست که او گورو نیست و هیچ نمیداند و صرفاً یک کاسبکار است و بدنبال کسب مال و شهرت است!



श्रद्धावाँल्लभते ज्ञानं तत्परः संयतेन्द्रियः।

ज्ञानं लब्ध्वा परां शान्तिमचिरेणाधिगच्छति॥३९॥

**ترجمه:** سادک با اعتقادی که به ایشور دارد بر حواس خود تسلط یافته و با علاقه و جدیت برای رسیدن به هدفش علم برهم را یاد میگیرد و به آرامش درون میرسد.

**تفسیر:** در اینجا به ایمان سادک اهمیت بسیار داده شده است. اعتقاد به وجود ایشور و کتب مذهبی "ایمان" نام دارد. سادک پرهیزکار براحتی بر حواس خود مسلط میشود و کارهایش را با انضباط و جدیت انجام میدهد. این جهان هر لحظه در حال حرکت و تغیر و دگرگونی است و برای یک لحظه هم یکجور و در یکجا نمی ماند. این جهان نیرویش را از ایشور دریافت میکند. اعتقاد به این حقیقت نیز ایمان است. ایمان سادک باو کمک میکند که به درک پرماتما برسد.

اشیاء و اجسام دنیا ساخته مایای شگفت انگیز بوده و بسیار دلفریب میباشند! جسم انسان نیز مثل هر چیز دنیا هر لحظه در حال تغیر و دگرگونی است و رو به نابودی می‌رود ولی این واقعیت باعث نگرانی سادک نمیشود! روح انسان حتی با پیر و فرسوده شدن جسم خود و بعد از وفات او هم همانطور میماند و هرگز نمیمیرد.

انسان برای حاصل کردن اشیاء دنیا هر کاری میکند ولی متوجه این حقیقت نیست که چیزی در این دنیا مال کسی نیست. تنها چیزیکه حقیقتاً هست و متعلق بماست روح ما میباشد، آنکه شاهد و ناظر تمام این چیزها و اتفاقات زندگی است. علم آن است که حقیقت را بانسان نشان بدهد. آنچه که در باره اشیاء مادی سخن میگوید علم نیست بلکه اطلاعات است و عوض میشوند.

در درون ناف آهو مشگ هست ولی تا زمانی که این مشگ پخته نشود بوی خوش آن بمشام نمیرسد. رسیدن به مرحله پختگی مشگ در ناف آهو هزاران سال طول میکشد یعنی مشگ داخل ناف آهو بعد از چندین بار تولد مجدد به مرحله پختگی میرسد. وقتیکه مشگ در داخل ناف آهو پخته میشود بوی خوش آن در همه جا پراکنده میشود و آهو بدنبال آن بوی خوش بهر طرف میدود! غافل از اینکه مشگ در درون ناف خودش است و بوی خوش از خود او میآید. همینطور هم اشخاص بسیار نادری به ذکاوت و پختگی کامل میرسند و در جستجوی حقیقت بدنبال آن میروند و در نهایت آنرا در درون خود مییابند.

انسان ذاتاً پاک و آرام است ولی شیفته و فریفته اشیاء دنیا میشود و ذات خود را فراموش میکند و آرامش خود را از دست میدهد. بعد از کسب علم برهم و درک حقیقت ارتباط انسان با دنیای ساختگی و اشیاء آن قطع میشود و آرامشی را که در درون خودش هست تجربه میکند.



अज्ञश्चश्रद्धधानश्च संशयात्मा विनश्यति।

नायं लोकोऽस्ति न परो न सुखं संशयात्मनः॥४०॥

**ترجمه:** افراد بیخرد و بی ایمان بسیار شکاک هستند و بهمین دلیل در زندگی شکست میخورند. اشخاص شکاک نه این دنیا را دارند و نه آخرت را! اینگونه افراد نه برای کسی مفید هستند و نه برای خودشان.

**تفسیر:** افراد شکاک علاقه ای به گوش کردن بحرف خردمندان ندارند. آنها اشتباهاتشان را تکرار میکنند و جواب درست را نمیابند. یکی از مشخصات سادک علاقه اش به حقیقت و جدیت او برای یافتن آن میباشد. سادک باید دائماً بجلو برود و تا زمانی که جواب سوالش را نیافته نباید راضی شود زیرا کنجکاو او در این زمینه مثل یک مشعل روشن راهنمای او میباشد.

شخص عالم بدلیل علم خود به چیزی و کسی شک نمیکند و شخص زاهد بخاطر ایمانی که دارد به چیزی و کسی شک نمیکند. ولی کسی که نه علم دارد و نه ایمان دارد به هر کس و هر چیزی شک میکند و بهمین دلیل در همه جا شکست میخورد.



योगसन्न्यस्तकर्माणं ज्ञानसञ्छिन्नसंशयम्।

आत्मवन्तं न कर्माणि निबद्धन्ति धनञ्जय॥४१॥

**ترجمه:** ای غنی! کسی که بکمک یوگا ارتباطش با کارها قطع شده و بکمک خردی که از کسب علم حاصل کرده تمام تردیدهایش از بین رفته اند هرگز در قید کار نمیماند.

**تفسیر:** از هر تخمی که برزگر در خاک میکارد صد تخم ببار میآید! کارهای انسان هم همانطور هستند و انسان با هرکاری که میکند صد کار جدید برای خود تولید میکند و بهمین دلیل اکثراً دیده میشود که کارهای انسان حتی در پیری هم تمام نمیشوند و حتی در پیری هم ثمره کارهای گذشته اش را تجربه کند.

کار کردن باعث گرفتاری انسان نمیشود بلکه خواستن ثمره کار، احساس مالکیت و وابستگی به ثمرات کار باعث گرفتار شدن انسان در این دنیا میشود و از چنگال دائمی خوشیها و غمها نمیتواند رها شود!



तस्मादज्ञानसम्भूतं हृत्स्थं ज्ञानासिनात्मनः।

छित्तैनं संशयं योगमातिष्ठोत्तिष्ठ भारत॥४२॥



**ترجمه:** ارجون، ای مرد هند! شکی را که بدلیل جهالت در دلت بوجود آمده با شمشیر علم قطع کن! آرامش درون خود را بدست بیاور و آنرا حفظ کن! برخیز و برای جنگ آماده شو!

**تفسیر:** ارجون در ابتداء نمیفهمید که جنگیدن برایش مناسب است یا نه! زیرا او به اقوام و خویشان خود وابسته بود و وظیفه اش را فراموش کرده بود! ارجون در بخش اول بصراحت به بغوان گفته بود که "من جنگ نخواهم کرد" ولی در اینجا بغوان باو میگوید که "برخیز و برای جنگ آماده شو!" ارجون جنگیدن را گناه میدانست ولی بغوان باو میگوید که اگر هدف تو از جنگیدن حاصل کردن منافع شخصی نباشد و فقط بمنظور انجام وظیفه ات بجنگی آنموقع مرتکب گناه نخواهی شد.

شیری کریشنا در میدان جنگ و در ضمن نگرانی و مشکلات ارجون سعی میکند باو کارما یوگا یاد بدهد! ولی آیا این کار ممکن است؟ این میدان جنگی که ارجون در آن است در واقع میدان زندگی است! میدانی که پر از مسئولیتها، وظایف و مشکلات خانوادگی و اجتماعی است! شیری کریشنا کار ارا به رانی ارجون را بدرخواست او قبول کرده و او را راهنمایی میکند. ارجون در زندگی به مرحله ای رسیده که از بغوان موفقیت مادی و اجتماعی نمیخواهد بلکه میخواهد به سعادت معنوی برسد! مشکلات مادی، خانوادگی و اجتماعی در زندگی هر کسی پیش میآیند و هر کسی با آنها روبرو میشود و هر کسی با تلاش خود و نسبت به اعمال خوب و بد گذشته اش در زندگی موفق میشود و یا شکست میخورد! ولیکن وقتی که انسان با جدیت برای سعادت معنوی خود تلاش میکند آنموقع بغوان افسار ارا به زندگی او را در دست خود میگیرد و او را بجلو هدایت میکند.

عمر انسان تمام میشود ولی خواسته ها و هوسهایش تمام نمیشوند! شخص هوشیار از خواسته ها و خوشیهای زودگذر دنیا میگذرد و بسوی پرماتما جذب میشود و برای رسیدن به سعادت معنوی تلاش میکند.

پایان بخش چهارم بهاگواد گیتا — علم برهم  
گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون

\*\*\*\*\*

॥ ॐ श्री परमात्मने नमः ॥

## بخش پنجم

अर्जुन उवाच

सन्न्यासं कर्मणां कृष्ण पुनर्योगं च शंससि।

यच्छ्रेय एतयोरेकं तन्मे ब्रूहि सुनिश्चितम्॥१॥

**ترجمه:** ارجون گفت : ای کریشنا! تو از یکطرف سخن از رهایی از قید کارها میزنی و در طرف دیگر از انجام وظیفه تعریف میکنی! من منظور ترا نمیفهمم. لطفاً بطور واضح بمن بگو که کدامیک از این دو واقعاً بصلاح من است.

**تفسیر:** ترک کارها امکان ندارد زیرا طبع انسان او را وادار به کار و فعالیت میکند. شیری کریشنا میداند که ارجون بعد از ترک میدان جنگ هم آرام و قرار نخواهد گرفت و کار دیگری را آغاز خواهد کرد و بهمین دلیل روش کارما یوگا را به ارجون یاد میدهد.

انسان چیزهائیرا که در اختیار دارد متعلق بخود میداند و خود را مالک آنها میداند! حس مالکیت باعث علاقه و وابستگی انسان به متعلقاتش میشود. تا زمانیکه انسان به اشیاء دنیا علاقمند و وابسته است و خود را مالک آنها میداند افکارش در تشویش و نگرانی خواهد بود.

~~~~~

श्रीभगवानुवाच

सन्न्यासः कर्मयोगश्च निःश्रेयसकरावुभौ।

तयोस्तु कर्मसन्न्यासात्कर्मयोगे विशिष्यते॥२॥

ترجمه: شیری بغوان گفت: هر دو روش کارما یوگا (رسیدن به درک پرماتما از طریق انجام وظیفه) و سننیا س یوگا (رسیدن به درک پرماتما

از طریق ترک کارها و اشیاء دنیا) به موکشا منتهی میشوند ولیکن انجام وظیفه با ارزشتر از ترک کار میباشد.

تفسیر: سادگی که به کسب علم و دانت علاقمند است از ابتداء به کار و اشیاء دنیا بی تفاوت میشود و آنها را بتدریج ترک میکند و به درک حقیقت میرسد. سادگی که روش انجام وظیفه را در پیش میگیرد چیزی را ترک نمیکند و به زندگی عادی خود مثل گذشته ادامه میدهد ولی وظایفش را بدون داشتن توقعی انجام میدهد و از قید کار و اشیاء رها میشود و قابلیت درک حقیقت را پیدا میکند.

در روش سنیاس آگاهی و تمرکز فکر در درجه اول اهمیت قرار دارد و هیچیک از ایندو بدون ترک اشیاء دنیا ممکن نیستند. تا زمانیکه حس مالکیت و وابستگی به اشیاء دنیا از بین نرود ترک دنیا (سنیاس) دشوار خواهد بود. بهمین دلیل روش سنیاس برای مردم عامیانه دارای خانه و خانواده توصیه نشده است.

تا زمانیکه انسان حتی یکی از وظایفش باقی مانده است باید به کار کردن ادامه بدهد. سادک کارما یوگی در ضمن انجام وظایفش بتدریج احساس میکند که نیازی به اشیاء دنیا ندارد و اشتیاق او به کارها کم میشود و او بتدریج هردو را ترک میکند. باین ترتیب کارها و اشیاء دنیا بتدریج و خودبخود سادک کارما یوگی را ترک میکنند و او به آرامش میرسد و موکشا را تجربه میکند. شیری کریشنا میگوید که کارما یوگا یک هنر است! ای ارجون! تو این هنر را یاد بگیر.

در واقع فقط دانستن این نکته که اشیاء دنیا موقتی هستند کافی نیست و کسی صرفاً با دانستن این واقعیت نمیتواند اشیاء دنیا و علاقه به آنها را ترک کند. کسانی که این نکته را بدون کمک گورو آنرا از کتاب میخوانند و یا از این و آن میشوند به نتیجه ای نمیرسند. اینگونه اشخاص گمراه میشوند و با علم ناقص خود دیگران را هم مثل خود گمراه میکنند. در کتاب "یوگا و اشیشث" نوشته شده:

अज्ञस्यार्धप्रबुद्धस्य सर्वं ब्रह्मेति यो वदेत्।

महानिरयजालेषु स तेन विनियोजितः॥

(योगवासिष्ठ, स्थिति. 39)

"تدریس علم برهم، اوپانیشاد و ودانت به کسیکه آمادگی یادگیری و علاقه ای باین علم ندارد باعث گمراهی او میشود و زندگی او را از هم میپاشد و فایده ای برایش نخواهد داشت".

در زمانهای قدیم علم برهم را فقط به کسانی یاد میدادند که هدفشان در زندگی فقط رسیدن به درک برهم بود و کارها و هدفهای دیگر را ترک کرده بودند. کسانی که دارای زندگی خانوادگی هستند و مسئولیت زن و فرزند دارند از تحصیل علم برهم به هدف اصلی آن که درک برهم و موکشا است نمیرسند. اینگونه افراد باید در ابتداء وظایف خود را نسبت به خانواده خود انجام بدهند و سپس به تحصیل ودانت بپردازند. سادک علاقمند به علم برهم در جائی دور از اجتماع مردم دنیاپرست زندگی میکند، کارهای منفعت جویانه نمیکند، از کسی توقعی ندارد و زندگی ساده ای را در پیش میگیرد و در صدد رسیدن به پاکی درون خود و یافتن آرامش درون برمیآید. سادو (عالم پارسا) در جستجوی خوشی حقیقی است. منظور سادو از تحصیل علم برهم یافتن شغل پر درآمد و یا رسیدن به مقام اجتماعی و شهرت نیست. هدف سادو این نیست که بمردم چیزی یاد بدهد ولی مردم از دیدن او و دیدن روش ساده زندگی او الهام میگیرند و صفات خوب او را سرمشق خود قرار میدهند.

ترک خانه و خانواده و یا ترک وظایف خود در کتب ودا به هیچکس توصیه نشده است. فقط در شرایط بسیار کمیاب فقط کسیکه از هر نظر احساس رضایت و بی نیازی میکند، هیچ وظیفه خانوادگی ندارد و هیچ هوس و خواسته ای در دنیا ندارد و هدفش در زندگی رسیدن به پرماتما است میتواند همه چیز دنیا را ترک کند و دور از همه به نیایش و تمرکز افکار میپردازد. این روش برای دیگران توصیه نشده است.

روش کارما یوگا را کتب ودا و شاسترا به همه توصیه کرده و گفته اند که با پیروی از این روش هر کسی میتواند زندگی سالم و موفقی داشته باشد.

در داروخانه داروهای بسیاری یافت میشوند ولی مریض باید فقط آن دارویی را بخورد که برایش مناسب است و خوردن هر دارویی برای هر کسی درست نیست! روش علم برهم نیز برای هر کسی توصیه نشده است.



ज्ञेयः स नित्यसन्न्यासी यो न द्वेष्टि न काङ्क्षति।

निर्द्वन्द्वो हि महाबाहो सुखं बन्धात्प्रमुच्यते॥३॥

ترجمه: ای دلاور! آن سادک کارمایوگی که نه با کسی دشمنی میکند و نه آرزوی حاصل کردن چیزی را دارد یک سنیاسی است زیرا او تضادها را نمیبیند و همه چیز برایش یکسان است و براحتی از قید دنیا آزاد میشود.

تفسیر: سادک کارما یوگی با کسی مخالفت و ناسازگاری نمیکند. اگر سادک با کسی دشمنی بکند قادر خواهد بود این روش را بدرستی انجام بدهد. کسی که برای کسی بدخواهی میکند و یا از کسی بدگوئی میکند هنوز معنای درست کارما یوگا را نفهمیده است. در این روش بدی نکردن مهمتر از خوبی کردن است. زیرا برای خوبی کردن بدیگران سادک فقط به کار و اشیاء نیاز دارد ولی برای اینکه بدی نکند درونش باید پاک باشد! غرور انسان دلیل بر جهالت و ضعف او میباشد و سادک برای رسیدن به تکامل معنوی باید غرورش را ترک کند. غروری که از انجام دادن کارهای خوب در انسان بوجود میآید بآسانی از بین نمیرود و بهمین دلیل نیز سادک بوقت انجام دادن کارهای خیریه نباید خود را کننده آن کارها بداند! گروهی معتقدند که بدی نکردن بهتر از خوبی کردن است زیرا کسیکه خوبی میکند از کاریکه کرده احساس غرور میکند و در مقابل کارش توقعاتی پیدا میکند.

سادک کارمایوگی در ابتداء در اثر هم نشینی با دیگران به خوشیهای دنیا علاقمند میشود ولی بتدریج از علاقه اش به اشیاء کم میشود و بسوی پرماتما متمایل میشود. علاقه انسان به اشیاء دنیا کم و زیاد میشود و ارتباطش با آنها دائمی نیست ولی ارتباط انسان با پرماتما دائمی است و علاقه اش باو کم یا زیاد نمیشود.

ارجون از ترس کشته شدن فامیلش میخواست جنگ را ترک کند! او میخواست بجای جنگیدن به کسب علم برهم بپردازد! ولیکن کریشنا باو میگوید که برای کسب علم برهم باید افکار آرام داشته باشی. برای داشتن افکار آرام انسان باید وظایفش را انجام بدهد. کسی که وظایفش را انجام نمیدهد افکارش همیشه ناآرام میمانند! بهمین دلیل شیری کریشنا به ارجون میگوید که تو در حال حاضر یک سرباز هستی و باید وظیفه ات را بعنوان

یک سرباز انجام بدهی و بنابراین برخیز و بجنگ ادامه بده! وظیفه انسان حتی اگر بمیلش هم نباشد باید انجام داده شود.

~~~~~

साङ्ख्ययोगौ पृथग्बालाः प्रवदन्ति न पण्डिताः।

एकमप्यास्थितः सम्यग्भयोर्विन्दते फलम्॥४॥

**ترجمه:** شخص جاهل تصور میکند که نتایج روشهای انجام وظیفه و کسب علم برهم با هم فرق دارند ولی شخص عالم میداند که آنها یکی هستند.

**تفسیر:** روش کارما سنیاس باین ترتیب است که سادک در ابتداء وظایفش را آنطور که گفته شده تمام میکند و بعد از ترک کارها و اشیاء دنیا و فقط بمنظور یادگیری علم برهم بنزد یک گوروی عالم میرود و با فروتنی باو خدمت میکند. سادک در جوار گورو از رفتار و سخنان و اعمال او و همچنین با تحصیل کتب ودا و شاسترا و اوپانیشاد علم برهم را یاد میگیرد و حقیقت یگانه را درمییابد و یکی بودن خود با برهم یگانه را در درون خود تجربه میکند. سادک عالم با درک حقیقت و یکی شدن با برهم کاملاً خرسند و از هر چیز بی نیاز میشود و به مرحله سنیاس میرسد و همه چیز را ترک میکند. این یوگی عالم سنیاسی علم خود را بطور رایگان در اختیار دیگران قرار میدهد و با اعانه های مردم امرار معاش میکند.

~~~~~

यत्साङ्ख्यैः प्राप्यते स्थानं तद्योगैरपि गम्यते।

एकं साङ्ख्यं च योगं च यः पश्यति स पश्यति॥५॥

ترجمه: همان حقیقتی را که یک سادک از روش سانکیا یوگا درک میکند میتواند از روش کارما یوگا نیز درک کند. کسیکه در نظرش دو روش سانکیا یوگا و کارما یوگا یکی هستند این دو روش را درست فهمیده است.

تفسیر: آنها که معنای صحیح کارما یوگا و سانکیا یوگا را فهمیده اند باین نتیجه رسیده اند که نتایج نهائی هر دوی این روشها یکی است. علیرغم اینکه این دو روش مختلف هستند ولی هر دوی آنها به درک پرماتما منتهی میشوند. در روش انجام وظایف (کارما یوگا) سادک وظایفش را تمام میکند و خواسته ها و هوسها او را ترک میکنند و او علم برهم را میفهمد و

در ماوراء مادیات به حالت نورانی میرسد. در سانکیا یوگا سادک از ابتداء با اعتقاد باینکه تمام اشیاء دنیا فانی هستند آنها را ترک میکند و به کسب علم برهم میپردازد و با یادگیری این علم به ماوراء مادیات میرسد. در هر دوی این روشها سادک در ماوراء ماده شکل حقیقی خود را که نور علم برهم است در درون خود رؤیت میکند.

بعد از موفقیت در هر یک از این دو روش چهار موضوع مهم زندگی یعنی تلاش برای زنده ماندن، ترس از مردن، علاقه به جمعآوری اشیاء دنیا و احساس مالکیت در وجود سادک برای همیشه از بین میروند. در هر دوی این روشها آرزوی حاصل کردن و ترس از دست دادن اجسام دنیا بی معنی میشود. انسان در واقع بخاطر علاقه به جسم خود از مرگ میترسد و میخواهد که برای همیشه جاودان بماند! زندگی و مرگ فقط برای جسم است و روح انسان جاودان است! روح نه زندگی میکند و نه میمیرد. بعد از کسب علم برهم سادک میفهمد که او این جسم نیست بلکه روح ابدی است و جاودان بودن خود را میفهمد و ترس از مرگ در وجودش از بین میرود.

انسان با دیدن کمبودهایش برای یافتن اشیاء دنیا تلاش میکند. کسیکه خود را شناخته و میداند که او در حقیقت جزئی از پرماٲما است و هیچ کمبودی ندارد هیچ تلاشی برای یافتن و اندوختن اشیاء دنیا نمیکند ولی اگر بر حسب اتفاق و سرنوشت چیزی باو داده شود قدر آنرا میداند و از آن بطور درست استفاده میکند.

در کتب شاسترا در باره یوگای علم و یوگای اعتقاد و ایمان پاک گفتگوهای بسیاری شده است ولیکن در باره یوگای انجام وظیفه باندازه کافی گفتگو نشده و مردم آگاهی کاملی در باره آن ندارند. در گیتا شیری کریشنا بغوان گفته که این روش بسیار قدیمی بسیار ساده است. انسان بعضی مطالب دشوار را راحت تر از مطالب ساده یاد میگیرد و تصور میکند که مطالب پیچیده و دشوار با ارزشتر از مطالب ساده میباشند! ولی اینطور نیست.

بغوان میگوید که این روش مثل روش علم بسیار با ارزش است و سادک همانطور که بتوسط درک علم میتواند به پرماٲما برسد بتوسط انجام وظیفه نیز میتواند به پرماٲما برسد. در کتب شاسترا در باره اهمیت انجام وظیفه تعاریف بسیاری نوشته شده و گفته شده است که: سادک کارما یوگی آنچنان به انجام وظیفه اش معتقد است که برای او انجام وظیفه بمنزله پرستش

خدایان است. سادک کارمایوگی برای خودش چیزی نمیخواهد بلکه بخاطر خوشی دیگران کار میکند و از قید کارها رها میشود.

سادک کارمایوگی بعد از رهایی از قید کارها یکی از دو روش علم و یا ایمان را انتخاب میکند. در کتاب شیریمادبهاگود ماهاپوران نوشته شده است که کارمایوگا یک روش صحیح و کامل برای رسیدن به موکشا میباشد:

युक्तः कर्मफलं त्यक्त्वा शान्तिमाप्नोति नैष्ठिकीम्

دنیا ناآرام و پر از جنب و جوش است ولی پرماتما آرام و یکنواخت است. بهمین دلیل نیز رسیدن به پرماتما فقط با قطع رابطه با کار و فعالیتها امکان پذیر است. کسانی که تصور میکنند که میتوانند از لذات دنیای مادی بهره مند شوند و در ضمن مسرت پاک درک پرماتما را نیز حاصل کنند در اشتباه هستند.



सन्न्यासस्तु महाबाहो दुःखमाप्तुमयोगतः।

योगयुक्तो मुनिर्ब्रह्म नचिरेणाधिगच्छति॥६॥

ترجمه: ای ارجون! موفقیت در سانکیا یوگا بدون انجام دادن وظایف خود دشوار است. یک کارمایوگی خردمند و مصمم خیلی زود به درک برهم میرسد.

تفسیر: هدف نهائی روش سانکیا یوگا تجربه پرماتما میباشد، حقیقی که در ماوراء ماده است. ولیکن تا زمانی که سادک به اشیاء مادی دنیا علاقمند است نمیتواند باین هدف برسد.

در هر دو روشهای سانکیا یوگا و گیان یوگا سادک به تحصیل علم برهم میپردازد! تنها فرق بین این دو روش این است که در روش سانکیا یوگا سادک معتقد به برهم ساکار است ولی در روش گیان یوگا سادک معتقد به برهم نیرآکار میباشد. در روش گیان یوگا سادک بعد از کسب علم و رسیدن به درک برهم نیرآکار از همه چیز احساس بی نیازی میکند و ارتباطش با همه چیز قطع میشود. او در این مقام خاموشی اختیار میکند و بیاد پرماتما در مسرت بسر میبرد! سادک بعد از حاصل کردن این خصوصیات عالی

بمقام بسیار والای "مونی" میرسد. मुनि: Muni



योगयुक्तो विशुद्धात्मा विजितात्मा जितेन्द्रियः।

सर्वभूतात्मभूतात्मा कुर्वन्नपि न लिप्यते॥७॥

ترجمه: کسی که افکار و احساسات پاک دارد و بر پنج حواس خود تسلط یافته است و معتقد است که روحش در تمام موجودات این جهان گسترده شده یک کارما یوگی است. کارما یوگی علیرغم اینکه کارهای بسیاری انجام میدهد به چیزی علاقمند نمیشود.

تفسیر: تسلط بر حواس بمعنای این است که انسان به چشم و گوش و بقیه حواسش اجازه هرزگی ندهد و نگذارد که بدنبال خواسته هایشان بروند. دلیل ناآرامی افکار و احساسات انسان این است که او به اشیاء دنیا اهمیت میدهد. علاقه به رسیدن به پرماتما باعث میشود که در نظر سادک اشیاء دنیا بی اهمیت شوند.

سادک کارما یوگی احساس میکند که با تمام موجودات دنیا یکی است و بهمین دلیل از خوشی دیگران احساس حسادت نمیکند، به کسی بدبین نیست و خیرخواه همه است. او به همه احترام میگذارد. این شخصیت پاک اتفاقات و شرایط خوب و بد زندگی را آنطور که پیش میآیند قبول میکند.

~~~~~

नैव किञ्चित्करोमीति युक्तो मन्येत तत्त्ववित्।

पश्यञ्शृण्वन्स्पृशञ्जिघ्रन्शनन्गच्छन्स्वपञ्श्वसन् ॥८॥

प्रलपन्विसृजन्गृहणन्नुन्मिषन्निमिषन्नपि।

इन्द्रियाणीन्द्रियार्थेषु वर्तन्त इति धारयन्॥९॥

**ترجمه:** سادک سانکیا یوگی معتقد به پرماتمای ساکار (بغوان) باید همیشه و در هر حال بخاطر داشته باشد که او کننده هیچ کاری نیست! بلکه او باید این واقعیت را بخاطر بسپارد که حواس او در ارتباط با اشیاء دنیا اینکارها را انجام میدهند.

**تفسیر:** همانطور که تمام کارهای دنیا بتوسط طبیعت انجام میگیرند کارهای انسان هم بتوسط همان طبیعت یعنی بتوسط جسم او انجام داده میشوند و روح انسان در آن شرکت ندارد. تا زمانیکه انسان خود را کننده کارها

میدانند یک "سادک" است ولیکن وقتی که در او احساس "کننده بودن" از بین میرود و شکل حقیقی خود یعنی روح پاکش را تجربه میکند باو لقب "عالم" داده میشود یعنی کسیکه حقیقت را شناخته است.

## The Knower of Supreme Soul! तत्त्ववित्

همانطور که بعد از بیدار شدن از خواب ارتباط انسان با چیز هائیکه در خواب دیده قطع میشود ارتباط این عالم نیز با کارها و اشیاء دنیا قطع میشود. در اینجا لقب "عالم" برای آن کسی اطلاق شده که هر دو علم مربوط به ماده و روح را بدرستی فهمیده و درک کرده که پرماتما در ماوراء ماده است، او نه کاری میکند و نه کسی را وادار به کاری میکند. پرماتما شاهد همه چیز و همه کس است. او روشنی بخش تمام این جهان است و در تار و پود هر موجود جاندار و بیجان هست.

تمام کارها بتوسط طبیعت انجام داده میشوند. حواس پنجگانه انسان در مقابل اشیاء مربوط بآنها از خود عکس العمل نشان میدهند و از ارتباط آنها با یکدیگر کارها شروع میشوند و در این فعالیت ها روح انسان ارتباطی با هیچیک از آنها ندارد و فقط شاهد آنها میباشد.

طبیعت همیشه در حال فعالیت و دگرگونی است. وقتی که ما سوار قطار میشویم با حرکت قطار ما هم بجلو میرویم بدون اینکه کاری بکنیم. جسم یک نوزاد از کودکی به جوانی و پیری میرسد، رنگ مو از سیاه تبدیل به سفید میشود و غذا در شکم هضم میشود! سادک سانکیا یوگی اینها را تجربه میکند ولی میدانند که اینکارها مربوط به جسم او هستند و ارتباطی با روح او ندارند.

پایه های هر دو روش سانکیا یوگا و گیان یوگا بر روی علم برهم استوار هستند ولی ایندو روش با هم متفاوتند و فرقشان این است که سانکیا یوگا معتقد به برهم ساکار (برهم دارای جسم و آشکار) است و گیان یوگا معتقد به برهم نیرآکار (برهم عاری از جسم و نهان) است.

سادک سانکیا یوگی این نکته را از گورو میشنود و یاد میگیرد که روحش کننده کارها نیست. ولی فقط یادگرفتن کافی نیست! او بتدریج خودش این حقیقت را تجربه میکند و درمییابد که روح او با روح متعال یکی بوده و غیرفعال است! او از ازل روشن بوده و روشنی بخش است.

پرماتما ریشه و بنیان طبیعت است! بعبارت دیگر طبیعت از پرماتما بوجود آمده و متعلق باوست! روح انسان نیز ریشه و بنیان جسم انسان است!

بعبارت دیگر جسم انسان از روح انسان بوجود آمده و متعلق بآن است. همانطور که اجسام دنیا جزئی از طبیعت میباشند و از هم جدا نیستند روح انسان هم جزئی از روح متعال است و از هم جدا نیستند!

شخص بیخرد از اتفاقات خوب و بد زندگی گاهی خوشحال و گاهی غمگین میشود! شخص عالم خود را کننده کارها و مسئول اتفاقات زندگی نمیداند و از بروز اتفاقات خوب و بد خوشحال یا ناراحت نمیشود.

نظر سادک باید همیشه بسوی پرماتما و حقیقت باشد. گوروی پخته با نور علم خود راه شاگردش را روشن میکند و شاگردش در آن راه حقیقت را درمییابد و پرماتما را بشکل هستی جاودان، نور جاودان علم و مسرت جاودان تجربه میکند.



ब्रह्मण्याधाय कर्माणि सङ्गं त्यक्त्वा करोति यः।

लिप्यते न स पापेन पङ्मपत्रमिवाम्भसा ॥१०॥

**ترجمه:** کسی که نتیجه کارهای را که میکند به پرماتما تقدیم میکند به کارها دل نمی بندد و بآنها وابسته نمیشود و در نتیجه مرتکب خطائی نمیشود. او مثل برگ گل نیلوفر آبی است که همیشه در آب است ولی خیس نمیشود!

**تفسیر:** پایه جهالت انسان علاقه و وابستگی او به اشیاء دنیا میباشد و با از بین رفتن این علاقه و وابستگی جهالت انسان نیز از بین میرود. خواسته های بیش از اندازه و غیرضروری انسان باعث ناآرامی فکرش میشوند! فکر ناآرام بدنبال کارهای غیرضروری میرود و باعث تولید مشکلات بسیاری میشود! خردمندان بدنبال یافتن آرامش افکار میروند و در صورت راهنمایی و هدایت صحیح به مقصد میرسند.



कायेन मनसा बुद्ध्या केवलैरिन्द्रियैरपि।

योगिनः कर्म कुर्वन्ति सङ्गं त्यक्त्वा तमशुद्धये ॥११॥

**ترجمه:** سادک کارما یوگی تمام وابستگی ها و علاقه به اشیاء را ترک میکند و فقط بمنظور پاکسازی درون خود وظایفش را انجام میدهد.

**تفسیر:** اجسام، املاک و دارائی و تمام چیز هائیرا که انسان

متعلق بخود میداند در واقع متعلق باو نیستند و او باید یکروز آنها را ترک کند و از دنیا برود. تمام چیزهای دنیا متعلق به این دنیا هستند و تصور اینکه آنها اموال ما هستند یک اشتباه است.

فرق یک سادک با مردم دیگر این است که مردم دنیا برای حاصل کردن و جمعآوری اشیاء دنیا کار میکنند ولی یک سادک بمنظور ترک اشیاء دنیا و ترک وابستگی بآنها کار میکند.

با از بین رفتن حس مالکیت درون انسان پاک میشود. تا زمانیکه انسان برای منافع خودش کار میکند ناخالصیهای درونش از بین نمیروند. همانطوریکه ابرها میبارند و زمین را آبیاری میکنند شخص کارما یوگی هم بدون هیچگونه توقعی به همه خدمت میکند.

~~~~~

युक्तः कर्मफलं त्यक्त्वा शान्तिमाप्नोति नैष्ठिकीम्।

अयुक्तः कामकारेण फले सक्तो निबध्यते ॥१२॥

ترجمه: آن سادک کارما یوگی که با صداقت و قابلیت وظایفش را انجام میدهد ثمرات کار هایش را ترک میکند و بآنها دلبسته نمیشود و در نتیجه به آرامش درون میرسد. ولیکن کسیکه قابلیت انجام وظیفه را ندارد از هر کاری برای خودش فایده ای میخواهد. او به ثمره کار هایش دل میندند و در قید کار و اشیاء گرفتار میشود و هرگز به آرامش درون نمیرسد.

تفسیر: کسیکه هدفش در زندگی رسیدن به آرامش درون است یک یوگی است.

कर्मफलं त्यक्त्वा leave the fruit of your actions.

اعمال گذشته انسان سرنوشت امروز او را میسازند و اعمال امروز او سرنوشت آینده او را میسازند. سادک کارمایوگی به نتایج کار هایش وابسته نیست و با هرچه که پیش میآید راضی است! این سادک در تولد بعدی در خانواده ای متولد میشود که افراد آن مردان عالم و یوگی میباشند.

انسان بخاطر علاقه ای که به اشیاء دنیا دارد نمیتواند لحظه ای بیکار بنشیند و همیشه بکاری مشغول است و همیشه نگران فایده و زیان کار هایش است!

کتاب شاسترا ترک کارها و وظایف شخصی را به کسی توصیه نکرده است!

عده ای از مردم نیک سیرت با تحمل ریاضتهای دشوار به مقام بغوان رسیده اند. این نیز گفته شده که بتوسط ذکر نام بغوان، ریاضت، تمرکز فکر، گوش کردن به سخنان عالمان، تحصیل کتب مقدس، اندیشه عمیق و غیره حقیقت پاک در جلوی چشم سادک ظاهر میشود.

پر ماتما همیشه در هر زمان در هر جا و هر سرزمین، هر چیز و در هر موجود جاندار و بیجان همیشه موجود است. تمام این جهان شامل ستارگان و سیارات و تمام کهکشانها در پر ماتما است و متعلق باو میباشد. هیچکس و هیچ چیز از پر ماتما جدا نیست! انسان نادان اجسام دنیا را متعلق بخود میداند و پر ماتما از نظرش دور میشود. قطع رابطه با اشیاء و کارها زمانی امکان دارد که سادک هوس ها را ترک کند. بمحض قطع ارتباط با اشیاء دنیا سادک وجود پر ماتما را در همه جا و همه چیز احساس میکند.

پر ماتما را با هیچ چیزی نمیتوان خرید زیرا اگر تمام چیزهای دنیا هم با هم جمع شوند نمیتوانند با نور ابدی، آن پر ماتمای فنا ناپذیر برابری کنند. در اثر قطع رابطه با دنیای مادی در وجود سادک یکنوع آرامش ایجاد میشود و سادک احساس مسرت میکند و با خود میگوید "من احساس آرامش میکنم!" تا زمانیکه سادک داشتن چیزی را "احساس میکند" میتوان گفت که هنوز با جسم خود و دنیا در ارتباط است و یوگای آرام و یکنواخت را هنوز تجربه نکرده است.

انسان همیشه در تلاش یافتن چیزهائی است که ندارد! ولی پر ماتما از ازل و خود بخود در انسان هست و کسیکه برای بدست آوردنش تلاش میکند در اشتباه است.



सर्वकर्माणि मनसा सन्न्यस्यास्ते सुखं वशी।

नवद्वारे पुरे देही नैव कुर्वन्न कारयन्॥१३॥

ترجمه: آنکه بر عقل و حواس خود مسلط است تمام کارها را از فکرش بیرون میکند و بدون اینکه کاری بکند و یا کسی را وادار به کاری کند در حالت طبیعی یعنی در کمال مسرت زندگی میکند.

تفسیر: انسان فقط زمانی میتواند بر عقل و حواس خود مسلط باشد که هیچ هوس و خواسته ای نداشته باشد. شخص سانکیا یوگی هیچ آرزویی ندارد و به چیزی یا کسی وابسته نیست. بهمین دلیل چیزی یا کسی نمیتواند او را در قید خود نگاهدارد. انسان تا زمانی که کمبود چیزی را احساس میکند سعی میکند آنرا حاصل کند و در این شرایط در اختیار خواسته هایش خواهد بود و آنها او را بدنبال خود خواهند کشید.

عالم سانکیا یوگی اصل خودش را شناخته و میداند که او یک جسم نیست. او میداند که در این جسم که دارای نه دروازه است زندگی میکند و از طریق این نه دروازه یعنی از طریق دو چشم – دو گوش – دو سوراخ بینی – دهان – معقد و مجرای ادرار با دنیای بیرون در ارتباط است. کسی که خود را شناخته کارهای بیهوده و غیرضروری را ترک میکند و در آرامش و مسرت زندگی میکند. شخص عالم به تجملات اهمیت نمیدهد. او به سادگی زندگی میکند و علاقه ای به انباشتن اشیاء و اموال غیرضروری ندارد.

عالم یوگی خودش نور حقیقت است، نوری که در آن جسم خود و این دنیا را بوضوح میبیند و شاهد اتفاقاتی است که در آن بوقوع میپیوندند. هر روز با طلوع خورشید نور خورشید در همه جا پراکنده میشود و مردم دنیا در این نور بکارهای خود مشغول میشوند ولی خورشید خودش کاری نمیکند و کسی را وادار بکاری نمیکند و کسی را از کردن کاری منع نمیکند. روح انسان نیز مثل نور خورشید در ماوراء کار و اشیاء است. عالم سانکیا یوگی این حقیقت را درک میکند که او نه تنها نورانی است بلکه خودش آن نور است.

مسرت پاک یکنواخت و بی نظیری را که یک عالم سانکیایوگی همیشه احساس میکند با هیچیک از خوشیهای دنیا نمیتوان مقایسه کرد.



न कर्तृत्वं न कर्माणि लोकस्य सृजति प्रभुः।

न कर्मफलसंयोगं स्वभावस्तु प्रवर्तते॥१४॥

ترجمه: بغوان به کارها و اعمال کسی توجهی ندارد. طبع مردم آنها را وادار به کار کردن میکند و باین ترتیب کارها تولید میشوند. بغوان فقط شاهد کارها است. او نه کاری میکند، نه کسی را وادار به کاری میکند، نه کسی را از کردن کاری منع میکند و نه کسی را تنبیه یا تشویق میکند.

تفسیر: گروهی معتقدند که این جهان یکبار خلق شده است و یکبار نابودخواهد شد ولی در واقع این جهان بطور متداوم خلق میشود و از بین میرود. ایشور در ماوراء این جهان است و اتفاقاتی که در آن بوقوع میپیوندند بر او تأثیری نمیگذارند.

تمام کارها بتوسط طبیعت انجام میگیرند ولی انسان نادان خود را مسئول کارها میداند. این جهالت را انسان میتواند از بین ببرد. ایشور کسی را وادار به انجام کار خوب یا بدی نمیکند. هر کسی مسئول نتیجه کارهای خودش است یعنی هر کسی نتیجه اعمال خود را دریافت میکند.

انسان هرکاری را مطابق طبع خودش انجام میدهد. تا زمانی که انسان فرق بین چیزها را میبیند یعنی تا زمانی که در نظر انسان کسی خوب و دیگری بد است یا چیزی زشت و چیز دیگری زیباست افکار و احساساتش پاک نخواهد شد. طبع پاک انسان او را از قید خواسته های غیرضروری رها میکند.

دنیا یک مسافرخانه است و انسان یکروز باید آنرا ترک کند ولیکن انسان نمیخواهد این واقعیت را قبول کند! سادک این حقیقت را قبول میکند و علاقه و وابستگی به اشیاء دنیا او را ترک میکنند.



नादते कस्यचित्पापं न चैव सुकृतं विभुः।

अज्ञानेनावृतं ज्ञानं तेन मुहयन्ति जन्तव ॥१५॥

ترجمه: پرماثما همه چیز و همه کس را میبیند ولی توجهی به کارهای خلاف و یا کارهای خیر کسی ندارد. جهالت روی علم انسان را پوشانده و تمام مردم دنیا شیفته کارها و اشیاء دنیا شده اند.

تفسیر: آفتاب بطور یکسان بر روی همه چیز و همه کس میتابد و مردم نسبت به طبع خودشان بکارهای درست و غلط میپردازند ولی آفتاب به هیچیک از آنها توجهی ندارد و گناه و صوابی بکسی نمیدهد. بهمان صورت نیز نور پرماثما بطور یکسان بر روی همه میتابد و علم خود را به همه میدهد و هر کسی نسبت به طبع خود از آن علم بهره میگیرد! انسان غافل و بیخرد خود را کننده کارها تصور میکند و ثمره کارهایش را بصورت خوشیها و غمها دریافت میکند. سادک سانکیا یوگی خود را کننده کار نمیداند و از خوشیها و غمهای حاصله از کارهایش دوری میکند. جسم انسان مثل

چیزهای دیگر دنیا دائماً در حال تغیر و دگرگونی میباشد ولی روح انسان هرگز تغیر نمیکند. کسیکه متوجه این حقیقت میشود دارای علم و باخرد است.

عقل انسان قادر به شناخت کامل پرماتما نیست! عقل انسان حتی طبیعت را که خودش جزئی از آن است نمیتواند بدرستی بشناسد چه رسد به پرماتما که در ماوراء طبیعت است. پرماتما نور ابدی علم است و کتبی که انسان با عقل ناقص خود در باره او نوشته ناقص خواهد بود. عقل انسان فقط جسم خود و اجسام مادی دنیا را میشناسد و قادر به درک حقایق خارج از محدوده جسم و طبیعت مادی نیست. علمی که در ذات انسان هست برتر از عقل او است. آن کسی که به علم ذاتی خود واقف شده به تکامل رسیده است و فقط در محدوده جسم زندگی نمیکند. حیوانات فقط تا حد جسم را میشناسند و در محدوده جسم خود زندگی میکنند یعنی میخورند و میخوابند، بزرگ میشوند، زاد و ولد میکنند و خوشی و ناخوشی را تجربه میکنند و یکروز میمیرند. هدف حیوانات در زندگی پیدا کردن خوراک، حفظ جانشان و فرار از خطر است. هدف اصلی زندگی انسان رسیدن به حقیقت یگانه ای است که در ماوراء خوشیها و غمهای مربوط به جسم است. انسان جاهل دستخوش هوس و خواسته های بیشمار می شود و بدنبال خوشیهای زودگذر غمهای بسیاری را تجربه میکند.

همانطور که تاریکی شب قادر به از بین بردن روشنی روز نیست، جهل انسان هم نمیتواند علم او را از بین ببرد. جهالت فقط روی عقل انسان را میپوشاند و سادک بکمک علم ذاتی خود جهالتش را از بین میبرد. غرور باعث بوجود آمدن شخصیت ساختگی انسان میشود. اگر این شخصیت ساختگی از بین برود چیزی بنام کوچک و بزرگ، ثروتمند و فقیر، درست و غلط برایش باقی نخواهد ماند.

کسیکه خود را یک جسم تصور میکند هنوز شکل حقیقی خود را نشناخته است.

तेन मुह्यन्ति जन्तवः Man without wisdom is an animal.

انسان بیخرد یک حیوان است. حیوانات هم میخورند و میخوابند، بزرگ میشوند و زاد و ولد میکنند و یکروز میمیرند ولی هدف انسان خردمند فقط این چیزها نیست.

مهمترین وظیفه انسان این است که خودش را بشناسد. شناخت خویش بهترین هدیه انسان بخودش اس زیرا بعد از شناختن خویشتن انسان به سعادتی میرسد که هیچیک از اشیاء دنیا، مقام اجتماعی و یا ثروت و املاک نمیتوانند باو بدهند. شخص جویای علم و درک حقیقت جاودان و علاقمند به شناخت خویشتن سادک نام دارد **साधक An Ascetic**.



ज्ञानेन तु तदज्ञानं येषां नाशितमात्मनः।

तेषामादित्यवज्ज्ञानं प्रकाशयति तत्परम्॥१६॥

ترجمه: تو بتوسط علم بر جهالت خود غلبه کن و همان علم مثل خورشید درخشان حقیقت یگانه را برایت روشن خواهد کرد و تو قادر به دیدن پرماتما خواهی شد.

تفسیر: خورشید پنهان شده در پشت ابر باعث روشنی ابر میشود! بهمان صورت نیز کسیکه جهالت خود را قبول میکند دیر یا زود به علم ذاتی که در درون خودش هست میرسد! در حقیقت همین علم ذاتی نهفته در انسان خود پرماتما است.

دانستن این حقیقت که جسم از روح جدا است جزء مهمی از علم برهم است و تصور اینکه آنها یکی میباشند جهالت است. سادک بدلیل علمی که در اوست از این حقیقت آگاه میشود که "من" این جسمی که هر لحظه تغیر میکند نیستم و اشیائی که هر لحظه تغیر میکنند "مال من" نیستند. با دانستن این حقیقت اشیاء دنیا در نظر سادک بی اهمیت میشوند، گوئی که از نظرش دور میشوند و او دیگر آنها را نمیبیند! با دور شدن اشیاء ساختگی دنیا از نظر سادک حقیقت یگانه در جلوی چشمانش ظاهر میشود. سادک در آن شرایط در همه جا پرماتما را میبیند و تجربه میکند که او از پرماتما دور نیست. روشنائی نور آفتاب چیزهای جدیدی را بانسان نشان نمیدهد بلکه همان چیزهاییکه در تاریکی دیده نمیشدند در روشنی نور آفتاب دیده میشوند! بهمان ترتیب نور علم وجود پرماتما را که در تاریکی جهالت از نظر دور بود بانسان نشان میدهد.

با دادن خیرات، انجام دادن خدمات خیریه، رفتن به زیارتگاهها، ریاضت کشیدن و غیره انسان میتواند صواب بسیاری کسب کند و به بهشت

برود ولی هیچیک از اینها نمیتوانند جهالت او را از بین ببرند! تاریکی جهالت فقط با کسب علم برهم از بین میرود.



तदबुद्ध्यस्तदात्मानस्तन्निष्ठास्तत्परायणाः।

गच्छन्त्ययुनरावृत्तिं ज्ञाननिर्धूतकल्मषाः॥१७॥

ترجمه: سادگی که فکر و قلبش به پرماتما علاقه و ایمان دارد و همیشه بیاد اوست بکمک علم برهم گناهانش از بین میروند و به موکشا میرسد. بعد از رسیدن به موکشا سادک موکتا برای همیشه در آن مقام میماند.

تفسیر: وقتی که سادک بوجود پرماتما ایمان میآورد درک میکند که پرماتما در همه جا هست و جز او چیز دیگری در این جهان نیست! تا زمانی که انسان وجود پرماتما را قبول نکند و او را دوست نداشته باشد نمیتواند یکی بودن خود را با پرماتما تجربه کند.

حقیقت را فقط بلطف گورو میتوان درک کرد. اجسام دنیا ناقص هستند و به یک جا و مکان خاص و مدت زمان کوتاهی محدود میباشند. اجسام ناقص بدنیا میآیند و از دنیا میروند ولی آنکه کامل و جاودان است نه بدنیا میآید و نه از دنیا میرود.

عالمان پارسائی که یکی بودن خود را با پرماتما تجربه کرده اند نیازی به این سو و آنسو رفتن ندارند و از همه چیز بی نیاز هستند. علم برهم را باید از یک گورو یاد گرفت. معلم در مقابل پولی که دریافت میکند دانشی را که یاد گرفته در اختیار شاگردانش میگذارد ولی گورو را با پول یا چیز دیگری نمیتوان خرید.

گوروی کامل به مادیات و خوشیهای دنیا علاقمند نیست، در ازای علم خود از شاگردانش توقع دریافت پول یا چیز دیگری را ندارد، ثروت، شهرت، تحصیلات، زیبایی، مقام اجتماعی و یا شهرت خانوادگی شاگرد برایش اهمیت ندارد و با همه بطور یکسان و بیطرفانه رفتار میکند.



विद्याविनयसम्पन्ने ब्राह्मणे गवि हस्तिनि।

शुनि चैव श्वपाके च पण्डिताः समदर्शिनः॥१८॥

ترجمه: عالمان خردمند در همه جا و همه چیز پرماتما را میبینند. برای آنها یک برهمن عالم، یک نفر از طبقهٔ پائین اجتماع، یک گاو و فیل و حتی یک سگ هم بطور یکسان قابل احترام هستند.

تفسیر: مردان برهمن بخاطر پیروی از اصول پاک درستکاری، راستگوئی، زهد و پارسائی ارج خاصی در اجتماع دارند. شخص برهمن بعد از کسب کامل علم برهم به تکامل میرسد. فروتنی نشانهٔ خاص یک برهمن است زیرا کسی که به تکامل رسیده در او هیچگونه غروری باقی نمیماند.

رسیدن به آرامش درون آسان نیست! این چیز ساده ولی بسیار با ارزش است و اثر بسیار مهمی در زندگی انسان دارد! کسیکه بر افکار و احساساتش پیروز شده و در هر حال و شرایطی آرام است در واقع بر دنیا پیروز شده و در همین دنیا در حالیکه مثل دیگران زندگی میکند پرماتما را تجربه میکند. کسی که توجهی به وضع ظاهر و دارائی مادی کسی ندارد یک یوگی است که به تکامل رسیده و برترین انسان میباشد.

تا زمانیکه انسان بفکر منافع و خوشی خودش باشد فکرش همیشه ناآرام خواهد ماند. مثل آفتاب که بدون توجه به رنگ و نژاد و ملیت و معتقدات مردم به همه بطور یکسان میتابد و نور و گرمای خود را در اختیار همه میگذارد و مثل آب روان که عطش همه را بطور یکسان فرو مینشاند کسی هم که بآرامش درون رسیده رفتارش با همه یکسان و پر از محبت است.

همانطوریکه مورچه یک دانهٔ شکر را در توده ای از خاک تشخیص میدهد و آنرا در دهانش برمیدارد و به لانه اش میبرد سادک جویای حقیقت نیز حقیقت یگانه را در دنیائی پر از اشیاء ساختگی تشخیص میدهد و آنرا در درون خود حفظ میکند و پرورش میدهد.



इहैव तैर्जितः सर्गो येषां साम्ये स्थितं मनः।

निर्दोषं हि समं ब्रह्म तस्मादब्रह्मणि ते स्थिताः॥१९॥

ترجمه: کسیکه افکار و احساساتش آرام و یکنواخت هستند در واقع بر تمام دنیا پیروز شده و در زندگی به موکشا رسیده است. همانطور که برهم بی ایراد و کامل است او هم به حالت برهم رسیده و کامل شده است.

تفسیر: اگر سادک به فرق ظاهری بین مردم و چیزها اهمیت ندهد در درون خود احساس آرامش خواهد کرد. یک یوگی مثل دیگران میخورد و میخوابد و کار میکند ولی فرقتش با آنها این است که او احساس میکند که هیچگونه کمبودی ندارد! و درونش هر کسی در دنیا اگر بخواد میتواند باین درجه والا برسد.

کسیکه نمیتواند خواسته هایش را ترک کند همیشه کمبود چیزی را احساس میکند و یک انسان شکست خورده است. حاصل کردن چیزهای کوچک و بزرگ دنیا پیروزیهای دروغین هستند. حتی حیوانات هم هر روز موفقیت‌هایی کسب میکنند و چیزهایی را بدست میآورند ولی اینها پیروزی نیستند! پیروزی حقیقی آن است که انسان بر خواسته هایش پیروز شود. احساس کمبود اشیاء باعث پیدا شدن خواسته های انسان میشود. خواسته های انسان او را مطیع خود میکنند و همین مطیع بودن دلیل شکست انسان است.

پرماتما هیچگونه ایرادی ندارد و هیچ خللی در او نیست. هر نقص و ایرادی که هست در طبیعت بوجود میآید و جسم انسان هم که جزئی از طبیعت مادی است این نقص ها را در خود دارد. پرماتما حقیقت کامل، آرام و بیحرکت است و عالمان بزرگی که به درک این حقیقت رسیده اند نیز در این حالت آرام و یکنواخت بسر میبرند. برای این مردان عالم که به اوج یوگا رسیده اند داشتن یا نداشتن چیزها بی اهمیت است. با رؤیت این عالمان بزرگوار دیگران بسوی آنها جلب میشوند و در جوار آنها صفات عالی در آنها نیز پرورش مییابد! این حالت آرامش درون "یوگا" در گیتا خوانده شده است. یوگا بمعنای درک اتحادی است که بین روح انسان و روح متعال وجود دارد.

شیری کریشنا میگوید: "بیطرف بودن و دیدن همه بطور یکسان بالاترین نقطه اوج یوگا است".

समत्वं योग उच्यते

Viewing all equally is the highest stage of Yoga

تمام درد و نگرانی ها، مصائب و مشکلات و گناهان بخاطر علاقه به جماعوری اشیاء فانی دنیا بوجود میآیند. یوگی بسوی این اشیاء متمایل نمیشود و بهمین دلیل فکرش همیشه آرام و یکنواخت است.

~~~~~

न प्रहृष्येत्प्रियं प्राप्य नोद्विजेत्प्राप्य चाप्रियम्।

स्थिरबुद्धिरसम्मूढो ब्रह्मविद् ब्रह्मणि स्थितः॥२०॥

**ترجمه:** کسی که با دریافت چیزی هیجانزده نمیشود و با از دست دادن آن افسرده و نگران نمیشود شخص عالمی است که برهم (پرماثما) را شناخته و مثل او شده است.

**تفسیر:** روح انسان با روح متعال یکی است و از او جدا نیست! فقط دانستن این علم کافی نیست و سادک باید آنرا در درون خود احساس و تجربه کند! این حقیقتی است که سادک برای رسیدن بآن تلاش میکند و آنرا در درون خود پیدا میکند. کسی که پرماثما (برهم) را شناخته و با او یکی شده غرورش کاملاً از بین میرود و نمیتواند در باره تجربه اش چیزی بیان کند زیرا او برای بیان تجربه اش نیاز به غرور دارد! در واقع کسی نمیتواند بگوید که چه کسی برهم را شناخته است! کسی که با برهم یکی شده خودش هم نمیداند که باین مقام رسیده است زیرا "دانستن" هم یکنوع غرور است! تا زمانی که غرور هست حقیقت را نمیتوان تجربه کرد! در این مقام شخص یوگی آن غروری را که بگوید "من برهم هستم" ندارد. حقیقت یعنی برهم یگانه در قلب کسی که باو ایمان کامل دارد ظاهر میشود!

تا زمانی که سادک عالم میداند که با برهم یکی است غرور "دانستن" مثل یک دیوار بین او و برهم قرار میگیرد و از یکی شدن کامل او با برهم جلوگیری میکند!

~~~~~

बाह्यस्पर्शेष्वसक्तात्मा विन्दत्यात्मनि यत्सुखम्।

स ब्रह्मयोगयुक्तात्मा सुखमक्षयमश्नुते॥२१॥

ترجمه: سادکی که علاقه به اجسام ساختگی دنیا ندارد و خود را از آنها بی نیاز میداند در درون خود خوشی پاک ساده ای را احساس میکند.

تفسیر: در اثر تماس جسم انسان یعنی حواس پنجگانه اش با اشیاء مربوط بآنها خوشیهای جسمانی ایجاد میشوند. در اینجا سخن از آن سادگی است که علاقه اش به این خوشیها تمام شده و اشیاء دنیا برایش بی تفاوت شده اند. کسیکه هنوز هم به لذات دنیائی میل دارد ولی هدفش ترک آنها میباشد او هم یک سادک است زیرا در این راه هدف و خواسته انسان اهمیت بسیار دارد.

این یک توهم است که انسان بدون جمعآوری اشیاء و اموال نمیتواند زندگی کند. انسان در واقع بدون اشیاء اضافی و غیرضروری درست زندگی میکند. بعضی از سادکها که اشیاء دنیا را ترک کرده اند بخود میبالند و خود را برتر از دیگران میدانند! سادگی که حتی این غرور را هم ترک میکند یکی بودن خود را با پرماثما تجربه میکند.

Unqualified Bliss **ऐकान्तिक सुख** سادک با رسیدن به سادگی و مسرت درون بطور طبیعی بسوی پرماثما جذب میشود. شوق دیدار پرماثما عشق پاک و کمیابی است که در ماوراء مایا است و ارتباطی با جسم ندارد. این عشق بی نظیر فقط نصیب اشخاص بسیار ساده و بیریا میشود.



ये हि संस्पर्शजा भोगा दुःखयोनय एव ते।

आद्यन्तवन्तः कौन्तेय न तेषु रमते बुधः॥२२॥

ترجمه: ای پارسا! آن خوشی که انسان از حاصل کردن اشیاء مورد علاقه اش احساس میکند زودگذر است و در بسیاری از موارد بدنالش ناراحتی و پریشانی خاطر بوجود میآید. شخص خردمند بسوی این خوشیها تمایل پیدا نمیکند.

تفسیر: کتب شاسترا هر نوع خوشی و لذت جسمانی را برای سادک منع کرده است زیرا آنها پیشرفت سادک را در رسیدن به هدفش به تعویق میاندازد.

عیش و نوش و خوشگذرانی عقل انسان را کودن میکند. سادک خردمند معتقد است که او بدون لذات زودگذر دنیا هم میتواند زندگی کند و از آنها اجتناب میکند.

خوشیهای دنیا دلیل پیدایش غمها هستند و شخص خوشگذران نمیتواند از غم فرار کند. تمام خوشیهای دنیا در ابتداء لذتبخش بنظر میآیند ولی در آخر برای انسان باعث درد و غم میشوند. سادک خردمند به خوشیهای دنیا اهمیت نمیدهد و در صورتیکه چیزی را حاصل کند بدون اینکه بآن وابسته شود و احساس مالکیت کند از آن چیز آنطور که در شاسترا نوشته شده برای کمک بدیگران استفاده میکند.



शक्नोतीहैव यः सोढुं प्राक्शरीरविमोक्षणात्।

कामक्रोधोद्वभं वेगं स युक्तः स सुखी नरः॥२३॥

ترجمه: کسیکه بر هوس ها و خشم خود مسلط شده و در مقابل شهوت ایستادگی میکند مسلماً یک یوگی است و به مسرت حقیقی رسیده است.

تفسیر: انسان از وجدان آگاه برخوردار است! وجدان آگاه انسان در نور علم ابدی روشن است ولی در حیوانات بطور پوشیده مانده است. حیوانات فقط برای زنده ماندن، تولید مثل و حفظ جان خود در مقابل خطرات تلاش میکنند. حتی مقدار آگاهی خدایان بهشتی هم کمتر از انسان است زیرا آنها در بهشت سرگرم خوشگذرانی و لذات جسمانی هستند و روی علم آنها پوشیده مانده است. وقتیکه مقدار صوابهای این خدایان تمام شود آنها مجدداً بشکل انسان یا حیوان بر روی زمین بازگردانده میشوند.

پرماتما نور علم ابدی است! او همیشه بوده و خواهد ماند. او در همه جا گسترده شده و بطور یکسان بر همه میتابد ولی غرور و هوس جلوی عقل او را میگیرند و انسان جاهل از دریافت این نور ابدی بی نصیب مماند. هوس و غرور دو دشمن اصلی انسان هستند و تمام صفات و خصوصیات ناپسند بدنبال این دو دشمن بوجود میآیند.

برای مقابله با هر مشکلی شناختن آن مشکل ضروری است. با صبوری و غلبه بر هوسها انسان میتواند موفقیت های بسیاری کسب کند.



योऽन्तःसुखोऽन्तरारामस्तथान्तर्ज्योतिरेव यः।

स योगी ब्रह्मनिर्वाणं ब्रह्मभूतोऽधिगच्छति॥२४॥

ترجمه: سادک سانکیا یوگی معتقد به حقیقت است و از تحصیل علم برهم لذت میبرد و مهمترین هدفش در زندگی درک برهم میباشد. اشیاء و خوشیهای زودگذر دنیا او را راضی نمی کنند. این سادک به نیروان برهم خواهد رسید.

تفسیر: فلسفه "اعتقاد به یگانگی برهم" معتقد است که برهم یگانه و حقیقت ابدی است و بجز او تمام این جهان و موجودات جاندار و بیجان و هر چه که دیده میشود "ساخته مایا و دروغین" میباشند. عالمانیکه معتقد باین فلسفه هستند برهم گیانی نام دارند.

فلسفه "اعتقاد به دوگانگی برهم" سانکیا نام دارد و معتقد است که علاوه بر برهم یگانه که در ماوراء جهان مادی است این جهان مادی نیز حقیقت ابدی و کامل است Sankhya Yoga सांख्य योग. سادک سانکیا یوگی معتقد است که برهم از شکل یکپارچه نهان خود به هزاران شکل مادی در آمده و آشکار شده و دیده میشود. سادک سانکیا یوگی معتقد است که برهم یگانه و جهان مادی هر دو حقیقی میباشند. سادک سانکیا یوگی معتقد به شکل جسمانی پر ماتما که بغوان نام دارد میباشد و هدفش رسیدن به بغوان و یکی شدن با او است!

نیروان برهم: Nirvan Brahm نیروان بمعنای آرامش کامل درون است. نیروان برهم کامل، ابدی، فنا ناپذیر، تغیر ناپذیر، بی حرکت، عاری از فعالیت و بی عیب است. کسیکه از همه چیز دنیا میگذرد و هوسها را ترک میکند به نیروان میرسد!



लभन्ते ब्रह्मनिर्वाणमृषयः क्षीणकल्मषाः।

छिन्नद्वैधा यतात्मानः सर्वभूतहिते रताः॥२५॥

ترجمه: کسیکه بر افکار و احساساتش مسلط است، آنکه بر حواس و خواسته هایش مسلط است، آنکه پرهیزکار و خیرخواه همه است، آنکه به کسی شک نمیکند و از کارهای غیر ضروری اجتناب میکند به نیروان برهم میرسد.

تفسیر: سادک با انضباطی که هدفش رسیدن به شناخت حقیقت و یکی شدن با پر ماتما است علاقه به اشیاء دنیا او را ترک میکند و حواس و

افکارش خود بخود آرام میشوند. این سادک بکسی دل نمی بندد و با کسی دشمنی نمیکند.

بزرگترین سد راه سادک سانکیا یوگی غرورش است و بهمین دلیل او برای از بین بردن غرورش باید با سادگی و فروتنی به دیگران خدمت کند. سادک باید بدون توجه به فقر و ثروت، سواد و بیسوادی، زشتی و زیبایی، آشنا و بیگانه به همه خدمت کند زیرا پرماتما در همه هست. تا زمانی که سادک برای رسیدن به پرماتما بطور جدی تصمیم نگرفته باشد در فکرش شک و تردیدهایی ایجاد میشوند.

ریشی ها Sage ऋषि عالمان خردمند و عابدان پاکی هستند که علم را از کتاب نیاموخته بلکه آنرا که در درونشان نهفته است بعد از سالیان متمادی در خاموشی و تعمق درمیابند. کتب ودا هزاران سال قبل به ریشی ها الهام شده اند. در زمان قدیم ریشی ها علیرغم اینکه زن و فرزند و وظایف خانوادگی داشتند بدون ترک خانه و خانواده به کسب علم میپرداختند و به درک حقیقت میرسیدند. بنابراین یک سادک مصمم و منظم هم یک ریشی است. برهم همیشه و در همه جا و با همه هست ولی انسان بخاطر جهالتش به جسم خود بیش از اندازه توجه میکند و باشیاء دلبسته میشود و نمیتواند وجود برهم را درک کند. وقتیکه توجه و اهمیت به اشیاء دنیا تمام شود آنموقع حقیقت آشکار میشود و انسان وجود برهم را در همه جا تجربه میکند. هرکاری که شخص عالم انجام میدهد برای دیگران مفید است و او بطور آگاه و ناخودآگاه دیگران را راهنمایی کرده و بآنها کمک میکند.

~~~~~

कामक्रोधवियुक्तानां यतीनां यतचेतसाम्।

अभितो ब्रह्मनिर्वाणं वर्तते विदितात्मनाम्॥२६॥

**ترجمه:** سادک سانکیا یوگی بر خشم و هوسها غالب شده و پرماتما را بشکل آشکار میبیند.

**تفسیر:** عالمان سانکیا یوگی معتقد به هر دو شکل برهم میباشند یعنی آنها معتقدند که برهم به هر دو شکل "آشکار" و "نہان" در همه جا هست. آنها عاری از هرگونه هوس و خشم حقیقت پاک را در درون و در

بیرون از خود میبینند. آنها برهم نهان را در قلب خود و برهم آشکار را در جلوی چشمان خود در همه چیز و همه جای این دنیا میبینند.

شهو، طمع، تکبر، تظاهر، خشم و غرور بیماریهائی هستند که در ارتباط جسم انسان با اشیاء دنیا بوجود میآیند! عالمان سانکیا یوگی ارتباط خود را با اشیاء و کارهای دنیا قطع کرده و شکل حقیقی خود را میشناسند و با حقیقت یگانه یکی میشوند.

سادک بتدریج متوجه میشود که از مقدار خشم و هوسهایش کم شده و بنابراین تصور میکند که به کمال رسیده ولی در واقع تا زمانی که غرور سادک باقی مانده باشد او هنوز به کمال نرسیده است.

~~~~~

स्पर्शान्कृत्वा बहिर्बाह्यांश्चक्षुश्चैवान्तरे भ्रुवोः।

प्राणापानौ समौ कृत्वा नासाभ्यन्तरचारिणौ॥२७॥

यतेन्द्रियमनोबुद्धिर्मुनिर्मोक्षपरायणः।

विगतेच्छाभयक्रोधो यः सदा मुक्त एव सः॥२८

ترجمه: سادک علاقمند به تمرکز فکر با تسلط بر افکار و احساساتش در جای آرام به تمرین پرانایم میپردازد. بالاترین هدف این سادک رسیدن به موکشا است! او با انجام این تمرینات از ترس و خشم و هوس رها میشود. سادک در این مرحله با لقب مونی Muni مُنی شناخته میشود و سکوت کامل اختیار میکند.

تفسیر: سادک کارما یوگی از راه خدمت بدیگران به اشیاء و کارها بی تفاوت میشود و سادک گیان یوگی بکمک کسب علم برهم و تمرکز فکر آنها را ترک میکند. در واقع داشتن اشیاء دنیا ایرادی ندارد بلکه وابسته شدن بآنها و احساس مالکیت نسبت بآنهاست که جلوی پیشرفت سادک را میگیرد.

تمرین پرانایم به منظم و آرام شدن نفس ها و همچنین آرام شدن افکار کمک میکند و خواسته های غیرضروری سادک را ترک میکنند.

رسیدن به موکشا بمعنای رسیدن به پرماتمای نیرآکار میباشد. کسیکه هدفش رسیدن به موکشا است همین هدف او باعث از بین رفتن خواسته ها ناخالصیهای درون او میشود.

مهمترین اصل برای رسیدن به پرماتما اشتیاق، انضباط و جدیت است. هیچ روشی بر روش دیگر برتری ندارد و هر روشی بجای خود درست و با ارزش است.



भोक्तारं यज्ञतपसां सर्वलोकमहेश्वरम्।

सुहृदं सर्वभूतानां ज्ञात्वा मां शान्तिमृच्छति॥२९॥

ترجمه: کسیکه مرا مالک جهان، صاحب ثمره تمام کارها و دوست خیرخواه خود و موجودات دنیا میداند به آرامش درون میرسد.

تفسیر: کسیکه معتقد است که پرماتما در قلب همه ساکن است دیگران را از خود جدا نمیبیند و با همه با خوشروئی رفتار میکند. فرقه‌های ظاهری مردم تأثیری بر او نمیگذارند و او با همه با محبت رفتار میکند.

جسم، عقل، حواس، زن و فرزندان، خانه، شهرت، املاک و بطور کلی زندگی را ایشور به انسان داده است. حق استفاده و لذت بردن از این چیزها بانسان داده شده ولی حق مالکیت آنها بکسی داده نشده است زیرا مالک تمام چیزها فقط ایشور است. هر کسی در ظاهر میگوید که ایشور مالک همه است ولی در واقع خودش را مالک همه چیز میداند. تا زمانیکه انسان خود را مالک این چیزها میداند نمیتواند به آرامش برسد زیرا تا زنده است برای دفاع از حق مالکیت خود در ستیز خواهد بود و همیشه نگران این خواهد بود که آنها را از دست ندهد!

پایان بخش پنجم بهاگواد گیتا — علم برهم

گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون

॥ ॐ श्री परमात्मने नमः ॥

بخش ششم

श्रीभगवानुवाच

अनाश्रितः कर्मफलं कार्यं कर्म करोति यः।

स सन्न्यासी च योगी च न निरग्निरन चाक्रियः॥१॥

ترجمه: شیری بغوان میگوید: کسیکه بدون توقع و اتکاء به کسی وظایفش را انجام میدهد یک سنیاسی و یک یوگی است. سنیاسی فقط آن کس نیست که آتش را ترک کند و یوگی فقط آن کس نیست که کارها را ترک کند!

تفسیر: انسان نباید به اشیاء دنیا متکی باشد و از داشتن آنها احساس کبر و غرور کند زیرا همه چیز دنیا دائماً در حال دگرگون شدن است و هیچ چیز برای همیشه بیک شکل نمیماند. هر چیزی که تغیر میکند یکروز از بین میرود.

شخص خردمند میداند که هر کاری وظیفه او نیست. هر کس باید وظیفه اش را بشناسد و از انجام دادن کارهاییکه باو مربوط نیستند اجتناب کند.

کسیکه کارها و اشیاء دنیا را ترک کرده و برای خود چیزی نمیخواهد

و خیرخواه همه است یک سنیاسی حقیقی است Ascetic सन्न्यासि.

ترک کارها آسان نیست! کسیکه قبل از تمام کردن وظایفش کار کردن را رها میکند نمیتواند یک سنیاسی حقیقی باشد زیرا او هنوز هم در دل هزاران خواسته کوچک و بزرگ دارد. خواسته های این شخص متظاهر یکروز او را وادار بکار میکنند. اکثر مردم تصور میکنند که کسی که کارها و اشیاء دنیا را ترک کرده و در جنگل یا جایی دور از مردم زندگی میکند یک یوگی است. ولی بغوان میگوید که تا زمانیکه حتی ذره ای هم در دل انسان خواسته ای باقی مانده باشد او یوگی نخواهد بود! کسیکه در ظاهر اشیاء را ترک کرده ولی در دل به آنها فکر میکند یک یوگی نیست.

انسان عادت و علاقه به کار کردن دارد و حتی اگر کاری هم نداشته باشد برای خود کاری درست میکند. این عادت فقط با کارکردن از روش کارما یوگا از بین میرود و در غیراینصورت هرگز تمام نمیشود. حتی دیده شده که سادکھائیکه در تنهائی به ریاضت و ذکر نام بغوان میپردازند در وجودشان تمایل بسیاری به راهنمایی دیگران و نجات آنها پیدا میشود. آن کسی که وابستگی و اتکاء بر اشیاء، موجودات و کارها را ترک میکند و فقط وظیفه خود را انجام میدهد یک یوگی و یک سنیاسی حقیقی است.



यं सन्न्यासमिति प्राहुर्योगं तं विद्धि पाण्डव ।

न ह्यसन्न्यस्तसङ्कल्पो योगी भवति कश्चन ॥२॥

ترجمه: ای ارجون! بدان که آنچه را که مردم "سنیاس" میگویند همان "یوگا" است. بدون ترک خواسته ها و رسیدن به یوگا کسی نمیتواند یک سنیاسی بشود.

تفسیر: سنیاس یوگا و یوگای انجام وظایف هردو باعث رهایی انسان از چنگال مادیات و رسیدن به سعادت معنوی میشوند و ثمره هر دوی آنها یکی است. بعبارت دیگر سنیاس و یوگا یکی هستند. خوشیهای مادی و مسرت معنوی در اختیار انسان گذاشته شده اند و هر کسی نسبت به طبع خودش یکی از آنها را انتخاب میکند و از آن لذت میبرد. لذات مادی دروغین نیستند ولی موقتی هستند و در بسیاری از موارد منجر به درد و ناراحتی برای انسان میشوند ولیکن مسرت معنوی پایدار است و باعث ناراحتی انسان نمیشود.

سادکی که یکی بودن روح خود یعنی آتما Atma را با روح متعال یعنی با پرماتما درک کرده است و در مسرت بسر میبرد یک "یوگی" است **योगی Yogi** است. ولی شخص دنیا پرستی که از اجسام و اشیاء دنیا لذت میبرد "بوگی" **भोगी Bhogi** نام دارد. یوگی پرماتما را میپرستد ولی بوگی دنیا را میپرستد. انسان نمیتواند هم یک یوگی باشد و هم یک بوگی!.

اگر چه که روش رسیدن به سنیاس و رسیدن به یوگا با هم فرق دارند معهذا هر دوی این روش ها معتقد به ترک تمایلات جسمانی میباشند. سادک

نباید بخاطر تظاهر و چشم و همچشمی روش خاصی را انتخاب کند بلکه هر کسی باید روشی را که مناسب طبع اوست انتخاب کند.

~~~~~

आरुरुक्षोर्मुनेर्योगं कर्म कारणमुच्यते।

योगारूढस्य तस्यैव शमः कारणमुच्यते॥३॥

**ترجمه:** سادک علاقمند به یوگا یک یوگی محسوب میشود و برای او یکی از روشهای انجام وظیفه و یا کسب علم برهم توصیه شده است. برای رسیدن به یوگا کنترل و تسلط کامل بر پنج حواس خود ضروری است.

**تفسیر:** انسان در حقیقت از ازل مثل پرماتما دارای ذات آرام، نور علم و مسرت جاودان است ولی در ارتباط با اجسام فریبده دنیا اصالت خود را فراموش میکند. تمام اجسام مادی دنیا دائماً در حال فعالیت بوده و حتی برای یک لحظه هم بیکسان نمیانند! بنابراین انسان چطور میتواند در ارتباط با آنها آرام بماند؟ قایقی که بر روی آب قرار دارد با تکانهایش باعث تکان خوردن کسی که در آن نشسته میشود. بهمان ترتیب هم تا زمانی که انسان با کارها و اشیاء دنیا در ارتباط است همیشه فعال و ناآرام خواهد بود. با کار کردن بیش از حد کارهای انسان تمام نمیشوند! کارما یوگا تنها روشی است که راه درست تمام کردن کارها را به سادک نشان میدهد و او را از قید کارها و اشیاء غیرضروری رها میکند!

هدف سادک کارما یوگی رسیدن به یوگا یعنی رسیدن به آرامش درون است ولی رسیدن به آرامش درون هدف نهائی او نیست! هدف نهائی سادک رسیدن به پرماتما است و آرامش درون یک وسیله برای رسیدن به پرماتما میباشد. یوگی خردمند به تجربه این آرامش اکتفا نمیکند و به راهش ادامه میدهد. کسیکه یوگا را تجربه کرده است حتی شرایط بد و اتفاقات ناخوشایند را قبول میکند و هیچ چیز باعث پریشانی خاطرش نمیشود! شخص یوگی فروتن و خیرخواه همه است!

شخص یوگی *Yogi* هم کار میکند و شخص بوگی *Bogi* هم کار میکند ولی هدف آنها با هم فرق دارند. یوگی برای یافتن مسرت درون کار میکند و شخص بوگی برای خوشی جسم خودش کار میکند.

**निर्वाण Nirvan** نیروان بمعنای آرامش کامل و یکنواخت است. نیروان بمعنای موکشا است! نیروان بمعنای رسیدن به سعادت معنوی، نور علم و آرامش لاینقطع است، جایی که در آن هیچ نوع فکر و احساس نیست! در نیروان هیچ چیز و هیچ فعالیتی نیست. در آنجا نه خوشی هست و نه غم و نه هیچ چیز مادی! بعد از درک علم برهم و رسیدن به پرمتامای نیراکار در قلب عالم وارسته عشق بی نظیری برای پرمتامای ساکار پدیدار میشود. این عشق که بدنبال علم برهم پدیدار میشود عشق پاک است **Pure love** **ज्ञानोत्तर प्रेम**. برای رسیدن باین عشق پاک پادشاهان، دانشمندان، ثروتمندان و مالکان بزرگ تمام املاک و دارائی خود را رها میکنند ولی عده نادری بآن میرسند. این عشق پاک را با پول، توانائی جسمانی، شهرت و مقام نمیتوان خرید.

~~~~~

यदा हि नेन्द्रियार्थेषु न कर्मस्वनुषज्जते।

सर्वसङ्कल्पसन्न्यासी योगारूढस्तदोच्यते॥४॥

ترجمه: کسیکه نه به اشیاء دنیا و نه به کارهای دنیا وابستگی دارد و تمام هوسها و خواسته های دنیا ترک کرده یک یوگی است.

تفسیر: سادک به چیزهاییکه حواس او را بسوی خود جلب میکنند یعنی به "صوت، رنگ، لمس، بو، مزه" و هم چنین به اتفاقات و شرایط خوب و بد زندگی و یا تعاریف و سرزنش دیگران نباید توجه نکند. سادک نباید از این چیزها احساس خوشی یا ناراحتی بکند زیرا تمام این چیزها گذرا هستند و بسوی نابودی میروند. استفاده از چیزهاییکه سرنوشت در اختیار انسان میگذارد طبیعی است و ایرادی ندارد ولی آرزوی حاصل کردن آنها برای سادک درست نیست.

سادک باید بداند که هر کاری وظیفه او نیست و از انجام دادن کارهای غیرضروری پرهیز کند! سادک خردمند معتقد است که چیزیکه حق اوست کسی نمیتواند از او بگیرد و آنچه که حق او نیست کسی نمیتواند باو بدهد! او حتی برای کسب موکشا هم تلاش نمیکند!

~~~~~

उद्धरेदात्मनात्मानं नात्मानमवसादयेत्।

आत्मैव ह्यात्मनो बन्धुरात्मैव रिपुरात्मनः॥५॥

**ترجمه:** سادک خودش باید خودش را از مصائب نجات بدهد و نگذارد در زندگی شکست بخورد. هر کسی میتواند دوست خود و یا دشمن خود باشد. تنزل و یا ارتقاء مادی و معنوی هر کسی در دست خودش میباشد.

**تفسیر:** انسان چطور میتواند حقیقت را بکمک دروغ بشناسد! برای رسیدن به پرماتما انسان نیازی به استفاده از چیزی ندارد. حقیقت را بکمک دروغ (اجسام و اشیاء) نمیتوان پیدا کرد بلکه با ترک آنها پیدا میشود. دنیا کسی را گرفتار خود نمیکند بلکه انسان خودش خود را گرفتار دنیا میکند. شرایط و اتفاقات خوب و بد بزندگی انسان میآیند و میروند و کاری بکسی ندارند و اگر انسان در مقابل آنها از خود عکس العمل نشان ندهد آنها همانطور که آمده بودند خواهند رفت!

اگر با دیده خرد نگاه کنیم می بینیم که امکانات یادگیری علم همیشه هست، گورو هم وجود دارد و انسان توانائی یادگیری این علم را هم دارد ولی علاقه بیش از حد به خوشیها از یافتن گورو و یادگیری علم برهم جلوگیری میکند. مسئولیت از بین بردن علاقه و وابستگی باین خوشیها با خود سادک است زیرا او خودش آنها را بوجود آورده است. هر کسی باید بخودش درس یاد بدهد نه به دیگران! با آگاهی از این علم که همه چیز برهم است میتوان گفت که هر کسی گوروی خود و شاگرد خودش است.

~~~~~

बन्धुरात्मात्मनस्तस्य येनात्मैवात्मना जितः।

अनात्मनस्तु शत्रुत्वे वर्तेतात्मैव शत्रुवत्॥६॥

ترجمه: کسیکه بر حواس و غرورش پیروز شده خودش بهترین دوست خودش است و در غیراینصورت او دشمن خودش است.

تفسیر: کسیکه بجز خودش به کس دیگری نیاز ندارد و متکی به چیزهای دنیا نیست در واقع خود را بدرستی شناخته و بر تمام دنیا غلبه کرده

است. این شخص یک یوگی است! او در حقیقت بشکل آرام و یکنواخت روح متعال در آمده است.

اکثر مردم بدون کمک و همراهی دیگران نمیتوانند کاری بکنند و همین اتکاء آنها بدیگران دلیل شکست آنها است. انسان تا زمانیکه شکل حقیقی خود را نشناخته به اشیاء بی ارزش علاقمند و بآنها متکی میشود. انسان بعد از حاصل کردن چیزهای دنیا تصور میکند که مالک آنها شده ولی در واقع یعنی نوکر آنها است.



जितात्मनः प्रशान्तस्य परमात्मा समाहितः।

शीतोष्णसुखदुःखेषु तथा मानापमानयोः॥७॥

ترجمه: کسی که بر غرور و هوسهای پیروز شده و شرایط و اتفاقات خوب و بد زندگی، خوشی و غم و تعاریف و بدگویی دیگران برایش بی تفاوت شده اند پرماتما را در همه جا میبیند.

تفسیر: سادک کارما یوگی به تعاریف یا بدگویی مردم اهمیت نمیدهد زیرا او میداند که مردم نسبت به طبع خوش بین و یا طبع بدبین خود از کسی تعریف یا بدگویی میکنند و رفتارشان ربطی باو ندارد. در گیتا گفته شده که کسی که افکار و احساسات آرام دارد در واقع دنیا را تسخیر کرده است. مقامی برتر از این در دنیا نیست. با رسیدن باین مقام انسان از همه چیز و همه کس بی نیاز میشود و هیچ مشکل و مصیبتی نمیتواند باعث تشویش نگرانی او بشود.

بطور معمول کسانی که دارای ثروت و املاک و وسایل عیش و آرام بسیار هستند و صاحب شهرت و مقام اجتماعی هستند در نظر دیگران خوشبخت هستند و بلعکس کسانی که این چیزها را ندارند بدبخت محسوب میشوند. ولیکن این خوشبختی و بدبختی ظاهری هستند و ارتباطی با مسرت درون ندارند.



ज्ञानविज्ञानतृप्तात्मा कूटस्थो विजितेन्द्रियः।

युक्त इत्युच्यते योगी समलोष्टाश्मकाञ्चनः॥८॥

ترجمه: کسیکه درونش بکمک علم برهم پاک شده، بر حواسش غلبه یافته و مثل یک کوه استوار است برایش یک مشت خاک و طلا یکسان است. او یک یوگی است و مثل سنگ محک است که میتوان حقیقت را با او شناخت.

تفسیر: اشیاء دنیا با تلاشهای انسان حاصل میشوند ولی آنها موقتی هستند و بهمین دلیل انسان از حاصل کردن آنها به رضایت کامل نمیرسد! حتی فعالیتهائی از قبیل تمرکز افکار هم فعالیتهای جسمانی بوده و نتایج گذرا دارند.

سنگ محک یک تکه سنگ آذرین سیاهرنگ سخت و متراکم است که انواع اسیدها و تیزابها نمیتوانند آنرا متلاشی کنند. از سنگ محک برای سنجیدن خلوص فلزاتی از قبیل آهن، طلا، نقره و غیره استفاده میشود. برای اینکار با فلز مورد نظر بر روی سنگ محک خط کشیده میشود و بر روی آن خط چند قطره تیزاب ریخته و خلوص آن فلز را می سنجند! خط کشیدن یا ریختن تیزاب بر روی سنگ محک اثری بر آن نمیگذارند و سنگ محک فقط کارش را انجام میدهد. در زندگی مردان عالم نیز اتفاقات خوب و بد بسیاری پیش میآیند ولی هیچیک از آنها بر این عالمان اثری نمیگذارند. آنها زندگی را بروال عادی میگذرانند یعنی اگر یک مرد عالم مغازه طلا فروشی یا ذغال فروشی داشته باشد کارش را با علاقه انجام میدهد ولی به آن طلا یا ذغال دل نمیبندد و هر دوی آنها برایش برابر هستند! او میداند که همه اینها برای مدتی مال او هستند و بعد از مدتی باید آنها را بدیگری بسپارد و برود! این مردان خردمند ارزش طلا و خاک و ذغال را میدانند و فرق بین آنها را هم میدانند ولی به این فرقههای ظاهری توجه نمیکند.



सुहृन्मित्रार्युदासीनमध्यस्थद्वेष्यबन्धुषु।

साधुष्वपि च पापेषु समबुद्धिर्विशिष्यते॥९॥

ترجمه: کسیکه برایش دوست و دشمن، آشنا و بیگانه، درستکار و خطاکار، فقیر و غنی یکی هستند و در باره همه بطور بیطرفانه قضاوت میکند و رفتارش با همه بی آلایش و دوستانه است در هر شرایطی در درون

خود احساس آرامش میکند. کسیکه دارای این صفات است بهترین انسان است.

تفسیر: عقل انسان در هر شرایطی تفاوتها را میبیند و دائماً ارزیابی میکند و تصمیم میگیرد که چه چیز میتواند بجسم او خوشی و راحتی و امنیت بدهد و آنرا انتخاب میکند و بقیه را رد میکند. ولیکن عالمان معتقدند که تمام اینها دروغین میباشند و بآنها توجه نمیکنند!

در این دنیا یکی دوست است و یکی دشمن، یکی نیکو سرشت است و یکی بد سیرت، یکی خیرخواه و یکی بدجنس، یکی متدین است و دیگری بی ایمان، یکی تحصیل کرده است و دیگری جاهل! ولی اینها همه مشخصات ظاهری انسانها میباشند و اگر با دیده عالمانه بآنها نگاه شود همه اینها پرماتما میباشند.

نیروی شگفت انگیز پرماتما بنام مایا در این دنیا باشکال گوناگون ظاهر شده است. این حقیقت را فقط آن کسی میتواند ببیند که علم برهم را دریافته است. عالمان چیز دیگر و کس دیگری بجز مایا نمی بینند. در ودا گفته شده که: آرامش افکار بهترین خصوصیت انسان است.

समबुद्धिर्विशिष्यते Being calm is the best human quality!

در کتاب ویشنو پوران گفته شده که کسیکه به یوگا رسیده هیچ کار منفعت جویانه ای برای خودش نمیکند و هر کارش بمنزله پرستش پرماتما است.

یوگا یعنی رسیدن به آرامش کامل درون بالاترین و با ارزش ترین مقام انسان است! مسرت و زیبایی این حالت را با کلمات نمیتوان تشریح کرد. برای رسیدن باین مقام با ارزش سادک باید این نکات را همیشه بخاطر داشته باشد: 1 - بد بین نباشد. 2 - بدی نکند. 3 - بد خواه نباشد. 4 - بدی دیگران را نبیند. 5 - بد گوئی نکند. 6 - به بدگوئی دیگران توجه نکند.

~~~~~

योगी युञ्जीत सततमात्मानं रहसि स्थितः।

एकाकी यतचित्तात्मा निराशीरपरिग्रहः ॥१०॥

**ترجمه:** کسی که بر حواسش مسلط شده هوسها خود بخود او را ترک میکنند و او از هر چیز بی نیاز میشود. این شخص آمادگی و قابلیت پرداختن به یوگای تمرکز فکر را دارد. برای اینکار او باید محل دور از اجتماع مردم را انتخاب کند.

**تفسیر:** یوگای تمرکز افکار Meditation योग ध्यान باید با آمادگی قبلی انجام داده شود تا به نتیجه برسد.

یوگای تمرکز افکار (دیهان یوگا) برای کسیکه وظایف خانه و خانواده دارد، مسئولیتهای اجتماعی دارد، افکار گوناگون و آرزوهای بسیار دارد مناسب نیست. اینگونه افراد حتی اگر سالیان متمادی به دیهان یوگا بپردازند به درک حقیقت نخواهند رسید.

کسیکه فقط بمنظور درک حقیقت و رسیدن به پرماتما به تمرکز افکار میپردازد یک یوگی است. دیهان یوگا باید در یک جای خلوت و به تنهایی انجام داده شود تا سادک بتواند فکرش را بدرستی متمرکز کند.

سادک دیهان یوگی نه تنها بوقت تمرکز افکار (مدیتیشن) بلکه بوقت انجام دادن کارهای دیگرش هم باید بیدار پرماتما باشد و بخاطر داشته باشد که هدفش درک حقیقت است و نه رسیدن به قدرتهای دیگر و چیزهای مادی دنیا. سادک بوقت تمرکز افکار نباید بکارها و موضوعات دیگر فکر کند.

بعضی ها از این موضوع شکایت دارند که بوقت دیهان افکارشان را نمیتوانند در یکجا متمرکز کنند و فکرشان مرتباً باین سو و آنسو میرود. دلیل این مشکل این است که آنها هنوز هم خواسته های بسیاری دارند و علاوه بر درک پرماتما میخواهند دنیای رنگارنگ را هم داشته باشند! دنیا پر از اشیاء ساختگی است و هزاران چهره دارد! کسیکه هدفش رسیدن به حقیقت یگانه است باید علاقه به اشیاء دنیا را ترک کند.



शुचौ देशे प्रतिष्ठाप्य स्थिरमासनमात्मनः।

नात्युच्छ्रितं नातिनीचं चैलाजिनकुशोत्तरम्॥११॥

**ترجمه:** برای تمرین یوگای تمرکز فکر سادک باید بر روی زمین پاک یک تشکچه بیاندازد. تشکچه نباید زیاد ضخیم، خیلی نرم و یا خیلی سخت باشد.

**تفسیر:** سادک باید در صورت امکان در کنار یک رودخانه، در زیر یک درخت و یا یک جای پاک مقداری علف خشک پهن کند، بر رویش یک تکه پوست گوزن پهن کند و بر روی آن یک تکه پارچه تمیز نخی یا پشمی انداخته و آنرا مثل یک تشکچه درست کند. این تشکچه باید مختص خود سادک باشد و شخص دیگری از آن استفاده نکند. سادک همچنین باید مالا (تسبیح)، کیسه مالا، وسایل پرستش بغوان، لیوان آبخوری، قاشق، ظروف غذا خوری، البسه، کفش، رخت خواب، وسایل استحمام و وسایل شخصی دیگر خود را جدا نگهدارد و بمنظور حفظ سلامتی خود از وسایل دیگران استفاده نکند.



तत्रैकाग्रं मनः कृत्वा यतचित्तेन्द्रियक्रियः ।

उपविश्यासने युञ्ज्याद्योगमात्मविशुद्धये ॥ १२ ॥

**ترجمه:** سادک برای پاکی درون خود باید به تمرین تمرکز افکار بپردازد.

**تفسیر:** سادک باید آنطور که برایش براحتی امکان پذیر است برای مدتی که میتواند بیحرکت بنشیند. او باید سر و گردن و ستون فقراتش را بطور مستقیم نگاهدارد و بدون توجه باطرافش نگاهش را بیکجای آرام متمرکز کند.

با ادامه این تمرینات نفسهای سادک منظم شده و افکارش خود بخود آرام میشوند. ناآرامی جسم باعث نامنظم شدن نفسها میشود و نامنظم بودن نفسها باعث ناآرامی افکارش میشود. داشتن افکار آرام باعث میشود که انسان زندگی منظم و مرتب داشته باشد و تصمیم عجولانه و غلط نگیرد. بنابراین دیهان یوگا نه تنها برای رسیدن به درک پرمتاما بلکه برای موفقیت در زندگی هم بسیار مفید است.

تمرینات دیهان یوگا به پاکسازی درون انسان کمک میکنند. کسانی که بمنظور تظاهر و خودنمایی و یا کسب پول به تمرین دیهان میپردازند به پاکی درون نخواهند رسید.



समं कायशिरोग्रीवं धारयन्नचलं स्थिरः ।

सम्प्रेक्ष्य नासिकाग्रं स्वं दिशश्चानवलोकयन्॥१३॥

**ترجمه:** برای تمرین تمرکز افکار سادک در حالیکه بر روی تشکچه نشسته سر و گردنش را بطور مستقیم و در امتداد ستون فقرانش نگاه میدارد و بدون اینکه باطراف خود توجه کند بآرامی می نشیند.

**تفسیر:** این تمرینات را باید از چند دقیقه کوتاه شروع کرده و بتدریج افزوده شود و حداکثر تا سه ساعت آرام و بیحرکت ادامه داده شود. بستن چشم باعث خواب آلودگی میشود و باز نگاهداشتن چشم باعث دیدن اشیاء و اطراف میشود و افکار را بهم میزند بهمین دلیل بهترین راه این است که سادک چشمانش را نیمه باز نگاه دارد و بی حرکت بنشیند.



प्रशान्तात्मा विगतभीर्ब्रह्मचारिव्रते स्थितः।

मनः संयम्य मच्चित्तो युक्त आसीत् मत्परः॥१४॥

**ترجمه:** کسی که درون آرام دارد، آنکه ترس و نگرانی ندارد و آنکه دور از تجملات زندگی ساده ای دارد و از نزدیکی با زن اجتناب میکند و هرگونه خواسته ای را ترک کرده است لیاقت و آمادگی آنرا دارد که به یوگای تمرکز فکر بپردازد.

**تفسیر:** کسی که با هیچ کس دشمنی نمیکند و با کسی بخاطر منافع شخصی خود دوستی نمیکند آرامش را در درون خود احساس میکند. سادکی که به تمرین دیهان یوگا علاقمند است از راحت طلبی و زیاده روی در خواب و خوراک پرهیز میکند و صداقت، راستگویی، درستکاری و روش زندگی ساده را مراعات میکند. در هر یک از روشهای مختلف یوگا سادک باید از غرور و هر نوع تظاهر و خودنمایی اجتناب کند. زندگی ساده و دور از تجملات برای هر سادکی ضروری است.



युञ्जन्नेवं सदात्मानं योगी नियतमानसः।

शान्तिं निर्वाणपरमां मत्संस्थामधिगच्छति॥१५॥

**ترجمه:** آن یوگی که بر افکار و احساساتش مسلط شده و همیشه بیاد پرماتما است و کارهایش را بیاد پرماتما و بخاطر او انجام میدهد به اوج آرامش کامل یعنی به نیروان میرسد.

**تفسیر:** سادک موقعی باین مقام بلند میرسد که بجز پرماتما به کس دیگری متکی نباشد و هدفش از هر کاری که میکند رسیدن به پرماتما باشد. سادک بعد از رسیدن به درک حقیقت و یکی شدن با پرماتما آنچنان سکون و آرامشی را احساس میکند که گوئی به تمام خواسته هایش رسیده و نیاز به چیز دیگری ندارد.

افکار کسبیکه وظایف و مسئولیتهای خانوادگی و اجتماعی دارد بسختی میتواند آرام شود و تمرکز پیدا کند و بهمین دلیل گفته شده که این یوگا فقط برای کسانی مناسب است که مسئولیت خانه و خانواده و مسئولیتهای دیگر اجتماعی نداشته باشند و داشتن و نداشتن اموال و اشیاء دنیا برایشان بی تفاوت باشد.

در ودا برای کسانی که مسئولیتهای خانوادگی و اجتماعی دارند روش یوگای انجام وظیفه و روش ایمان (بکتی) توصیه شده است.

~~~~~

नात्यश्रतस्तु योगोऽस्ति न चैकान्तमनश्रतः।

न चाति स्वप्नशीलस्य जाग्रतो नैव चार्जुन॥१६॥

ترجمه: کسی که پرخوری میکند و یا اصلاً غذا نمیخورد، آنکه بیش از اندازه میخوابد و یا اصلاً نمیخوابد و توازن را مراعات نمیکند هرگز به یوگا نمیرسد.

تفسیر: پرخوری و پرخواهی و پرگوئی باعث سستی و بیماریهای گوناگون میشوند و شخص بیمار نمیتواند به پرستش بغوان، تکرار نام او و تمرینات یوگا بپردازد. مراعات توازن در هر کاری برای سادک توصیه شده است.

~~~~~

युक्ताहारविहारस्य युक्तचेष्टस्य कर्मसु।

युक्तस्वप्नावबोधस्य योगो भवति दुःखहा॥१७॥

**ترجمه:** تجربه یوگا باعث از بین رفتن بیماریها و مشکلات بسیاری در زندگی یوگی میشود! این آب حیات نصیب آن کسی میشود که علاوه بر داشتن قابلیت لازم برای یوگا تعادل را در خواب و خوراک و فعالیتهای دیگر مراعات میکند.

**تفسیر:** سادک باید فقط غذائی را بخورد، لباسی را بپوشد و در جائی سکونت کند که از راه درست کسب شده باشد. مواد غذائی باید بر طبق اصول شاسترا و علم طب گیاهی آیورودا आयुर्वेद Ayurveda تهیه شوند. غذا باید بمقدار کم، قابل هضم و متناسب با سن خورده شود. سادک باید از انجام دادن کارهای غیر ضروری و کارهاییکه باو مربوط نیستند اجتناب کند و فقط کارهایی را انجام بدهد که در توان او باشند. او باید صبح زود قبل از طلوع آفتاب بیدار شود و در تمام روز بیدار بماند. خوابیدن در میان روز برای سادک توصیه نشده است.

یوگا Yoga بمعنای احساس اتحاد و وحدت بین روح انسان و روح متعال است. در حالت یوگا هیچ حالت جسمانی احساس یا تجربه نمیشود. بوگا Bhoga بمعنای احساس لذتی است که انسان در کنار اجسام

مادی یا در تماس با آنها تجربه میکند. भोग Physical Enjoyment .

یوگا و بوگا با هم فرق عجیبی دارند. یوگا خالص است و در آن هیچگونه بوگا نیست ولی در بوگا که لذات جسمانی هستند بمقدار بسیار کم و نهفته ای یوگا وجود دارد. در واقع آن خوشی که انسان از اشیاء مادی احساس میکند نیز لحظه بسیار کوتاهی است که او از "دروغ" یعنی از جسم مادی خود جدا میشود و "حقیقت" را در ماوراء جسم احساس میکند! بعبارت دیگر یوگا فقط در ماوراء ماده تجربه میشود!

~~~~~

यदा विनियतं चित्तमात्मन्येवावतिष्ठते।

निःस्पृहः सर्वकामेभ्यो युक्त इत्युच्यते तदा॥१८॥

ترجمه: سادک از لحظه ایکه شکل حقیقی خود را میشناسد از همه چیز دنیا احساس بی نیازی میکند و خواسته ای در دلش باقی نمی ماند و از آن لحظه او یک یوگی است.

تفسیر: روح انسان شکل حقیقی او است! شکلی که همیشه بوده و ابدی است. مسرتی که انسان از شناختن شکل حقیقی خود تجربه میکند در هیچ چیز دیگری نیست.

یوگی بعد از تجربه یوگا و دیدار شکل حقیقی خود از هر چه که در این دنیا و در بهشت وجود دارد بی نیاز میشود و داشتن و نداشتن آنها برایش بی تفاوت میشود. کسیکه خواسته هایش تمام نشده اند نمیتواند یک یوگی باشد.



यथा दीपो निवातस्थो नेङ्गते सोपमा स्मृता।

योगिनो यतचित्तस्य युञ्जतो योगमात्मनः॥१९॥

ترجمه: همانطور که چراغک روغنی در جای خلوت بآرامی میسوزد، این یوگی نیز در آرامش مجذوب روح پاک خود میشود و چیز دیگری را نمیبیند و چیزی بفرآرام و بیحرکت او خطور نمیکند.

تفسیر: نه تنها یک یوگی بلکه یک سادک نیز در حال تمرین یوگا آنچنان مجذوب پرماتما میشود که گوئی با او یکی شده و در او غرق شده است. فرق یک یوگی با سادکی که هنوز به یوگا نرسیده این است که احساس جذبۀ روحانی برای سادک کوتاه مدت است و سادک این حالت را فقط بوقت تمرکز افکار احساس میکند ولیکن یک یوگی این حالت خلصۀ روحانی و غوطه ور بودن در نور پرماتما را همیشه احساس میکند. یوگی در این حالت کاملاً از هر چیز آگاه است ولی حالات جسمانی از قبیل گرما، سرما، خوشی، غم... را احساس نمیکند.



यत्रोपरमते चित्तं निरुद्धं योगसेवया।

यत्र चैवात्मनात्मानं पश्यन्नात्मनि तुष्यति ॥२०॥

ترجمه: یوگی در آرامش کامل و یکنواخت خودش را نگاه میکند و شکل حقیقی خودش را می بیند و احساس خرسندی و رضایت میکند.

تفسیر: تا زمانیکه بوقت تمرین یوگای تمرکز فکر اشیاء و اتفاقات زندگی بفرآرام سادک خطور میکنند او هنوز به یوگا نرسیده است.

سادک با ادامه تمرینات تمرکز افکار خود را بتدریج فراموش میکند و فقط هدفش را بخاطر می‌آورد. این حالت از خود بیخود و در ماوراء ماده است و "سمادی" Samadhi समाधि نام دارد. اگر در دل سادک هوسی مانده باشد او از آن سمادی ثمره معنوی نخواهد گرفت بلکه ثمره مادی میگیرد و به قدرتهای مافوق بشری میرسد! قدرتهای مافوق بشری در نظر یک یوگی بی ارزش هستند ولی در نظر مردم دنیا پرست بسیار با ارزش میباشند. یک یوگی واقعی از این قدرتها روی برمیگرداند و بدون توجه بآنها تا رسیدن به پرماثما براه خود ادامه میدهد.

یوگی در درون خود احساس آرامش میکند. بعضی از یوگی ها از قدرتهای مافوق بشری که حاصل میکنند به کسب مال و شهرت میپردازند! این قدرتها موقتی هستند و یوگی را از رسیدن به پرماثما دور میکنند. ولی اگر یوگی به این قدرتها توجه نکند ارتباطش با آن قدرتها قطع میشود و او در درون خود به رضایت و آرامش کامل میرسد.



सुखमात्यन्तिकं यत्तदबुद्धिग्राह्यमतीन्द्रियम्।

वेति यत्र न चैवायं स्थितश्चलति तत्त्वतः॥२१॥

ترجمه: سادک دیهان یوگی در حال سمادی مسرتی را تجربه میکند که در ماوراء جسم است و آن مسرت هرگز از بین نمیرود.

تفسیر: این مسرت بی پایان برترین خوشی دنیا است و هیچ خوشی دیگری برتر از آن نیست. این خوشی پاک دنیا از چیز خاصی تولید نمیشود بلکه خودبخود و بدون دلیل است. خوشیهای دنیا بدنبال حاصل کردن یک چیز، یک موقعیت و یا یک اتفاق و شرایط خوب بوجود میآیند و انسان بکمک حواس خود آنها را تجربه میکند و تا زمانیکه آن چیز، شخص، موقعیت و یا شرایط موجود هستند ادامه خواهد داشت! ولی سادک این مسرت ابدی را در درون خود یافته و متکی به چیزی نیست و کسی، چیزی یا اتفاق و شرایطی نمیتواند آنها را از او بگیرد. علم برهم و مسرت ابدی از ازل در انسان هست و هیچکس نمیتواند آنها را از او بگیرد.

زندگی انسان بدون رسیدن به نور علم برهم و شناخت خویشتن حتی با ترقیات مادی و پیشرفتهای عظیم دانش بشری مثل زندگی حیوانات است

و محدود به دنیا آمدن، خوردن، خوابیدن، تولید مثل کردن، پیر شدن و یکروز مردن است.



यं लब्ध्वा चापरं लाभं मन्यते नाधिकं ततः।

यस्मिन्स्थितो न दुःखेन गुरुणापि विचाल्यते॥२२॥

ترجمه: مسرت درونی تنها نعمتی است که با دریافت آن انسان از هر چیز دنیا بی نیاز میشود. با یکبار حاصل شدن مسرت درونی حتی بزرگترین مشکلات و مصائب دنیا هم نمیتوانند باعث تشویش و نگرانی انسان بشوند.

تفسیر: انسان از هر چیزی که بدست میآورد یکروز سیر میشود و آنرا رها میکند و بدنبال چیز دیگری میرود و خوشی دیگری میجوید. مسرتی که از درک پرماتما حاصل میشود آنچنان شگفت انگیز است که سادک بعد از رسیدن بآن بدنبال خوشی دیگری نمیرود. خوشیهای دنیا دروغ نیستند ولی موقتی هستند و به همراه خود ناخوشی و غمهای بسیار میآورند. گاه گاهی برای یافتن یک خوشی کوچک انسان باید صدها مشکل و ناراحتی را تحمل کند. اتفاقات خوب و بد بزندگی یک یوگی هم میآیند ولیکن باعث آشفتگی فکر یوگی نمیشوند زیرا او میداند که تمام شرایط و اتفاقات خوب و بد فقط مربوط به جسم او هستند و او که در ماوراء جسم است ارتباطی با آنها ندارد.

انسان بیخرد به خوشیهای زودگذر دنیا علاقمند میشود و عمر خود را بدنبال چیزهای کم ارزش دنیا تلف میکند و با رسیدن به سن پیری با خود فکر میکنند که چه میخوام و چه شد! چه دادم و چه حاصل کردم؟ عمرم را دادم و چند لحظه خوشی و چند چیز بی ارزش نصیبم شد! افسوس که عمرم بهدر رفت!



तं विद्याद् दुःखसंयोगवियोगं योगसंज्ञितम्।

स निश्चयेन योक्तव्यो योगोऽनिर्विण्णचेतसा॥२३॥

ترجمه: "یوگا" آن مرتبه و مقامی است که در آن تمام درد و غمها از بین میروند. سادک باید برای رسیدن باین مرتبه بطور متداوم به تمرین یوگا ادامه بدهد.

تفسیر: همانطور که بدنه خاکی کوزه هوای درون و بیرون کوزه را در ظاهر از هم جدا میکند ولی در حقیقت آنها از هم جدا نیستند روح انسان هم از ازل با روح متعال یکی است و جسم مادی او آنها را فقط در ظاهر از هم جدا میکند. تمرینات یوگا به سادک کمک میکند که این حقیقت را بفهمد و اتحاد روحش را با پرماتما تجربه کند. یوگا در ماوراء جسم تجربه میشود و شخص یوگی در این حالت خوشی و غم را احساس نمیکند، چیزی بفکرش بطور نمیکنند، چیزی را نمیبینند و نمیشنود و بطور کلی حواسش از فعالیت باز میایستند.

योगश्चित्तवृत्तिनिरोधः

مهاریشی پاتانجلی تمام شدن خواسته ها و تمایلات جسمانی را "یوگا" نامیده است و در کتاب فلسفی بنام یوگا دارشن Yogdarshana گفته است که با تمام شدن خواسته و تمایلات جسمانی سادک به یوگا میرسد و شخصیت حقیقی خود را که آرام، ساده و بیریا است باز مییابد!

شخص یوگی بدون هیچ عکس العملی مثل یک نظاره گر بیطرف اتفاقات دنیا و اطرافش را مشاهده میکند و عکس العملی از خود نشان نمیدهد. این بالاترین مرحله از یوگا است و "ساکشی" نام دارد که بمعنای "شاهد" است.

ارتباط انسان با اشیاء برای همیشه نیست. ارتباط انسان فقط با پرماتما دائمی است و این ارتباط را یک سادک دیهان یوگی تجربه میکند! برای رسیدن به این تجربه سادک باید قبل از هر چیز تصمیم جدی بگیرد که بالاترین هدفش رسیدن که به یوگا است. در این راه سادک نباید عجله ای داشته باشد زیرا این راهی است که باسانی به پایان نمیرسد و هیچ معلوم نیست که تلاشهیش تا کی ادامه خواهند داشت! شاید تا آخر عمرش ادامه پیدا کنند و شاید حتی تا آخر عمر هم به نتیجه ای نرسد! زیرا عمر مربوط به جسم است و رفتن در این راه یک فعالیت جسمانی نیست. در بعضی موارد سادک بعد از چندین بار تولد مجدد به درک حقیقت میرسد. حتی برای بدست

آوردن چیزهای ناچیز دنیا هم انسان فقط میتواند تلاش کند و نتیجه تلاشها در دست او نیست! چه رسد رسیدن به حقیقت و درک پرماتما.

در این دنیای مادی پر از داد و ستد انسان از خوشیها لذت میبرد و غمهایی را که بدنبالشان میآیند بالاچار میپذیرد. با رسیدن به دوران پیری و ناتوان شدن جسم کارها و اشیاء گوناگون هر لحظه از او جدا میشوند و ارتباطش با دنیا ضعیف و ضعیف تر میشود و در آخر کاملاً قطع میشود و آنچه بجای میماند یک جسم مرده و یک حقیقت جاودان است!

تمام خوشیهای را که انسان در کنار اقوام و آشنایان و اشیاء و کارها تجربه میکند موقتی هستند و توقعات انسان از آنها خوشیها را تبدیل به درد و غم میکند.

حتی جسم انسان هم متعلق بانسان نیست! جسم انسان مثل هر چیز دیگر از پنج عنصر آب، آتش، خاک، باد و فضا تشکیل شده و موقتی است و بعد از مرگ به طبیعت شامل آب، آتش، خاک، باد و فضا باز میگردد و با آن یکی میشود. این پنج عنصر ابدی هستند و هرگز از بین نمیروند و مجدداً خلق میشوند.



सङ्कल्पप्रभवान्कामांस्त्यक्त्वा सर्वानशेषतः।

मनसैवेन्द्रियग्रामं विनियम्य समन्ततः॥२४॥

ترجمه: سادک باید به خواسته هائی که از تخیلاتش سرچشمه میگیرند توجه نکند و با منطق عاقلانه از رفتن بسوی آنها پرهیز کند.

تفسیر: پرماتما یعنی حقیقت یگانه بدو شکل مادی و معنوی درک و شناخته میشود. این جهان پهناور شکل مادی اوست و حقیقتی که در ماوراء آن است شکل معنوی او میباشد. این جهان و تمام موجودات و مخلوقات آن اشکال مادی پرماتما میباشند.

انسان هر روز در ارتباطش با اشیاء و مردم تجربیاتی حاصل میکند و اثراتی از آنها در ذهنش بجای میماند. این اثرات باعث ایجاد علاقه و یا بیعلاقگی در دل انسان نسبت به اشیاء و مردم میشوند. سادک باید از ابتداء از پیدا شدن این احساسات جلوگیری کند.



शनैः शनैरुपरमेदबुद्धया धृतिगृहीतया।

आत्मसंस्थं मनः कृत्वा न किञ्चिदपि चिन्तयेत्॥२५॥

ترجمه: سادک بمنظور رسیدن به تمرکز افکار باید با استفاده از عقل و منطق خود بتدریج از اشیاء و کارهای دنیا کناره گیری کند تا بتواند افکارش را بجای خواسته های مادی به بغوان متمرکز کند.

تفسیر: رسیدن به درک حقیقت و شناخت پرماتما یک هدف معولی نیست و ممکن است سالهای زیادی طول بکشد و بهمین دلیل در این راه سادک باید از خرد خود استفاده کند و صبور باشد. سادک جدی براهش ادامه میدهد و خستگی و دوری راه را تحمل میکند. انسان صرفاً با اتکاء به عقل خود نمیتواند پرماتما را بشناسد زیرا عقل را که جزئی از جسم انسان و جزئی از طبیعت است پرماتما بانسان داده و پرماتما در ماوراء طبیعت یعنی در ماوراء عقل او میباشد.

سادکی که هدفش رسیدن به درک و شناخت پرماتما است نیازی به نشستن در یک گوشه خلوت و تمرکز افکار (مدیتیشن) ندارد! در این راه ایمان و علاقه سادک به پرماتما کافی است و همین او را هدایت خواهد کرد. معمولاً وقتیکه سادک بآرامی نشسته و سعی میکند که افکارش را به پرماتما متمرکز کند اتفاقات گذشته بخاطرش میآیند و فکرش را ناآرام میکنند. این موضوع طبیعی است و نباید باعث نگرانی سادک شود! سادک بدون توجه باین خاطرات و بدون اینکه از خود عکس العملی نشان بدهد باید اجازه بدهد که آنها همانطور که آمده اند از خاطرش بروند. او باید با صبوری شاهد آمدن و رفتن این خاطرات باشد. باین ترتیب این خاطرات چه شیرین باشند و چه تلخ باشند آرامش افکار سادک را بهم نخواهند زد.

برای درک پرماتما هیچ تلاشی فایده ندارد! سادک فقط باید به وجود "حقیقت" ایمان داشته باشد و خاموشی اختیار کند. سادک حتی نباید تظاهر به ساکت بودن کند! خاموشی و سکوت باید در کمال سادگی باشد! این روش "خاموش ماندن" نام دارد!

همانطور که بعد از باران شدید آب گل آلود رودخانه آرام میشود و آب دوباره زلال میشود؛ با فرونشستن غرور و شخصیت ساختگی انسان افکار او آرام میشوند و سادک در دریای زلال مسرت جاودان نور علم را میبیند.



यतो यतो निश्चरति मनश्चञ्चलमस्थिरम्।

ततस्ततो नियम्यैतदात्मन्येव वशं नयेत्॥२६॥

ترجمه: بمحض اینکه افکار ناآرام شود و بسوی اشیاء برود سادک باید حواس خود را کنترل کرده آنها را بسوی پرماتما منعطف کند.

تفسیر: پرماتما پاک و آرام است. اشیاء رنگارنگ بیشمار دنیا ناخالص و ناآرام هستند. این یکی از دلایلی است که خواستن پرماتما و فکر کردن باو باعث آرامش درون و بیرون انسان میشود و بلعکس خواستن اشیاء دنیا و فکر کردن بآنها باعث ناآرامی و تشویش درون و بیرون انسان میشود. بهمین دلیل گفته شده که سادک باید افکارش را از رفتن بسوی اشیاء دنیا منع کند. برای رسیدن باین منظور سادک باید: 1 - به خیالات بیهوده توجه نکند. 2 - همیشه بیاد پرماتما باشد. 3 - بخاطر داشته باشد که چیزی متعلق باو نیست. 4 - وظایف روزمره اش را انجام بدهد.

~~~~~

प्रशान्तमनसं ह्येनं योगिनं सुखमुत्तमम्।

उपैति शान्तरजसं ब्रह्मभूतमकल्मषम्॥२७॥

**ترجمه:** آنکه طبع فعالش آرام شده و درون و بیرونش پاک و آرام است یک یوگی و مظهر برهم است. این یوگی پاک مسلماً مسرت پاک را تجربه میکند.

**تفسیر:** طبع فعال Passionate Nature رجوگون باعث علاقه انسان به اشیاء و کارها میشود و بهمین دلیل کسی که دارای طبع فعال است همیشه هیجانزده و در حال فعالیت میباشد. کسی که بتواند بر این طبع پیروز شود آرامش خود را بدست میآورد. سادکی که بر طبع فعال خود پیروز میشود به مرتبه والای طبع پاک Purity سत्त्वگون میرسد و مسرت دائمی ذاتی خود را تجربه میکند. سادکی که به طبع پاک رسیده است به زندگی ساده و تحصیل ودانت علاقمند میشود.

~~~~~

युञ्जन्नेवं सदात्मानं योगी विगतकल्मषः।

सुखेन ब्रह्मसंस्पर्शमत्यन्तं सुखमश्नुते॥२८॥

ترجمه: سادگی که به طبع پاک رسیده گناهانش از بین میروند و او وجود پاک برهم را بشکل مسرت ابدی در خود و در همه جا احساس میکند.

تفسیر: یوگی بعد از رسیدن به پاکی درون به تحصیل علم برهم (ودانت) میپردازد و بتدریج از تلاشهایش کاسته میشود و غرور و حس مالکیت او را ترک میکنند. غرور و حس مالکیت دلیل اکثر گناهان و رهایی از آنها اهمیت بسیار دارد.

در روش تحصیل علم برهم سادک از ابتداء اشیاء و کارهای دنیا را دروغین دانسته و آنها را نفی میکند و برای یافتن حقیقت با جدیت تلاش میکند. با کسب علم برهم جهالت سادک از بین میرود و او حقیقت را درک میکند. یوگی عالم بعد از تجربه نور علم در درون خود یکی بودن خود را با برهم درک میکند یعنی خود را میشناسد. تجربه نور علم و شناختن خویشتن بالاترین مقام انسان است Enlightenment!

با کسب علم برهم شخصیت ساختگی سادک از بین میرود و او یکی بودن خود را با برهم درک و تجربه میکند. سادک در این مرحله یک یوگی برهم گیانی شده و در خود مسرت بی نظیری را تجربه میکند. این مسرت ابدی را که در آن یوگی مجذوب برهم شده است غیرقابل توصیف است و آنرا حتی خود یوگی که آنرا تجربه میکند نمیتواند با کلمات تشریح کند.



सर्वभूतस्थमात्मानं सर्वभूतानि चात्मनि।

ईक्षते योगयुक्तात्मा सर्वत्र समदर्शनः॥२९॥

ترجمه: آن سادک سانکیا یوگی که بکمک دیهان یوگا به درک پرماتما رسیده و شکل حقیقی خود را شناخته است خود را در همه جا و در تمام موجودات میبیند و تمام موجودات را در خود میبیند.

تفسیر: همانطور که در ظروف مسی عنصر مس وجود دارد در تمام موجودات جاندار و بیجان این دنیا نیز پرماتما هست.

هر دو سادک های روش سانکیا یوگا و سادک های گیان یوگا معتقد به علم برهم میباشند و از طریق تحصیل علم برهم برای رسیدن به حقیقت

یگانه تلاش میکنند. فرق ایندو روش این است که سادک گیان یوگی معتقد به برهم نیرآکار است که عاری از جسم و صفت میباشد ولی سادک سانکیا یوگی علاوه بر برهم نیرآکار به برهم ساکار نیز اعتقاد دارد! اینها معتقدند که همان برهم نیرآکار بشکل ساکار ظاهر شده و این جهان و تمام موجودات آن اعم از جاندار و بیجان شکل ظاهر شده او میباشد و همانطور که برهم نیرآکار حقیقت کامل است برهم ساکار نیز حقیقت کامل است و فرق آنها فقط همین است که یکی دیده میشود و دیگری دیده نمیشود! آنکه دیده میشود و آنکه دیده نمیشود یکی هستند و هر دو جاودان و فناپذیرند!

عالم سانکیا یوگی معتقد است که همانطور که خورشید حقیقی است و رنگهای قرمز، زرد، آبی و غیره که انعکاس نور خورشید میباشد نیز حقیقی میباشد این جهان نیز انعکاس نور برهم نیرآکار است و مثل او حقیقت کامل است.

سادک بکمک علم برهم قادر به درک برهم میشود و میفهمد که او هست! او یکی است و بجز او چیزی نیست و این حقیقت را درک میکند که خودش هم با این یگانه بی همتا یکی است.

یوگی عالم برهم را یعنی حقیقت کامل را در همه میبیند و میگوید: "همه چیز واسودئو کریشنا است" Everything is Vasudeo Krshna

वासुदेवः सर्वम्. او میفهمد که تمام اجسام آشکار و نهان این جهان مادی شکل ظهور یافته یگانه برهم عاری از جسم یعنی روح متعال است و میگوید: "همه چیز این جهان از روح متعال پدید آمده و بهمین دلیل این جهان مادی نیز حقیقت کامل و ابدی است".

यो मां पश्यति सर्वत्र सर्वं च मयि पश्यति।

तस्याहं न प्रणश्यामि स च मे न प्रणश्यति॥३०॥

ترجمه: آن کسی که مرا در همه و همه را در من میبیند مرا بدرستی شناخته است و از من دور نیست.

تفسیر: بغوان میگوید که من از نگاه آنها که بمن اعتقاد ندارند پوشیده میمانم ولی کسیکه بمن ایمان دارد مرا براحتی میبیند. اولین و مهمترین اصل برای درک حقیقت علاقه و ایمان است.

بکت معتقد به بغوان در ابتداء او را از خود بسیار دور میبیند! سپس او را نزدیک بخود میبیند و بعد از آن او را در خود میبیند! بکت عابد و عاشق بغوان در هر جا و هر چیز، در هر زمان و هر شرایطی فقط معبود خود را میبیند.

سادک کارما یوگی معتقد به خدمت بدیگران پرماتما را در بیرون از خود میبیند، سادک گیان یوگی معتقد به علم جاودان پرماتما را در درون خود میبیند، و بکت عابد و عاشق بغوان معبود خود را در درون و بیرون از خود یعنی در همه چیز و همه کس میبیند. سادک کارما یوگی به خدماتی که میکند متکی است! سادک گیان یوگی به علمی که کسب کرده متکی است! ولی بکت عابد فقط متکی به بغوان است. او معتقد است که مالک همه چیز بغوان است و خودش مالک هیچ چیز نیست!



सर्वभूतस्थितं यो मां भजत्येकत्वमास्थितः

सर्वथा वर्तमानोऽपि स योगी मयि वर्तते॥३१॥

ترجمه: سادکی که بمن ایمان دارد و وجود مرا در همه میپرستد علیرغم اینکه به زندگی عادی خود ادامه میدهد از من جدا نیست و من هم از او جدا نیستم!

تفسیر: بکت پارسا به کارها و وظایف روزمره اش ادامه میدهد و کارهایش را ترک نمیکند و نیازی به کسب علم برهم ندارد. عشق و ایمان او به بغوان به او رضایت و آرامش میبخشد. بکت ایماندار بغوان را در همه میبیند و به همه با احترام و پر از محبت رفتار میکند و گوئی با این کارهایش بغوان را میپرستد.

فلسفه اعتقاد به یگانگی **अद्वैत Non-dualism** مبنی بر وحدت

روح انسان با روح متعال است. فلسفه اعتقاد به دوگانگی **द्वैत Dualism** مبنی بر این است که برهم یگانه از یکی تبدیل به هزاران شده و در همه جا گسترده شده است. بکت عاشق و معتقد به بغوان او را در همه چیز و همه کس میبیند و او را میستاید.

در اوایل قرن هشتم میلادی کتب ودا در حال از بین رفتن بودند و علم یگانگی **Non-dualism अद्वैत ज्ञान** و دوگانگی **द्वैत** در حال فراموش شدن بود. شنکر آچاریا مهاراج **Shankaracharya** عالم و فیلسوف کبیر از اهالی جنوب هندوستان کتب ودا را جمعآوری کرده و آنها را مجدداً بازسازی و زنده کرد. فلسفه یگانگی برهم معتقد است که فقط یک حقیقت وجود دارد و بجز او حقیقت ثانوی نیست. یعنی این فلسفه معتقد است که یگانه حقیقت ابدی فقط برهم است و بجز او هر چه هست ساختگی و دروغین میباشد.

ब्रह्म सत्यं जगत् मिथ्या یعنی برهم حقیقت کامل و ابدی است و دنیا ساخته خیالات انسان و موقتی است. فلسفه یگانگی هرچیز دیگری بجز برهم را انکار میکند و به یگانه حقیقت کامل میرسد. سادگی که باین فلسفه معتقد است برای یافتن حقیقت یگانه تمام کارها و اشیاء دنیا را ترک میکند و به تحصیل ودانت میپردازد. در کتاب ماندوکیا او پانیشاد گفته شده:

ब्रह्म एव इदं विश्वम्। (Mun U. 2.1.11) یعنی: " این جهان

مادی با تمام اجسام و اشیاء موجود در آن برهم و حقیقت کامل است " کسیکه معتقد باین اصل ودا است هرگز نمیتواند بکسی آزار برساند، هرگز نمیتواند خود را برتر از دیگری بداند و هر کسی را باندازه خودش دوست دارد زیرا او میداند که هر چیز و هر کسی جزء کاملی از این جهان و برهم است. شخص عالمی که معتقد باین اصل است میداند که اگر بکسی آزاری برساند یکروز آن آزار بیک شکلی بخودش باز خواهد گشت. او خوشیهای این دنیا را فقط برای خودش و فرزندان و اقوامش نمیخواهد بلکه برای همه میخواهد. این اصل فلسفه دوگانگی است. کسیکه فلسفه یگانگی برهم را بدرستی فهمیده آنچنان باو علاقمند میشود که او را در همه چیز و همه کس میبیند و به دوگانگی برهم نیز معتقد میشود یعنی او آن برهم یگانه را در همه جا و همه چیز میبیند و معتقد میشود که نه تنها برهم حقیقت یگانه است بلکه این حقیقت در همه هست و بنابراین او همه چیز است، او نه تنها در ماوراء ماده است بلکه خود ماده هم است و او نه تنها نهان است بلکه آشکار هم اوست ! باین ترتیب این یوگی عالم نه تنها علم برهم نهان را دریافته است بلکه علم برهم

آشکار را نیز بدرستی فهمیده است. این یوگی عالم با لقب "سنت" Sant خطاب میشود.

بعضی از عالمان فقط به برهم یگانه نیراکار عاری از جسم معتقدند و فقط او را حقیقت کامل میدانند و معتقدند که این جهان و اجسام مادی دروغین میباشد.

آدی شنکر آچاریا Aadi Shankaracharya در ابتداء بکمک علم برهم یگانه بودن برهم نیراکار را بشکل حقیقت جاودان درک کرد و از جسم مادی خود و اجسام دیگر رها شده یکی بودن خود را با برهم نیراکار درک و احساس کرد. آدی شنکر آچاریا مجذوب علم روحانی آنچنان عاشق و دلبسته برهم نیراکار شده بود که او را در همه کس و همه چیز و همه جا میدید. جهالت، هوس و غرورش تمام شده و با کسی خصومت یا رقابت نداشت. او همه را دوست داشت و خود را برتر از کسی نمیدانست. او بتدریج در حالت آرامش کامل روحانی این حقیقت را نیز دریافت که همه چیز و همه کس نیز خود برهم یگانه هستند و معتقد شد که برهم ساکار نیز مثل برهم نیراکار حقیقت کامل است. آدی شنکر آچاریا بکمک علم برهم نیراکار را شناخت و سپس به برهم ساکار ایمان آورده و صحت هر دو فلسفه برهم نیراکار و برهم ساکار را قبول کرده و هر دو را حقیقت کامل و ابدی دانسته و میگوید:

ॐ

पूर्णमदः पूर्णमिदं पूर्णात्पूर्णमुदच्यते ।

पूर्णस्य पूर्णमादाय पूर्णमेवावशिष्यते ॥

शान्तिः शान्तिः शान्तिः ॥

آن (برهم نیراکار) کامل است و این (برهم ساکار) هم کامل است |
این (جهان مادی) از آن (حقیقت در ماوراء ماده) پدید آمده است |
اگر "این" از "آن" برداشته شود و یا بآن اضافه شود نتیجه باز هم کامل خواهد بود ||

|| آرامش آرامش آرامش ||

~~~~~

आत्मौपम्येन सर्वत्र समं पश्यति योऽर्जुन।

सुखं वा यदि वा दुःखं स योगी परमो मतः ॥३२॥

**ترجمه:** کسیکه مرا در همه جا میبیند با همه یکسان و بیطرفانه رفتار میکند و برایش خوشیها و غمهای دنیا یکسان هستند! او بهترین یوگی است.

**تفسیر:** کسیکه معتقد به خدمت بدیگران است به ظاهر کسی توجه نمیکند! او بدون توجه به رنگ، نژاد، طبقه اجتماعی، معتقدات، کشور، زبان، آئین و رسوم و لباسهای متفاوت مردم دنیا همه را محترم میشمارد و در حد توانائی اش بآنها خدمت میکند. او از طریق خدمت بدیگران به بغوان خدمت میکند. اینگونه بینش عالمانه قابل تحسین و ستایش است!



अर्जुन उवाच

योऽयं योगस्त्वया प्रोक्तः साम्येन मधुसूदन।

एतस्याहं न पश्यामि चञ्चलत्वात्स्थितिं स्थिराम् ॥३३॥

**ترجمه:** ارجون گفت: ای کریشنا! تصور آن آرامش کامل درون که تو در باره اش صحبت میکنی برای من که افکار مغشوش دارم دشوار است! من این آرامش را در خود احساس نمیکنم.

**تفسیر:** در کتب ودا گفته شده که آرامش افکار و احساسات نه تنها برای رسیدن انسان به سعادت معنوی بلکه برای رسیدن او به موفقیت در کارها و زندگی روزمره نیز ضروری است. برای رسیدن باین آرامش انسان باید در هر شرایطی از خود عکس العملی نشان ندهد. برای این منظور سادک بخاطر میسپارد که تمام این چیزها و اتفاقات و شرایط خوب و بد زندگی گذرا هستند و ارزش آنرا ندارند که او بخاطرشان آرامش خود را از دست بدهد. ارجون از جنگ و عواقب آن میترسید ولی شیری کریشنا گفت که تو شکست و پیروزی، فایده و زیان، خوشی و غم را یکسان بدان و به تمام آنها بی تفاوت باش و وظیفه ات را انجام بده!

انسان ذاتاً آرام است! و برای رسیدن به ذات آرام خود نباید کاری بکند ولی خواسته هایش و کارهایی که او برای رسیدن به آنها انجام میدهد آرامش او را بهم میزنند. گیتا بانسان میآموزد که او چطور میتواند به آرامش

درون برسد و آنرا در شرایط دشوار زندگی حفظ کند. با حفظ آرامش درون و نشان ندادن عکس العمل در مقابل مشکلات زندگی انسان میتواند به موفقیت‌های مادی و سعادت معنوی برسد!

~~~~~

चञ्चलं हि मनः कृष्ण प्रमाथि बलवददृढम्।

तस्याहं निग्रहं मन्ये वायोरिव सुदुष्करम्॥३४॥

ترجمه: ای کریشنا! افکار ناآرام من مرا بدنبال خود به اینسو و آنسو میبرند و مهار کردن آنها برای من مثل مهار کردن طوفان بسیار دشوار است.

تفسیر: شیری کریشنا در جواب به ارجون گفت که دلیل ناآرامی افکار او خواسته های بیشمارش میباشند. برای رهایی از خواسته های مادی سادک باید با هر چه که دارد راضی باشد، به اشیاء غیرضروری اهمیت ندهد و هر چه را که در ازای کار هایش باو داده میشود قبول کند.

~~~~~

श्रीभगवानुवाच

असंशयं महाबाहो मनो दुर्निग्रहं चलम्।

अभ्यासेन तु कौन्तेय वैराग्येण च गृह्यते॥३५॥

**ترجمه:** شیری بغوان گفت: ای دلاور! تو درست میگوئی! شکی در این نیست که فکر انسان همیشه فعال است و مهار کردنش کار دشواری است. ولیکن سادک با بی توجهی به خواسته های غیرضروری و راضی بودن از آنچه که در ازای انجام وظایفش حاصل میکند میتواند افکارش را آرام کند.

**تفسیر:** دل بریدن از اشیاء دنیا کار دشواری است ولی با بخاطر سپردن این نکات اینکار آسان میشود: 1 - دنیا و اشیاء آن دائماً در حال تغییر هستند و برای همیشه نمیمانند و اگر ما آنها را بمیل خود ترک نکنیم یکروز خواه ناخواه باید آنها را در این دنیا بگذاریم و برویم. 2 - ما به همه مدیون هستیم و باید به آنها خدمت کنیم و قرض خود را بآنها ادا کنیم. 3 - تمام

بیماریها و مصائب زندگی بدلیل علاقه بیش از حد به اشیاء دنیا بوجود میآیند و با ترک این علاقه انسان از آنها در امان میماند.



असंयतात्मना योगो दुष्प्राप इति मे मतिः।

वश्यात्मना तु यतता शक्योऽवाप्तुमुपायतः॥३६॥

**ترجمه:** رسیدن به یوگا و درک اتحاد یکی بودن با پرمتما برای کسی که خواسته های بیشمار دارد بسیار دشوار است. ولیکن یک سادک جدی و با انضباط بکمک تمرینات ذکر شده بر تمام دشواریها غلبه میکند.

**تفسیر:** علیرغم اینکه پرمتما در همه جا هست ولی وجودش بآسانی درک نمیشود. گذشتن از خواسته ها و هوسهای کوچک و بزرگ در این راه نقش مهمی دارد و برای رسیدن باین منظور داشتن جدیت، پشتکار، انضباط و پرهیزکاری بسیار ضروری میباشد. سادک باید همیشه هدفش را بخاطر داشته باشد و از لذات جسمانی، دروغگوئی، جمعآوری اموال و اشیاء و داد و ستدهای منفعت جویانه پرهیز کند.

سمادی समाधि Samadhi (profound meditation) بمعنای تمرکز کامل افکار در حال آرامش کامل است. در سمادی تمام حواس سادک از فعالیت باز میایستند و او بدون اینکه چیزی بفکر خطور کند به آرامش مطلق میرسد.

تا زمانی که سادک به مرحله سمادی نرسیده اشتیاق بزرگی برای رسیدن بآن دارد ولی بعد از رسیدن به سمادی کم کم از آن سیر میشود و آنرا ترک میکند! سمادی هم یک حالت جسمانی است و برای رسیدن به پرمتما کمک نمیکند! در حالت سمادی هیچ چیز تجربه نمیشود و سادک بعد از مدت کوتاهی بحالت عادی بازمیگردد!

مهمترین کاری که سادک برای رسیدن به پرمتما میتواند بکند تسلط بر حواس خود، سادگی و راضی بودن از شرایط زندگی میباشد. این سادک مسلماً به یوگا میرسد.



अर्जुन उवाच

अयतिः श्रद्धयोपेतो योगाच्चलितमानसः।

अप्राप्य योगसंसिद्धिं कां गतिं कृष्ण गच्छति॥३७॥

कच्चिन्नोभयविभ्रष्टश्छिन्नाभ्रमिव नश्यति।

अप्रतिष्ठो महाबाहो विमूढो ब्रह्मणः पथि॥३८॥

**ترجمه:** ارجون پرسید: عاقبت کسی که تلاشهایش برای رسیدن به یوگا به نتیجه ای نمیرسند چه خواهد بود؟ آیا زندگی او که خوشیهای دنیا را ترک کرده و به درک پرماتما هم نرسیده مثل ابرهای تابستانی پراکنده شده و بی معنا تمام میشود؟

**تفسیر:** اشتیاق، انضباط و جدیت در راه رسیدن به پرماتما ضروری میباشد. هیچکس نمیتواند در حین لذت بردن از خوشیهای دنیا به درک پرماتما برسد. تلاشهای انسان برای رسیدن به پرماتما بیهوده بهدر نمیروند. اگر سادک بدلالی نتواند به هدفش برسد تلاشهای فعلی او در تولد بعدی او را بسوی سعادت معنوی هدایت خواهند کرد. هیچ شکی در این نیست.

~~~~~

एतन्मे संशयं कृष्ण छेत्तुमर्हस्यशेषतः।

त्वदन्यः संशयस्यास्य छेत्ता न ह्युपपद्यते॥३९॥

ترجمه: ای کریشنا! فقط تو هستی که میتوانی جواب این سوال مرا بدهی! بغیر از تو کس دیگری نمیتواند مرا بدرستی راهنمایی کند.

تفسیر: علاقه و ایمانی که ارجون به کریشنا و گفته هایش دارد بزرگترین راهنمای او میباشد. جواب سؤالات مربوط به موضوعات زندگی را میتوان از یک شخص با تجربه پرسید ولی فقط یک جواب صحیح کافی نیست بلکه شخص سؤال کننده نیز باید قابلیت فهمیدن آن جواب را داشته باشد.

~~~~~

श्रीभगवानुवाच

पार्थ नैवेह नामुत्र विनाशस्तस्य विद्यते।



न हि कल्याणकृत्कश्चिद्दुर्गतिं तात गच्छति॥४०॥

**ترجمه:** شیری بغوان گفت: ای ارجون عزیز! سادکی که هدفش رسیدن به سعادت معنوی است هرگز دچار مصائب و حوادث نمیشود.

**تفسیر:** سادکی که علیرغم ترک اشیاء دنیا هم نمیتواند به هدفش برسد این سؤال را در سن پیری از خود میکند که عاقبت من چه خواهد شد؟ او از خود میپرسد که من در راه بغوان از خوشیهای دنیا گذشتم و کارهای خوب بسیاری کردم! ولی بآنچه که میخواستم نرسیدم! بنابر این سرنوشت من بعد از مرگ چه خواهد بود؟

در جواب این سؤال شیری بغوان به ارجون میگوید: کسی که با صداقت در این راه قدم میگذارد زحماتش بی ثمر نمیانند. وقتیکه در وجود انسان یک بار علاقه به پرماثما و رسیدن باو پیدا شود آن علاقه برای همیشه در او میماند و باعث پاکی تدریجی درون او میشود. این سادک مرتبه و مقامی را که در این راه حاصل کرده هرگز از دست نمیدهد. من از این سادک حمایت میکنم. لذتی که او در این راه حاصل میکند حتی نصیب خدایان هم نمیشود. او هدف خود را فراموش نمیکند و اگر این بار موفق به رسیدن به پرماثما نشود در تولد بعدی براهش ادامه خواهد داد. کسیکه بسوی من میآید برای من عزیز است و من همیشه باو کمک میکنم!

~~~~~

प्राप्य पुण्यकृतां लोकानुषित्वा शाश्वतीः समाः।

शुचीनां श्रीमतां गेहे योगभ्रष्टोऽभिजायते॥४१॥

ترجمه: او بعد از وفات به دنیای پاک میرود و در آنجا سالهای بسیار زیادی میماند و سپس در خانوادهٔ مردم پارسا و ثروتمند متولد میشود.

تفسیر: کسانی که پرستش آتش و وظایف خانواده و اجتماع خود را با پیروی از اصول مقرر شده در شاسترا انجام میدهند لیاقت رفتن به بهشت و سرزمینهای شنبه بآن را کسب میکنند. کارهایی که اینگونه افراد نیکوکار انجام میدهند قابل ستایش هستند و دیگران از آنها سرمشق میگیرند. ولی هدف یک سادک رفتن به بهشت نیست زیرا او میداند که بهشت هم یک سرزمین موقتی پر از لذات جسمانی است، چیزیکه او در این دنیا هم نميخواهد! در تاریخ دیده شده که بعضی از اشخاص مرفه متعلق بخانواده

های اشرافی تمام ملک و دارائی خود را ترک کرده و در جستجوی پرماتما زندگی ساده ای را در پیش گرفته اند.



अथवा योगिनामेव कुले भवति धीमताम्।

एतद्धि दुर्लभतरं लोके जन्म यदीदृशम्॥४२॥

ترجمه: سادگی که علیرغم ترک اشیاء و خوشیهای دنیا در تمام طول عمرش موفق به رسیدن به یوگا نمیشود در تولد بعدی اش در خانواده عالمان دنیا میآید. متولد شدن در اینگونه خانواده ها بسیار کمیاب است.

تفسیر: دو نوع سادک وجود دارد: یک گروه آنهایی هستند که بر حواس خود مسلط نشده و خواسته های کوچک و بزرگ بسیاری دارند و دوم آنها که بر خواسته هایشان غلبه کرده و هیچ هوسی ندارند. سادگی که علیرغم علاقه به رسیدن به پرماتما هنوز هم باشیاء مادی دنیا علاقمند است موفق به درک پرماتما نمیشود ولی بخاطر کارهای نیکی که کرده بعد از وفات به بهشت میرود. سادگی که به چیزی دلبسته نیست و داشتن و نداشتن اشیاء برایش بی تفاوت شده است یک شخص وارسته (وایراگی) است वैरागि detached . برای این سادک رسیدن به درک پرماتما دشوار نیست ولی اگر بدلیلی نتواند قبل از وفات به هدفش برسد در تولد بعدی در خانواده اشخاص عالم متولد خواهد شد. افراد آن خانواده عالمانی هستند که به موکشا رسیده و یکی بودن خود را با پرماتما درک کرده اند. متولد شدن در خانه این یوگی ها بسیار کمیاب است.

تولد یافتن در خانواده مردم پارسا و نیکو کار و خیراندیش نتیجه اعمال نیک گذشته انسان است. محیط این خانه ها بسیار آرام و غذای آنها ساده و لذیذ و پاک است! در این خانواده ها صحبتی از لذات جسمانی و خوشگذرانی بمیان نمیشود. در محیط سالم و آرام این خانواده نوزاد از ابتدای زندگی اش به پرماتما علاقمند میشود. او در جمع افراد عالم خانواده اش آن علمی را فرامیگیرد که با خواندن کتب نمیتوان یاد گرفت. تولد در اینگونه خانواده ها بسیار کمیاب و ذیقیمت است.



तत्र तं बुद्धिसंयोगं लभते पौर्वदेहिकम्।

यतते च ततो भूयः संसिद्धौ कुरुनन्दन॥४३॥

ترجمه: با تولد در خانه یوگی ها سادک وسایلی را که برای تلاش خود به رسیدن به پرماتما نیاز دارد براحتی دریافت میکند و مجدداً براه قبلی خود ادامه میدهد.

تفسیر: همانطور که یک مسافر در میان راهش خسته میشود و در جائی میخوابد و بعد از بیدار شدن از همانجائی که بود براه خود ادامه میدهد این سادک هم در تولد بعدی براهی که قبلاً در پیش گرفته بود ادامه میدهد. موفقیت‌های مادی که انسان در این دنیا حاصل میکند با مرگ او تمام میشوند زیرا اینگونه موفقیتها مربوط به جسم او میباشند و با از بین رفتن جسم انسان آنها هم از بین میروند. ولیکن پیشرفتهای معنوی مربوط به روح انسان هستند و بعد از وفات او هم با تولد مجدد او بهمراهش می‌آیند. بعبارت دیگر هرگونه پیشرفت معنوی که سادک در این زندگی حاصل میکند در تولد بعدی بخاطرش می‌آید. سادک در این خانواده راهنماییهای علمی بسیاری دریافت میکند و براهش ادامه میدهد.

پیشرفت معنوی انسان نه تنها برای خودش بلکه برای اطرافیانش نیز مفید میباشند. دیگران با دیدن رفتار و صفات نیک سادک از او الهام میگیرند.



पूर्वाभ्यासेन तेनैव हियते हयवशोऽपि सः।

जिज्ञासुरपि योगस्य शब्दब्रह्मातिवर्तते ॥४४॥

ترجمه: سادکی که در تولد قبلی موفق به رسیدن به یوگا نشده با تولد در خانواده مردم اشرافی بطور ناخودآگاه بسوی پرماتما جذب میشود. علاقه قبلی سادک به درک حقیقت او را بسوی پرماتما متمایل میکند.

تفسیر: محیط پاک و آرامی که در خانه عالمان و یوگی ها هست در خانه مردم ثروتمند یافت نمیشود. هم نشینی با مردان عالم و شنیدن سخنان آنها نتیجه اعمال خیر گذشته انسان میباشد. تعلیمات و پرورشی که در نزد این عالمان نصیب انسان میشود بسیار ذیقیمت و کمیاب میباشد. کسیکه به درک پرماتما علاقمند است این علاقه در او هرگز از بین نمیرود.

حتی اگر در این مرحله تمایلات جسمانی و علاقه به جمعآوری اموال در سادک کاملاً از بین نرفته باشد او قلباً معتقد به پرماتما بوده و بسوی او متمایل خواهد بود!

اینطور حکایت شده که یک گدای نابینا هر روز به معبد خدایان میرفت و در کنار یکی از بت ها می نشست. یکروز یک نفر از او پرسید که تو چرا هر روز باینجا میائی؟ تو که نمیتوانی بغوان را ببینی! گدای نابینا در جوابش گفت: من نابینا هستم ولی خدای من نابینا نیست! من او را نمیتوانم ببینم ولی او مرا میبیند و یکروز مرا نجات خواهد داد.



प्रयत्नाद्यतमानस्तु योगी संशुद्धकिल्बिषः।

अनेकजन्मसंसिद्धस्ततो याति परां गतिम्॥४५॥

ترجمه: سادک جدی و بانظباطی که مشتاقانه تلاش میکند، آنکه گناهانش از بین رفته اند و در طی تولدهای قبلی اش موفقیتهای معنوی بسیاری در راه پرماتما کسب کرده است به بالاترین مقام خواهد رسید.

تفسیر: کسیکه به یوگا و درک پرماتما علاقمند است نه تنها به خوشگذرانی علاقه ندارد بلکه از کارهای خوبی که میتواند باعث رفتن او به بهشت شوند نیز دوری میکند زیرا هدف او رفتن به بهشت نیست. او رسیدن به پرماتما را به رفتن به بهشت ترجیح میدهد. برای این سادک لذات دنیا، جمعآوری اموال، افتخارات و شهرت در بین مردم بی ارزش میباشند. در بالاترین مرحله یوگا سادک به حالت آرام و یکنواخت یوگا میرسد و یکی بودن خود را با پرماتما تجربه میکند. او باآنچنان مسرتی میرسد که بالاتر از آن نیست، مسرتی که کسی نمیتواند در باره اش سخن بگوید. هر کسی قابلیت درک یکی بودن خود با پرماتما و رسیدن به کمال انسانیت را دارد.



तपस्विभ्योऽधिको योगी ज्ञानिभ्योऽपि मतोऽधिकः।

कर्मिभ्यश्चाधिको योगी तस्माद्योगी भवार्जुन॥४६॥

ترجمه: یوگی عالم از یک ریاضتکش که زندگی آرام را ترک میکند و در سادگی و با مشقت زندگی میکند برتر است، او از یک شاستری که کتب شاسترا را خوانده نیز برتر است و از آن کارما یوگی هم که برای خدمت بدیگران کارهای بسیار دشواری میکند نیز برتر است. این نظر من است. بنابراین ای ارجون تو یک یوگی عالم بشو!

تفسیر: یک یوگی که هدفش رسیدن به درک پرماتما است از مرتاض ریاضتکشی که برای رسیدن به موفقیت‌های مادی و قدرتهای مافوق بشری مشقات بسیاری را تحمل میکند برتر است. مرتاضان بطور مثال بر روی ذغالهای سوزان راه میروند، روی تختی از میخ میخوابند، گرسنگی و تشنگی و شرایط طاقت فرسا را تحمل میکنند و به قدرتهائی از قبیل جادو، غیبگوئی، سحر و غیره میرسند ولی این قدرتها ناپایدار هستند! میآیند و میروند و مرتاض از اینراه به اموال و اشیاء دنیا میرسد ولی از این راه هرگز به درک پرماتما نمیرسد.

کسیکه کتب شاسترا را میخواند و موضوعات مربوط به مذهب را بطور تئوری و فقط بمنظور کسب مال و امرار معاش یاد میگیرد یک شاستری است ولی عالم نیست. یک یوگی عالم برتر از یک شاستری است. بنابراین شیری کریشنا به ارجون میگوید که تو یک عالم باش.

شخص یوگی عالم نمیتواند دنیا پرست باشد و شخص دنیا پرست نمیتواند یک یوگی باشد. کسیکه برای خوشی و راحتی خودش کار میکند یک شخص دنیا پرست است و کسیکه برای رضایت پرماتما کار میکند چیزی برای خود نمیخواهد یک یوگی است.



योगिनामपि सर्वेषां मद्गतेनान्तरात्मना।

श्रद्धावान्भजते यो मां स मे युक्ततमो मतः॥४७॥

ترجمه: در بین تمام یوگی ها آن یوگی که با علاقه و ایمان کامل مرا میستاید با ارزش ترین یوگی است. این نظر من است.

تفسیر: سادگی که مقصدش رهائی از جهالت و رسیدن به حقیقت است یک یوگی است و در بین تمام یوگی ها آنکه ایمان پاک و صادقانه به ویشنو بغوان دارد بهترین یوگی است! این سادک خود را بنده و خادم ویشنو

بغوان میداند و او را مالک خود میداند. این سادک ساده و بیریا بکت خطاب میشود **भक्त Devotee**. بدون ایمان و علاقه به بغوان غرور انسان تمام نمیشود و یکی بودن خود با پرماٲما را نمیتواند تجربه کند.

بکت معتقد به بغوان هر کاری را بمنظور پرستش و خدمت به بغوان انجام میدهد. بکت نیازی به کسب علم ندارد و به هیچ چیز و هیچ کسی بجز بغوان متکی نیست! برای او داشتن و نداشتن ثروت، شهرت، تحصیلات و غیره بی تفاوت هستند!

ای ارجون! من برهم ساکار هستم و معتقدان من مرا "بغوان" خطاب میکنند. در وجود کسیکه به من ایمان دارد بتدریج صفات خوب پیدا میشوند. من از مریدان سرسپردهٔ خود جدا نیستم و مریدان من از من جدا نیستند. یوگی عالم پرماٲما را بشکل "حقیقت - نور علم - مسرت" تجربه میکند. ولی غرور یکی بودن با برهم در او پیدا میشود!

Knowingly being One with brahm.

प्रतीति सहित ब्रह्मेक्य ।

وقتیکه غرور یوگی از بین برود او بدون اینکه خودش متوجه باشد با برهم یکی میشود. رسیدن به این مقام والا بسیار دشوار و هدف نهائی هر یوگی است.

Unknowingly being One with brahm.

प्रतीति रहित ब्रह्मेक्य ।

عشق و ایمان به بغوان را نمیتوان از جائی کسب کرد یا خرید! این عشق خودبخود در قلب سادک پدیدار میشود! این عشق بی نظیر خودش راه و خودش منزل است. کسیکه در این راه قدم گذاشته از ابتداء به منزل رسیده است. این ایمان و عشق پاک نقطهٔ اوج تکامل انسان است و اشخاص بسیار نادری بآن میرسند.

پایان بخش ششم بهاگواد گیتا - علم برهم
گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون

॥ ॐ श्री परमात्मने नमः ॥

بخش هفتم

श्रीभगवानुवाच

मय्यासक्तमनाः पार्थ योगं युञ्जन्मदाश्रयः।

असंशयं समग्रं मां यथा ज्ञास्यसि तच्छृणु॥१॥

ترجمه: شیریں بغوان گفت: گوش کن ارجون! من بتو خواهم گفت که کسیکه با عشق و ایمان بمن و بیاد من به تمرین یوگا میپردازد چطور قادر به شناخت من میشود.

تفسیر: در ودا گفته شده که: 1 – پرماتما در همه جا هست! بنابراین میتوان گفت که او اینجا هم هست! 2 – پرماتما همیشه هست! بنابراین باید گفت که او همین حالا هم هست! 3 – پرماتما در همه چیز هست! بنابراین میتوان گفت که او در من و تو هم هست!

بنابراین باید گفت که هیچ جایی، هیچ چیزی، هیچ زمانی و شرایطی و اتفاقی خالی از او نیست! پرماتما در هر ذره این جهان موجود است و در هر ذره من، در جسم و عقل و حواس و نفسهای من هم موجود است. کسیکه با در نظر گرفتن این حقیقت به پرماتما و به بغوان که مظهر زنده او بر روی زمین است فکر میکند باو علاقمند میشود.

انسان بدلیل نیازهایش بکسی یا چیزی متکی میشود و تصور میکند که آن چیزها باو کمک میکنند و باعث خوشی او خواهند شد ولی وقتی که درک میکند که پرماتما برتر از همه این چیزهاست باو علاقمند میشود و باو ایمان میآورد.

~~~~~

ज्ञानं तेऽहं सविज्ञानमिदं वक्ष्याम्यशेषतः।

यज्ज्ञात्वा नेह भूयोऽन्यज्ज्ञातव्यमवशिष्यते॥२॥

**ترجمه:** من این علم را بطور کامل برایت توضیح خواهم داد، علمی که بعد از دانستن آن تو نیاز به یادگرفتن چیز دیگری نخواهی داشت.

**تفسیر:** سادگی که علم برهم را یاد میگیرد فقط برهم نیرآکار را میشناسد ولیکن عشق و ایمانی که یک بکت به بغوان دارد باعث میشود که او نه تنها برهم ساکار را بشناسد بلکه برهم نیرآکار را نیز می شناسد.

شیری کریشنا یک گوروی کامل است! او مظهر علم و مسرت ابدی است. عالم کامل آن است که هر دو شکل ساکار و نیرآکار را شناخته باشد. علم کامل را فقط آن کسی میتواند با صراحت و روشنی به کسی یاد بدهد که خودش علم کامل را در درون خود یافته و آنرا تجربه کرده باشد.

در روش ایمان (یوگای بکتی Yoga of Devotion) عشق و ایمان در درجه اول اهمیت قرار دارد و شخص بکت از ابتداء به بغوان ایمان دارد ولی در روش یوگای علم سادک در ابتداء علم برهم را یاد میگیرد و سپس باو ایمان میآورد.

برای یادگیری علم برهم اعتقاد به این سه اصل مهم ضروری میباشد:  
1 – این جهان از پرماتما بوجود آمده و در انتها بدرون او جذب میشود، 2 – همه چیز پرماتما است و چیزی بجز او وجود ندارد و 3 – پرماتما خودش را بشکل اجسام مختلف در آورده و بر روی زمین ظاهر شده است.

مزه آب، نور ماه و خورشید و تخم ابدی همه موجودات جاندار و بیجان من هستم. نه تنها تمام موجودات ساکن و متحرک در من هستند و من در آنها هستم بلکه اینها همگی خود من هستم. هیچیک از این چیزها بدون من وجود ندارند یعنی هستی اینها متکی بمن است. هر چه که بوجود میآید و هر کار و اتفاقی که بوقوع میپیوندد یک "واقعیت" است! واقعیت آن است که واقع میشود یعنی بوقوع میپیوندد، برای مدتی هست و بعد از مدتی نابود میشود ولی "حقیقت" آن است که از ازل بوده، در حال حاضر هست و تا ابد خواهد بود.

پربرهم در ماوراء ماده و بیشکل است و بمیل خود بشکل این جهان مادی ظاهر میشود و برای میلیونها سال میماند و سپس مجدداً بدرون پربرهم جذب میشود. پربرهم خود بخود وجود دارد ولیکن جهان مادی برای موجود بودنش نیاز به پربرهم دارد. پربرهم حقیقت کامل و ابدی است و این جهان هم که از او پیدا شده حقیقت کامل و ابدی است. در کتب ودا نوشته شده که "همه چیز حقیقت است". پربرهم در ماوراء طبیعت و دور از دسترس انسان



و دور از عقل انسان است! او خود را بشکل این جهان مادی و روح متعال غیرمادی درمیآورد و هر دوی اینها هم حقیقت کامل هستند! روح انسان جزئی از روح متعال است ولی در جوار اشیاء رنگارنگ و لذات دنیا بآنها علاقمند میشود و ذات خود را فراموش میکند.



मनुष्याणां सहस्रेषु कश्चिद्यतति सिद्धये।

यततामपि सिद्धानां कश्चिन्मां वेत्ति तत्त्वतः॥३॥

**ترجمه:** در میان هزاران نفر فقط یک نفر باین علم علاقمند میشود و برای فهمیدن آن تلاش میکند. در میان هزاران نفر از این افراد علاقمند فقط یک نفر قادر میشود که آنرا بدرستی بفهمد.

**تفسیر:** آنها که فقط میخورند و میخوابند، بزرگ میشوند، تولید مثل میکنند و یکروز میمیرند فرق زیادی با حیوانات ندارند زیرا حیوانات هم همین کارها را میکنند. انسان معمولاً به کارهایی میپردازد که بآسانی و بزودی به او خوشی بدهند بدون اینکه به عواقب آن کارها فکر کند. آنها که به عاقبت خوشیهای زودگذر فکر میکنند و از رفتن به جهنم میترسند به مذهب روی میآورند و برای کسب خوشیهای بهشتی به کارهای نیک از قبیل رفتن به زیارت و کارهای خیریه میپردازند و با کسب صواب برای رفتن به بهشت دعا میکنند. این مردم نه تنها خوشیهای دنیا را نمیتوانند ترک کنند بلکه حتی بعد از مرگ هم میخواهند خوش باشند و با کسب صواب سعی میکنند لذات بهشتی را هم برای خود تضمین کنند ولی عده بسیار کمیابی به شناختن پرماطا علاقمند میشوند.

اکثر مردم فکر میکنند که جوانی برای خوشگذرانی است و تحصیل ودانت و اوپانیشاد و شناختن پرماطا را برای سالهای دوران پیری مؤکول میکنند. واقعیت این است که انسان بوقت پیری کارهای معمولی پیش پا افتاده زندگی را هم نمیتواند انجام بدهد و موضوعات ساده را هم نمیفهمد چه رسد به درک حقیقت و شناخت پرماطا!

لذتی که نوزاد از خوردن شیر مادر احساس میکند از خوردن شیر در بطری پلاستیکی احساس نمیکند زیرا محبتی که مادر بوقت شیردادن به فرزندش باو میدهد بطری پلاستیکی نمیتواند باو بدهد. یک گوروی پخته و کامل هم مثل یک مادر شیرۀ جانش را به شاگردانش میدهد و علمی را که از

هزاران سال سینه به سینه گشته با محبت در اختیار آنها میگذارد، علمی که فقط با خواندن کتاب نمیتوان بآن پی برد.

آن موفقیتی را که سادک از طریق کامل کردن وظایف، کسب علم، تمرکز افکار و یوگاهای دیگر حاصل میکند و به موکشا میرسد با موفقیتی که بکت با عشق و ایمان به بغوان حاصل میکند فرق دارد زیرا غرور بکت از ابتداء تمام میشود. در جائیکه غرور نیست همه چیز هست! بکت عابد معبود خود یعنی بغوان را در همه جا و همه کس و همه چیز می بیند و بدون خواندن کتب ودا و پوران علم را میداند!.

انسان در واقع هرکاری را میتواند خودش بکند و آنقدر که لیاقت دارد به خواسته هایش میرسد ولی بعد از رسیدن به آنها هم احساس کمبود میکند و آن کمبود عشق پاک و حقیقی است! انسان در حقیقت در جستجوی عشقی است که در درون خودش و جزئی از ذات پاک اوست!

~~~~~

भूमिरापोऽनलो वायुः खं मनो बुद्धिरेव च।

अहंकार इतीयं मे भिन्ना प्रकृतिरष्टधा॥४॥

अपरेयमितस्त्वन्यां प्रकृतिं विद्धि मे पराम्।

जीवभूतां महाबाहो ययेदं धार्यते जगत्॥५॥

ترجمه: خاک، آب، آتش، باد و فضا این پنج عنصر اصلی بهمراه عقل، قلب و غرور طبیعت مادی مرا تشکیل میدهند و روح موجودات زنده طبیعت عالی من است. طبیعت عالی در ماوراء طبیعت مادی است و تمام این جهان را در بر گرفته و بآن نیروی زندگی میکند.

تفسیر: پرماتما (روح متعال) پایه و بنیان هستی همه چیز و همه کس است. او بکمک مایای شگفت انگیزش طبیعت مادی و این جهان را خلق کرده است. طبیعت مادی دارای بیست و چهار قسمت است و طبیعت عالی که روح انسان هم شامل آن است به همه روشنی و نیروی زندگی میدهد. طبیعت مادی خود بخود و به تنهایی نیروئی ندارد و همیشه در حال دگرگونی است ولی طبیعت عالی هرگز تغیرنمیکند و جاودان است. ای ارجون! ای خردمند! خود را بشناس!

انسان دنیا را آنطور که می‌خواهد می‌بیند. اگر انسان دنیا را بآن شکلی که هست ببیند گرفتار اشیاء و خواسته هایش نخواهد شد. بطور مثال زن در حقیقت الهه مادر است ولیکن یک مرد بخاطر علاقه ای که به جسم او دارد او را بشکل وسیله ای برای ارضاء خواهشهای جسمانی خود می‌بیند. این جهان در حقیقت شکل واقعی و زیبایی پر ماتما است ولی انسان از این جهان برای خود دنیائی می‌سازد و به خوشگذرانی و جمعآوری اموال می‌پردازد.

تلاشهای غیر ضروری و طمع انسان به جمعآوری ثروت و اشیاء دنیا نشانه جهالت اوست. انسان هرگز نمیتواند مالک چیزی بشود. مالک حقیقی فقط پر ماتما است. انسان حتی مالک جسم خود هم نیست و یکرور باید آنرا هم در این دنیا بگذارد و برود. دنیا یک مسافر خانه و انسان یک مسافر است. ولی انسان جاهل فکر میکند که زندگی جاودان دارد و تا ابد از این اشیاء استفاده خواهد کرد و لذت خواهد برد. ولی او نمیداند که تمام چیزهای این دنیا هر لحظه دگرگون میشوند و بیک شکل نیمه‌اند! این قانون طبیعت است و هیچ چیزی از این قانون مبری نیست. هر کس که بدنی آمده از دنیا می‌رود و هر که از دنیا می‌رود یکرور دوباره بدنی می‌آید.

انسان در مجاورت اشیاء فریبده حقیقت وجودش را فراموش میکند و تصور میکند که او هم یک جسم است. سادک کارما یوگی برای رهائی از این توهم و درک حقیقت و شناخت خویش توجهی به خواسته های جسم خود نمیکند. او هر کاری را فقط بعنوان خدمت بمردم انجام میدهد و به دنیا بی توجه میشود.

سادک جوای علم برهم برای رهائی از این توهم و شناخت خویشتن کارها و اشیاء دنیا را ترک میکند و به تحصیل علم برهم می‌پردازد. بکت ایماندار و عاشق بیریا از ابتداء غرورش را ترک میکند و خود را بنده ناچیز بغوان میداند. او چیزی را متعلق بخود نمیداند و معتقد است که زندگی و همه چیز او متعلق به بغوان است و تمام کارهایش را برای رضایت بغوان انجام میدهد. بکت پارسا با علاقه و ایمان صادقانه ای که به بغوان دارد در عشق او خود را فراموش میکند و مجذوب او شده بتدریج مثل او پاک و بی عیب میشود.

بعد از درک حقیقت و شناختن شکل حقیقی خود جهالتی بنام "من" در هیچیک از این یوگی ها باقی نیمه‌اند و آنها پیرو هر یوگائی که باشند با پر ماتما یکی میشوند.

هر کسی در خیالاتش برای خود دنیائی را میسازد و در آن خوشیها و غمها را تجربه میکند. در این دنیای خیالی انسان کارهای گوناگون انجام میدهد و خود را گرفتار نتایج کارهایش میکند. طبع سست، طبع فعال و طبع پاک که بطور طبیعی در انسان هست او را وادار به کار میکنند و انسان مغرور را در قید دنیا گرفتار میکنند.

تمام جهان شامل موجودات جاندار و بیجان از مایا درست شده اند. مایا قدرت شگفت انگیز پر ماتما است و او هم مثل پر ماتما کامل و ابدی است. این جهان مادی و اشیاء و موجودات کوچک و بزرگ آن دائماً در حال فعالیت هستند و دگرگون میشوند و از بین میروند و مجدداً زنده میشوند و هیچ چیز نابود نمیشود. همه چیز این جهان کامل و ابدی است!

انسان بخاطر کمبودهایی که دارد به اشیاء دنیا اهمیت میدهد و آنها در نظرش با ارزش میشوند. بطور مثال یک مرد هوسباز به جسم زن علاقمند است و بآن توجه میکند ولی بعد از رسیدن به کام جذابیت و اهمیت جسم آن زن تمام میشود. ما بخاطر طمعی که به جمعاوری ثروت دنیا داریم به پول و املاک اهمیت میدهیم! در غیر اینصورت پول و املاک چه ارزشی خواهند داشت؟ ما بخاطر وابستگی که به اقوام و آشنایان خود داریم در قید آنها گرفتار هستیم و دوری از آنها برایمان دشوار است. ولی انسان بدون وابستگی، بدون طمع و بدون شهوت میتواند در کنار همه اینها مثل یک پرنده آزاد زندگی کند بدون اینکه در قید آنها گرفتار باشد.



एतद्योनीनि भूतानि सर्वाणीत्युपधारय।

अहं कृत्स्नस्य जगतः प्रभवः प्रलयस्तथा ॥६॥

ترجمه: تمام موجودات از اتحاد طبیعت مادی و روح متعال خلق شده اند. هر دوی اینها متعلق بمن میباشند و منشاء پیدایش و نابودی تمام این جهان منم.

تفسیر: روح زنده به اراده من جسم بیجان را بخود میپذیرد و از اتحاد ایندو موجود زنده بوجود میآید.

همانطور که یک کوزه گر بکمک نیروی اراده و تخیلاتش یک کوزه را درست میکند، پر ماتما هم با اراده و نیروی خلاقه اش این جهان را خلق کرده است. یک کوزه از آب و خاک درست میشود و تا چند وقت بشکل

کوزه میماند، سپس میشکند و سائیده میشود و در انتها مجدداً تبدیل به آب و خاک میشود. بعد از شکستن کوزه هوای درون کوزه به هوای بیرون آن میپیوندد و با آن یکی میشود. جسم تمام موجودات نیز که شکل ظاهری آنها را تشکیل میدهد در پایان عمرشان به طبیعت میپیوندد و روح آنها که از ازل با پرماتما یکی بوده با از بین رفتن جسم آنها به پرماتما ملحق میشود. این جهان بی انتها از جسم و روح درست شده است. جسم نه خود را میشناسد و نه چیز دیگری را میشناسد! روح هم خود را میشناسد و هم چیزهای دیگری را میشناسد.

شخص عالمی که علم ودانت را بدرستی فهمیده این حقیقت را درمییابد که او یک جسم نیست و آنچه را که او "من" تصور میکند جسم اوست که بطور موقتی با او داده شده است.

هر چه که هست و نیست و هر چه که دیده میشود و دیده نمیشود بغوان است. آن قادر یگانه ای که خودش را بشکل این جهان درمیآورد خودش آنرا حفظ میکند و خودش آنرا نابود میکند. در کتاب تایتیریا اوپانیشاد بغوان گفته است که "من دانه هستم و آنکه دانه را میخورد نیز منم":

अहमन्नमहमन्नमहमन्नम्।अहमन्नादो-हमन्नादो-हमन्नादः।

(3/10/6)

"I am the Seed and the One who eats the Seed"

(Taitria Upanishada).

شیری بغوان در جایی دیگر از اوپانیشاد میگوید: جاندار و بیجان منم! مرگ و زندگی منم! حقیقت و دروغ منم! آشکار و نهان منم!

~~~~~

मत्तः परतरं नान्यत्किञ्चिदस्ति धनञ्जय।

मयि सर्वमिदं प्रोतं सूत्रे मणिगणा इव ॥७॥

**ترجمه:** ای غنی! در این جهان پهناور کسی و چیزی بجز من نیست! مثل یک گلوبند ساخته شده از دانه های پنبه که رشته نخ که دانه های پنبه بر آن آراسته شده اند نیز از پنبه درست شده است تمام تار و پود این جهان منم!

**تفسیر:** همانطور که باد از فضا بوجود آمده ، در فضا ساکن است و بدون فضا وجود نخواهد داشت این جهان هم از پرماتما بوجود آمده، در پرماتما زنده است و بدون پرماتما وجود نخواهد داشت.

پرماتمای بیجسم خود را بشکل جهان مادی درمیآورد و تبدیل به هزاران جسم مادی میشود. پرماتمای بیجسم و در ماوراء ماده و یکپارچه است و همه چیز در درون او است! این شکل بیجسم پرماتما بدون ثانوی و یکتا است و اعتقاد بوجود آن یگانه پرستی نام دارد! **अद्वैत non-dual**.

این شکل پرماتما قابل دیدن، شنیدن، لمس کردن، چشیدن و بوئیدن نیست و او را فقط بکمک علم برهم (ودانت) میتوان شناخت.

جهان عظیم و بی انتها شکل مادی پرماتما است و اعتقاد به حقیقی بودن آن دوگانه پرستی نام دارد! **द्वैत dualism**.

~~~~~

रसोऽहमप्सु कौन्तेय प्रभास्मि शशिसूर्ययोः।

प्रणवः सर्ववेदेषु शब्दः खे पौरुषं नृषु॥८॥

ترجمه: گوش کن ارجون! مزه آب منم، ملایمت نسیم هوا منم، درخشش الماس منم، نور ماه و خورشید منم، صوت آئوم OM ॐ که در کهکشان هست و کتب ودا که از آن سخن گفته اند منم، اصوات و قدرت سخن منم، اراده مردان و نیروی تلاش آنها برای رسیدن به اهداف زندگی نیز منم.

تفسیر: در ابتدای پیدایش جهان قبل از هر چیز دیگر صوت آئوم

پدید آمد و از این صوت گایتری مانترا **गायत्री मंत्र Gayatri Mantra** بوجود آمد و از گایتری مانترا کتب ودا پدید آمدند. بهمین دلیل نیز عالمان معتقدند که گایتری مانترا تخم کتب ودا است و بدون این مانترا چیزی از کتب ودا باقی نخواهد ماند. بغوان میگوید: "صوت آئوم و گایتری مانترا و کتب ودا منم".

فضا از صوت آئوم بوجود آمده و در صوت آئوم هست و در انتها به درون صوت آئوم جذب خواهد شد. بنابراین صوت آئوم بصورت فضا ظاهر شده است. بدون صوت آئوم فضائی نخواهد بود.

هزاران سال پیش عالمان پارسا با تکرار گایتیری مانترا به خلوص و پاکی درون خود رسیدند و توانستند ودای موجود در کهکشان را بشنوند.

مردانگی مردها در تلاش برای رسیدن به چهار هدف اصلی زندگی است و آن مردانگی که در مرد هست منم! چهار هدف اصلی زندگی عبارتند از: 1 - انجام دادن وظایف، 2 - کسب دارائی، 3 - کسب خوشیهای زندگی، 4 - رهائی از ماده و رسیدن به سعادت معنوی.

انسان بطور معمول حاصل کردن کمبودهایش را مردانگی میداند. شخص فقیر کسب ثروت را مردانگی میداند و شخص بیسواد کسب دانش را مردانگی میداند ولی کسب این چیزها مردانگی و موفقیت کامل نیست! این موفقیت ها فقط برطرف کردن نیازهای جسمانی هستند. موفقیت کامل انسان در درک پرماتما است.



पुण्यो गन्धः पृथिव्यां च तेजश्चास्मि विभावसौ।

जीवनं सर्वभूतेषु तपश्चास्मि तपस्विषु॥९॥

ترجمه: بوی خوش خاک و گرمی آتش منم. نور شعله های آتش منم. نیروی زندگی در موجودات زنده و ریاضت مردان پرهیزکار نیز منم.

تفسیر: خاک بطور طبیعی پاک و خوشبو است ولیکن تغییراتی که در زمین بوجود میآیند باعث پیدایش بوی گند در خاک میشوند. در تمام موجودات نیروی زندگی هست، هوای تنفسی هست هوایی که همه در آن زندگی میکنند و بدون آن زندگی نیست. بغوان میگوید آن هوای زندگی بخش منم.

کسی که ریاضت و سختی های جسمانی را تحمل میکند مرتاض نام دارد ولی مرتاض حقیقی آن است که در مقابل مشکلاتی که در راه رسیدن به پرماتما بر سر راهش قرار میگیرند بی تفاوت میماند و آنها را تحمل میکند. این نوع ریاضت بسیار پاک است و پاک کننده است.

در خلقت این جهان بی انتها خالق قادر، اراده خلقت و مخلوقات او همگی یکی هستند. زمین و بوی خوش آن، آتش و گرمی آن، موجود زنده و نیروی زندگی، مرتاض و ریاضت او یکی هستند.



बीजं मां सर्वभूतानां विद्धि पार्थ सनातनम्।

बुद्धिर्बुद्धिमतामस्मि तेजस्तेजस्विनामहम्॥१०॥

ترجمه: ای ارجون! بدان که آن تخم ابدی و نابود نشدنی که تمام موجودات از آن رشد میکنند منم. ذکاوت مردان خردمند و زیرکی مردان عاقل نیز منم.

تفسیر: من آن تخمی هستم که تمام موجودات از آن رشد میکنند و در انتها بدرون آن میروند.

عقل انسان بطور معمول آنچه را که باعث راحتی و خوشی جسمش باشد انتخاب میکند و آنرا زیرکی میداند. ولی دیده شده که در بسیاری از موارد آن چیزی که در یک زمان و شرایط خاصی زیرکی محسوب میشد در زمان و شرایط دیگر حماقت بشمار میآید. هوش یک ثروت خارق العاده است که بانسان داده شده و بکمک آن او میتواند به سعادت معنوی برسد. حیوانات هم هوش دارند ولی قادر به استفاده از آن نیستند! حیوانات فقط قادر به استفاده از عقل خود هستند که محدود به حفظ و حمایت از جسم خود و تولید مثل میباشد.

در اوپانیشاد آمده که نطفه نوزاد تخم بارور شده پدر و مادرش است. پدر و مادر از دانه گیاهان تغذیه کرده و رشد میکنند یعنی یک نطفه هم از دانه گیاهان تغذیه میکند. دانه گیاهان از خاک تغذیه میکنند. بنابراین نطفه بچه از خاک تغذیه میکند. بنابراین انسان از خاک بوجود میآید و در انتها به خاک تبدیل میشود. جسم مرده را اگر در خاک دفن کنند یا بسوزانند و یا اگر آنرا حیوانات و پرندگان بخورند در هر سه حالت در انتها تبدیل به خاک میشود. جسم موجودات قبل از تولد خاک بوده و بعد از وفات نیز تبدیل بخاک میشود و در فاصله بین تولد و وفات یعنی در دوران زندگی هم خاک است ولی این واقعیت را با چشم نمیتوان دید بلکه آنرا باید فهمید.

درخت از یک تخم درست میشود ولی آن تخم در هیچ جای این درخت در هیچیک از شاخ و برگها، گلهها و گلبرگهایش دیده نمیشود و با وجود هزاران شاخ و برگ هیچیک از آنها با دیگری شباهت ندارند. در این جهان پهناور حتی دو چیز که از هر نظر مثل هم باشند وجود ندارد. حتی دو چیز که از نظر ظاهری کاملاً بهم شباهت دارند با هم یکی نیستند. علیرغم

این همه اختلاف در شکل ظاهری اجسام تخم این خلقت شگفت انگیز یکی است.

هر چه که تا با امروز در بارهٔ پرماٲما حدس زده شده، گفته شده، نوشته شده و باور شده همهٔ آنها ناقص هستند. اگر یک شخص و یا عقیده ای ادعا کند که پرماٲما را شناخته است باید گفت که آن عقیده و آن شخص هنوز چیزی نمیداند.



बलं बलवतां चाहं कामरागविवर्जितम् ।

धर्मविरुद्धो भूतेषु कामोऽस्मि भरतर्षभ ॥११॥

ترجمه: ای برترین مرد هند! آن نیروی مردانگی عاری از هیجان و شهوت که در مردان با اراده هست منم. و آن شهوت پاکی هم که بطور طبیعی برای تولید مثل در تمام موجودات هست نیز منم.

تفسیر: انسان نیکوکار حتی در سخت ترین شرایط زندگی هم یکنوع شور و شوق پاک زندگی را در درون خود احساس میکند! آن شور و شوق زندگی که باعث موفقیت مردان پاک میشود منم.

ارجون! شهوت پاکی که بطور طبیعی و بمنظور تولید مثل در انسان وجود دارد منم. ولی شهوت ناپاکی که بمنظور لذت بردن از جسم و برطرف کردن هوس جسمانی میباشد از نظر شاسترا مردود است. شهوت ناپاک انسان را بخود وابسته میکند. مرد هوسباز بسوی کارهای غیراخلاقی کشیده میشود و مرتکب گناه میشود. شخص خردمند از شهوت ناپاک اجتناب میکند. اجتناب از بچه دار شدن به روشهای غیر انسانی و همچنین همبستری با زن صرفاً بمنظور لذت جسمانی یک گناه است و مصائب بزرگی بدنبال خود ببار میآورد. زن و مرد فقط باید بمنظور تولید مثل از یکدیگر کام بجویند و در غیراینصورت باید کام را برای همیشه ترک کنند.



ये चैव सात्त्विका भावा राजसास्तामसाश्च ये।

मत्त एवेति तान्विद्धि न त्वहं तेषु ते मयि॥१२॥

ترجمه: طبع پاک، فعال و سست از من بوجود آمده ولی من خودم هیچ طبعی ندارم و هیچ کاری نمیکنم.

تفسیر: بغوان میگوید سه طبعی که در طبیعت هستند و باعث انجام گرفتن کارها میشوند از من تولید میشوند بنابراین میتوان گفت که هر چه که در جهان اتفاق میافتد همگی از بغوان سرچشمه میگیرند و با اتکاء باو انجام داده میشوند. بنابراین بغوان را باید مسئول همه کارها دانست. در واقع اگر انسان بغوان را مسئول تمام اتفاقات دنیا بداند از تمام خوشیها و غمها رها میشود و یأسانی به موکشا میرسد. ولیکن انسان بخاطر جهالتی که دارد خود را مسئول و کننده کارها میداند و خوشیها و غمهای دنیا را تجربه میکند. هدف یک زارع از کشت گندم حاصل کردن دانه گندم است ولی ساقه و علف هم با گندم میرویند و زارع آنها را از هم جدا میکند. سادک نیز برای رسیدن به پرماثما باید از هوسها و خوشیهای دنیا بگذرد. سادک باید بطور خردمندانه آنچه را که برای رسیدن بهدش مفید است انتخاب کند و از اشیاء و از اشیاء و کارهای غلط و غیرضروری اجتناب کند.

آدی شنکر آچاریه معتقد است که برهم نیراکار عاری از جسم مادی حقیقت و کامل است ولی دنیای مادی ساخته بشر دروغین و ناقص است.

ब्रह्म सत्यम् जगत् मिथ्या।

Brahm is real and the world is unreal (imaginary) .

دنیای مادی را انسان با خیالات و تصورات خود میسازد و موقتی است و یگروز خراب میشود در حالیکه برهم غیرمادی همیشه بوده و هست و بی پایان و جاودان است.

त्रिभिर्गुणमयैर्भावैरेभिः सर्वमिदं जगत्।

मोहितं नाभिजानाति मामेभ्यः परमव्ययम्॥१३॥

ترجمه: مردم دنیا تحت تأثیر این سه طبع به کار و فعالیت میپردازند و به نتیجه کارهایشان دل می بندند و بهمین دلیل نمیتوانند مرا که در ماوراء این سه طبع هستم بشناسند.

تفسیر: طبع پاک انسان را علاقمند به کارهای نیک میکند، طبع فعال انسان را علاقمند به کارهای پر فایده میکند و طبع سست انسان را علاقمند بکارهای بیهوده میکند. باین ترتیب تمایل به کارهای خیرخواهانه،

خودخواهانه و احمقانه بطور دائم در انسان بوجود می‌آید و از بین می‌رود و فکر انسان را بخود مشغول نگاهمیدارند. بهمین دلیل نیز هیچیک از مردم خیرخواه، مردم فعال و مردم نادان نمیتوانند اصل وجود خود را بشناسند. انسان بدلیل ندانستن این حقیقت که او پاره ای از پرماتما است به دنیا و کارها و اشیاء دنیا دل میبندد و خود را پاره ای از دنیا تصور میکند. شخص خردمند از اشیاء ضروری دنیا استفاده میکند ولی بآنها دل نمیبندد! در دنیا زندگی میکند ولی به دنیا دل نمیبندد! در جمع خانواده و فامیل زندگی میکند ولی بآنها وابسته نمیشود.

پرماتما در ماوراء سه طبع است و بهمین دلیل نیز انسان برای رسیدن باو باید از هر سه طبع خود بگذرد! حتی طبع عالی انسان هم که باعث علاقه او بکارهای خیریه و کسب علم میشود از رسیدنش به پرماتما جلوگیری میکند.



दैवी ह्येषा गुणमयी मम माया दुरत्यया।

मामेव ये प्रपद्यन्ते मायामेतां तरन्ति ते॥१४॥

ترجمه: گذشتن از دریای پر آشوب مایا **माया**، این نیروی شگفت انگیز من که شامل سه طبع ذکر شده است بسیار دشوار میباشد. کسیکه بدون اتکاء به چیزهای دنیا بمن پناه می‌آورد میتواند از مایا بگذرد.

تفسیر: نیروی شگفت انگیز پرماتما بنام مایا که این جهان از آن ساخته شده دارای سه طبع ساتوا (طبع پاک)، راجس (طبع فعال) و تامس (طبع نادان) میباشد. گذشتن از این سه طبع و غلبه بر مایا دشوار است. انسان گاهی خود را خوشحال، گاهی غمگین، گاهی ضعیف و گاهی قوی، گاهی عاقل و گاهی نادان تصور میکند و گرفتار احساسات میشود. احساسات انسان بر پایه حالات و شرایط زندگی میباشد و موقتی میباشد. شخص خردمند باین احساسات توجه نمیکند.

بغوان میگوید که بهترین راه نجات از این سه طبع پناه آوردن بمن میباشد! بعضی ها میخواهند که در پناه بغوان باشند ولی از اشیاء دنیا هم نمیتوانند جدا شوند. انسان این چیزها را پناهگاه خود میداند و تصور میکند

که بدون آنها نمیتواند زندگی کند. در حقیقت تمام این چیزها برای مدتی در اختیار ما گذاشته شده اند و حق مالکیت بر آنها را نداریم!
و قتیکه جهالت از بین برود انسان از خواب غفلت بیدار میشود و از دنیای دروغین روی برگردانده و به بسوی حقیقت قدم برمیدارد.



न मां दुष्कृतिनो मूढाः प्रपद्यन्ते नराधमाः।

माययापहतज्ञाना आसुरं भावमाश्रिताः ॥१५॥

ترجمه: بغوان میگوید کسیکه مایا بر او غلبه کرده و روی علم او را پوشانده بسوی کارهای نادرست و خلاف اخلاقی کشیده میشود. گناهان اینگونه افراد نادان آنها را از آمدن بسوی من باز میدارند.

تفسیر: افراد نادان کسانی هستند که به چیزهایی که در اختیار دارند احساس مالکیت میکنند و در آرزوی برطرف کردن کمبودهایشان هستند! با برآورده شدن آرزوهایشان در آنها طمع ایجاد میشود و با برآورده نشدن خواسته هایشان خشمگین میشوند.

کسانیکه به بغوان پناه نمیبهرند به شیاطین روی میآورند. این افراد بجز دنیا و لذات آن چیز دیگری را نمی بینند. هدف این مردم در زندگی فقط لذت بردن از اشیاء و جمعآوری اموال میباشد. اینها در چنگ مایا گرفتار هستند و هرگز نمیتوانند از آن رها شوند.

پرده جهالت روی عقل این افراد را پوشانده و آنها فقط اجسام فریبنده دنیا را میبینند و حقیقتی را که در ماوراء آن اجسام است نمی بینند.



चतुर्विधा भजन्ते मां जनाः सुकृतिनोऽर्जुन।

आर्तो जिज्ञासुरर्थार्थी ज्ञानी च भरतर्षभ ॥१६॥

ترجمه: ارجون! ای بهترین مرد هند! چهار نوع مردم نیک بمن پناه میآورند و مرا ستایش میکنند: مردم بی بضاعت، مردم مصیبت دیده، عابدان عالم و محققان کنجکاو.

تفسیر: بطور کلی فلسفه وجود بغوان برای سعادت بشر درست شده است! اعتقاد به وجود بغوان و علاقه باو باعث پاکی درون و بیرون

انسان میشود. شخص ایماندار و معتقد به بغوان در کارهایش موفق میشود. انسان حتی میتواند آمادگی و لیاقت رسیدن به مقام بغوان را در خود پرورش بدهد. کسیکه با صداقت در این راه قدم میگذارد پرماتما که در درون خود اوست باو کمک میکند.

مردم بی بضاعت – عده ای از مردم فقط بخاطر نیازهای مادی خود به بغوان روی میآورند و از او کمک میخواهند. آنها بمحض رسیدن به خواسته هایشان دوباره بغوان را فراموش میکنند.

مردم مصیبت دیده – عده ای از مردم فقط بوقت مصائب، موقعی که جانیشان در خطر است و یا در شرایط دشوار زندگی بغوان را بخاطر میآورند و بمحض رفع مشکلاتشان او را فراموش میکنند.

محققان کنجکاو – عده ای از پژوهشگران فقط بخاطر یافتن اسرار و کسب اشتها به بغوان روی میآورند و علاقه ای به بغوان ندارند.

عالمان عابد و عاشق بغوان – عده نادری از عالمان بعد از تحصیل علم برهم در دلشان آنچنان عشقی برای بغوان پیدا میشود که تمام غرورشان خود بخود ترک میشود. این بکت ها خود را بنده و خدمتکار بغوان میدانند و با تمام وجودشان عاشق او هستند و او را میپرستند و چیزی بجز بغوان نمیخواهند! این عالمان عاشق و وارسته در نهایت مثل بغوان میشوند.

عابد عالم و عاشق بغوان او را در همه جا و همه کس می بیند. در نظر او تمام اتفاقات و شرایط خوب و بد زندگی بازیهای بغوان هستند. همانطور که بغوان از هر نظر کامل است و چیزی از کسی نمیخواهد این بکت ها هم چیزی از کسی نمیخواهند! آنها فقط بغوان را میخواهند بدون اینکه چیزی از او بخواهند!

این بکت های عاشق معتقدند که فقط بغوان براستی محبت میکند زیرا نیاز به چیزی ندارد و از کسی ترس و نگرانی ندارد! بکت عاشق با تمام وجودش به بغوان پناه میبرد و کارها و نتایج آنها را باو تسلیم میکند! او در نتیجه آنچنان رضایتی را احساس میکند که گویی تمام خواسته هایش برآورده شده اند! بکت و بغوان در ظاهر دوتا ولی در حقیقت یکی هستند!

~~~~~

तेषां ज्ञानी नित्ययुक्त एकभक्तिर्विशिष्यते।

## प्रियो हि ज्ञानिनोऽत्यर्थमहं स च मम प्रियः॥१७॥

**ترجمه:** در بین این چهار دسته ای که بمن پناه می‌آورند بکت های عالمی که منحصرأ بمن معتقدند و مرا میپرستند و تنها هدفشان رسیدن بمن است بهترین هستند.

**تفسیر:** بکت مؤمن همیشه و در هر حالی بیاد بغوان است. او برای خود چیزی نمیخواهد و هر کاری که میکند بمنظور خدمت و کمک بدیگران است. بکت مؤمن و عاشق بغوان خود را از بغوان جدا احساس نمیکند. وقتی که بکت ارزش بغوان را میفهمد باو علاقمند میشود و چیزهای دیگر در نظرش بی ارزش میشوند. او فقط باندازه ای که برای حفاظت جسمش نیاز دارد از اشیائی که در اختیار دارد استفاده میکند و طمع حاصل کردن چیزهای غیرضروری او را آزار نمیدهد.

عشق به بغوان پاکترین و کاملترین عشق است و همین عشق انسان را تا تکامل معنوی و سعادت هدایت میکند. در این عشق پاک عاشق همه چیز خود را در راه رسیدن به معشوق قربانی میکند بدون اینکه از او چیزی بخواهد.

با ارزشترین علمی که بکت دارد این است که "همه چیز بغوان است"! همین علم حقیقی و آخرین علمی است که انسان باید یاد بگیرد زیرا بعد از آن نیاز به یادگیری علم دیگری باقی نمیماند. به همین دلیل نیز فقط کسیکه اینطور احساس و تجربه میکند یک عالم حقیقی است.

حتی عالمی که تمام کتب مربوط به علم برهم را تحصیل کرده و برهم نیراکار را شناخته نیز یک عالم کامل نیست زیرا او هنوز برهم ساکار را نشناخته است. آن عالمی که بعد از شناختن برهم نیراکار به برهم ساکار علاقمند میشود و باو ایمان می‌آورد و بکمک همین عشق و ایمان خود برهم ساکار را میشناسد یک عالم کامل است و میفهمد که همه چیز برهم ساکار و نیراکار است یعنی هرچه دیده میشود و هرچه دیده نمیشود و میگوید:

वासुदेवः सर्वम् Everything is Vasudeo Brahm.

گیتا معتقد است که بدون ایمان به واسودئو (ویشنو) بغوان ساکار علم برهم ناقص است و عالمی که علم برهم نیراکار را هم بدرستی درک کرده بدون عشق و ایمان به بغوان ساکار نمیتواند به یوگا برسد و آنرا تجربه کند. زیرا بدون عشق و ایمان به بغوان غرور عالم از بین نمیرود و همان غرورش

بین او و برهم مثل یک دیوار باقی میماند و شخص عالم نمیتواند به یوگا یعنی یگانگی کامل با برهم برسد.

در ودا گفته شده است که "حقیقت" یکی است و چیزی بجز او نیست. تا زمانی که در وجود انسان حتی ذره ای هم غرور وجود داشته باشد نمیتواند حقیقت را بشناسد و یکی بودن خودش را با برهم یگانه (حقیقت ابدی) تجربه کند.



उदारा: सर्व एवैते ज्ञानी त्वात्मैव मे मतम्।

आस्थितः स हि युक्तात्मा मामेवानुत्तमां गतिम्॥१८॥

**ترجمه:** بکت های من ایمان عاشقانه بمن دارند! آنها خوش نیت و نیک سیرت هستند ولی عالمی که بعد از کسب علم برهم نیراکار بسوی من میآید و بکت من میشود در واقع خود من است. این نظر من است.

**تفسیر:** بکت بغوان را دوست دارد و بغوان هم متقابلاً او را دوست دارد. بکت بخاطر ایمان و عشقی که به بغوان دارد همیشه با او در ارتباط است. بغوان حتی به اشخاص خودخواهی که برای برآورده شدن آرزوهایشان و یا بخاطر دور کردن مصائب، درد و بیماری خود به نزد او میآیند کمک میکند و آنها را نیز محترم میشمارد.

بکت عابد و عاشق بغوان خواسته هایش را فدای عشق خود میکند و با تمام وجودش به معشوق خود خدمت میکند. این سادک از خوشی بغوان احساس خوشی میکند.

سادک بعد از کسب علم برهم احساس میکند که با برهم یکی شده است ولی این احساس وحدت کامل نیست زیرا شخص عالم از یکی بودن خود با برهم آگاه و از آن مغرور است و همین باعث ایجاد دیواری بین او و برهم یگانه میشود! برای از بین بردن این دیوار شخص عالم به یک گوروی کامل روی میآورد و با هدایت او در دلش به بغوان عشق و ایمان پیدا میشود و غرورش از بین میرود و وحدت کامل و یکی بودن با برهم را درک و تجربه می کند. این ایمان یک عشق پاک مقدس است و رسیدن بان مستلزم ترک هوسها و پیروی صادقانه از گفته های گورو میباشد.



बहूनां जन्मनामन्ते ज्ञानवान्मां प्रपद्यते।

वासुदेवः सर्वमिति स महात्मा सुदुर्लभः॥१९॥

**ترجمه:** انسان بعد از تولدهای بسیار این علم را درمییابد که همه چیز پرماتما است. در میان این عالمان آن مهاتما که میفهمد که واسودئو ویشنو در تمام ذرات این دنیا هست بسیار کمیاب است.

**تفسیر:** موجود زنده بعد از گذشتن از هزاران تولد باشکال گوناگون بشکل انسان متولد میشود. انسان قابلیت آنرا دارد که شکل حقیقی خود را بشناسد و برای همیشه از قید تولد و مرگ نجات یابد ولی او بجای استفاده از این موقعیت غرق در لذات مادی میشود و عمرش را بهدر میدهد. اشخاص نادان عمر خود را برای جمعآوری اشیاء دنیا بهدر میدهند! در کتب شاسترا نوشته شده که زندگی انسان فقط برای رسیدن به سعادت معنوی باو داده شده، نه برای لذت بردن از خوشیهای جسمانی و جمعآوری اشیاء مادی! انسان بدلیل اشتباهات و گناهای که مرتکب میشود بعد از مرگ بارها بشکل حیوانات مختلف متولد میشود و این سلسله تولد و مرگ ادامه مییابد تا او مجدداً بشکل انسان متولد میشود و مجدداً این موقعیت را مییابد که از این جسم استفاده کرده و به سعادت برسد یعنی به تکامل برسد و با بغوان یکی شود.

بغوان در ابتداء به ارجون میگوید: تو نگران چیزی نباش و فقط وظیفه ات را انجام بده! تو مسلماً موفق خواهی شد. انسان باید خودش علاقمند به رسیدن به سعادت معنوی باشد. این علاقه مثل یک مشعل سادک مشتاق را تا رسیدن به هدفش راهنمایی میکند.

در ویشنو پوران اینطور ذکر شده که: " این جهان پهناور و تمام موجودات جاندار و بیجان همگی مظهر پرماتما میباشند و چیزی بجز پرماتما در جهان نیست. در ودا نوشته شده: "همه چیز این جهان بیکران واسودئو (ویشنو بغوان) است.

सकलमिदमहं च वासुदेवः

“Everything is Vasudeo (Visnu)”



عقل انسان علاقمند به اشیائی است که بجسم او راحتی و خوشی میدهند ولی پرماتما در ماوراء جسم و عقل انسان است! سادک باید هر چیز را آنطور که گورو میگوید بپذیرد تا بتواند بتدریج حقیقت را درک کند.

همانطور که ظروف گلی از خاک درست شده و در آخر هم تبدیل به خاک میشوند و زیورآلات طلائی از طلا ساخته شده و در آخر تبدیل به طلا میشوند این جهان هم از آغاز خلقت یک پرماتما بوده، از پرماتما درست شده و در آخر هم تبدیل به پرماتما میشود. بخاری که از آب دریا برمیخیزد اگر چه که بشکل ابر، قطرات باران، برف و یخ و یا مه و شبنم در میآید ولی باز هم همان آب است و باز هم یکروز به دریا میپیوندد.

عالمان معتقدند که "برهم" حقیقت است و هر چیز دیگر یعنی اجسام و اشیاء دنیا دروغین هستند! ولی بکت ها معتقدند که تمام اجسام و اشیاء حقیقی هستند و هیچ چیز این جهان دروغین نیست! هر دوی این اعتقادات درست هستند. نه تنها آنها که علم برهم را تحصیل میکنند عالم هستند بلکه آنها که فقط به بغوان ایمان و علاقه دارند نیز عالم هستند! علم بدون ایمان نمیتواند کامل باشد و ایمان بدون علم کامل نیست. اشخاص بسیار کمیابی باین حقیقت میرسند. عالمانی که علاوه بر آگاهی از علم برهم دارای ایمان صادقانه نیز هستند سنت خطاب میشوند Sant संत .

بغوان شیری کریشنا میگوید که عالم مرید من روح من است. دیدن سنت ها و بودن در حضورشان باعث مسرت و علو اخلاقی انسان میشود. سادک کارما یوگی، گیان یوگی، دیهان یوگی، لئی یوگی، هت یوگی، راج یوگی، مانترا یوگی، اناسکت یوگی و غیره یوگی های بسیاری هستند و در باره آنها در کتب شاسترا توضیح داده شده است و گفته شده است که در میان تمام این یوگی ها یک سادک گیان یوگی که علم برهم را بدرستی دریافته و در وجودش عشق و ایمان به برهم ساکار و نیرآکار پیدا شده و بوجود هر دوی آنها ایمان کامل دارد بالاترین مقام را دارد و فقط او یک سنت است! تا زمانی که سادک بدلیلی احساس غرور میکند نمیتواند یک یوگی باشد. کسیکه میگوید که من یوگی هستم از یوگی بودنش احساس غرور میکند و از آن لذت میبرد! کسی که میگوید من عالم هستم بر عالم بودنش مغرور است و از آن لذت میبرد! کسی که میگوید من به بغوان ایمان دارم بخاطر ایمانش مغرور است و از آن لذت میبرد و غیره. غرور سادک بهر دلیلی که باشد میتواند باعث تنزلش به مقام پائین تر بشود.

غرور سادک باعث پیدا شدن اختلاف نظر با سادک دیگر میشود و هر یک روش دیگری را قبول نمیکند! ولی سادک خردمند میداند که هر کسی بمیل خود و آنطور که طبع او ایجاب میکند روشی را در پیش میگیرد ولی منزل و مقصد همه آنها یکی است یعنی درک پرماتما.

همانطور که در اقیانوس، نهر، رودخانه، ابر، باران، برف، یخ، شبنم و غیره یک عنصر آب مشترک است در فلسفه "همه چیز پرماتما است" نیز هیچ فرقی بین چیزها نیست. در این فلسفه نه یوگی یوگی میماند، نه عالم عالم میماند و نه بنده بنده میماند و همگی یک پرماتما هستند! کسیکه این حقیقت را تجربه میکند بسیار کمیاب است.

سادک در راه رسیدن به پرماتما یک اشتباه میکند و آن این است که او سعی میکند بکمک عقلش حقیقت را بفهمد و بخود بقبولاند که این دنیا شکل واقعی پرماتما است. برای رسیدن باین حقیقت سادک باید همه چیز را همانطور که هست قبول کند و حتی برای عوض کردن خودش هم تلاش نکند.



कामैस्तैस्तैर्हृत्तज्ञानाः प्रपद्यन्तेऽन्यदेवताः।

तं तं नियममास्थाय प्रकृत्या नियताः स्वया॥२०॥

**ترجمه:** کسیکه هوسها و آرزوهایش عقلش را ربوده اند به خدایانی پناه میبرد که مطابق میل خودش باشند. او آن خدایان را میپرسند و بآنها خدمت میکند.

**تفسیر:** طمع و طبع ناآرام انسان باعث میشود که او برای برآوردن آرزوهایش به خدایان متوسل شود تا او را باسانی و در مدت بسیار کمی به آرزوهایش برسانند.

کسی که طبع سست دارد به کارهای زشت و خلاف اخلاقی میپردازد، کسیکه طبع فعال دارد شب و روز کار میکند و هر کاری را بدون توجه به اصول ودا و شاسترا انجام میدهد و کسیکه طبع پاک دارد با پیروی از نوشته های ودا و شاسترا بکارهای خیریه و کمک بدیگران میپردازد ولی منظورش از کارهای خیریه کسب صواب و رفتن به بهشت است. انسان دارای هر طبعی که باشد در هر کاری همیشه فقط منافع خود را در نظر میگیرد و هرگز از

خود نمیپرسد که آیا این کارها باعث رسیدن من به سعادت معنوی خواهد شد؟

شخص دارای طبع سست نمیتواند تنبلی و کارهای خلاف را ترک کند، شخص دارای طبع پرهیجان نمیتواند از کارهای غیرضروری اجتناب کند و شخص دارای طبع پاک نمیتواند بهشت را فراموش کند.



यो यो यां यां तनुं भक्तः श्रद्धयार्चितुमिच्छति।

तस्य तस्याचलां श्रद्धां तामेव विदधाम्यहम्॥२१॥

**ترجمه:** بغوان گفت: من به کسیکه بخاطر نیازهای مادی خود به خدایان پناه میبرد کمک میکنم و در قلبش به خدای دلخواهش اعتقاد بوجود میآورم.

**تفسیر:** شیری بغوان کسی را وادار نمیکند که باو روی آورد و باو ایمان داشته باشد. او کسی را وادار به پیروی از اصول و گفته هایش نمیکند. شخص پاک و بی نیاز دیگران را وادار به اطاعت از خود نمیکند. در واقع فقط آن کسی دیگران را غلام خود میکند که در خودش کمبودی باشد. آدی شنکر آچاریه مهاراج Aadi Shankaracharya گفته است:

आकाशात् पतितं तोयं यथा गच्छति सागरम्।

सर्वदेवनमस्कारः केशवं प्रति गच्छति ॥

**معنی:** همانطور که هر قطره آب که از آسمان بر روی زمین میافتد بسوی دریا روان میشود هر دعائی هم که بدرگاه خدایان گوناگون از دل برمیخیزد بسوی ایشور میرود.



स तया श्रद्धया युक्तस्तस्याराधनमीहते।

लभते च ततः कामान्मयैव विहितान्हि तान्॥२२॥

**ترجمه:** آنها خدایان مورد علاقه شان را با عشق و ایمانی که من در قلبشان میگذارم میپرستند و به خواسته هایشان میرسند. آنها چیزهایی را از خدایان دریافت میکنند که من برایشان مقرر کرده ام.

**تفسیر:** این مردم تصور میکنند که چیزهای دلخواهشان را خدایان بآنها داده اند ولی آن خدایان هم قدرت خود را از من میگیرند و بخواست من آرزوهای این مردم را برآورده میکنند.

همانطور که بهر یک از کارمندان دولت بودجه محدود و مسئولیت خاصی داده میشود خدایان هم توانائی های محدود و مخصوص خود دارند و تمام چیزهائی که در اختیار دارند از طرف پرماآما بآنها داده شده اند. این خدایان بعد از خرج کردن بودجه ای که در اختیارشان گذاشته شده از بهشتی که در آن هستند بر روی زمین بازگردانده میشوند. ولیکن پرماآما قدرتهای بیشماری دارد و در همه جا و هرچیز و در هر زمان هست. او نه تنها در بهشت بلکه در جهنم هم هست.

پرماآما نور علم است و بغوان شکل جسمانی او است. بغوان مظهر "هستی - نور علم (وجدان آگاه) و مسرت" ابدی است و مثل پرماآما فناپذیر میباشد.



अन्तवत्तु फलं तेषां तद्भवत्यल्पमेधसाम्।

देवान्देवयजो यान्ति मद्भक्ता यान्ति मामपि॥२३॥

**ترجمه:** چیزهائی که انسان از ستایش خدایان دریافت میکند کم ارزش و موقتی میباشد. آنها که خدایان را میپرستند در نهایت به بهشتی که خدایشان در آن اقامت دارد میروند و مدتی در آنجا میمانند. و آنها که مرا میپرستند یکروز مثل من مظهر علم و مسرت جاودان میشوند و به مقام من میرسند.

**تفسیر:** کسی که بر حواش مسلط شده و خواسته ای ندارد بدنبال خدایان نمیرود و چیزی را با اصرار از آنها نمیخواهد. کسانی که با نذر و نیاز و گریه و زاری و باریاضت کشیدن هر طور شده میخواهند بارزویشان برسند گاهی آن چیزی را دریافت میکنند که بصلاحشان نیست ولی آنها که به بغوان ایمان دارند همه چیز را به بغوان میسپارند و راضی به رضای او هستند مسلماً آنچه را که بصلاحشان است در زمان مناسب دریافت میکنند. هیچ شکی در این نیست.



अव्यक्तं व्यक्तिमापन्नं मन्यन्ते मामबुद्धयः।

परं भावमजानन्तो ममाव्ययममनुत्तमम्॥२४॥

**ترجمه:** افراد نادان وجود مرا که عالیت‌ترین است نمیشناسند و مرا که شکل مادی ندارم و دیده نمیشوم یک انسان معمولی تصور میکنند.

**تفسیر:** شیری بغوان میگوید: آنها که بمن ایمان ندارند با دیدن شکل ظاهری من تصور میکنند که من هم مثل انسانهای دیگر بدنیا می‌آیم و می‌میرم. وجود ابدی فناپذیر من علیرغم اینکه در همه جا، در هر زمان، در هر کس و هر چیز هست در ماوراء همه آنها می‌باشد و با چشم دیده نمیشود! من در ماوراء حواس انسان هستم یعنی انسان با چشم نمیتواند مرا ببیند، با گوش نمیتواند مرا بشنود، با زبانش نمیتواند مرا بچشد، با دست نمیتواند مرا لمس کند و با بینی نمیتواند مرا بو کند! من در ماوراء دنیای مادی هستم و بهمین دلیل شناختن من برای مردم دنیا پرست دشوار است! خواسته‌های انسان روی علم او می‌پوشانند و نمی‌گذارند که او حقیقت را بفهمد.

من قادر فناپذیرم! من بمیل خود و بکمک نیروی خارق العاده ام بنام یوگامایا योगमाया yogmaya بر روی زمین نازل میشوم. این وجود شگفت انگیز مرا اشخاصی که گرفتار لذات دنیا هستند نمیتوانند درک کنند.

بغوان بهر دو شکل آشکار و نهان هست! او هم در این دنیا هست و هم در ماوراء دنیا هست. تمام موجودات قبل از تولد نبودند و بعد از مرگ هم نخواهند بود و فقط در فاصله بین تولد و مرگ وجود دارند ولی بغوان همیشه هست و تولد و مرگ ندارد! او بمیل خودش ظاهر میشود و بمیل خودش از انظار غایب میشود. او برای آنها که او را میخواهند هست و برای آنها که او را نمیخواهند نیست! او در حین غایب بودن هم حاضر است و در حین حاضر بودن هم غایب است. هیچ شکی در این نیست!

~~~~~

नाहं प्रकाशः सर्वस्य योगमायासमावृतः।

मूढोऽयं नाभिजानाति लोको मामजमव्ययम्॥२५॥

ترجمه: عقل ناقص مردم دنیاپرست نمیتواند بفهمد که من ابدی و فناپذیر هستم. شکل حقیقی من که با یوگامایا پوشیده شده است در مقابل آنها ظاهر نمیشود.

تفسیر: بغوان در حقیقت در همه جا هست ولی از نگاه مردم دنیاپرست پوشیده میماند و آنها او را بشکل یک فرد عادی می بینند. فقط آن کسانی میتوانند او را ببینند که لیاقت دیدارش را دارند. حتی آفتاب هم عمر محدود دارد، او یکروز بدنیا آمده و یکروز از دنیا خواهد رفت ولیکن پرماتما از ازل بوده و تا ابد خواهد بود. شخص باخرد این حقیقت را میداند.

شیری بغوان بکمک یوگامایا ظاهر میشود ولی مایا روی او را میپوشاند و او از انظار مردم نادان پنهان میماند و آنها او را بشکل یک انسان می بینند. مایا **माया Maya** و یوگامایا **योगमाया** هر دو نیروهای خارق العاده پرماتما میباشند! پرماتما بکمک یوگامایا ظاهر میشود ولی مایا روی آنرا میپوشاند! کسانی که به دنیا و اشیاء آن علاقه بسیار دارند نمیتوانند از مایا نجات پیدا کنند. مایا بمعنای "ماده" است. مردمی که به مادیات دنیا علاقمند هستند و نمیتوانند آنرا ترک کنند هرگز نمیتوانند حقیقت را بفهمند و هرگز نمیتوانند مثل بغوان بشوند.



वेदाहं समतीतानि वर्तमानानि चार्जुन।

भविष्याणि च भूतानि मां तु वेद न कश्चन॥२६॥

ترجمه: من تمام کسانی را که در زمان گذشته بودند، آنها را که در زمان حال هستند و آنها را که در آینده خواهند بود میشناسم ولی کسی مرا نمیشناسد.

تفسیر: پرماتما محدود به جسم و زمان و مکان نیست. زندگی انسان محدود به یک جسم، محدود به یک زمان و مکان خاصی است یعنی او در یک زمان بدنیا میآید و مدتی زندگی میکند و سپس از دنیا میرود و فقط محدود بآنجائی است که جسم او هست. ولی پرماتما از ازل بوده و تا ابد خواهد بود، محدود بیک جسم نیست بلکه در تمام اجسام هست و در همه جا هست.

زمان هم مثل هر چیز دیگری در پرماتما است! سه زمان گذشته و حال و آینده نیز در پرماتما اتفاق میافتند و او در ماوراء تمام اینها است. برای پرماتما گذشته و آینده معنی ندارد و هر زمانی زمان حال است.

بغوان در میدان جنگ به ارجون میگوید: من با تو هستم! تو نگران چیزی نباش و با ایمان به من وظیفه ات را انجام بده!

برای یک بکت سرسپرده و خواهان بغوان حتی کسب و کار روزمره اش هم یکنوع پرستش است زیرا او همیشه بیاد بغوان است و در هر کس و هر جا بغوان را میبیند. بطور مثال اگر یک مشتری به مغازه یک بکت مرید بغوان بیاید و یا اگر یک مهمان بخانه اش بیاید او تصور میکند که بغوان به مغازه و یا خانه اش آمده و با او با احترام و محبت رفتار میکند و باین ترتیب او برای پرستش بغوان نیازی به رفتن به معبد و پرستشگاه ندارد.



इच्छाद्वेषसमुत्थेन द्वन्द्वमोहेन भारत।

सर्वभूतानि सम्मोहं सर्गे यान्ति परन्तप॥२७॥

ترجمه: ای بهارت (ارجون)، ای مرد ریاضتمند! موافقت و مخالفت، خواستن و نخواستن باعث تشویش فکر انسان میشوند و همین باعث تولد و مرگ او میشود.

تفسیر: قبول و یا رد کردن، علاقه و یا بیعلاقگی عکس العملهای فکر انسان در مقابل اتفاقات میباشند! این عکس العمل ها باعث تشویش و هیجان، خوشی، غم، نگرانی و احساسات دیگر انسان میشوند و آرامش فکر او را بهم میزنند.

انسان بدلیل خواسته هایش بطور دائم با اشیاء و کارها در ارتباط است. انسان گاهی چیزی را دوست دارد و بعد از مدتی به همان چیز بیعلاقه میشود! او از داشتن چیزی احساس خوشی میکند ولی همان چیز بعد از مدتی باعث ناراحتی او میشود! کسی که بین چیزها فرقی نمیبیند یک سادو است. سادو به چیزی علاقمند نمیشود و از چیزی بدش نمیآید. سادو از غمها و خوشیها آزاد است و در آرامش زندگی میکند.

از دید کتب شاسترا جهالت انسان سبب تولد و مرگ او میباشند. انسان بدلیل جهالتش به ظاهر اشیاء اهمیت میدهد و بآنها علاقمند میشود و در صدد

حاصل کردن آنها برمیآید. همین باعث اعمال او میشوند و نتیجه اعمالش باعث تولد مجدد او میشوند!

سادک باید تا حد امکان به فرق ظاهری بین چیزها اهمیت ندهد و از علاقه و نفرت پرهیز کند زیرا فقط در اینصورت میتواند افکار آرام داشته باشد. برای اینکار نیاز به ترک کارها و یا اشیاء دنیا نیست بلکه سادک باید هر چیز را آنطور که هست، بدون اینکه در باره آنها قضاوت کند قبول کند. سادک باید شرایط زندگی را آنطور که هستند قبول کند و این ساده ترین راه حل مشکلات است! زیرا جنگیدن با شرایط زندگی نمیتواند آنها را عوض کند. اگرچه که دلیل اصلی برای اسارت انسان در چنگ دنیا و اشیاء آن جهالت خود انسان میباشد ولیکن در مقایسه با جهالت انسان عکس العمل های او در مقابل اتفاقات و شرایط خوب و بد زندگی دلیل بسیار بزرگی برای اسارت او در دنیای مادی میباشد.



येषां त्व-न्तगतं पापं जनानां पुण्यकर्मणाम्।

ते द्वन्द्वमोहनिर्मुक्ता भजन्ते मां दृढव्रताः॥२८॥

ترجمه: کسیکه توجه به تضادها را رها میکند کارهای خیر انجام میدهد. او به پرماتما علاقمند میشود و مرا با صداقت می ستاید.

تفسیر: از لحظه ایکه انسان تصمیم میگیرد که بسوی پرماتما برود خواسته های مادی او را ترک میکنند و صفات نیک در او پیدا میشوند و گناهانش یکی یکی از بین میروند. فقط کسیکه بسوی پرماتما میروند میتواند کارهای خیر انجام بدهد زیرا تا زمانیکه هدف انسان برآوردن خواسته ها و منافع خودش است نمیتواند برای دیگران کار خیری بکند. کسیکه نگاهش بسوی حقیقت روشن است دروغ تاریک بسراغش نمیآید.

سادک در انتخاب راه و روش خود آزاد است و خدای خود را آنطور که دوست دارد انتخاب میکند و او را میپیرستد! بدگویی از مذهب و اعتقادات دیگران و خود را برتر از آنها دانستن دلیل کوتاه بینی است و گناه بزرگی میباشد. سادکی که بر درست بودن اعتقادات خودش پافشاری میکند و به اعتقادات دیگران بی احترامی میکند قادر به درک پرماتما نخواهد بود. مذهب اصلی همین است که آزار انسان بکسی نرسد!

در کتب شاستر و گفته های عالمان باین موضوع اشاره شده که مردم گناهکار نمیتوانند بسوی پرماتما بیایند. در واقع هر کسی میتواند بسوی پرماتما برود ولی وجدان شخص گناهکار شرمسار از خطاهائیکه مرتکب شده بسوی پرماتما نمیروود .



जरामरणमोक्षाय मामाश्रित्य यतन्ति ये।

ते ब्रह्म तद्विदुः कृत्स्नमध्यात्मं कर्म चाखिलम्॥२९॥

ترجمه: کسیکه علم برهم و اسرار عمل (کارما) را میفهمد از درد، پیری و مرگ نجات پیدا میکند.

تفسیر: پیری و مرگ واقعیتی است که برای جسم هر موجود زنده پیش میآید و فرار از آن برای کسی ممکن نیست! کسیکه اسرار علم و عمل را میفهمد این واقعیت را قبول میکند و از آن نمیترسد. آنها که بدون اعتقاد به وجود بغوان سعی میکنند بکمک روشهایی از

قبیل تمرکز افکار **ध्यान Meditation** و پراڤایام **प्राणायाम Pranayam** به درک پرماتما برسند شکل بیجسم ظاهر نشده او را درک میکنند ولی شکل کامل او را که شامل شکل جسمدار و بیجسم پرماتما است نمیتوانند بشناسد.



साधिभूताधिदैवं मां साधियज्ञं च ये विदुः।

प्रयाणकालेऽपि च मां ते विदुर्युक्तचेतसः॥३०॥

ترجمه: کسیکه مرا خالق، حافظ و منحل کننده این جهان میداند و مرا با این بینش میپرستد انسان خردمندی است که مرا بخوبی شناخته است.

تفسیر: انسان بدلیل ارتباط دائم با جسم خود از حقیقت دور میماند. شناختن حقیقت کمک میکند که انسان از اشتباهات در امان بماند.

عالمان در ابتداء با توجه به موقتی بودن این جهان آنرا مردود شناخته و از آن میگذرند و "حقیقت" را در درون خود مییابند. این در واقع فقط درک نیمی از حقیقت است. بعضی از عالمان پاک در قلب خود عشق به بغوان را احساس میکنند و باین نتیجه میرسند که این جهان مادی هم حقیقی

و ابدی است زیرا پایه و بنیاد این جهان هم پرماتمای حقیقی و ابدی می باشد! رسیدن به این آگاهی کامل بمعنای شناخت کامل پرماتما است.

عالمان کبیری که به بغوان ساکار عشق و ایمان صادقانه پیدا میکنند باین نتیجه میرسند که همه چیز پرماتما یعنی حقیقت کامل و ابدی است! آنها وجود پرماتما را در کوچک و بزرگ، زشت و زیبا، عالم و بیسواد، قدرتمند و ناچیز، درست و غلط، جاندار و بیجان، خدایان و انسانها، زمین و آسمان و زیر زمین می بینند و به همه احترام می گذارند!

یوگی عالمی که وجود برهم را در درون خود و در دنیای بیرون از خود تجربه کرده است نمیتواند در باره تجربه اش سخن بگوید ولی رفتار آرام و صلح آمیزش حاکی از علم عمیق و عشق پاک او است.

پایان بخش هفتم بهاگواد گیتا — علم برهم
گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون

॥ ॐ श्री परमात्मने नमः ॥

بخش هشتم

अर्जुन उवाच

किं तदब्रह्म किमध्यातमं किं कर्म पुरुषोत्तम।

अधिभूतं च किं प्रोक्तमधिदैवं किमुच्यते॥१॥

अधियज्ञः कथं कोऽत्र देहेऽस्मिन्मधुसूदन।

प्रयाणकाले च कथं ज्ञेयोऽसि नियतात्मभिः॥२॥

ترجمه: ارجون گفت: ای برترین شخصیت! برهم چیست؟ روح انسان چیست؟ اصول عمل کدامند؟ جهان مادی چیست؟ خدایان کیستند؟ آنکه برایش قربانی ها داده میشوند کیست؟ آنکه خردمند و آرام است ترا چطور میشناسد؟

श्रीभगवानुवाच

अक्षर ब्रह्म परमं स्वभावोऽध्यात्ममुच्यते।

भूतभावोद्भवकरो विसर्गः कर्मसंज्ञितः॥३॥

ترجمه: بغوان گفت: آنکه فناپذیر است "برهم" Brahman نام دارد. سادک کارمایوگی وظایفش را کامل میکند و از کارهای غیرضروری نجات مییابد و به شناخت پرماتما علاقمند میشود!

تفسیر: روح انسان شکل حقیقی او است Individual जीवात्मा

Soul . کارهایی که انسان بامید دریافت منافع شخصی انجام میدهد باعث بوجود آمدن کارهای دیگری برایش میشوند و بهمین دلیل نیز دیده میشود که اکثر مردم حتی تا روزهای آخر عمرشان هم گرفتارند و کارهایشان تمام نمیشود! اکثر این کارها غیرضروری هستند. با نخواستن منافع شخصی از کارها علاقه به کارها تمام میشود و سادک "بی عمل" به موکشا میرسد.

کارهائیکه انسان بخاطر دریافت ثمره ای انجام میدهد تبدیل به عمل میشوند (کارما) Karma कर्म . فهمیدن عمل دشوار است ولی سادگی که به بغوان ایمان دارد عمل را میفهمد و از قید آن رها میشود.

~~~~~

अधिभूतं क्षरो भावः पुरुषश्चाधिदैवतम् ।

अधियज्ञोऽहमेवात्र देहे देहभृतां वर ॥४॥

**ترجمه:** ای ارجون! پنج عنصر اصلی جهان عناصر جاودان هستند! برهما مرد جاودان است، و آن نور جاودان که در درون و بیرون تمام موجودات جاندار و بیجان هست و از همه چیز آگاه است منم.

**تفسیر:** این جهان از پنج عنصر بنامهای خاک، آب، آتش، فضا و باد ساخته شده است و تمام این عناصر جاودان و فناپذیرند. برهمای خالق مرد جاودان است. برهما بخواست پرماتما با تکرار یک مانترا که پرماتما باو داده بود این جهان را خلق کرد. این جهان از پنج عنصری که در بالا ذکر شد تشکیل شده و از آنجائیکه عناصر تشکیل دهنده اش جاودان هستند خودش نیز جاودان است. این جهان دائماً در حال تغیر و دگرگون شدن است. هر چیز که دگرگون شود یکروز از بین میرود و هر چه که از بین برود دوباره باز میگردد. تنها چیزیکه دگرگون نمیشود روح متعال است و بهمین دلیل فناپذیر است.

ای ارجون! من عالم جاودانم، آنکه از ازل در تمام موجودات هست. من از همه چیز آگاهم! ایمان به وجود پرماتما انسان را از کارهای نادرست برحذر میدارد و او را بسوی کارهای نیک هدایت میکند. پرماتما در تمام موجودات هست و بآنها نور علم می بخشد.

پرماتما حقیقت نهان است و در تمام موجودات جاندار و بیجان هست و از این نظر همه یکسان میباشند! حقیقت یکی است و دو تا نیست! جسم تمام موجودات نیز چه جاندار و چه بیجان همگی از پنج عنصر آب، آتش، خاک، هوا و فضا ساخته شده و بنابراین از نظر جسمانی هم همگی یکی هستند و فقط شکل ظاهری آنها با هم متفاوتند.

کاسه، کوزه، پیاله و وسایل دیگری که از گل درست شده اند در ظاهر اشکال مختلف و نامهای مختلف دارند ولی همگی آنها خاک هستند. بهمان ترتیب نیز همه چیز این جهان واسودئو (ویشنو) است.

वासुदेव सर्वम् Everything is Vasudeo (Visnu).

سادک باید بمنظور درک پرماتما ارتباطش را تا حد ممکن با دنیای مادیات کم و محدود کند. سادک باید از خواسته هایش بکاهد و زندگی ساده و بی تجملات را در پیش بگیرد زیرا ارتباط زیاده از حد با مادیات باعث ناآرامی و تشویش افکار میشود. در ودا و شاسترا نوشته شده و عالمان کبیر تجربه کرده اند که پرماتما مسرت خالص و جاودان است! سادک برای تجربه این مسرت به گورو ایمان میآورد و از او علم برهم را یاد میگیرد.

~~~~~

अन्तकाले च मामेव स्मरन्मुक्त्वा कलेवरम्।

यः प्रयाति स मदभावं याति नास्त्यत्र संशयः॥५॥

ترجمه: کسی که حتی بوقت مرگ هم بیاد من است و بیاد من از دنیا می‌رود بعد از مرگ با من یکی میشود. هیچ شکی در این نیست.

تفسیر: کسیکه در هر چیزی که می بیند، می شنود، لمس میکند و یا بو میکند بغوان را میبیند بطور ناخودآگاه در لحظات آخر عمرش هم بغوان بخاطرش میآید و بعد از وفات با او یکی میشود. کسیکه نام بغوان، شکل او، صفات او و یا سخنان او را بخاطر میسپارد و به گفته هایش عمل میکند مسلماً به موکشا خواهد رسید! دیدن بت بغوان و یا گوش کردن به داستانهای زندگی او دلپذیر و خوش یمن است.

مذهب هندو بر پایه پنج اصول اخلاقی استوار است که عبارتند از:

- अहिंसा Non-violence اجتناب از خشونت

- सत्यम् Truthfulness راستگویی و درستکاری

- शौच Purity پاکی جسم و افکار

- ब्रह्मचर्य Chastity (مادیات) اجتناب از زن

- پرهیز از جمعآوری اموال و اشیاء دنیا Non- Possession

अपरिग्रहा

سادک برای پیروی از روش برهماچاریه هر زنی را بشکل مادر خود میبیند. او با دیدن یک زن هر قدر هم کم سن تر و جوانتر و یا مسن تر و پیر تر از خودش باشد او را بعنوان یک مادر میبیند و با احترام باو نگاه میکند.

کسیکه زندگی معمول زناشویی را با وفادار ماندن به یک زن و پیروی از اصول مذهب میگذراند یک برهماچاریه است.



यं यं वापि स्मरन्भावं त्यजत्यन्ते कलेवरम्।

तं तमेवैति कौन्तेय सदा तद्भावभावितः॥६॥

ترجمه: انسان به چیزیکه در لحظات آخر عمرش فکر میکند در تولد بعدی اش بهمان شکل و با همان طرز فکر و اخلاق متولد میشود.

تفسیر: افکار و اعمال انسان نه تنها در زندگی فعلی او مؤثر میباشند و سرنوشت او را تعیین میکنند بلکه سرنوشت او را در زندگی بعدی نیز تا اندازه ای تعیین میکنند. انسان با افکار و اعمال نیک میتواند به آنچنان مرتبه ای برسد که در همه جا بغوان را ببیند و خودش هم مثل او پاک و نورانی بشود! ولی همان انسان با افکار و اعمال زشت خود میتواند از درجه انسان بودن تنزل کند و در تولد بعدی بشکل یک حیوان کثیف بدنیا بیاید. هر کسی در انتخاب خود آزاد است.

در دنیا چیزی نیست که انسان نتواند آنرا حاصل کند و مقامی نیست که نتواند بآن برسد. رسیدن به حقیقت و یکی شدن با پرماتما نیز برای انسان امکان پذیر است ولیکن خواهشهای جسمانی و علاقه به جمعآوری اشیاء و اموال دنیا او را از رسیدن به اهداف عالی باز میدارند. رسیدن به درک حقیقت و یافتن بغوان در درون خود پاکترین و عالیترین هدف زندگی انسان است و رسیدن بآن مسلماً کار آسانی نیست ولی رسیدن باین هدف دشوار نیز با صبوری امکان پذیر میشود.



तस्मात्सर्वेषु कालेषु मामनुस्मर युध्य च।

मर्यपितमनोबुद्धिर्मा मेवैष्यस्य संशयम् ॥७॥

ترجمه: ای ارجون! تو مرا بخاطر بسیار و بیاد من جنگ و وظیفه ات را انجام بده! کسیکه با علاقه و منطق مرا قبول دارد مسلماً بمن خواهد رسید.

تفسیر: در اینجا ارجون یک سرباز و در میدان جنگ است و وظیفه اش جنگیدن است ولی بطور کلی منظور بغوان از جنگیدن انجام وظایف و کارهای روزمره میباشد. سادک باید بدون اینکه غروری داشته باشد کارهایش را انجام بدهد. کسیکه از داشتن اموال و تحصیلات و مقام و غیره بخود میبالد نمیتواند وظیفه اش را بخوبی انجام بدهد!

ارتباط انسان با پرماتما حقیقی است زیرا روح انسان جزء جدائی ناپذیری از پرماتما است ولی ارتباطش با اشیاء و اموال و مقام و غیره دروغین است. کسیکه همیشه بیاد بغوان است به ناپایدار بودن چیزهای دنیا پی میبرد و به آنها فقط همانقدر که لازم است اهمیت میدهد و بدنبال چیزهای غیرضروری نمیرود. نرفتن بدنبال چیزهای غیرضروری باعث صرفه جوئی در وقت، فکر، توانائی جسمانی و مادی میشود.



अभ्यासयोगयुक्तेन चेतसा नान्यगामिना।

परमं पुरुषं दिव्यं याति पार्थानुचिन्तयन्॥८॥

ترجمه: سادک باید برای آرام کردن و تمرکز افکارش به تمرین یوگا بپردازد! کسیکه بتوسط تمرین یوگا همیشه بیاد بغوان است مسلماً یکروز مثل بغوان میشود.

تفسیر: در تمرینات یوگا سادک افکارش را از هر جایی که رفته باز میگرداند و بسوی بغوان منعطف میکند. تمرینات یوگا باعث آرام شدن افکار سادک میشوند ولی این هنوز بمعنای رسیدن به یوگا نیست. یوگا آنموقعی حاصل میشود که سادک هیچگونه احساس خوشی یا ناخوشی نکند و اگر هم برای مدت کوتاهی این احساسات را تجربه کرد بآنها اهمیت ندهد! سادک باید فقط به هدف خود اهمیت بدهد! استوار ماندن بر هدف خود نیز یوگا است. سادک بجز پرماتما نباید هدف دیگری داشته باشد.

سادک در این روش هر بار که فکرش بسوی چیز دیگری می‌رود آنرا با صبورۃ بسوی بغوان باز میگرداند و اینکار را تکرار میکند. فکر انسان ذاتاً آرام است ولی با گذشت زمان و تجربه شرایط و اتفاقات مختلف در زندگی این آرامش را از دست می‌دهد. سادک باید وظیفه اش را بشناسد و بداند که هر کاری وظیفه او نیست و از انجام دادن کارهایی که باو مربوط نیستند اجتناب کند و هر کاری را قبول نکند.

~~~~~

कविं पुराणमनुशासितारमणोरणीयांसमनुस्मरेद्यः ।

सर्वस्य धातारमचिन्त्यरूपमादित्यवर्णं तमसः परस्तात् ॥९॥

**ترجمه:** باین ترتیب سادک با تمرکز فکری که حاصل کرده همیشه بیاد پرماثما است و در ضمن هر کاری باو فکر میکند. آن پرماثمائی که همه چیز را میداند، بی ابتداء و بی انتها، کوچکتر از کوچکترین و بزرگتر از بزرگترین است در ماوراء تاریکی جهالت و نور علم جاودان است.

**تفسیر:** ما با چشمان خود ظاهر چیزها را میبینیم، برتر از چشم ما عقل ما است و برتر از عقل خرد ما است. چشم و عقل جزئی از جسم مادی انسان هستند و با طبیعت ارتباط دارند ولی علمی که بطور ذاتی در انسان هست جزئی از روح متعال است و با روح انسان ارتباط دارد. همانطور که آفتاب خودبخود نورانی است و نورش را از کسی دریغ نمیکند پرماثما هم خودش نور است و در تمام جهان گسترده شده است. انسان بکمک عقل و حواس پنجگانه اش حتی طبیعت را هم نمیتواند بدرستی بشناسد چه رسد به شناختن پرماثما که در ماوراء طبیعت است.

~~~~~

प्रयाणकाले मनसाचलेन भक्त्या युक्तो योगबलेन चैव ।

भ्रुवोर्मध्ये प्राणमावेश्य सम्यक् स तं परं पुरुषमुपैतिदिव्यम्

॥१०॥

ترجمه: یوگی در لحظات آخر عمرش با افکار و احساسات پاک و در حالت آرامش درون بکمک پرانا یام نفسهایش را به میان ابروانش می‌آورد و جسم خود را ترک میکند.

تفسیر: وقتیکه وابستگی سادک به اموال و اشیاء دنیا از بین میرود او به پرماتما علاقمند میشود و در غیراینصورت این علاقه پیدا نمیشود. تمرین پرانایام بر قدرت جسمانی سادک میافزاید و او بر مشکلات بسیاری که در سر راهش پیدا میشوند پیروز میشود! این قدرت "نیروی یوگا" نام دارد Yogic power. سادک بیریائی که هدفش درک حقیقت است از این نیروهای مافوق بشری برای کسب پول و شهرت استفاده نمیکند.



यदक्षरं वेदविदो वदन्ति विशन्ति यद्यतयो वीतरागाः।

यदिच्छन्तो ब्रह्मचर्यं चरन्ति तत्ते पदं सङ्ग्रहेण

प्रवक्ष्ये॥११॥

ترجمه: ای ارجون! عالمان و اندیشمندان بزرگ با تحصیل علم ودا گفته اند که برهم عاری از جسم و صفات است و هرگز نمیمیرد، او همیشه یکنواخت و بیک شکل است و تغیر نمیکند. مردان زاهد برای رسیدن به برهم از خوشیها و لذات دنیا میگذرند! آنها اشیاء و اموال دنیا را جمعآوری نمیکند و در جایی دور از مردم دنیا پرست با سادگی زندگی میکنند.

تفسیر: کسیکه در درونش ذره ای تمایل به اشیاء و لذات دنیا ندارد ، کسیکه افکار و احساسات پاک دارد و یگانه مقصد زندگی اش رسیدن به حقیقت است مسلماً به آن میرسد!

مذهب هندو مردم جامعه را به چهار طبقه تقسیم کرده است و هر طبقه وظیفه خاص خود را دارد. این چهار طبقه عبارتند از: برهمن – کشاتریا – وایشیا – شودرا . وظیفه طبقه برهمن تحصیل کتب ودا و شاسترا و تعلیم آنها به دیگران میباشد. صرفاً بدنیا آمدن در خانه برهمن ها برای برهمن بودن کافی نیست بلکه یک برهمن باید به بوظایف یک برهمن از قبیل پرستش آتش و حفظ آن، پرستش خدایان، تحصیل علم برهم و تعلیم آن بدیگران عمل کند. در غیراینصورت او مثل یک اسب چوبی است که حقیقی نیست و فقط جسم او یک اسب است!



सर्वद्वाराणि संयम्य मनो हृदि निरुध्य च।
 मूढ्न्याधायात्मनः प्राणमास्थितो योगधारणाम्॥१२॥
 ओमित्येकाक्षरं ब्रह्म व्याहरन्मामनुस्मरन्।

यः प्रयाति त्यजन्देहं स याति परमां गतिम्॥१३॥

ترجمه: یوگی تمام نه دروازه های جسم خود را میبندد (دو گوش، دو سوراخ بینی، دو چشم، دهان، معقد و محل ادرار) و با افکار آرام و در سکوت و نفسهای آرام مانتر آنوم را تکرار میکند و بیاد پرماتما جسم خود را ترک میکند و با برهم یکی میشود.

~~~~~

अनन्यचेताः सततं यो मां स्मरति नित्यशः।

तस्याहं सुलभः पार्थ नित्ययुक्तस्य योगिनः॥१४॥

**ترجمه:** کسیکه به تجملات و لذات مادی اهمیت نمیدهد و همیشه بیاد من است و پناهگاه دیگری بجز من نمی جوید یک یوگی است. یافتن من برای این یوگی آسان است.

**تفسیر:** پرماتما بشکل انسان و موجودات دیگر و با لقب بغوان بر روی زمین ظاهر میشود. مذهب هندو معتقد به خدایان بیشمار است و پنج تا از آنها بعنوان خدایان اولیه شناخته شده و مورد ستایش و پرستش معتقدان میباشند. آن پنج خدایان اولیه عبارتند از: ویشنو Visnu (विष्णु) رام Ram

Ram و کریشنا Krishna कृष्ण دو اوتارهای ویشنو هستند) ، شیوا Siva शिव، دورگا ماتا Mother माता दुर्गा، گانش Ganesh गणेश و آفتاب The Sun सूर्य .

بغوان در بخش هفتم گفته عالمانی که علم برهم را دریافته و مرا شناخته اند بسیار کمیاب هستند (gita/7/19): सुदुर्लभः समहात्मा ولی در این بخش گفته که من به آسانی یافت میشوم तस्याहं सुलभः (gita/8/15) . منظور بغوان از گفتن این مطلب این است که یافتن من آسان

است ولی افراد بسیار نادری میتوانند بمن برسند زیرا برای شناختن من انسان باید خواسته هایش را ترک کند و افراد بسیار نادری حاضر به ترک خواسته هایشان میشوند.



मामुपेत्य पुनर्जन्म दुःखालयमशाश्चतम्।

नाप्नुवन्ति महात्मानः संसिद्धिं परमां गताः॥१५॥

**ترجمه:** عالمان مهاتما با رسیدن به من مجدداً باین دنیای پر از درد و غم، دنیایی که همیشه در حال تغیر و تحول است باز نمیگردند.

**تفسیر:** گفته میشود که این دنیا پر از درد و مصائب است و کسیکه به موکشا میرسد برای همیشه از دردها و مصائب رها میشود و مجدداً باین دنیا که خانه دردها و مصائب است نمیآید. کسیکه به موکشا میرسد خوشیها و غمهای زندگی در او تأثیری نمیگذارند.

کسیکه به بغوان ایمان و علاقه دارد حتی اگر علم برهم را هم نداند یک مهاتما است. این بکت بیریا بغوان را در همه جا میبیند و همین نشان میدهد که علم برهم بطور ناخودآگاه بر او آشکار است.

تا زمانی که انسان خود را یک جسم تصور میکند یک فرد ماده پرست است Materialist **دهبۇدۇدھ** . سادک بعد از کسب علم برهم شکل حقیقی

خود را میشناسد و یک عالم روحانی محسوب میشود **آاتمبۇدۇدھ**

The Self realized . در قلب این عالم روحانی عشق پاک و بیریائی برای بغوان پدیدار میشود و در اشتیاق دیدار او غرورش ترک میشود و بطور ناخودآگاه با برهم یکی میشود! این شخص یک شخصیت روحانی

خودش شخصیت متعال است **برهمبۇدۇدھ** The Supreme Being .

در بخش هفتم گیتا گفته شده که این جهان پهناور شکل مادی پر ماتما

است **سارووم** **واسۇدەو:** ولیکن در اینجا گفته شده که دنیا پر از درد و رنج

است **دۇ:** **دۇ:** **دۇ:** دلیل این گفته این است که برای کسیکه از اشیاء و کارهای دنیا برای خودش خوشی میجوید درد و مصائب بسیاری پیش میآیند

ولی برای کسیکه از آنها برای خدمت بمردم استفاده میکند این دنیا شکل حقیقی پرماتما و پر از مسرت است!

خواسته ها و توقعات انسان دلیل اصلی درد و غمهای زندگی است. این قانون طبیعت است که دنیا میتواند بانسان مسرت بدهد و میتواند درد و غم بدهد! انتخاب با خود انسان است. هر کسی بسوی چیزهاییکه مطابق طبع و میل خودش هستند تمایل پیدا میکند! پستانهای گاو پر از شیر شیرین است ولیکن شپش خون گاو را میمکد و از شیر لذیذ گاو بی نصیب میماند. قورباغه در آب کثیف مرداب زندگی میکند و همان مرداب را بهشت تصور میکند!

~~~~~

आब्रह्मभुवनाल्लोकाः पुनरावर्तिनोऽर्जुन।

मामुपेत्य तु कौन्तेय पुनर्जन्म न विद्यते॥१६॥

ترجمه: گوش کن ارجون! انسان حتی اگر به بهشت خدایان هم برود باز هم بروی زمین بازگردانده میشود. ولی کسانیکه به نزد من میآیند دوباره به دنیای پر از درد و غم باز نمیگردند.

تفسیر: در نظر مردم دنیا پرست آن کسی که ثروت و اموال بسیاری دارد و دیگران بدستوراتش عمل میکنند بسیار خوشبخت است. در نظر آنها ثروت، شهرت، مقام بلند و زیرکی بسیار قابل ستایش است. خدایان و آنها که در بهشت هستند صدها برابر این خوشیها را در بهشت تجربه میکنند ولی آن خوشیها هم موقتی میباشند و بعد از تمام شدن صوابها انسان مجدداً بروی زمین بازگردانده میشود. عالمان پارسا اینها را خوشی تلقی نمیکند و آنها را ترک میکنند و به مسرتی میرسند که با خوشیهای زودگذر دنیا و بهشت قابل مقایسه نیست. شخص دنیا پرستی که انتظار دارد که اشیاء دنیا باو خوشی بدهند در اشتباه است و هرگز راضی نمیشود!

~~~~~

सहस्रयुगपर्यन्तमहर्षद्ब्रह्मणो विदुः।

रात्रिं युगसहस्रान्तां तेऽहोरात्रविदो जनाः॥१७॥

**ترجمه:** برهما خدای خالق Brahma در بهشت خود یکصد سال عمر میکند. هر روز برهما برابر با چهار بیلیون سال زمین است و هر شب

او نیز چهار بلیون سال طول میکشد. برهما بعد از تمام شدن عمرش به درون پرماٲما جذب میشود و بهشت او در ابتداء بدرون طبیعت جذب میشود و سپس طبیعت هم به درون پرماٲما جذب میشود و در آنجا میماند.

**تفسیر:** حتی عمر برهما هم که خالق تمام موجودات است محدود به زمان خاصی است ولی پرماٲما محدود به زمان نیست! زیرا حتی زمان هم در اختیار پرماٲما است و پرماٲما در ماوراء زمان است. در عصر حاضر عمر انسان حداکثر یکصد سال است و بندرت کسی چند سال بیشتر از صد سال زنده میماند. خوشیهای دنیا در زمان خاص و شرایط مناسبی نصیب انسان میشوند، برای مدت زمان محدودی میمانند و سپس از بین میروند. بنابراین عمر انسان و عمر خوشیهای او هم در اختیار زمان هستند و با گذشت زمان هر چیزی تغییر میکند و یگروز تمام میشود. حتی زمان هم مثل هر چیز دیگر این دنیا تحت اختیار پرماٲما است.



अव्यक्ताद् व्यक्तयः सर्वाः प्रभवन्त्यहरागमे।

रात्र्यागमे प्रलीयन्ते तत्रैवाव्यक्तसञ्ज्ञके॥१८॥

**ترجمه:** برهما همه چیز را در طی روز از نیروی اراده و بکمک تخیلاتش خلق میکند و در طی شب همه چیز را مجدداً بدرون خود باز میگرداند.

**تفسیر:** هر کسی دنیای خود را با جهالتی بنام "من" و "مال من" میسازد و تصور میکند که او همه کاره است و اشیاء و اموال دنیا را متعلق بخود میداند. هر روز که انسان از خواب بیدار میشود دنیای او هم با خودش بیدار میشود. انسان در طی روز کارهای بسیار میکند، چیزهای بسیاری درست میکند و از آنها نگهداری و محافظت میکند و وقتی که میخوابد تمام آنها بدرون خودش جذب میشوند. بهمان ترتیب نیز برهمای خالق این جهان را خلق و نابود میکند. برهمای خالق این جهان را خلق میکند و تا آخر عمرش از آن حفاظت میکند و در پایان عمرش آنرا بدرون خود جذب میکند و تا زمان خلقت بعدی دنیا در آن حالت میماند.



भूतग्रामः स एवायं भूत्वा भूतवा प्रलीयते।

## रात्र्यागमेऽवशः पार्थ प्रभवत्यहरागमे॥१९॥

**ترجمه:** تمام موجودات در طی روز برهما و با کمک طبیعت بوجود می‌آیند و در طی شب برهما بدرون او جذب میشوند.

**تفسیر:** خلقت و نابودی جهان از ازل بوده، ادامه دارد و ادامه خواهد داشت. جسم انسان از عناصر طبیعت درست شده و متعلق به طبیعت است و روح او جزئی از پرماتما است و با پرماتما یکی است. اشیاء طبیعت و جسم انسان متداوماً عوض میشوند، از بین می‌روند و مجدداً خلق میشوند! دوران کودکی و جوانی می‌گذرد و دوران پیری می‌آید. هر کسی می‌خواهد جوان بماند ولی پیری می‌آید. هیچکس نمی‌خواهد دنیا را ترک کند ولی پیری هم تمام میشود و مرگ بسراغ انسان می‌آید. این قانون طبیعت است. هر چیزی که درست میشود یکروز خراب میشود و هر موجودی که بدنیا می‌آید یکروز از دنیا می‌رود و دوباره متولد میشود و زندگی این جهان ادامه پیدا میکند.

بعضی عالمان معتقدند که پرماتما این جهان را در واقع برای بازی و سرگرمی خودش درست کرد. ولی او به تنهایی نتوانست بازی کند و انسان را بعنوان همبازی خودش آفرید و اشیاء دنیا را بعنوان اسباب بازی باو داد. آن پرماتمای غیرمادی دیده نشدنی که همه چیز متعلق به اوست و کمبودی ندارد و ذره ای ماده در او نیست خود را باشکال مادی درمی‌آورد و از شکل یکپارچه غیرمادی به هزاران شکل مادی تبدیل میشود.

پرماتما این جهان شگفت‌انگیز را آفرید و خودش باشکال مختلف در آن ظاهر شد تا بتواند مسرت جاودان را در آن احساس و تجربه کند. انسان در حقیقت مثل پرماتما از همه چیز بی‌نیاز است ولی با دیدن جسم خود و اشیاء دلفریب دنیا بآنها علاقمند و وابسته میشود و همین علاقه و وابستگی روی علم او را میپوشانند و او که با خوشیهای زودگذر سرگرم و خوشحال است نمیتواند مسرت جاودان را تجربه کند.

روح انسان که نور علم ابدی است نه بدنیا می‌آید و نه از دنیا می‌رود! درک این حقیقت بمعنای رسیدن به اوج آزادی و اوج تکامل انسان است. خواسته‌های انسان خود بخود تمام نمیشوند و با رسیدن بیک خواسته در دل انسان خواهش دیگری پیدا میشود. با رسیدن به اشیاء دلخواه انسان به آنها وابسته میشود و تصور میکند بدون آن اشیاء نمیتواند زندگی کند.

رهائی از علاقه و وابستگی به اجسام و اشیاء کار دشواری است. تا زمانی که حتی یک آرزوی کوچک هم در دل انسان هست او مجبور به کار کردن خواهد بود! سادک به همه محبت میکند ولی بکسی وابسته نمیشود.

~~~~~

परस्तस्मात् भवोऽन्योऽव्यक्तोऽव्यक्तात्सनातनः।

यः स सर्वेषु भूतेषु नश्यत्सु न विनश्यति॥२०॥

ترجمه: برهمای خالق از جسم غیرمادی خود ایشور را خلق کرد. ایشور حتی بعد از نابود شدن تمام موجودات جهان هم نابود نمیشود.

تفسیر: برهمای خالق در آغاز خلقت این جهان را از جسم مادی خود بکمک نیروی خلاقه اش، نیروی اراده و تخیلاتش خلق کرده است! ایشور را نیز برهما خلق کرد ولی او را از جسم غیرمادی خود خلق کرد و بر خلاف این جهان مادی دارای جسم مادی نیست و در ماوراء ماده است. در پایان عمر جهان و موجودات آنها بدرون برهما جذب میشوند و با او یکی میشوند ولیکن ایشور برای همیشه میماند.

ایشور و پرماتما یکی هستند و روح انسان جزئی از آن است. ایشور با پرماتما یکی است و سادک برای درک و تجربه آن تلاش میکند.

~~~~~

अव्यक्तोऽक्षर इत्युक्तस्तमाहुः परमां गतिम्।

यं प्राप्य न निवर्तन्ते तद्धाम परमं मम॥२१॥

**ترجمه:** ایشور بالاترین مقامی است که انسان میتواند بآن برسد و جاودان بودن خود را درک و تجربه کند. با رسیدن باین مقام که جایگاه ابدی من است انسان به بالاترین مرحله از تکامل رسیده و به دنیای مادی باز نمیگردد.

**تفسیر:** سادک از هر راه و روشی که بسوی پرماتما برود یعنی چه شکل آشکار او را بپرستد و چه شکل نهان او را ستایش کند در نهایت بیک نتیجه میرسد.

انسان دوری از پرماتما و علاقه به او را احساس میکند و همین ثابت میکند که پرماتما هست. ایمان، اعتقاد، پرستش، ستایش و عبادت انسان بهر

شکلی که باشد در آخر به همان یگانه قادر جاودان میرسد. همانطور که خورشید یکی است ولی مردم دنیا در جاهای مختلف او را بزبانهای مختلف با نامهای مختلف میشناسند پرماتما را نیز مردم دنیا در جاهای مختلف دنیا بزبان خود و با نامهای مختلف خطاب میکنند.



पुरुषः स परः पार्थ भक्त्या लभ्यस्त्वनन्यया।

यस्यान्तः स्थानि भूतानि येन सर्वमिदं ततम्॥२२॥

**ترجمه:** بهترین راه برای شناختن هر دو شکل آشکار و نهان پرماتما، آنکه هر ذره این جهان از او درست شده ولی از انظار غایب است روش ایمان به بغوان است. بغوان شکل ظاهر شده پرماتما است.

**تفسیر:** موجودیت و هستی تمام موجودات متکی به پرماتما است. همه از او پیدا شده اند، همه در او هستند و همه در انتها همه باو میپیوندند. پرماتما بشکل کامل خود در همه هست، در همه جا هست و در هر زمان هست.

طبیعت از پرماتما بوجود آمده و هستی اش متکی به پرماتما میباشد. کسیکه به وجود مستقل طبیعت معتقد است و طبیعت و اشیاء مادی را میستاید نمیتواند به پرماتما ایمان کامل داشته باشد. البته این شخص هم در آخر به درک حقیقت و پرماتما خواهد رسید ولی مدت زمان بیشتری طول خواهد کشید. انسان در ابتداء این جهان و موجودات آنرا از پرماتما جدا میبیند و در باره آنها قضاوت میکند ولی در روشنی نور علم میفهمد که آنها دو تا نیستند بلکه یکی هستند. همانطور که برف، باران، یخ، شبنم، تگرگ، نهر، دریا و چشمه و غیره اشکال مختلف آب هستند و در آنها چیزی بجز آب نیست این جهان پهناور و تمام چیزهای کوچک و بزرگ و جاندار و بیجان نیز اشکال مختلف پرماتما میباشد و چیزی بجز پرماتما نیست.

پرماتما بمیل خود بر روی زمین ظاهر میشود و این ظهور او اتار نام دارد Avatar अवतार. او باشکال گوناگون بر روی زمین میآید و معتقدانش او را بر روی زمین بغوان نامیده اند. پیروان سرسپرده بغوان او را باشکال مختلف میپرستند و تمام کارهایشان را برای رضایت او انجام میدهند و از خوشی او احساس خوشی میکنند.



ایمان کامل بمعنای سرسپردگی به بغوان است. پیرو سرسپرده عاری از غرور، راضی به رضای بغوان و کاملاً متکی به او میباشد. معتقدان عاشق بغوان همه چیز را متعلق به بغوان میدانند، او را در همه چیز و همه کس میبینند، به همه محبت میکند و آزارشان بکسی نمیرسد.

~~~~~

यत्र काले त्वनावृत्तिमावृत्ति चैव योगिनः।

प्रयाता यान्ति तं कालं वक्ष्यामि भरतर्षभ॥२३॥

ترجمه: من در باره دو راه متفاوتی توضیح خواهم داد که با در پیش گرفتن یکی از آنها یوگی موکشا را تجربه میکند و دوباره باین دنیا باز نمیگردد ولی با در پیش گرفتن راه دیگر دوباره باین دنیا باز میگردد.

تفسیر: آن یوگی که برای رسیدن به شناخت برهم همه چیز دنیا را ترک میکند موکشا را تجربه میکند و بعد از وفات دوباره باین دنیا باز نمیگردد. ولی بعضی از یوگی ها در بین راه و قبل از رسیدن به درک حقیقت به موفقیت‌هایی میرسند و قدرتهای مافوق بشری حاصل میکنند و از آن قدرتها در صدد کسب ثروت و شهرت و مقام های دنیائی برمیآیند و باین ترتیب فریب دنیا را میخورند و به بیراهه میروند. اینگونه یوگی ها نمیتوانند به موکشا برسند و دوباره در این دنیا متولد میشوند. بهمین دلیل رسیدن به موکشا دشوار است.

~~~~~

अग्निर्ज्योतिरहः शुक्लः षण्मासा उत्तरायणम्।

तत्र प्रयाता गच्छन्ति ब्रह्म ब्रह्मविदो जनाः॥२४॥

**ترجمه:** یوگی پارسائی که براه روشن میرود، راهی که خدای آفتاب، خدای آتش و خدای شبهای مهتابی از آن میگذرند، مسلماً به درک برهم میرسد و با او یکی میشود و دوباره به دنیای مادیات باز نمیگردد.

**تفسیر:** سادگی که هدفش فقط رسیدن به پرماثما است در سر راهش به خوشیها و موفقیت‌هایی که حاصل میکند توجهی نمیکند و این چیزها در نظرش ناچیز بوده و افکارش را بخود جلب نمیکند و او تا رسیدن به هدفش

براه ادامه میدهد و به موکشا میرسد! باین ترتیب او تضادها را نمیبیند و همه برایش یکسان میشوند و در نهایت با برهم یگانه یکی میشود.

~~~~~

धूमो रात्रिस्तथा कृष्णः षणमासा दक्षिणायनम्।

तत्र चान्द्रमसं ज्योतिर्योगी प्राप्य निवर्तते ॥२५॥

ترجمه: آن یوگی که براه تاریک خواسته های جسمانی قدم میگذارد، راهی که خدای غفلت و شبهای ماه تاریک از آن میگذرند به سرزمین تاریک جهالت میرسد و دوباره به دنیای مادی بازگردانده میشود.

تفسیر: آن یوگی که از علمی که از بزرگان علم آموخته در صدد کسب ثروت و شهرت برای خود برمیآید نمیتواند به درک پرماتما برسد و بعد از وفات مجدداً بدنای مادیات میآید!

در ویشنو پوران گفته شده که بعد از وفات این یوگی پنج عنصری که جسم او را تشکیل داده بودند به پنج عنصر طبیعت میپیوندند و روح او که نتوانسته به پرماتما برسد در آسمان به ابرها میپیوندد و از طریق باران به خاک زمین وارد میشود. باین ترتیب او به درون دانه یک گیاه جذب میشود و بتوسط آن دانه و نسبت به اعمالی که در طول عمرش انجام داده بود به شکم انسان یا حیوان نر مناسب وارد میشود و بتوسط او به درون بطن یک موجود ماده وارد میشود و مجدداً دنیا میآید.

~~~~~

शुक्लकृष्णे गती ह्येते जगतः शाश्वते मते।

एकया यात्यनावृत्तिमन्ययावर्तते पुनः॥२६॥

**ترجمه:** این دو راه تاریک و روشن از زمانهای بسیار قدیم وجود دارند. انتخاب با خود انسان است. کسیکه براه روشن میرود به سعادت میرسد و کسیکه تاریکی را انتخاب میکند باید دوباره دنیا بیآید و خوشیها و غمهای دنیا را تجربه کند.

**تفسیر:** تا زمانی که سادک قادر به ترک خواسته هایش نیست تحصیل و درک علم برهم برایش دشوار خواهد بود. او اگر حتی ریاضتهای دشواری را در پیش بگیرد و یا بهترین کارهای خیریه را انجام بدهد و صواب

بسیار کسب کند در نهایت به بهشت خواهد رفت ولی به موکشا و درک برهم نخواهد رسید.

~~~~~

नैते सृती पार्थ जानन्योगी मुहयति कश्चन।

तस्मात्सर्वेषु कालेषु योगयुक्तो भवार्जुन॥२७॥

ترجمه: آن یوگی که ایندو راه را بدرستی میشناسد فریب اشیاء دنیا را نمیخورد. ای ارجون! تو همیشه در آرامش درون یعنی در حالت یوگا بمان.

تفسیر: کسیکه راه روشن رسیدن به سعادت معنوی را انتخاب میکند به اشیاء دنیا اهمیت نمیدهد. پرماتما نور علم و حقیقت جاودان است. ولی کسیکه مقصد زندگی اش لذت بردن از زرق و برق دنیا و جمعآوری اموال دنیا است و بخاطر خوشی خودش بهر کاری دست میزند مسلماً در تاریکی جهالت میماند. افرادی که علاقه به اشیاء دنیا را ترک کرده و کارهای خیر انجام میدهند ولی منظورشان از آن کارها کسب صواب و رفتن به بهشت است بهتر از مردم دنیا پرست هستند ولی آنها هم در مسیر غلط هستند و در جهالت بسر میبرند. کسیکه ایندو راه را بدرستی شناخته اشیاء دنیا نمیتوانند او را فریب بدهند. او یک یوگی است و همیشه در آرامش بسر میبرد. مرد دنیا پرست باسانی فریب اشیاء دنیا را میخورد. مردی که وظایفش تمام شده اند و اشیاء دنیا را ترک کرده یک یوگی است. فرق مرد دنیاپرست با یک یوگی این است که مرد دنیا پرست از داشتن اموال و اشیاء دنیا لذت میبرد ولی یوگی از آرامشی که از ترک آنها حاصل کرده لذت میبرد.

~~~~~

वेदेषु यज्ञेषु तपःसु चैव दानेषु यत्पुण्यफलं प्रदिष्टम्।

अत्येति तत्सर्वमिदं विदित्वा योगी परं स्थानमुपैति चाद्यम्॥२८॥

**ترجمه:** با دانستن حقایقی که ذکر شد یوگی از صواب کارهای نیک، خیرات، ریاضت، قربانی، زیارت و تمام کارهایی که در ودا ذکر شده میگذرد و در صدد یافتن پرماتما برمیآید.

**تفسیر:** حتی ثمرات تمام کارهای خیری که در ودا و شاسترا نوشته شده اند نیز موقتی هستند. یوگی تمام کارهایش را فقط بعنوان خیرات و کمک ب دیگران انجام میدهد بدون اینکه در ازای آنها از کسی چیزی بخواهد. او بخوبی میداند که حتی آرزوی رفتن به بهشت هم سد راه درک پرماتما میباشد.

در شماره 15 از بخش چهارم شیری کریشنا به ارجون گفته بود که ای ارجون تو "یک کارما یوگی باش" یعنی از طریق انجام وظیفه با من یکی بشو! و حالا در این بخش باو میگوید که ای ارجون تو "یک گیان یوگی باش" یعنی علم برهم را کسب کن و از طریق علم با من یکی بشو!

پایان بخش هشتم بهاگواد گیتا – علم برهم  
گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون

\*\*\*\*\*

॥ ॐ श्री परमात्मने नमः ॥

## بخش نهم

श्री भगवानुवाच

इदं तु ते गुह्यतमं प्रवक्ष्याम्यनसूये।

ज्ञानं विज्ञानसहितं यज्ज्ञात्वा मोक्षयसेऽशुभात्॥१॥

**ترجمه:** شیری بغوان گفت: من اسرار نهفته علم برهم را برای تو که به گفته های من ایمان داری توضیح خواهم داد! علمی که با دانستن آن تو از مشکلات دنیا رها خواهی شد.

**تفسیر:** این علمی است که برای فهمیدن اسرار آن سادک باید آمادگی ذهنی یادگیری آنرا داشته باشد و با علاقه بگفته های گورو گوش کند زیرا در غیراینصورت افشاء کردن این علم باو بیفایده خواهد بود. ارجون دارای افکار پاک است و به شنیدن این علم علاقمند است. درک این حقیقت که "پرماثما هست" و "چیزی بجز پرماثما نیست" بمعنای درک کامل علم برهم است.

بغوان ادامه داد: هر چیزی پرماثما است و بجز او چیز ثانوی نیست. آنها که خدایان را میپرستند در حقیقت مرا میپرستند! کسانی که بمن ایمان ندارند تمام امیدها، تلاشها و تحصیلاتشان بیهوده میماند و نتیجه ای از آنها نمیگیرند.

~~~~~

राजविद्या राजगुह्यं पवित्रमिदमुत्तमम्।

प्रत्यक्षावगमं धर्म्यं सुसुखं कर्तुमव्ययम्॥२॥

ترجمه: علم برهم پاک و پاک کننده و بسیار با ارزش است و انسان ثمرات مفید آنرا میتواند در زندگی خود تجربه کند. یاد گرفتن این علم برای کسیکه بآن علاقمند باشد دشوار نیست و بعد از یکبار یادگرفتن همیشه در ذهن میماند.

تفسیر: علم برهم نه تنها پاک است بلکه پاک کننده نیز میباشد. آتش هم پاک و هم پاک کننده است ولی برای پاک کردن چیزی باید آنرا بسوزاند. آب هم پاک و هم پاک کننده است ولی بعد از شستن و پاک کردن یک چیز آن چیز دوباره میتواند کثیف شود. زیارتگاهها، معابد و رودخانه گنگا و یا امثال آنها نیز پاک و پاک کننده هستند ولیکن آنها جسم و فکر انسان را میتوانند فقط برای مدتی پاک کنند و انسان مجدداً با کارهای غلط خود مرتکب گناه شده و ناپاک میشود. ناپاکی انسان در واقع بدلیل جهالت او میباشد. علم برهم آتش پاکی است که بدون سوزاندن جسم انسان جهالت او را میسوزاند و او را پاک میکند.

بغوان در باره کسیکه این علم کامل را درک میکند میگوید: " او در من است و من در او هستم" **मयि ते तेषु चाप्यहम्**. کسیکه این حقیقت را درک و تجربه میکند مثل من مظهر نور علم میشود.



अश्रद्धधानाः पुरुषा धर्मस्यास्य परन्तप।

अप्राप्य मां निवर्तन्ते मृत्युसंसारवर्त्मनि॥३॥

ترجمه: ارجون، ای ریاضتمند! کسی که ارزش این علم را نمیداند و بآن معتقد نیست گرفتار اشیاء دنیا و هوسهای بی پایان میشود و مجدداً در دنیا متولد میشود.

تفسیر: شناخت خویشتن مهمترین و بهترین کاری است که انسان میتواند برای خود بکند. علم برهم بهترین راه شناخت خویشتن میباشد. جای تعجب است که انسان دیگران را می بیند که پیر و فرسود میشوند و از دنیا میروند ولی فکر میکند که من برای همیشه زنده خواهم ماند! انسان غرق در جهالت تصور میکند که او " این جسم" است و اشیائی که در اختیار دارد "اموال او" میباشد! ولی در واقع همه این چیزها هر لحظه از او دورتر میشوند!

در بین تمام موجودات جاندار فقط انسان دارای خرد و نور علم است و میتواند حتی به مقام ایشور برسد ولیکن جهالتش او را از رسیدن باین مقام دور نگاه میدارد! غرور دلیل جهالت و بزرگترین دشمن انسان است!

انسان برای حاصل کردن و جمعآوری اشیاء بدنیا نیامده است. اگر کسی به رهائی از قید کارها و اشیاء و درک پرماتما علاقمند باشد و برای رسیدن به آن با جدیت تلاش کند حتی طبیعت و اتفاقات و شرایط زندگی هم در این راه باو کمک خواهند کرد.



मया ततमिदं सर्वं जगदव्यक्तमूर्तिना।

मत्स्थानि सर्वभूतानि न चाहं तेष्ववस्थितः॥४॥

न च मत्स्थानि भूतानि पश्य मे योगमैश्वरम् ।

भूतभृन्न च भूतस्थो ममात्मा भूतभावनः॥५॥

ترجمه: این جهان از شکل بیجسم من پر شده است. تمام موجودات در من هستند و من در آنها هستم ولی من محدود به هیچیک از آنها نیستم. این قدرت ایشور بودن مرا ببین! تمام موجودات را من خلق میکنم و از آنها حمایت و نگهداری میکنم و در انتها آنها را بدرون خود جذب میکنم.

تفسیر: پرماتما بمیل خود آشکار میشود و بمیل خود از انظار پنهان میشود! روح انسان از پرماتما جدا نیست و فرقی با او ندارد و او نیز مثل پرماتما ابدی است.

عنصر آب ابدی است! امواج آب، دریا، باران، رودخانه و غیره از آب درست شده و در هر ذره آنها آب هست. بدون آب نه دریائی خواهد بود و نه امواج دریا! ولی بدون دریا و رودخانه هم آب همیشه هست و خواهد بود. این جهان هم از پرماتما درست شده و در هر ذره اش پرماتما هست. تا زمانی که سادک حتی یک آرزو هم در سر داشته باشد اشیاء دنیا او را بسوی خود جلب میکنند ولی وقتی که هوس ها تمام شوند سادک باشیاء دنیا بی تفاوت میشود و گوئی آنها را نمی بیند.



यथाकाशस्थितो नित्यं वायुः सर्वत्रगो महान्।

तथा सर्वणि भूतानि मत्स्थानीत्युपधारय॥६॥

ترجمه: همانطور که هوا در همه جا و همه چیز این جهان هست من هم در همه جا و همه چیز این جهان هستم .

تفسیر: هوا و موجوداتی که در هوا زندگی میکنند بدون فضای گسترده وجود نخواهند داشت. این جهان و تمام موجودات آن هم از گسترش پرماتما بوجود آمده و بدون پرماتما وجود نخواهد داشت.

انسان ظاهر موجودات جاندار و بیجان، ساکن و متحرک و فرق بین آنها را می بیند ولی پرماتما را که در باطن آنها هست نمی تواند ببیند. انسان با دیدن اشیاء مادی دنیا بسوی آنها جلب میشود. هر کسی جسم خود را دوست دارد و میخواهد خوشیها و وسایل آسایش و راحتی دنیا را برای جسم خود فراهم کند و همین باعث میشود که نتواند به روح خود توجه کند. جسم انسان و اجسام مادی جهان یک "واقعیت" موقتی میباشند ولی روح انسان و روح متعال "حقیقت" ابدی هستند. از این "حقیقت" ابدی است که "واقعیت" بوقوع میپیوندد. در حقیقت حتی سلامتی و راحتی جسمانی انسان هم بستگی به روح او دارد! خوشیهای دنیا برای مدت کوتاهی بانسان خوشی و رضایت میدهند ولی نمیتوانند بانسان خوشی و رضایت دائم بدهند. کسیکه روح خود را شناخته همیشه آرام و راضی است و همین آرامش و رضایت خاطر باعث سلامتی جسم انسان میشود.

یکی از اصول مهم گیتا این است که این جهان از پرماتما بوجود آمده و مثل پرماتما (روح متعال) حقیقت ابدی است. در کتب ودا گفته شده:

सदसच्चाहम् (गीता 9 - 1).

همه چیز حقیقت است.

هدف کتب ودا، گیتا و شاسترا روشن کردن راه و راهنمایی آنهایی است که به شناخت و درک حقیقت اشتیاق دارند! این کتب علمی با ارزش روش زندگی سالم، مسالمت آمیز و موفقیت آمیز را به عوام مردم یاد میدهند.

~~~~~

सर्वभूतानि कौन्तेय प्रकृतिं यान्ति मामिकाम् ।  
कल्पक्षये पुनस्तानि कल्पादौ विसृजाम्यहम् ॥७॥



**ترجمه:** بعد از به پایان رسیدن عمر این جهان تمام موجودات بدون طبیعت من جذب میشوند و من در آغاز خلقت مجدداً آنها را خلق میکنم.

**تفسیر:** طبیعت شگفت انگیز را پر ماتما بکمک نیروی خارق العاده اش بنام مایا درست کرده است. برهمای خالق بخواست پر ماتما این جهان را خلق میکند، ویشنو از آن نگهداری میکند و شیوا مسئول نابودی آن میباشد. انسان بکمک کارهائی که میکند اشیائی را حاصل میکند و در خیالاتش برای خود یک "دنیا" میسازد. کتب ودا و شاسترا این دنیای تخیلی را نفی کرده و معتقدند که این اشیاء و دنیای خیالی موقتی و دروغین هستند.



प्रकृतिं स्वामवष्टभ्य विसृजामि पुनः पुनः ।

भूतग्राममिमं कृत्स्नमवशं प्रकृतेर्वशात् ॥८॥

**ترجمه:** جسم، فکر و احساسات موجودات تحت اختیار طبیعت میباشند و طبیعت تحت اختیار من است. این جهان و موجودات آن بخواست من بارها و بارها بتوسط برهما خلق میشوند.

**تفسیر:** این جهان بیکران و شگفت انگیز را برهما بکمک مایا خلق میکند. در تغییرات و دگرگونیهای که در این جهان بوجود میآیند پر ماتما شرکت ندارد و این تغییرات و دگرگونیها تأثیری بر او نمیگذارند.



न च मां तानि कर्माणि निबध्नन्ति धनञ्जय ।

उदासीनवदासीनमसक्तं तेषु कर्मसु ॥९॥

**ترجمه:** ای ارجون! من هیچ ارتباطی با کارهای طبیعت ندارم و نسبت به آنها بی تفاوت هستم و آن کارها مرا در قید خود نگاه نمیدارند.

**تفسیر:** تمام کارها و فعالیتهای انسان از هوس شروع میشوند. تمام خواسته های انسان برآورده نمیشوند و خواسته هائیکه برآورده میشوند برای همیشه نمیمانند! شخص خردمند هر کاری را وظیفه خود نمیداند.



मयाध्यक्षेण प्रकृतिः सूयते सचराचरम् ।

हेतुनानेन कौन्तेय जगद्विपरिवर्तते ॥१०॥

**ترجمه:** برهما بخواست من این جهان شامل موجودات ساکن و متحرک را بکمک مایا خلق میکند. این جهان فعال و دائماً در حال تغیر و دگرگونی است.

**تفسیر:** طبیعت بخودی خود نیروئی ندارد و تمام نیروهایش را من باو میدهم! همانطور که تمام وسایل برقی نیروی خود را مدیون برق هستند طبیعت هم نیروی خود را از پرماتما دریافت میکند. تمام فعالیتها و دگرگونی ها در طبیعت اتفاق میافتد و انسان تابع طبیعت است و بطور مداوم فعالیت میکند و دگرگون میشود.

پرماتما قادر متعال است و مایا قدرت شگفت انگیز اوست و اینها از یکدیگر جدا نیستند. همانطور که پرماتما در هر ذره این جهان پر شده نیروی مایا نیز در هر ذره از این جهان هست.



अवजानन्ति मां मूढा मानुषीं तनुमाश्रितम् ।

परं भावमजानन्तो मम भूतमहेश्वरम् ॥११॥

**ترجمه:** من ایشورم و در همه جا هستم ولی با دیدن شکل ظاهری من مردم نادان مرا یک انسان عادی تصور میکنند و مرا نمیشناسند.

**تفسیر:** من با استفاده از نیروی خود بنام مایا این جهان و تمام موجودات را بوجود میآورم. من خدایان بهشتی و شیاطین جهنمی را میآفرینم.

بخوان شیری کریشنا میگوید که فرق من با انسان عادی این است که من حقیقت وجود خود را شناخته و ایشور بودن خود را درک کرده ام و میدانم که من مالک این جهان پهناور هستم ولی آنها که هنوز خود را نشناخته اند مرا هم مثل خود بشکل یک انسان عادی میبینند. من با نیروی خود بنام یوگمایا योगमाया Yogmaya بشکل انسان درمیآیم و بر روی زمین ظاهر میشوم.



मोघाशा मोघकर्माणो मोघज्ञाना विचेतसः ।

राक्षसीमासुरीं चैव प्रकृतिं मोहिनीं श्रिताः ॥१२॥

**ترجمه:** تمام امیدها و تلاشهای مردم دنیاپرستی که طبع شیطانی دارند بی ثمر میمانند و نتیجه خوبی از تلاشها عایدشان نمیشود.

**تفسیر:** کسانی که از بغوان روی برمیگردانند بدنبال خوشیهای دنیا و لذات بهشتی میروند. آنها خدایان و فرشتگان بهشتی و ارواح پلید را میستایند و زندگی خود را بهدر میدهند. آنها در نتیجه کارهای خیر خود از قبیل اعانه دادن، ریاضت کشیدن و رفتن به زیارت به بهشت میروند ولی خوشیهای بهشتی نیز برای مدت کوتاهی میباشند.

کسانی که از بغوان روی برمیگردانند شاید به موفقیت های مادی برسند ولی این موفقیتها باعث رسیدن آنها به سعادت معنوی نمیشوند. اینگونه اشخاص همیشه در تشویش و نگرانی بسر میبرند و حتی از خواندن شاسترا و کتب مقدس هم نتیجه ای نمیگیرند. شیری بغوان میگوید: بازگو کردن اسرار علم برهم به مردم دنیا پرست مثل باز کردن در قفس یک پرندۀ کور بیفایده میباشد.

کسی که تمام افکارش متوجه منافع خودش است و برای رسیدن به خواسته هایش از بیعدالتی و ظلم پرهیز نمیکند طبع شیطانی دارد و هرگز به آرامش نمیرسد.



महात्मानस्तु मां पार्थ दैवीं प्रकृतिमाश्रिताः ।

भजन्त्यनन्यमनसो ज्ञात्वा भूतादिमव्ययम् ॥१३॥

**ترجمه:** عالمانی که دارای طبع پاک هستند منحصراً بمن ایمان میآورند، آنها فقط مرا مالک همه چیز میدانند و مرا میپرستند.

**تفسیر:** طبع پاک و صفات نیک در ذات بشر هست و هر کسی میتواند آنها را در خود پرورش بدهد. وقتی که در انسان صفات عالی افزایش مییابند او بسوی پرماتما متمایل میشود!

هیچکس گناهکار دنیا نمیآید ولی خواسته های انسان او را بسوی اشتباهات و کارهای خطا میکشانند. اگر شخص گناهکار اشتباه خود را قبول

کند و از کرده خود پشیمان شود گناهانش عفو میشوند و پرماتما او را مثل یک تکه الماس که در لجنزار افتاده باشد او را بیرون میآورد و میشوید و آن شخص درخشش ذاتی خود را مجدداً باز مییابد. پرستش بغوان بهر شکلی و با هر مراسمی که انجام داده شود خوب است. وقتیکه سادک قلباً احساس میکند که متعلق بغوان است و بغوان متعلق باوست حتی از مقدار کمی پرستش و ستایش بغوان هم ثمرات خوبی حاصل میکند. این سادک در هر کاری اصول بغوان را مراعات میکند.



सततं कीर्तयन्तो मां यतन्तश्च दृढव्रताः ।

नमस्यन्तश्च मां भक्त्या नित्ययुक्ता उपासते ॥१४॥

**ترجمه:** سادکی که بمن علاقمند است بیاد من و بخاطر من کارهایش را انجام میدهد و با محبت مرا میستاید.

**تفسیر:** در این دنیا چیزی نیست که انسان برای همیشه دوست داشته باشد و کاری نیست که از آن هرگز سیر و خسته نشود. بغوان تنها کسی است که انسان او را صادقانه دوست دارد و از ستایش او خسته نمیشود زیرا بغوان در اصل خود انسان است! انسان در واقع بطور آگاه یا ناخودآگاه همیشه در جستجوی بغوان است و هدفش از حاصل کردن هر چیزی رسیدن به او میباشد.

خدمت به بغوان و پرستش او باعث مسرت انسان میشود. پرستش، ستایش، دعا و نیایش، ذکر و تکرار نام او و تحمل ریاضت و خدمات بیریا بر روی جسم و فکر و احساسات انسان اثر مثبت دارند و صفات بد انسان را تبدیل به صفات خوب و صفات خوب او را تبدیل به صفات عالی میکنند و از غرور انسان میکاهند. بکت معتقد و عاشق بغوان هر کاری که میکند و هر سخنی که میگوید بخاطر رضایت بغوان است و هر کارش بمنزله پرستش او میباشد!



ज्ञानयज्ञेन चाप्यन्ये यजन्तो मामुपासते ।

एकत्वेन पृथक्त्वेन बहुधा विश्वतोमुखम् ॥१५॥

**ترجمه:** بعضی از سادکها بتوسط پرستش آتش علم برهم مرا میپرستند و بکت صادق شکل آشکار مرا که در همه جا هست میپرستند! بکت عابد مرا مالک خود و خود را خادم من میداند

**تفسیر:** سادک علاقمند به برهم نیراکار بکمک علم و منطق خود اشیاء مادی را نفی میکند و برهم یکتا را که دور از انظار است میپرستند. او معتقد است که این دنیا قبل از خلقت نبوده و بعد از نابودی خلقت هم نخواهد ماند و در زمان حال هم دائماً در حال تغیر و دگرگونی است و بسوی نابودی میرود! او همچنین معتقد است که این دنیا خودش قدرتی ندارد و وجودش متکی به پرماتمای نیراکار بیجسم است. هر سادکی نسبت به طبع، علاقه و شایستگی خود از روش خاصی پیروی میکند.



अहं क्रतुरहं यज्ञः स्वधाहमहमौषधम्।

मन्त्रोऽहमहमेवाज्यमहमग्निरहं हुतम्॥१६॥

पिताहमस्य जगतो माता धाता पितामहः।

वेद्यं पवित्रमोङ्कार ऋक्साम यजुरेव च॥१७॥

गतिर्भर्ता प्रभुः साक्षी निवासः शरणं सुहृत्।

प्रभवः प्रलयः स्थानं निधानं बीजमव्ययम्॥१८॥

**ترجمه:** آتشی که پرستیده میشود، شخص پرستش کننده، گیاهان، مواد غذائی و روغنی که بدرون آتش مقدس اهداء میشوند، صوت آئوم و سه کتب مقدس ریگ ودا، سام ودا و یجور ودا نیز منم. پدر، مادر این جهان، مالک همه چیز، پناهگاه، حامی، محل سکونت تمام موجودات و شاهد همه چیز منم و آن تخمی که همه از آن پدیدار میشوند و در آخر بآن باز میگردند نیز منم.

**تفسیر:** سادک علاقمند به درک حقیقت و رسیدن به موکشا باید باین موضوع ایمان کامل داشته باشد که هر چه که دیده میشود، لمس میشود، شنیده

میشود، به مشام میرسد و خورده میشود اشکال گوناگون پرماتما میباشند یعنی همه اینها بغوان هستند.

آنها که بدون چشمداشت منافع شخصی اعانه میدهند، ریاضت میکشند و آتش مقدس را میپرستند از هر نظر پاک میشوند. پاکی درون هر چیز و هر کس نیز منم.

بغوان میگوید: من حرف مقدس ائوم هستم प्रणव Sacred syllable OM ، حرفی که مردان برهمن هر کاری را با آن آغاز میکنند!

چهار کتب ودا بنامهای ریگ ودا ऋग्वेद Rugveda ، یجورودا

यजुर्वेद Yajurveda ، سام ودا सामवेद Samveda ، و اتهروا ودا

अथर्ववेद Atharvaveda نیز خود منم.

تخم این جهان و بطنی که این تخم در آن رشد میکند نیز من هستم و بنابراین پدر و مادر این جهان من هستم. اراده و علاقه به پیشرفت و موفقیت مهمترین خصوصیات بشر میباشند و اینها نیز من هستم. من مالک همه هستم و همه را بخوبی میشناسم. موجودات جاندار و بیجان جزئی از جسم من میباشند و همه در من ساکن هستند. من تخم فنا ناپذیر تمام تخم ها هستم. چیزی بجز من در جهان نیست.



तपाम्यहमहं वर्षं निगृह्णाम्युत्सृजामि च।

अमृतं चैव मृत्युश्च सदसच्चाहमर्जुन॥१९॥

**ترجمه:** من آفتابم و میتابم، بارانم و میبارم! زندگی و مرگ منم. هر چه هست و نیست ، هر چه که راست و دروغ است، هر چه که پایدار و ناپایدار است منم. همه چیز منم! جائی نیست که من در آنجا نباشم، زمانی نیست که من نباشم! آنچه که تغیر میکند و آنکه هرگز تغیر نمیکند منم.

**تفسیر:** در این دنیا فقط دو چیز هست حقیقت و دروغ! پرماتما حقیقت است و دنیا دروغ است. جسم دروغ است و روح حقیقت است. جسم دائماً تغیر میکند ولی روح تغیر ناپذیر است!. بغوان میگوید آنکه دائماً در حال تغیر است و آنکه هرگز تغیر نمیکند و همیشه یکسان است منم! آنکه

میمیرد و آنکه هرگز نمی‌میرد نیز منم! یعنی همه چیز بغوان است و بجز بغوان چیز دیگری نیست.

بغوان می‌گوید حقیقت و دروغ منم، مرگ و زندگی جاودان منم! پایدار و ناپایدار منم. مردم دنیا همه چیز را متفاوت می‌بینند و نمیتواند درک کند که اینها یکی هستند. در حقیقت همه چیز بغوان است و فرق ظاهری آنها دروغین است. حتی چیزهاییکه باعث خوشی و راحتی انسان میشوند با چیزهاییکه باعث ناراحتی و ناخوشی انسان میشوند یکی هستند! این حقیقتی است که سادک صبور یاد می‌گیرد و آنرا درک میکند.

ودا معتقد است که "همه چیز برهم است" یعنی هر چیزی در این جهان حقیقت است و هیچ چیزی دروغین نیست. هر چیزی در این جهان کامل و بی ایراد است.

Everything is the eternal Brahm.

راست و دروغ، درست و غلط فقط در فکر انسان هست و در حقیقت نیست! در حقیقت همه چیز یکی است. عالمان و فیلسوفان بزرگ نیز دریافته اند که "حقیقت" یکی است! دو تا نیست. اعتقاد به چیز ثانوی باعث گمراهی انسان میشود و "خواستن و نخواستن" چیزها، "موافقت و مخالفت" با عقاید و تمام فرق های بین چیزها در فکر انسان تولید میشوند.

رسیدن به درک حقیقت و شناخت خویشتن مهمترین وظیفه انسان است زیرا همانطور که بالهای یک پرنده کور برایش بیفایده اند بدون داشتن علم و بدون شناختن خویشتن نیز هر کاری که انسان انجام بدهد برایش بیفایده خواهد بود.



त्रैविद्या मां सोमपाः पूतपापा यज्ञैरिष्ट्वा स्वर्गतिं  
प्रार्थयन्ते।

ते पुण्यमासाद्य सुरेन्द्रलोक मश्नन्ति दिव्यान्दिवि  
देवभोगान्॥२०॥

**ترجمه:** آنها که بخاطر منافع خودشان مرا میپرستند و کارها و قربانی های توصیه شده در ودا را بر طبق اصول ودا انجام میدهند در

کارهایشان موفق میشوند و به آرزوهایشان میرسند و به بهشت میروند و در آنجا از خوشیهائی لذت میبرند که مختص خدایان میباشند.

**تفسیر:** اکثر مردم برای حاصل کردن خوشیهای دنیا تلاش میکنند ولی عده ای از مردم عاقل با خواندن توضیحاتی که در ودا در مورد بهشت ها داده شده علاقمند به رفتن به بهشت میشوند و آئین پرستش و قربانیهای توصیه شده در ودا را طبق نوشته های ودا انجام میدهند و ایندرا را که بزرگترین خدای بهشت است میپرستند و به بهشتی که بآنها وعده داده شده میروند. این مردم در آنجا از لذات بهشتی بهره مند میشوند. ولی این خوشیها هم مثل خوشیهای دنیا دروغین میباشند. شخص خردمند نه تنها از خوشیهای زودگذر دنیا بلکه از خوشیهای بهشت هم صرفنظر میکند زیرا تمام این خوشیها چه خوشی دنیائی و چه خوشی بهشتی باشند از رسیدن انسان به بالاترین هدف زندگی یعنی رسیدن به درک ایشور و شناختن خویشتن جلوگیری میکنند. ایشور نهان است و همان روح انسان است و با پرماتما یکی است.



ते तं भुक्त्वा स्वर्गलोकं विशालं क्षीणे पुण्ये मर्त्यलोकं  
विशन्ति।

एवं त्रयीधर्ममनुप्रपन्ना गतागतं कामकामा लभन्ते॥२१॥

**ترجمه:** آنها در بهشت از کامیابی و لذات جسمانی بسیاری بهره مند میشوند و بمحض تمام شدن ذخیره صوابهایشان مجدداً به این دنیا باز گردانده میشوند.

**تفسیر:** عمر مردم بهشت طولانی است و در آنجا تمام وسایل راحتی و خوشگذرانی فراهم شده است. افراد نیکوکار از راهنمائیهای ودا پیروی میکنند و با خدمت به مردم و جامعه به بهشت میروند! این مردم بعد از تمام شدن ذخیره صوابهایشان دوباره بزمین بازگردانده میشوند.



अनन्याश्चिन्तयन्तो मां ये जनाः पर्युपासते।  
तेषां नित्याभियुक्तानां योगक्षेमं वहाम्यहम्॥२२॥



**ترجمه:** من از کسیکه صادقانه مرا دوست دارد و فقط بمن مکتبی است و مرا حامی خود میداند حمایت میکنم. من هرچه میخواهد باو میدهم و هرچه را که دارد حفظ میکنم.

**تفسیر:** بکت صادق معتقد است که هر کاری که در دنیا میشود، هر اتفاقی که میافتد و هر شرایطی که پیش میآید همگی بازیهایی بغوان هستند. بکت فقط به وجود بغوان اعتقاد دارد و به چیزهای دیگر توجه نمیکند. او هر کاری را بیاد بغوان و برای رضایت او انجام میدهد و از خدمت باو احساس مسرت میکند!



येऽप्यन्यदेवता भक्ता यजन्ते श्रद्धयान्विताः।

तेऽपि मामेव कौन्तेय यजन्त्यविधिपूर्वकम्॥२३॥

**ترجمه:** ای ارجون! هر کسی با هر اعتقاد و روشی که خدایان را میپرستند در واقع مرا میپرستد ولی پرستش خدایان همراه با جهالت است زیرا آنها نمیدانند که آن خدایان از من جدا نیستند.

**تفسیر:** تمام موجودات و خدایان اشکال مختلف بغوان هستند. کسیکه به بغوان ایمان دارد دیگران را در انتخاب مذهب و اعتقاد خود آزاد میداند.



अहं हि सर्वयज्ञानां भोक्ता च प्रभुरेव च।

न तु मामभिजानन्ति तत्त्वेनातश्च्यवन्ति ते॥२४॥

**ترجمه:** ثمره تمام قربانیها و مراسمی که برای خوشنود کردن خدایان برگزار میشوند بمن میرسد. تمام هدایایی که به خدایان داده میشود بطور غیرمستقیم بمن اهداء میشوند.

**تفسیر:** ثمره تمام کارهای خوب و بدی که انسان انجام میدهد بخودش داده میشوند!

عالمان باین نتیجه رسیده اند که همه چیز بغوان است. زشت و زیبا، کوچک و بزرگ، درست و غلط، عالم و نادان، دوست و دشمن، فرشته و شیطان، درستکار و پلید و غیره همه چیز بغوان است. کسیکه باین نتیجه

میرسد از چنگ کارهای غیرضروری و ثمرات آنها رها میشود و به موکشا میرسد.



यान्ति देवव्रता देवान्पितृन्यान्ति पितृव्रताः।

भूतानि यान्ति भूतेज्या यान्ति मद्याजिनोऽपि माम्॥२५॥

**ترجمه:** کسانی که خدایان را میپرستند به بهشت خدای خود میرسند و مثل آنها میشوند. آنها که اجدادشان را میپرستند مثل اجدادشان میشوند و بعضی ها که طبع پست دارند و ارواح پلید را میپرستند بعد از وفات مثل آنها میشوند. ولی کسانی که مرا با صداقت و علاقه میپرستند مثل من میشوند.

**تفسیر:** آنها که به بغوان معتقد نیستند بسوی خوشگذرانی و جمعآوری ثروت و املاک متمایل میشوند. آنها روشهای مختلف یافتن این خوشیها را از شاسترا و ودا یاد میگیرند و خدایان را میستایند و به خواسته های خود میرسند ولی اکثر این خوشیها بدنبال خود درد و غم ببار میآورند. روزه گرفتن بمعنای انضباط اخلاقی و خودداری از دروغ، دزدی، بدگوئی از دیگران و کارهای خلاف اخلاقی میباشد! فقط دهان را بستن و گرسنگی کشیدن یکنوع زجر دادن به جسم خود میباشد. کسیکه بدیگران ظلم میکند، حق مردم را میخورد و دروغ میگوید روزه گرفتن برایش هیچ فایده ای نخواهد داشت ولی کسیکه دروغ نمیگوید، وظیفه خود را انجام میدهد، از کسی بدگوئی نمیکند، کسی را آزار نمیدهد و برای همه دعای خیر میکند بدون روزه گرفتن هم به آرزوهایش میرسد.



पत्रं पुष्पं फलं तोयं यो मे भक्त्या प्रयच्छति।

तदहं भक्त्युपहतमश्नामि प्रयतात्मनः॥२६॥

**ترجمه:** اگر کسی با سادگی و محبت به من یک برگ سبز، یک شاخه گل، یک جرعه آب و یا یک میوه اهداء کند من آنرا با علاقه قبول میکنم.

**تفسیر:** وقتیکه کسی چیزی را که در توانائی اوست بدون غرور به بغوان اهداء میکند بغوان آنرا با خوشی قبول میکند. برای بغوان کمیّت

و ارزش مادی چیز اهداء شده مهم نیست. بین دو نفر چیزی که داده یا گرفته میشود اهمیت بسیاری ندارد ولی محبت و گذشت آنها برای همدیگر دارای اهمیت بسیار است.

پرسشش بمعنای قدردانی، ایمان و قبول اصول و دستورات خدای خود میباشد. گفته میشود که بغوان گرسنه چیز های مادی نیست بلکه گرسنه محبت است. همانطور که پدر و مادر از دریافت کوچکترین چیز از دست فرزند خود بیحد خوشحال میشوند بغوان هم از علاقه و ایمان بکت خود خوشحال میشود.



यत्करोषि यदश्नासि यज्जुहोषि ददासि यत्।

यतपस्यसि कौन्तेय तत्कुरुष्व मदर्पणम्॥२७॥

**ترجمه:** گوش کن ارجون، ای مرد پارسا! تو هر کاری که میکنی، هر خیراتی که میدهی و هر ریاضتی که میکشی آنها را با اعتقاد بمن، بیاد من و بخاطر من انجام بده و نتایج آنها را بمن واگذار کن.

**تفسیر:** در اینجا موضوعات مهمی مورد بحث قرار گرفته اند. شیری بغوان در اینجا به ارجون میگوید: تو هر کاری که میکنی بیاد من بکن و نتایج آنها را بمن بسپار یعنی اینطور تصور کن که تو کننده هیچ کاری نیستی. زیرا در غیراینصورت در وجود تو غرور پیدا خواهد شد!

سادگی که به بغوان ایمان کامل دارد بکت نامیده میشود. بکت بدلیل علاقه ای که به بغوان دارد قبل از هر چیز غرورش را باو تسلیم میکند. بکت پارسا همه را بغوان میداند و بهمین دلیل به همه احترام میگذارد و به همه خدمت میکند! او از این کارش احساس رضایت و آرامش میکند و علم برهم خودبخود بر او آشکار میشود و او بدون اینکه خودش بداند مثل بغوان میشود.



शुभाशुभफलैरेवं मोक्षयसे कर्मबन्धनैः।

सन्न्यासयोगयुक्तात्मा विमुक्तो मामुपैष्यसि॥२८॥

**ترجمه:** تو از قید اعمال و نتایج خوب و بد کارهایت آزاد شو. وقتی که تو غرورت را بمن تسلیم کنی از همه چیز دنیا آزاد شده و مثل من خواهی شد.

**تفسیر:** انسان بدلیل غروری که دارد خود را کننده کارها تصور میکند و بهمین دلیل نتایج کارهایش را دریافت میکند. با درک این حقیقت که تمام کارها و اشیاء دنیا متعلق به ایشور میباشند سادک بآسانی آنها را ترک میکند و به آرامش خاطر میرسد. رسیدن به رهائی از کارها و اشیاء دنیا سننیا س یوگا نام دارد **संन्यासयोग** . Renunciation

بطور معمول دیده شده که انسان از هر کاری که میکند توقع دریافت چیزی را دارد! تا زمانی که انسان خوشی را میخواهد از نمیتواند از غمها فرار کند. بنابراین باید گفت که انسان خوشی را دوست دارد و ناچار است که غمها را بپذیرد. کسی که غرورش را ترک میکند و خودش و کارهایش را به بغوان میسپارد بجای تجربه خوشیها و غمهای دنیا مسرت بی پایان را تجربه میکند.

بکت نیکوکار برای منافع خودش کاری نمیکند، خود را مالک چیزی نمیداند، خود را کننده کاری نمیداند و نتیجه کارهایش را به بغوان میسپارد. او معتقد است که "تمام کارها را بغوان انجام میدهد و من فقط یک وسیله هستم".



समोऽहं सर्वभूतेषु न मे द्वेष्योऽस्ति न प्रियः।

ये भजन्ति तु मां भक्त्या मयि ते तेषु चाप्यहम्॥२९॥

**ترجمه:** من در تمام موجودات دنیا یکسان هستم. نه کسی برای من دوستداشتنی است و نه کسی دوست نداشتنی؛ ولیکن کسی که مرا با ایمان و علاقه میستاید من در او هستم و او هم در من است.

**تفسیر:** بغوان میگوید برای من اشخاص طبقه پائین و طبقه بالای اجتماع، فقرا و ثروتمندان و تحصیل کرده و بیسوادان یکسان هستند! زیرا همه آنها جزئی از وجود خود من هستند و از من جدا نیستند. من از شخص خاص و یا کار خاصی طرفداری نمیکنم. هر قدر هم کسی کارهای خیریه

انجام بدهد، به زیارت برود، اعانه بدهد، ریاضت بکشد یا همیشه دعا و نیایش کند من او را بیشتر از کسیکه هیچیک از این کارها را نمیکند دوست ندارم. من همه را بیک اندازه دوست دارم. من به گناه گناهکاران و به صواب نیکوکاران کاری ندارم. حتی مخلوقات من از قبیل آب، آتش، هوا، فضا و خاک هم رفتارشان با تمام موجودات دنیا یکی است بنابراین من چطور میتوانم با موجودات این جهان رفتار گوناگون داشته باشم؟

آفتاب بر روی یک تکه چوب، یک تکه سنگ و یک تکه الماس بطور متساوی میتابد ولی آن چوب و سنگ و الماس گرما و نور آفتاب را نسبت به طبع و خلوص خودشان جذب میکنند و سپس آنها را به بیرون منعکس میکنند. بغوان هم بطور یکسان بهمه محبت میکند ولی هر کس نسبت به طبع و خلوص خودش این محبت را درک میکند و از خود منعکس میکند و به دیگران میدهد. برای بغوان رنگ، نژاد، ملیت، شهرت و مقام کسی مهم نیست و هر کسی میتواند بسوی او برود و باو برسد.



अपि चेत्सुदुराचारो भजते मामनन्यभाक्।

साधुरेव स मन्तव्यः सम्यग्व्यवसितो हि सः॥३०॥

**ترجمه:** اگر حتی بدترین گناهکار هم کارهای غلط را ترک کند و براه درستکاران بیاید و بمن گرایش پیدا کند من او را می پذیرم. او در نظر من یک سادو Sadhu साधु است! یعنی او هم یک شخص ساده و پاک دامن است.

**تفسیر:** بغوان مظهر جاودان "حقیقت - نور علم و مسرت" است و اگر کسی با اشتیاق و جدیت برای یافتن او تلاش کند میتواند او را در خود پیدا کند و مثل او بشود. با سواد و بیسواد، زشت و زیبا، پیر و جوان، زن و مرد، گناهکار و بیگناه در نظر بغوان یکی هستند و او همه را میپذیرد. دلیل تمام گناهایی که انسان مرتکب میشود دور بودن از بغوان است. کسیکه به بغوان روی میآورد گناهایش از بین میروند و در او صفات نیک بوجود میآیند. اگر یک تکه سنگ الماس بر حسب اتفاق در لجنزار بیفتد و کثیف شود اگر حتی بعد از صد سال هم از لجنزار بیرون آورده و شسته شود مجدداً درخشش خود را باز خواهد یافت.

کسیکه اشتباه خود را قبول میکند از غرورش کاسته میشود. غرور دلیل جهالت و بزرگترین دشمن انسان است. ترک غرور بیشتر از هر ریاضت دیگری باعث پاکی درون و آرامش درون انسان میشود.

~~~~~

क्षिप्रं भवति धर्मात्मा शश्वच्छान्तिं निगच्छति।

कौन्तेय प्रतिजानीहि न मे भक्तः प्रणश्यति॥३१॥

ترجمه: از لحظه ای که سادک بسوی من میآید گناهانش از بین میروند و او یک شخص راستگو و درستکار میشود. ای ارجون! بکت صادق هرگز دچار مصیبت نمیشود.

تفسیر: انسان ذاتاً پاک است ولی بخاطر علاقه به اشیاء دنیا و خواسته هایش مرتکب خطا میشود و بغوان را فراموش میکند. وقتی که فکر انسان عوض میشود کارهایش هم عوض میشوند. این یک واقعیت است. حتی اگر کسی صرفاً بخاطر رفع مشکلات مادی، بیماری و یا مشکلات دیگر زندگی اش به بغوان روی بیاورد بغوان او را میپذیرد و او را کمک و هدایت میکند.

~~~~~

मां हि पार्थ व्यपाश्रित्य येऽपि स्युः पापयोनयः।

स्त्रियो वैश्यास्तथा शूद्रास्तेऽपि यान्ति परां गतिम्॥३२॥

**ترجمه:** حتی اگر یک زن فاحشه یا یک شخص نجس از پائین ترین طبقه اجتماع هم بمن پناه آورد و با نیت پاک بمن خدمت کند مسلماً به موکشا خواهد رسید.

**تفسیر:** تمام صفات و خصوصیات زشت اخلاقی بدلیل روی برگرداندن از بغوان در انسان بوجود میآیند و با روی آوردن مجدد به بغوان اخلاق و صفات نیک دوباره در او ظاهر میشوند. در حقیقت هر کسی لیاقت آنرا دارد که بغوان را پیدا کند و مثل او پاک بشود.

~~~~~

किं पुनर्ब्राह्मणाः पुण्या भक्ता राजर्षयस्तथा।

अनित्यमसुखं लोकमिमं प्राप्य भजस्व माम्॥३३॥

ترجمه: اشخاص متعلق به خانواده های طبقه برهمن Brahman

ब्राह्मण و طبقه کشاتریا Kshatrya क्षत्रिय نیز اگر با صداقت بمن روی آورند بمن خواهند رسید. ای ارجون! قدر زندگی خود را بدان، مرا بشناس و ستایش کن!.

تفسیر: اکثر مردم بطور معمول فقط به حفظ جان و حاصل کردن خوشی و آسایش جسم خود توجه میکنند ولی بغوان میگویند که این چیزها را چه بخواهی و چه نخواهی نسبت باعمال گذشته تو بتو داده خواهند شد. تو نگران این چیزها نباش و مرا بشناس و بنزد من بیا!

هر موجودی باشکال گوناگون بدنیا میآید و تولدش بشکل انسان آخرین مرحله از تکامل زندگی او میباشد. در این مرحله انسان قدرت تشخیص درست و غلط را دارد و میتواند در زندگی هدفی برتر از خوردن و خوابیدن انتخاب کند. مهاریشی ها، مردان درستکار و با تقوا و عالمان کبیر دریافته اند که هدف نهائی زندگی انسان شناخت خویشتن و رهائی از قید کار و اشیاء دنیا و رسیدن به آرامش درون میباشد.

در حقیقت جسم انسان نیز مثل روح او پاک و نورانی است ولی هوسهای گوناگون آنرا ناپاک میسازند. انسان بکمک علم میتواند ناخالصیهای جسم خود را بزدايد و پاک و خالص بودن جسم و روح خود را احساس کند.



मन्मना भव मद्भक्तो मद्याजी मां नमस्कुरु।

मामेवैष्यसि युक्तवैवमात्मानं मत्परायणः॥३४॥

ترجمه: تو بکت من باش! تو با ایمان بمن مرا بپرست و فقط در مقابل من تعظیم کن. همیشه بیاد من باش و باین ترتیب تو مثل من خواهی شد.

تفسیر: اتفاقات خوشایند و ناخوشایند در زندگی هر کس پیش میآیند و بکت با ایمانی که به بغوان دارد آنها را همانطور که هستند قبول میکند و سعی نمیکند که آنها را عوض کند. اتفاقات همیشگی نیستند! آنها میآیند و

میروند و فقط با جسم انسان در ارتباط هستند! روح انسان همیشه همانطور که بوده هست و همانطور میماند. ارتباط انسان با پرمتما یک ارتباط حقیقی است و درک این ارتباط بانسان رضایت و مسرت می بخشد. بکت معتقد به بغوان خود را مالک چیزی نمیداند. او از هرچیزی که دارد راضی است و هر اتفاقی را خواست بغوان میداند و با شرایط خوب و بد زندگی میسازد.

پایان بخش نهم بهاگواد گیتا – علم برهم
گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون

بخش دهم

श्रीभगवानुवाच

भूय एव महाबाहो शृणु मे परमं वचः ।

यत्तेऽहं प्रियमाणाय वक्ष्यामि हितकाम्यया ॥१॥

ترجمه: شیری بغوان گفت: ای دلاورترین! تو مرا دوست داری و بگفته هایم ایمان داری! سخنانی را که بتو گفتم بصلاح تو هستند. دوباره به گفته هایم با دقت گوش کن!

تفسیر: سادک با شنیدن شرح عظمت، قدرت، خصوصیات و صفات و ثروتهای بیکران بغوان باو علاقمند میشود و ایمانش باو استوار میشود.

در روش یوگای علم سادک با گوش کردن به گفته های گورو و تحصیل کتب ودا و شاسترا علم برهم را یاد میگیرد و برهم یگانه را میشناسد و با او یکی میشود. در روش یوگای ایمان بکت معتقد به بغوان بدون تحصیل علم و فقط با ایمانی که به گورو دارد و با پیروی از گفته های او آن علمی را در درون خود مییابد که در کتب یافت نمیشوند. در زمان قدیم اشخاص بسیار نادری بودند که بخاطر علاقه و ایمانی که به گورو داشتند با او ارتباط درونی پیدا میکردند و از راه دور بدون اینکه گورو را ببینند و بدون اینکه با او صحبت کنند فقط با اندیشیدن به قدمهای گورو علم برهم را درک میکردند. اینگونه شاگردان کمیاب هنوز هم هستند و اینگونه گورو نیز که حقیقتاً گورو است و منظورش کاسبی نیست هنوز هم پیدا میشود.

گورو مثل یک پدر بزرگوار خیرخواه شاگردش است و او را با محبت راهنمایی میکند. گورو از خوشیها و ثروت و مقام دنیا گذشته و برای خود چیزی نمیخواهد. هدف گورو فقط باید ترویج علم و هدایت شاگردان بسوی سعادت معنوی باشد.

همانطور که پستان گاو با دیدن گوساله گرسنه اش پر از شیر میشود درون گورو هم با دیدن اشتیاق شاگردش به یادگیری علم سرشار از علم میشود و اسرار علم خود را در اختیار آن شاگرد میگذارد. ارجون شاگردی

است که به سعادت معنوی خود علاقمند است و به سخنان کریشنا با علاقه گوش میدهد و بهمین دلیل کریشنا علم خود را در اختیار او قرار داده است.



न मे विदुः सुरगणाः प्रभवं न महर्षयः।
अहमादिर्हि देवानां महर्षीणां च सर्वशः॥२॥

ترجمه: راز ظهور مرا بر روی زمین نه خدایان میدانند و نه مهاریشی های عالم! زیرا من قبل از تمام آنها آمده ام.

تفسیر: جسم خدایان، افکار و احساساتشان، محل سکونت و هر کار آنها بهشتی است ولی آنها هم مرا بدرستی نمیشناسند. آنها راز ظهور و هدف از ظهور مرا نمیدانند. آنها آرزو دارند مرا ببینند. حتی ریشی های عالمی که قدرتهای خارق العاده حاصل کرده اند، به ماوراء دنیا رفته و به تجربیات خارق العاده رسیده اند، آنها که هیچ وظیفه ای برایشان باقی نمانده، آنها که هیچ چیزی نمانده که ندانند و چیزی نمانده که حاصل نکرده باشند و موکشا را هم تجربه کرده اند نیز مرا بدرستی نمیشناسند و اسرار ظهور مرا بر روی زمین بدرستی نمیدانند.

خدایان مغرور بهشتی از هر نوع وسیله آسایش و راحتی برخوردارند و از تجملات بسیاری در بهشت لذت میبرند و برای شناختن بغوان فرصتی ندارند. شیاطین جهنمی قدرتهای جادویی دارند و با ظلم و جادو آنچه را که حق آنها نیست از مردم میگیرند و آنها را میآزارند و همیشه در حال فعالیت هستند و بهمین دلیل آنها هم نمیتوانند مرا بشناسند.

بغوان را که شکل جسمانی برهم است بکمک قدرت عقلانی، قدرت جسمانی و یا با استفاده از وسائل دنیا نمیتوان شناخت. بغوان خود را به کسانی که باو ایمان و اعتقاد دارند و مشتاق دیدارش هستند نشان میدهد و بجز آن راه دیگری برای شناختن و دیدار او نیست.



यो मामजमनादिं च वेत्ति लोकमहेश्वरम्।
असम्मूढः स मर्त्येषु सर्वपापैः प्रमुच्यते॥३॥

ترجمه: کسیکه به ایشور اعتقاد و ایمان کامل دارد و میداند که من بدنیا نمیآیم، از دنیا نمیروم و آغاز و پایانی ندارم عالمترین انسان است و گناهی بسراغ او نمیآید!

تفسیر: کسی که به قدرت شگفت انگیزی بنام ایشور ایمان دارد نمیتواند به اشیاء دروغین دل ببندد. او با اعتقاد باینکه مالک اصلی تمام این چیزها ایشور است نسبت به چیزی احساس مالکیت نمیکند! وقتیکه انسان درک میکند که او خودش در حقیقت وجود پاک ایشور است آنچنان لذتی از شناختن شکل حقیقی خود میبرد که احساس میکند از همه چیز دنیا بی نیاز است. هیچکس نمیتواند برای همیشه در این دنیا بماند و چیزهائیکه در اختیار دارد برای همیشه نمانند. دانستن و توجه باین حقیقت دلیل ذکاوت انسان است. هیچکس نمیتواند ایشور را بطور کامل بشناسد زیرا او در ماوراء ماده و خارج از محدوده توانائی عقلانی و جسمانی بشر است.

~~~~~

बुद्धिर्ज्ञानमसम्मोहः क्षमा सत्यं दमः शमः।

सुखं दुःखं भवोऽभावो भयं चाभयमेव च॥४॥

अहिंसा समता तुष्टिस्तपो दानं यशोऽयशः।

भवन्ति भावा भूतानां मत्त एव पृथग्विधाः॥५॥

**ترجمه:** تمام صفات گوناگون انسان از قبیل بخشندگی، درستکاری، شهامت، صلحجویی، آرامش، رضایت خاطر، زهد، ریاضت، پرهیزکاری، محبت، گذشت، از خود گذشتگی، سخاوت، علاقه به خیرات، خیرخواهی و بیباکی از من پیدا شده اند.

**تفسیر:** تمام کارهای درست و غلطی که در دنیا انجام میگیرند، تمام اتفاقات خوشایند و ناخوشایند که پیش میآیند و تمام شرایط خوب و بد زندگی، احساس خوشی و غم و غیره بازیهایی بغوان هستند ولی شخص عالم معتقد است که تمام اینها کار طبیعت است و کار بغوان نیست!

~~~~~

महर्षयः सप्त पूर्वे चत्वारो मनवस्तथा।

मद्भवा मानसा जाता येषां लोक इमाः प्रजाः॥६॥

ترجمه: برهمای خالق در آغاز خلقت بخواست من ابتداء چهار پسران خود را آفرید و سپس هفت مهاریشی را خلق کرد و سپس چهارده بشر اولیه را که اولین آنها مانو **मनु** Manu نام داشت خلق کرد. همه مردم دنیا اولاد این هفت مهاریشی میباشند.

تفسیر: هفت مهاریشی دارای صفات و خصوصیات عالی اخلاقی و بینش روشن بودند. آنها کتب ودا را در حالت جذبۀ روحانی (سمادی) در ماوراء ماده دیده بودند. این هفت مهاریشی مانترای ودا را در حالت سمادی دریافت کرده و مذهب سناتن ودیک درم را پایه گذاری کرده اند.

هفت مهاریشی عبارتند از: **अत्रि** Atri - **भरद्वाज** Bhardvaj - **गौतम** Gautam - **जमदाग्नि** Jamadagni - **कश्यप** Kashyapa - **वाशिशठा** Vashishta - **विश्वामित्रा** Vishwamitra . مردم هندوستان خود را فرزندان این هفت مهاریشی میدانند و هر قوم خود را یکی از این هفت ریشی نسبت میدهد.

~~~~~

एतां विभूतिं योगं च मम यो वेत्ति तत्त्वतः।

सोऽविकम्पेन योगेन युज्यते नात्र संशयः॥७॥

**ترجمه:** کسیکه میداند که من ایشور هستم و قدرتهای شگفت انگیز مرا میشناسد مسلماً بمن روی میآورد و مرا میپرسد.

**تفسیر:** مایا قدرت شگفت انگیز پرماتما است، قدرتی که او به برهما داد تا بکمک آن این جهان را خلق کند. کسیکه بمنظور لذات جسمانی و منافع شخصی خود از اشیاء دنیا استفاده میکند اسیر مایا میشود و همین اسارت باعث تحلیل رفتن نیروی جسمانی او میشود.

اتحاد با پرماتما بمعنای تجربه و احساس آرامش کامل و یکنواخت است! این احساس بی نظیر یوگا **योग** yoga نام دارد. یوگا بمعنای احساس

یکی بودن با پرماتما است. پرماتما دارای قدرت عظیم و شگفت انگیزی بنام مایا می باشد Illusion **माया** ! این طبیعت زیبا و شگفت انگیز از مایا درست شده و همین مایا باعث بوجود آمدن خواسته ها در دل انسان میشود. مبارزه با خواسته ها دشوار است ولی سادگی که بر حواس خود پیروز میشود میتواند یوگا را تجربه کند. هوسها انسان را ضعیف میکنند و باعث تحلیل رفتن نیرویش میشوند ولی کسیکه بر هوسهایش پیروز میشود نیروی جسمانی و عقلانی اش حفظ میشود و در او قدرتهای شگفت انگیز بوجود می آیند.



अहं सर्वस्य प्रभवो मत्तः सर्वं प्रवर्तते।

इति मत्वा भजन्ते मां बुधा भावसमन्विताः॥८॥

**ترجمه:** دلیل پیدایش این جهان من هستم و تمام دنیا از نیروی من گسترش میابد. تمام فعالیت های دنیا بمیل من آغاز میشوند. با اعتقاد باین حقایق مردان خردمند بسوی من می آیند و مرا ستایش میکنند.

**تفسیر:** پرماتما ریشه تمام اشیاء و اجسام این جهان است. انسان فقط خوشی میخواهد و هیچکس غم نمیخواهد ولی این ممکن نیست زیرا هر جا که خوشی هست غم هم هست و کسی که بدنبال خوشی میرود نمیتواند از غمها اجتناب کند. آنکه بدنبال خوشیها نمیرود غمها را تجربه نمیکند ولی خوشیهاییکه حق او میباشد خود بخود بسراغش می آیند. عالمان، یوگی ها و بکت های سرسپرده این حقیقت را تجربه کرده اند.



मच्चित्ता मदगतप्रणा बोधयन्तः परस्परम्।

कथयन्तश्च मां नित्यं तुष्यन्ति च रमन्ति च॥९॥

**ترجمه:** دلباختگان من در باره صفات و خصوصیات من با یکدیگر سخن میگویند، مرا میستایند و از گوش کردن به حکایات مربوط بمن و نقل آن حکایات بیکدیگر غرق در مسرت شده و احساس مسرت میکنند.

**تفسیر:** با پی بردن به عظمت، قدرت، صفات، خصوصیات و زیبایی بغوان غرور انسان از بین میرود و به بغوان دل میندد. بکت بیریا در حالیکه قلباً به بغوان علاقمند است جسماً بوظایف روزمره اش میپردازد.

او وظایف مربوط به خانواده و اجتماعی که در آن زندگی میکند ترک نمیکند و باین ترتیب نه تنها از نظر معنوی بلکه از نظر مادی و اجتماعی نیز پیشرفت میکند. بکت با عشق و اعتقادی که به بغوان دارد او را در مادر و پدرش، زن و فرزندانش میبیند و با خدمت بآنها در واقع به بغوان خدمت میکند. در کتاب "ناردا بکتی سوترا" نوشته شده که "بکت و بغوان آنچنان علاقه و محبتی بیکدیگر دارند که معلوم نمیشود که کدامیک بکت و کدامیک بغوان است". درون و بیرون بکت عابد بخاطر ایمان پاک و عشقی که به بغوان دارد پاک میشود و در جوار او خانواده و اطرافیانش نیز پاک و منزّه میشوند.



तेषां सततयुक्तानां भजतां प्रीतिपूर्वकम्।

ददामि बुद्धियोगं तं येन मामुपयान्ति ते॥१०॥

**ترجمه:** من به آن بکت پارسا که با عشق مرا میستاید و همیشه بیاد من است هدیه ای بنام "یوگای عقلانی" میدهم هدیه ای که بکمک آن او مرا حاصل میکند و مثل من میشود.

**تفسیر:** بکت ساده و بی‌ریا بجز بغوان چیز دیگری نمیخواهد. او حتی علم برهم و موفقیت‌های مافوق بشری را هم نمیخواهد. بغوان به این بکت از خود گذشته آرامش افکار میدهد. این آرامش افکار که در اثر بی تفاوت بودن به اشیاء و اتفاقات حاصل میشود "یوگای عقلانی" یا "بودی یوگا" نام دارد Budhi Yoga बुद्धियोग. وقتی که فکر آرام باشد انسان درست تصمیم میگیرد و درست کار میکند.



तेषामेवानुकम्पार्थमहमज्ञानजं तमः।

नाशयाम्यात्मभावस्थो ज्ञानदीपेन भास्वता॥११॥

**ترجمه:** من تاریکی جهالت اشخاص معتقد بمن را با نور علمی که در درون آنها از ازل هست از بین میبرم.

**تفسیر:** گورو مثل یک پدر شاگردش را راهنمایی میکند و علم خود را در اختیار او میگذارد. شاگرد بی تکبر در جوار گورو از دریافت

الطاف او آنچنان احساس مسرت میکند که از همه چیز دنیا بی نیاز میشود و هوسها او را خود بخود ترک میکنند. او با هر چه دارد و ندارد راضی است. در زمانهای قدیم بسیاری از سادوها بیسواد بودند ولی علمی که بعضی از آنها داشتند شگفت انگیز بود. این سادوهای پارسا دور از اجتماع مردم بسادگی زندگی میکردند و علاقه ای به اشیاء دنیا نداشتند. این سادوها برای یادگیری علم برهم نیازی به گورو و یا خواندن کتب مقدس ودا و پوران و شاسترا نداشتند! آنها پاکترین علم برهم را در درون خود بکمک پوجا، بجن (خدمت)، دیهان (اندیشه)، نام ایسمرن (ذکر نام) و مانترا جاپ (ذکر و تکرار مانترا) می یافتند و علم نایاب خود را در اختیار سادکها و شاگردان با لیاقت خود قرار میدادند و در مقابل این علم از کسی چیزی دریافت نمیکردند! این مردان ساده و پرهیزکار، راستگو و درستکار دور از هوسها و لذات مادی بدون اینکه از کسی چیزی بخواهند زندگی میکردند و با خوردن غذاهای ساده گیاهی و شیر و لبنیات و پرهیز از غذاها و آشامیدنیهای منع شده عمر سالم و طولانی داشتند. این مردان زاهد و پارسا هنوز هم در دنیا یافت میشوند.

در تایتیریا اوپانیشاد اینطور آمده که: "پر ماتما جسم را آفرید و خودش وارد آن شد"

तत्सृष्ट्वा तदेवानुप्राविशत् (तैत्तिरीय. 2 - 6)

~~~~~

अर्जुन उवाच

परं ब्रह्म परं धाम पवित्रं परमं भवान्।

पुरुषं शाश्वतं दिव्यमादिदेवमजं विभुम्॥१२॥

आहुस्त्वामृषयः सर्वे देवर्षिर्नादस्तथा।

असितो देवलो व्यासः स्वयं चैव ब्रवीषि मे॥१३॥

ترجمه: ار جون گفت: ای بغوان! ای پر برهم! تو پاکترین، بالاترین و با ارزشترین مقام هستی. تو در ماوراء تولد و مرگ و در همه جا هستی! مردم ترا با نامهای مختلف خطاب میکنند.

تفسیر: ارجون کریشنا را میستاید و باو میگوید که برهم ساکار و برهم نیر آکار توئی! تو پربرهم و پرماتمای کامل هستی! تو در تمام موجودات هستی و تمام موجودات در تو هستند. ای برترین! نه تنها من بلکه تمام موجودات و خدایان بتو تعظیم میکنند. تو نور علم و حقیقت جاودانی! ای زیباترین! تو پاک و پاک کننده ای!



सर्वमेतदृतं मन्ये यन्मां वदसि केशव।

न हि ते भगवन्व्यक्तितं विदुर्दे न दानवा:॥१४॥

ترجمه: ارجون گفت: ای کریشنا! من صحت گفته های ترا قبول دارم. ای بغوان! راز ظهور ترا حتی خدایان و شیاطین هم نمیدانند.

تفسیر: حتی خدائی خدایان هم همیشگی نیست و بمرور زمان از بین میرود. یعنی خدایان هم برای همیشه نمیمانند! بغوان در ماوراء طبیعت و برتر از خدایان است و حتی خدایان هم قادر به شناخت صحیح او نیستند. مهمترین اصل در روش بکتی سرسپردگی و ایمان کامل به بغوان میباشد. ارجون به کریشنا ایمان کامل دارد. عقل انسان فقط اجسام را میتواند بشناسد. شخص معتقد به بغوان بتدریج و بلطف بغوان او را میشناسد. رفتن به زیارتگاه، ریاضت کشیدن، دعا و نیایش و پرداختن به کارهای خیریه باعث پاک شدن افکار انسان میشوند و همین برای رسیدن به بغوان بسیار ضروری میباشد. برای هر سادکی اعم از این که معتقد به برهم ساکار و یا برهم نیر آکار باشد داشتن افکار پاک و آرام بسیار ضروری میباشد. سادک کارما یوگی از طریق خدمت بمردم، سادک گیان یوگی از طریق کسب علم و بکت عابد از طریق ستایش و خدمت بغوان به آرامش افکار میرسد.

تمام چیز هائیکه سادک برای یافتن حقیقت استفاده میکند از این دنیا گرفته شده و مادی میباشد! اشیاء مادی فانی هستند و نمیتوانند برای یافتن حقیقت فنا ناپذیر که در ماوراء ماده است کمکی بکنند! نتیجه هر کاری که انسان میکند یک شیئی مادی است یعنی انسان با هر کاری که میکند یک چیز مادی بدست میآورد بجز کاری که فقط بخاطر رضایت بغوان انجام داده شود! پرماتما حقیقت غیرمادی و در ماوراء ماده است! فقط سادکی که غرورش را ترک میکند و قبول میکند که با تلاشهای خود قادر به یافتن پرماتما نیست

علم برهم را میفهمد و نور علم را در درون خود می یابد! این سادک (یکت) بغوان را باشکال مختلف در مقابل خود می بیند.

~~~~~

स्वयमेवात्मनात्मानं वेत्थ त्वं पुरुषोत्तम।

भूथभावन भूतेश देवेदेव जगत्पते॥१५॥

**ترجمه:** ای مالک ابدی! ای هستی بخش! ای خدای خدایان! ای برترین شخصیت! فقط تو خودت را میشناسی.

**تفسیر:** فقط توئی که خودت را میشناسی! بعبارت دیگر آنکه شناخته میشود و آنکه میشناسد یکی تو هستی! تمام جهان یک ایشور است و چیز دیگری جز ایشور نیست. انسان میتواند ایشور را بشناسد باین شرط که بوجود او ایمان داشته باشد. بدون اعتقاد و ایمان به ایشور حتی دانستن علم برهم هم برای شناختن او کافی نخواهد بود.

~~~~~

वत्कतुमर्हस्यशेषेण दिव्या ह्यात्मविभूतयः।

याभिर्विभूतिभिर्लोकानिमांस्त्वं व्याप्य तिष्ठसि॥१६॥

ترجمه: ای ایشور! قدرتهای خارق العاده و ثروتهای بیکران ترا که در این جهان پراکنده شده اند فقط تو میشناسی و فقط تو میتوانی در باره آنها سخن بگوئی.

تفسیر: ایشور همان بغوان است با این تفاوت که ایشور جسم ندارد ولی بغوان جسم دارد!

~~~~~

कथं विद्यामहं योगिंस्त्वां सदा परिचिन्तयन्।

केषु केषु च भावेषु चिन्त्योऽसि भगवन्मया॥१७॥

**ترجمه:** ای اسرار آمیزترین! ای آرزوی قلبی یوگی ها! ای مالک مایا و یوگا مایا! من چطور میتوانم با تعمق و اندیشیدن در باره تو ترا بشناسم؟  
**تفسیر:** کسیکه تمام پناهگاههای دیگر را ترک کرده و منحصرأ به بغوان اتکاء دارد به بغوان میرسد و با او یکی میشود. ارجون میخواهد

بداند که که بوقت تمرین تمرکز افکار به چه چیزی باید فکر کند تا افکارش آرام شوند؟ شیری کریشنا در جواب او میگوید: تو این حقیقت را بخاطر بسپار که همه چیز منم!! بنابراین هر چه که بوقت تمرین تمرکز افکار بخاطرت خطر کند نباید برای تو فرقی داشته باشد. تو بدون اینکه بشکل ظاهری آن چیزها توجه کنی در همه آنها مرا ببین. بگذار افکار مختلف بیایند و بروند و تو فکرت را فقط متوجه من کن!

~~~~~

विस्तरेणात्मनो योगं विभूतिं च जनार्दन।

भूयः कथय तृप्तिर्हि शृण्वतो नास्ति मेऽमृतम्॥१८॥

ترجمه: ای ایشور! لطفاً بیشتر در باره قدرتهای خارق العاده ات برایم سخن بگو. من از شنیدن سخنان تو لذت میبرم.

تفسیر: علاقه ارجون به کریشنا باعث شده که کریشنا هم متقابلاً به او علاقه داشته باشد و علم خود را با اشتیاق باو یاد بدهد.

~~~~~

श्रीभगवानुवाच

हन्त ते कथयिष्यामि दिव्या ह्यात्मविभूतयः।

प्राधान्यतः कुरुश्रेष्ठ नास्त्यन्तो विस्तरस्य मे॥१९॥

**ترجمه:** شیری بغوان گفت: قدرتهای خارق العاده من بشمارند ولی من در باره بعضی از مهمترین آنها بطور خلاصه برایت خواهم گفت.

**تفسیر:** بغوان دارای اشکال بشمار است و قدرتهای او نیز بشمار میباشند. نه کسی میتواند همه آنها را بشمارد و نه کسی میتواند همه آنها را بشناسد. هرچه که خارق العاده است و هرچه که عادی و پیش پا افتاده است همگی اشکال مختلف بغوان میباشند! زشت و زیبا، ساده و اسرارآمیز، کوچک و بزرگ، جاندار و بیجان، آب و آتش، زمین و آسمان، همه و همه اشکال بغوان هستند.

~~~~~

अहमात्मा गुडाकेश सर्वभूताशयस्थितः।

अहमादिश्च मध्यं च भूतानामन्त एव च ॥२०॥

ترجمه: ای ارجون، ای آنکه بر خواب جهالت پیروز شده ای! ابتداء، میان و انتهای همه چیز منم. من در قلب موجودات بشکل روح آنها ساکن هستم. خود تو هم منم!

تفسیر: پرماتما در درون و بیرون تمام موجودات هست. طبیعت جاندار و بیجان با پرماتما یکی است و از او جدا نیست. بغوان میگوید: "من از یگانه حقیقت بیشکل تبدیل به هزاران جسم کوچک و بزرگ میشوم و در پایان آنها را بدرون خود جذب میکنم و همگی با من یکی میشوند". بنابراین تمام موجودات دنیا مثل پرماتما حقیقت، علم و مسرت جاودان هستند.



आदित्यानामहं विष्णुर्ज्योतिषां रविरंशुमान्।

मरिचिर्मरुतामस्मि नक्षत्रणामहं शशी॥२१॥

ترجمه: در بین پسران آدیتی من ویشنو Vishnu هستم، در بین اجسام نورانی من خورشیدم، در بین ستارگان من ماهم و من ماروت خدای طوفان میباشم.

تفسیر: ماه، خورشید، ستارگان و سیارات همگی بغوان هستند و بغوان در اینجا نام چند تا از آنها را ذکر کرده است.



वेदानां सामवेदोऽस्मि देवानामस्मि वासवः।

इन्द्रियाणां मनश्चास्मि भूतानामस्मि चेवना॥२२॥

ترجمه: در بین چهار بخش ودا من سام ودا Saam Veda میباشم. در میان خدایان من ایندرا هستم. من آتش مقدسم، آنکه حفظ و پرستش آن بسیار خوش یمن است! در میان کوههای سر باآسمان کشیده من کوه سومرو هستم. من علم جاودانم، آنکه به تمام موجودات نیروی زندگی میدهد.

تفسیر: ابیات زیبای کتاب مقدس سام ودا با آوای بسیار زیبا و دلنشینی خوانده میشوند و شنیدن آنها باعث آرامش روح انسان میشود. پرماتما

نور جاودان است. او در ماوراء ماده به تمام جهان و اجسام مادی نیروی زندگی میبخشد.



रुद्राणां शङ्करश्चास्मि वित्तेशो यक्षरक्षसाम्।

वसूनां पावकश्चास्मि मेरुः शिखरिणामहम्॥२३॥

ترجمه: من شنکر هستم Shankar خدای علم و نابود کننده گناهان. من کوبیر هستم Kubair ، خدای شیاطین! من آتش هستم، پاکترین و پاک کننده ترین عنصر روی زمین. در میان کوهها من کوه مرو هستم که از طلا ساخته شده است.

تفسیر: آتش مهمترین و باارزشتین ثروت روی زمین است. در باره اهمیت آتش در ودا سخن گفته شده است. کوه طلا بنام مرو که در بهشت موجود است نیز یکی از اشکال بغوان است و یک خصوصیت آن این است که حتی بعد از هزاران سال هم نه از آن کاسته میشود و نه بآن اضافه میشود.



पुरोधसां च मुख्यं विद्धि पार्थ बृहस्पतिम्।

सेनानीनामहं स्कन्दः सरसामस्म सागरः॥२४॥

ترجمه: من برهاسپاتی هستم، استاد خدایان بهشت. من کارتیک هستم پسر شیوا شانکر. من دریا هستم.

تفسیر: نیروی جسمانی، نیروی عقلانی، نیروی اراده، ذکاوت، شهامت، دلاوری، خلاقیت، جذبه، زیبایی و جذابیت را که در موجودات جاندار و بیجان دیده میشوند من بآنها داده ام!



महर्षीणां भृगुरहं गिरामस्म्येकमक्षरम्।

यज्ञानां जपयज्ञोऽस्मि स्थावाराणां हिमालयः॥२५॥

ترجمه: در میان مهاریشی ها من بهروگو هستم و در میان اصوات من صوت آئوم میباشم. در میان ریاضت ها من "ذکر و تکرار نام " هستم و در میان کوهها من کوه هیمالیا میباشم.

تفسیر: صوت آسمانی آئوم ॐ OM در آسمانها قبل از هر چیز

دیگر ظهور یافت و از این صوت گائتری مانترا بوجود آمد **गायत्री** Gayatri Mantra و از این مانترا کتب ودا ظاهر شدند. این جهان و تمام کتب ودا و شاسترا و پوران از این صوت بوجود آمده اند. بغوان در اینجا گفته است که صوت و مانتر آئوم نیز منم!

تمام قربانی هائیکه با مانترهای ودا آغاز میشوند پاک هستند و انسان را به آرزوهایش میرسانند. هیچ قربانی برتر از ذکر و تکرار نام ایشور نیست. نام ایشور یک نام عادی نیست بلکه در حقیقت خود ایشور است و تمام قدرتهائی که در ایشور هست در نام او نیز هست. ذکر و تکرار نام ایشور نه تنها به سادک کمک میکند که به درک برهم برسد بلکه مردم عادی دنیاپرست نیز میتوانند بکمک آن به خواسته های مادی خود برسند. کوه هیمالیا مناسبترین محل برای ریاضت و درک پرماتما است. یوگی ها و عالمان بسیاری در دامنه این کوه به درک پرماتما رسیده اند.

~~~~~

अश्वत्थः सर्ववृक्षाणां देवर्षीणां च नारदः।

गन्धर्वाणां चित्ररथः सिद्धानां कपिलो मुनिः॥२६॥

उच्चैःश्रवसमश्वानां विद्धि माममृतोद्भवम्।

ऐरावतं गजेन्द्राणां नराणां च नराधिपम्॥२७॥

**ترجمه:** من درخت مقدس پیپل هستم. من برترین زاهد و عالم بهشتی بنام ناراد Narad नारद هستم. من ماهرترین موسیقیدان بهشتی بنام چیتراست هستم. در میان یوگی های موفق من کاپیلاچاریا هستم Kapilacharya. او از زمان کودکی بدلیل ریاضتهای تولد قبلی اش حقیقت را دریافته بود. در میان اسبها من اوچاشروا و در میان فیلهای من آیراوتم.

**تفسیر:** عده ای از سادکها بعد از ریاضتهای بسیار به درک پرماتما میرسند و حقیقت یگانه را میشناسند و با او یکی میشوند. این مردان سیداً Siddh نام دارند.

~~~~~

आयुधानामहं वज्रं धेनूनामस्मि कामधुक्।
प्रजनश्चास्मि कन्दर्पः सर्पाणामस्मि वासुकिः ॥२८॥

अनन्तश्चास्मि नागानां वरुणो यादसामहम्।
पितृणामर्यमा चास्मि यमः संयमतामहम् ॥२९॥

ترجمه: گاو آرزو برآورنده که از اقیانوس بیرون آورده شده و میتواند تمام آرزوهای انسان و خدایان را برآورد نیز منم. من خدای کامجویی و شهوت هستم. من ازدهای هزارم که بغوان ویشنو در اقیانوس بر روی آن استراحت میکند. من خدای آبها و اقیانوسها هستم. من خدای نابود کننده بنام مهش Mahesh महेश میباشم.

تفسیر: هر چیزی که بدنیا میآید باید یکروز از دنیا برود و مسئول اینکار مهش (شیوا) خدای نابود کننده است. تصور کنید اگر هیچکس در دنیا نمیرد دنیا چگونه خواهد شد؟ اگر خاطره تمام حوادث و اتفاقات در ذهن انسان بماند چه خواهد شد؟ اگر هر چه میخوریم دفع نشود چه خواهد شد؟ بنابراین همانقدر که این موجودیت خود را مدیون برهم خدای خالق است مدیون مهش خدای نابود کننده نیز میباشد.

प्रह्लादश्चास्मि दैत्यानां कालः कलयतामहम्।
मृगाणां च मृगेन्द्रोऽहं वैनतेयश्च पक्षिणाम् ॥३०॥

ترجمه: من پرهلاد Prahlad هستم، آنکه علیرغم اینکه در خانواده شیاطین بدنیا آمده بود بمن ایمان داشت. من زمان هستم، آنکه شاهد اتفاقات است، آنکه دواى هر دردی است و آنکه افراد پلید را مجازات میکند. در بین حیوانات جنگلی من شیر بیباکم و در بین پرندگان من عقاب تیزبینم!

पवनः पवतामस्मि रामः शस्त्रभृतामहम्।
इषाणां मकरश्चास्मि स्रोतसामस्मि जाह्नवी ॥३१॥

ترجمه: من هوا هستم، یکی از عناصر پاک و پاک کننده! من شیری رام श्री राम Shree Ram هستم. در میان حیوانات دریائی من تمساح هستم و در میان رودخانه ها من رودخانه گنگا میباشم.

تفسیر: هوا در همه جا هست و باعث حرکت و انتقال همه چیز است. هوا همه چیز را خشک و پاک میکند و هوای تنفسی موجودات زنده است.

شیری رام آواتار ویشنو بغوان است و شیری کریشنا آواتار شیری رام است. رودخانه گنگا آنچنان پاک است که حتی رؤیت آن و یا استحمام در آن باعث زوده شدن گناهان انسان میشود!

انسان با دیدن خوبیها، زیبایی و خواص عالی و شگفت انگیز طبیعت و موجودات دنیا بسوی آنها کشیده میشود و بآنها دل میبندد و بغوان را فراموش میکند.



सर्गणामादिरन्तश्च मध्यं चैवाहमर्जुन।

अध्यात्मविद्या विद्यानां वादः प्रवदतामहम्॥३२॥

अक्षराणामकारोऽस्मि द्वन्द्वः सामासिकस्य च।

अहमेवाक्षयः कालो धाताहं विश्वतोमुखः॥३३॥

ترجمه: من در ابتداء، میان و انتهای هرچیز و هر کاری هستم. در بین تمام علوم دنیا من برترین آنها یعنی علم برهم هستم. بحث عالمانه فیلسوفان منم. خدای مرگ منم و پدر بزرگواری که از همه حفاظت و نگهداری میکند نیز منم.

تفسیر: علم برهم تنها علم مربوط به شناخت خویشتن است و یادگیری آن دشوار نیست و تنها شرط یادگیری آن علاقه به این علم میباشد. این علم در ذات انسان هست و تغیر نمیکند و از بین نمیرود. این علم در هر حال و شرایطی، در خواب و بیداری در ذات انسان هست! شکل اصلی انسان تغیر نمیکند و آنکه دائماً تغیر میکند جسم او است.

هر کس و هر چیز بمن متکی است ولی من به کسی و یا چیزی متکی نیستم. علم عالمان و منطق متفکران منم! حتی زمان نیز در من است

و بخواست من حرکت میکند و بخواست من از حرکت باز می ایستد. من همه چیز را میبالم. من همه چیز را خلق میکنم و من آنها را نابود میکنم.

~~~~~

मृत्युः सर्वहरश्चाहमुद्भवश्च भविष्यताम्।

कीर्तिः श्रिर्वाक्च नारीणां स्मृतिर्मधा धृतिः क्षमा॥३४॥

**ترجمه:** آنکه همه چیز را میبلعد و نابود میکند و آنکه باعث پیدایش مجدد آنها میشود منم. قدرت بیان، صبوری، جلال، زیبایی، شهرت، حافظه و بخشنده‌گی که در زن هست منم.

**تفسیر:** نیروی ذکاوت، عقل، حافظه، بخاطر سپردن و فراموش کردن نیز جزو قدرتهای خارق العاده من میباشند. من فصل بهارم آنکه باعث تجدید زندگی طبیعت میشود. هفت قدرت شگفت انگیزی که در زن هست یعنی جذابیت، حافظه، صبوری، بخشنده‌گی، ذکاوت، محبت و قدرت سخنوری نیز قدرتهای من میباشند و آن زنی که در او تمام این هفت قدرت وجود دارند خود من میباشم. فصل بهار که در آن حتی بدون ریزش باران هم درختان سبز میشوند و فصل پائیز که در آن محصول کشتزارها رسیده و پخته میشوند نیز من میباشم. مردانگی مردان و رخوت سنگ را من بآنها داده‌ام.

~~~~~

बृहत्साम तथा साम्नां गायत्री छन्दसामहम्।

मासानां मार्गशीर्षोऽहमृतूनां कुसुमाकरः॥३५॥

ترجمه: سرود دلنشین بنام بروهوتسام Bruhtsam را عالمان پارسا میخوانند و با خواندن این سرود ایندرا خدای خدایان را ستایش میکنند! این سرود خوشنوا که در کتاب سام ودا نوشته شده منم. گایتری مانترا Gayatry Mantra گایتری منم، مانتری که از آن کتب ودا ظاهر شدند.

تفسیر: طبیعت شگفت انگیز زیبایی و خصوصیات حیرت انگیزش را مدیون بغوان است.

~~~~~



द्यूतं छलयतामस्मि तेजस्तेजस्विनामहम्।  
जयोऽस्मि व्यवसायोऽस्मि सत्त्वं सत्त्ववतामहम्॥३६॥

वृष्णीनां वासुदेवोऽस्मि पाण्डवानां धनञ्जयः।  
मुनीनामप्यहं व्यासः कवीनामुशना कविः॥३७॥

**ترجمه:** نیرنگ قماربازان و ذکاوت هوشمندان منم. همت مردان موفق و تقوای مردان زاهد نیز منم. موفقیت مردان موفق و پاکی پارسایان منم. من واسودئو کریشنا متعلق به خاندان وریشنی Vrushni वृष्णि هستم، دوست تو! ای ارجون خود تو هم من هستم. من وداویاسا Vedavyas هستم، عالمی که در غزلت خاموشی اختیار کرد و به درک پرماتما رسید!

**تفسیر:** عالم پارسا و بکت عابد با خاموش ماندن و سپردن کارها و ثمرات آنها به بغوان به رضایت و آرامش خاطر بی نظیری میرسند و جذابیت خاصی در چهره آنها دیده میشود. انسان در جوار این مردان پاک سیرت احساس آرامش میکند و از آنها الهام میگیرد و خاموشی اختیار میکند. کسیکه کتب شاسترا را تحصیل میکند و ناخالصیهای افکارش را در آتش علم میسوزاند و خود را میشناسد و به اصول اخلاقی ذکر شده در آنها عمل میکند یک پاندیت خطاب میشود Pundit पण्डित. بزرگترین پاندیت و استاد بینظیر علم طب گیاهی که اسرار زنده کردن مردگان را میدانست پاندیت شوکر آچاریه Shukracharya نام داشت. این علم را من باو یاد داده بودم! پاندیت شوکر آچاریه استاد بزرگ و عالم بینظیر معلم شیاطین بود و او نیز خود منم.

علم ودا در ماوراء جسم در حالت خلسه به مهاریشی ها الهام شده و فهمیدن آن برای مردم عادی دشوار است. مهاریشی وداویاس ودا را به چهار دسته بندی تقسیم کرد! این کتب بسیار قدیمی بزبان سانسکریت نوشته شده و فهمیدن آنها مستلزم علاقه، جدیت، از خودگذشتگی و زحمت فراوان میباشد. چهار کتب ودا، شش شاسترا، یکصد و هشت اوپانیشاد، هجده پوران، هجده اوپاپوران و یک مهابهارت کتب علمی بی نظیر و بسیار ذیقیمت میباشد و سادک علاقمند به کسب علم برهم میتواند از تحصیل این کتب بهره مند شود.



दण्डो दमयतामस्मि नीतिरस्मि जिगीषताम्।

मौनं चैवास्मि गुह्यानां ज्ञानं ज्ञानवतामहम्॥३८॥

**ترجمه:** ارادهٔ مردان مصمم و انضباط مردانی که خواستار پیروزی میباشند نیز منم. من سکوت، قدرت نهفته ای که فواید آنرا فقط کسی که خاموشی اختیار میکند میداند. نور علمی که عالمان دارند منم.

**تفسیر:** انضباط در کار، پیروی از اصول کار و حفظ اصول اخلاقی بزرگترین اصل موفقیت در هر کاری است. غرور باعث شکست انسان در هر کاری میشود. موفقیت در هرگونه علم و هنر، کسب و کار و پیشه ای بلطف بغوان حاصل میشود و بدون لطف او هیچ موفقیتی امکان پذیر نیست.



यच्चापि सर्वभूतानां बीजं तदहमर्जुन।

न तदस्ति विना यत्स्यान्मया भूतं चराचरम्॥३९॥

**ترجمه:** تخمی که تمام موجودات از آن رشد میکنند منم. در این جهان پهناور هیچ موجود جاندار و بیجانی نیست که بدون من وجود داشته باشد. همه چیز منم!

**تفسیر:** چیزی نیست که در من نباشد و چیزی نیست که من در آن نباشم! زشت و زیبا، کوچک و بزرگ، پیر و جوان، تیزهوش و کودن، زن و مرد، فقیر و غنی، سنگ و خاک، آب و آتش، حیوانات، درندگان و پرندگان، درختان، کوهها و دریاها، بهشت و جهنم، راست و دروغ و هر چه که در بین اینها و در راست و چپ و بالا و پائین آنها هست منم. آب حیات و زهر کشنده هم من هستم.

با درک این حقایق سادک میفهمد که هر چه که میبیند، هر چه که لمس میکند، هر صدائی که میشنود، هر بوئی که استشمام میکند و هر مزه ای که میچشد خود بغوان واسودنو (ویشنو) است.

वासुदेवः सर्वम् Everything Is Vasudeo (Vishnu)



नान्तोऽस्ति मम दिव्यानां विभूतीनां परन्तप।

एष तूद्देशतः प्रोक्तो विभूतेर्विस्तरः मया॥४०॥

**ترجمه:** ارجون، ای ریاضتکش! من قدرتهای بیشماری دارم و خلاصه تعدادی از آنها را برایت بیان کردم.

**تفسیر:** تصور اینکه اشیاء این دنیا وسایلی برای خوشگذرانی و استفاده شخصی ما هستند باعث میشود که در ما تمایل به حاصل کردن آنها پیدا شود و ما بسوی آنها جلب شویم. ولیکن کسیکه بدنبال خوشهای زودگذر نیست ارزش معنوی آنها را میفهمد و آن چیزها برایش مسرت ابدی ببار میآورند.

اگر چه که هر چیزی که دیده میشود یک شیئی مادی است ولی در حقیقت هر شیئی مادی جزئی از وجود خالص و غیرمادی پرماتما میباشد. دروغ بیشمارند ولی حقیقت یکی است. دروغ و حقیقت هر دو اشکال آشکار و نهان پرماتما میباشند و بنابراین همه چیز پرماتما است! یعنی "همه چیز حقیقت جاودان است".

شخص خوشگذران تصور میکند که هر چیزی در دنیا برای خوشی و آسایش او ساخته شده است و حقیقتی را که در ماوراء اشیاء است نمیتواند ببیند.



यद्यद्विभूतिमत्सत्त्वं श्रीमदूर्जितमेव वा ।

तत्तदेवावगच्छ त्वं मम तेजोऽशसम्भवम् ॥४१॥

**ترجمه:** ابهت، شہامت، زیبائی، جذابیت، تیزهوشی، سخنوری، هنرمندی و تمام خصوصیات قابل ستایش را من به موجودات داده ام.

**تفسیر:** کسی که با استفاده از توانائیهای مادی و جسمانی خود بدیگران خدمت میکند و از کسی چیزی نمیخواهد یک کارما یوگی است و کسی که بسوی علم متمایل میشود و با استفاده از عقل و منطق خود برهم را درک میکند یک گیان یوگی است و کسیکه با تمام وجودش به بغوان ایمان دارد، او را دوست دارد و گفته هایش را بدون چون و چرا میپذیرد و او را

مالک و حامی خود میداند و به رضای او راضی است یک بکت است. علاقه به علم، عمل و ایمان را پرماتما به انسان میدهد و او را بخود علاقمند میکند. هر چه که ما در این دنیا در اختیار داریم از قبیل دارائی، ملک، جسم سالم، توانائی جسمانی، شهرت و مقام و غیره هر لحظه بسوی نابودی میرود و بهمین دلیل سادک نباید از داشتن آنها احساس غرور کند. این خوبی و توانائیها در طبیعت و یا در موجودات نیستند بلکه در پرماتمائی است که خود بخود نورانی و خود بخود توانا است! تمام خواصی که در یک تخم هست در درخت هم دیده میشوند! بهمان شکل هم تمام خواصی که در پرماتما هست در موجودات هم هست!



अथवा बहुनैतेन किं ज्ञातेन तवार्जुन ।

विष्टभ्याहमिदं कृत्स्नमेकांशेन स्थितो जगत् ॥४२॥

**ترجمه:** ای ارجون! تو چه نیازی به دانستن تمام این چیزها داری! همینقدر بدان که از یک ذره از وجود من این جهان خلق شده یعنی این جهان پهناور ذره ای از وجود من هست.

**تفسیر:** این جهان پهناور نمایش ذره کوچکی از من بی انتها است. همینقدر بدان که همه چیز منم! با دیدن شکل ظاهری من تو تصور میکنی که من یک انسان عادی هستم ولی در واقع در هر ذره از وجود من هزاران دنیا هست که دائماً خلق میشوند و نابود میشوند. من با تمام عظمتی که دارم در مقابل تو و در خدمت تو هستم.

پایان بخش دهم بهاگواد گیتا — علم بر هم  
گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون

\*\*\*\*\*

॥ ॐ श्री परमात्मने नमः ॥

## بخش یازدهم

अर्जुन उवाच

मदनुग्रहाय परमं गुह्यमध्यात्मसंज्ञितम्।

यत्त्वयोक्तं वचस्तेन मोहोऽयं विगतो मम॥१॥

**ترجمه:** ارجون گفت: ای مهربان! تو بخاطر لطفی که بمن داری اسرار نهان علم برهم را برایم گفتی! علمی که با شنیدن آن جهالت من کاملاً دور شد.

**تفسیر:** علم برهم در ذات انسان هست ولی فقط آن کسی میتواند آنرا در خود ببیند که با علاقه و جدیت و انضباط برای یافتن آن تلاش کند. وابستگی به فامیل، اقوام، ثروت، مقام و متعلقات دیگر باعث ناآرامی فکر انسان میشوند و در این شرایط درک این علم دشوار میشود. سادگی که علاقمند به درک علم برهم است باید هرگونه وابستگی را ترک کند. بغوان اسرار خود را در حالی که ارجون آشکار کرد که او کاملاً خاموش و آرام بود. خاموشی کامل باین معنی است که سادک نه تنها زبانش سخنی نگوید بلکه او در درون خود نیز خاموش و آرام باشد.

فهمیدن این راز نهفته که هر چیزی از پرماتما بوجود میآید و در آخر بدرون او جذب میشود ولی پرماتما همانطور که هست میماند بسیار دشوار است! بعد از تمام این دگرگونی ها نه چیزی از پرماتما کم میشود و نه چیزی باو افزوده میشود.

ارجون در اینجا گفته که "جهالت من کاملاً دور شد". ولی بغوان باو میگوید که تو هنوز هم این علم را بطور کامل نمیدانی و جهالت تو هنوز کاملاً از بین نرفته است.

~~~~~

भवाप्ययौ हि भूतानां श्रुतौ विस्तरशो मया।

त्वत्तः कमलपत्राक्ष माहात्म्यमपि चाव्ययम्॥२॥

ترجمه: ای بغوان، ای زیبا! راز خلقت، راز بقا و نابودی این جهان را من از تو شنیدم! من در باره قدرتهای بی نظیر پرمتما و اسراری را که من قبلاً نمیدانستم نیز از تو شنیدم.

تفسیر: ارجون در اینجا اظهار شگفت کرده و میگوید که من قبلاً از تو شنیده بودم که پرمتما ابدی و باقی است ولی نمیدانستم که او طبیعت فانی هم است!



एवमेतद्यथात्थ त्वमात्मानं परमेश्वर।

द्रष्टुमिच्छामि ते रूपमैश्वरं पुरुषोत्तम॥३॥

ترجمه: ای پرم ایشور! من به صحت گفته های تو ایمان دارم! تو روح پاکی! ای عالیتترین شخصیت! من آرزوی دیدار آن چهره نهان ترا دارم!

تفسیر: ارجون در مقابل کریشنا سر تعظیم فرود آورده و قبول میکند که او بهترین است.

ارجون گفت: ای آنکه سرشار از ابهت و علم بیکرانی! زندگی، ثروت، قوت و تمام صفات و خصوصیات گوناگون موجودات را تو بآنها داده ای! ای آنکه همه چیزی و همه چیز را در بر داری! من میخواهم با چشم خودم این شکل بیکران ترا ببینم. آنکه کتب اوپانیشاد ابیات غنی و بسیار زیبایی در باره اش سروده اند، آن چهره زیبایی را که یوگی ها در قلب خود می بینند! ای ایشور، ای مالک جهان! شکل کامل خود را بمن نشان بده!

گروهی معتقدند که این جهان دروغ است و گروهی دیگر معتقدند که این جهان حقیقت است ولی موقتی است! این جهان ساخته شده از پنج عنصر آب، آتش، خاک، باد و فضا بعد از مدتی عمرش تمام میشود و از بین میرود و مجدداً تازه میشود و به زندگی ادامه میدهد و بنابراین این جهان هم حقیقت جادوان است! در واقع دنیائی که انسان برای خودش میسازد دروغین است و رو به فنا میرود! جهانی که پرمتما ساخته با دنیائی که انسان میسازد فرق

دارد! جهان ساخته پرماتما حقیقی است و دنیای ساخته تخیلات انسان دروغین میباشد.



मन्यसे यदि तच्छक्यं मया द्रष्टुमिति प्रभो।

योगेश्वर ततो मे त्वं दर्शयात्मानमव्ययम्॥४॥

ترجمه: ای کریشنا، ای مالک زمین و زمان و آسمانها! اگر تو فکر میکنی که من لیاقت دیدار آن چهره ترا دارم لطفا آنرا بمن نشان بده!

تفسیر: ارجون علاقمند شده بود که شکل نهان ظهور نیافته کریشنا را ببیند چهره ای که از آن هزاران جهان بوجود میآیند، در او میمانند و بدرون آن جذب میشوند.

پنج عنصر جاودان آب، خاک، آتش، باد و فضا جسم مادی پرماتما را تشکیل میدهند. انسان در تخیلات خود با اشیائی که در اختیار دارد دنیائی را برای خود میسازد! او از داشتن چیزهائی که در اختیار دارد احساس غرور میکند، بآنها دل می بندد، نسبت بآنها احساس مالکیت میکند، بآنها وابسته میشود، گاهی نگران از دست دادنشان میشود و گاهی با از دست دادنشان افسرده و غمگین میشود و گاهی در کنارشان احساس خوشی میکند. در حالیکه این اشیاء بطور موقتی در اختیارش هستند و هیچیک از آنها متعلق باو نیستند!

انسان از آب و خاک گل درست میکند و از آن کاسه، کوزه، میز، نیمکت، عروسک و خانه میسازد و آنها را اموال خود میداند. آب و خاک و غیره.. عناصر ابدی هستند و متعلق به کسی نیستند! ولی انسان با آنها دنیائی را برای خود میسازد تصور میکند که متعلق باوست و برای همیشه مالک آنها خواهد بود! دنیائی که انسان میسازد ساخته افکار و تخیلات اوست و فانی است و بهمین دلیل احساس شادمانی بوقت حاصل کردن این چیزها و گریستن بوقت از دست دادنشان دلیل جهالت او میباشد.



श्रीभगवानुवाच

पश्य मे पार्थ रूपाणि शतशोऽथ सहस्रशः।

नानाविधानि दिव्यानि नानावर्णाकृतीनि च॥५॥

ترجمه: شیری بغوان گفت: نگاه کن ارجون! این شکل خارق العاده مرا که هزاران فرم و هزاران رنگ دارد ببین!

تفسیر: همانطور که قدرتها و صفات بغوان بشمارند رنگها و اشکال او نیز بشمار میباشند. این جهان از وجود پاک و خالص پرماتما درست شده و مثل او پاک و خالص است. هر ذره از این جهان بنوبه خود یک جهان کامل است و مثل پرماتما حقیقی است. ولی هر کسی نمیتواند آنرا بآن شکلی که در حقیقت هست ببیند بلکه اکثر مردم آنرا بشکل دنیائی که خودشان تصور میکنند می بینند! سادک هر قدر ساده، فروتن و بی تکبر باشد همانقدر به بغوان نزدیکتر میشود. هر قدر که انسان دانش بیشتری کسب کند و موفقیت‌های بیشتری حاصل کند همانقدر به غرورش افزوده میشود و همانقدر نادانتر میشود.



पश्यादित्यान्वसून्ऋद्रानश्विनौ मरुतस्तथा।

बहून्यदृष्टपूर्वाणि पश्याश्चर्याणि भारत ॥६॥

ترجمه: ای ارجون! تو در من خدایان بیشماری را خواهی دید که قبلاً هیچیک را ندیده بودی.

تفسیر: این خدایان در واقع خود من هستند که باشکال مختلف دیده میشوند. با باز کردن پلکهایم خدایان ظاهر میشوند و دنیای آنها توسعه می یابند و با بستن پلکهایم آنها بدرون من جذب میشوند. در اثر خشم من یازده خدای مجازات کننده ظاهر میشوند و از چهره آرام من خدایانی ظاهر میشوند که میتوانند هر نوع بیماری را معالجه کنند.



इहैकस्थं जगत्कृत्स्नं पश्याद्या सचराचरम्।

मम देहे गुडाकेश यच्चान्यदद्रष्टुमिच्छसि॥७॥

ترجمه: ارجون، ای آنکه بر خواب جهالت پیروز شده ای! این جهان شامل موجودات جاندار و بیجان فقط ذره ای از جسم من است. هر چه را میخواهی ببین!

تفسیر: همه چیز در من است. هر چه بخواهی میتوانی در جسم من ببینی. تو میخواستی نتیجه جنگ بین خانواده خود و پسر عموهایت را بدانی! آنرا نیز در من ببین!

~~~~~

न तु मां शक्यसे द्रष्टुमनेनैव स्वचक्षुषा।

दिव्यं ददामि ते चक्षुः पश्य मे योगमैश्वरम्॥८॥

**ترجمه:** تو با جسم و چشمان خود که از پنج عنصر مادی ساخته شده هرگز قادر بدیدن ایشور غیرمادی نخواهی بود! من با نیروی یوگامایا بتو دیده خارق العاده ای خواهم داد تا بتوانی ایشور را که در ماوراء حواس انسان است ببینی.

**تفسیر:** دیدن به دو معنی است: دیدن با چشم عادی و دیدن با چشم خرد. کریشنا با نیروی شگفت انگیز یوگامایای خود به ارجون دیده خارق العاده ای داد تا او قادر به دیدن حقیقت بشود. چشم انسان فقط میتواند چیزهای مادی را ببیند و قادر بدیدن چیزهاییکه در ماوراء ماده هستند نیست. بغوان به اشخاص پاک و ساده لطف میکند و به آنها بصیرت میدهد و آنها نکات شگفت انگیزی را میفهمند و چیزهایی را می بینند که افراد عادی قادر به فهمیدن و دیدن آنها نیستند!

~~~~~

सञ्जय उवाच

एवमुक्त्वा ततो राजन्महायोगेश्वरो हरिः।

दर्शयामास पार्थाय परमं रूपमैश्वरम्॥९॥

ترجمه: سانجای به درپتراشتر گفت ای پادشاه! یوگایشور کریشنا، آنکه استاد تمام یوگاها است شکل بی نظیر خود را به ارجون نشان داد.

تفسیر: کریشنا استاد کامل یوگا است یعنی او استاد یوگای علم، عمل، ایمان، مانترا، هتا یوگا، راج یوگا، بودی یوگا و یوگاهای دیگر است و با یک نگاهش میتواند گناهان کسی را که باو پناه میآورد بزداید. کریشنا به ارجون چشم خرد داد و شکل غنی خود را که شامل هزاران کهکشان است باو نشان داد.

سانجای وزیر دریتراشترا بکمک دیده خردی که استادش وداویاس باو داده بود قادر به دیدن ارجون و شیری کریشنا در میدان جنگ شده و گفتگوی آنها را می شنید.



अनेकवक्त्रनयनमनेकाद्भुतदर्शनम् ।

अनेकदिव्याभरणं दिव्यानेकोद्यतायुधम् ॥ १० ॥

दिव्यमाल्याम्बरधरं दिव्यगन्धानुलेपनम् ।

सर्वाश्चर्यमयं देवमनन्तं विश्वतोमुखम् ॥ ११ ॥

ترجمه: آنکه چشمان و دهانهای بیشمار دارد، آنکه چهره های بیشمار دارد، دستها و پاهاى بیشمار دارد، آنکه برای دفاع از خود وسایل دفاعی بیشمار دارد، آنکه بر پیشانی هایش خالهای زیبا دارد و بر اعضا بدنش عطرهای خوشبو دارد شکل آسمانی شگفت انگیزش را به ارجون نشان داد.

تفسیر: همانطور که انسان میخواهد بغوان همانطور در مقابلش ظاهر میشود.

هر کسی بغوان را همانطور که طبع خودش است میبیند. اگر ما طبع پاک و مهربان داشته باشیم بغوان را هم بشکل پاک و مهربان خواهیم دید. اگر ما طبع خشمگین و ناآرام داشته باشیم او هم بشکل خشنماک و ناآرام در مقابل ما ظاهر خواهد شد. اگر صبور و مهربان باشیم او نیز در مقابل ما بشکل مردم صبور و مهربان ظاهر میشود و اگر بدبین و بدخواه باشیم او هم یکروز بشکل یک دشمن بدخواه در مقابل ما میآید. این حقیقت را انسان میتواند در زندگی تجربه کند.



दिवि सूर्यसहस्रस्य भवेद्युगपदुत्थिता ।

यदि भाः सदृशी सा स्याद्भासस्तस्य महात्मनः॥१२॥

ترجمه: اگر هزاران خورشید بیکباره در آسمان صبح طلوع کنند باز هم نور آنها نمیتواند با درخشش نور بغوان برابری کند.

تفسیر: جسم بی نظیر بغوان با اجسامی که ما در ذهن خود تصور میکنیم قابل مقایسه نیست. ارجون از دیدن شکل خارق العاده و مهیب بغوان حیرتزده شد و بدنش بلرزه در آمد و با سر باو تعظیم کرد. همانطور که بعد از طلوع آفتاب ستاره های شب یکی یکی از نظر ناپدید میشوند با ظهور بغوان در زندگی انسان نیز اشیاء دنیا جلوه خود را از دست میدهند و گوئی سادک آن چیزها را نمی بیند یعنی بودن و نبودن آنها برایش بی اهمیت میشود.



तत्रैकस्थं जगत्कृत्स्नं प्रविभक्तमनेकधा ।

अपश्यद्देवदेवस्य शरीरे पाण्डवस्तदा॥१३॥

ترجمه: ارجون در یک گوشه از جسم بغوان تمام این جهان را در یکجا مشاهده کرد.

تفسیر: ارجون در یک گوشه از این جسم غیرقابل توصیف تمام موجودات جاندار و بیجان، دریاها و کوهها، موجودات زمینی و دریائی، پرندگان و خزندگان، خدایان و شیاطین، ارواح و فرشتگان را میدید. این جهان اگرچه که بسیار عظیم و پهناور است ولی فقط ذره ای از جسم بغوان است. ارجون بهر طرف از جسم کریشنا نظر میانداخت در آنجا جهان بیکران دیگری را مشاهده میکرد.



अर्जुन उवाच

ततः स विस्मयाविष्टो हृष्टरोमा धनञ्जयः ।

प्रणम्य शिरसा देवं कृताञ्जलिरभाषत ॥१४॥

पश्यामि देवांस्तव देव देहे सर्वास्तथा भूतविशेसङ्घान्।

ब्रह्माणमीशं कमलासनस्थमृषींश्च सर्वानुरगांश्च

दिव्यान्॥१५॥

ترجمه: ارجون در حالیکه شیفته این شکل حیرت انگیز شده بود باو تعظیم کرد و با فروتنی به ستایش او پرداخت و گفت: درود بر تو ای ایشور! درود بر تو! من تمام موجودات و خدایان را در جسم تو میبینم!

تفسیر: ارجون با دیدن شکلی که حتی تصورش را هم نمیکرد بسیار حیرت زده شده و نمیدانست چه عکس العملی از خود نشان بدهد. ارجون همه چیز را در یک جا و یک زمان میدید. او حتی زمین، بهشت و جهنم را در یکجا مشاهده میکرد.

همانطور که یک قطره از آب دریا دارای تمام خواص دریا است هر ذره از جسم بغوان هم یک بغوان کامل است.

~~~~~

अनेकबाहूदरवक्त्रनेत्रं पश्यामि त्वां सर्वतोऽनन्तरूपम्।

नान्तं न मध्यं न पुनस्तवादिं पश्यामि

विश्वेश्वरविश्वरूप॥१६॥

**ترجمه:** ای ایشور! من ترا با چشمان و شکمها و دستهای بیشمار میبینم. تو چهره های بیشمار داری! من ابتداء و انتهای ترا نمیتوانم ببینم.

**تفسیر:** ارجون بغوان را باشکال مختلف دید و فهمید که در هر ذره بغوان موجودات بیشماری هستند.

~~~~~

किरीटिनं गदिनं चक्रिणं च तेजोराशिं सर्वतो दीप्तिमन्तम्।

पश्यामि त्वां दुर्निरिक्ष्यं समन्ताद्दीप्तानलार्कद्युतिमप्रमेयम्

॥१७॥

ترجمه: من نارایان را میبینم، آن شکل زیبایی تو که دارای چهار دست است. تو در یک دست گرز، در یک دست چرخ بران زمان، در یک

دست یک شاخه گل و در دست چهارم یک صدف دریائی داری و حاله ای از نور تمام جسم تو را فراگرفته است. ای نارایان تو مثل آتش سوزان و درخشانی و مثل آفتاب پر نور و با شکوهی! چشمان من قادر به دریدن درخشش تو نیستند. ای نارایان! تو زیبایی! نور تو در چهار جهات پراکنده شده است.

تفسیر: ارجون حتی با داشتن چشمان خارق العاده هم نتوانست شکل زیبا و درخشان نارایان را بطور کامل ببیند.



त्वमक्षरं परमं वेदितव्यं त्वमस्य विश्वस्य परं निधानम्
त्वमव्ययः शाश्वतधर्मगोप्ता सनातनस्त्वं पुरुषो मतो
मे॥१८॥

ترجمه: تو برهم فناپذیر هستی، آنکه سزاور شناخته شدن است. تو پناهگاه این جهان هستی. تو حامی و نگهبان ابدی مذهب سناتن دهرم هستی. تو شخصیت ابدی هستی! من اینطور معتقدم.

تفسیر: هر چه که دیده میشود و دیده نمیشود، آنچه که بگوش میرسد و بگوش نمیرسد و آنچه به عقل من میرسد و یا بعقل من نمیرسد همگی تو هستی! ای آشکار و نهان! هر وقت که ظلم و بیعدالتی از حد بگذرد و وظایف باستانی انسان در خطر افتد تو بشکل یک انسان بر روی زمین ظاهر میشوی، ظلم را از بین میبری و ظالمان را بسزای اعمالشان میرسانی و این مذهب باستانی را نجات میدهی.

مذهب سناتن ودیک آریا هندو درم یک مذهب بسیار باستانی است و بر پایه های کتب ودا بنا شده است.



अनादिमध्यान्तमनन्तवीर्यं मनन्तबाहुं शशिसूर्यनेत्रम्।
पश्यामि त्वां दीप्तहुताशवक्त्रं स्वतेजसा विश्वमिदं
तपन्तम्॥१९॥

ترجمه: من جسم عظیم ترا میبینم که نه آغازی دارد و نه پایانی! ماه و خورشید چشمان تو هستند و دهان تو مثل آتشدان مهیبی است که شعله های سوزانش آماده بلعیدن همه چیز میباشد. این جهان از تابش جسم تو گداخته شده و در حال سوختن است.

تفسیر: جسم بغوان محدود به هیچ زمان و مکان نیست زیرا تمام اینها در بغوان هستند و خارج از او چیزی نیست. ارجون ادامه داد: دستها و پاهاى بیشمار تو در همه جا هستند. تو آتش سوزانى، آنکه هر چیز را میبلعد. آنکه میسوزد و آنکه میسوزاند یکی است و آن تویی.

این حقیقت را آن کسی میتواند ببیند و درک کند که به اینها با دیده علم نگاه میکند. شخص دنیا پرستی که با دیده جهالت باین جهان نگاه میکند مسلماً به بعضی از چیز هائیکه میخواهد میرسد ولی در حقیقت به چیزی نمیرسد.



द्यावापृथिव्योरिदमन्तरं हि व्याप्तं त्वयैकेन दिशश्च सर्वाः।

दृष्ट्वाद्भुतं रूपमुग्रं तवेदं लोकत्रयं प्रव्यथितं महात्मन्॥२०॥

ترجمه: ای پرماتما! ای پاکترین! زمین و بهشت و جهنم و فضای بین آنها و تمام جهات این کهکشان پر از تو است. با دیدن این شکل مهیب تو تمام وجود من هراسان شده است.

تفسیر: ارجون بهر طرف که نگاه میکرد کریشنا را باشکال کوچک و بزرگ و رنگهای مختلف میدید. او در حالیکه کریشنا را تحسین میکرد گفت: ای کریشنا، ای بغوان! همه چیز این جهان تویی!

در جسم کامل بغوان چیز هائی نهفته اند که ما ندیده ایم و نخواهیم دید، نشنیده ایم و نخواهیم شنید، نشناخته ایم و نخواهیم شناخت، نفهمیده ایم و نخواهیم فهمید و ما حتی تصورشان را هم نمیتوانیم بکنیم. حتی چیز های بیجان، چیز های زشت و بد بو، چیز های سمی و حیوانات خطرناک و شیاطین هم جزئی از بغوان میباشند. همه چیز بغوان واسودئو (ویشنو) است و بجز

वासुदेवः सर्वम्. او چیزی نیست.

انسان در کودکی با سنگ و خاک و اسباب بازیها بازی میکند و آنها را دوست دارد ولی در سن بالاتر با رشد عقلانی باین چیزها اهمیت نمیدهد! همانطور هم انسان نادان به لذات و خوشیهای جسمانی علاقمند میشود و به اشیاء دنیا اهمیت میدهد، آنها را دوست دارد و آنها را جمعآوری میکند ولی بعد از درک حقیقت آن اشیاء در نظرش بی ارزش میشوند و او به حقیقتی که این اشیاء بر روی آن تکیه دارند علاقمند میشود.

آنها که علم برهم را بدرستی فهمیده اند فقط ظاهر چیزها را نمی بینند بلکه این جهان را آنطور که در حقیقت هست می بینند!

~~~~~

अमी हि त्वां सुरसङ्घा विशन्ति केचिद्भिताः प्राञ्जलयो  
गृणन्ति।

स्वस्तीत्युक्त्वा महर्षिसिद्धसङ्घाः स्तुवन्ति त्वां स्तुतिभिः  
पुष्कलाभिः॥२१॥

**ترجمه:** گروهی از خدایان را می بینم که در حال رفتن بدرون دهان تو هستند و گروهی دیگر در حال تعظیم بتو از تو تعریف میکنند. مهاریشی ها و سنت ها با صدای بلند زنده باد! خجسته باد! میگویند و ترا میستایند.

**تفسیر:** ارجون خدایان متعددی را در بهشت ها میدید که از بغوان بوجود میآمدند و از سوی دیگر بدرون دهانش میرفتند و دیگر باز نمیآمدند.

~~~~~

रुद्राकित्या वसवो ये च साध्या विश्वेऽश्विनौ
मरुतश्चोष्मपाश्च।

गन्धर्वयक्षासुरसिद्धसङ्घा वीक्षन्ते त्वां विस्मिताश्चैव
सर्वे॥२२॥

ترجمه: یازده خدای مجازات کننده، دوازده خدای خورشید، هشت خدای ثروت، دو خدای معالج، سی و نه خدای باد، آشپزها و نوازندگان

بهشتی، نیمه خدایان، شیاطین و خدایان بهشت ایندرا و یوگی ها در حالیکه بتو تعظیم میکنند با حیرت و اشتیاق اشکال ترا نگاه میکنند.

تفسیر: همه خدایان، نیمه خدایان، شیاطین، عالمان، یوگی ها و فلاسفه نمونه هائی از اجزاء بدن بغوان میباشند!

~~~~~

रूपं महते बहुवक्त्रनेत्रं महाबाहो बहुबाहूरूपादम्।

बहूदरं बहुदंष्ट्राकरालं दृष्ट्वा लोकाः

प्रव्यथितास्तथाहम॥२३॥

**ترجمه:** ای قادر متعال! ای آنکه حتی مرگ هم در مقابلت سر تعظیم فرود میآورد، ای آنکه زمان در مقابلت از حرکت باز می ایستد! با دیدن این شکل مهیب تو همه موجودات ترسیده اند و من هم هراسان شده ام!

~~~~~

नभःस्पृशं दीप्तमनेकवर्णं व्यात्ताननं दीप्तविशालनेत्रम्।

दृष्ट्वा हि त्वां प्रव्यथितान्तरात्मा धृतिं न विन्दामि शमं च

विष्णो॥२४॥

ترجمه: ای بغوان، ای ویشنو! دستهای بلند تو آسمان را لمس میکنند. دهانهای مهیب تو در هر طرف باز هستند، چشمان تو میدرخشند، زبانها و دندانهای تیز تو و آتشی که از دهانهایت بیرون میآیند مرا بو حشت انداخته اند.

تفسیر: در اینجا ارجون شیری کریشنا را بشکل مرگ در جلوی چشمانش میدید و وحشتزده شده بود. یعنی حتی خدای مرگ هم خود بغوان است. در واقع ارجون از حقیقت ترسیده بود. انسان معمولاً از چیزیکه نمیشناسد میترسد. ارجون هم که کریشنا را قبلاً باین شکل ندیده بود از دیدنش وحشتزده شده بود.

~~~~~

दंष्ट्राकरालानि च ते मुखानि दृष्ट्वैव कालानलसन्निभानि।



दिशो न जाने न लभे च शर्म प्रसीद देवेश

जगन्निवास॥२५॥

**ترجمه:** دیدن منظره وحشتناک دندانهای ریز و درشت بران در دهان تو مرا از مرگ و نابودی میترساند . من دیگر قادر به تشخیص جهات نیستم و بسیار هراسانم . مرا ببخش و بمن رحم کن ای مهربان!

**تفسیر:** بغوان شکل خود را بخواست ارجون باو نشان داد! ولیکن ارجون فقط چهره های زیبا و خوشایند بغوان را دوست دارد و تصور میکند که چهره های ترسناک او نشانگر خشم او هستند.

انسان همیشه میخواهد خوش و سالم و موفق باشند و همه چیز بر وفق مرادش باشند ولی تمام شرایط زندگی همیشه موافق میل ما نیستند! شخص حقیقت بین در شرایط سخت زندگی اتفاقات دردناک را با صبوری تحمل میکند زیرا میداند که تمام اینها نتیجه اعمال خودش هستند و کس دیگری را مسئول یا مقصر نمیداند.

~~~~~

अमी च त्वां धृतराष्ट्रस्य पुत्राः सर्वे सहैवावनिपालसङ्घैः।

भीष्मो द्रोणः सूतपुत्रस्तथासौ सहास्मदीयैरपि

योधमुख्यैः॥२६॥

वक्त्राणि ते त्वरमाणा विशन्ति दंष्ट्राकरालानि भयानकानि।

केचिद्विलग्ना दशनान्तरेषु सन्दृश्यन्ते चूर्णितैरुत्तमाङ्गैः॥२७॥

ترجمه: من سرلشگران و سربازان خودمان و لشگر متقابل را میبینم که دسته دسته به دهان تو وارد شده و ناپدید میشوند. دهان گرسنه تو همه را میبلعد. اجساد خرد شده بسیاری در لای دندانهای تو دیده میشود.

~~~~~

यथा नदीनां बहवोऽम्बुवेगाः समुद्रमेवाभिमुखा द्रवन्ति।

तथा तवामी नरलोकवीरा विशान्ति

वक्त्राण्यभिविज्वलन्ति॥२८॥

**ترجمه:** ارجون ادامه داد: همانطور که رودخانه ها بطور طبیعی از هر طرف بسوی دریا میروند این قهرمانان هم با سرعت بسوی تو میآیند و دسته دسته وارد دهانهای درخشان تو میشوند. هر کسی که وارد دهان تو میشود دیگر برنمیگردد.

**تفسیر:** بخار آب از دریا بلند میشود و بشکل باران بر روی زمین میبارد. قطرات باران بشکل نهر، آبشار، رودخانه، چشمه و اشکال گوناگون درمیآیند و همگی در یک جهت بسوی دریا روان هستند. تمام این اشکال مختلف آب در انتها تمام تلاشهای خود را رها میکنند و بدریا میپیوندند و با آن یکی میشوند! مردان پاک و زاهد نیز همه چیز و همه کس خود را ترک میکنند و بسوی پیرماتما میروند و در انتها با او یکی میشوند.



यथा प्रदीप्तं ज्वलनं पतङ्गा विशन्ति नाशाय समृद्धवेगाः।

तथैव नाशाय विशन्ति लोका स्तवापि वक्त्राणि

समृद्धवेगाः॥२९॥

**ترجمه:** همانطور که در شبهای گرم و تاریک تابستان شاپرک ها با دیدن نور آتش فریب میخورند و بسوی شعله هایش کشیده میشوند و جان خود را از دست میدهند همه این مردم نادان هم با سرعت بسوی دهان تو کشیده شده و هلاک میشوند.

**تفسیر:** علاقه به لذات جسمانی و طمع به جمعآوری اموال دنیا عمر انسان را بهدر میدهد. انسان بخاطر جمعآوری اموال، کسب شهرت، لذات جسمانی و شنیدن تعاریف مردم سختی های بسیاری را متحمل میشود و قبل از اینکه متوجه اشتباهات خود بشود عمرش تمام میشود.



लेलिहयसे ग्रसमानः समन्ता ल्लोकान्समग्रान्वदनैर्ज्वलद्भिः।

तेजोभिरापूर्य जगत्समग्र भासस्तवोग्राः प्रतपन्ति

विष्णो॥३०॥

**ترجمه:** تو همه را میبلی و کسی نمیتواند از شعله های سرکش دهانهای تو فرار کند. ای ویشنو! تمام دنیا از گرمای شعله های سوزان تو در حال سوختن است.

**تفسیر:** این دنیا محل سوختن است! بعضی ها در آتش طمع، بعضی ها در آتش حسادت، بعضی ها در آتش شهوت و بعضی ها در آتش خواسته های بی پایان میسوزند و جان خود را از دست میدهند. ولی افراد خردمند در آتش ریاضت، در آتش علم و در آتش زهد و پرهیزکاری میسوزند و مثل طلای ناخالصی که در آتش میسوزد و تبدیل به طلای خالص میشود آنها هم ناخالصیهای جسم و فکرشان را میسوزانند و شکل خالص و پاک خود را باز می یابند. در این مقام بی نظیر خواسته های انسان تمام میشود، هوسی باقی نمی ماند، طمع به اموال تمام میشود و حسادتی نمی ماند. این مردان پرهیزکار با آرامش و رضایت خاطر بدون اینکه آزارشان به کسی برسد در سادگی زندگی میکنند.



आख्याहि मे को भवानुग्रूपो नमोऽस्तु ते देववर प्रसीद।

विज्ञातुमिच्छामि भवन्तमाद्यं न हि प्रजानामि तव

प्रवृत्तिम्॥३१॥

**ترجمه:** ارجون گفت: بمن بگو ای بغوان! تو با این شکل وحشتناک کیستی؟ ای خدای خدایان من بتو تعظیم میکنم و درود میفرستم! من در باره تو چیزی نمیدانم.

**تفسیر:** انسان بطور معمول از چیزیکه نمیشناسد میترسد. ارجون هم از این شکل بغوان که قبلاً ندیده بود و آنرا نمیشناخت وحشتزده شده بود.



श्रीभगवानुवाच

कालोऽस्मि लोकक्षयकृत्प्रवृद्धो लोकान्समाहर्तुमिह प्रवृत्तः।

ऋतेऽपि त्वां न भविष्यन्ति सर्वे येऽवस्थिताः

प्रत्यनीकेषु योधाः॥३२॥

**ترجمه:** شیری بغوان گفت: من زمان هستم، آنکه نابود کننده زمین، بهشت و جهنم است! من برای کشتن تمام اینها باینجا آمده ام. سربازانی که برای جنگ با تو آمده اند بدون تو هم زنده نخواهند ماند!

**تفسیر:** فرار تو از میدان جنگ هیچیک از این سربازان را نجات نخواهد داد. هر کسی در این دنیا دیر یا زود به سزای اعمالش میرسد! تو وظیفه ات را انجام بده. آنها که از وجود من بیخبرند لاف بیهوده میزنند و کارهای بیهوده میکنند.



तस्मात्त्वमुत्तिष्ठ यशो लभस्व जित्वा शत्रून्भुङ्क्व राज्यं  
समृद्धम्।

मयैवैते निहताः पूर्वमेव निमित्तमात्रं भव सव्यसाचिन्॥३३॥

**ترجمه:** بهمین دلیل برخیز و برای جنگ آماده شو! بر دشمن پیروز شو و برای خود نام و شهرت و تخت شاهی را کسب کن. تمام اینها را من قبلاً کشته ام. ای تیرانداز ماهر! ای آنکه با هر دو دست تیر میاندازی! تو در این میدان فقط یک وسیله هستی.

**تفسیر:** با تمام قوای خود با کاردانی و ذکاوت بجنگ و وظیفه ات را انجام بده! تو پیروز خواهی شد. ولی از این کار خود مغرور نشو و به نتایج آن فکر نکن! نتایج زحمات ترا من بتو خواهم داد. اگر تو پیروزی در جنگ را نتیجه زحمات خود بدانی و بآن فخر بفروشی گرفتار ثمرات این پیروزی خواهی شد.

کسیکه به ثمره کار توجه نمیکند و با هر چه باو داده شود راضی است در کارها موفق میشود. اشخاص مغرور خود را کننده کارها میدانند و تصور میکنند که بدون آنها کارها انجام نخواهند شد! این دلیل حماقت آنها است.



द्रोणं च भीष्मं च जयद्रथं च कर्णं तथान्यानपि योधवीरान्।

मया हतांस्त्वं जहि मा व्यथिष्ठा युध्यस्व जेतासि रणे

सपत्नान्॥३४॥

**ترجمه:** تمام اینها را که بمیدان آمده اند من قبلاً کشته ام! تو نگران چیزی نباش! برخیز و کاری را که وظیفه ات است انجام بده! تو بر دشمنان پیروز خواهی شد. این جنگ وظیفه تو است! میدان را ترک نکن.

**تفسیر:** تصورات انسان در مورد هر چیزی فقط در ذهن او هستند. اتفاقات روزمره زندگی نتیجه اعمال گذشته انسان میباشند! آنها برای مدتی میمانند و سپس تمام میشوند آنها یعنی واقع میشوند و واقعی هستند ولی حقیقی نیستند!

در ودا گفته شده: नासतो विद्यते भावः این جهان آنطور که ما می بینیم نیست بلکه آنطور است که همیشه بوده! موجودات دنیا قبل از خلقت این جهان نبودند و بعد از انحلال جهان نیز نخواهند بود و در حال حاضر نیز دائماً بسوی زوال و نابودی میروند. جسم انسان ذره کوچکی از این دنیا است و تغییراتی که انسان در جسم خود میبیند باو نشان میدهد که این دنیا قبل از خلقت نبوده، بعداً از انحلال دنیا خواهد بود و در حال حاضر هم بطور دائم بسوی نابودی و زوال میروند و سپس مجدداً تازه و تجدید میشود! ولیکن حقیقت ابدی است و هرگز نابود نمیشود! حقیقت قبل از خلقت دنیا بوده و بعد از انحلال دنیا خواهد بود و در حال حاضر نیز همانطور که قبلاً بوده هست یعنی نه چیزی از آن کم میشود و نه چیزی بآن اضافه میشود.

~~~~~

सञ्जय उवाच

एतच्छ्रुत्वा वचनं केशवस्य कृताञ्जलिर्वेपमानः किरीटी।

नमस्कृत्वा भूय एवाह कृष्णं सगद्गदं भीतभीतः प्रणम्य

॥३५॥

ترجمه: سانجای گفت: ارجون بعد از شنیدن سخنان بغوان در حالیکه از ترس میلرزید در مقابل او تعظیم کرد و با تواضع آغاز به سخن کرد.

تفسیر: ارجون از دیدن شیری کریشنا که بشکل خدای مرگ در مقابلش ظاهر شده بود بسیار هراسان شده بود و نمیخواست این شکل ترسناک را نگاه کند.

~~~~~

अर्जुन उवाच

स्थाने हृषीकेश तव प्रकीर्त्या जगत्प्रहृष्यत्यनुरज्यते च।

रक्षांसि भीतानि दिशो द्रवन्ति सर्वे नमस्यन्ति च

सिद्धसङ्घा ॥३६॥

**ترجمه:** ارجون گفت: ای آنکه از همه چیز آگاهی! ای آنکه سزاوار ستایش و پرستش هستی! من میبینم که عابدان و بکت های سرسپرده تو سرشار از محبت ترا میپرستند و نام و صفات ترا ستایش میکنند. شیاطین و مردم بدکار از شنیدن نام تو ترسیده و از تو فرار میکنند. عالمان، دانشمندان، یوگی ها و خدایان بتو تعظیم میکنند و از دیدن تو پر از سرور و شادمانی شده اند.

**تفسیر:** باید توجه داشت که این اتفاقات در بغوان واقع میشوند زیرا در ایشور چیزی نیست و هیچ اتفاقی نمیافتد.

~~~~~

कस्माच्च ते न नमेरन्महात्मन् गरीसये ब्रह्मणोऽप्यादिकर्त्रे।

अनन्त देवेश जगन्निवास त्वमक्षरं सदसत्तत्परं यत्॥३७॥

ترجمه: ای بغوان! ای گوروی گوروها! ای آنکه قدیمی تر از برهمای خالق هستی! اینها همه بتو تعظیم میکنند. ای بی پایان! ای آنکه در آتش مقدس ساکن هستی! تو فناپذیری! راست و دروغ، آشکار و نهان و آنچه که در بین آنها و در ماوراء آنها هست نیز تو هستی. من بتو تعظیم میکنم.

تفسیر: راست و دروغ هردو نسبی هستند و هردو ساخته فکر انسان میباشند! آنچه که امروز راست است فردا میتواند دروغ محسوب شود و آنچه که حالا در اینجا دروغ است در جا و یا موقعیت دیگر میتواند راست

محسوب شود. راست و دروغ هر دو مربوط به دنیای مادی هستند و همیشه یکجور نمیانند. پرماتما حقیقت غیرقابل توصیف است! هیچ چیزی نیست که مثل او باشد و بهمین دلیل او را نمیتوان با چیزی مقایسه کرد!

~~~~~

त्वमादिदेवः पुरुषः पुराण स्त्वमस्य विश्वस्य परं निधानम्।

वेतासि वेद्यं च परं च धाम त्वया ततं

विश्वमनन्तरूप॥३८॥

**ترجمه:** ای بغوان، تو اولین خالق و قدیمی ترین مردی! تو بهترین پناهگاه من هستی. تو همه چیز را میدانی و فقط توئی که سزاوار شناخته شدن هستی! ای آنکه اشکال بشمار داری، این جهان پر از اشکال تو است.

~~~~~

वायुर्यमोऽग्निर्वरुणः शशाङ्कः प्रजापतिस्त्वं प्रपितामहश्च।

नमो नमस्तेऽस्तु सहस्त्रकृत्वः पुनश्च भूयोऽपि नमो

नमस्ते॥३९॥

ترجمه: آب، آتش، خاک، باد، فضا، ماه، خورشید و ستارگان، خدای مرگ و زندگی، برهما و پدر برهما هم تو هستی! من بتو هزاران بار تعظیم میکنم. درود بر تو! بارها و بارها درود بر تو! ایندرا و همه خدایان دیگر هم خود تو هستی! من قابلیت ستودن ترا ندارم. من فقط میتوانم بتو درود بفرستم و در مقابلت تعظیم کنم!

~~~~~

नमः पुरस्तादथ पृष्ठतस्ते नमोऽस्तु ते सर्वत एव सर्व।

अनन्तवीर्यामितविक्रमस्त्वं सर्वं समाप्नोषि ततोऽसि

सर्वः॥४०॥

**ترجمه:** ای همه چیز و همه کس! من بتو از هر سو تعظیم میکنم. ای قدرت بی پایان، ای آنکه همه را در بر گرفته ای، همه چیز تو هستی.

**تفسیر:** برای درک و تجربه این حقیقت که همه کس و همه چیز یک پرماتما میباشد سادک باید حس مالکیت را ترک کند و قبول کند که همه چیز متعلق به پرماتما است و هیچ چیز باو تعلق ندارد!

کسی که علیرغم داشتن تحصیلات و ثروت و مقام و خانواده شریف خود را مالک چیزی و برتر از کسی نمیداند و با سادگی و فروتنی به همه خدمت میکند پرماتما را در زمین و آسمان، در درخت و کوه، در گیاهان و سنگ و آب میبیند و همیشه در مسرت بسر میبرد. شخص خردمند برای رسیدن باین مقام تلاش میکند.



सखेति मत्वा प्रसभं यदुक्तं हे कृष्ण हे यादव हे सखेति।

अजानता महिमानं तवेदं मया प्रमादात्प्रणयेन वापि॥४१॥

यच्चावहासार्थमसत्कृतोऽसि विहारशय्यासनभोजनेषु।

एकोऽथवाप्यच्युत तत्समक्षं तत्क्षामये त्वामहमप्रमेयम्॥४२॥

**ترجمه:** ای فناناپذیر! یوگی ها در آرزوی یک لحظه دیدار تو تمام عمرشان را به ریاضت میگذرانند ولی من نادان ترا یک انسان معمولی تصور میکردم و با نامهایی خطاب کردم که برای تو مناسب نبودند .

**تفسیر:** اگر کسی با خواندن چند کتاب ادعا کند که همه چیز را فهمیده و بغوان را شناخته باید دانست که او هنوز چیزی نمیداند.



पितासि लोकस्य चराचरस्य त्वमस्य पूज्यश्च गुरुर्गरीयान्।

न त्वत्समोऽस्त्यभ्यधिकः कुतोऽन्यो लोकत्रयेऽप्यप्रतिमप्रभाव

॥४३॥

**ترجمه:** ای بزرگوار! تو پدر این جهان و تمام مخلوقات هستی. تو قابل ستایش و گوروی گوروها هستی. ای برترین! کسی بمانند تو نیست! تعریف از تو در حد توانائی من نیست.





तस्मात्प्रणम्य प्रणिधाय कायं प्रसादये त्वामहमीशमीड्यम्।

पितेव पुत्रस्य सखेव सख्युः प्रियः प्रियायार्हसि देव

सोढुम्॥४४॥

**ترجمه:** ای ایشور! من با تمام وجودم بتو تعظیم میکنم. همانطور که یک پدر گناه پسرش را میبخشد، یک دوست اشتباه دوستش را میبخشد و مالک خطای نوکر را میبخشد تو هم اشتباهات مرا ببخش.

**تفسیر:** ارجون در مقابل کریشنا با فروتنی اظهار حقارت میکند و همین نشانگر این است که او به عظمت کریشنا پی برده است.

~~~~~

अदृष्टपूर्वं हृषितोऽस्मि दृष्ट्वा भयेन च प्रव्यथितं मनो मे।

तदेव मे दर्शय देवरूपं प्रसीद देवेश जगन्निवास॥४५॥

ترجمه: من با دیدن چهره ایکه قبلاً ندیده بودم هیجانزده شده ام و ترس سراپای وجود مرا گرفته است. بمن لطف کن و مجدداً همان چهره آشنا و آرام خودت را بمن نشان بده. ای ایشور، ای مالک! از من راضی باش.

تفسیر: جسم بغوان یک جسم پاک و نورانی است! در این جسم دنیاهاى بیشمارى پدیدار میشوند و مجدداً بدرون آن جذب میشوند ولى بغوان همانطور که هست میماند و بهمین دلیل این شکل را بدون چشم خرد نمیتوان دید. بغوان شکل خود را به کسانی نشان میدهد که مشتاق دیدارش هستند و قابلیت دیدار او را دارند.

~~~~~

किरीटिनं गदिनं चक्रहस्त मिच्छामि त्वां द्रष्टुमहं तथैव।

तेनैव रूपेणचतुर्भूजेन सहस्त्रबाहो भव विश्वमूर्ते॥४६॥

**ترجمه:** ای مالک هزار دست! من یکبار دیگر میخواهم شکل زیبا،

دلپذیر، آرام و آرامش بخش تو بنام نارایان را ببینم Narayana नारायण ! آنکه بر سرش تاج دارد و در چهار دست خود گرز، چرخ بران، یک شاخه گل و صدف دریائی دارد.

**تفسیر:** دستهای نارایان مظهر محبت، انضباط، زمان و علم میباشند. نارایان هزاران نام دارد و شیری هری، ویشنو و موکوندا از جمله نامهای او میباشند! بخاطر آوردن و رؤیت بت زیبای نارایان فرخنده است و باعث موفقیت و سعادت انسان میشود.

~~~~~

श्रीभगवानुवाच

मया प्रसन्नेन तवार्जुनेदं रूपं परं दर्शितमात्मयोगात्।

तेजोमयं विश्वमनन्तमाद्यं यन्मे त्वदन्येन न

दृष्टपूर्वम्॥४७॥

ترجمه: شیری کریشنا گفت: من بخواست تو و بخاطر علاقه ای که بتو دارم خودم را بشکل جهان کامل بتو نشان دادم، شکلی که قبل از تو کسی ندیده بود.

تفسیر: قابلیت دیدار نارایان را با هیچ ثروتی نمیتوان خرید. حتی بعد از تمام کردن وظایف، درک علم برهم و رسیدن به موکشا و یوگا هم کسی نمیتواند قابلیت دیدار نارایان را حاصل کند. این لیاقت فقط بلطف بغوان حاصل میشود.

اشخاصی که گرفتار مایا هستند نمیتوانند الطاف بغوان را بدست آورند! شخص دنیا پرست لطف بغوان را باور نمیکند! کسیکه همیشه شکرگزار است لطف بغوان شامل حالش میشود! الطاف بغوان کامل و همیشگی هستند و فقط خوشی و موفقیت را نباید لطف او دانست بلکه باید دانستن که درد و غم و شکست هم جزو الطاف او میباشند! کسیکه این راز را میداند همیشه در مسرت بسر میبرد!

~~~~~

न वेदयज्ञाध्ययनैर्न दानैर्न च क्रियाभिर्न तपोभिरुग्रैः।

एवंरूपः शक्य अहं नृलोके द्रष्टुं त्वदन्येन कुरुप्रवीर॥४८॥

**ترجمه:** ارجون، ای بهترین! این جهان کامل را کسی با تحصیل ودا و شاسترا، پرستش آتش مقدس، ریاضت های دشوار، انجام خدمات اجتماعی و دادن خیرات و قربانیهای بزرگ هم نمیتواند ببیند.

**تفسیر:** هر کاری یک آغاز و یک پایان دارد و ثمره ای هم که از کار دریافت میشود نیز یک آغاز و یک پایان دارد! کارهای نیک باعث پاکی جسم و افکار و احساسات انسان میشوند.

~~~~~

मा ते व्यथा मा च विमूढभावो दृष्ट्वा रूपं
घोरमीदृङ्ममेदम्।

व्यपेतभीः प्रीतमनाः पुनस्त्वं तदेव मे रूपमिदं प्रपश्य॥४९॥

ترجمه: تو نباید با دیدن این شکل غیرعادی من بترسی! انسان نادان از حقیقت میترسد! ترس را رها کن و حقیقت را ببین. من حالا بخواست تو بشکل نارایان درمیآیم. باین شکل دارای چهار دست من نگاه کن.

تفسیر: ای ارجون! ترس و نگرانی تو بخاطر دیدن مرگ فامیل، دوستان و افراد لشگرت ایجاد شده است. اینها با تو نسبت فامیلی دارند ولی متعلق بتو نیستند. نگرانی از دست دادن جسم و اموال تو ترا این چنین ترسانده است! در حالیکه تو نه جسم هستی و نه اینها اموال تو هستند. حماقت را رها کن و حقیقت را قبول کن.

من بهر شکلی که در مقابل تو ظاهر شوم چه مورد تأنید و قبول تو باشم و چه نباشم همیشه خیرخواه تو هستم! همه اتفاقات و شرایط خوب و بد زندگی را همانطور که هستند قبول کن و راضی باش زیرا اینها همه بصلاح تو هستند.

~~~~~

सञ्जय उवाच

इत्यर्जुनं वासुदेवस्तथोक्त्वा स्वकं रूपं दर्शयामास भूयः।

## आश्वासयामास च भीतमेनं भूत्वापुनः सौम्यवपुर्महात्मा

॥५०॥

**ترجمه:** سانجای گفت: واسودئو شیری کریشنا بعد از بیان این سخنان شکل آرام و زیبای خود را به ارجون نشان داد و ارجون را که ترس سرپایش را گرفته بود نجات داد.

**تفسیر:** رؤیت بغوان بر روی زمین، رؤیت او بشکل جهان و رؤیت او بشکل نارایان فقط بلطف خود بغوان امکان پذیر است. اگر کسی قلب پاک و نیت پاک داشته باشد و به لطف بغوان ایمان داشته باشد یکروز او را خواهد یافت! شخص دنیاپرست، متکبر و بی ایمان نمیتواند بغوان را ببیند.

~~~~~

अर्जुन उवाच

दृष्टवेदं मानुषं रूपं तव सौम्यं जनार्दन।

इदानीमस्मि संवृतः सचेताः प्रकृतिं गतः॥५१॥

ترجمه: ارجون گفت: ای مالک جهان! دیدن چهره آرام تو بشکل یک انسان بسیار آرامش بخش است! من دوباره حالت عادی خود بازیافته ام

تفسیر: ای مالک! تو مرا به بالای درخت کهنسال علم برده بودی ولی من بدلیل جهالتم از آن بلندی ترسیدم. ای کهنسال! ای مهربان! چه کسی میتواند ترا بدرستی بشناسد! تو بمن نشان دادی که همه چیز این جهان تو هستی! حتی من هم تو هستم ولی من علاقه ای باین موضوع دشوار علمی ندارم و میخواهم شکل زیبای ترا جدا از خودم و در مقابل خودم ببینم و از آن لذت ببرم.

~~~~~

श्रीभगवानुवाच

सुदुर्दर्शमिदं रूपं दृष्टवानसि यन्मम।

देवा अप्यस्य रूपस्य नित्यं दर्शनकाङ्क्षिणः॥५२॥

**ترجمہ:** شیری بغوان گفت: رؤیت من بشکل نارایان (ویشنو) بسیار دشوار است. حتی خدایان ہم در آرزوی دیدار این شکل دارای چہار دست میباشند. ای ارجون این شکل مرا بخاطر بسیار.

**تفسیر:** جسم بغوان از جسم خدایان پاک بہشتی ہم پاکتر و خارق العادہ است. حتی خدایان ہم در آرزوی دیدار بغوان ہستند.



नाहं वेदैर्न तपसा न दानेन न चेज्यया।

शक्य एवंविधो द्रष्टुं दृष्टवानसि मां यथा॥५३॥

**ترجمہ:** آنطور کہ تو مرا بشکل نارایان ویشنو دیدی کسی حتی با خواندن کتب ودا، ریاضت کشیدن، خیرات دادن و یا پرستش آتش ہم نمیتواند ببیند.

**تفسیر:** در این دنیا ہر چیزی را میتوان بہ قیمتی خرید ولی دیدار بغوان را با چیزی نمیتوان خرید!

شخص عاقل میتواند با آنها کہ کم عقل ہستند زیرکی کند، شخص ثروتمند میتواند در مقابل مردم فقیر خودنمایی کند، شخص پرزور میتواند بہ مردم ضعیف زورگوئی کند و کسیکہ تحصیلات عالی دارد میتواند علم خود را بہ رخ مردم بیسواد بکشد! انسان فقط با ایمانش میتواند لطف بغوان را کسب کند.



भक्त्या त्वनन्यया शक्य अहमेवंविधोऽर्जुन।

ज्ञातुं द्रष्टुं च तत्त्वेन प्रवेष्टुं च परन्तप॥५४॥

**ترجمہ:** ای دلاور! تنها راہ رؤیت من ایمان صادقانہ است. کسیکہ فقط بمن ایمان دارد و فقط بمن پناہ میآورد و تنها امید و هدف زندگی اش من ہستم مرا بدرستی میشناسد و مرا می بیند و مثل من میشود.

**تفسیر:** علاقہ و ایمان را از جائی نمیتوان خرید، با هیچ زحمتی نمیتوان حاصل کرد، از کسی نمیتوان آنرا یادگرفت، کسی نمیتواند آنرا بہ کسی یاد بدهد، با ریاضت و تمرین تمرکز افکار و پرستش آتش و یا بتوسط هیچ هنری کسب نمیشود. سادک با تحصیل ودا و یادگیری علم برہم پرماتما

را آنطور که در کتب نوشته شده می‌شناسد ولیکن بکت بیریا بغوان را بآن شکلی که خودش دوست دارد می‌بیند. ایمان صادقانه قدرت بسیار دارد، قدرتی که با کسب علم، ثروت، قوای جسمانی و ریاضت کشیدن حاصل نمیشود.



मत्कर्मकृन्मत्परमो मद्भक्तः सङ्गवर्जितः।

निर्वैरः सर्वभूतेषु यः स मामेति पाण्डव॥५५॥

**ترجمه:** ای ارجون! کسی که مرا دوست دارد و همیشه بیاد من است و هر خدمتی را برای رضایت و خوشنودی من میکند، آنکه دشمن کسی نیست و به اشیاء دنیا وابسته نیست مرا می‌شناسد و میفهمد که از من جدا نیست و با من یکی میشود.

**تفسیر:** برای کسانی که زندگی خانوادگی و مسئولیتهای اجتماعی دارند شیری بغوان روش بکتی یعنی ایمان صادقانه و خدمت بدیگران را پیشنهاد کرده و میگوید که این روش بهترین و مناسبترین روش برای این طبقه از مردم میباشد. در این روش بکت پارسا با خدمت بمردم در واقع به بغوان خدمت میکند.

پایان بخش یازدهم بهاگواد گیتا — علم برهم  
گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون

\*\*\*\*\*

॥ ॐ श्री परमात्मने नमः ॥

## بخش دوازدهم

अर्जुन उवाच

एवं सततयुक्ता ये भक्तास्त्वां पर्युपासते।

ये चाप्यक्षरमव्यक्तं तेषां के योगवित्तमाः॥१॥

**ترجمه:** ارجون گفت: آیا یک بکت که بتو ایمان دارد و همیشه بیاد تو است و شکل ترا میپرستد لیاقت یکی شدن با ترا دارد یا سادگی که از طریق علم شکل بیجسم ترا میشناسد!

**تفسیر:** بکت از بغوان چیزی نمیخواهد! تنها هدف بکت در زندگی اش این است که بغوان از او راضی باشد. سادک علاقمند به شناخت پرماتمای بیجسم و غیرمادی به کسب علم برهم میپردازد و در این راه از راه پرهیزکاری از تمام خوشیها و خواسته ها و دارائی هایش صرفنظر میکند! بغوان شیری کریشنا میگوید که سادوی پرهیزکار و بکت عابد هردو بیک اندازه برای من با ارزش میباشند و هردوی آنها قابلیت شناختن من و یکی شدن با من را دارند.

~~~~~

श्रीभगवानुवाच

मय्यावेश्य मनो ये मां नित्ययुक्ता उपासते।

श्रद्धया परयोपेतास्ते मे युक्ततमा मताः॥२॥

ترجمه: شیری بغوان گفت: بنظر من آن بکت بیریائی که بشکل ظهور یافته من ایمان و اعتقاد دارد و مرا میپرستد بهترین یوگی است.

تفسیر: بکت هیچگونه تکبری ندارد و متکی به بغوان است و هر کاری را بطور ناخودآگاه برای رضایت بغوان انجام میدهد. او با هر چه که

میگوید بغوان را میستاید و با هر کارش او را میپرستد. ولی سادک به علم خود میبالد.

طبیعت از نیروی خارق العادهٔ پرماتما بوجود آمده و بدون پرماتما وجود مستقل ندارد. جسم انسان دائماً در حال تغیر و دگرگونی است. تغیراتی که در این جسم بوجود میآیند باعث میشوند که انسان خوشیها و غمها را تجربه کند. جسم انسان شکل واقعی اوست، شکلی که بدنیا میآید و یکروز از دنیا میرود ولی شکل حقیقی اش روح او می باشد.

شناختن شکل حقیقی خود برای هر کسی ضروری است و این بهترین کاری است که انسان میتواند برای خود انجام بدهد. اندوختن اشیاء دنیا بانسان خوشی زودگذر میدهد ولی با شناختن شکل حقیقی خود انسان به سعادت حقیقی میرسد و خوشی ابدی را تجربه میکند.

جمعآوری و انباشتن اشیاء دنیا نشانگر احساس ناامنی و جهالت انسان است. اشیاء دنیا متعلق به کسی نیستند و ادعای مالکیت بر آنها نشانهٔ غرور احمقانهٔ انسان است. هر کسی یکروز باید تمام چیز هائیرا که تصور میکند متعلق باو میباشند در این دنیا بگذارد و از دنیا برود!

سادکی که یکی از دو روش علم و یا عمل را در پیش میگیرد از غمها و خوشیهای زودگذر زندگی آزاد میشود و به موکشا میرسد! ولیکن روش ایمان بهترین روش است! عشق و ایمان و بخصوص عشق و ایمانی که بعد از کسب علم برهم در قلب سادک پیدا میشود عالیتترین روش است و فقط از این روش است که سادک بطور کامل با هر دو شکل پرماتما یعنی پرماتمای ساکار و نیرآکار یکی میشود.

علم برهم جهالت انسان را میزداید و سادک میفهمد که دنیا دروغین است. با از بین رفتن جهالت ترس و نگرانی سادک از بین میرود و او به موکشا میرسد! ولیکن رسیدن به موکشا به تنهایی برای درک پرماتما و یکی شدن با او کافی نیست و بدون ایمان به بغوان کسی نمیتواند باین مرتبهٔ والا برسد.

سادکی که معتقد به علم است از راه تحصیل علم برهم و تکرار

متداوم این مانترا که "من برهم هستم" **अहं ब्रह्मास्मि I Am Brahm** برهم نیرآکار را که در ماوراء ماده است میشناسد و یکی بودن خود را با او برای مدتی تجربه میکند.

سادک عالم بدلیل علمی که حاصل کرده خود را برتر از دیگران تصور میکند و بالاترین هدف زندگی اش رسیدن به موکشا است. ایمان صادقانه و بیریا به بغوان حتی از علم برهم، موکشا و سمادی هم برتر میباشد. عشق پاکی که یک بکت به بغوان دارد عشق شگفت انگیزی است! این عشق که ارتباطی با جسم عاشق و معشوق ندارد خودش راه و خودش منزل است! بکت عاشق مثل بغوان پاک و بی عیب است و از ابتداء راه به منزل رسیده است. عالمان، روشنفکران و یوگی ها برای رسیدن به این عشق پاک همه چیز خود و حتی علم خود را فدا میکنند. این عشق خالص پاک و بیریا با ارزشترین چیز در دنیا و نقطه اوج تکامل انسان است.



ये त्वक्षरमनिर्देश्यमव्यक्तं पर्युपासते।
 सर्वत्रगमचिन्त्यं च कूटस्थमचलं ध्रुवम्॥३॥
 सन्नियम्येन्द्रियग्रमं सर्वत्र समबुद्धयः।
 ते प्राप्नुवन्ति मामेव सर्वभूतहिते रताः॥४॥

ترجمه: سادکی که بر حواس خود مسلط شده و بدنبال هوسها نمیرود. او پرماتمای نیرآکار را که از نظر غایب است، بیحرکت، تغیرناپذیر و فناپذیر است میستاید و بمن میرسد و با من یکی میشود.

تفسیر: افکار کسیکه بر حواس خود مسلط نیست همیشه ناآرام است و برای او فهمیدن برهم یگانه دشوار خواهد بود. کتب ودا برای شناختن برهم سه روش علم، عمل و ایمان را یاد داده و در هر سه این روشها گفته شده که سادک باید دارای افکار آرام باشد تا بتواند باین روشها عمل کند.

ودا معتقد به یکی بودن روح انسان و روح متعال میباشد و تعاریفی که در ودا در باره خصوصیات روح انسان نوشته شده همان است که در باره روح متعال نوشته شده است.

بدنه یک کوزه گلی در ظاهر هوای درون و بیرون آن کوزه را از هم جدا میکند. با شکستن بدنه کوزه هوای درون به هوای بیرون کوزه مپیوندد! هوایی که در حقیقت حتی بوقت سالم بودن بدنه کوزه هم یکی بود.



क्लेशोऽधिकतरस्तेषामव्यक्तासक्तचेतसाम् ।

अव्यक्ता हि गतिर्दुःखं देहवद्भिरवाप्यते ॥५॥

ترجمه: سادک معتقد و علاقمند به برهم نیرگون نیرآکار برای رسیدن باو باید مشقات بسیاری را تحمل کند. روش علم برهم برای کسانی که به دنیا و اشیاء آن علاقمند هستند و افکار متشوش دارند دشوار است.

تفسیر: برهم نیرگون ناپیدا و دور از انظار است. او نه لمس میشود، نه بوئی دارد، نه مزه ای دارد و نه صدائی از او بگوش میرسد، نه میتوان او را به چیزی تشبیه کرد! حتی عالمان بزرگ هم در باره برهم فقط با حدس و گمان سخنانی گفته اند. برهم در ماوراء اجسام مادی است و بنابراین فهمیدن و شناختن او برای عقل انسان که در محدوده جسم مادی است بسیار دشوار میباشد.

بکت پارسا خود را از کسی برتر نمیداند و نظریات و اعتقادات خود را به کسی تحمیل نمیکند و سعی نمیکند به کسی چیزی یاد بدهد.

~~~~~

ये तु सर्वाणि कर्माणि मयि सन्न्यस्य मत्पराः ।

अनन्येनैव योगेन मां ध्यायन्त उपासते ॥६॥

**ترجمه:** بکت پارسا و معتقد بمن تمام کارهایش را بمن میسپارد و همیشه بیاد من است و مرا میپرستد.

**تفسیر:** کسی که کاملاً به بغوان ایمان دارد با خوب و بد، شکست و پیروزی، کم و زیاد و هر چه که بغوان باو میدهد قانع و خوشنود است و تمام شرایط مناسب و نامناسب زندگی را همانطور که پیش میآیند قبول میکند.

~~~~~

तेषामहं समुद्धर्ता मृत्युसंसारसागरात् ।

भवामि नचिरात्पार्थ मय्यावेशितचेतसाम् ॥७॥

ترجمه: ای ارجون! من بکت صادقی را که بمن ایمان کامل دارد و مرا همه چیز خود میداند از اقیانوس پر تلاطم زندگی نجات میدهم.

تفسیر: انسان با نشان دادن عکس العمل در مقابل اتفاقات و شرایط خوب و بد با آنها در ارتباط میماند ولی اگر از خود عکس العملی نشان ندهد ارتباطش با آنها قطع میشود و افکارش آرام میمانند. شخص خردمند به درک حقیقت یگانه علاقمند میشود. برای یافتن حقیقت سه روش علم، عمل و ایمان وجود دارد و هر کسی میتواند بمیل خود یکی از این روشها را انتخاب کند. گوروی کامل و با تجربه آن است که هر دو شکل آشکار و نهان پرماتما یعنی ساکار و نیرآکار را شناخته و تجربه کرده باشد. هر کسی قابلیت گورو بودن را ندارد! کسی که بر خشم خود مسلط نیست، هوسهایش تمام نشده اند، کسیکه هنوز باشیاء دنیا دلبستگی دارد، کسیکه بین مردم فرق میگذارد و از مردم پولدار، سیاستمداران و مردم سرشناس طرفداری میکند و فقط پیروان و طرفداران خود را دوست دارد یک گورو نیست. پیدا کردن گوروی قابل و درستکار دشوار است و با دیدن ظاهر غلط انداز کسی نباید او را بعنوان گورو قبول کرد.



मय्येव मन आधत्स्व मयि बुद्धिं निवेशय।

निवसिष्यसि मय्येव अत ऊर्ध्वं न संशयः॥८॥

ترجمه: ای ارجون! تو یک بکت باش! بسوی من بیا و بمن ایمان داشته باش. مرا دوست داشته باش و وظایفت را بخاطر رضای من انجام بده. تو از این طریق بمن خواهی رسید. هیچ شکی در آن نیست.

تفسیر: کسیکه کارهایش را برای رضای بغوان انجام میدهد مسلماً آزارش به کسی نمیرسد و نتیجه خوبی از کارهایش میگیرد. انسان با رفتن به معابد و زیارتگاه و مکان های مقدس، دادن خیرات و اعانه های سخاوتمندانه، تحمل ریاضتهای جان فرسا، روزه گرفتن، زجر کشیدن در گرما و سرما و دادن قربانی های گوناگون صوابهای بسیاری کسب میکند! ولی با این صوابها انسان فقط میتواند تا بهشت برسد و رسیدن به پرماتما حتی بکمک این کارهای قابل تحسین هم ممکن نیست. در واقع انجام دادن این کارهای خیر میتواند باعث غرور انسان شود و همین از رسیدن او به پرماتما جلوگیری میکند.

غرور انسان دلیل جهل او است و همین جهل او را وادار به "تلاش" میکند. پرماتما نتیجهٔ هیچیک از تلاشهای انسان نیست. همانطور که یک طلا ساز طلای ناخالص را در آتش ذوب میکند و بعد از جدا کردن ناخالصیهایش از آن طلای خالص بدست میآورد سادک با انضباط هم ناخالصیهای وجودش را یعنی هوس، خشم، شهوت، حسادت، تکبر، تظاهر، دروغگوئی و بدگوئی از دیگران را در آتش علم میسوزاند و روح پاک و خالص خود را می بیند و مثل بغوان پاک، آرام و نورانی میشود.



अथ चित्तं समाधातुं न शक्नोषि मयि स्थिरम्।

अभ्यासयोगेन ततो मामिच्छाप्तुं धनञ्जय॥९॥

ترجمه: گوش کن ای غنی! اگر نمیتوانی همیشه بپاد من باشی با

تمرینات مکرر یوگا اشیاء دنیا را از فکرت دور کن. अभ्यासयोग . Abhyas yoga

تفسیر: اکثراً سادک ها شکایت دارند که بوقت تمرکز افکار افکارشان باین سو و آنسو میرود! سادک باید با صبوری افکارش را از هر جایی که میروند بآرامی باز گرداند و بسوی بغوان متمایل کند و به تمرین یوگا ادامه بدهد.

در روش تمرکز فکر سادک باید هدف خود را بخاطر بسپارد و بخود یادآوری کند که هدفش که رسیدن به پرماتما است نه حاصل کردن اشیاء و خوشیهای دنیا. متمرکز کردن افکار و یافتن آرامش در ظاهر آسان بنظر میآید ولی این یک تمرین آسان نیست و مستلزم صبوری و انضباط بسیار است.



अभ्यासेऽप्यसमर्थोऽसि मत्कर्मपरमो भव ।

मदर्थमपि कर्माणि कुर्वन्सिद्धिमवाप्स्यसि ॥१०॥

ترجمه: اگر تو قادر به تمرین یوگا و تمرکز افکارت نیستی آنرا رها کن و هر کاری را فقط بخاطر من انجام بده و مسلماً بمن خواهی رسید.

تفسیر: انسان عادت به کار و فعالیت دارد و برایش کار کردن راحت تر از آرام نشستن است. بهمین دلیل یافتن آرامش و تمرکز افکار برای بسیاری از مردم دشوار است! کسیکه بخاطر رضایت بغوان و خدمت بدیگران کار میکند به آرامش خاطر میرسد. شکی در آن نیست!



अथैतदप्यशक्तोऽसि कर्तुं मद्योगमाश्रितः।

सर्वकर्मफलत्यागं ततः कुरु यतात्मवान्॥११॥

ترجمه: تو اگر برای رسیدن به یوگا قادر به انجام دادن روشی که گفتم نیستی بر احساسات و افکار غلبه کن و وظایف را بدون هیچ توقعی انجام بده.

تفسیر: گذشتن از ثمره کارها بهترین و ساده ترین راه برای رسیدن به یوگا است و در نتیجه آن سادک به درک پرماتما میرسد. گذشتن از ثمره کار باین معنی است که سادک از کاری که میکند انتظار دریافت چیزی را نداشته باشد بلکه باید با هرچه که باو داده میشود قانع باشد و آنرا با خرسندی بپذیرد. سادک حتی در ازای پرستش و نیایش، زیارت، روزه گرفتن، ریاضت و پرستش آتش هم نباید انتظاری داشته باشد و هرچه را که باو داده شود یا داده نشود نیز باید با رضای خاطر قبول کند.



श्रेयो हि ज्ञानमभ्यासाज्ज्ञानाद्ध्यानं विशिष्यते ।

ध्यानात्कर्मफलत्यागस्त्यागाच्छान्तिरनन्तरम् ॥१२॥

ترجمه: علم شاسترا بهترین علم است و تمرین یوگا و تمرکز افکار Meditation از یادگیری علم شاسترا هم برتر است. انجام وظیفه و ترک ثمره کارها از هر دوی اینها بهتر است! با ترک ثمره کارها سادک فوراً به آرامش خاطر میرسد.

تفسیر: روح انسان از هر چیزی بی نیاز است و هر کاری که سادک میکند و هر چیزی که از آن حاصل میکند همگی برای جسم او میباشد. بهمین دلیل نیز سادکی که میخواهد حقیقت را درک کند و خود را بشناسد باید

به کارها و اشیاء دنیا فقط باندازه ضرورتش اهمیت بدهد. سادک حتی بخاطر ذکر و تکرار نام بغوان، ستایش و پرستش او، تمرین تمرکز فکر و سمادی هم نباید احساس غرور بکند بلکه باید اینها را هم بموقع ترک کند زیرا حتی اینها هم مربوط به جسم او هستند و با اینکارها او به درک حقیقت نخواهد رسید.

نداشتن توقع و نخواستن بهره ای از کارها مهمترین اصل یوگای انجام وظیفه میباشد. این روش حتی از یادگیری علم شاسترا و تمرین متمرکز کردن افکار هم بهتر است.

کسیکه اشیاء را ترک میکند ولی خواسته هایش تمام نشده اند یک شخص متظاهر است و این تظاهر را فقط برای مدت کوتاهی میتواند ادامه بدهد زیرا بزودی خواسته هایش او را وادار به کار و فعالیت خواهند کرد. کارمایوگا حتی از کار ماسنیاس هم برتر است. کسیکه کارها و اشیاء را بطور ظاهری ترک میکند و تظاهر به سنیاسی بودن میکند سنیاسی نیست! ولی یک سادک کارمایوگی که بدون توجه به ثمرات کارش وظایفش را انجام میدهد حقیقتاً یک سنیاسی است. او خواسته های کوچک و بزرگ را ترک میکند و به یوگا میرسد.



अद्वेष्टा सर्वभूतानां मैत्रः करुण एव च।

निर्ममो निरहङ्कारः समदुःखसुखः क्षमी॥१३॥

सन्तुष्टः सततं योगी यतात्मा दृढनिश्चयः।

मय्यर्पितमनोबुद्धिर्यो मदभक्तः स मे प्रियः॥१४॥

ترجمه: بکت ساده و بیرئی که از هر چه دارد راضی است یک یوگی است و هدف خود را با جدیت دنبال میکند! او که زندگی خود را در فکرش بمن میسپارد برای من بسیار دوست داشتنی است.

تفسیر: کسی که بغوان را دوست دارد آزارش به هیچ انسان و حیوانی نمیرسد! او حتی درختان، آبها، کوهها، هوا، آتش و خاک را هم جزئی از وجود بغوان میداند و با احترام در حد امکان به همه خدمت میکند. او حتی به دشمنانش هم ظلم نمیکند و آنها را هم بغوان میداند و میداند که آنها هم بنوبه خود برای او سبب خیر هستند. بکت معتقد به بغوان گناه دیگران

را باسانی میبخشد و انتقامجویی نمیکند و آرامش افکارش را حفظ میکند! شخص وارسته ای که به درک پرماتما رسیده رضایت و مسرت دائم را تجربه میکند و این حالت در چهره آرام و نورانی او دیده میشود.

~~~~~

यस्मान्नोद्विजते लोको लोकान्नोद्विजते च यः।

हर्षामर्षभयोद्वेगैर्मुक्तो यः स च मे प्रियः॥१५॥

**ترجمه:** کسی که بدیگران آزار نمیرساند و از کسی رنجیده نمیشود، آنکه عاری از هیجانات خوشی و دلسردی است برای من عزیز است.

**تفسیر:** بکت صادق بغوان را در همه کس میبیند و آزارش بکسی نمیرسد! او از رفتار ناخوشایند دیگران دلگیر نمیشود و از خوشیها هیجانزده نمیشود! او فقط در صورت لزوم حرف میزند و تا از او سؤالی نشود چیزی نمیگوید و در کاری که باو مربوط نیست دخالت نمیکند.

علیرغم تمام محسنات این بکت ها عده ای از مردم از شنیدن تعریف در باره ها، از دیدن آرامش و سکوت آنها، از فروتنی آنها و حتی از رفتار خوب آنها نیز احساس حسادت میکنند و بی دلیل با آنها دشمنی میکنند و در صدد آزردن آنها برمیآیند. اینگونه افراد بخاطر غرور و اعمال گذشته خود نمیتوانند خوبی را در کسی ببینند و غرورشان باعث شکست خودشان در زندگی میشود.

~~~~~

अनपेक्षः शुचिर्दक्ष उदासीनो गतव्यथः ।

सर्वारम्भपरित्यागी यो मद्विमुक्तः स मे प्रियः ॥१६॥

ترجمه: بکت پارسائی که از کسی توقعی ندارد، آنکه درون و بیرونش پاک است، به داشتن و نداشتن اشیاء دنیا اهمیت نمیدهد و تصمیم باآغاز کاری نمیگیرد برای من بسیار عزیز است.

تفسیر: در نظر یک بکت کسی و چیزی برتر از بغوان نیست و بهمین دلیل چیزهای دنیا او را بسوی خود جلب نمیکند. او از دیدن ثروت و املاک دیگران احساس حسادت نمیکند بلکه از دیدن پیشرفت دیگران احساس خوشی میکند. او در بدترین شرایط هم دچار نگرانی نمیشود و اگر

در زندگی اش مصیبت بزرگی هم پیش بیاید او آنرا بازی بغوان بشمار می‌آورد و آنرا تحمل میکند. او معتقد است که آنچه که بصلاحش باشد بغوان باو خواهد داد و بهمین دلیل برای رسیدن به چیزی پافشاری نمیکند.

بسیاری از چیزهای خوب دنیا بدون اینکه انسان بخواد باو داده میشوند و بسیاری از چیزهاییکه انسان میخواهد بعد از تلاش بسیار هم باو داده نمیشوند. خوب یا بد! هر چه که عاید انسان میشود مربوط به "کارما" یعنی اعمال نیک و بد گذشته خودش میباشد و شخص دیگری مسئول آن نیست. کسی نمیتواند بآنسان چیزی بدهد و کسی نمیتواند حق کسی را از او بگیرد.

بکت عاشق از بغوان چیزی نمیخواهد. کسیکه فقط بخاطر رسیدن به خواسته هایش بغوان را میپرستد در واقع بغوان را دوست ندارد بلکه جسم خودش را دوست دارد.

بکت پارسا برای رسیدن به بغوان هرگونه آلودگی درون و بیرون جسم خود را میزداید و عاری از خشم، هوس، شهوت، حسادت، دشمنی، بدبینی و صفات منفی دیگر آنچنان پاک و منزّه میشود که دیگران از رؤیت او، همنشینی و هم صحبتی با او و حتی فکر کردن در باره او پاک میشوند.

~~~~~

यो न हृष्यति न द्वेष्टि न शोचति न काङ्क्षति।

शुभाशुभपरित्यागी भक्तिमान्यः स मे प्रियः॥१७॥

**ترجمه:** آن کسی که نه بوقت خوشی هیجانزده میشود و نه بوقت ناراحتی افسرده میشود، کسی که بخاطر منافع شخصی خودش با کسی دوستی نمیکند و با مخالفانش دشمنی نمیکند، کسیکه هیچکاری را بامید دریافت چیزهای بی ارزش دنیا انجام نمیدهد و آنکه برایش دوستی و دشمنی بیکسان بی معنی شده و هر دو را ترک کرده است برای من بسیار عزیز است.

**تفسیر:** بکت هر قدر به بغوان نزدیکتر میشود از موافقت و مخالفت با دیگران بیشتر پرهیز میکند و با کسی دوستی یا دشمنی نمیکند!

~~~~~

समः शत्रौ च मित्रे च तथा मानापमानयोः।

शीतोष्णसुखदुःखेषु समः सङ्गविवर्जितः ॥१८॥
 तुल्यनिन्दास्तुतिर्मौनी सन्तुष्टो येन केनचित् ।
 अनिकेतः स्थिरमतिर्भक्तिमान्मे प्रियो नरः ॥१९॥

ترجمه: بکت پارسا دوست و دشمن را یکی می‌شمارد. آن بکت که به کسی یا چیزی وابسته نمیشود، چیزی را مال خود نمیداند و در هر حال و شرایطی راضی است برای من عزیز است.

تفسیر: انسان زمانی به چیزی یا به کسی وابسته میشود که آن کس یا آن چیز را متعلق بخود بداند! در زمانهای گذشته پادشاهان بسیاری برای رسیدن به موكشا و درک پرماتما تخت و تاج شاهی و خانه و خانواده را ترک کردند ولی باز هم نتوانسته اند باین هدف برسند! زیرا آنها علیرغم اینکه این چیزها را در ظاهر ترک کردند یاد آن چیزها در دلشان مانده و نتوانستند هوسها را ترک کنند!

علاقه به پرماتما ناخالصیهای درون انسان را میسوزاند و نور علم خود بخود در درون سادک آشکار میشود. در این مقام بی نظیر انسان کاملاً پاک میشود و مثل طلای خالص میدرخشد. این درخشش بی نظیر در چهره سادک دیده میشود. سادک در این مرحله یک یوگی عالم است که مثل بغوان شده و با لقب "سنت" Sant سنت شناخته میشود. این بالاترین مقامی است که انسان میتواند بآن برسد.



ये तु धर्म्यामृतमिदं यथोक्तं पर्युपासते ।
 श्रद्धधाना मत्परमा भक्तास्तेऽतीव मे प्रियाः ॥२०॥

ترجمه: بکت معتقد بمن مرا همیشه میپرستد. آنکه گفته های من برایش مثل آب حیات شیرین است و آنها را در زندگی اش بکار میبرد برای من عزیزترین است.

تفسیر: ایمان و عشق به بغوان در هر دو روش علم و روش ایمان بسیار ضروری است. سادک برای یادگیری علم برهم از بسیاری از خوشیها و اشیاء دنیا میگذرد و راه عالمان زاهد را در پیش میگیرد و با صداقت بآنها

خدمت میکند و آن عالمان خیرخواه علم خود را باو میآموزند. موفقیت سادک در این راه فقط موقعی امکان پذیر است که منظورش حتی ذره ای هم کسب ثروت، شهرت، نام، مقام، احترام و یا راحتی و خوشی جسم خود نباشد!

پایان بخش دوازدهم بهاگواد گیتا – علم برهم
گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون

॥ ॐ श्री परमात्मने नमः ॥

بخش سیزدهم

श्रीभगवानुवाच

इदं शरीरं कौन्तेय क्षेत्रमित्यभिधीयते।

एतद्यो वेत्ति तं प्राहुः क्षेत्रज्ञ इति तद्विदः॥१॥

ترجمه: شیری بغوان گفت: جسم مادی زمین نامیده شده و آنکه جسم را می‌شناسد زمین دار نامیده شده است.

تفسیر: جسم انسان مثل هر چیز دیگر از پنج عنصر ابدی آب، آتش، خاک، باد و فضا ساخته شده است. عقل و قلب و غرور انسان هم جزئی از جسم یعنی جزئی از طبیعت میباشند. این جسم که از تخم پدر و مادر و از دانه گیاهان درست شده "جسم ضخیم" انسان است. پنج حواس دراکه (چشم، گوش، بینی، زبان، پوست) و پنج حواس فعال (دست، پا، آلت تناسلی، معقد و محل ادرار) بعلاوه پنج هوای زندگی، عقل و قلب هفده عنصری هستند که "جسم ظریف" انسان را تشکیل میدهند. غرور یعنی جهالت باعث تولد انسان میشود و بهمین دلیل آنرا "مسبب جسم" نامیده اند. جهالت انسان باعث میشود که او تصور کند که او یک جسم است.

علم برهم بر پایه کتب ودا و یازده کتب اوپانیشاد استوار است. این علم با پاسخ دادن به تمام سؤالات انسان در باره طبیعت مادی و روح غیرمادی جهالت انسان را از بین میبرد و باو آرامش و مسرت میبخشد. انسان بکمک علم برهم میتواند به تکامل و سعادت معنوی برسد.

~~~~~

क्षेत्रज्ञं चापि मां विद्धि सर्वक्षेत्रेषु भारत ।

क्षेत्रक्षेत्रज्ञयोर्ज्ञानं यत्तज्ज्ञानं मतं मम ॥२॥

**ترجمه:** ارجون، ای آنکه باعث افتخار خانواده ات هستی! من مالک تمام اجسام میباشم و همه آنها را میشناسم. علمی که در باره جسم و روح است مهمترین علم است.

**تفسیر:** در واقع انسان فقط میتواند اجسام مادی را بشناسد و هیچ علمی نیست که بکمک آن بتوانیم روح متعال را بشناسیم! شناختن درست برهم که در ماوراء عقل و حواس است برای انسان امکان پذیر نیست. روح انسان جزئی از برهم است و در حقیقت با او یکی است. جسم انسان جزئی از طبیعت است و با طبیعت یکی است. دانش بشری در واقع علم نیست بلکه جهالت است زیرا در آن فقط اطلاعات مربوط به دنیا یعنی کارها و اشیاء دنیا حاصل میشود و باعث میشود که انسان روز بروز بیشتر گرفتار مشکلات دنیا بشود. علم آنست که انسان را با حقیقت وجود خودش آشنا کند و او را از چنگال طمع، هوس، خشم، وابستگی باین و آن و چیزهای بی ارزش دنیا رها کند.

آدی شنکراچاریا در حدود 2500 سال پیش در باره فلسفه یگانگی برهم non-duality توضیح داده و گفته است: 1 - پرماتما (روح متعال) و روح انسان در اصل یکی هستند ولی روح انسان در مجاورت اجسام دنیا و حواس پنجگانه اش از این حقیقت دور میشود. 2 - انسان برای رهایی از این جهالت و درک حقیقت نیاز به یادگیری علم برهم دارد. 3 - زمانی که روح انسان از ماده رها شود یکی بودن خود را با روح متعال درک میکند و با او یکی میشود.



तत्क्षेत्रं यच्च यादृक्च यद्विकारि यतश्च यत् ।

स च यो यत्प्रभावश्च तत्समासेन मे शृणु ॥३॥

**ترجمه:** حتی برهما هم که این جهان و موجودات را خلق کرده است پرماتما و این جهان مادی را بدرستی نمیشناسد!

**تفسیر:** هیچ علمی در باره روح متعال کامل نیست و کسی تا بامروز نتوانسته او را بطور کامل بشناسد. کسیکه ادعا میکند که پرماتما را شناخته شخص مغروری است که هنوز هیچ نمیداند. حتی یک یوگی عالم هم بعد از کسب علم برهم باین نتیجه میرسد که هنوز چیزی نمیداند.

روح انسان مثل پرماتما ابدی است! نه متولد میشود، نه میمیرد، نه تغییری در او ایجاد میشود، نه کاری میکند و نه کسی را به کاری وادار میکند، نه دوست کسی است و نه دشمن کسی، او در تمام شرایط و در هر زمان و مکان همانطور که هست میماند و کم یا زیاد نمیشود! او در همه چیز هست و همه چیز در اوست.



ऋषिभिर्भुधा गीतं छन्दोभिर्विविधैः पृथक् ।

ब्रह्मसूत्रपदैश्चैव हेतुमद्भिर्विनिश्चतैः ॥४॥

**ترجمه:** در کتب ودا مباحث بسیاری در باره تجربیات روحانی ریشی ها بتفصیل نوشته شده است. عالمان ودا نظریات خود را در کتب بسیاری در مورد این موضوعات بیان کرده اند .

**تفسیر:** مانترهای ودا در حالت سمادی به ریشی ها الهام شده اند . عالمان کتب شاسترا، پوران و اسمروتی توضیحات بسیاری در باره اجسام جاندار و بیجان، راست و دروغ، فانی و باقی داده اند. در کتب برهم سوترا Brahmsutra ब्रह्म सूत्रا و یوگاسوترا Yogsutra योगसूत्रा نیز مطالب بسیاری در این باره ذکر شده است.

متفکران و متحققان ماده پرست فقط معتقد به "جسم" میباشند! آنها فقط معتقد به وجود ماده و جهان مادی میباشند و چیزی بنام روح انسان یا روح متعال را قبول ندارند. گروهی از عالمان فقط معتقد به "عمل" कर्म Karma - Action میباشند و اعمال گذشته هر کسی را مسئول تمام اتفاقاتی میدانند که در زندگی او پیش میآیند. گروهی دیگر از عالمان معتقد به "زمان" هستند و زمان را مالک و خدای حاکم بر همه چیز میدانند! مذهب هندو (سناتن درم) تمام این نظریات را محترم میشمارد و هیچ اعتقادی را رد نمیکند.



महाभूतान्यहङ्कारो बुद्धिरव्यक्तमेव च ।

इन्द्रियाणि दशैकं च पञ्च चेन्द्रियगोचराः ॥५॥

इच्छा द्वेषः सुखं दुःखं सङ्घातशचेतना धृतिः ।

एतत्क्षेत्रं समासेन सविकारमुदाहृतम् ॥६॥

**ترجمه:** حواس ده گانه، علاقه به اشیاء، دشمنی، خوشی، غم، نفس زندگی و پافشاری برای برآوردن خواسته ها عواملی هستند که باعث بوجود آمدن جسم انسان میشوند.

**تفسیر:** خواسته های کوچک و بزرگ بزرگترین دشمن انسان هستند. تمام درد و غمها و مصائب و گناهان انسان از خواسته هایش شروع میشوند. تا زمانی که انسان خود را یک جسم تصور میکند برای خوشی و آسایش این جسم بدنبال اشیاء دنیا میرود. همانطور که عسل برای شیرین شدن نیازی به شکر ندارد شخص عالمی هم که موفق به شناخت خود شده میفهمد که خودش مظهر هستی - علم و مسرت جاودان است و از هر چیز دنیا بی نیاز میشود!



अमानित्वमदम्भित्वमहिंसा क्षान्तिरार्जवम् ।

आचार्योपासनं शौचं स्थैर्यमात्मविनिग्रहः ॥७॥

**ترجمه:** فروتنی، سادگی، راستگویی، نداشتن تکبر، تظاهر نکردن، صلح طلبی، بخشندگی، عجل نبودن، خدمت به گورو و پرهیز از لذات جسمانی از جمله خصوصیات هستند که یک سادک باید در خود پرورش بدهد.

**تفسیر:** سادک یکی از روشهای یوگا (عمل، علم و ایمان) را در پیش میگیرد و با جدیت و انضباط از قوانین آن پیروی میکند و بتدریج از ناخالصیهای درون خود میکاهد!

هدف سادک رسیدن به درک پر ماتما است و از هرگونه تظاهر و خودنمایی کردن خودداری میکند! سادک بدون توجه باین که دیگران برایش چقدر احترام میگذارند، چقدر از او و خوبیهای او تعریف میکنند و یا چقدر از او بدگویی میکنند براه خود ادامه میدهد زیرا در غیر اینصورت هرگز به هدف خود نخواهد رسید.

هرگز نباید با توجه به ظاهر کسی او را بعنوان گورو قبول کرد. یک گورو دارای این صفات و مشخصات است:

- 1 - هدف گورو باید راهنمایی شاگرد و نشان دادن راه سعادت به شاگردش باشد.
- 2 - گورو باید علم ودا و شاسترا را بداند و به صحت آنها معتقد باشد.
- 3 - گورو باید از گفتن چیزیکه نمیداند خودداری کند.
- 4 - گورو باید مثل یک پدر بزرگوار و مثل یک مادر مهربان باشد.
- 5 - گورو نباید بین شاگردانش فرقی بگذارد.
- 6 - گورو نباید هیچ توقعی از شاگردانش داشته باشد.
- 7 - گورو نباید تمایلی به زن، تجملات، ثروت، شهرت و مقام داشته باشد.
- 8 - گورو باید پاک و ساده باشد.



## इन्द्रियार्थेषु वैराजमनहङ्कार च ।

### जन्ममृत्युजराव्याधिदुःखदोषानुदर्शनम् ॥८॥

**ترجمه:** دوری از لذات جسمانی، نداشتن غرور و تکبر و قبول این واقعیت که هر کسی یکروز پیر و فرسوده میشود و میمیرد برای سادک ضروری است.

**تفسیر:** ترک کامل کارها و اشیاء دنیا برای کسی ممکن نیست ولی سادک باید فقط در حد اعتدال و بوقت ضرورت از اشیاء دنیا استفاده کند. نور جاودان برهم از ازل در تمام جهان هست! این نور قدرت ابدی و یگانه ای است که به تمام موجودات زندگی میبخشد و در عالمان زاهد بشکل آرامش و مسرت جاودان دیده میشود. حقیقت جاودان، نور علم جاودان و مسرت جاودان از ازل در تمام جهان و در وجود انسان هست و انسان میتواند آنرا در درون خود پیدا کند.

جهالت باعث میشود که انسان به ثروت و زن و فرزند و دارائی و خانه اش علاقمند شود و بآنها وابستگی پیدا کند. انسان تمام عمرش را بدنبال آنها بهدر میدهد و در پایان متوجه میشود که آن خوشی که امید داشت هرگز نصیبش نشد!



असक्तिरनभिष्वङ्गः पुत्रदारगृहादिषु ।

नित्यं च समचित्तत्वमिष्टानिष्टोपपत्तिषु ॥९॥

**ترجمه:** وابسته نبودن به اشیاء دنیا، زن و فرزند و دوست و آشنایان، حفظ آرامش در شرایط خوب و بد زندگی ...

**تفسیر:** انسان با داشتن زن و فرزند و اشیاء و اموال دنیا احساس خوشی میکند ولیکن خوشی حقیقی در نداشتن این چیزها و دوری از آنها نهفته است. بهمین دلیل برای سادک ترک اشیاء دنیا و دل نبستن به آنها بسیار ضروری است.

~~~~~

मयि चानन्ययोगेन भक्तिरव्यभिचारिणी ।

विविक्तदेशसेवित्वमरतिर्जनसंसदि ॥१०॥

ترجمه: علاقه و ایمان کامل بمن، سادگی و علاقمند بودن به تنهایی، نداشتن اموال و اشیاء، دوری از اجتماع مردم دنیا پرست...

تفسیر: کسی که علاقمند به درک حقیقت است باید از علاقه و اتکاء به اموال و دیگران خود دوری کند. این بمعنای ترک اموال و زن و فرزند نیست بلکه کلید این راز این است که سادک در حالیکه در جامعه و با خانواده اش زندگی میکند بدون اینکه اموال و دارائی اش را ترک کند بآنها وابسته نشود و از داشتن چیزی احساس غرور نکند.

سادک باید از همنشینی با کسانی که غرق در تجملات و خوشیهای دنیا هستند دوری کند و زندگی ساده و آرام را در پیش بگیرد. سادک نباید در کار دیگران دخالت کند و نباید بخاطر منافع شخصی خود با کسی معاشرت کند بلکه او فقط باید با مردان عالم و پرهیزکاران نشست و برخاست کند.

برای رسیدن به پرماٲما اعتقاد به بغوان کافی نیست بلکه سادک باید علم برهم را نیز از یک گوروی عالم یاد بگیرد. سادک علاقمند به اجتماع مردم باید با مردان عالم و پرهیزکار همنشینی کند زیرا در اجتماع این مردان صفاتی را میتواند بیاموزد که با خواندن کتاب نمیتوان آموخت.

~~~~~



अध्यात्मज्ञाननित्यत्वं तत्त्वज्ञानार्थदर्शनम् ।

एतज्ज्ञानमिति प्रोक्तमज्ञानं यदतोऽन्यथा ॥११॥

**ترجمه:** با یاد گیری صحیح علم برهم سادک معنای حقیقت را درک میکند. کسی که علم برهم را و معنای درست حقیقت را میفهمد در دلش عشق و ایمان خاصی برای بغوان پیدا میشود.

**تفسیر:** هدف کتب شاسترا راهنمایی و هدایت انسان بسوی پرماتما میباشد.

برای درک صحیح علم برهم سادک باید هدفش را همیشه بخاطر داشته باشد و نگاهش بسوی پرماتما باشد. پرماتما در انسان، در سگ و عنکبوت بیک اندازه هست. او حرکت نمیکند، از جایی به جای دیگر نمیرود، کم و یا زیاد نمیشود! او کامل است و کمبودی ندارد! در او هرگز تغییری ایجاد نمیشود و بهمین دلیل ابدی است. چیزیکه ناقص است بسوی تکامل میرود و بعد از رسیدن به تکامل بسوی نابودی میرود و این سلسله ادامه مییابد ولیکن پرماتما کامل است و بهمین دلیل تغییر نمیکند. اگر هدف اصلی تلاشهای سادک رسیدن به پرماتما باشد بطور ناخودآگاه از خصوصیات اخلاقی ناپسندیده اش کاسته میشود و خصوصیات اخلاقی پسندیده در او افزایش مییابند.

~~~~~

ज्ञेयं यत्तत्प्रवक्ष्यामि यज्ज्ञात्वामृतमश्नुते ।

अनादिमत्परं ब्रह्म न सत्तन्नासदुच्यते ॥१२॥

ترجمه: حالا من در باره هدف نهائی کتب ودا، آنکه موضوع اصلی علم برهم است برایت توضیح خواهم داد. آنکه با شناختنش انسان ابدی بودن خود را تجربه میکند! آن عنصر ابدی پربرهم نام دارد!

تفسیر: پرماتما در ماوراء طبیعت است و انسان بکمک عقل و حواس خود نمیتواند او را بشناسد ولیکن میتواند او را در درون خود دریابد. گفته شده که جسم و روح انسان هردو ابدی هستند و مالک هردوی اینها پرماتما است. در گیتا پرماتما به سه شکل توضیح داده شده است:

- 1 - هر چیز این جهان پرماتما است. پرماتما به دو شکل ماده و بدون ماده از ازل بوده و تا ابد خواهد بود.
- 2 - پرماتما در ماوراء اشیاء مادی است.
- 3 - در باره وجود پرماتما نه میتوان گفت که هست و نه میتوان گفت که او نیست.

न सत्तन्नासदुच्यते (13-12)

پرماتما در ماوراء عقل و قدرت بیان انسان است و بهمین دلیل در باره او چیزی نمیتوان گفت. نه میتوان ثابت کرد که پرماتما هست و نه میتوان ثابت کرد که او نیست!

باید دروغ وجود داشته باشد تا بتوانیم در مقایسه با آن بگوئیم که پرماتما حقیقت است. باید چیز ناقص وجود داشته باشد تا ما بتوانیم در مقایسه با آن بگوئیم که پرماتما کامل است. باید تاریکی جهل وجود داشته باشد تا بتوانیم در مقایسه با آن بگوئیم که او نور علم است! در پرماتما هیچ چیز نیست و همه چیز هست و بهمین دلیل نه میتوان گفت که او هست و نه میتوان گفت که او نیست! او نه تنها ذکاوت است بلکه جهل هم اوست! تا زمانی که ذکاوت هست جهل هم هست و بدون جهل چطور میتوان ذکاوت را دریافت؟ اگر تاریکی نباشد چطور میتوان روشنی را فهمید؟

پرماتما نه ابتداء دارد و نه انتهای دارد! چیز هائیکه در ودا و شاسترا در باره پرماتما گفته شده در واقع برای بیان خصوصیات و مشخصات او و یا شناساندن او نیستند بلکه فقط برای معطوف کردن نظر سادک بسوی او میباشند.

هیچ دلیلی یافته نشده که وجود پرماتما را ثابت کند. و هیچ دلیلی یافته نشده که وجودش را نفی کند.

با روشنائی نور خورشید روز آغاز میشود و بدون نور خورشید شب است ولی برای خورشید نه روز هست و نه شب هست! در نور پرماتما حقیقت و دروغ دیده میشود ولی برای پرماتما نه حقیقت هست و نه دروغ! یعنی پرماتما در ماوراء حقیقت و دروغ است. درست یا غلط بودن و حقیقی یا دروغین بودن چیزها را انسان با عقل خود میتواند تشخیص بدهد ولیکن پرماتما در ماوراء عقل است و انسان در باره او چیزی نمیداند.



सर्वतःपाणिपादं तत्सर्वतोऽक्षिशिरोमुखम् ।

सर्वतःश्रुतिमल्लोके सर्वमावृत्य तिष्ठति ॥१३॥

ترجمه: دست و پاهای پرماتما، سرها، دهانها، چشمها و گوشهای او در همه جا هستند. او در تار و پود هر ذره این جهان پر شده است.

تفسیر: همانطور که کاسه و کوزه و خانه های گلی از خاک درست شده اند و در هر ذره آنها خاک هست هر چیز این جهان نیز از پرماتما ساخته شده و هر ذره اش پر از پرماتما میباشد. مثل امواج دریا که از دریا برمیخیزند، در دریا سکونت میکنند و در آخر به دریا میپیوندند و مجدداً درست میشوند! موجودات این جهان بیکران نیز از پرماتما برمیخیزند، در پرماتما سکونت دارند، در پرماتما از هم میپاشند و در انتها باو میپیوندند و دوباره خلق میشوند! اگر سادک با دقت باین حقیقت توجه کند میتواند پرماتما را در هر جا ببیند.

در هر جا که انسان بخواهد میتواند بغوان را در مقابل خود بیابد. برای یافتن بغوان تلاش خاصی لازم نیست. شخص دنیا پرست در همه جا دنیا و اشیاء مادی را میبیند و بکت معتقد به بغوان او را در همه جا میبیند. دروغ هزاران هست ولی "حقیقت" یکی است. درست و غلط، خوب و بد، بزرگ و کوچک و تمام چیزهای دیگر این دنیا از دور و نزدیک، چپ و راست و از بالا و پائین همگی در یک جهت و بسوی پرماتما در حرکت میباشند!



सर्वेन्द्रियगुणाभासं सर्वेन्द्रियविवर्जितम् ।

असक्तं सर्वभृच्चैव विर्गुणं गुणभोक्तृ च ॥१४॥

ترجمه: او عاری از جسم و حواس است ولی به همه اجسام و حواس روشنی میدهد. او وابسته بکسی یا به چیزی نیست ولی از همه حمایت میکند. او در ماوراء طبیعت است و هیچ طبعی ندارد ولی از همه چیز طبیعت باخبر است.

تفسیر: بجز پرماتما چیز دیگری در جهان نیست و هر چیز این جهان پهناور مظهر پرماتما است. پرماتما قادر متعال است و این جهان مادی

قدرت شگفت انگیز او است. او همه چیز دارد و عاری از همه چیز است.
او با همه و از همه جدا است.



बहिरन्तश्च भूतानामचरं चरमेव च ।

सूक्ष्मत्वात्तदविज्ञेयं दूरस्थं चान्तिके च तत् ॥१५॥

ترجمه: پرماتما در درون و بیرون همه چیز و همه کس، در تمام جهات این جهان و در دورترین و نزدیکترین نقطه این جهان موجود است.

تفسیر: پرماتما دورتر از دورترین و نزدیکتر از نزدیکترین است. برای شخص دنیا پرست پرماتما بسیار دور است ولی برای بکت عابد سرسپرده او بسیار نزدیک است. انسان بدلیل جهالتش نمیتواند پرماتما را بشناسد و در غیراینصورت شناختن پرماتما دشوار نیست. ایمان در واقع خودش یک علم بی نظیر است! ایمان علمی است که در باره اش در کتابی نوشته نشده بلکه از ازل در درون انسان هست و کسی آنرا بانسان نداده و کسی نمیتواند آنرا از انسان بگیرد. ایمان مثل گرمای درون آتش است، مثل محبت درون قلب مادر است و مثل قوت سیر کنندگی است که در گندم هست! گرمای آتش، محبت مادر و قوت گندم ذاتاً در آنها هستند! این موهبت ها را کسی بآنها نداده و کسی نمیتواند از آنها بگیرد!

عشق و ایمان پاک، نور علم و آگاهی جاودان و محبت بطور ذاتی در انسان هست و هر کسی میتواند آنها را در خود بجوید و بیابد .



अविभक्तं च भूतेषु विभक्तामिव च स्थितम् ।

भूतभर्तृ च तज्ज्ञेयं ग्रसिष्णु प्रभाविष्णु च ॥१६॥

ترجمه: پرماتما علیرغم اینکه یکپارچه است باشکال جداگانه موجود است. آن پرماتما که قابل شناختن است تمام موجودات زنده را خلق میکند، از آنها نگهداری و حمایت میکند و آنها را نابود میکند.

تفسیر: پرماتما تا زمانی که یکپارچه است دیده نمیشود ولی بمحض اینکه تقسیم میشود و باشکال گوناگون درمیآید تبدیل به این جهان میشود و

دیده میشود. این جهان شگفت انگیز شامل اجسام و موجودات گوناگون شکل جسمانی و مادی پرماتما است. خالق و مخلوق ظاهر آ دو تا هستند ولی در حقیقت یکی هستند، حامی و حمایت شونده در ظاهر دو تا ولی در حقیقت یکی هستند، کشنده و کشته شونده در ظاهر دو تا ولی در حقیقت یکی هستند. پرماتما علیرغم اینکه یکی است بشمار است و علیرغم اینکه بشمار است یکی است.



ज्योतिषामपि तज्ज्योतिस्तमसः परमुच्यते ।

ज्ञानं ज्ञेयं ज्ञानगम्यं हृदि सर्वस्य विष्ठितम्॥१७॥

ترجمه: پرماتما نور علم است و ماه و خورشید و تمام اشیاء نورانی نور خود را از او میگیرند. گفته میشود که پرماتما در ماوراء جهالت است، خودش منبع علم است و سزاوار آن است که بتوسط علم شناخته شود. در ودا گفته شده که او در قلب همه ساکن است.

تفسیر: اشیاء دنیا در روشنائی روز و یا بکمک نور چراغ دیده میشوند ولی فقط دیده شدن کافی نیست بلکه عقل باید آن چیزها را بشناسد و تشخیص بدهد. پرماتما نور جاودان است، همه از او نورانی هستند و همه در نور او دیده میشوند. قدرت درک و تشخیص عقل انسان محدود به اجسام مادی است و پرماتما را که در ماوراء ماده است نمیتواند بکمک چشم خود ببیند و نمیتواند بکمک عقل خود بشناسد. انسان برای دیدن و شناختن پرماتما نیاز به نور علم برهم دارد.

انسان حتی بعد از حاصل کردن اشیاء مادی نیز رضایت کامل را احساس نمیکند زیرا در تمام چیزهای دنیا کمی حقیقت و کمی دروغ هست و انسان بطور ناخودآگاه حقیقت را میخواهد، چیزی را میخواهد که برای همیشه برایش بماند ولی میبیند که هیچیک از اشیائی که حاصل میکند برای همیشه نمیمانند. همانطور که بدون نان گرسنگی و بدون آب تشنگی رفع نمیشود بدون رسیدن به پرماتما هم عطش انسان برای رضایت کامل و مسرت ابدی برطرف نمیشود.

علم برهم پرده از راز نهان برمیدارد و سادک بعد از طی راهی که شاید هزاران سال پیش آغاز کرده حقیقت را درمییابد و به پرماتما میرسد یعنی یکی بودن خود را با پرماتما درک و تجربه میکند.

~~~~~

इति क्षेत्रं तथा ज्ञानं ज्ञेयं चोक्तं समासतः ।

मदभक्त एतद्विज्ञाय मदभावायोपद्यते ॥१८॥

**ترجمه:** من در باره جسم، روح و علم برهم بطور خلاصه برایت توضیح دادم. بکت بیریا بخاطر ایمانی که بمن دارد اینها را درک میکند و با من یکی میشود.

**تفسیر:** بغوان میگوید که فقط کسیکه غرورش را ترک کرده و بمن ایمان دارد گفته هایم را میفهمد! سادکی که روش کسب علم برهم را در پیش میگیرد و هدفش رسیدن به درک پرماتما و موکشا است باید بداند که برای رسیدن به موکشا فقط کسب علم برهم کافی نیست بلکه او باید یک بکت باشد و او را بپرستد

روح (پرماتما) یکی است، دوتا نیست! یعنی روح انسان و روح متعال یکی هستند. سادک گیان یوگی بکمک علم برهم با برهم یکی میشود یعنی مثل او مظهر حقیقت – نور علم و مسرت پاک میشود و بکت با عشق و ایمانی که به بغوان دارد با او یکی میشود یعنی مثل بغوان میشود.

~~~~~

प्रकृतिं पुरुषं चैव विद्वयनादी उभावपि ।

विकारांश्च गुणांश्चैव विद्वि प्रकृतिसम्भवान् ॥१९॥

कार्यकरणकर्तृत्वे हेतुः प्रकृतिरुच्यते ।

पुरुषः सुखदुःखानां भोक्तृत्वे हेतुरुच्यते ॥२०॥

ترجمه: جسم (طبیعت مادی) و روح موجودات هر دو جاودان هستند. روح موجودات کامل و بی ایراد است و تمام ایرادها و کمبودهای انسان از طبیعت بوجود میآیند. در ودا گفته شده که تمام فعالیت ها از طبیعت

سرچشمه میگیرند و مسئول تجربه خوشیها و غمهای انسان همان فعالیتهای او میباشند.

تفسیر: طبیعت بدلیل فعال بودنش در او تغییرات و دگرگونی هائی بوجود میآیند ولی روح فعال نیست و بهمین دلیل او هرگز دگرگون نمیشود. اگر انسان در شرایط خوب و بد زندگی از خود عکس العمل نشان ندهد و فکرش آرام بماند آنموقع خوشیها و غمها را تجربه نخواهد کرد و به موکشا خواهد رسید.



पुरुषः प्रकृतिस्थो हि भुङ्क्ते प्रकृतिजान्गुणान् ।

कारणं गुणसङ्गोऽस्य सदसद्योनिजन्मसु ॥२१॥

ترجمه: روح موجود زنده بهمراه جسم خود در طبیعت زندگی میکند و تجربیات جسمش بر او اثر میگذارند. همین تأثیرات خوب و بد زندگی باعث تولدهای بعدی او میشوند.

تفسیر: هر چیزی که در این دنیا هست جزئی از طبیعت و ساخته طبیعت است. طبیعت دارای سه طبع عالی، فعال و سست است و این سه طبع در هر چیز هست. تغییراتی که در طبیعت بوجود میآیند بر جسم انسان تأثیر میگذارند. طبع انسان باعث فعالیتهای او میشود و نتایج این فعالیتهای افکار او را بهم میزنند.

هر کس اینرا تجربه کرده که خوشیها و غمها میآیند و میروند و برای همیشه نمیمانند ولی انسان بدلیل علاقه ای که به خوشی دارد باین واقعیت توجه نمیکند! همانطور که هیچ روزی بدون شب نیست هیچ خوشی هم بدون غم نیست و بنابراین کسی که غمها را نمیخواهد نباید بدنبال خوشی برود. انسان فقط باید با آنچه که از سوی سرنوشت باو داده میشود راضی باشد! هر کسی نسبت به طبع خودش بسوی اشخاص، اشیاء و کارهای گوناگون متمایل میشود و نتایج آنها را دریافت میکند و همین برایش خوشیها و غمها را ببار میآورند!

شخص خردمند با توجه باین حقیقت که خوشی و غم هر دو موقتی هستند در مقابل آنها بی تفاوت میماند و در آرامش زندگی میکند.



उपद्रष्टानुमन्ता च भर्ता भोक्ता महेश्वरः ।

परमात्मेति चाप्युक्तो देहेऽस्मिन्पुरुषः परः ॥२२॥

ترجمه: روح انسان مثل یک شاهد غیرفعال فعالیت‌های جسم را مشاهده میکند. روح انسان در ماوراء جسم است و ارتباطی با جسم و کارهای او ندارد.

تفسیر: روح انسان مثل پرما‌ت‌ما ابدی، کامل، بی‌حرکت، و تغییرناپذیر است. روح انسان در مجاورت جسم خود خوشی‌ها و غم‌ها را تجربه میکند و بارها با اشکال مختلف بدنیا می‌آید.

~~~~~

य एवं वेत्ति पुरुषं प्रकृतिं च गुणैः सह ।

सर्वथा वर्तमानोऽपि न स भूयोऽभिजायते ॥२३॥

**ترجمه:** کسیکه خصوصیات روح و جسم انسان را بدرستی فهمیده علیرغم اینکه به کارهای روزمره اش ادامه میدهد قلباً به اشیاء دنیا دل نمیبندد و گرفتار عمل نمیشود و باین ترتیب مجدداً به دنیای مادیات نمی‌آید.

**تفسیر:** مسلط نبودن بر حواس خود باعث ناآرامی افکار انسان میشود و ناآرامی افکار باعث بوجود آمدن خواسته‌ها میشود و خواسته‌ها سادک را وادار به فعالیت‌های غیرضروری میکنند و باین ترتیب سادک از راهی که انتخاب کرده به بیراهه میرود. بنابراین سادک باید بر حواس خود تسلط پیدا کند.

~~~~~

ध्यानेनात्मनि पश्यन्ति केचिदात्मानमात्मना ।

अन्ये साङ्ख्येन योगेन कर्मयोगेन चापरे ॥२४॥

ترجمه: بعضی از سادک‌ها بکمک یوگای تمرکز فکر، بعضی بکمک روش انجام وظایف و گروهی دیگر بکمک سانکیا یوگا در درون خود پرما‌ت‌ما را درک و تجربه میکنند.

تفسیر: بسیاری از بکت‌ها بدون اینکه علمی داشته باشند بغوان را میپرسند. این اشخاص ساده و بیسواد حتی نمیدانند موکشا چیست! آنها با

عشق ساده خود محبت، سادگی، از خود گذشتگی، خدمت بیریا، دوستی و صلحجویی را در بین مردم ترویج میدهند و آزارشان به کسی نمیرسد! بغوان میگویند اینها بهترین پیروان من هستند و من آنها را بسیار دوست دارم. شاید اعتقاد این مردم بیسواد کورکورانه بنظر بیاید ولی عشق آنها از علم عمیقی سرچشمه میگیرد که از ازل در ذات آنها هست. این عشق پاک را با کلمات نمیتوان توصیف کرد.

روش سانکیا یوگا Sankhya Yog सांख्ययोग بمعنای ایمان همراه با علم است! در این روش بکت عابد علاوه بر ایمانی که به بغوان ساکار دارد به کسب علم میپردازد و با علم و عشق پاکی که به بغوان دارد او را میپرسند و با او یکی میشود.

سادک جویای پرماتما از طریق تمرکز فکر میتواند از قید خواسته هایش رها شود. سمادی بالاترین مرحله تمرکز فکر و آرامترین حالت فکر و جسم است. سادک در این حالت آرامش یکنواخت درون را تجربه میکند ولی این حالت برای مدت کوتاهی است و دائمی نیست.

یافتن پرماتما در درون خود نیاز به هیچ تلاشی ندارد! در واقع تلاشهای انسان باعث دور شدن از پرماتما میشوند. در این راه حتی گورو هم نمیتواند سادک را یاری کند و سادک باید خودش در درون خود پرماتما را پیدا کند.



अन्ये त्वेवमजानन्तः श्रुत्वान्येभ्य उपासते।

तेऽपि चातितरन्त्येव मृत्युं श्रुतिपरायणाः॥२५॥

ترجمه: کسانی که هیچیک از روشهای ذکر شده را نمیدانند و یا قادر به پیروی از این روشها نیستند میتوانند در جوار عالمان و یوگی ها و با پیروی از گفته های آنها موفق به درک پرماتما شوند و جاودان بودن خود را درک و تجربه کنند.

تفسیر: مرگ در واقع فقط برای جسم اتفاق میافتد و بر روح تأثیری ندارد! بعضی از سادکهای علاقمند بدون خواندن کتب علمی در جوار عالمان و با خدمت صادقانه به آنها علم برهم را خودبخود از آنها یاد میگیرند.

این قانون طبیعت است که هر کسیکه بدنیا میآید یکروز از دنیا میروود و به طبیعت میپیوندد. افراد نادان از تصور این واقعیت نگران میشوند ولی سادک خردمند این واقعیت را قبول میکند و زندگی را در خدمت بمردم سپری میکند

~~~~~

यावत्सञ्जायते किञ्चित्सत्त्वं स्थावरजङ्गमम् ।

क्षेत्रक्षेत्रज्ञसंयोगात्तद्विद्धि भरतर्षभ ॥ ۲۶ ॥

**ترجمه:** ای ارجون! این را بدان که تمام موجودات زنده از ترکیب جسم ماده و روح نر بوجود آمده اند.

**تفسیر:** تمام موجودات به ارادهٔ پرماٲما و بکمک قدرت شگفت انگیز مایا که متعلق باوست خلق میشوند.

~~~~~

समं सर्वेषु भूतेषु तिष्ठन्तं परमेश्वरम्।

विनश्यत्स्वविनश्यन्तं यः पश्यति स पश्यति॥ ۲۷ ॥

ترجمه: کسیکه در تمام موجودات فانی ٲرم ایشور فناٲاٲیر را میبیند درست میبیند.

تفسیر: ٲرماٲما بشکل کامل خود در تمام موجودات هست. کسیکه این حقیقت را درک میکند حقیقت را آنٲور که هست میبیند.

در آسمان ٲهناور گاهی تاریکی شب و گاهی روشنائی روز ٲراکنده میشود، گاهی ابر سیاه و گاهی نسیم خوشگوار احساس میشود! گاهی صدای ابرها و گاهی صدای غرش شیر بگوش میرسد و گاهی در آن سکوت مطلق هست ولیکن در تمام اینها آسمان فقط یک نظاره گر است و هیچیک از این اتفاقات در او تأثیری نمیگذارند. تولد و مرگ و تمام کارهای دیگر دنیا نیز در ٲرماٲما اتفاق میافتند ولیکن بر ٲرماٲما تأثیری نمیگذارند و او فقط یک نظاره گر است! او نه کاری میکند و نه کسی را بکاری وادار میکند.

~~~~~

समं पश्यन्हि सर्वत्र समवस्थितमीश्वरम् ।

न हिनस्त्यात्मनात्मानं ततो याति परां गतिम् ॥ ۲ۮ ॥

**ترجمه:** کسیکه ایشور را در همه میبیند نمیتواند به کسی ظلم کند. این شخص مسلماً به سعادت معنوی میرسد.

**تفسیر:** کسیکه ایشور را در همه میبیند حتی آزار دیگران را هم لطف ایشور تلقی میکند و آنرا با صبوری میپذیرد.

شخص نادان با افزایش ثروتش خود را با ارزشتر از دیگران تصور میکند، با کسب تحصیلات خود را عاقلتر از دیگران تصور میکند و با رسیدن به مقام بلند خود را برتر از دیگران میداند. شخص خردمند از داشتن هیچیک از این چیزها بخود نمیبالد و نه تنها بر غرورش افزوده نمیشود بلکه بیشتر فروتن میشود. او میداند که چیزهائیکه دارد بطور موقتی در اختیارش گذاشته شده اند و خود را مالک چیزی نمیداند او میداند که پرماتمائی که در اوست در دیگران هم هست و بین خودش و دیگران فرقی نمیبیند. سادگی که دارای اینگونه بینش روشن است مسلماً یکروز به موکشا خواهد رسید.



प्रकृत्यैव च कर्माणि क्रियमाणानि सर्वशः ।

यः पश्यति तथात्मानमकर्तारं स पश्यति ॥२९॥

**ترجمه:** کسی که این حقیقت را درک کرده که همه کارها بتوسط طبیعت انجام داده میشوند و خود را کننده کارها نمیداند همه چیز را درست میبیند.

**تفسیر:** حیواتما (روح انسان) مثل پرماتما (روح متعال) نور علم جاودان است و همیشه یکنواخت و آرام است. طبیعت که از مایا بوجود آمده همیشه فعال است. در واقع حتی زمانیکه طبیعت آرام و بیحرکت بنظر میآید نیز در حال فعالیت است و حتی برای یک لحظه هم از فعالیت باز نمیایستد. طبیعت دارای سه طبع بنامهای طبع آرام (ساتویک)، طبع فعال (راجسیک) و طبع سست (تامسیک). تمام چیزهائیکه در دنیا موجود هستند از طبیعت بدنیا آمده اند و این سه طبع در تمام آنها باندازه های گوناگون وجود دارند. این سه طبع همیشه فعال هستند و تمام کارهای دنیا با الهام از همین سه طبع و در سایه آنها انجام میگیرند.



यदा भूतपृथग्भावमेकस्थमनुपश्यति ।

तत एव च विस्तारं ब्रह्म सम्पद्यते तदा ॥३०॥

**ترجمه:** وقتی که سادک تمام حالات و صفات موجودات را ساخته طبیعت میداند و میفهمد که تمام این موجودات، کارها و حالات و اتفاقات دنیا کارهای طبیعت میباشند در آنموقع او با برهم یکی شده است.

**تفسیر:** جسم تمام موجودات، صفات، خصوصیات، تمایلات، دگرگونیها، فعالیتها و هر چیز دیگر در این دنیا از طبیعت بوجود میآیند، جزئی از طبیعت هستند، در طبیعت زندگی میکنند و در آخر به طبیعت می پیوندند.

علاقه بیش از حد و وابستگی به اشیاء و اجسام و فامیل و دوستان دلیل جهالت است. با از بین رفتن جهالت پرده از روی مایا برداشته میشود و انسان لیاقت و آمادگی جستجوی پرماتما را پیدا میکند.

~~~~~

नादित्वान्निर्गुणत्वात्परमात्मायमव्ययः ।

शरीरस्थोऽपि कौन्तेय न करोति न लिप्यते ॥३१॥

ترجمه: روح انسان پاک، بی آغاز، بی پایان بدون طبع و غیرفعال است. او نه کاری میکند و نه به چیزی وابسته است.

تفسیر: انسان با کارهائیکه میکند گرفتار عمل میشود و در نتیجه گرفتار دنیا میشود. اگر سادک فقط کارهائیرا که وظیفه اش هستند انجام بدهد و از نتیجه آنها راضی باشد از قید کارهای غیرضروری رها خواهد شد. وقتی که حس مالکیت در انسان از بین برود فهمیدن علم برهم آسان میشود و او بشکل یک شاهد اجسام و کارهای دنیا را مینگرد.

~~~~~

यथा सर्वगतं सौक्ष्म्यादाकाशं नोपलिप्यते।

सर्वत्रावस्थितो देहे तथात्मा नोपलिप्यते॥३२॥

**ترجمه:** همانطور که فضا در همه جا هست ولی متکی به چیزی نیست نور علم برهم نیز در تمام ذرات این جهان گسترده شده ولی به چیزی آلوده نیست.

**تفسیر:** همانطور که آتش بطور نهفته در هیزم هست نور علم جاودان هم بطور نهفته در هر چیز و هر کسی هست. چیزی بجز پرماتما در جهان نیست. هر چیز که در دنیا دیده میشود تصورات انسان است و حتی پایه این تصورات هم پرماتما است. جهان خلق و نابود میشود ولی پرماتما همانطور که بوده میماند. پرماتما "یکی" است و "بیشمار" است. او یوگای یوگی ها، علم عالمان، زهد مردان زاهد و عشق عاشقان است. او یوگی است، او عالم است، او زاهد است و او عاشق است.



यथा प्रकाशयत्येकः कृत्स्नं लोकमिमं रविः।

क्षेत्रं क्षेत्रि तथा कृत्स्नं प्रकाशयति भारत ॥३३॥

**ترجمه:** ای ارجون! همانطور که آفتاب به دنیا روشنی میبخشد پرماتما نیز روشنی بخش این جهان بیکران است.

**تفسیر:** تمام فعالیتها در روشنی روز انجام میگیرند ولی آفتاب در آن کارها دخالتی نمیکند و توجهی به خوبی و بدی کارها ندارد! پرماتما نیز فقط شاهد کارها و اتفاقاتی است که در دنیا میافتند و در آنها دخالت نمیکند. شخص بی تکبری که علیرغم داشتن تحصیلات، ثروت، مقام و یا سرشناس بودنش به کسی فخر نمیفروشد و در کمال فروتنی به مردم خدمت میکند و در ازای کارهایش از کسی توقعی ندارد یک انسان کامل است. انسان در حقیقت فقط برای حفظ جانش مجبور به کار و فعالیت است و بجز آن هر کار و تلاشی دلیل بر جهالت، طمع، غرور و هوسهایش میباشد. با از بین رفتن این نقص ها فعالیتهای غیرضروری انسان تمام میشوند.



क्षेत्रक्षेत्रज्ञयोरेवमन्तरं ज्ञानचक्षुषा ।

भूतप्रकृतिमोक्षं च ये विदुर्यान्ति ते परम् ॥३४॥

**ترجمه:** کسیکه با بینش خردمندانه به موضوع مربوط به جسم و روح نگاه میکند خود را از غرورش که زائیده طبیعت است جدا میبیند.

**تفسیر:** چشم خرد و بینش عالمانه بمعنای فهمیدن فرق بین حقیقت و دروغ، فانی و باقی، و جسم و روح میباشد. جسم دارای نقص ها و

کمبودهای بسیاری است و بهمین دلیل دائماً در حال فعالیت و دگرگونی است و بسوی تکامل می‌رود. ولی روح که در ماوراء جسم و شاهد جسم است همیشه آرام و غیرفعال است و هرگز تغیر نمی‌کند. کسیکه این حقیقت را می‌فهمد و آنرا تجربه می‌کند دارای چشم خرد است. سادگی که بینش خردمندانه دارد فریب اشیاء دنیا را نمی‌خورد.

در ودا گفته شده که برای فهمیدن علم برهم سادک باید صفات عالی اخلاقی داشته باشد و با پیروی از گفته ها و راهنمائیهای گورو این علم را کسب کند. نور علم برهم تاریکی جهالت را از بین میبرد و هیچ ترس و نگرانی باقی نمی‌ماند. علم برهم مثل شیر پاک و خالص است و برای حفظ آن در حافظه خود افکار و احساسات سادک باید یک ظرف پاک و سالم باشد.

پایان بخش سیزدهم بهاگواد گیتا – علم برهم  
گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون

\*\*\*\*\*

॥ ॐ श्री परमात्मने नमः ॥

## بخش چهاردهم

श्रीभगवानुवाच

परं भूयः प्रवक्ष्यामि ज्ञानानां ज्ञानमुत्तमम्।

यज्ज्ञात्वा मुनयः सर्वे परां सिद्धिमितो गताः॥१॥

**ترجمه:** شیری بغوان گفت: من در باره علم برهم که بهترین و با ارزشترین علم در دنیا است مجدداً برایت توضیح خواهم داد، علمی که با دانستن آن تمام مونی ها از کارها و اشیاء دنیا رها شده و به بالاترین مقام رسیده اند.

**تفسیر:** دانش بشری شامل علوم مربوط به دنیا و اشیاء دنیا، بهشت خدایان و جهنم شیاطین است. علم برهم برتر از دانش است و بعد از یاد گرفتن این علم چیز دیگری برای یادگیری باقی نمی ماند. با کسب این علم شخص عالم از هر چیز دنیا بی نیاز میشود و کارهای غیرضروری خودبخود او را ترک میکنند. عالمان و ارسته با دانستن این علم خواسته ها و کارهای غیرضروری را ترک کرده و به موکشا رسیده اند و یکی بودن خود را با پرما تمّا تجربه کرده اند.

عالم پارسا حقیقت را می شناسد و بدون توصل به دروغ زندگی میکند. او فقط بوقت ضرورت سخن میگوید و فقط باندازه ضرورت میخورد و میخوابد و از اشیاء استفاده میکند و از اجتماع مردم دنیا پرست دوری میکند. این شخص برترین عالم است و مونی Muni خطاب میشود. اکثر عالمان قبل از رسیدن به پرما تمّا به قدرتهای مافوق بشری میرسند و از آنها برای حاصل کردن اموال و اشیاء دنیا و یا برای کسب شهرت و مقام استفاده میکنند. این قدرتها نیز مثل هر چیز دیگر دنیا موقتی هستند، میآیند و میروند! عالم خردمند قدرتهای مافوق بشری را بی ارزش میداند و آنها را طرد میکند.

~~~~~

इदं ज्ञानमुपाश्रित्य मम साधर्म्यमागताः ।

सर्गेऽपि नोपजायन्ते प्रलये न व्यथन्ति च ॥२॥

ترجمه: کسی که در پناه علم مرا شناخته و مثل من شده بوقت نابودی دنیا از بین نمیرود و در آغاز خلقت مجدد این جهان دوباره متولد نمیشود.

تفسیر: خوشی، غم، موفقیت و شکست و مصائب دنیا به زندگی هر کسی و حتی به زندگی یک عالم، یک عابد، یک زاهد و یک یوگی هم میآیند. فرق این مردان با اشخاص عادی این است که اشخاص عادی خوشیها و غمها را قبول میکنند و در مقابل آنها از خود عکس العمل نشان میدهند و همین باعث اغتشاش فکر و بیماریهای جسمانی آنها میشود ولی این مردان معظم به خوشیها و غمهای دنیا بی تفاوت شده و در مقابل آنها هیجانزده یا دلسرد نمیشوند.

~~~~~

मम योनिर्महदब्रह्म तस्मिन्गर्भं दधाम्यहम् ।

सम्भवः सर्वभूतानां ततो भवति भारत ॥३॥

**ترجمه:** ای ارجون! طبیعت ماده که تمام موجودات را در بطن خود میپروراند نیز خود منم. تخم زندگی را من در این بطن میکارم و از آمیزش این تخم با طبیعت ماده این جهان و موجودات جاندار و بیجان بوجود میآیند.

**تفسیر:** طبیعت شکل مادی من است. طبیعت تابع من است، بدون من هیچ نیروئی ندارد و تمام قوایش را من باو میدهم.

~~~~~

सर्वयोनिषु कौन्तेय मूर्तयः सम्भवन्ति याः ।

तासां ब्रह्म महद्योनिरहं बीजप्रदः पिता ॥४॥

ترجمه: این طبیعت زیبا و شگفت انگیز که تمام موجودات از بطن او بدنی میآیند مادر جهان است و من که تخم زندگی را در بطن او میکارم پدر این جهان هستم.

تفسیر: آنها که بدلیل هوسهایشان فریب ظواهر دنیا را میخورند نمیتوانند اشیاء و لذات دنیا را برای لحظه ای فراموش کنند و بهمین دلیل

اصلالت خود را فراموش میکنند! ولی شخص عالم میداند که اشیاء و لذات دنیا هم بدون نور پرماتما دیده نمیشوند.

اگرچه که ابرهای آسمان جلوی آفتاب را میگیرند و او را برای مدتی از انظار پنهان میکنند ولی خود آن ابرها هم بتوسط نور همان آفتاب دیده میشوند. یعنی حتی جهالت انسان هم در نور علم دیده میشود. این دنیای پر از زرق و برق و تجملات روی مرا میپوشاند ولی تمام اینها هم بکمک نور من دیده میشوند. تو بکمک روشنی من که همان نور علم است دنیا را کنار بزن! آنموقع مرا خواهی دید!



सत्त्वं रजस्तम इति गुणाः प्रकृतिसम्भवाः ।

निबध्नन्ति महाबाहो देहे देहिनमव्ययम् ॥५॥

ترجمه: گوش کن ارجون! سه طبعی که طبیعت به انسان داده عبارتند از: طبع پاک و آرام Purity ، طبع فعال و پرهیجان Passion و طبع غیرفعال passive . این سه طبع باعث میشوند که انسان در قید کارها و اشیاء دنیا بماند.

تفسیر: طبیعت شامل سه طبع گوناگون است و همانطور که صفات مادر در فرزندان هم دیده میشوند این سه طبع موجود در طبیعت نیز در تمام موجودات دنیا دیده میشوند. هر کسی در دنیا این سه طبع را بمقدار کم و زیاد دارد! هیچکس نیست که فقط طبع پاک و آرام داشته باشد و هیچکس نیست که فقط سست و نادان باشد یا فقط فعال و همیشه پر جنب و جوش باشد! حتی در بدترین انسان هم خوبیهای هست و در خویترین انسان هم خصوصیات بد دیده میشوند. این صفات و طبع سه گانه ارتباطی با روح انسان ندارند.



तत्र सत्त्वं निर्मलत्वात्प्रकाशकमनामयम् ।

सुखसङ्गेन बध्नाति ज्ञानसङ्गेन चानघ ॥६॥

ترجمه: ای ارجون، ای آنکه سرشت پاک داری! طبع پاک انسان را بسوی روشنی هدایت میکند. کسیکه دارای طبع پاک است خوشی پاک را میجوید و به کسب علم برهم علاقمند میشود.

تفسیر: کسیکه دارای طبع پاک است بخاطر آرامشی که دارد علم برهم را بهتر از دیگران میفهمد و آنرا زودتر از دیگران یاد میگیرد و بهتر از دیگران آنرا در خاطرش حفظ میکند. ولیکن با کسب این علم سادک احساس غرور میکند و خود را از دیگران با ارزشتر محسوب میکند. مقدار سه طبعی که ذکر شدند در هر موجودی متفاوت است. در بعضی ها طبع پاک بر دو طبع دیگر برتری دارد، در بعضی ها طبع پرهیجان و فعال بیشتر است و در بعضی ها طبع رخوت و خرابکاری بر دو طبع دیگر برتری دارد. کسیکه طبع پاکش قویتر از دو طبع دیگر است وجود نقص ها را در خود می بیند و در صدد اصلاح آنها برمیآید. وقتیکه سادک هر سه طبع را میشناسد، تمایلات خوب و بد را میشناسد، هیجانات، عکس العمل و ایرادهای افکار و اعمال را میشناسد خود را برتر از دیگران میبیند و آرزو میکند که علم او برای همیشه بماند و همین علاقه به علم هم یکنوع وابستگی است و سدّ راه سادک است. باین ترتیب حتی طبع پاک هم میتواند سادک را در قید خود نگاهدارد! در این شرایط سادک باید باین نکته توجه کند که هدف من رسیدن به مسرت و علم برهم نیست بلکه هدف من رسیدن به پرماتما است. سادک عالم با خود میگوید که "من عالم هستم"، "من پاک و بی ایراد هستم"، "من برتر از دیگرانم" و همین غرور سدّ راه او میشود. وقتیکه علاوه بر علم برهم در قلب سادک عشق و ایمان به بغوان پیدا میشود غرورش از بین میرود و خودش مظهر زنده حقیقت، نور علم و مسرت میشود و با بغوان یکی میشود. این بالاترین مرتبه انسانی است!



रजो रागात्मकं विद्धि तृष्णासङ्गसमुद्भवम् ।
तन्निबध्नाति कौन्तेय कर्मसङ्गेन देहिनम् ॥७॥

ترجمه: ای ارجون! طبع فعال انسان باعث علاقه او به کارها و فعالیت میشود. این طبع باعث تولید خواسته های گوناگون و وابستگی انسان به اشیاء دنیا میشود.

تفسیر: اکثر مردم دنیا دارای طبع فعال میباشند. برای سادگی که دارای طبع فعال است روش انجام وظیفه توصیه شده است. با در پیش گرفتن این روش سادک بتدریج از قید اعمال و کارهای غیرضروری رها میشود و بر طبع فعال خود غلبه میکند و به طبع بالاتر یعنی طبع پاک میرسد. افکار آشفته، هیجانات و فعالیتهای غیرضروری سد راه سادک هستند و سادک باید از آنها دوری کند.



तमस्त्वज्ञानं विद्धि मोहनं सर्वदेहिनाम् ।

प्रमादालस्यनिद्राभिस्तन्निबध्नाति भारत ॥८॥

ترجمه: طبع جهالت از کمبود علم بوجود میآید. اکثر مردم دنیا گرفتار جهالت هستند. کسیکه دارای این طبع است وظیفه شناس است و به خواب و راحتی جسم خود بسیار اهمیت میدهد.

تفسیر: شخص سست و جاهل احساس مسئولیت نمیکند، اشتباهاتش را تکرار میکند و کارهایی را انجام میدهد که به او مربوط نیستند. طبع سست اجازه نمیدهد که انسان حتی در زندگی عادی هم موفق باشد چه رسد به مسرت معنوی!

هر سه طبع پاک، پرهیجان فعال و طبع سست انسان را در قید کارها و اشیاء دنیا نگاه میدارند ولی با هم تفاوت بسیار دارند. اگر هدف سادک رسیدن به پرماثما باشد و در این راه با نظم و جدیت تلاش کند میتواند بر طبع سست خود غلبه پیدا کند.

سادک باید تلاش کند که از طبع سست به طبع فعال و از طبع فعال به طبع پاک برسد و در نهایت حتی طبع پاک را نیز پشت سر بگذارد و در ماوراء هر سه طبع پرماثما را بشناسد و با او یکی بشود.



सत्त्वं सुखे सञ्जयति रजः कर्मणि भारत ।

ज्ञानमावृत्य तु तमः प्रमादे सञ्जयत्युत ॥९॥

ترجمه: طبع پاک در زندگی سادک خوشی و موفقیت‌های پاک به‌مراه می‌آورد. این خوشی‌های پاک سادک را در قید خود نگاهمیدارند و او را از رسیدن به هدفش بازمیدارند. یعنی هر دو طبع پاک و فعال بر سادک پیروز میشوند. طبع سست روی علم سادک را میپوشاند و سادک در این حالت حتی از جهل خود هم بیخبر است و نمیداند که زندگی اش در بطلت میگذرد.

تفسیر: این سه طبع در طبیعت هستند ولی پرماتما در ماوراء طبیعت است و بنابر این سادکی که در تلاش یافتن حقیقت و رسیدن به پرماتما است باید بر هر سه آنها غلبه کند.

کسی که دارای طبع پاک است نور علم و رضایت خاطر در چهره اش بوضوح دیده میشود. کسی که دارای طبع فعال و پرهیجان است هوسهای گوناگون دارد و همیشه ناآرام است و کارهایش هرگز تمام نمیشوند. کسیکه دارای طبع سست است همیشه ناراضی است و از هر چیز و هر کسی شکایت میکند، از انجام وظیفه اش فرار میکند، متوجه اشتباهات خود نیست و در صدد رفع اشتباهاتش برنمی‌آید.



रजस्तमश्चाभिभूय सत्त्वं भवति भारत।

रजः सत्त्वं तमश्चैव तमः सत्त्वं रजस्तथा ॥१०॥

ترجمه: با غلبه بر دو طبع سست و فعال طبع پاک در وجود سادک افزایش مییابد و او به کسب علم برهم و کارهای نیک علاقمند میشود. وقتی که دو طبع پاک و طبع سست در انسان کم باشند طبع پرهیجان در او افزایش مییابد و علاقه او به فعالیت و تکثیر ثروت افزایش می‌یابد. با کم شدن دو طبع پاک و طبع فعال در انسان طبع سست در او افزایش می‌یابد.

تفسیر: طبع انسان از هزاران سال پیش در ذات او نهفته است و بآسانی عوض نمیشود. برای مقابله با دو طبع فعال و سست سادک بدون اینکه با آنها بجنگد باید با آنها مثل یک کودک بنرمی و با صبوری رفتار کند و آنها را بتدریج عوض کند. هر کاری از راه مسالمت آمیز بهتر انجام میگیرد و دیر یا زود به نتیجه دلخواه میرسد.



सर्वद्वारेषु देहेऽस्मिन्प्रकाश उपजायते ।

ज्ञानं यदा तदा विद्याद्विवृद्धं सत्त्वमित्युत ॥११॥

ترجمه: وقتی که بر روی همه دروازه های جسم انسان نور علم و خرد بتابد آنموقع باید دانست که طبع پاک بر دو طبع دیگر پیروز شده است.
تفسیر: علاقه به تحصیل علم برهم نشانه طبع پاک انسان است. سادک نباید بخاطر خصوصیات عالی که در او هست بخود بیالد و احساس غرور کند بلکه باید همیشه فروتن باشد.

~~~~~

लोभः प्रवृत्तिरारम्भः कर्मणामशमः स्पृहा ।

रजस्येतानि जायन्ते विवृद्धे भरतर्षभ ॥१२॥

**ترجمه:** ای ارجون! افزایش طبع فعال در انسان باعث علاقه اش به جمعآوری ثروت، تمایلات جنسی، کارهای پر منفعت و رقابت با دیگران میشود و این تمایلات و هیجانات باعث تشویش افکارش میشوند.  
**تفسیر:** طبع فعال انسان را وادار به فعالیتهای غیرضروری میکند و انسان هرگز احساس رضایت نمیکند. برای رهایی از این طبع سادک باید به تجملات و اشیاء غیرضروری توجه نکند و در سادگی زندگی کند.

~~~~~

अप्रकाशोऽप्रवृत्तिश्च प्रमादो मोह एव च ।

तमस्येतानि जायन्ते विवृद्धे कुरुनन्दन ॥१३॥

ترجمه: افزایش طبع سست در انسان باعث کودن شدن عقل، بیعلاقگی به انجام وظیفه و سردرگمی میشود.

تفسیر: افراد دارای طبع سست همیشه ناراضی هستند و دیگران را مسئول مشکلات زندگی خود میدانند و از هرچیز و هرکسی شکایت میکنند. آنها راه درست و غلط را نمیتوانند تشخیص بدهند و به سخن عالمان توجه نمیکند. این افراد مرتکب اشتباهات بسیاری میشوند و بخود و بدیگران آزار میرسانند.

این سه طبع در هر چیزی وجود دارند. این طبع ها تغیر پذیرند و انسان میتواند با همت خود از طبع سست بکاهد و بتدریج به طبع فعال خود بیافزاید و از طبع فعال بکاهد و به طبع پاک خود بیافزاید. شیری بغوان در ماوراء طبیعت است و هیچ طبعی ندارد. بنابراین برای رسیدن به بغوان سادک باید از هر سه طبع بگذرد.



यदा सत्त्वे प्रवृद्धे तु प्रलयं याति देहभृत् ।
तदोत्तमविदां लोकानमलान्प्रतिपद्यते ॥१४॥

ترجمه: سادکی که طبع پاک را در خود پرورش میدهد بعد از وفات به بهشت پاک بیگناهان میرود.

تفسیر: کسی که طبع پاک دارد بدون توجه به فواید شخصی خود کارهای خیریه بسیاری انجام میدهد و آزارش به کسی نمیرسد. مردان با خرد طبع پاک را در خود پرورش میدهند. اینگونه اشخاص اگر به کارهای خیری که میکنند و به فوایدی که حاصل میکنند وابسته نشوند و اگر از آن کارها احساس غرور و تکبر نکنند آنموقع به ماوراء طبع پاک میرسند و مثل بغوان میشوند و بمقام ابدی بغوان میرسند. در غیر اینصورت بعد از وفات به بهشت مردان پاک میروند.



रजसि प्रलयं गत्वा कर्मसङ्गिषु जायते ।
तथा प्रलीनस्तमसि मूढयोनिषु जायते ॥१५॥

ترجمه: کسیکه طبع فعال دارد بعد از وفات مجدداً در خانواده مردم فعال و پرجنب و جوش دنیا میآید و کسیکه طبع سست دارد بعد از وفاتش مجدداً در خانواده مردم نادان و وظیفه شناس دنیا میآید.

تفسیر: کسیکه طبع فعال دارد به خوشی جسمانی و شنیدن تعاریف دیگران علاقه دارد و کارهای خیریه را بهمین منظور انجام میدهد. او برای خدایان معابد بزرگ میسازد و خدایان و آتش مقدس را با برگزاری مراسم با شکوه میپرسند و در ازای آنها از خدایان میخواهد که باو خوشیهای این دنیا

و بهشت را عطا کنند. او در این دنیا به آرزوهایش میرسد و بعد از وفات به بهشت میرود و سپس در تولد بعدی در خانوادهٔ ثروتمندان متولد میشود.

~~~~~

कर्मणः सुकृतस्याहुः सात्त्विकं निर्मलं फलम् ।

रजसस्तु फलं दुःखमज्ञानं तमसः फलम्॥१६॥

**ترجمه:** کارهای افراد دارای طبع پاک همیشه نتایج خیر دارند. کارهایی که اشخاص فعال با در نظر گرفتن منافع خود انجام میدهند درد و پشیمانی ببار میآورند. کارهای شخص جاهل باعث میشوند که او هرگز نتواند از تاریکی جهالت به بیرون بیاید.

**تفسیر:** کسیکه طبع پاک دارد اگر با صداقت و تلاشهای خود بتواند به ماوراء طبع پاک هم برود و هرسه طبع خود را پشت سر بگذارد مثل

بغوان مظهر علم و مسرت ابدی میشود. یعنی چیدانند میشود

Embodiment of Pure Knowledge and Bliss.

شخص دارای طبع پاک کارهای خیرخواهانه انجام میدهد بدون اینکه منفعتی برای خود یا خانواده اش بخواهد. شخص دارای طبع فعال کارهایی را انجام میدهد که بنفع خودش یا خانواده اش باشند. شخص دارای طبع سست هیچ کار خیرخواهانه ای انجام نمیدهد و هر کاری را بدون توجه به عواقب آن انجام میدهد و بهمین دلیل نیز باعث ناراحتی خود و آزار دیگران میشود.

~~~~~

सत्त्वात्सञ्जायते ज्ञानं रजसो लोभ एव च ।

प्रमादमोहौ तमसो भवतोऽज्ञानमेव च ॥१७॥

ترجمه: طبع پاک باعث پیدایش علاقه به علم برهم و طبع فعال باعث پیدایش طمع به اموال دنیا میشود. طبع سست باعث سردرگمی، تاریکی جهالت، توهم و گناه میشود.

تفسیر: ریشهٔ کارها و اعمال انسان در طبع انسان است و کارها و اعمال انسان مسئول سرنوشت او میباشند!

~~~~~

ऊर्ध्वं गच्छन्ति सत्त्वस्था मध्ये तिष्ठन्ति राजसाः ।

जघन्यगुणवृत्तिस्था अधो गच्छन्ति तामसाः ॥१८॥

**ترجمه:** کسیکه دارای طبع پاک است بعد از وفاتش به بهشت میرود و بعد از آن در تولد بعدی در جمع خدایان دنیا می آید . کسیکه دارای طبع فعال است بعد از وفاتش نسبت به کارهاییکه انجام داده به بهشت یا جهنم میرود و در تولد بعدی نیز مجدداً بشکل انسان دنیا می آید و کسیکه دارای طبع سست است بعد از وفات به جهنم میرود و در تولد بعدی از درجه انسان تنزل کرده و بشکل یک حیوان دنیا می آید.

**تفسیر:** از گفته های بالا نتیجه گرفته میشود که تمام مردمی که در این دنیا متولد میشوند در تولد قبلی دارای طبع فعال بودند.

~~~~~

नान्यं गुणेभ्यः कर्तारं यदा द्रष्टानुपश्यति।

गुणेभ्यश्च परं वेत्ति मद्भावं सोऽधिगच्छति ॥१९॥

ترجمه: سادک خردمندی که درک میکند که هیچ کس و هیچ چیز دیگری بجز این سه طبع مسئول کارهای دنیا نیست قادر میشود که به ماوراء این سه طبع برود و با من یکی بشود.

تفسیر: مسئول تمام اتفاقات و دگرگونیهای دنیا طبع سه گانه طبیعت میباشند و جسم انسان فقط یک وسیله برای انجام دادن کارها میباشد. سادکی که علم برهم را درمییابد بکمک علمی که دارد بتدریج این سه طبع را ترک میکند و به ماوراء آنها میرسد. او در این حالت احساس میکند که جزئی از روح متعال است و میفهمد که ارتباطی با جسم و کارها و اشیاء دنیا ندارد. او در این حالت خود را بشکل آن نوری می بیند که این سه طبع بکمک آن دیده میشوند.

آن نوری که در آن این سه طبع زنده و فعال میشوند نور علم برهم و حقیقت ابدی است و کسیکه خود را در ماوراء سه طبع مادی میبیند یکی بودن خود را با این نور تجربه میکند! او در سادگی و بطور ناخودآگاه با پرماتما یکی میشود.

~~~~~



गुणानेतानतीत्य त्रीन्देही देहसमुद्भवान् ।

जन्ममृत्युजरादुःखैर्विमुक्तोऽमृतमश्रुते ॥२०॥

**ترجمه:** سادک خردمند هر سه این طبع ها را پشت سر میگذارد و در ماوراء آنها از مشکلات و مصائب زندگی رها میشود. او در حین زندگی به موکشا میرسد و جاودان بودن خود را تجربه میکند.

**تفسیر:** هر کسی نسبت به طبع خود، اعمال گذشته اش و لیاقت و آمادگی ذهنی خود یکی از روشها را برای رسیدن به درک حقیقت و شناخت پرماتما انتخاب میکند.

هر کسی دوست دارد که برای همیشه بماند و هرگز نمیرد. همین علاقه به جاودان بودن نشان میدهد که او میداند که جاودان بودن انسان یک حقیقت است و او میتواند بآن برسد. اگر انسان میدانست که نمیتواند جاودان شود آرزوی رسیدن به آن در دلش چطور پیدا میشد؟ علمی که از ازل در ذات انسان هست چیز هائیرا بانسان میگوید که در کتابها نیست.



अर्जुन उवाच

कैलिङ्गैस्त्रीन्गुणानेतानतीतो भवति प्रभो ।

किमाचारः कथं चैतांस्त्रीन्गुणानतिवर्तते ॥२१॥

**ترجمه:** ارجون گفت: ای مهاراج! کسی که موفق شده به ماوراء سه طبع خود برسد در این مرحله چه صفات و مشخصاتی دارد؟ رفتار او با دیگران چطور است؟ انسان چطور میتواند بر این سه طبع غلبه کند؟

**تفسیر:** از سؤالات ارجون پیداست که او باین موضوع علاقمند است. تا زمانی که شاگرد با اشتیاق و فروتنی از گورو سؤال نکند جواب سؤالش را پیدا نخواهند کرد.

برای یافتن جواب سؤالات خود فقط پرسیدن از گورو کافی نیست بلکه سادک باید به گفته های گورو ایمان داشته باشد، سؤالش را بدون غرور، با فروتنی و احترام بپرسد و به جوابی که گورو میدهد با علاقه گوش کند و آنها را بخاطر بسپارد.



श्रीभगवानुवाच

प्रकाशं च प्रवृत्तिं च मोहमेव च पाण्डव ।

न द्वेष्टि सम्प्रवृत्तानि न निवृत्तानि काङ्क्षति ॥२२॥

**ترجمه:** شیری بغوان گفت: کسیکه بر سه طبع خود پیروز شده برایش عالم بودن و نبودن، داشتن و نداشتن، درست یا غلط بودن و سرشناس یا گمنام بودن در دنیا و چیزهای دیگر بی تفاوت میشوند.

**تفسیر:** کسیکه بر هرسه طبع خود غلبه کرده خود را وادار به ترک چیزی یا کاری نمیکند بلکه چیزها و کارها خودبخود او را ترک میکنند! او با تمایلات طبیعی اش نمیجنگد و در صورتی که میل به فعالیت نداشت خود را وادار به فعالیت نمیکند! او تظاهر نمیکند! به چیزی دل نمیبندد! شرایط و حالات زندگی را قبول میکند و سعی نمیکند آنها را عوض کند. او به آنچنان مسرت و رضایتی رسیده که آرزوی حاصل کردن چیزی در دلش پیدا نمیشود.

~~~~~

उदासीनवदासीनो गुणैर्यो न विचाल्यते ।

गुणा वर्तन्त इत्येव योऽवतिष्ठति नेङ्गते ॥२३॥

ترجمه: کسی که نسبت به همه چیز و همه کس بیطرف و بی تفاوت شده و خود را مسئول و کننده کاری نمیداند به آرامش درون میرسد و بدون اینکه از خود عکس العملی نشان بدهد شاهد اتفاقات اطراف خود میشود.

تفسیر: کسیکه به ماوراء سه طبع خود رسیده نه بسوی دنیا و اشیاء آن متمایل میشود و نه توجهی به پرماتما دارد!

در واقع تمایلات و خواهشهای جسمانی در فکر این شخص هم پدیدار میشوند ولی او بآنها توجه نمیکند و میگذارد که آنها همانطور که آمده بودند او را ترک کنند. این شخص برای چیزی تلاش نمیکند و در هر شرایطی آرامش خود را حفظ میکند. کسیکه علم برهم را بدرستی فهمیده گوئی بجای اشیاء دنیا برهم را در همه جا میبیند!

~~~~~

समदुःखसुखः स्वस्थः समलोष्टाश्मकाञ्चनः ।  
 तुल्यप्रियाप्रियो धीरस्तुल्यनिन्दात्मसंस्तुतिः ॥२४॥  
 मानापमानयोस्तुल्यस्तुल्यो मित्रारिपक्षयोः ।  
 सर्वारम्भपरित्यागी गुणातीतः स उच्यते ॥२५॥

**ترجمه:** شخص صبوری که برایش خوشی و غم یکسان شده، کسی که برایش یک مشت خاک، سنگ و طلا یکی هستند، کسی که برایش شنیدن تعریف یا بدگویی دیگران برابرنند، کسی که برایش دوست و دشمن برابرنند، و کسی که تصمیم به آغاز کاری نمیگیرد به ماوراء سه طبع رسیده است.

**تفسیر:** با شناختن آنکه فانی و آنکه باقی است و فهمیدن آنچه که حقیقت و آنچه که دروغ است انسان شکل حقیقی خود را میشناسد و در آن مقام میماند.

در زندگی هر کسی نسبت به اعمالی که در گذشته انجام داده اتفاقات خوب و بد پیش میآیند! همین "سرنوشت" نام دارد.

انسان معمولاً از آنچه که دارد راضی نیست و همیشه در جستجوی دارائی بیشتر، مقام بالاتر، خانه بزرگتر و بهتر و غیره میباشد ولی با شناختن شکل حقیقی خود به رضایت میرسد و تلاشهایش تمام میشوند. برای این شخص هیچ مهم نیست که دیگران از او تعریف کنند یا از او بدگویی کنند. بهمین دلیل با کسیکه از او تعریف میکند دوستی نمیکند و با کسیکه از او بدگویی میکند خصومتی ندارد. در نظر او دوست و دشمن برابرنند و او نسبت بهردوی آنها بیطرف است.

کمبودها و ایرادهای انسان در واقع فقط در فکر انسان و بدلیل جهالت او وجود دارند!



मां च योऽव्यभिचारेण भक्तियोगेन सेवते ।  
 स गुणान्समतीत्यैतान्ब्रह्मभूयाय कल्पते ॥२६॥

**ترجمه:** کسی که بمن علاقه و ایمان دارد و بالاترین هدفش در زندگی یافتن من است از هر سه طبع رها میشود و قابلیت درک برهم را پیدا میکند.

**تفسیر:** بکت ساده و بیریا فقط به بغوان توکل میکند و هر کاری را در پناه او انجام میدهد.

بر خلاف آنچه که در اذهان مردم است روش ایمان و عبادت فقط مختص افراد بیسواد نیست! در واقع ایمان و عشق به بغوان بخاطر علمی است که از ازل بطور ناخودآگاه در وجود انسان هست! انسان از ازل پرماتما را میشناسد و میداند که متعلق باوست. پدر و مادر برای فداکاری و عشق به فرزندشان نیاز به علم خاصی ندارند و آن عشقی که از ازل در قلب پدر و مادر هست مثل یک مشعل راهنمای آنها میباشد.

~~~~~

ब्रह्मणो हि प्रतिष्ठाहममृतस्याव्ययस्य च ।

शाश्वतस्य च धर्मस्य सुखस्यैकान्तिकस्य च ॥२७॥

ترجمه: ای ارجون! پناهگاه برهم، آب حیات، وظیفه جاودان و مسرت بی پایان منم!

تفسیر: آتشی که در درون هیزم نهفته است و آتشی که با سوختن هیزم بیدار میشود هردو یکی هستند! با این تفاوت که آتش نهفته دیده نمیشود ولی همان آتش بوقت سوختن ظاهر میشود و دیده میشود. بغوان ساکار و ایشور نیرآکار دو شکل آشکار و نهان پرماتما میباشند. یکی دیده میشود و دیگری دیده نمیشود.

پایان بخش چهاردهم بهاگواد گیتا — علم برهم
گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون

॥ ॐ श्री परमात्मने नमः ॥

بخش پانزدهم

श्रीभगवानुवाच

ऊर्ध्वमूलमधःशाखमश्वतथं प्राहुरव्ययम् ।

छन्दांसि यस्य पर्णानि यस्तं वेद स वेदवित्॥१॥

ترجمه: شیری بغوان گفت: این دنیا یک درخت کهنسال جاودان است. ریشه های این درخت در آسمان و شاخ و برگهای بسوی زمین گسترده شده اند. کتب ودا برگهای این درخت میباشند. کسیکه این درخت را بدرستی میشناسد تمام علم ودا را شناخته است.

تفسیر: ریشه درختان در زمین و شاخ و برگهایشان بسوی آسمان رشد میکنند؛ ولیکن درخت کهنسال دنیا یک درخت شگفت انگیز غیر عادی است! پرماتما که ریشه دنیا است در آسمان است. تنه این درخت برهما میباشد که از او شاخ و برگ و گلها میرویند. آنکه باین درخت نیروی زندگی و نور ابدی میدهد پرماتما است. دلیل وجود و گسترش این درخت ریشه آن است و همه چیز از این ریشه بوجود آمده است. برهما که تنه این درخت است مسئول خلق کردن تمام مخلوقات و موجودات میباشد. این درخت جاودان شکل مادی پرماتما و قابل پرستش است.

و قتیکه انسان این واقعیت را میفهمد که دنیا هر لحظه بسوی نابودی میرود هوس لذت بردن از آن تمام میشود و سادک برای شناختن شکل حقیقی خود بسوی روش های مختلف تمایل پیدا میکند! فقط کسیکه از اشیاء و خوشیهای زودگذر دنیا روی برمیگرداند میتواند خود را بشناسد و یکی بودن خود را با پرماتما درک کند. کتب ودا فقط کسی را که علم ودا را فهمیده

"عالم" میگوید "Vedavitt वेदवित् "the knower"

کسیکه ودا را میخواند و مطالب آنرا یاد میگیرد میتواند در باره ودا سخنرانی کند یا کتاب بنویسد و آنرا بدیگران یاد بدهد ولی تا زمانیکه خودش

به مقصد نهائی ودا که درک یکی بودن خود با پرماتما مییابد نرسیده علمی که یاد گرفته بیفایده خواهد بود!

برگها و گل‌های این درخت کارهای دنیا و آئین و مراسم زیبایی هستند که در ودا ذکر شده اند و از طریق آن کارها انسان در این دنیا به آرزوهایش میرسد، خوشیهای بیشماری کسب میکند و در انتها به بهشت میرود. این جهان مادی قدرت شگفت انگیز پرماتما بنام مایا مییابد.

~~~~~

अधश्चोर्ध्वं प्रसृतास्तस्य शाखा गुणप्रवृद्धा विषयप्रवालाः।

अधश्च मूलान्यनुसन्ततानि कर्मानुबन्धीनि मनुष्यलोके ॥२॥

**ترجمه:** شاخه های این درخت پر از ثمره کارهای انسانها میباشند. این ثمرات اشیاء دنیا هستند و بسوی بالا و پائین گسترده شده اند.

**تفسیر:** غنچه ها و جوانه های بیشمار روی شاخه های این درخت هوسها و لذات دنیا میباشند و انسان را بسوی خود جلب میکنند. این درخت کهنسال بتوسط سه طبع آبیاری میشود. غنچه های هوس و لذات دنیا فقط بخاطر جهالت انسان دلفریب بنظر میآیند و سادک خردمند بمحض رهائی از جهالت آنها را ترک میکند.

~~~~~

न रूपमस्येह तथोपलभ्यते नान्तो न चादिर्न च
सम्प्रतिष्ठा।

अश्वत्थमेनं सुविरूढमूलमसङ्गशस्त्रेण दृढेन छित्त्वा॥३॥

ترجمه: این درخت تنومند کهنسال بی آغاز و بی پایان است و همیشه در حال تغیر و تحول مییابد. این درخت تنومند را که دارای ریشه بسیار قوی است فقط میتوان با شمشیر بی توجهی به خواسته ها قطع کرد.

تفسیر: تا زمانی که انسان به کارهای دنیا و نتایجی که از آنها تولید میشوند وابسته است و از آنها لذت میبرد نمیتواند این دنیا را بشناسد و نمیتواند از کارها رها شود. در این شرایط انسان مثل گاو نری است که به آسیاب بسته شده و بدور خود میچرخد و بجائی نمیرسد. همانطور که گاو نر طناب

دور گردنش را نمیتواند قطع کند و خود را رها کند انسان هم نمیتواند طناب خواسته هایش را قطع کند. گاو نر در واقع یک حیوان آزاد است و ارتباطی با سنگ آسیاب ندارد ولی مالکش او را به آسیاب میبندد! انسان هم آزاد است و ارتباطی با اشیاء و کارهای دنیا ندارد ولی غلام هوسها میشود و در قید کارها و اشیاء غیر ضروری میماند.

انسان بدلیل طبع خود نمیتواند کاملاً بیکار بنشیند! روش ساده جدا شدن از کارها و اشیاء دنیا این است که سادک از هرچه که این دنیا باو داده برای خدمت باین دنیا استفاده کند! انسان با دست خالی و حتی بدون لباس بدنیا میآید و دارائی، تحصیلات، خانه، مقام و غیره را از این دنیا حاصل میکند! حتی این جسم هم متعلق بانسان نیست و یکروز باید آنرا هم ترک کند و از دنیا برود!

غرور، هوس، علاقه به اجسام، حس مالکیت، طمع و غیره آنچنان در فکر انسان ریشه دوانده که رهائی کامل از آنها حتی بعد از خواندن کتاب و گوش کردن به تعالیم گوناگون دشوار است. سادک بتدریج میفهمد که اشیاء دنیا موقتی هستند و از اهمیت آنها کاسته میشود.

سادک با ترک وابستگی به اجسام و اشیاء میفهمد که چیزهائیکه میبیند همگی خود پرماتما هستند که باشکال مختلف بروی زمین آمده است.

वासुदेवः सर्वम् Everything is Vasudeo (Vishnu)



ततः पदं तत्परिमार्गितव्यं यस्मिन्गता न निवर्तन्ति भूयः।

तमेव चाद्यं पुरुषं प्रपद्ये यतः प्रवृत्तिः प्रसृता पुराणी ॥४॥

ترجمه: بعد از بریدن این درخت کهنسال سادک به جستجوی مقام پاک بغوان میپردازد. مقامی که بعد از رسیدن بآن سادک به دنیای ساخته تخیلاتش باز نمیگردد و به درک و تجربه آن پرماتمائی میرسد که این جهان از او گسترش یافته است.

تفسیر: علم در ذات انسان هست و او بطور ناخودآگاه میداند که قدرتی برتر از خودش هست و بآن ایمان دارد. انسان میداند که آن قدرت "هست" و بهمین دلیل او را جستجو میکند! برای جستجوی آنکه هست نیازی به اشیاء دنیا نیست و نیازی به تلاش هم نیست و فقط ایمان باو کافی است.

کسب علم، تمرین یوگا، تمرین تمرکز افکار، پرستش، نیایش و کارهای دیگر بسیار درست و مفید هستند و سادک را برای رسیدن به سعادت هدایت و راهنمایی میکنند!

پرماتما در حقیقت چیز گم شده ای نیست بلکه همیشه با ما هست ولی دیده نمیشود. دنیا دیده میشود ولی متعلق بما نیست بنابراین راه صحیح یافتن پرماتما این است که سادک به چیزهاییکه مال او نیستند دل نبندد و بآنها وابسته نشود! بلکه از آنها فقط برای حفظ جسم و جان خود و کمک ب دیگران استفاده کند.

بغوان در بخش های هفتم و هجدهم میگوید که تمام پناهگاه های دیگر را ترک کن و بسوی من بیا! زیرا هیچیک از اشیاء و اجسام دنیا برای همیشه نمیمانند! در برهم سوترا اینطور آمده است:

मामेव ये प्रपद्यन्ते। (7-14)

तमेव शरणं गच्छ। (18-62)

मुक्तोपसृप्यव्यपदेशात्। (1.3.2)

حقیقت این است که هر کسی خودش را از هر کس و هر چیزی بیشتر دوست دارد! ولی انسان آن نیست که در آئینه دیده میشود! آن نیست که دارای تحصیلات، خانه، ثروت، شهرت، مقام و چیزهای دیگر است بلکه او روح پاک عاری از تمام این چیزها است. وقتیکه انسان خودش را میشناسد به حقیقتی که بدنبالش بود میرسد و از تمام چیزهای دنیا بی نیاز میشود. رسیدن به این حقیقت بمعنای رسیدن به تکامل است.

~~~~~

निर्मानमोहा जितसङ्गदोषा अध्यात्मनित्या विनिवृत्तकामाः।

द्वन्द्वैर्विमुक्ताः सुखदुःखसाँजैर्गच्छन्त्यमूढाः पदमव्ययं

तत्॥१॥

**ترجمه:** آنکه به تعاریف دیگران اهمیتی نمیدهد و به کسی و به چیزی وابسته نیست، آنکه در دل خواسته ای ندارد، آنکه چیزی را متعلق بخود نمیداند و آنکه برایش خوشی و غم یکی شده و عاری از غرور و تکبر



همیشه بیاد بغوان است به بالاترین مقام یعنی به درک حقیقت میرسد و با بغوان یکی میشود.

**تفسیر:** علاقه به جسم خود و متعلقات آن باعث میشود که انسان به شنیدن تعاریف دیگران علاقمند بشود. عشق به بغوان در حقیقت ایمان همراه با علمی است که در ذات انسان هست ولیکن علاقه به دنیا دلیل جهالت انسان است. فقط ایمان و عشق به بغوان میتواند غرور انسان را از بین ببرد. کسیکه بغوان را متعلق بخود و خود را متعلق به بغوان میداند به خواسته های جسمانی خود اهمیت نمیدهد و بغوان تمام چیز هائیرا که او برای سلامتی و حفاظت از جسم خود نیاز دارد در اختیارش میگذارد.

این یک واقعیت است که جسم انسان دائماً در حال تغییرات و دگرگونی است و اجزاء آن بعد از وفات به پنج عنصر ابدی که از آنها بوجود آمده اند خواهند پیوست! هوسهای انسان هم مثل جسم او موقتی هستند، میآیند و میروند! خواسته های انسان خودبخود پایان پذیر نیستند و قیل از برآورده شدن یک خواسته خواهش دیگری جای آنرا میگیرد. عمر انسان به پایان میرسد ولی خواسته هایش تمام نمیشوند. بهمین دلیل سادک بجای اینکه در صدد برآوردن خواسته هایش باشد باید در صدد ترک آنها باشد.

هر کسی برای رسیدن به درک پرماتما نسبت به طبع خود، لیاقت و اعمال گذشته خودش روش خاصی را انتخاب میکند و بهمین دلیل روشها با یکدیگر متفاوت میباشند. هر روشی درست است و سادک به همه آنها احترام میگذارد.

سادکی که روش عشق و ایمان را در پیش میگیرد خودبخود از خواص هر دو روش "علم" و "عمل" بهره مند میشود. او خود بخود علم برهم را یاد میگیرد و بتدریج وظایفش تمام میشوند و بطور ناخودآگاه به موکشا میرسد.



न तद्भासयते सूर्यो न शशाङ्को न पावकः।

यदगत्वा न निवर्तन्ते तद्धाम परमं मम ॥६॥

**ترجمه:** آن مرتبه بلندی که خود بخود نورانی است و برای دیده شدن نیازی به نور آفتاب و ماه و آتش ندارد مقام من است. کسی که باین مرتبه میرسد دوباره به دنیای مادیات باز نميگردد.

**تفسیر:** آفتاب و ماه و آتش موجودات مادی و جزئی از طبیعت میباشند و نور و گرمای خود را از پرماتما میگیرند. روح انسان هم که جزئی از پرماتما است خود بخود نورانی و مسرت جاودان میباشد. روح انسان تا زمانیکه به مقر اصلی خود نرسد مثل یک مسافر بدنیا میآید و از دنیا می‌رود. انسان اگر از این مسافرخانه حتی به بهشت هم برود باز هم باید بدنیا بازگردد. حتی بهشت هم یک مسافرخانه است و خانه نهائی و هدف انسان نیست.

اگر با دیده علم نگاه کنی خواهی دید که چیزی در این جهان از من جدا نیست. من یکی هستم و تو هم در این "یک" شامل هستی. دومی وجود ندارد! اینرا بدان.



ममैवांशो जीवल्लोके जीवभूतः सनातनः ।

मनःषष्ठानीन्द्रियाणि प्रकृतिस्थानि कर्षति ॥७॥

**ترجمه:** این جهان و موجودات آن اعضاء بدن من هستند! انسان تصور میکند که او یک جسم مستقل دارای عقل، حواس پنجگانه، دست و پا و غیره است.

**تفسیر:** انسان نادان بدلیل وابستگی به زن، فرزند، املاک، ثروت، نام و شهرت گرفتار مشکلات بسیاری میشود و ذات خود را فراموش میکند. بهترین کاری که سادک برای رهایی از این وابستگی ها میتواند بکند این است که غرور "من" و "مال من" را ترک کند.

مردم ضعیف همیشه احساس کمبود میکنند و برای جبران کمبودهایشان در صدد جمعآوری اموال و اشیاء دنیا برمیآیند. آنها حتی دیگران را تحت سلطه خود در میآورند و از این طریق احساس قدرت میکنند. بغوان نیازی به کسی یا چیزی ندارد و کسی را وادار به اطاعت از خود نمیکند.



शरीरं यदवाप्नोति यच्चाप्युत्क्रामतीश्वरः ।

गृहीत्वैतानि संयाति वायुर्गन्धानिवाशयात् ॥८॥

**ترجمه:** همانطور که هوا بوی گل را با خود بجای دیگر میبرد روح انسان هم وقتی که جسم را ترک میکند خاطره اعمال گذشته را با خود میبرد و جسم دیگری بخود میگیرد و دوباره متولد میشود.

**تفسیر:** گفته میشود که همانطور که انسان لباس کهنه را از تن درمیآورد و لباس تازه میپوشد روح انسان هم جسم کهنه را ترک میکند و جسم تازه ای را بخود اختیار میکند. روح انسان مثل روح متعال نامحدود و بیحرکت است، کاری نمیکند و از جایی بجای دیگر نمیرود! بنابراین جسم کهنه را رها کردن و جسم دیگری را بخود اختیار کردن فقط یک گمان است.



श्रोत्रं चक्षुः स्पर्शनं च रसनं घ्राणमेव च ।

अधिष्ठाय मनश्चयं विषयानुपसेवते ॥९॥

**ترجمه:** انسان بکمک عقل خود از طریق چشم، گوش، بینی، پوست و زبان با دنیای بیرون ارتباط برقرار میکند.

**تفسیر:** انسان بکمک حواس خود می شنود، می بیند، لمس میکند، بو میکند و می چشد و با دنیا ارتباط برقرار میکند. ارتباط بیش از حد با اشیاء غیرضروری باعث پیدا شدن علاقه و وابستگی به آنها میشود و همین باعث آشفتگی افکار و به بیراهه رفتن سادک میشود. با مراعات اصول پرهیزکاری ذکر شده در شاسترا سادک بر حواس خود مسلط میشود و آنها را از رفتن بسوی اشیاء باز میدارد.

همانطور که آب خوردن در خواب تشنگی را برطرف نمیکند خوشگذرانی و لذت بردن از اشیاء دنیا هم برای انسان خوشی حقیقی و آرامش خاطر نمیآورد و اکثراً دیده شده که افراد ثروتمند عیاش و خوشگذران در آخر عمرشان بیشتر از مردم عادی گرفتار مصائب و بیماریها میشوند.



उत्क्रामन्तं स्थितं वापि भुञ्जानं वा गुणान्वितम् ।

विमूढा नानुपश्यन्ति पश्यन्ति ज्ञानचक्षुषः ॥१०॥

**ترجمه:** شخص بیعلم نمیتواند خودش را بشناسد. فقط کسیکه علم برهم را دریافته و چشم خرد دارد میتواند خودش را بشناسد.

**تفسیر:** روح موجودات بوقت تولد بدرون جسم آنها نمیآید و بوقت مرگ جسم آنها را ترک نمیکند. روح بیحرکت است و از جایی به جای دیگر نمیروند. بوقت تولد "هوای تنفسی" بدرون جسم میآید و بوقت مرگ او را ترک میکند. هوای تنفسی نیروی زندگی است. اینرا فقط عالمان علم برهم میدانند. کسیکه علم برهم را نمیداند نیمه کور است.

انسان نادان گوئی میخواهد که همیشه گرفتار دنیا باشد! کسی که بچه ندارد بچه دیگری را بفرزندی قبول میکند و خود را گرفتار میکند، اگر خواهر یا برادر ندارد دیگران را خواهر و برادر خود میخواند و بآنها وابسته میشود، اگر معلم است شاگردانش را فرزندان خود میداند و غیره... بعبارت دیگر انسان نمیتواند آرام زندگی کند. طبیعت همیشه در حال جنب و جوش و فعالیت است و انسان هم بخاطر اینکه جسمش جزئی از طبیعت است و با طبیعت در ارتباط است مثل او همیشه در حال فعالیت است.

تا زمانیکه رودخانه پر از آب است تصویر آفتاب بر روی آن دیده میشود و با خشک شدن آب رودخانه تصویر آفتاب بر روی زمین خشک رودخانه دیده نمیشود ولی این دلیل بر آن نیست که آفتاب از بین رفته است! بلکه آفتاب مثل سابق در آسمان هست. بهمان شکل هم با مردن جسم روح انسان همانطور میماند و شاهد همه چیز است.



यतन्तो योगिनश्चैनं पश्यन्त्यात्मन्यवस्थितम्।

यतन्तोऽप्यकृतात्मानो नैनं पश्यन्त्यचेतसः ॥११॥

**ترجمه:** یوگی پاک با انضباط و جدیت بسیار پرماتما را در درون خودش پیدا میکند. ولی کسیکه درونش پاک نیست حتی بعد از تحمل مشقات فراوان هم نمیتواند پرماتما را بیابد.

**تفسیر:** سادگی که هدف اصلی زندگی اش رسیدن به حقیقت است خودبخود به اشیاء مادی دنیا بیعلاقه میشود. ستایش و پرستش بغوان، ذکر و تکرار نام او و خدمت باو بهترین کاری است که سادک میتواند بکند! پرماتما در حقیقت از کسی دور نیست و در قلب همه موجود است. همانطور که در درون هیزم آتش نهفته است پرماتما هم بشکل نور علم برهم و آگاهی ابدی در هر کسی هست.

همانطور که موج از دریا جدا نیست انسان هم از پرماتما جدا نیست. در باره پرماتما فقط آن زمان میتوان چیزی گفت و نظریه ای داد که بتوانیم او را ببینیم، بشنویم، لمس کنیم، بو کنیم یا بچشیم! و این زمانی ممکن است که او جسم مادی داشته باشد. یعنی ساکار باشد. در باره پرماتمای نیراکار چیزی نمیتوان گفت. پرماتمای نیراکار یکی است و دومی نیست که بتواند در باره اش چیزی بگوید! برای دیدن و شناختن یک چیز ما باید از آن چیز جدا باشیم تا بتوانیم آنرا ببینیم، آنرا بو کنیم، آنرا لمس کنیم، آنرا بچشیم و یا آنرا بشنویم ولیکن وقتی که آن چیز در درون خود ما و با ما یکی است چطور میتوانیم اینکار را بکنیم؟ حتی بزبان آوردن این حقیقت که پرماتما یکی است نیز غلط است! در حقیقت در باره پرماتمای یگانه هیچ چیز نمیتوان گفت. کسیکه حقیقت را درک کرده نمیتواند در باره اش سخن بگوید. انسان اگر حتی به سمادی هم برسد باز هم نمیتواند پرماتما را ببیند! بغوان میگوید: من در تو هستم! من در روح تو ساکن هستم.

आत्मनि अवस्थितम् I am in your soul

روح انسان که وجود حقیقی اوست ارتباطی با حالات جسم او ندارد! جهالت انسان هم مثل هر چیز دیگر موقتی است و با کسب علم برهم از بین میرود. سادک باید این چهار حقیقت را بیاد داشته باشد:

1 – پرماتما هست.

2 – او همه چیز است.

3 – او یکی است.

4 – او ابدی است.

سادک باید به هردو شکل پرماتما یعنی پرماتمای ساکار و پرماتمای نیراکار ایمان داشته باشد!



यदादित्यगतं तेजो जगद्भासयतेऽखिलम् ।

यच्चन्द्रमसि यच्चाग्नौ तत्तेजो विद्धि मामकम् ॥१२॥

**ترجمه:** نور و گرمای خورشید را که باعث روشنی و گرمی این جهان میشود و همچنین نور خنک و آرام بخش ماه را و گرمی آتش را من بآنها داده ام.

**تفسیر:** حتی آفتاب هم نور و گرمای خود را مدیون بغوان است! نوری که در چشم هست نیز نور بغوان است.

~~~~~

गामाविश्य च भूतानि धारयाम्यहमोजसा ।

पुष्णामि चौषधीः सर्वाः सोमो भूत्वा रसात्मकः ॥१३॥

ترجمه: من در درون خاک هستم و با قدرتی که دارم تمام موجودات را تغذیه میکنم. من نور ماهم و بوقت شب گیاهان را آبیاری میکنم.

تفسیر: من باعث رویش گیاهان میشوم، گیاهانی که پر از مواد غذایی مقوی برای انسان و حیوانات و تمام موجودات زنده هستند. من به زمین توانائی تحمل سنگینی بار موجودات روی زمین را میدهم. من نور خنک ماه هستم، نوری که مثل آب حیات شیرین است و باعث رشد گیاهان میشود.

~~~~~

अहं वैश्वानरो भूत्वा प्राणिनां देहमाश्रितः ।

प्राणापानसमायुक्तः पचाम्यन्नं चतुर्विधम् ॥१४॥

**ترجمه:** من در درون تمام موجودات زنده بشکل هوای تنفسی ساکن هستم! من آن هوایی هستم که آتش هاضمه را روشن نگاه میدارد و در آتشدان معده انواع اغذیه و حبوبات را هضم میکند.

**تفسیر:** موجودات زنده برای حفظ و ادامه زندگی به هوای تنفس و آتش هاضمه نیاز دارند و بدون آنها ادامه زندگی امکان پذیر نخواهد بود. از رشد گیاهان و مواد غذایی تا هضم آنها در درون معده را بغوان انجام میدهد ولی انسان بآنها توجه نمیکند. انسان حتی متوجه این واقعیت نیست که او میتواند غذا را بخورد ولی هضم غذا در اختیار خودش نیست! انسان برای بچه دار شدن میتواند با همسرش همآغوش شود ولی بارور شدن نطفه و رشد آن بصورت یک جنین در اختیار او نیست. انسان بدلیل جهالتش تصور میکند که تمام این کارها را خودش انجام میدهد.

~~~~~

सर्वस्य चाहं हृदि सन्निविष्टो मत्तः स्मृतिर्ज्ञानमपोहनं च ।

वेदैश्च सर्वैरहमेव वेद्यो वेदान्तकृद्वेदविदेव चाहम् ॥१५॥

ترجمه: من در قلب همه موجودات ساکنم. قدرت فراگیری، حافظه و از خاطر بردن، اعتماد به نفس و مقابله با بیماریها نمونه هائی از نیروهای من میباشند. هدف اصلی کتب ودا شناختن من است. آنکه این هدف را میشناسد و بآن میرسد نیز من هستم.

تفسیر: ای ارجون، مرا بشناس! من سزاوار شناخته شدنم! کتب ودا پر از مطالب علمی با ارزش هستند ولی هدف اصلی آنها شناختن من (ایشور) است! از علم کتب ودا مرا دریاب! آنکه ودا را میخواند و اسرار آنرا میفهمد نیز خود من است. من از هر کسی بانسان نزدیکترم. هر کسی از هر قوم، هر رنگ و نژاد و ملیتی لیاقت و حق شناختن مرا دارد. حتی بعد از یادگیری تمام علوم و هنرهای دنیا و فهمیدن علوم طبیعی، ریاضیات، ادبیات، فیزیک، شیمی و غیره باز هم انسان بدنبال حقیقت میگردد! مردم دنیاپرست از کتب ودا فقط پرستش خدایان گوناگون را یاد میگیرند و از خدایان میخواهند که آنها را به آرزوهایشان برسانند. با رفتن بسوی پرماثما و شناخت خویشتن انسان به رضایت کامل میرسد و از هر چیز دنیا بی نیاز میشود.



द्वाविमौ पुरुषौ लोके क्षरश्चाक्षर एव च ।

क्षरः सर्वाणि भूतानि कूटस्थोऽक्षर उच्यते ॥१६॥

ترجمه: در این دنیا دو موجود هست! موجود فانی و موجود باقی. جسم مادی موجود فانی است و روح غیر مادی و موجود باقی است. جسم تمام موجودات فانی و روح آنها باقی است.

تفسیر: روح پاک و بی ایراد است! روح کمبودی ندارد، چیزی باو اضافه نمیشود و چیزی از آن کاسته نمیشود. جسم انسان همیشه فعال است ولی روح او کاری نمیکند و فقط شاهد همه چیز است. در حقیقت دوتا نیست بلکه فقط یک بر هم یگانه هست!



उत्तमः पुरुषस्त्वन्यः परमात्मेत्युदाहृतः।

यो लोकत्रयमाविश्य बिभर्त्यव्यय ईश्वरः॥१७॥

ترجمه: پرماتمای بیشکل و بیجسم (نیرآکار) با نام ایشور شناخته شده است! ایشور هر سه دنیا را از درون خود خلق میکند (زمین- بهشت- جهنم)، از آنها نگهداری و حفاظت میکند و در آخر آنها را بدرون خود میبرد.

تفسیر: پرماتما دارای دو شکل است: جسم دار و بیجسم! ایشور شکل بیجسم پرماتما است و بغوان شکل جسم دار او میباشد. ایشور را نمیتوان شناخت و فقط باید باو ایمان داشت ولیکن بغوان را که شکل مادی او است میتوان شناخت.

بغوان یک شخصیت پاک و مقدس است The Supreme being
पुरुषोत्तम ! او بشکل انسان و موجودات دیگر به دنیا میآید. کتب

ودا این شخصیت را "برهمن" نامیده است **ब्रह्मण Brahman**. انسان میتواند با اعمال نیک، رفتار نیک، سخنان نیک و افکار پاک خود به تکامل برسد و به مقام برهمن که مظهر زندهٔ ساجیدانند پرماتما است برسد. اشخاص متعلق به طبقهٔ برهمن باید با علم و اعمال و رفتارشان قابلیت برهمن بودن خود را حفظ کنند زیرا فقط متولد شدن در خانوادهٔ برهمن دلیل برهمن بودن نیست.



यस्मात्क्षरमतीतोऽहमक्षरादपि चोत्तमः ।

अतोऽस्मि लोके वेदे च प्रथितः पुरुषोत्तमः ॥१८॥

ترجمه: شیری کریشنا گفت: ای ارجون! من در ماوراء جسم و برتر از روح موجودات زنده هستم! و بهمین دلیل کتب ودا مرا که بشکل یک انسان بر روی زمین ظاهر میشوم "والا ترین شخصیت" روی زمین نامیده است.

تفسیر: روح انسان یک جسم مادی بخود اختیار میکند و در دنیا متولد میشود! او در کنار جسم خود فریب اشیاء دنیا را میخورد و مقام پاک

خود را فراموش میکند. ولی بغوان بعد از تولدش بر روی زمین فریب دنیا را نمیخورد و مقام خود را فراموش نمیکند!

ودا سرچشمه پاک و اولین منبع علم برهم و روحانیت است. ودا علم پاک و پاک کننده است. بغوان در ودا این راز را فاش کرده و میگوید که آنکه در ماورای جسم است من هستم! پرماثما شکل جسمانی بخود گرفته و با نام بغوان بر روی زمین ظاهر میشود. تمام اجسام دنیا در نور علم و آگاهی جاودان زنده هستند و در آن نور دیده میشوند.

عشق و ایمان به بغوان مثل آتش پاک است! آتشی که صفات بد را در انسان میسوزاند و بتدریج او هم مثل بغوان پاک و بی عیب میشود.



यो मामेवमसम्मूढो जानाति पुरुषोत्तमम् ।

स सर्वविद्भजति मां सर्वभावेन भारत ॥१९॥

ترجمه: کسیکه از چنگ اشیاء و خواسته هایش رها شده و فریب دنیا را نمیخورد مرا که برترین شخصیت هستم میشناسد. او در هر حال و هر موقعیتی با کارها و سخنانش مرا ستایش میکند.

تفسیر: رفتن به معبد و پرستیدن بت بغوان مرحله اولیه پرستش بغوان میباشد. پرستش همراه با علم برهم بهترین نوع پرستش است! در زمانهای بسیار قدیم بت خدایان و بتخانه ای بشکل امروز وجود نداشت و مردم فقط آتش مقدس را میپرستیدند، ریاضت میکشیدند، برای رسیدن به آرامش افکار تمرین تمرکز افکار میکردند و انجام وظیفه را مذهب خود میدانستند. مردم در زمانهای قدیم شیوه زندگی خود را از کتب ودا و الهام گرفته و با درستکاری، راستگویی و پرهیز از هوسرانی زندگی میکردند و بهمین دلیل نیز از سلامتی جسمانی و آرامش فکری بیشتری برخوردار بودند.



इति गुह्यतमं शास्त्रमिदमुक्तं मयानघ ।

एतदबुद्ध्वा बुद्धिमान्स्यात्कृतकृत्यश्च भारत ॥२०॥

ترجمه: کریشنا گفت: ارجون، ای عاری از گناهان! من اسرار نهان این شاستر گرانبها را بوضوح برای تو بیان کردم. ای خردمند! انسان با دانستن علم برهم از هر نظر راضی و بی نیاز میشود! یک عالم روحانی از هر نظر پاک است.

تفسیر: بغوان شیری کریشنا ارجون را خردمند خطاب کرده زیرا او به علم برهم علاقمند است. کسیکه به تجملات، جمعآوری اموال و خوشگذرانی علاقمند است به صحت علم برهم شک میکند و نمیتواند اسرار آنرا بفهمد. بهمین دلیل گفته شده که به افراد شکاک نباید سخنی در باره ودا گفته شود. فاش کردن اسرار ودا به افراد شکاک مثل باز کردن در قفس بر روی پرندۀ کور بیفایده است.

فهمیدن هریک از این سه روش علم، عمل و ایمان به یادگیری دو روش دیگر کمک میکند. با درک حقیقت و رسیدن به هدف نهائی یوگا سادک احساس رضایت کامل میکند و از کارها و اشیاء دنیا بی نیاز میشود. رسیدن باین مرحله از زندگی بمعنای رسیدن به اوج تکامل و سعادت نهائی است. خلاصه علم ودا بطور کامل در گیتا نوشته شده است. شیری کریشنا در این بخش اسرار نهان خود را برای ارجون آشکار کرده و گفت که "من برهمن هستم"! شخصیت پاکی که مظهر نور علم و مسرت ابدی است. یادگیری علوم مربوط اشیاء مادی و همچنین مهارت در فنون و هنرها و زبانهای دنیا هم نمیتوانند جهل انسان را از بین ببرد. جهل انسان را فقط علم برهم و درک حقیقت یعنی شناخت خویشتن میتواند از بین ببرد. کسی که علم گیتا را میفهمد روش صحیح زیستن را یاد میگیرد.

پایان بخش پانزدهم بهاگواد گیتا — علم برهم
گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون

॥ ॐ श्रीपरमात्मने नमः ॥

بخش شانزدهم

श्रीभगवानुवाच

अभयं सत्त्वसंशुद्धिर्ज्ञानयोगव्यवस्थितिः ।

दानं दमश्च यज्ञश्च स्वाध्यायस्तप आर्जवम् ॥१॥

ترجمه: شیری بغوان گفت: بیباکی، افکار پاک، تمایل به کسب علم برهم، دادن خیرات پاک، زهد، پرستش آتش مقدس، خواندن کتب مقدس، انجام وظیفه و همچنین سادگی در سخن و رفتار و شیوه زندگی صفات مشخصه یک سادک هستند.

تفسیر: سادکی که هدف اصلی زندگی اش رسیدن به بغوان و یکی شدن با او باشد بتدریج در او صفات نیک بوجود میآیند.

بیباکی – تا زمانی که انسان آنچه را که قابل یادگیری است یاد نگیرد، آن کاری را که قابل انجام دادن است انجام ندهد و آنچه را که قابل حاصل کردن است حاصل نکند نمیتواند کاملاً بیباک شود. سادک هر قدر بیشتر به بغوان ایمان و علاقه داشته باشد و از گفته هایش پیروی کند خود را بیشتر در پناه او احساس میکند و بهمین دلیل بیشتر احساس بیباکی میکند. این بیباکی زمانی کامل میشود که نه تنها سادک از کسی و چیزی ترسی نداشته باشد بلکه دیگران هم از او نترسند و از دست و زبانش در امان باشند. شیر جنگلی بخاطر قدرت جسمانی اش از حیوانات دیگر ترسی ندارد ولی همه حیوانات جنگل از او میترسند ولی یک سنت عالم با کسی دشمنی نمیکند و با همه با محبت رفتار میکنند و بهمین دلیل نه تنها او از کسی نمیترسد بلکه کسی هم از او نمیترسد.

پاکی – پاکی جسم ضروری میباشد ولی انسان زمانی کاملاً پاک میشود که اشیاء غیرضروری دنیا را ترک کند. بعضی ها اعتقاد و تلاش برای رسیدن به بغوان را بشکل کار و کاسبی درمیآورند و همین باعث ناپاکی درون و بیرون آنها میشود.

آرامش – سادگی که علاقمند به درک حقیقت است باید از نشان دادن عکس العمل خودداری کند تا بتواند آرامش افکارش را حفظ کند.

خیرات – خیرات دادن باشخاصی که گدائی را پیشه خود کرده اند غلط است. خیرات باید به شخص ناتوانی داده شود که اموال و ذخیره مادی ندارد. سادک باید فقط آنقدر که در توان او باشد ب دیگران کمک کند.

قربانی – کمک ب دیگران بدون هیچ توقعی یکنوع قربانی است. انجام دادن وظیفه خود و دخالت نکردن در کار دیگران بهترین قربانی است! ریاضت – سکوت بهترین ریاضت است! تحمل گرسنگی، تشنگی، سرما و گرما بدون تظاهر یک نوع ریاضت هستند و از گناهان انسان می‌کاهند. کسیکه اتفاقات، حالات و شرایط خوب و بد زندگی را با صبوری تحمل میکند و از کسی یا چیزی شکایت نمی‌کند مرتاض واقعی است و موکشا را تجربه میکند.

سادگی – سادگی یکی از بهترین صفات سادک است. سادک نباید به ساده بودن تظاهر کند بلکه سادگی باید در سخنان و رفتار و شیوه زندگی او دیده شود.

تقوا و پرهیزکاری – زهد بمعنای تسلط داشتن بر حواس پنجگانه و جلوگیری از رفتن آنها بسوی هوسها و خواسته های جسمانی میباشد. مثل یک لاک پشت که بوقت احساس خطر چهار دست و پا و سرش را زیر لاک خود پنهان میکند شخص با تقوا هم همیشه از رفتن حواس خود بسوی اشیاء دنیا جلوگیری میکند.

پرستش آتش – مراسم پرستش آتش مقدس با ریختن روغن و مواد غذایی مناسب بدرون آتشدان انجام داده میشود. انجام وظایف خود و احترام به پدر و مادر و خدمت به آنها نیز نوعی پرستش آتش مقدس است.



अहिंसा सत्यमक्रोधस्त्यागः शान्तिरपैशुनम् ।

दया भूतेष्वलोलुप्त्वं मार्दवं ह्रीरचापलम् ॥२॥

ترجمه: صلحجویی، راستگوئی، اجتناب از خشم، ترک خواسته های غیرضروری، اجتناب از دوستی منفعت جویانه، اجتناب از دشمنی،

پرهیز از بدگوئی، پرهیز از زیرکی و اجتناب از کارهاییکه بما مربوط نیستند از صفات عالی میباشند.

تفسیر: پرورش صفات نیک در خود به سادک توصیه شده است.

1- راستگوئی – سادک باید بدون توجه به منافع خود حقیقت را در صورت لزوم بیان کند.

2- صلحجوئی – سادک باید با همه رفتار خوب و صلحجویانه داشته باشد و نباید دیگران را مسئول اتفاقات ناگوار زندگی خود بداند.

3- ترک دنیا – ترک دنیا بمعنای ترک خانه و خانواده نیست! بی توجهی به اشیاء غیرضروری بهترین ترک دنیا است.

4- آرامش – سادک برای حفظ آرامش خود باید از عکس العمل در مقابل رفتار مردم و اتفاقات خوب و بد روزمره پرهیز کند.

5- اجتناب از بدبینی – سادک نباید به کسی بدبین باشد و یا بدگوئی کند.

6- ترحم – سادک باید خیرخواه دیگران باشد و در صورت امکان بآنها کمک کند.

7- رضایت – سادک باید با هر چه که دارد راضی باشد و از شرایط و حالات زندگی شکایت نکند.

8- دلسوزی – هر کسی نتیجه اعمال خودش را تجربه میکند بنابراین کمک و دلسوزی باید تا حد معقول باشد.

9- انضباط – سادک باید از مقررات و اصول اخلاقی ذکر شده در شاسترا پیروی کند و از کارهای منع شده پرهیز کند.

10- صیوری – سادک باید از عجله پرهیز کند. اکثر مردم تصور میکنند که "کارها با عجله زودتر تمام میشوند" ولی اینطور نیست.

11- بخشندگی – بخشندگی کار بزرگان است! معمولاً دیده شده که اشخاص ضعیف انتقامجو هستند ولی کسیکه حقیقتاً قدرتمند است براحتی میبخشد.



तेजः क्षमा धृतिः शौचमद्रोहो नातिमानिता ।

भवन्ति सम्पदं दैवीमभिजातस्य भारत ॥३॥

ترجمه: ذکاوت، بخشنده‌گی، محبت، صبور، پاک‌ی درون، نداشتن خصومت با کسی و بی تفاوت بودن به شهرت و مقام مشخصات کسی هستند که به ثروت بهشتی رسیده است.

تفسیر: سادک در ابتداء با دیدن تغییرات مثبت در صفات و رفتارش با دیگران بسیار خوشحال میشود و بخود میبالد. او خود را برتر از دیگران تصور میکند. این غرور و بزرگ بینی خود بدلیل کمبودها و ضعف سادک میباشند و هر قدر صفات عالی بهشتی در او افزایش یابند از غرور او کاسته میشود.

در جوار مردان پاک نیک سیرت از صفات و رفتار ناپسند انسان کاسته میشود. سالیان دراز تحصیل علم برهم، تحمل ریاضتها، پرهیزکاری، تمرین تمرکز افکار، تکرار مانترا و ذکر نام یغوان، ترک مادیات، نفی شهوت و خواهشهای نفسانی، پرهیز از اغذیه و مشروبات منع شده و دوری از اجتماع مردم خوشگذران باعث پرورش قدرت جاذبه در مردان پاک راستگو و درستکار میشود. جذابیت بینظیری که این مردان دارند دیگران را بسوی آنها جلب میکند و آنها را شیفته اخلاق و کردارشان میکند. بعضی از مردم بدلیل پاک‌ی درونشان دلباخته این مهاتما ها میشوند و از رفتار و اعمال آنها سرمشق میگیرند و راه ایشان را در پیش میگیرند.

~~~~~

दम्भो दर्पोऽभिमानश्च क्रोधः पारुष्यमेव च ।

अज्ञानं चाभिजातस्य पार्थ सम्पदमासुरीम् ॥४॥

**ترجمه:** تظاهر، تکبر، خشم، شهوت، خشونت، ظلم، جهالت و بدبینی جزئی از صفات شیطانی میباشند. اگر کسی حتی یکی از این صفات را داشته باشد در همین دنیا و قبل از مرگ زندگی اش در جهنم خواهد بود.

**تفسیر:** انسان نادان تصور میکند که برای همیشه در این دنیا خواهد ماند و از چیزهاییکه باو تعلق دارند لذت خواهد برد. این حماقت هر قدر شدیدتر باشد صفات پلید شیطانی در او بیشتر میشوند. تظاهر بدترین صفت شیطانی است.

~~~~~

दैवी सम्पद्विमोक्षाय निबन्धायासुरी मता ।

मा शुचः सम्पदं दैवीमभिजातोऽसि पाण्डव ॥५॥

ترجمه: صفات نیک ثروتهای پاک بهشتی هستند و باعث موفقیت و سعادت معنوی انسان میشوند ولی صفات ناپاک ثروتهای شیطانی هستند و انسان را بسوی نابودی میکشانند. ای ارجون! تو دارای صفات پاک بهشتی هستی.

تفسیر: از همان لحظه ایکه سادک تصمیم میگیرد بسوی معنویات برود از خطاهایش بتدریج کاسته میشود و صفات نیک در او افزایش مییابند. تمایل بسوی معنویات و تمایل بسوی لذات دنیا هر دو در انسان بدلیل اعمال گذشته اش پرورش مییابند. هر کسی در انتخاب راه خود آزاد است و هر کسی مسئول اعمال خودش است. اعمال نیک انسان را براه درست هدایت میکنند و اعمال پلید او را گمراه میکنند.

کسیکه به املاک و دارائی خود، به تحصیلات، توانائی جسمانی، شهرت فامیلی، مقام اجتماعی و غیره احساس غرور میکند و بخاطر علم و صفات خوبش بخود میبالد به خوشیهای دنیا و بهشت میرسد ولی به سعادت معنوی نخواهد رسید.

صفات بهشتی و صفات شیطانی هر دو در انسان وجود دارند ولی مقدار آنها در هر کس متفاوت است. درخت سیب جنگلی بدون توجه باغبان و بدون خاک و کود مناسب با آب باران هم رشد میکند و سیب ببار میآورد و درخت سیبی که در باغ تحت نظارت باغبان با آب و خاک خوب پرورش مییابد نیز سیب ببار میآورد ولی ثمراتش سالمتر و شیرینتر هستند. کسیکه میخواهد از بدی ها دور باشد و درخت زندگی اش پر بار باشد و ثمرات برتری ببار آورد باید کارهایش را بر طبق اصول شاسترا انجام بدهد.



द्वौ भूतसर्गौ लोकेऽस्मिन्दैव आसुर एव च ।

दैवो विस्तरशः प्रोक्त आसुरं पार्थ मे शृणु ॥६॥

ترجمه: در این دنیا مردم پاک سیرت و شیطان صفت در کنار هم زندگی میکنند. من در باره مردمی که صفات خدائی دارند برایت توضیح دادم حالا به خصوصیات مردم شیطان صفت گوش کن.

تفسیر: هیچکس کاملاً خوب و هیچکس کاملاً بد نیست! اخلاق و صفات انسان با اعمال او و بموقع رفتارش با دیگران ظاهر میشوند! کسی که دارای صفات شیطانی است به گفته های شاسترا اهمیت نمیدهد و علاقه ای به شنیدن آنها ندارد!

تظاهر بدترین صفت شیطانی است. بخاطر تظاهر حتی صفات بهشتی هم تبدیل به صفات شیطانی میشوند. صفات شیطانی و صفات خدائی از ازل بوده و تا ابد خواهند ماند و از بین نخواهند رفت!

~~~~~

प्रवृत्तिं च निवृत्तिं च जना न विदुरासुराः ।

न शौचं नापि चाचारो न सत्यं तेषु विद्यते ॥७॥

**ترجمه:** کسی که دارای خوی پلید شیطانی است نمیداند که چه چیزی را باید ترک کند و به چه چیزی باید تمایل پیدا کند. او نه به پاکی درون و بیرون خود اهمیت میدهد، نه میتواند راستگوئی و درستکاری را در پیش بگیرد.

**تفسیر:** کسیکه علاقمند به یافتن راه درست است میتواند آنرا از کتب مقدس، از یک استاد قابل و یا با گوش کردن به نقل گفته های بزرگان پیدا کند. در بعضی موارد دیده شده که با رؤیت مردان زاهد، در جوار آنها و یا با رفتن به زیارتگاه های مقدس قدرت فهم و ذکاوت در انسان بیدار میشود. ذکاوت در همه هست ولی فقط آنها که درستکار و راستگو هستند میتوانند از آن بهره برداری کنند. کسیکه نگاهش همیشه بسوی لذات مادی دنیا است نمیتواند بسوی درستکاری و راستگوئی نگاه کند.

اخلاق و صفات زشت باعث کردن شدن عقل انسان میشوند. افراد شیطان صفت علاقه ای به خواندن یا شنیدن نوشته های شاسترا ندارند و حتی اگر هم آنرا بشنوند نمیتوانند از آن بهره ای بگیرند!

~~~~~

असत्यमप्रतिष्ठं ते जगदाहुरनीश्वरम् ।

अपरस्परसम्भूतं किमन्यत्कामहैतुकम् ॥८॥

ترجمه: آنها که معتقد به وجود ایشور نیستند و نظام طبیعت را قبول ندارند میگویند که این دنیا از هم‌آغوشی و مقاربت جنسی زن و مرد بوجود آمده و دلیل دیگری برای پیدایش دنیا نیست.

تفسیر: مردم شیطان صفت فقط خوشیها را میشناسند و خوشی میخواهند و چیزی بنام "حقیقت" را قبول ندارند. آنها پرستش آتش مقدس و خدایان را، تحصیل کتب مقدس را، رفتن به زیارتگاه و روزه گرفتن را و کارهای خیریه را قبول ندارند و این چیزها را پوچ و بی معنی میدانند. افراد شیطان صفت وجود ایشور را قبول ندارند! آنها گناه و صواب را قبول ندارند و معتقد به پیروی از قوانین اخلاقی نیستند.



एतां दृष्टिमवष्टभ्य नष्टात्मानोऽल्पबुद्धयः ।

प्रभवन्त्युग्रकर्माणः क्षयाय जगतोऽहिताः ॥९॥

ترجمه: اینگونه افراد پلید علاقه ای به شناختن شکل حقیقی خود ندارند. این افراد کودن بجز جسم خود چیز دیگری را نمیشناسند و دشمن خود و مردم دنیا میباشند.

تفسیر: افراد بیخرد شیطان صفت نه به انجام وظیفه معتقدند و نه به درستکاری و راستگویی، نه به گناه و صواب، نه به دنیای آخرت، نه به ایشور، نه به سرنوشت و نه به نتیجه اعمال گذشته اعتقاد دارند. آنها که از حقیقت وجود خود روی برگردانده فقط معتقد به جسم هستند و چیز دیگری بجز جسم را نمیشناسند! زندگی این مردم حتی اگر از نظر مادی موفق و ثروتمند هم باشند مثل حباب روی آب لجنزار کثیف و بیهوده است.



काममाश्रित्य दुष्पूरं दम्भमानमदान्विताः ।

मोहादगृहीत्वासदग्राहान्प्रवर्तन्तेऽशुचिव्रताः ॥१०॥

ترجمه: اشخاص پست سیرت برای رسیدن به خواسته ها و هوسهای پایان ناپذیر و امیدهای واهی خود روزه های ناپاک میگیرند و کارهای غیر انسانی میکنند.

تفسیر: آنها که صفات شیطانی دارند تصور میکنند که انسان بدون خواسته ها و لذات جسمانی نمیتواند در زندگی موفق شود و زندگی مثل سنگ خشک و بی مزه خواهد بود. اینها برای رسیدن به خواسته هایشان جلوی هرکسی تعظیم میکنند، تظاهر به داشتن چیزهائی میکنند که ندارند و از هرگونه دروغگوئی پرهیز نمیکنند.

این مردم نادان در دنیای کثیفی که برای خود ساخته اند گیج و سرگردان هستند و فکر میکنند که زندگی همین است. بعضی از مردم در تاریکی جهالت دنیا می آیند، با جهل زندگی میکنند و در جهالت میمیرند.



चिन्तामपरिमेयां च प्रलयान्तामुपाश्रिताः ।

कामोपभोगपरमा एतावदिति निश्चिताः ॥११॥

ترجمه: اشخاص جاهل همیشه گرفتار مشکلات و نگرانی های بیشماری هستند. تمام زندگی آنها صرف تهیه وسایل خوشی و راحتی جسم خود میشود و طمع آنها به جمعآوری اشیاء دنیا تا آخر عمرشان ادامه پیدا میکند.

تفسیر: زندگی مردم نادان تا آخر عمرشان در نگرانی میگذرد و هرگز آرامش نمییابند. اینها شنیده اند که در آسمان جائی بنام بهشت هست! جائی که در آن خوشیها و لذات جسمانی فراوان وجود دارد و با کسب صواب سعی میکنند برای خود جائی را در بهشت بدست آورند و حتی بعد از مرگ هم خوشگذرانی کنند. این مردم پلید در مقابل زن بسیار ضعیف هستند. آنها از شنیدن صدای زن، از دیدن شکل زن و از همنشینی با زن سیر نمی شوند و برای بودن در کنار زن حاضرند هر کاری بکنند و برای هماغوشی با زن از هر چیزی و حتی از آبرویشان هم میگذرند. شهوت و طمع انسان را کور میکند. مرد هوسباز نه در این دنیا موفق میشود و نه به درک پرماثما میرسد. انسان در زندگی بمقدار محدودی از اشیاء دنیا نیاز دارد ولی تمام عمرش را بدنبال جمعآوری اموال و اشیاء میگذراند و در این راه از آزار رساندن بخود یا دیگران اجتناب نمیکند. اینگونه افراد در آخر عمر گرفتار بیماریهای گوناگون میشوند.



आशापाशशतैर्बद्धाः कामक्रोधपरायणाः ।

ईहन्ते कामभोगार्थमन्यायेनार्थसञ्चयान् ॥१२॥

ترجمه: شخص احمقی که هزاران هوس را مثل طناب دار بدور گردنش انداخته برای رسیدن به خواسته هایش بکارهای خلاف اخلاقی روی میآورد.

تفسیر: افراد شیطان صفت همیشه دستخوش هیجان و نگرانی میباشند. آنها بطور عجولانه و از راههای غیر عادلانه در صدد کسب ثروت بر می آیند و در صورت بر آورده نشدن خواسته هایشان خشمگین شده و زمین و زمان را مقصر میدانند. اینها هرگز متوجه تقصیرات خود نمیشوند.

~~~~~

इदमद्य मया लब्धमिमं प्राप्स्ये मनोरथम् ।

इदमस्तीदमपि मे भविष्यति पुनर्धनम् ॥१३॥

**ترجمه:** آنها هر روز تصمیم میگیرند که اموال و اندوخته بیشتری حاصل کنند و بهمین دلیل هم یک لحظه آرام و قرار ندارند.

**تفسیر:** کسانی که از این مردم هم احمق تر هستند با دیدن ثروت و املاک این افراد تصور میکنند که این مردم بسیار خوشبخت هستند و آنها را تحسین میکنند. این مردم کم عقل قبل از اینکه به اشتباهاتشان پی ببرند پیری، ضعف جسمانی و بیماریهای گوناگون آنها را از پا درمیآورند!

~~~~~

असौ मया हतः शत्रुर्हनिष्ये चापरानपि ।

ईश्वरोऽहमहं भोगी सिद्धोऽहं बलवान्सुखी ॥१४॥

ترجمه: آنها هر روز بر یک دشمن پیروز میشوند و فردا دشمن دیگری در مقابلشان حاضر میشود! آنها خود را بسیار توانا و بی عیب تصور میکنند و فکر میکنند که هر کاری را که اراده کنند میتوانند انجام بدهند.

تفسیر: اشخاص شیطان صفت با داشتن چیزهای بی ارزش دنیا تصور میکنند که مالک دنیا شده اند ولی نمیدانند که برای حاصل کردن این

چیزهای بی ارزش عمرشان را داده اند! آنها نمیدانند که چه چیزی را حاصل کرده و چه چیزی را از دست داده اند!

~~~~~

आद्योऽभिजनवानस्मि कोऽन्योऽस्ति सदृशो मया ।

यक्ष्ये दास्यामि मोदिष्य इत्यज्ञानविमोहिताः ॥१५॥

**ترجمه:** آنها با خود میگویند: "من ثروتمند و سرشناس هستم و خدمتکاران بسیار دارم. من کارهای خیریه بسیاری کرده ام و خیرات بسیاری میدهم! مثل من در دنیا نیست" و با این خیالات در توهم زندگی میکنند.

**تفسیر:** مردم مغرور و متکبر تصور میکنند که تمام مردم دنیا بآنها محتاج هستند و بدون خیرات و اعانه های آنها حتی خدایان هم زنده نخواهند ماند. زندگی این مردم با خوشیهای زودگذر و بی ارزش تمام میشود و خوشی پاکی که مردم صادق و درستکار در زندگی تجربه میکنند هرگز نصیبشان نمیشود.

~~~~~

अनेकचित्तविभ्रान्ता मोहजालसमावृताः ।

प्रसक्ताः कामभोगेषु पतन्ति नरकेऽशुचौ ॥१६॥

ترجمه: افراد نادان بدلیل هوسهایشان به آسانی فریب میخورند. آنها که شیفته اشیاء و خوشیهای زودگذر دنیا هستند در واقع در همین دنیا در جهنم هستند.

تفسیر: شخص جاهل نمیتواند فرق بین درست و نادرست را ببیند و بهمین دلیل از بغوان روی برمیگرداند. اینگونه افراد در صورتیکه به خواسته هایشان نرسند از زندگی نا امید میشوند و دیگران را مسئول اشتباهات خود میدانند. این افراد شیطان صفت بخاطر اعمال پلیدشان در همین دنیا هم در جهنم زندگی میکنند.

~~~~~

आत्मसम्भाविताः स्तब्धा धनमानमदान्विताः ।

## यजन्ते नामयज्ञैस्ते दम्भेनाविधिपूर्वकम् ॥१७॥

**ترجمه:** آنها خود را برتر از دیگران و قابل تحسین میدانند. آنها بخاطر ثروتی که دارند و احترامی که دیگران برایشان قائلند احساس تکبر میکند و بدون پیروی از نوشته های شاسترا آتش مقدس را فقط بمنظور خودنمایی میپرستند.

**تفسیر:** این اشخاص بدلیل طبقه اجتماعی، تحصیلات و مقامشان خود را برتر از دیگران میدانند و انتظار دارند دیگران دستورهایشان را اجراء کنند. اینگونه اشخاص مراسم پرستش آتش را با خرج بسیار انجام میدهند ولی منظورشان از برگزاری این مراسم جلب توجه و احترام مردم میباشد. آنها چیزی از شاسترا نمیدانند و قوانین آنرا مراعات نمیکند. آنها بدون کمک گرفتن و راهنمایی پاندیت Pundit این مراسم را برگزار میکنند و نه تنها ارزش پاندیت ها را نمیدانند بلکه اصول شاسترا را هم قبول ندارند.



अहङ्कारं बलं दर्पं कामं क्रोधं च संश्रिताः।

मामात्मपरदेहेषु प्रद्विषन्तोऽभ्यसूयकाः॥१८॥

**ترجمه:** کسیکه مغرور، بدبین، متکبر، خودسر، هوسران و خشمناک است با من که در قلب خودش و دیگران هستم دشمنی میکند.

**تفسیر:** این افراد شیطان صفت هر کاری را با تکبر و فقط بمنظور خودنمایی انجام میدهند. اینها معتقدند که در دنیا سادگی و درستکار بودن فایده ندارد و انسان باید زرنگ و حقه باز باشد. این اشخاص شاید در ظاهر خوشبخت بنظر بیایند ولی در باطن در عذاب هستند.



तानहं द्विषतः क्रूरान्संसारेषु नराधमान्।

क्षिपाम्यजस्त्रमशुभानासुरीष्वेव योनिषु॥१९॥

**ترجمه:** این مردم ناپاک و شیطان صفت بدترین انسانها هستند. آنها بخاطر اعمال کثیف خود هر بار در طبقه پست اجتماع دنیا میآیند.

**تفسیر:** این ظالمان گناهکار فقط نفع خودشان را در نظر میگیرند و برای کسی کار خیر نمیکنند. دوستی و هم نشینی با آنها باعث شکست انسان در زندگی میشود. اینها مارهای زهرآگینی هستند که در آتش زهر خودشان میسوزند. کمک و راهنمایی کردن باینگونه افراد بیفایده است و میتواند برای خود شخص خیرخواه مضر ثابت شود. اینگونه افراد را باید بحال خود گذاشت و تا حد امکان از آنها دوری کرد.

~~~~~

आसुरीं योनिमापन्ना मूढा जन्मनि जन्मनि।

मामप्राप्यैव कौन्तेय ततो यान्त्यधमां गतिम्॥२०॥

ترجمه: این مردم کم عقل تلاشی برای شناختن من نمیکنند و بهمین دلیل مکرراً در خانواده های پست دنیا می آیند و هربار دچار سرنوشت بدتری میشوند و نتایج دردناک اعمال خود را دریافت میکنند.

تفسیر: هیچ کس در دنیا کامل و بی ایراد نیست ولی به هر کسی این موقعیت داده شده که ایرادهای خود را بشناسد و برای کاستن آنها تلاش کند.

حیوانات هم میخورند، میخوانند، تولید مثل میکنند، پیر میشوند و یکروز میمیرند! فرق بین انسان و حیوانات این است که انسان میتواند با استفاده از خرد خود حقیقت را بشناسد و خود را از چرخ دنیای مادی رها کرده و در آرامش زندگی کند.

~~~~~

त्रिविधं नरकस्येदं द्वारं नाशनमात्मनः।

कामः क्रोधस्तथा लोभस्तस्मादेतत्त्रयं त्यजेत्॥२१॥

**ترجمه:** هوس، خشم و طمع سه دروازه های جهنم و بزرگترین دشمن انسان میباشند! حتی یکی از این سه دشمن میتواند باعث بدبختی و شکست انسان در زندگی بشود. سادک جدی و با انضباط از اینها پرهیز میکند.

**تفسیر:** کسیکه به سعادت خود علاقمند است باید خود را از دست این دشمنان نجات بدهد. کسیکه بتواند بر هوسها غلبه کند میتواند بر راحتی بر خشم و طمع غالب شود.

~~~~~

एतैर्विमुक्तः कौन्तेय तमोद्वारैस्त्रिभिर्नरः।

आचरत्यात्मनः श्रेयस्ततो याति परां गतिम्॥२२॥

ترجمه: ای ارجون! کسی که بر این سه دشمن غلبه میکند و از آنها برای همیشه رها میشود قابلیت درک پرماتما را حاصل میکند.

تفسیر: خواهشهای جسمانی و تمایل به اشیاء و خوشیهای دنیا انسان را آنچنان از حقیقت دور میکنند که انسان تا آخر عمرش هم بآن نمیتواند فکر کند. شخص خردمند با خوشیها و موفقیتهای موقتی راضی نمیشود و به جستجوی حقیقت میپردازد!

~~~~~

यः शास्त्रविधिमुत्सृज्य वर्तते कामकारतः ।

न स सिद्धिमवाप्नोति न सुखं न परां गतिम्॥२३॥

**ترجمه:** کسی که هر کاری را از روی هوس و بدون پیروی از نوشته های شاسترا انجام میدهد هرگز به پاکی درون و مسرت ابدی نخواهد رسید.

**تفسیر:** هوسهای انسان خود بخود تمام نمیشوند و سادک باید خودش برای تمام کردن آنها همت کند. کسی که هزاران آرزو در دل دارد از گناه کردن نمیترسد، به اصول شاسترا توجهی نمیکند و حتی کارهای نیک از قبیل رفتن به زیارت و پرستش آتش مقدس و غیره را هم فقط برای خودنمایی انجام میدهد.

~~~~~

तस्माच्छास्त्रं प्रमाणं ते कार्याकार्यव्यवस्थितौ ।

ज्ञात्वा शास्त्रविधानोक्तं कर्म कर्तुमिहार्हसि॥२४॥

ترجمه: گوش کن ار جون! کتب شاسترا بهترین راهنمای تو هستند. بکمک این کتب تو میفهمی که چه وظیفه ای داری و چه کاری وظیفه تو نیست. برای موفقیت در زندگی وظایفت را بشناس و بآنها عمل کن.

تفسیر: کتب شاسترا انجام وظیفه را مهمترین قسمت از زندگی دانسته و توصیه کرده اند که بهترین راه برای موفقیت در زندگی مادی و رسیدن به سعادت معنوی انجام وظایف شخصی میباشد. پیروی از دستورات ودا و شاسترا مثل یک زره آهنی است و از انسان در مقابل مصائب زندگی محافظت میکند.

پایان بخش شانزدهم بهاگواد گیتا – علم برهم
گفتگوی بین شیری کریشنا و ار جون

॥ ॐ श्रीपरमात्मने नमः ॥

بخش هفدهم

अर्जुन उवाच

ये शास्त्रविधिमुत्सृज्य यजन्ते श्रद्धयान्विताः।

तेषां निष्ठा तु का कृष्ण सत्त्वमाहो रजस्तमः॥१॥

ترجمه: ارجون پرسید: آیا پرستش خدایان بدون پیروی از کتب شاسترا حاکی از جهالت انسان است؟ آیا اینکار نشانگر طبع فعال و یا طبع پاک او میباشد؟

تفسیر: در واقع هر راهی را که انسان در پیش میگیرد و هر کاری را که در زندگی انتخاب میکند نتیجه اعمال گذشته خودش میباشد. پرماثما همه را دوست دارد. هر کسی از هر راه و روشی که دوست دارد و با پیروی از هر کتاب و یا بدون پیروی از هیچ کتابی میتواند خدایان را بپرستد! مهم این است که پرستش همراه با ایمان و علاقه باشد. بعضی ها از راه درست میروند و بعضی ها راه غلط را انتخاب میکنند و به نتیجه دلخواه نمیرسند! این مربوط به اعمال گذشته انسان و طبع او است.

~~~~~

श्रीभगवानुवाच

त्रिविधा भवति श्रद्धा देहिनां सा स्वभावजा ।

सात्त्विकी राजसी चैव तामसी चेति तां शृणु ॥२॥

**ترجمه:** شیری بغوان گفت: ایمان هر کسی از طبع او شکل میگیرد. سه طبع پاک، فعال و پست نتیجه اعمال خود انسان هستند.

**تفسیر:** ایمان بعضی از مردم ایمان جمعی است و در خارج از آن جمع فراموش میشود! ایمان بعضی ها ایمان کتابی است یعنی تا زمانیکه کتاب خاصی را میخوانند بآن کتاب و نوشته هایش ایمان دارند و بعد از کنار

گذاشتن آن کتاب ایمانشان هم تمام میشود. نوع سوم مردم ایمان ذاتی دارند! ایمانی که خودبخود در ذات انسان هست و از بین نمیرود! این ایمان را کسی نمیتواند بانسان یاد بدهد و آنرا از کتابها نمیتوان یاد گرفت. آتش در درون هیزم نهفته است! آتش ذاتاً گرم و روشن است! اگر از آتش گرما و روشنی او گرفته شود آتشی وجود نخواهد داشت! علم و ایمان هم در ذات انسان هست. کسی نمیتواند علم و ایمان را بکسی بدهد یا از او بگیرد! ایمان و علم ذاتی هر کسی نسبت به طبع خودش است. کسیکه طبع آرام دارد بغوان را دوست دارد و باو ایمان دارد. کسیکه دارای طبع فعال است حتی با خدایان هم داد و ستد میکند و در ازای پرستش خدایان، دادن قربانی و کارهای خیری که میکند نیز از خدایان چیزهای مادی میخواهد. کسیکه دارای طبع سست است به جادو و خدایان ناپاک روی میآورد و بجائی نمیرسد.



सत्त्वानुरूपा सर्वस्य श्रद्धा भवति भारत ।

श्रद्धामयोऽयं पुरुषो यो यच्छ्रद्धः स एव सः ॥३॥

**ترجمه:** ای ارجون! ایمان هرکسی نمایانگر طبع و افکار او است. شخصیت هر کسی را ایمان او میسازد یعنی هر کسی مثل خدائی است که باو ایمان دارد.

**تفسیر:** آن اعتقاد و ایمان پاکی که انسان را بسوی روشنائی حقیقت سوق میدهد، باو محبت، بخشندگی و از خودگذشتگی یاد میدهد و از او انسان بهتری میسازد بهترین اعتقاد و بهترین ایمان است! آن معتقداتی که انسان که را بسوی مادیات و لذات دنیا سوق میدهد یک اعتقاد ناقص است! و آن معتقداتی که با زورگوئی و ظلم در وجود انسان خشونت، نفرت، دشمنی و بدبینی نسبت بدیگران را پرورش میدهد و در بین مردم ترس و وحشت ایجاد میکند بدترین و پست ترین اعتقاد میباشد.



यजन्ते सात्त्विका देवान्यक्षरक्षांसि राजसाः।

प्रेतान्भूतगणांश्चान्ये यजन्ते तामसा जनाः ॥४॥

**ترجمه:** کسیکه طبع پاک دارد افکارش آرام است و خدایان را میپرستد. کسیکه طبع فعال و پرهیجان دارد دارای افکار مغشوش است و

نیمه خدایان را میپرستند. کسیکه طبع پست و غیرفعال دارد به کسی ایمان ندارد و ارواح ناپاک را میپرستند.

**تفسیر:** کسیکه طبع پاک دارد دارای تمام صفات خوب بهشتی است و معتقد به پنج خدای اولیه بنامهای ویشنو، شنکر، گانش، ماتا و سوریا میباشد. این شخصیت پاک بعد از وفات مثل خدایان میشود و به بهشت آنها میرود.

کسیکه طبع فعال دارد نیمه خدایان را میپرستد و در ازای خوشنود کردنشان از آنها میخواهد که آرزوهایش را برآورده کنند. اینگونه اشخاص بعد از وفات به بهشت خدای خود میروند و از لذات آن بهشت بهره مند میشوند!

آنها که طبع پست دارند ارواح پلید و مردگان خود را میستایند و برای خوشنود کردن آنها حیوانات را با بیرحمی قربانی میکنند. این افراد بعد از وفات به جهنم میروند و به ارواح پلید میپیوندند.

بعضی از مردم معتقد به انجام وظیفه در تمام طول عمرشان به پدر و مادر و اجدادشان خدمت میکنند و با احترام و محبت آنها را مثل خدایان میپرستند! اینها بعد از وفات به بهشت خدایان میروند.



अशास्त्रविहितं. घोरं तप्यन्ते ये तपो जनाः ।

दम्भाहङ्कारसंयुक्ताः कामरागबलान्विताः ॥५॥

कर्शयन्तः शरीरस्थं भूतग्राममचेतसः ।

मां चैवान्तःशरीरस्थं तान्विद्धयासुरनिश्चयान् ॥६॥

**ترجمه:** اشخاص هوسران و دنیا پرست بدون پیروی از شاسترا و صرفاً بمنظور کسب مال و مقام ریاضت‌های دشواری را در پیش میگیرند. این اشخاص نادان با ریاضت‌های بی معنی به جسم خود و به پرماتما که در قلب آنها ساکن است آزار می‌رسانند.

**تفسیر:** افراد دنیاپرست تصور میکنند که هر چیزی را میتوانند حاصل کنند. آنها نه تنها کتب شاسترا را نمیخوانند بلکه بدون داشتن هیچ علمی از آنها بدگویی میکنند. اینگونه افراد بد نصیب تصور میکنند که دنیا

برای خوشگذرانی و جمعآوری اشیاء و اموال میباشد و در نظرشان کسبیکه باین چیزها نرسیده زندگی اش بیهوده بهدر رفته است. این اشخاص پلید معتقدات شیطانی دارند و تصور میکنند که با تحمل سختی و زجر دادن به جسم خود میتوانند به قدرتهای شیطانی و خواسته هایشان برسند. اینکارها مخالف شاسترا میباشد! گرسنگی بیش از حد، خوابیدن بر روی میخها، خود را پا در هوا آویزان کردن، بر روی یک پا بدون آب و غذا ایستادن و کارهای دیگری که باعث زجر جسم انسان میشوند بر خلاف شاسترا و روشهای شیطانی میباشد. ای ارجون! تو از اینگونه افراد دوری کن.



आहारस्त्वपि सर्वस्य त्रिविधो भवति प्रियः।

यज्ञस्तपस्तथा दानं तेषां भेदमिमं शृणु ॥७॥

**ترجمه:** نه تنها ایمان انسان بلکه غذای مورد علاقه، نوع ریاضت، پرستش و خیراتی که میدهد نیز نسبت به طبع او سه نوع میباشد.

**تفسیر:** هر کسی نسبت به اعمال گذشته اش و نسبت به طبع خودش نوع غذای خاص و روش زندگی خاصی را انتخاب میکند. نوع قربانی، ریاضت، پرستش، خیرات و رفتار انسان هم نسبت به اعمال گذشته و طبع او میباشد.



आयुःसत्त्वबलारोजसुखप्रीतिविवर्धनाः ।

रस्याः स्निग्धाः स्थिरा हृद्या आहाराः सात्त्विकप्रियाः ॥८॥

**ترجمه:** کسبیکه دارای طبع پاک است غذاهای پاک میخورد، غذاهائیکه مورد پسند خدایان هستند و بانسان طول عمر، سلامتی، عقل سالم و رضایت خاطر میبخشند.

**تفسیر:** انواع سبزیجات، حبوبات، لبنیات، عسل و میوه های رسیده شیرین و آبدار فصلی از جمله غذاهای پاک میباشد. خوردن این غذاهای ساده و سالم برای حفظ سلامتی و طبع پاک ضروری میباشد.



कटवम्ललवणात्युष्णतीक्ष्णरूक्षविदाहिनः ।

आहारा राजसस्येष्टा दुःखशोकामयप्रदाः ॥९॥

**ترجمه:** غذاهائی که بیش از حد ترش، تلخ، شور، تند و یا گرم هستند مورد پسند افرادی هستند که دارای طبع فعال و پرهیجان میباشند. اینگونه غذاها باعث بیماری، درد، ازدیاد شهوت و کامجویی و کوتاهی عمر میشوند.

~~~~~

यातयामं गतरसं पूति पर्युषितं च यत् ।

उच्छिष्टमपि चामेध्यं भोजनं तामसप्रियम् ॥१०॥

ترجمه: غذاهای کهنه، خشک، بدبو، پس مانده دیگران و غذاهائی که در شاسترا منع شده اند برای اهداء به خدایان مناسب نیستند. این نوع اغذیه مورد پسند کسانی میباشند که طبع ناپاک و سست دارند.

تفسیر: خوردن غذاهای کهنه و پس مانده روزهای قبل، ته مانده دیگران، گوشت حیوانات، تخم پرندگان و آشامیدنی های الکلی در کتب شاسترا منع شده است. کسانی که طبع سست دارند بدون توجه به هیچ اصولی هر چیزی را میخورند و از عوارض آنها نمیترسند. خوردن این نوع اغذیه و آشامیدنیهای ناسالم باعث بیماریهای بسیاری میشود. اینگونه افراد دارای اخلاق و رفتار تند و پرخاشگر میباشند و دوستی با آنها چیزی بجز پریشانی ببار نمیآورد.

در کتب اوپانیشاد گفته شده است که غذائی که انسان میخورد در افکار، احساسات و رفتار او تأثیر میگذارند. برای داشتن افکار و احساسات پاک و سالم انسان باید غذای پاک و سالم بخورد. غذا باید بدون عجله و در محیط آرام خورده شود.

अफलाकाडिक्षभिर्यज्ञो विधिदृष्टो य इज्यते ।

यष्टव्यमेवेति मनः समाधाय स सात्त्विकः ॥११॥

ترجمه: انجام وظایف خود بدون در نظر گرفتن منافع شخصی و فقط بمنظور کمک دیگران بهترین و پاکترین نوع قربانی است.

تفسیر: پرستش آتش مقدس و حفظ آن با پیروی از اصول ودا و شاسترا یک قربانی پاک است. حتی رؤیت یک شخص پاک که وظایفش را بدرستی انجام میدهد و آتش مقدس را میپرسد و آنرا حفظ میکند باعث مسرت انسان میشود و برای ستایش اینگونه افراد حتی خدایان هم بر روی زمین میآیند.



अभिसन्धाय तु फलं दम्भार्थमपि चैव यत् ।

इज्यते भरतश्रेष्ठ तं यज्ञं विद्धि राजसम्॥१२॥

ترجمه: آن قربانی که با تظاهر و خودنمایی انجام داده میشود یک قربانی خودخواهانه است. کسانی که دارای طبع پرهیجان هستند با اینگونه قربانی ها به آرزوهایش میرسند و بعد از وفات به بهشت میروند.

تفسیر: شخص دارای طبع فعال هر کاری را بمنظور خودنمایی و با بوق و کرنا انجام میدهد و همیشه در آن منفعت خودش را در نظر میگیرد. نتیجه اینگونه کارها خوشیها و غمهای معمول دنیا میباشد.



विधिहीनमसृष्टान्नं मन्त्रहीनमदक्षिणम् ।

श्रद्धाविरहितं यज्ञं तामसं परिचक्षते ॥१३॥

ترجمه: آن قربانی که بدون پیروی از اصول کتب شاسترا و بدون حضور یک پاندیت، بدون خواندن مانترا و بدون دادن اعانه و خیرات مواد غذائی انجام داده میشود یک قربانی ناپاک است.

تفسیر: انجام مراسم هر قربانی دارای اصول و مقررات خاص خود میباشد. اشخاص نادان و مغرور گفته های ودا را بدرستی نمی فهمند و معتقد به اصول کتب شاسترا نیستند. این اشخاص حتی از خوشیهائی که در دنیا نصیبشان میشود نیز نمیتواند بدرستی لذت ببرند چه رسد به مسرتی که در درک ودا هست!



देवद्विजगुरुप्राज्ञपूजनं शौचमार्जवम् ।

ब्रह्मचर्यमहिंसा च शरीरं तप उच्यते ॥१४॥

ترجمه: ستایش پنج خدایان اصلی بنامهای شنکر Shankar،

ویشنو Visnu، الهه مادر Durga، گانش Ganesh،

و آفتاب Surya و همچنین رفتن به معبد این خدایان، خدمت به پدر و مادر، خدمت به معلم و گورو، توجه به تمیزی جسم، دوری از زن و پرهیز از مقاربت جنسی، حفظ سادگی، پرهیز از ظلم و خشونت ریاضتهای جسمانی میباشند.

تفسیر: پدر و مادر، بزرگان خانواده و معلمان مقدس هستند و

احترام به آنها و خدمت به آنها وظیفه هر کسی میباشد. تسلط بر پنج حواس خود برای سادک اهمیت بسیاری دارد و همین بهترین نوع ریاضت است.



अनुद्वेगकरं वाक्यं सत्यं प्रियहितं च यत् ।

स्वाध्यायाभ्यसनं चैव वाङ्मयं तप उच्यते ॥१५॥

ترجمه: راستگوئی، سنجیده گوئی، کم گوئی و سکوت بهترین روش

بیان سخن و ریاضت کلام است.

تفسیر: راستگوئی، سخنان آرام، سخن گفتن با متانت و احترام

بدیگران ریاضت کلام است. کسیکه صاحب ریاضت کلام است به تحصیل شاسترا متمایل میشود. کسیکه زبانش دارای ثروت سکوت است لیاقت سخن گفتن در باره شاسترا را کسب میکند.



मनःप्रसादः सौम्यत्वं मौनमात्मविनिग्रहः ।

भावसंशुद्धिरित्येतत्तपो मानसमुच्यते ॥१६॥

ترجمه: رفتار آرام، احساس رضایت و تسلط بر حواس ریاضتهای

درون میباشند.

تفسیر: کسیکه اتفاقات و شرایط زندگی را با صبوری قبول میکند

و در صدد عوض کردن آنها برنمیآید یک سادک ریاضتمند است.

سادگی که بسیار کم و فقط در صورت لزوم حرف میزند و در غیر اینصورت سکوت اختیار میکند همیشه احساس آرامش میکند و در جوار او دیگران هم احساس آرامش میکنند. او از کسی بدگوئی نمیکند و به بدگوئی دیگران گوش نمیکند!

~~~~~

श्रद्धया परया तप्तं तपस्तत्त्रिविधं नरैः ।

अफलाकाङ्क्षिभिर्युक्तैः सात्त्विकं परिचक्षते ॥१७॥

**ترجمه:** هرکاری را که انسان بیاد بغوان و بخاطر رضایت او و بدون در نظر گرفتن منافع خود انجام بدهد یک کار پاک است.

**تفسیر:** صفات نیک بطور طبیعی و کم و بیش در هر کسی هست. سادک صفات نیک را در خود پرورش میدهد و برای خود منفعت جوئی نمیکند.

~~~~~

सत्कारमानपूजार्थं तपो दमभेन चैव यत्।

क्रियते तदिह प्रोक्तं राजसं चलमधुनम् ॥१८॥

ترجمه: ریاضتهائیکه بمنظور خودنمایی، کسب شهرت و مقام در پیش گرفته میشوند نتایج موقتی و ناپایدار ببار میآورند.

تفسیر: اینها ریاضتهای مردمی هستند که طبع فعال دارند. این اشخاص دوست دارند که دیگران از آنها قدردانی کنند، در جلویشان تعظیم کنند، بهر جا میروند مردم به پیشباز آنها بیایند و برایشان گل و شیرینی بیاورند، اینها را در صدر مجلس بنشانند، به گفته هایشان با توجه گوش کنند و به راهنمایی هایشان عمل کنند، حرفی برخلاف آنها نگویند، آنها را ستایش کنند و مثل خدایان بپرستند و حتی بعد از مرگشان هم بر سر مزارشان عطر و گل و گلاب بپاشند و او را بپرستند.

اینگونه افراد به بغوان ایمان ندارند ولی میدانند چطور تظاهر کنند! آنها بر روی مخده بآرامی می نشینند، در دستشان مالا (تسبیح) میگردانند، خدایان را میپرستند و در ظاهر با همه با محبت رفتار میکنند. این افراد حقه باز گاه گاهی در این بازی موفق میشوند ولی در درون خود هرگز راضی

نیستند و عاقبت خیر ندارند. اینها تا آخر عمرشان مثل یک سگ ولگرد باینسو و آنسو میدوند و مثل یک سگ ولگرد میمیرند.

~~~~~

मूढग्रहेणात्मनो यत्पीडया क्रियते तपः ।

परस्योत्सादनार्थं वा तत्तामसमुदाहृतम् ॥१९॥

**ترجمه:** ریاضتی که همراه با حماقت است، ریاضتی که باعث آزار جسم خود و یا بمنظور آزار رساندن بدیگران انجام داده میشود ریاضت ناپاک است.

**تفسیر:** کسیکه طبع سست ناپاک دارد همیشه در صدد آزار دیگران برمیآید. این شخص از دیدن شکست و ناراحتی دیگران احساس خوشی میکند. او ریاضتهائی را در پیش میگیرد که در کتب شاسترا منع شده اند.

~~~~~

दातव्यमिति यद्यानं दीयतेऽनुपकारिणे ।

देशे काले च पात्रे च तद्दानं सात्त्विकं स्मृतम् ॥२०॥

ترجمه: کسیکه خیرات دادن را وظیفه خود میداند و اینکار را برای خودنمائی نمیکند یک شخص پاک سیرت نیک اندیش است.

تفسیر: خیرات باید به شخص مناسب داده شود. خیرات باید در حد توانائی انسان باشد و با رضایت و بدون تکبر داده شود. شخص خیر در ازای خیراتی که میدهد هیچگونه توقعی نباید داشته باشد. خیراتی که باینصورت داده شود خیرات پاک است.

~~~~~

यत्तु प्रत्युपकारार्थं फलमुद्दिश्य वा पुनः ।

दीयते च परिक्लिष्टं तद्दानं राजसं स्मृतम् ॥२१॥

**ترجمه:** خیراتی که بالاجبار و با بیعلاقگی و برای خودنمائی داده شود خیرات منفعت جویانه است و باعث رضایت خاطر شخص خیرات دهنده نمیشود.

**تفسیر:** کسیکه بمنظور رسیدن به خواسته هایش و یا بخاطر کسب صواب و رفتن به بهشت خیرات میدهد مثل کسی است که به گاو علف میخوراند تا شیر او را بدوشد!

~~~~~

अदेशकाले यद्दानमपात्रेभ्यश्च दीयते ।

असत्कृतमवज्ञातं तत्तामसमुदाहृतम् ॥२२॥

ترجمه: خیراتی که به شخص غیر مستحق داده شود، خیراتی که از اموالی داده شود که از راههای خلاف کسب شده اند و هم چنین خیراتی که بدون احترام و برای خودنمائی داده شود خیرات ناپاک است.

تفسیر: بوقت خیرات غذا، آب، لباس و دوا به مستحق یا غیرمستحق بودن شخص گیرنده نباید توجه شود و هر کس که تقاضای کمک کند مستحق است و باید باو کمک شود. کسیکه به بغوان ایمان دارد به مستحق بودن یا نبودن کسی توجه نمیکند و به همه کمک میکند.

~~~~~

ॐ तत्सदिति निर्देशो ब्रह्मणस्त्रिविधः स्मृतः।

ब्रह्मणास्तेन वेदाश्च यज्ञाश्च विहिताः पुरा ॥२३॥

**ترجمه:** سه حرف آئوم Om ، تات Tat ، سات Sat به پرماتما اشاره میکنند. کتب ودا و آتش مقدس از تکرار همین سه حرف (ورد) بوجود آمدند.

**تفسیر:** آئوم – تات – سات یک مانترا است Aum Tat Sat तत्

ॐ सत्. در آغاز خلقت جهان علم ودا و آتش مقدس از این مانترا بوجود آمدند! هر کاری که با ذکر این مانترا آغاز شود بدون اینکه با مشکلی روبرو شود با موفقیت انجام میگردد و ثمره خوب میدهد. هیچ شکی در این نیست.

~~~~~

तस्मादोमित्युदाहृत्य यज्ञदानतपःक्रियाः ।

प्रवर्तन्ते विधानोक्ताः सततं ब्रह्मवादिना म् ॥२४॥

ترجمه: کسانی که معتقد به اصول کتب ودا میباشند کارهای روزمره و وظایف خود از قبیل پرستش آتش، ریاضت، خواندن ودا و خیرات دادن را با تلفظ حرف آئوم ॐ آغاز میکنند.

تفسیر: ودا و شاسترا اجازه تکرار مانتر آئوم را به کسی نداده است! تنها کسی که لیاقت و اجازه تکرار آئوم را دارد یک مرد سنیاسی در مقام توریا (ساکشی) است! یک سنیاسی زمانی به مقام توریا (ساکشی) میرسد که تمام اشیاء و اجسام دنیا را ترک کرده و عاری از هرگونه وابستگی در ماوراء ماده از هرگونه تضاد رها شده و فرق بین چیزها را نمیبیند و فقط بشکل یک شاهد همه چیز را نگاه میکند بدون اینکه نظر خوب یا بدی در مورد چیزی داشته باشد!

معتقدان کتب ودا هر کار خیری را با ذکر حرف آئوم آغاز میکنند و معتقدند که همانطور که گاو ماده بدون گاو نر باردار نمیشود کارهای خیر هم بدون ذکر حرف آئوم پربار نمیشوند.

خلقت این جهان با صوت آئوم ॐ آغاز شد. از صوت آئوم مانترها و کلمات گایتیری مانترا ظاهر شدند. از گایتیری مانترا علم ودا ظاهر شد. علم ودا را هزاران سال پیش ریشی ها در حالت سمادی دریافت کردند. این علم در طول سالیان دراز سینه بسینه گشت و حفظ شد و سپس بعد از گذشت هزاران سال دیگر بتوسط ریشی وداویاسا به سه دسته با نامهای ریگ ودا، سام ودا و یاجور ودا تقسیم و دسته بندی شد. بنابراین میتوان گفت که منبع و ریشه خلقت این جهان صوت آئوم ॐ است. گایتیری مانترا یکی از مانترهای مقدس کتاب ریگ ودا است.

गायत्रि मन्त्र

ॐ भूर् भुवः स्वः।

तत् सवितुर्वरेण्यं।

भर्गो देवस्य धीमहि।

धियो यो नः प्रचोदयात्॥

گایتیری مانترا

ای نور جاودان! ای خورشید تابان|
ترا میپرستم ای زندگی بخش زمین و آسمان||
گناهان مرا ببخش ای بخشنده مهربان|
مرا بسوی سعادت و رستگاری هدایت کن
ای زداينده درد و غم! ای مسرت بی پایان||

~~~~~

तदित्यनभिसन्धाय फलं यज्ञतपःक्रियाः।

दानक्रियाश्च विविधाः क्रियन्ते मोक्षकाङ्क्षिभिः॥२५॥

**ترجمه:** "تات Tat" حرف دومی است که به پرماثما اشاره میکند.  
با ذکر این حرف سادک کار خیری را که در پیش دارد به پرماثما تقدیم  
میکند!

**تفسیر:** کلمه تات در زبان سانسکریت بمعنای "تو" میباشد. سادک  
در وسط کارش با ذکر این نام کارها را به پرماثما میسپارد و قبول میکند که  
این کار را پرماثما انجام میدهد و خودش کننده این کار نیست!

~~~~~

सद्भावे साधुभावे च सदित्येतत्प्रयुज्यते ।

प्रशस्ते कर्मणि तथा सच्छब्दः पार्थ युज्यते ॥२६॥

ترجمه: کلمه "سات Sat" نام سوم پرماثما است و شخص نیکوکار
در پایان کارش با ذکر این نام نتیجه کارها را به پرماثما میسپارد و برای
خود چیزی نمیخواهد!

تفسیر: پرماثما "هست" و ساختگی نیست! سادک در راه رسیدن
به درک پرماثما به انجام وظایف خود و کارهای مقدس از قبیل پرستش آتش
مقدس، ریاضت، خیرات، زیارت، روزه گرفتن، پرستش خدایان و خواندن
کتاب شاسترا ادامه میدهد.

~~~~~

यज्ञे तपसि दाने च स्थितिः सदिति चोच्यते ।

कर्म चैव तदर्थीयं सदित्येवाभिधीयते ॥२७॥

**ترجمه:** سادک بعد از انجام مراسم قربانی، ریاضت، خیرات و وظایف خود نتیجه آنها را به پرماتما میسپارد و از قید کار رها میشود.

**تفسیر:** همانطور که بعد از رسیدن رودخانه به دریا با آب دریا یکی میشود اعمالی هم که به پرماتما اهداء میشوند با پرماتما یکی شده مثل او کامل و بی ایراد میشوند.

~~~~~

अश्रद्धया हुतं दत्तं तपस्तप्तं कृतं च यत् ।

असदित्युच्यते पार्थ न च तत्प्रेत्य नो इह ॥२८॥

ترجمه: کاری که بدون ایمان انجام داده شود دروغین است. بدون ایمان حتی کارهای بسیار خیر از قبیل پرستش آتش، دادن اعانه و قربانی و غیره بیفایده هستند و نتیجه پایداری نخواهند داشت.

تفسیر: کسیکه فقط بمنظور خودنمائی و دریافت فواید مادی به زیارتگاه میرود، خیرات میدهد، قربانی میکند و خدایان را میپرستد شخص متظاهری است که از احساسات پاک دیگران استفاده میکند و آنها را فریب میدهد.

زحمات شخص بی ایمان برایش هیچ فایده مادی و معنوی ببار نمیآورند. کارهای شخص بی ایمان مثل طبل تو خالی در ظاهر بزرگ است و صدای بلند دارد ولی در حقیقت پوچ و توخالی است! هر ثروتی از اینگونه کارها کسب شود در عاقبت باعث فقر و بدبختی انسان میشود. هر کاری که با علاقه و ایمان و با پیروی از شاسترا انجام داده شود با موفقیت انجام میگیرد و ثمرات نیک ببار میآورد!

پایان بخش هفدهم بهاگواد گیتا – علم برهم
گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون

॥ ॐ श्री परमात्मने नमः ॥

بخش هجدهم

अर्जुन उवाच

संन्यासस्य महाबाहो तत्त्वमिच्छामि वेदितुम् ।

त्यागस्य च हृषीकेश पृथक्केशिनाषूदन ॥१॥

ترجمه: ارجون گفت: ای آنکه درمان هر دردی! ای آنکه راز نهان را میدانی! من میخواهم معنای درست ترک دنیا (سنیاس) Samnyasa و سننیااس و ترک کارها و اشیاء دنیا (تیاگ) Tyaga را بدانم.

تفسیر: ارجون در آغاز بخش سوّم از شیری کریشنا تقاضا کرده بود که در باره روش یوگای انجام وظیفه و روش یوگای علم برایش توضیح بدهد و در آغاز بخش پنجم از او پرسید که کدامیک از ایندو روش بهتر میباشد. او حالا در این بخش از کریشنا میخواهد که روش سنیاس یوگا یعنی ترک دنیا و روش تیاگ یعنی ترک اشیاء دنیا را باو توضیح بدهد. معنای "سنیاس" این است که سادک آنچه را که متعلق باو نیست به صاحبش یعنی به طبیعت بازگرداند و ارتباطش را با اشیاء و کارها قطع کند. "تیاگ" فقط بمعنای ترک کارها و اشیاء دنیا نیست بلکه ترک خواسته ها و حس مالکیت نیز تیاگ است.

~~~~~

श्रीभगवानुवाच

काम्यानां कर्मणां न्यासं सन्न्यासं कवयो विदुः ।

सर्वकर्मफलत्यागं प्राहुस्त्यागं विचक्षणाः ॥२॥

त्याज्यं दोषवदित्येके कर्म प्राहुर्मनीषिणः ।

यज्ञदानतपःकर्म न त्याज्यमिति चापरे ॥३॥

**ترجمه:** شیری بغوان گفت: گروهی از عالمان معتقدند که ترک دنیا فقط بمعنای ترک کارهای منفعت آمیز است و گروهی دیگر میگویند که ترک دنیا بمعنای ترک تمام کارها است. پرستش آتش، دادن خیرات و ریاضت کشیدن هرگز نباید ترک شوند.

**تفسیر:** تا زمانی که هوسها ترک نشده اند ترک کارها بیفایده خواهند بود زیرا هوسها انسان را وادار به کارکردن میکنند. برای ترک هوسها سادک باید به اشیاء دنیا بی تفاوت شود. هر کاری از یک خواسته سرچشمه میگیرد بنابراین کسیکه خواسته ای ندارد ترک دنیا کرده و یک سنیاسی است. کسیکه برای خود چیزی نمیخواهد اگر هزاران کار هم انجام بدهد در قید عمل نمی ماند. عده ای از مردم متظاهر با داشتن هزاران آرزو تظاهر میکنند که اشیاء دنیا و کارها را ترک کرده اند و با پوشیدن لباس زعفرانی رنگ تظاهر به سنیاسی بودن میکنند. اینگونه افراد با این کارشان دیگران را گمراه میکنند و خودشان بجائی نمیرسند.



निश्चयं शृणु मे तत्र त्यागे भरतसत्तम ।

त्यागो हि पुरुषव्याघ्र त्रिविधः सम्प्रकीर्तितः ॥४॥

**ترجمه:** ارجون، ای بهترین! من در ابتداء در باره تیاغ برای ت توضیح خواهم داد. تیاغ سه نوع است.

**تفسیر:** سادک دنیا را فقط باید بمنظور رسیدن به پرماٲما ترک کند! ترک دنیا بهر دلیل دیگری اشتباه و دلیل حماقت او خواهد بود. کسانی که بدلیل تنبلی و فرار از مسئولیتهایشان تظاهر به ترک دنیا میکنند اشخاص نادانی هستند و از اینکارشان هیچ نتیجهٲ مثبتی نخواهند گرفت.



यज्ञदानतपःकर्म न त्याज्यं कार्यमेव तत् ।

यज्ञो दानं तपश्चैव पावनानि मनिषिणाम् ॥५॥

**ترجمه:** پرستش آتش مقدس، ریاضت و دادن خیرات نباید ترک شوند. پرداختن باین کارهای نیک باعث پاکی درون انسان میشود.

**تفسیر:** پرستش آتش مقدس صرفاً بمعنای ریختن روغن بدرون آتشدان و خواندن مانترا و روشن نگاهداشتن آتش مقدس نیست بلکه اعتقاد به ایشور، خواندن روزانه کتب مقدس، خواندن دعای صبح و عصر بنام "سندیواندن" Sandhya-Vandan **संध्या वंदन**، خدمت به پدر و مادر، خدمت به گورو، خدمت به بزرگترهای خانواده، خدمت به وطن، کمک به افراد مستمند و احترام به دیگران نیز انواع گوناگون پرستش آتش مقدس میباشند. همانطور که طلای ناخالص در آتش ذوب میشود و ناخالصیهایش از آن جدا میشوند با انجام دادن این کارهای خیر نیز ناخالصیهای وجود انسان زدوده میشوند و از او یک انسان پاک و خالص ساخته میشود.



एतान्यपि तु कर्माणि सङ्गं त्यक्त्वा फलानि च ।

कर्तव्यानीति मे पार्थ निश्चितं मतमुत्तमम् ॥६॥

**ترجمه:** کارهاییکه در بالا ذکر شد و تمام کارهای دیگر را سادک باید بدون هیچگونه توقعی انجام بدهد. این نظر من است.

**تفسیر:** سادکی که هدفش شناخت پرماتما و رسیدن به آرامش کامل است از کارهایی که میکند نباید انتظار ثمره خاصی داشته باشد بلکه باید با هرچه که باو داده میشود راضی باشد! در غیر اینصورت سلسله کارها و ثمرات آنها ادامه یافته افکار او را مغشوش خواهند کرد.



नियतस्य तु सन्न्यासः कर्मणो नोपपद्यते ।

मोहात्तस्य परित्यागस्तामसः परिकीर्तितः ॥७॥

**ترجمه:** انجام وظایف اخلاقی در کتب شاسترا توصیه شده است. شخص گمراهی که آنها را ترک میکند دارای طبع سست میباشد.

**تفسیر:** آداب و سنن دیرینه اجتماعی از قبیل از خود گذشتگی برای انجام وظیفه، مهمان نوازی، دادن خیرات، خدمت و احترام به بزرگان باید حفظ شوند. ترک این وظایف باعث رفتن انسان بسوی فساد اخلاقی میشود.





दुःखमित्येव यत्कर्म कायक्लेशभयात्यजेत् ।

स कृत्वा राजसं त्यागं नैव त्यागफलं लभेत् ॥८॥

**ترجمه:** بعضی از مردم معتقدند که کار کردن باعث میشود که انسان در قید کارها بماند و بهمین دلیل کارها و وظایف خود را ترک میکنند. این نوع ترک کار و وظایف برخلاف نوشته های شاستر و بیفایده میباشند.

**تفسیر:** هدف سادک از ترک کارها رسیدن به آرامش درون است و کسیکه بدلیل تنبلی و بمنظور فرار از وظایفش کارها را ترک میکند هرگز به آرامش درون نمیرسد! سادکی که وظایفش را از راه و روش کارما یوگا انجام میدهد کارها خود بخود او را ترک میکنند! احساس شگفت انگیز رهایی از کار فقط از طریق کارما یوگا حاصل میشود.

~~~~~

कार्यमित्येव यत्कर्म नियतं क्रियतेऽर्जुन ।

सङ्गं त्यक्त्वा फलं चैव स त्यागः सात्त्विको मतः ॥९॥

ترجمه: ای ارجون! سادک باید تمام کارهایش را فقط بعنوان یک وظیفه انجام بدهد. سادکی که کارهای خانواده و اجتماعی اش را بعنوان یک وظیفه انجام میدهد بهترین نتیجه را از این تیاگ پاک میگیرد.

تفسیر: کسیکه وظایف توصیه شده در کتب شاسترا را بصلاح خود میداند و آنها را با علاقه انجام میدهد و در ازای آنها از کسی توقعی ندارد یک شخص پارسا است و در کارهایش بسادگی موفق میشود. کسیکه وظایفش را نسبت به افراد خانواده اش انجام نمیدهد در کارهای دیگرش هم موفق نمیشود!

~~~~~

न द्वेष्ट्यकुशलं कर्म कुशले नानुषज्जते ।

त्यागी सत्त्वसमाविष्टो मेधावी छिन्नसंशयः ॥१०॥

**ترجمه:** کسیکه به چیزی ایراد نمیگیرد و وظیفه اش را به بهترین نحو ممکن انجام میدهد یک شخص پارسای ترک دنیا کرده است و قابلیت رسیدن به یوگا را دارد.

**تفسیر:** کسیکه کاری را بخاطر منافع خودش شروع نمیکند، آنکه بکمک آتش علم تمام هوسها را سوزانده و تبدیل به خاکستر کرده است حتی پاندیت های عالم هم او را پاندیت خطاب میکنند. کسی که حقیقت را درک کرده و خویشتن را شناخته احساس میکند که از هر چیزی بی نیاز شده است. او مثل یک رودخانه است که از "رفتن" لذت میبرد و برایش رسیدن یا نرسیدن به دریا فرقی ندارد!.

~~~~~

न हि देहभृता शक्यं त्यक्तुं कर्मण्यशेषतः।

यस्तु कर्मफलत्यागी स त्यागीत्यभिधीयते ॥११॥

ترجمه: ترک کامل کارها برای هیچکس امکان ندارد. بهمین دلیل گفته شده است که کسیکه کار میکند ولی توقعی از کسی ندارد و ثمره کارها را ترک میکند ترک دنیا کرده است.

تفسیر: انسان در هیچ شرایطی نمیتواند بدون کار و فعالیت بماند زیرا جسم انسان جزئی از طبیعت است و طبیعت دائماً در حال فعالیت میباشد و انسان را هم وادار به کار و فعالیت میکند. انسان حتی اگر وظایف خانواده ، اجتماعی و مذهبی را هم ترک کند باز هم برای حفظ جان و سلامتی جسم خودش باید کارهایی را انجام بدهد.

ترک کامل اشیاء دنیا امکان ندارد! انسان فقط میتواند میل به حاصل کردن اشیاء دنیا را ترک کند! سادک توقعاتش را ترک میکند و هرچه را که در ازای کارش دریافت میکند با خوشی و رضایت قبول میکند.

~~~~~

अनिष्टमिष्टं मिश्रं च त्रिविधं कर्मणः फलम् ।

भवत्यत्यागिनां प्रेत्य न तु सन्न्यासिनां क्वचित् ॥१२॥

**ترجمه:** کسیکه از کارهاییکه میکند منفعت میخواهد ثمره کارهایش چه خوب باشد و چه بد باشد باو داده میشوند و خوشی و غمها را باید تجربه کند.

**تفسیر:** گفته شده که کارها در دست انسان است و کردن یا نکردن کارها هم در اختیار خود انسان است ولی نتیجه آن در دست انسان نیست! تا

زمانیکه انسان خوشی میخواهد غمها را هم تجربه میکند. کسیکه در زندگی غم نمیخواهد نباید بدنبال خوشیها برود ولی باید هر خوشی را که دست سرنوشت باو میدهد با رضایت بپذیرد.

خوشی و غم بزندگی شخص سنیاسی هم میآید ولی او دستخوش هیجان یا افسردگی نمیشود و در مقابل آنها عکس العملی از خود نشان نمیدهد. شخص سنیاسی (کسیکه ترک دنیا کرده) حس مالکیت را ترک کرده و خود را کننده کارها نمیداند. با ترک حس مالکیت احساس غرور شخص سنیاسی خودبخود ترک میشود.

~~~~~

पञ्चैतानि महाबाहो कारणानि निबोध मे ।

साङ्ख्ये कृतान्ते प्रोक्तानि सिद्धये सर्वकर्मणाम्॥१३॥

ترجمه: ای صاحب بازوان قوی! در اصول فلسفه سانکیا یوگا اعتقاد بر این است که کارها به پنج دلیل انجام داده میشوند و روح انسان در آن دخالت ندارد.

تفسیر: غرور انسان دلیل انجام تمام کارها است! در فلسفه سانکیا یوگا ترک غرور اهمیت بسیار دارد! سادک سانکیا یوگی حس مالکیت بر تمام چیزهائیکه دارد ترک میکند و باین ترتیب غرورش تمام میشود!

~~~~~

अधिष्ठानं तथा कर्ता करणं च पृथग्विधम् ।

विविधाश्च पृथक्चेष्टा दैवं चैवात्र पञ्चमम् ॥१४॥

**ترجمه:** نیت، طبع انسان، وسائل کار، اراده و همچنین اعمال گذشته انسان پنج دلیل برای انجام گرفتن کارها میباشند.

**تفسیر:** کسی که خود را کننده کارها میداند نتایج خوب و بد کارهایش او را خوشحال و یا ناراحت میکنند و سلسله کارها ادامه پیدا میکنند و او باید تا آخر عمرش کار کند و گرفتار خوشیها و غمها باشد! نتیجه اعمال امروز انسان او را فردا بانجام دادن کارهای دیگری متمایل میکنند. شخص خردمند در صدد ترک کارهای غیرضروری برمیآید و به آرامش خاطر میرسد.

سادک پیرو سانکیا یوگا علیرغم اینکه کارها را انجام میدهد خود را  
کننده کارها نمیداند و بهمین دلیل نیز خوشی و ناراحتی را تجربه نمیکند و  
کارها او را ترک میکنند!

~~~~~

शरीरवाङ्मनोभिर्यत्कर्म प्रारभते नरः ।

न्याय्यं वा विपरीतं वा पञ्चैते तस्य हेतवः ॥१५॥

ترجمه: پنج دلیلی که در بالا ذکر شدند سبب آغاز و انجام تمام
کارهایی هستند که انسان بتوسط جسم و فکر و سخنانش انجام میدهد.

تفسیر: تمام کارها بتوسط جسم، فکر و سخن انجام میگیرند ولی
دلیل ایجاد کارها پنج عامل اصلی هستند و آنها عبارتند از: طبع انسان، اراده
او، نیت انسان و اعمال گذشته انسان. ناپاک بودن جسم و فکر و زبان باعث
ایجاد کارهای ناپاک میشود. برای پاکسازی جسم و فکر و زبان خود ریاضت
و پیروی از اصول خاصی توصیه شده اند.

~~~~~

तत्रैवं सति कर्तारमात्मानं केवलं तु यः ।

पश्यत्यकृतबुद्धित्वान्न स पश्यति दुर्मतिः ॥१६॥

**ترجمه:** کسیکه خودش را کننده کارها تصور میکند شخص نادانی  
است که علاقه ای به کسب علم برهم ندارد و نمیتواند خودش را بشناسد.

**تفسیر:** کسیکه علم برهم را بدرستی فهمیده اینطور درک و تجربه  
میکند که خودش کننده هیچ کاری نیست. بغوان میگوید کسیکه این حقیقت  
را تجربه میکند مثل من است.

سادک باید حتی از تلاشهای خود برای رسیدن به پرماتما نیز مغرور  
نشود و بداند که اینها را طبیعت انجام میدهد و خودش کاره ای نیست!

~~~~~

यस्य नाहङ्कृतो भावो बुद्धिर्यस्य न लिप्यते ।

हत्वापि स इमाँल्लोकान्न हन्ति न निबध्यते ॥१७॥

ترجمه: کسی که غرورش را ترک کرده و به چیزی و یا به کسی وابسته نیست و خود را کننده هیچ کاری نمیداند علیرغم ادامه کارهای روزمره و بدست آوردن ثروت و مقام نیز در قید هیچ چیز و هیچ کاری نمیماند! بعبارت دیگر او به چیزی وابسته نمیشود.

تفسیر: روح انسان نه کاری میکند و نه انسان را وادار به کاری میکند! نتایج کارها چه خوب باشد و چه بد، کم باشد یا زیاد، درست باشد یا غلط بر روی روح انسان تأثیری نمیگذارند! کسیکه این حالت را تجربه میکند در قید هیچکاری نمیماند و در حقیقت با بغوان یکی شده است. این شخصیت کمیاب نه آزارش بکسی میرسد و نه رفتار خوب و بد دیگران در او اثر میگذارند!



ज्ञानं ज्ञेयं परिज्ञाता त्रिविधा कर्मचोदना ।

करणं कर्म कर्तति त्रिविधः कर्मसङ्ग्रहः ॥१८॥

ترجمه: علم، چیزیکه در باره اش علم کسب شده و کسیکه علم را کسب کرده باعث بوجود آمدن کار میشوند. کار، کننده کار و سبب کار دلیل افزایش کار میباشند.

تفسیر: علاقه انسان به جسم خود و اشیاء دنیا باعث تمایل او به کارها و فعالیت میشود و در نتیجه خوشیها و غمها را تجربه میکند. سادگی که روش علم برهم را در پیش میگیرد جهالتش تمام میشود و سادگی که روش عمل را در پیش میگیرد حس مالکیت در او تمام میشود و چیزی را متعلق بخود نمیداند. با از بین رفتن یکی از این دو دیگری هم از بین میرود. موکشا از ازل در ذات انسان هست ولی انسان در چنگال هوسها و خواسته های گوناگون گرفتار میشود و موکشا را تجربه نمیکند!



ज्ञानं कर्म च कर्ता च त्रिधैव गुणभेदतः ।

प्रोच्यते गुणसङ्ख्याने यथावच्छृणु तान्यपि ॥१९॥

ترجمه: سه طبع موجود در طبیعت آنچنان قدرتی دارند که همه چیز این جهان را به سه دسته تقسیم کرده اند. علم نیز سه نوع مییابد. علم پاک (ساتویک)، علم دنیائی (راجسیک) و علم ناپاک (تامسیک).

تفسیر: طبیعت دارای سه نوع طبع است و تمام موجودات جاندار و حتی موجودات بیجان هم که از طبیعت بوجود آمده اند بمقدار کم و زیاد دارای این سه طبع میباشند و هیچ موجودی بدون این سه طبع نیست. آن علمی که بتوسط آن انسان خوشیهای دنیا را حاصل میکند علم راجسیک است.



सर्वभूतेषु येनैकं भावमव्ययमीक्षते ।

अविभक्तं विभक्तेषु तज्ज्ञानं विद्धि सात्त्विकम् ॥२०॥

ترجمه: علمی که در نور آن انسان از تاریکی جهل نجات پیدا میکند و حقیقت یگانه را می بیند علم برهم است. این علم پاک ساتویک است. بکمک این علم سادک در تمام موجودات دنیا وجود یکپارچه پرماتما را میبیند.

تفسیر: کسیکه علم برهم را تحصیل میکند و آنرا بدرستی میفهمد در نظرش فرق ظاهری بین موجودات بی اهمیت میشود. سادک تمام فرقها را میبیند ولی به آنها توجه نمیکند! گوئی که آنها را نمیبیند و در تمام آنها یک پرماتما را میبیند و در نظرش همه یکسان هستند.



पृथक्त्वेन तु यज्ज्ञानं नानाभवान्पृथगिविधान् ।

वेत्ति सर्वेषु भूतेषु तज्ज्ञानं विद्धि राजसम् ॥२१॥

ترجمه: علمی که بکمک آن انسان مشخصات، محسنات، ایراد، کمیت و کیفیت و خواص گوناگون اشیاء و موجودات را میشناسد و با آنها آشنا میشود علم دنیائی (راجسیک) است! این علم دائماً در حال تغیر و دگرگونی است.

تفسیر: دانش بشری علم مربوط به ماده و جهان مادی است. این جهان شگفت انگیز دائماً در حال گسترش و دگرگونی است و دانش بشری

نیز که مربوط باین جهان مادی است نیز مثل او همیشه در حال گسترش و تغیر و دگرگونی میباشد و بهمین دلیل نیز آنچه که امروز از نظر دانشمندان صحیح است ممکن است فردا غلط ثابت شود ولی علم برهم از هزاران سال پیش تغیری نکرده و صحت آنرا امروز هم عالمان و دانشمندان بزرگ دنیا تأیید میکنند.



यत्तु कृत्स्नवदेकस्मिन्कार्ये सक्तमहैतुकम् ।

अतत्त्वार्थवदल्पं च तत्तामसमुदाहृतम् ॥२२॥

ترجمه: علمی که موضوع آن فقط این جهان و اجسام مادی باشد از حقیقت دور است و یک علم ناقص است.

تفسیر: شخص نادان تصور میکند که جسم او همه چیز است! او تصور میکند قوی، جوان، زیبا، سرشناس و پولدار بودن همه چیز است و بخیال خودش کسی مثل او در دنیا نیست! جهالت جلوی خرد اینگونه افراد را گرفته و آنها چیزی بجز جسم خود و اجسام و اشیائی که به جسم او لذت و آسایش میدهند نمی بینند! آنها به علم برهم و شاسترا علاقه ای ندارند و هر کاری را بمیل خود انجام میدهند. آنها هر چیز ناپاکی را میخورند و با هر کسی که برایشان فایده داشته باشد معاشرت میکنند. عقل اینگونه افراد محدود به جسمشان است.



नियतं सङ्गरहितमरागद्वेषतः कृतम् ।

अफलप्रेप्सुना कर्म यत्तत्सात्त्विकमुच्यते ॥२३॥

ترجمه: کاری که در کتب شاسترا توصیه شده است اگر بدون غرور، بدون توقع، بدون تکبر، با اشتیاق و فروتنی انجام داده شود یک کار پاک خواهد بود.

تفسیر: کاری که با نیت خوب و بدون در نظر گرفتن منافع خود انجام داده شود یک کار پاک است و نتایج پاک ببار میآورد.



यत्तु कामेप्सुना कर्म साहङ्कारेण वा पुनः।

क्रियते बहुलायासं तद्राजसमुदाहृतम् ॥२४॥

ترجمه: کسیکه طبع فعال دارد به خوشیهای دنیا علاقمند است و غرورش او را وادار بانجام کارهای غیرضروری میکند! این نوع کارها راجسیک میباشند.

تفسیر: شخص دارای طبع فعال معمولاً بسیار متظاهر است. او بجای خدمت به پدر و مادر نیازمندش به خدمات اجتماعی میپردازد و با بوق و کرنا به همه خبر میدهد. خواسته های این شخص هر روز افزایش مییابند و بهمین دلیل هر روز به کارهایش افزوده میشود. کسیکه طبع فعال دارد نمیتواند آرام بنشیند و دائماً باید کار کند.

~~~~~

अनुबन्धं क्षयं हिंसामनवेक्ष्य च पौरुषम् ।

मोहादारभ्यते कर्म यत्तत्तामसमुच्यते ॥२५॥

**ترجمه:** کارهائیکه در تاریکی جهالت بدون توجه به عواقب آنها و بدون توجه به توانائی خود انجام داده میشوند کارهای ناپاک میباشند.

**تفسیر:** شخص نادان به عواقب کارها فکر نمیکند و هر کاریکه دوست دارد انجام میدهد. عقل افراد جاهل مثل عقل حیوانات محدود به جسمشان است و فقط به آسایش و خوشی جسم خود فکر میکنند!

~~~~~

मुक्तसङ्गोऽनहंवादी धृत्युत्साहसमन्वितः ।

सिद्धयसिद्धयोर्निर्विकारः कर्ता सात्त्विक उच्यते ॥२६॥

ترجمه: کسی که دارای طبع پاک میباشد صبور و آرام است و خود را کننده کار نمیداند. او کارها را با اشتیاق و بدون توجه به شکست و پیروزی خود انجام میدهد و در هر کاری خیر و صلاح مردم را در نظر میگیرد.

تفسیر: در گیتا به حفظ آرامش و نشان ندادن عکس العمل در مقابل شکست و پیروزی اهمیت بسیاری شده است. هر کسی میخواهد که در

کار هائیکه در پیش میگیرد موفق شود و شکست را کسی دوست ندارد! ولیکن شکست و پیروزی در دست انسان نیست! تنها چیزیکه در دست انسان است تلاش صادقانه است! سادگی که هدفش رسیدن به پرماتما است برای خود چیزی نمیخواهد و نتیجه کارهایش را به بغوان میسپارد و با هرچه عایدش میشود راضی است.

~~~~~

रागी कर्मफलप्रेप्सुर्लुब्धो हिंसात्मकोऽशुचिः।

हर्षशोकान्वितः कर्ता राजसः परिकीर्तितः ॥२७॥

**ترجمه:** کسی که دائماً در حال فعالیت است و خود را همه کاره میداند، آنکه طمعکار و عجل است، هر کاری را فقط بخاطر منافع خود انجام میدهد و برای موفقیت در کارهایش از ظلم ب دیگران دریغ نمیکند دارای طبع فعال میباشد.

**تفسیر:** شخص دنیاپرست و سودجو همیشه در حال فعالیت است و یک لحظه آرام نمی نشیند! عالمان بزرگ معتقدند که راضی بودن از شرایط زندگی و آرامش افکار بزرگترین ثروت دنیا است ولی اشخاص دنیاپرست هرگز باین ثروت نمیرسند.

~~~~~

अयुक्तः प्राकृतः स्तब्धः शठोऽनैष्कृतिकोऽलसः।

विषादी दीर्घसूत्रि च कर्ता तामस उच्यते ॥२८॥

ترجمه: کسی که بی انضباط است، کاری یادنگرفته و هنری ندارد، متکبر، تنبل، کله شق، دیرفهم و کودن است یک شخص احمق تامسیک است.

تفسیر: طبع پست تامسیک انسان را احمق و تنبل بار میآورد. شخص تامسیک خود را برتر از دیگران میداند و از همه بدگوئی میکند. او به کسی احترام نمیگذارد، بدخواه دیگران است و از دیدن خوشی دیگران ناراحت میشود. این شخص نادان متوجه اشتباهاتش نیست و علاقه ای به شنیدن نصیحت بزرگان ندارد.

~~~~~

बुद्धेर्भेदं धृतेश्चैव गुणतस्त्रिविधं शृणु ।

प्रोच्यमानमशेषेण पृथक्त्वेन धनञ्जय ॥२९॥

**ترجمه:** گوش کن ای غنی! حتی عقل و اراده انسان نیز سه نوع است: پاک، فعال و تنبل.

**تفسیر:** عقل و اراده انسان هم جزئی از جسم او یعنی جزئی از طبیعت میباشند و بهمین دلیل مثل هر چیز دیگر این هم سه نوع است.

~~~~~

प्रवृत्तिं च निवृत्तिं च कार्याकार्ये भयाभये ।

बन्धं मोक्षं च या वेति बुद्धिः सा पार्थ सात्त्विकी ॥३०॥

ترجمه: عقلی که فرق بین تمایل و بی میلی، فرق بین وظیفه و غیر وظیفه، فرق بین ترس و بیباکی را و همچنین فرق بین وابسته بودن به دنیا و موکشا را میداند عقل پاک است.

تفسیر: فقط کسی که دارای عقل پاک است میتواند از قید کارها و اعمال رها شود. در واقع فقط آن کسی که دارای عقل پاک است فرق بین تمایل به اشیاء و رهائی از آنها را میفهمد! او فرق بین وظیفه اش و آنچه که وظیفه اش نیست میداند و فرق بین وابسته بودن و رهائی از دنیا را میفهمد و از کارها و اشیاء غیرضروری رها میشود.

~~~~~

यया धर्ममधर्मं च कार्यं चाकार्यमे च ।

अयथावत्प्रजानाति बुद्धिः सा पार्थ राजसी ॥३१॥

**ترجمه:** کسی که دارای عقل فعال و پرهیجان است وظیفه اش را نمیشناسد و فرق بین درست و غلط را نمیداند.

**تفسیر:** خواسته های انسان بزرگترین عواملی هستند که از رسیدن انسان به درک پرماتما جلوگیری میکنند و رهائی از آنها بسیار دشوار است. فکر و حواس کسیکه دارای عقل فعال و پرهیجان است همیشه متوجه مادیات دنیا هستند و رسیدن او را به درک پرماتما دشوار میکنند. روی عقل این افراد را اشیاء رنگارنگ دنیا میپوشانند و آنها نمیتوانند چیزی را بدرستی

ببینند. اینگونه افراد خود را بسیار زیرک میدانند و بیش از حد فعالیت میکنند ولی آنها به خوشی حقیقی نمیرسند و کارهایشان تمام نمیشوند!

~~~~~

अधर्मं धर्ममिति या मन्यते तमसावृता ।

सर्वार्थान्विपरीतांश्च बुद्धिः सा पार्थ तामसी ॥३२॥

ترجمه: کسیکه هر حرفی را باور میکند، فرق بین راست و دروغ را نمیفهمد و کارهای خلاف اخلاقی را مردود نمیشمارد یک فرد بیشعور و دارای طبع سست میباشد.

تفسیر: افراد کم عقل و بی خرد نمیتوانند راه خردمندان را اختیار کنند. آنها تاریکی شب را به روشنایی روز ترجیح میدهند و نوشته های شاسترا را مضر و گفته های ودا را کهنه و فاسد میدانند.

~~~~~

धृत्या यया धारयते मनःप्राणेन्द्रियक्रियाः ।

योगेनाव्यभिचारिण्या धृतिः सा पार्थ सात्त्विकी ॥३३॥

**ترجمه:** شخص پرهیزکاری که با اراده قوی بر حواس خود تسلط یافته و وظایفش را با خرسندی انجام میدهد دارای اراده پاک است.

**تفسیر:** آن زمانی میتوان گفت که سادک به "یوگا" رسیده که در مقابل شکست و پیروزی، فایده و زیان، خوشی و غم، تعریف و سرزنش دیگران، احترام و بی احترامی از سوی دیگران و شرایط و حالات خوب و بد زندگی بتواند آرامش افکارش را حفظ کند. سادکی که اعتقادات و اصول مذهبی و اجتماعی و هدف خود را در شرایط مختلف زندگی حفظ میکند دارای "اراده قوی" است.

~~~~~

यया तु धर्मकामार्थन्धृत्या धारयतेऽर्जुन ।

प्रसङ्गेन फलाकाङ्क्षी धृतिः सा पार्थ राजसी ॥३४॥

ترجمه: شخص پرجنب و جوشی که به خوشیهای دنیا علاقمند است و با اراده و پشتکار فراوان به کسب مال و ثروت میپردازد دارای اراده فعال است.

تفسیر: آنکه تظاهر به پرهیزکاری میکند و به دروغ به ریاضت و کارهای مذهبی میپردازد شخص حقه بازی است که با زیرکی اعتماد دیگران را جلب میکند و هدفش در واقع کسب مال و ثروت میباشد. زیرکی های این شخص برایش خوشیهای کوچک و بزرگ ببار میآورند ولی او عاقبت خیر نخواهد داشت.



यया स्वप्नं भयं शोकं विषादं मदमेव च ।

न विमुञ्चति दुर्मधा धृतिः सा पार्थ तामसी ॥३५॥

ترجمه: کسی که دارای عقل و اراده سست و ناپاک است نمیتواند بر خواب، ترس، نگرانی و تکبرش غلبه کند.

تفسیر: کارها و تلاشهای انسان نسبت به هدفی که دارد بسوی راه درست و یا نادرست متمایل میشوند. سادک باید در خواب و خوراک حد تعادل را حفظ کند و با پرداختن به کارهای خیرخواهانه از مشکلات زندگی خود بکاهد.



सुखं त्विदानीं त्रिविधं शृणु मे भरतर्षभ ।

अभ्यासाद्रमते यत्र दुःखान्तं च निगच्छति ॥३६॥

यत्तदग्रे विषमिव परिणामेऽमृतोपमम् ।

तत्सुखं सात्त्विकं प्रोक्तमात्मबुद्धिप्रसादजम् ॥३७॥

ترجمه: ای بهترین مرد هند! خوشیهای این دنیا نیز سه نوع میباشند. آن خوشی که در راه پرماتما حاصل میشود در ابتداء مثل زهر است ولی در انتها مثل آب حیات شیرین است.

تفسیر: رسیدن به مسرت پاک مستلزم پارسائی، پرهیزکاری، نظم، اشتیاق، جدیت، اراده قوی و پیروی از اصول دشواری میباشد که در ابتداء مثل زهر تلخ هستند ولی باعث رسیدن سادک به آب حیات میشود. دلیل نرسیدن سادک به هدف خود این است که او هم مثل دیگران خوشی میخواهند! این مشکلی است که سر راه سادک پیدا میشود. بغوان میگوید اگر هدف سادک فقط رسیدن به پرماتما است نباید به خوشیها توجه کند. مسرت پاک روحانی بشکل آرامش کامل و یکنواخت احساس میشود.



विषयेन्द्रियसंयोगाद्यत्तदग्रेऽमृतोपमम् ।

परिणामे विषमिव तत्सुखं राजसं स्मृतम् ॥३८॥

ترجمه: گوش کن ارجون! آن خوشی که از تماس پنج حواس انسان با اشیاء مربوط به آنها حاصل میشود خوشی جسمانی است. این خوشیها در لحظاتی که انسان آنها را تجربه میکند شیرین بنظر می آیند ولی نتیجه آنها مثل زهر کشنده میباشد.

تفسیر: کسیکه طبع فعال دارد آنچنان علاقه ای باشیاء و خوشیهای جسمانی دارد که حتی با شنیدن شرح خوشیهای بهشتی بآنها دل می بندد و برای رفتن به بهشت هر کاری در این دنیا میکند! در حالیکه تا بحال کسی از آنجا برنگشته و در باره خوشیهای بهشتی چیزی به کسی نگفته است. شخص خردمند به دشواری راه نگاه نمیکند بلکه نگاهش بسوی عاقبت خیر میباشد.



यदग्रे चानुबन्धे च सुखं मोहनमात्मनः ।

निद्रालस्यप्रमादोत् तत्तामसमुदाहृतम् ॥३९॥

ترجمه: لذتی که از زیاده روی در خواب و خوراک، تنبلی، شهوت و لذات جسمانی حاصل میشود مضر و ناپاک میباشد. این نوع خوشیها از ابتداء تا پایان گمراه کننده هستند و باعث بدبختی انسان میشوند.

تفسیر: این نوع خوشی را در واقع نمیتوان خوشی محسوب کرد ولیکن این در طبیعت هست و بعضی ها آنرا خوشی میدانند. اینگونه افراد در خواب غفلت هستند و علاقه ای به بیدار شدن ندارند. هر قدر علاقه انسان به جسم خود و اشیاء دنیا کمتر باشد علم و خردش بیشتر تجلی مییابد.



न तदस्ति पृथिव्यां वा दिवि देवेषु वा पुनः।
सत्त्वं प्रकृतिजैर्मुक्तं यदेभिः स्यात्त्रिभिर्गुणैः ॥४०॥

ترجمه: در زمین و در آسمان، در بهشت و سرزمین خدایان، در خدایان و در شیاطین و در تمام دنیاهاى دیگر چیزی نیست که در آنها این سه طبع وجود نداشته باشند.

تفسیر: تمام موجودات و مخلوقات این جهان پهناور در زمین و آسمان از طبیعت بوجود آمده اند و هر سه طبع موجود در طبیعت در همه آنها هم هست. بمحض ارتباط انسان با اشیاء دنیا در وجودش جهالت پیدا میشود و باعث سردرگم شدن انسان میشود و او نمیتواند بفهمد که چه چیز درست و چه چیز نادرست است.

سادک پیرو روش علم برهم معتقد است که در این جهان دو چیز وجود دارد: 1 - حقیقت (روح باقى) و 2 - دروغ (جسم فانی)! ولی بکت معتقد به بغوان معتقد است که همه چیز بغوان است و بآن شک نمیکند. شخص با ایمان و معتقد به بغوان ساکار بدنبال علم نمیروود و باو ایمان دارد ولیکن شخص معتقد به ایشور نیرآکار بدنبال علم میروود و آنرا که نمیشناسد میجوید!



ब्राह्मणक्षत्रियविशां शूद्राणां च परन्तप ।
कर्माणि प्रविभक्तानि स्वभावप्रभवैर्गुणैः ॥४१॥

ترجمه: ای ریاضتمند! وظایف مردم طبقات مختلف اجتماع یعنی برهن، کشاترایا، وایشیا و شودرا نسبت به طبع و اعمال گذشته آنها تعیین شده اند.

تفسیر: اعمال انسان بر افکار و احساساتش تأثیر میگذارد و اخلاق و رفتارشان از آنها درست میشوند. اعمال گذشته انسان سرنوشت او را میسازند.

هر یک از مردم طبقاتی که در بالا ذکر شدند در اجتماع ارزش خاص خود را دارند و وظایف هریک از این چهار طبقه بنوبه خود حائز اهمیت میباشند. ارزش هر کسی بستگی به اعمالی دارد که انجام میدهد نه به خانواده ای که در آن متولد میشود! اگر کسی در خانواده برهن متولد شود ولی اعمالش مثل یک برهن نباشد او یک برهن محسوب نمیشود و اگر کسی در خانواده شود را متولد شود با اعمال نیک خود میتواند ثابت کند که یک برهن است.



शमो दमस्तपः शौचं क्षान्तिरार्जवमेव च।

ज्ञानं विज्ञानमास्तिक्यं ब्रह्मकर्म स्वभावजम्॥४२॥

ترجمه: پرهیزکاری، تسلط بر حواس پنجگانه، انجام وظیفه، پاکی جسمانی، پاکی درون، بخشندگی، سادگی، کسب علم ودا و شاسترا، انجام دادن روزانه آئین ستایش و مراسم پرستش آتش و همچنین اعتقاد و ایمان به پرماتما خصوصیات طبیعی یک برهن Brahman براهمن هستند.

تفسیر: برهن آن است که علم برهن را بدرستی یاد میگیرد، تعلیمات آنرا در زندگی بکار میبرد و این علم را به دیگران نیز یاد میدهد. هم نشینی با اشخاص عالم و پاک سیرت باعث پرورش صفات و خصوصیات عالی در انسان میشود.



शौर्यं तेजो धृतिर्दाक्ष्यं युद्धे चाप्यपलायनम्।

दानमीश्वरभावश्च क्षात्रं कर्म स्वभावजम् ॥४३॥

ترجمه: شهامت و دلاوری، اراده قوی، انضباط، صبری، زیرکی، تیزهوشی، بی باکی، سخاوت، توان رهبری و حفظ نظم و مقررات در اجتماع صفات خاص مردم طبقه کشاتریا Kshatrya क्षत्रिय میباشند.

تفسیر: این صفات درخشان که ذکر شدند شکوه خاص مردان کشاتریا میباشند. اشخاص کشاتریا بسیار تیزهوش و دلاور میباشند. رقابت بسیار زیان آور است و حتی باعث ضعف مردان پرشهامت میشود. سادک باید از رقابت با دیگران اجتناب کند و در آرامش براه خود ادامه بدهد.



कृषिगौरक्ष्यवाणिज्यं वैश्यकर्म स्वभावजम् ।

परिचर्यात्मकं कर्म शूद्रस्यापि स्वभावजम् ॥४४॥

ترجمه: کشاورزی، گاوداری، کاسبی و تجارت وظیفه مردم طبقه وایشیا Vaishya वैश्य میباشند. خدمت به سه طبقه دیگر اجتماع که در بالا ذکر شدند وظیفه مردم طبقه شودرا Shudra शूद्र میباشند.

تفسیر: مردم هر یک از این طبقات ارزش خاص خود را دارند و منظور از این تقسیم بندی طبقات ارزشمند شمردن یک طبقه و یا حقیر نشان دادن طبقه دیگر نیست. یک اجتماع سالم به وجود مردم تمام این طبقات نیاز دارد و بدون یکی از آنها طبقه دیگر قادر به انجام وظایفش نخواهد بود. مذهب سناتن ودیک درم وجود گاو را مقدس شمرده و به حمایت و نگهداری از آن اهمیت بسیاری داده است. در ودا گفته شده که تمام خدایان و الهه های جاودان در جسم گاو هستند. علاوه بر فوایدی که شیر گاو برای سلامتی انسان دارد با حمایت و نگهداری از گاو انسان میتواند زندگی سالم و آرامی داشته باشد و به چهار هدف اصلی زندگی یعنی به ثروت، لذات زندگی، انجام وظایف و موکشا برسد. وجود گاو پاک است و حتی هوایی که او را لمس میکند نیز پاک میشود. ادرار و مدفوع گاو خواص ضد عفونی کننده دارند. گاو طبع آرام و مهربان دارد. شیر گاو پاک و سالم و پراز خواص عالی است. روغنی که از شیر گاو گرفته میشود دارای خواص عالی است و برای معالجه بعضی از بیماریها از آن استفاده میشود. خانواده ایکه حتی یک گاو داشته باشد هرگز دچار مشکلات مادی نمیشود و آن خانه پراز برکت شده و ثروت آنها تا هفت پشت در خانه آنها میماند.



स्वे स्वे कर्मण्यभिरतः संसिद्धिं लभते नरः।

स्वकर्मनिरतः सिद्धिं यथा विन्दति तच्छृणु ॥४५॥

ترجمه: کسیکه وظایفش را بموقع و با علاقه انجام میدهد در زمان مقرر شده به موفقیت میرسد. من راه موفقیت را برای تو خواهم گفت.

تفسیر: پیروی از نوشته های شاسترا باعث موفقیت در زندگی و کارهای روزمره میشود و بکار بردن آنها بهمگان توصیه شده است.

یک برزگر برای کاشتن تخم زمین را شخم میزند، تخم سالم را انتخاب میکند و آنرا در زمین میکارد، زمین را آبیاری میکند، بآن کود میدهد و آنرا از شر حیوانات و حشرات مضر محفوظ نگاه میدارد ولی بیشتر از آن دیگر کاری نمیتواند بکند و تا رشد و جوانه زدن آن تخم باید منتظر باشد! سادک نیز برای رسیدن به پرماتما باید وظایفی را که در شاسترا توصیه شده انجام بدهد تا بتواند از نتایج اعمال قبلی رها شود. کسب علم، تحمل ریاضت، پرستش خدایان، و دادن قربانی از جمله کارهایی هستند که سادک باید برای پاکي جسم و افکارش انجام بدهد.

نیت انسان در زندگی او نقش مهمی دارد. کسیکه نیت خوب دارد در هر کاری موفق میشود. خواه یک کاسبکار باشد و خواه یک سادک باشد.



यतः प्रवृत्तिर्भूतानां येन सर्वमिदं ततम् ।

स्वकर्मणा तमभ्यर्च्य सिद्धिं विन्दति मानवः ॥४६॥

ترجمه: کسیکه پرماتما را از طریق کارها و خدماتی که انجام میدهد میپرستد در زندگی موفق میشود و به آرزوهایش میرسد و به سعادت معنوی میرسد.

تفسیر: پرماتما را نه تنها انسان بلکه تمام حیوانات و جانوران اهلی و وحشی، پرندگان، درختان و موجودات دریائی هم بطور آگاه یا ناخودآگاه میپرستند. پرماتما را با هزاران نام میتوان ستایش کرد و او محدود بیک بنام خاصی نیست. پرواز پرندگان، وزش نسیم صبحگاهان، رقص شعله های آتش، خنده بی آرایش کودکان، نعره شیر و بارش قطرات باران نمایش زیبایی از پرستش پرماتما بتوسط طبیعت و موجودات میباشد.

این جهان اولین بت زیبای پر ماتما است و هر کسی او را بشکلی میپرستد! گروهی از مردم با نگهداری و حفاظت از طبیعت زیبا این مظهر زنده پر ماتما را میپرستند و از او قدردانی میکنند.

~~~~~

श्रेयान्स्वधर्मो विगुणः परधर्मात्स्वनुष्ठितात्।

स्वभावनियतं कर्म कुर्वन्नाप्नोति किल्बिषम्॥४७॥

**ترجمه:** انجام دادن وظایف خود حتی اگر بدرستی انجام داده نشوند بهتر از رها کردن وظایف خود و انجام دادن کارهائی است که بما مربوط نیستند.

**تفسیر:** کسیکه وظیفه اش را انجام میدهد به بیراهه نمی رود. حتی اگر وظیفه انسان کوچک و کم فایده و دشوار هم باشد باز هم انجام دادن آن بهتر از انجام دادن کارهای دیگری است که پرفایده و آسان هستند. همانطور که تشنگی انسان فقط با خوردن آب برطرف میشود انجام دادن وظایف خود نیز بهترین راه برای رهایی از کارهای غیرضروری و رسیدن به درک پر ماتما است.

~~~~~

सहजं कर्म कौन्तेय सदोषमपि न त्यजेत्।

सर्वारम्भा हि दोषेण धूमेनाग्निरिवावृताः ॥४८॥

ترجمه: ای ارجون! وظایف شخصی تو هر قدر هم پر از ایراد یا دشوار باشند تو نباید آنها را ترک کنی زیرا همانطور که روی آتش پاک را همیشه کمی دود گرفته است هر کاری هم در دنیا ایرادی دارد.

تفسیر: هر کاری در این دنیا کم و بیش ایراد دارد و انسان نباید بهیچ دلیلی از انجام دادن وظیفه اش فرار کند. بطور مثال وظیفه فرزندان نسبت به پدر و مادر، وظیفه شوهر نسبت به زن و فرزندش، وظیفه یک سرباز برای وطنش، وظیفه شاگرد به معلمش و غیره. در بخش اول این کتاب ارجون علاقه ای به جنگیدن نداشت و میخواست میدان جنگ را ترک کند و به کسب علم برهم بپردازد ولی شیری کریشنا باو میگوید که تو یک سرباز هستی و قبل از هر کار دیگری باید وظیفه ات را بعنوان یک سرباز

انجام بدهی! افکار انسان فقط با انجام دادن وظایفش آرام میشوند! کسیکه افکار آرام دارد در هر کاری موفق میشود.

~~~~~

असक्तबुद्धिः सर्वत्र जितात्मा विगतस्पृहः ।

नैष्कर्म्यसिद्धिं परमां सन्न्यासेनाधिगच्छति ॥४९॥

**ترجمه:** سادگی که به هیچ چیز و هیچ کسی وابسته نیست، آنکه بر جسم خود مسلط است و آنکه آرزویی ندارد با استفاده از روش سانکیایوگا از اعمال رها شده به مرحله "بیعمل بودن" میرسد.

**تفسیر:** سانکیا یوگا و سنیاس یوگا تفاوت بسیار کمی با هم دارند و میتوان گفت با هم یکی هستند. کسیکه قلباً و فکرأً به چیزی وابسته نیست، به کسی و به چیزی شک ندارد و از کسی یا چیزی شکایت ندارد گوئی که به چیزی نیاز ندارد و همه آرزوهایش برآورده شده اند! او میتواند بکمک روش سانکیا یوگا به پرماتما برسد و با او یکی شود.

تمام فعالیتها و حتی افکار انسان بکمک جسم او انجام میگیرند ولی وقتی که ارتباط یوگی با جسمش قطع میشود او ارتباطش را با پرماتما احساس میکند و دیگر هیچ کاری برایش باقی نمیماند. سادک کارما یوگی هم اگر بعد از تمام کردن اعمالش روش علم برهم را انتخاب کند بهمین مرحله میرسد!

دیوار غرور سادک فقط با عشق و ایمان به بغوان از بین میرود. با از بین رفتن غرور سادک به بالاترین مرحله میرسد و با برهم یگانه یکی میشود. تا زمانی که سادک از یکی بودن خود با برهم آگاه است هنوز با او یکی نشده است! زیرا او در ذهن خود دو موجود را میبیند! یکی برهم و دومی خودش!

~~~~~

सिद्धिं प्राप्तो यथा ब्रह्म तथाप्नोति निबोध मे।

समासेनैव कौन्तेय निष्ठा ज्ञानस्य या परा ॥५०॥

ترجمه: سادگی که با تحصیل علم برهم موفق به پاکسازی درون خود شده است به یکی شدن با برهم که بالاترین هدف علم برهم است میرسد. چگونگی رسیدن باین هدف را من بطور خلاصه برایت توضیح میدهم.

تفسیر: اگر از ابتداء در درون سادک علاقه به علم باشد او بسوی کسب علم برهم یعنی روش علم میرود و اگر در او ایمان و علاقه به ستایش و پرستش بغوان باشد بسوی ایمان میرود. راه و روش علم، انجام وظیفه و ایمان با هم متفاوت هستند ولی هدف نهائی آنها با هم یکی است.

मयि चानन्ययोगेन भक्तिरव्यभिचारिणी (13-10)

در گیتا شیری بغوان گفته که بکت عابد بخاطر ایمان و عشقی که به بغوان دارد علم برهم را بدون تحصیل علم میفهمد.

ब्रह्मभूतः प्रसन्नात्मा मदभक्तिं लभते पराम् (18-54)

در جای دیگر از گیتا گفته شده که سادک با کسب علم برهم به بغوان ایمان میآورد و با علاقه او را ستایش میکند.



बुद्धिया विशुद्धया युक्तो धृत्यात्मानं नियम्य च।

शब्दादीनन्विषयांस्त्यक्त्वा रागद्वेषौ व्युदस्य च॥५१॥

विविक्तसेवी लघ्वाशी यतवाक्कायमानसः ।

ध्यानयोगपरो नित्यं वैराग्यं समुपाश्रितः ॥५२॥

अहङ्कारं बलं दर्पं काम क्रोधं परिग्रहम्।

विमुच्य निर्ममः शान्तो ब्रह्मभूयाय कल्पते ॥५३॥

ترجمه: کسی که افکار پاک و عاری از تشویش و نگرانی دارد غذای پاک میخورد، علاقه به تنهائی و تمیزی دارد، سخنانش ساده و رفتار متین و ملایم دارد. او عاری از تکبر، تظاهر، خشم و شهوت است. او با کسی دوستی و یا دشمنی نمیکند، خواسته ای ندارد، داشتن و نداشتن اشیاء دنیا برایش بی تفاوت شده اند، احساس مالکیت به چیزی ندارد، صلح جو و آرام است و لیاقت یکی شدن با برهم را دارد.

تفسیر: سادک باید دارای افکار آرام و پاک باشد و به هدف خود ایمان کامل داشته باشد.

انسان فقط میتواند شکل مادی جسمدار بغوان را پرستش کند! ایشور را که شکل بیجسم پرماتما است نمیتوان پرستش کرد! او را فقط میتوان از طریق علم برهم شناخت.

سادک معتقد به علم و سادک معتقد به عمل هر دو معتقد به ترک اشیاء و هوسها هستند و از اجتماع مردم خوشگذران دوری میکنند و زندگی ساده را ترجیح میدهند. این سادک ها در هر زمان و حتی در جمع مردم هم هدف خود را بخاطر میسپارند و بسوی اشیاء دنیا جلب نمیشوند!

~~~~~

ब्रह्मभूतः प्रसन्नात्मा न शोचति न काङ्क्षति।

समः सर्वेषु भूतेषु मदभक्तिं लभते पराम् ॥५४॥

**ترجمه:** سادکی که همیشه آرام و راضی است نه بخاطر از دست دادن چیزی افسوس میخورد و نه آرزوی بدست آوردن چیزی را در دل دارد! در نظر این سادک داشتن و نداشتن اشیاء برابر است.

**تفسیر:** وقتیکه انسان به دروغین و موقتی بودن اشیاء دنیا پی میبرد غرور و حس مالکیتش ترک میشود و اشیاء دنیا را جمعآوری نمیکند. وقتیکه علاقه به خوشگذرانی و هوسرانی از بین برود آرامش درون خودبخود جای آنها را میگیرد.

وقتیکه سادک از دروغ رها میشود (وقتیکه مادیات را ترک میکند) لیاقت رسیدن به برهم را حاصل میکند و خود بخود به حالت "برهم بودن"

میرسد. **ब्रह्मभूत** the state of being Brahm برای رسیدن به برهم و مثل برهم شدن سادک نباید کاری بکند. در این حالت او در نظر خودش اینطور تجربه میکند که "من مثل برهم هستم". در این حالت که موکشا نام دارد سادک تضادها را نمیبیند و خوشیها و غمها را تجربه نمیکند و آرامش درون را احساس میکند. موکشا بمعنای رهائی از احساس خوشی و غمهای دنیا میباشد **मोक्ष Liberation**. خوشی و غم بزنگی شخص موکتا میآیند

ولی او در مقابلشان عکس العملی از خود نشان نمیدهد! گوئی او آنها را احساس نمیکند.

عشق و اعتقاد بی نظیری که یوگی بعد از کسب علم برهم به بغوان

پیدا میکند والاترین عشق و ایمان است **पराभक्ति highest devotion** بعضی از یوگی های عالم موکشا را بالاترین هدف خود میدانند و بعد از رسیدن بآن در آن مقام میمانند. ولیکن بعد از رسیدن به موکشا غرور موکتا بودن در وجود این یوگی ها پیدا میشود و همین غرور از یکی شدن کامل آنها با برهم نیرآکار جلوگیری میکند. غرور یوگی عالم فقط از راه عشق و ایمان به بغوان از بین میرود!

تسلیم غرور خود به بغوان آخرین مرحله از ترک ماده است و بعد از آن یوگی عالم بدون اینکه خودش آگاه باشد با برهم نیرآکار یکی میشود! احساس وحدت و یگانگی با برهم بالاترین مقام انسان است.

**ब्रह्मेक्य state of Oneness with brahm**

این مقام بی نظیر فقط از راه عشق و ایمان به بغوان حاصل میشود. در این حالت انسان یکی بودن روح خود و روح متعال را درک و تجربه میکند.



**भक्त्या मामभिजानाति यावान्यश्चास्मि तत्त्वतः।**

**ततो मां तत्त्वतो ज्ञात्वा विशते तदनन्तरम् ॥५५॥**

**ترجمه:** بکت عابد با عشق و ایمانی که بمن دارد مرا آنطور که حقیقتاً هستم میبیند و مرا میشناسد. او مجذوب من میشود و با من یکی میشود.

**تفسیر:** در وجود بکت عاشق غرور "من" یا "مال من" تمام میشود! یعنی او هر چه دارد و هر چه هست به بغوان تسلیم میکند. غرور انسان با یادگیری علم برهم از بین نمیرود بلکه با عشق و ایمان به بغوان از بین میرود.

بغوان میگوید: هر چه آشکار و هر چه که نهان است منم. پرستش، پرستش کننده و پرستش شونده نیز منم. خالق و مخلوق منم. بزرگترین و کوچکترین، بهترین و بدترین، تازه ترین و کهنه ترین، زشت ترین و زیباترین هم منم. هیچ چیز و همه چیز هم منم.

مثل ثروتی که در شکم زمین هست و آتشی که در درون هیزم هست من نیز در همه هستم ولی این حقیقت را با خواندن کتاب و یاد گرفتن شاسترا نمیتوان درک کرد! هر کس باید خودش این حقیقت را در درون خود پیدا کند. کسیکه حقیقت را پیدا میکند میتواند در باره اش سخنی بگوید.

خورشید همیشه در آسمان هست ولی وقتی که ابرها رویش را میپوشانند دیده نمیشود. باد هوا ابرها را بکنار میزند و خورشید دوباره دیده میشود. باد هوا فقط ابرها را کنار میزند و خورشیدی که در آسمان هست دیده میشود. گورو هم پرده جهالت را بکنار میزند و شاگرد حقیقت را میبیند.



सर्वकर्माण्यपि सदा कुर्वाणो मदव्यपाश्रयः।

मत्प्रसादादवाप्नोति शाश्वतं पदमव्ययम् ॥५६॥

**ترجمه:** کسیکه بمن پناه میآورد بدون کمک کسی با اتکاء بمن به مقام فناپذیر میرسد.

**تفسیر:** انسان معمولاً بوقت مشکلات و مصائب زندگی از فامیل و دوست و آشنا کمک میطلبد و تصور میکند که آنها او را نجات خواهند داد ولی در اکثر مواقع آنها مشکلاتش را بیشتر میکنند! سعادت از ازل در خود انسان هست! سعادت معنوی را با کار و تلاش خود نمیتوان حاصل کرد. شخص خردمند کارها را فقط بمنظور رها شدن از کارها انجام میدهند. شخص بکت صادقانه معتقد است که بغوان پاک، بی ایراد، بی نیاز، راضی، بیطرف و مهربان است و تمام این صفات عالی در وجود خودش هم بیدار میشوند.



चेतसा सर्वकर्माणि मयि सन्न्यस्य मत्परः ।

बुद्धियोगमुपाश्रित्य मच्चित्तः सततं भव ॥५७॥

**ترجمه:** نگران نتیجه کارهایت نباش! نتیجه کارها در دست من است! آنها را بمن بسپار. بمن ایمان داشته باش و بسوی من بیا و بیاد من باش.

**تفسیر:** بغوان میگوید: ریشه تمام فعالیت ها در طبیعت است! طبیعت هم که شامل تمام اجسام و موجودات است در اختیار من است. تو وظیفه ات را آنطور که میتوانی انجام بده و به نتیجه کار فکر نکن. زیرا کار کردن در اختیار تو است ولی نتیجه کار در اختیار من است. شخص بیخرد به جسم خود مغرور است و خود را کننده کار و مالک نتیجه کارهایش تصور میکند و دچار غمها و خوشیهای زودگذر و مصائب و مشکلات دنیا میشود. سادک خردمند حتی از بهشت هم چشم پوشی میکند و در ماوراء تمام چیزهای دنیا حقیقت را درک میکند و مثل بغوان میشود! در سراسر گیتا به داشتن افکار آرام و یکنواخت اهمیت بسیاری داده شده است. اگر انسان همین یک نعمت را داشته باشد برایش رسیدن به علم برهم، یوگا، بکتی و هر خصوصیات خوب دیگری آسان میشود. انسان ذاتاً آرام است و شخص خردمند با بی اعتنائی به خوشیها و غمهای زودگذر این آرامش را بدست میآورد و آنرا حفظ میکند.



मच्चित्तः सर्वदुर्गाणि मत्प्रसादात्तरिष्यसि ।

अथ चैत्वमहङ्कारान्न श्रोष्यसि विनङ्क्ष्यसि॥५८॥

**ترجمه:** اگر سخنان مرا بخاطر بسیاری از دریای پر آشوب زندگی نجات خواهی یافت ولی اگر نخواهی غرورت را ترک کنی در زندگی شکست خواهی خورد.

**تفسیر:** بکت بپریا بخاطر ایمانی که به بغوان دارد همیشه و در هر حال و در همه جا وجود بغوان را احساس میکند. او احساس میکند که علاوه بر خودش تمام موجودات روی زمین و آسمان، درختان، پرندگان، رودخانه ها، کوه ها و حتی زمین و آسمان هم بغوان را میستایند و از لطف او برخوردار هستند.



यदहङ्कारमाश्रित्य न योत्स्य इति मन्यसे ।

मिथ्यैष व्यवसायस्ते प्रकृतिस्त्वां नियोक्ष्यति॥५९॥



**ترجمه:** تصمیم تو برای ترک میدان جنگ نشانه جهالت تو میباشد. این تصمیم تو بیهوده است زیرا طبع تو ترا وادار به جنگیدن خواهد کرد.

**تفسیر:** مثل کسیکه در درون قایق در دریا نشسته و با تکانهای دائمی امواج دریا تکان میخورد انسان متکی به طبیعت هم چاره ای بجز انجام فرمانهای طبیعت ندارد. همه چیز در دست طبیعت است و انسان باید وظایفی را که در شاسترا بر طبق طبع او برایش مقرر شده اند انجام بدهد زیرا در غیراینصورت افکارش آرام نخواهند شد. کریشنا با یادآوری وظیفه ارجون باو میگوید که تو آنچه را که وظیفه ات است انجام بده و نگران نتایج آن نباش.

~~~~~

स्वभावजेन कौन्तेय निबद्धः स्वेन कर्मणा ।

कर्तुं नेच्छसि यन्मोहात्करिष्यस्यवशोऽपि तत्॥६०॥

ترجمه: تو یک سرباز هستی و طبع تو ترا وادار به جنگیدن خواهد کرد. جهالت و ترس واهی را کنار بگذار و بجنگ!

تفسیر: سرنوشت هر کسی را اعمال گذشته او میسازند! بعبارت دیگر اعمال انسان سرنوشت او را تعیین میکنند! بنابراین هر کسی با اعمال خوب خودش میتواند آینده بهتری را برای خود بسازد.

~~~~~

ईश्वरः सर्वभूतानां हृद्देशेऽर्जुन तिष्ठति।

भ्रामयन्सर्वभूतानि यन्त्रारूढानि मायया ॥६१॥

**ترجمه:** ای ارجون! ایشور در قلب تمام موجودات ساکن است. مایا جسم انسان را تحت سلطه خود درمیآورد و او را فریب میدهد.

**تفسیر:** هر کس نسبت به طبع خود از ایشور درون خود الهام میگیرد و براه درست یا غلط کشیده میشود!

ایشور در همه جا و هر زمان هست! عالمان معتقدند که ایشور را با تلاش خود نمیتوان یافت بلکه کسیکه تمام تلاشها را ترک کرده باو رسیده است. شخص طمعکار بطور خستگی ناپذیر به کار و فعالیتهای غیرضروری میپردازد و متوجه گذشت زمان نیست. هر کسی برای بدست

آوردن مایحتاج زندگی نیاز به کارکردن دارد ولی شخص خردمند برای یافتن آرامش درون از خوشیهای زودگذر میگذرد! در مقایسه با مسرتی که در آرامش درون هست خوشیهای دنیا هیچ هستند! مسرت درون را با کلمات نمیتوان بیان کرد.



तमेव शरणं गच्छ सर्वभावेन भारत ।

तत्प्रसादात्परां शान्तिं स्थानं प्राप्स्यसि शाश्वतम्॥६२॥

**ترجمه:** ای ارجون، ای سعادت هندوستان! تو با تمام وجودت به ایشور پناه ببر. تو بلطف او قادر به ترک خوشیها و غمهای دروغین دنیا خواهی شد و به کمال آرامش و مقام ابدی خواهی رسید.

**تفسیر:** بغوان شیری کریشنا که شکل ظهور یافته ایشور است به ارجون میگوید که ای ارجون، تو بآن ایشور که در قلب همه هست پناه ببر! یعنی به کارهائی که میکنی، اشیائی که در اختیار داری و مردم دنیا متکی نباش! فقط به ایشور متکی باش! هر قدر انسان بیشتر به ایشور نزدیک میشود صفات نیک بهشتی در او افزایش مییابند و هر قدر از او دورتر میشود صفات پلید شیطانی در او بیشتر میشوند.

समत्वम् योग उच्यते। Inner peace is the highest point of yoga

رسیدن به آرامش درون بمنزله رسیدن به نقطه اوج یوگا میباشد. سادک کارما یوگی با انجام دادن کارها و وظایف خود بدون توجه به شکست و پیروزی و بدون خواستن ثمره ای برای خود به مرحله یوگا میرسد. کسیکه برایش خوشی و غم یکی شده و کارها و وظایفش را برای حاصل کردن ثمرات مادی نمیکند به آرامش درون رسیده و یک یوگی است. در نظر این یوگی همه یکسان هستند و برایش کوچک و بزرگ، فقیر و غنی، زشت و زیبا برابرنند! افکار این یوگی همیشه آرام است!



इति ते ज्ञानमाख्यातं गुह्यादगुह्यतरं मया ।

विमृश्यैतदशेषेण यथेच्छसि तथा कुरु ॥६३॥

**ترجمه:** من اسرار نهانم را در باره هر سه روش یوگا برای تو بازگو کردم. حالا تو در باره سخنانم فکر کن و آنطور که دوست داری عمل کن.

**تفسیر:** کتب ودا و گیتا برای رسیدن به ایشور در درون خود سه روش مهم و اصلی بنامهای انجام وظیفه، کسب علم برهم و ایمان به بغوان را تعلیم داده اند. یوگای انجام وظایف در ضمن اینکه آسان است دشوار میباشد و پیروی از اصول آن مستلزم زحمت و انضباط بسیار است. بدون پیروی از اصول این روش سادک نمیتواند دو روش دیگر را بدرستی یاد بگیرد و بآنها عمل کند.

گیتا هر کسی را در انتخاب راه خود آزاد میداند و نظر خود را بکسی تحمیل نمیکند! و بهمین دلیل شیری کریشنا بارجون میگوید که "در باره سخنانم فکر کن و آنطور که میخواهی عمل کن!" بغوان میداند که هر کسی مطابق طبع خود و اعمال گذشته خودش عمل میکند و با زور و تحمیل نمیتوان چیزی را بکسی یاد داد.



सर्वगुह्यतमं भूयः शृणु मे परमं वचः ।

इष्टोऽसि मे दृढमिति ततो वक्ष्यामि ते हितम्॥६४॥

**ترجمه:** تو برای من بسیار عزیز هستی و من آنچه را که بصلاح تو است برایت بازگو کردم. حالا به خلاصه گفته هایم گوش کن.

**تفسیر:** سرتاسر گیتا پر از اسرار و معانی عمیق میباشد، اسراری که فهمیدن آن آسان نیست. بهمین دلیل بغوان شیری کریشنا گفته که اسرار گفته های مرا نباید برای هر کسی فاش کرد زیرا معمولاً کسیکه موضوعی را نمیفهمد بآن شک میکند و آنرا رد میکند!

در روش یوگای علم سادک بنزد استاد عالم (گورو) میرود و با گفتن اینکه "من شاگرد تو هستم" I am your disciple شی‌پس‌سته‌هم از گورو تقاضا میکند که او را بشاگردی بپذیرد. باین ترتیب گورو سادک را بعنوان شاگردش قبول میکند. شیری گورو شاگردش را از هر نظر میآزماید و علمی را که شاگرد آمادگی و لیاقت یادگرفتن آنرا داشته باشد باو یاد میدهد.

شیری گورو بعد از تعلیمات بسیار و سالهای طولانی ریاضت با در نظر گرفتن پیشرفت شاگردش و با توجه به نیت پاک، درون پاک، رفتار پاک و ایمان صادقانه او و با توجه به قدرت فهم شاگردش باو میگوید: "تو ایشور

هستی" **इष्टोअसि You are Ishwar**

باین ترتیب گورو فرق بین خود و شاگردش را از بین میبرد و با هم یکی میشوند! یعنی شاگرد هم گورو میشود.

~~~~~

मन्मना भव मद्भक्तो मद्याजी मां नमस्करु।

मामेवैष्यसि सत्यं ते प्रतिजाने प्रियोऽसि मे ॥६५॥

ترجمه: ای ارجون! بمن ایمان داشته باش و بکت من باش! فقط در مقابل من تعظیم کن و بسوی من بیا! باین ترتیب تو بمن خواهی رسید. تو شاگرد خوب من هستی و من صلاح ترا میخواهم.

تفسیر: سادک قبل از هر چیز باید فروتن باشد زیرا آنموقع است که گورو اسرار علم خود را در اختیارش میگذارد. همانطور که یک دختر بعد از عروسی خانه پدر را ترک میکند و بخانه شوهر میرود و آداب و رسوم خانواده شوهرش را میپذیرد یک شاگرد هم باید آئین و روش گورو را یاد بگیرد و بآنها احترام بگذارد، کتابی را که گورو میخواند مقدس بداند، از راهی که گورو میرود برود و از او کاملاً پیروی کند و بدون هیچ شکی به گفته های گورو عمل کند!

~~~~~

**सर्वधर्मान्परित्यज्य मामेकं शरणं व्रज ।**

**अहं त्वा सर्वपापेभ्यो मोक्षयिष्यामि मा शुचः॥६६॥**

**ترجمه:** تمام وظایف را ترک کن و بمن پناه بیاور. من ترا از قید گناهان رها خواهم کرد و تو موکشا را تجربه خواهی کرد! نگران چیزی نباش!

**تفسیر:** انسان با هوسها و خواسته های بیجا برای خود کارها و وظایف غیرضروری بسیاری تولید میکند و بدون انجام دادن آنها نمیتواند آرامش پیدا کند! فقط بغوان میتواند انسان را از اینگونه مشکلات رها کند.

در واقع فقط بغوان میتواند پناهگاه کامل باشد! آنها که خودشان گرفتار کارها و اشیاء هستند چگونه میتوانند به کس دیگری پناه بدهند؟ گیتا در هیچ شرایطی ترک کارها و وظایف را به هیچکسی توصیه نکرده است. در اینجا بغوان در شرایطی با ارجون گفتگو میکند که تمام گیتا را بطور کامل باو توضیح داده است. روی سخن بغوان در اینجا با سادگی است که وظایفش را با استفاده از روش کارما یوگا تمام کرده و هوسها را در آتش علم برهم سوزانده و به بغوان ایمان آورده و باو علاقمند است. سادک هم مثل دیگران است و نمیتواند بیکار بماند و حتی بعد از تمام شدن همه کارها و وظایفش احساس میکند که هنوز هم باید کاری بکند و گاهی کارهایی را بعهده میگیرد که باو مربوط نیستند. ولی بغوان میگوید که سادک باید از کمکهای بیجا به دیگران و دخالت در کار آنها اجتناب کند. در ودا گفته شده است: "شک و بدبینی باعث نابودی زندگی شخص شکاک میشود".

### संशय आत्मक विनाशयति

آدی شنکر آچاریا مهاراج میگوید: "اولین چیز مهم در زندگی ایمان است".  
आद्औ श्रद्धा



इदं ते नातपस्काय नाभक्ताय कदाचन ।

न चाश्रूषवे वाच्यं न च मां योऽभ्यसूयति॥६७॥

**ترجمه:** شیری بغوان گفت: اسرار گیتا را به کسی که ریاضت کشیدن، صبوری و پرهیزکاری را دوست ندارد نباید گفت. این راز گرانبها را بکسی که به شنیدن آن علاقه ندارد و یا کسی که بآن بدبین است نباید گفت.  
**تفسیر:** حتی اگر تمام اسرار گیتا با صراحت و روشنی به شخص بدبینی که به ایشور معتقد نیست بازگو شوند باز هم او قادر به فهمیدن آنها نخواهد شد.



य इमं परमं गुह्यं मदभक्तेष्वभिधास्यति ।

भक्तिं मयि परां कृत्वा मामेवैष्यत्यसंशयः ॥६८॥

**ترجمه:** بکت ایماندار و صادقی که اسرار گفتگوی بین من و ارجون را در جمع معتقدانم بازگو میکند به من خواهد پیوست. هیچ شکی در این نیست.

**تفسیر:** افراد شکاک و بدبین نمیتوانند به ایشور ایمان بیاورند. درک گیتا برای اینگونه افراد دشوار است. در واقع درک اسرار گیتا دشوار نیست بلکه ترک خواسته ها و گذشتن از لذات دنیا دشوار است. شخص عالمی که حقیقتاً به اصول و اهداف گیتا معتقد است و منظورش از یادگیری گیتا کسب مال و شهرت نیست با بغوان یکی میشود.

افراد بیخرد تصور میکنند که اشیاء دنیا میتوانند بآنها لذت بدهند ولی نمیدانند که مسرتی که بدنبالش هستند در درون خود آنهاست. رسیدن به سرچشمه آب حیات دشوار نیست ولی انسان باید با دیدن سراب فریب نخورد و عمرش را در بیراهه بهدر ندهد. تا زمانی که نگاه انسان بسوی سراب است از چشمه دور میماند.



न च तस्मान्मनुष्येषु कश्चिन्मे प्रियकृतमः।

भविता न च मे तस्मादन्यः प्रियतरो भुवि ॥६९॥

**ترجمه:** کاری که این بکت انجام میدهد از هر کار دیگری برای من با ارزشتر است. او از هر کسی برای من عزیزتر است.

**تفسیر:** بکت ساده و پرهیزکاری که با پیروی از روش باستانی گوروپارامپارا در جوار گورو باو صادقانه خدمت میکند اسرار این علم را از شیری گورو یاد میگیرد. علمی که بکت باین ترتیب از خدمت به گورو یاد میگیرد بهترین علم است و در هیچ کتابی یافت نمیشود! این بکت صادق بهترین عالم است.

گوروپرَمپِرا

गुरुपरमपरा Guruparampara

روش گوروپرَمپِرا یکی از روشهای با ارزش و بسیار باستانی هندوستان و سناتن هندو درم است. در این روش شاگرد برای مدت طولانی در گوروکول Gurukul (مدرسه و محل سکونت گورو) زندگی میکند. او

غرور و تمام متعلقاتش را ترک میکند و با انضباط و فروتنی خاص یک شاگرد از قوانین این روش پیروی میکند. شاگرد تمام وقت و زندگی خود را در اختیار گورو میگذارد و با کمال تواضع به گورو خدمت میکند! شاگرد در گوروکول کتب شاسترا و کتب مقدس را میخواند و بگفته ها و دستورات گورو عمل میکند و با مشاهده کارها و رفتار روزانه گورو از او الهام میگیرد. در بسیاری از موارد شاگرد بدون اینکه گورو باو چیزی بگوید حرفهای گورو را میفهمد. اینطور دیده شده که گورو چیزی نمیگوید و شاگرد چیزی از گورو نمیپرسد ولی بمرور زمان شاگرد علم برهم را از گورو یاد میگیرد و مثل گورو میشود! اصول و نظم و انضباط این روش بی نظیر تا بامروز زنده مانده و از آن پیروی میشود.



अध्येष्यते च य इमं धर्म्यं संवादमावयोः।

ज्ञानयज्ञेन तेनाहमिष्टः स्यामिति मे मतिः॥७०॥

**ترجمه:** کریشنا گفت: کسیکه شرح گفتگوی بین من و ارجون را که در ارتباط با علم، ایمان و مذهب انجام وظیفه است میخواند مثل این است که مرا از طریق آتش مقدس علم میپرسند. این نظر من است.

**تفسیر:** این جای تعجب نیست که گفتگوی بین ارجون و کریشنا در میدان جنگ اتفاق افتاده است. انسان تا وقتی که همه چیز بر وفق مرادش است بیاد ایشور نمیافتد. در این میدان جنگ ارجون از تصور اینکه تمام اقوام و فامیلش را از دست خواهد داد حتی از ثروت احتمالی که از پیروزی در جنگ عایدشان خواهد شد بیزار شده و میخواست از آنجا فرار کند. گوروی عالم و پخته تا زمانی که شاگرد سؤالی نکند باو چیزی یاد نمیدهد زیرا میداند که شاگرد باید آمادگی یادگیری را داشته باشد و کریشنا هم همین کار را کرد و تا موقعی که ارجون از او راهنمایی نخواست بود باو چیزی نگفت و اجازه داد که او هر چه میخواست بگوید.

هر کسی از هر قوم و ملیت و متعلق به هر طبقه اجتماعی میتواند گیتا را بخواند و از این علم بی نظیر بهره مند شود. در ودا و بهاگواد گیتا به انجام وظایف خود اهمیت بسیاری داده شده است. انجام وظایف خود باعث

رسیدن انسان به موفقیت‌های مادی و سعادت معنوی میشود. هیچ شکی در آن نیست.



श्रद्धावाननसूयश्च शृणुयादपि यो नरः।

सोऽपि मुक्तः शुभाल्लोकान्प्राप्नुयात्पुण्यकर्मणाम्॥७१॥

**ترجمه:** کسی که با علاقه و بدون شک و بدبینی گیتا را میخواند و یا به نقل آن گوش میکند به جمع مردم نیکوکار می پیوندد و گناهانش از بین میروند و بعد از وفات به بهشت نیکوکاران میرود.

**تفسیر:** فهمیدن و بکاربردن حتی یکی از گفته های گیتا میتواند انسان را از مشکلات نجات بدهد. نه تنها خواندن گیتا بلکه فقط گوش کردن به نقل آن هم مفید ثابت شده است. اشخاص بیسوادی دیده شده اند که گیتا را فقط باز میکنند و به نوشته هایش نگاه کرده و گفته اند که از نگاه کردن به گیتا بهره بسیاری عایدشان شده است. این عجیب نیست! زیرا حتی اگر یک شخص بیسواد هم که علمی در باره عنصر آتش ندارد دستش را به آتش نزدیک کند گرمای آتش دستش را خواهد سوزاند. گیتا هم آن آتشی است که جهالت انسان را میسوزاند و از او طلا خالص و پاک میسازد.



कच्चिदेतच्छ्रुतं पार्थ त्वयैकाग्रेण चेतसा ।

कच्चिदज्ञानसम्मोहः प्रनष्टस्ते धनञ्जय ॥७२॥

**ترجمه:** ارجون، ای غنی! آیا سخنان مرا با دقت شنیدی؟ آیا توهمی که زائیده جهالت تو بود از بین رفت؟

**تفسیر:** ارجون گفت: ای بغوان! سخنان تو مرا از توهم نجات داد و ترس و نگرانی من از بین رفت. من دیگر به برد و باخت در این جنگ فکر نمیکنم! من حالا فقط به وظیفه ام فکر میکنم. انسان بخاطر علاقه اش به دروغ است که از حقیقت روی برمیگرداند. حقیقت همیشه همانطور که هست میماند و اگر سادک یکبار آنرا درک کند دیگر دوباره فریب دروغ را نمیخورد.



هدف سادک در روش علم یادگیری علم برهم و شناختن "حقیقت" میباشد. در این روش سادک در اوج علم یکی بودن خود را با برهم درک میکند و میگوید: "من برهم هستم" I am Brahm अहं ब्रह्मास्मि . شخص عالم دو چیز را میبیند: "حقیقت" و "دروغ"! پرماثما حقیقت است و تمام اشیاء مادی دنیا دروغ هستند. او درمییابد که خودش از دروغ جدا است و میفهمد که "من برهم هستم"!

مرد عالم برهم متعال را جدا و دنیای مادیات را جدا میبیند ولی یک شخص ساده و با ایمان هر چیزی را بشکل بغوان میبیند! در نظر این شخص همه چیز این جهان حقیقت کامل و ابدی است و هیچ چیز دروغ نیست.

~~~~~

अर्जुन उवाच

नष्टो मोहः स्मृतिर्लब्धा त्वत्प्रसादान्मयाच्युत।

स्थितोऽस्मि गतसन्देहः करिष्ये वचनं तव॥७३॥

ترجمه: ارجون گفت: ای تغیرناپذیر! به لطف تو جهالت من از بین رفت و من خرد خود را باز یافتم. من از هر نوع شک و ترس رها شدم. من حالا به دستورات تو عمل خواهم کرد.

تفسیر: ارجون در اینجا شیری کریشنا را تغیرناپذیر خطاب کرده با او سخن میگوید! ارجون میگوید که "من خرد خود را باز یافتم"! انسان بکمک عقل خود اشیاء مادی را میشناسد ولی روح خود را که در ماوراء اشیاء مادی است نمیتواند بکمک عقل خود بشناسد.

علم برهم در حقیقت از ازل در ذات انسان هست! انسان با دیدن اشیاء دلفریب دنیا علم خود را فراموش میکند و گوئی غبار جهالت روی آنرا میپوشاند. کسیکه اشیاء فریبنده و غیرضروری را ترک میکند و بدنبال لذات جسمانی نمیرود جهالتش از بین میرود و نور علم را در درون خود باز مییابد. درست مثل موقعی که ابرها بکنار میروند و آفتابی که در آسمان هست دیده میشود.

ارجون با بازیافتن هوش و خرد خود به بغوان گفت که من حالا میفهمم که من از ازل متعلق به "تو" بودم، حالا متعلق به تو هستم و برای

همیشه متعلق به تو خواهم بود. ارجون با شنیدن راهنماییهای بغوان گفت: توهم بیجای من از بین رفت!.

नष्टो मोहः my delusion has come to ended

~~~~~

सञ्जय उवाच

इत्यहं वासुदेवस्य पार्थस्य च महात्मनः।

संवादमिममश्रौषमद्भुतं रोमहर्षणम् ॥७४॥

**ترجمه:** سانجای گفت: باین ترتیب من گفتگوی بی نظیر و پرمعنای بین واسودنو شیری کریشنا Vasudeo Krishna و مهاتما ارجون را شنیدم. سخنان عالمانه شیری کریشنا قابل تحسین و حیرت انگیز هستند.

**تفسیر:** در گیتا کلمه مهاتما فقط برای بکت صادق و سرسپرده بکار برده شده است. در اینجا سانجای، وزیر دانشمند پادشاه دریتراشترا ارجون را مهاتما خطاب کرده است زیرا او معتقد است که ارجون یک بکت پارسا است و به بغوان اعتقاد دارد. بغوان ارجون را بکت خطاب کرده و میگوید: تو بکت من هستی!

भक्तो सि मे (गीता 4-3) You are a devotee

گیتا معتقد است که هر کسیکه به علم برهم علاقمند باشد میتواند بدون هیچ شرطی به تحصیل علم برهم بپردازد! پرماتما بمیل و اراده خود بشکل یک انسان بر روی زمین ظاهر میشود و راه رسیدن به خوشیهای مادی و سعادت معنوی را به علاقمندان خود نشان میدهد.

~~~~~

व्यासप्रसादाच्छ्रुतवानेतदगुह्यमहं परम् ।

योगं योगेश्वरात्कृष्णात्साक्षात्कथयतः स्वयम् ॥७५॥

ترجمه: سانجای ادامه داد: من بلطف گوروی خود مهاریشی شیری وداویاسا قابلیت شنیدن سخنان شیری کریشنا را دریافت کردم و بهاگواد گیتا،

این علم اسرارآمیز را از دهان شیری کریشنا در حالیکه آنها را برای ارجون بیان میکرد شنیدم.

تفسیر: سانجای از شنیدن گفتگوی بین شیری کریشنا و مهاتما ارجون حیرت زده شده و احساس رضایت بسیار میکرد. در اینجا سانجای میگوید که من این سخنان را بلطف استادم وداویاسا مهاراج شنیدم. بهاگواد گیتا عصاره کتب ودا و بهترین و با ارزشترین شاسترا است. گفتگوی بی نظیر بین ارجون و کریشنا برای جویندگان حقیقت و سعادت معنوی بسیار با ارزش است. کتب ودا و اوپانیشادا برای شناساندن این وحدت ابدی روشهای کارما یوگا، گیان یوگا، بودهی یوگا، دیهان یوگا و بکتی یوگا را بدنیا عرضه کرده اند.

علم باستانی و بی نظیر ودا بعد از هزاران سال ریاضت در حالت سمادی به هفت مهاریشی که نام آنها قبلاً ذکر شد الهام شده بود. هدف نهائی ودا شناخت خویشتن و درک وحدت روح خود با روح متعال است. روشهای مختلف رسیدن باین هدف در کتب فلسفی ودانت و اوپانیشادا توضیح داده شده اند **उपनिषद् Upanishad**. سناتن ودیک درم دارای شش مکتب فلسفی

است و مکتب ودانت مهمترین آنها میباشد **वेदान्त Vedant**. ودانت عصاره ودا و نظریات فلسفی و فرضیات موجود در اوپانیشاد میباشد. علم برهم و موکشا موضوعات خاص تحقیق و تعلیم ودانت میباشد. ودانت میگوید که تو این جسم مادی نیستی، تو عقل صاحب منطق، قلب احساس کننده و یا غرور اغفال کننده هم نیستی! تو در ماوراء تمام اینها هستی! تو فقط یک عالم هم نیستی بلکه خودت مظهر علم و مسرت جاودان هستی! خودت را بشناس.



राजन्संस्मृत्य संस्मृत्य संवादमिममदभुतम् ।

केशवार्जुनयोः पुण्यं हृष्यामि च मुहुर्मुहुः ॥७६॥

ترجمه: ای پادشاه دریتراشتر! با بخاطر آوردن این گفتگوی شگفت انگیز مسرت غیرقابل توصیفی تمام وجودم را فرا گرفته است.

تفسیر: گیتا سرشار از علم وسیع و غنی است و میتواند حتی در شرایط دشواری مثل جنگ هم بانسان کمک کند! وقتی که سادک به ایشور پناه میبرد و از او کمک میطلبد آنموقع او بشکل جسمانی درمیآید و سادک را راهنمایی میکند. الطاف و کرامات بغوان باشکال مختلف همیشه و در همه جا هست و هر کسی میتواند آنها را دریافت کند!

~~~~~

तच्च संस्मृत्य संस्मृत्य रूपमत्यद्भुतं हरेः।

विस्मयो मे महानाजन्हृष्यामि च पुनः पुनः॥७७॥

**ترجمه:** سانجای ادامه داد: ای پادشاه، بخاطر آوردن جسم خارق العاده کریشنا بشکل این جهان عظیم دچار خوشی و هیجان شده ام و حیرت سرپای مرا فرا گرفته است.

**تفسیر:** بعد از تحصیل شاسترا و یافتن لیاقت کسب علم شیری گورو به سادک مشتاق علم برهم را یاد میدهد! گورو باو میگوید که آن حقیقت یگانه که تو جستجو میکنی نه تنها در ماوراء اشیاء مادی است بلکه در هر ذره هست و خود هر ذره است!

~~~~~

यत्र योगेश्वरः कृष्णो यत्र पार्थो धनुर्धरः।

तत्र श्रीर्विजयो भूतिर्ध्रुवा नीतिर्मतिर्मम ॥७८॥

ترجمه: در جائیکه یوگایشور کریشنا و تیرانداز ماهر ارجون هست در آنجا پیروزی، ثروت های فرخنده و اصول پاک اخلاقی استوار هستند! من اینطور میدانم.

تفسیر: کسیکه با سادگی و صداقت به بغوان روی میآورد مسلماً به هدف پاک خود خواهد رسید. پاکی، آرامش درون و بیرون، نور علم و آگاهی جاودان، محبت و خصوصیات نیک را سادک از بغوان الهام میگیرد و مثل او میشود. ارجون شخص صادق و خیراندیش است و شیری کریشنا با راهنمایی هایش او را بسوی خوشبختی و سعادت هدایت کرد.

مثل یک پدر بزرگوار که آرزو دارد پسرش از نظر تمام محسنات
بر خودش برتری داشته باشد شیری کریشنا هم از دیدن موفقیت ارجون بسیار
خوشحال شده و احساس رضایت و افتخار میکرد.

پایان بخش هجدهم بهاگواد گیتا – علم برهم
گفتگوی بین شیری کریشنا و ارجون



با درود فراوان و تعظیم به قدمهای پاک پدر و مادرم
 این خدمت ناقابل را به قدمهای مبارک
 سوامی رام سوکداس مهاراج
 تقدیم میدارم
 از تمام کسانی که در این راه مرا کمک و راهنمایی کرده اند
 صمیمانه تشکر میکنم.

यह नम्र सेवा आदर पूर्वक
 स्वामी रामसुखदास महाराज
 के चरणों में अर्पण करती हूँ।

अनुवादक नाहिदा साधुदास
 Translation by: Nahida Sadhudas

ترجمه بتوسط: ناهیدا سادوداس

February/ 26/ 2026